

ترجمہ کامل الزیارات



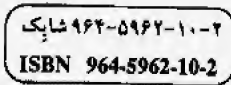
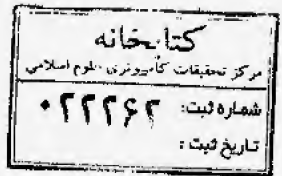
ابی القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویہ القمی

مترجم

سید محمد جواد ذہنی تهرانی

ناشر

انتشارات پیام حق



شناسنامه



مرکز تحقیقات کتاب و روزنامه‌های علوم اسلامی

نام کتاب: ترجمه کامل الزیارات
مؤلف: جعفر بن محمد بن قولویه
مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی
نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۷۷
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
چاپ: طلوع آزادی
ناشر: پیام حق

تهران، خیابان ناصر خسرو، کوچه حاج نائب،

پاساژ خاتمی، انتشارات پیام حق

تلفن: ۶۴۵۰۶۳۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و سپاس خالق را که بهترین و کامل ترین شرایع را برای ما قرار داد و اکمل و اشرف انبیاء عظام را هادی ما نمود و اعظم و اعلم اوصیاء را ولی و قائم ما گرداند.

بهترین تهنیت و خالص ترین تحیت ما بر وجود مبارک خاتم الانبیاء حضرت محمد ﷺ و بر سید الاوصیاء اعلیٰ حضرت علوی صلوات الله و سلامه علیه و ابناء طیبین و طاهرینش که جملگی اختران تابناک آسمان ولایت و اعلام بارزه سُبُل هدایت می باشند.

و لعنت ابدی و نفرین سرمدی بر اعداء و غاصبین حقوق این خاندان آمین
یا رب العالمین.

محضر سروران و خوانندگان محترم می رساند که بهترین و ارزشمندترین سرمایه های معنوی مسلمین بالاخص طائفه حقه امامیه اثنی عشریه دعاء و توسل به اذیال پر فیض و سائط بین خالق و مخلوق و انوار درخشان مظاهر کامله حضرت احدیت یعنی ذوات مقدسه حضرات چهارده معصوم سلام الله علیهم اجمعین می باشد.

لازم به تذکر است که عالی ترین نوع توسل و تقرب جستن به درگاه حق عزوجل ذکر مصائب و گریستن بر مظلومیت های عزیزترین موجودات نزد خداوند تبارک و تعالی یعنی معصومین علیهم السلام بالاخص حضرت سید الشهداء سلام الله علیه می باشد و در این نحو از توسل و تقرب فرقی نیست بین اقامه عزاء و شرکت در مجالسی که به همین منظور به پا می شود یا به منظور زیارتشان به مشاهد مشرفه

کوچ کردن و رنج سفر به خود وارد نمودن چه آنکه همه این توهمات دارای اجر و فضیلت بوده و بر طبق روایات صحیح‌های که از طرق معتبره به ما رسیده جملگی موجب نجات و فلاح انسان می‌باشند.

در طول غیبت حجت بالغه حق سلام الله علیه علماء ربانی و دانشمندان صمدانی کتبی در این زمینه به رشته تألیف و تصنیف در آورده‌اند که اقدم و استوارترین آنها کتاب شریف «کامل الزیارات» تألیف فقیه ماضی و محدث نامی ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه القمی می‌باشد که به تصدیق ارباب فن از بهترین مسفوراتی است که در این باره تألیف و تصنیف شده است و چون طبق معمول این کتاب به زبان عربی است و فارسی‌زبانانی که از علوم عربیه بی‌بهره هستند نمی‌توانند از آن استفاده کنند بر حسب پیشنهاد مکرر بسیاری از دوستان و آشنایان و تشویق کثیری از سروران و اعزّه و لطف و عنایتی که به این حقیر دارند داعی تصمیم گرفتم آنرا به زبان فارسی سلیس ترجمه کرده و از هرگونه شرح و توضیحی در ذیل آن امتساک نموده تا موجب تطویل و تکبیر کتاب نشده و بدینوسیله برای خوانندگان موجب ملال و سبب کلال نباشد، بحمدالله این تصمیم از مرحله طرح به مرتبه اجراء و از قوه به فعل مبدل گشت و اکنون تمام کتاب من الهدی الی الختم به زبان فارسی برگردانده شده و آماده بهره‌برداری گردیده است و از آنجائی که قرعه سعادت بنام انتشارات پیام حق در آمده از این رو کتاب حاضر توسط این انتشارات و با هزینه پر برکت آن تحت مدیریت آقایان حاج فخرالدین جواهریان و فاضل محترم حاج محمد جاسبی ایدهماالله طبع و تکثیر و منتشر می‌شود خداوند متان به تمام اهل خیر و بانیان علم و فضیلت توفیق دهد که مال و عمر عزیزشان را صرف آنچه ترویج دین و مذهب در آن است نمایند که خیر دنیا و آخرت در آن می‌باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الباب الأول

﴿ ثواب زیارة رسول الله و زیارة امیرالمؤمنین و الحسن و الحسین ﴾
﴿ - صلوات الله علیهم - ﴾

١ - أخبرنا أبو القاسم جعفر بن محمد بن محمد بن قوئويه القميّ الفقيه قال: حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله بن أبي خلف الأشعري، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد البرقي، عن قاسم بن يحيى، عن جده الحسن بن راشد، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «بينما الحسين بن علي عليه السلام في حجر رسول الله ﷺ إذ رفع رأسه فقال له: يا أبة ما لمن زارك بعد موتك؟ فقال: يا بني من أتاني زائراً بعد موتي فله الجنة، و من أتى أباك زائراً بعد موته فله الجنة، و من أتى أخاك زائراً بعد موته فله الجنة، و من أتاك زائراً بعد موتك فله الجنة».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«باب اول»

«ثواب زیارت پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین و حسنین صلوات الله
علیهم اجمعین»

«حدیث اول»

ترجمه:

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی فقیه می گوید:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری و او از احمد بن
محمد بن عیسی و او از محمد بن خالد برقی و او از قاسم بن یحیی، و او از
جدش حسن بن راشد و او نیز از عبدالله بن سنان و او از حضرت ابی عبدالله امام
صادق علیه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام در دامن پیامبر صلی الله علیه و آله بودند؛ سپس سر مبارک بالا
نموده و عرضه داشت:

ای پدر ثواب کسی که پس از رحلتان شما را زیارت کند چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

پسر، کسی که من را پس از رحلت زیارت کند مستحق بهشت بوده و در
صورتی که بعد از ارتحال پدرت او را زیارت نماید به بهشت داخل می گردد و
اگر برادرت را پس از ممات زیارت نماید بهشت حق او بوده و آن کس که بعد از
شهادت تو را زیارت کند بهشت از آن او می باشد.

متن:

۲ - عنه عن أحمد بن محمد بن عيسى عن علي بن اسباط عن عثمان بن عيسى عن المعلی (بن) أبي شهاب عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: قال الحسين - صلوات الله عليه - لرسول الله صلى الله عليه وآله: ما جزاء من زارك؟ فقال: يا بُنَيَّ من زارني حيّاً أو ميتاً أو زار أباك أو زار أخاك أو زارك كان حقاً علىّ أن ازوره يوم القيامة حتى أخلصه من ذنوبه».

«حدیث دوم»

ترجمه:

از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عيسى، و او از علی بن اسباط، و او از عثمان بن عيسى، و او از معلی بن ابی شهاب و او از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل نمود که آن حضرت فرمودند: حضرت ابی عبدالله الحسین صلوات الله علیه به جناب رسول الله صلى الله عليه وآله عرض کردند: «پیامبر من! کسی که شما را زیارت کند چیست؟»
پیامبر صلى الله عليه وآله فرمودند:

پسرم، کسی که من را در حال حیات و بعد از آن زیارت کند یا به زیارت تو و برادرت آید هر من لازم است که در روز قیامت به زیارتش رفته تا او را از عذاب گناهانش برهانم.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - ؛ و مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ - رَفَعَهُ - «قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا عليُّ من زارني في حياتي أو بعد موتي؛ أو زارك في حياتك أو بعد موتك؛ أو زار أبنيك في حياتهما أو بعد موتهما

ضمنت له يوم القيامة أن أخلصه من أهوالها وشدائد ها حتى أصيره معي في درجتي».

«حدیث سوم»

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و محمد بن یعقوب از احمد بن ادریس نقل نمودند و او از شخصی که یادش نموده و وی از محمد بن سنان و او از محمد بن علی به طور مرفوعه نقل نموده که رسول خدا ﷺ فرمودند: یا علی، کسی که من را در حال حیات یا پس از آن زیارت کند یا به زیارت تو و دو فرزندت در حال حیات و پس از آن آید من ضامنم که در روز قیامت او را از وحشت ها و سختی های آن روز رهانیده تا جایی که از نظر درجه و مقام با من باشد.



متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ: حَدَّثَنِي عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا؛ مِنْهُمْ: أَحْمَدُ بْنُ - اِدْرِيسَ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ الْعَمْرِكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ يَحْيَى - وَ كَانَ خَادِمًا لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ﷺ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - رَفَعَهُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ﷺ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرَّتُهُ يَوْمَ - الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا».

«حدیث چهارم»

ترجمه:

محمد بن یعقوب برایم چنین نقل نمود:
عده ای از اصحاب ما که از جمله ایشان: احمد بن ادریس و محمد بن یحیی هستند از عمر کی بن علی و او از یحیی که خادم حضرت ابی جعفر ثانی ﷺ است و وی از برخی اصحاب ما به طور مرفوعه از حضرت محمد بن علی بن الحسین ﷺ نقل نموده که آن جناب فرمودند:

پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند:

کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند روز قیامت به زیارت او آمده و وی را از هول و وحشت‌های آن روز می‌رهانم.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَثْمَانُ بْنُ عِيسَى، عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ أَبِي شِهَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: يَا أَبَتَاهُ مَا جِزَاءُ مَنْ زَارَكَ؟ فَقَالَ ﷺ: يَا بَنِيَّ مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأُخْلَصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

«حدیث پنجم»

ترجمه:

پدرم حسن از پدرش علی بن مهزیار، وی گفت:
عثمان بن عیسی از معلی بن ابی‌شهاب نقل نمود و وی از حضرت ابی‌عبدالله ﷺ که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی ﷺ به رسول خدا ﷺ عرض نمود:

ای پدر، پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟

پیامبر ﷺ فرمودند:

فرزندم، کسی که من را در حال حیات و بعد از آن زیارت کند یا به زیارت پدر و برادر تو و شما بیاید بر من است که او را در روز قیامت زیارت کرده و از گرفتاری گناهانش برهانم.

﴿الباب الثاني﴾

﴿ثواب زيارة رسول الله ﷺ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَجْزُوبٍ ، عَنْ أَبَانَ ، عَنْ السَّدُّوسِيِّ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

﴿باب دُوم﴾

﴿ثواب زیارت رسول خدا ﷺ﴾

﴿ترجمه حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از حسن بن محبوب و او از ابان و او از سدوسی و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل می کند که آن جناب فرمودند: رسول اکرم ﷺ فرمودند: کسی که به زیارت من آید روز قیامت من شفیع او هستم.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ - رَحِمَهُ اللَّهُ - ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى ، عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ : «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام : جَعَلْتَ فِدَاكَ مَا لَمْ يَزَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُتَعَمِّدًا قَالَ: لَهُ الْجَنَّةُ».

«حدیث دوم»

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد علیه الرحمه از محمد بن حسن صفار نقل نموده و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از ابن ابی بحران وی میگوید:
محضر مبارک حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلام عرض کردم:
فدایت شوم ثواب و پاداش کسی که با قصد به زیارت رسول خدا برود چیست؟

حضرت فرمودند:

بهشت برای او است.

متن:

۳- حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِنَا، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ معاوية بن حكيم، عن عبد الرحمن بن أبي نجران «قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن زار قبر النبي صلى الله عليه وآله قاصداً؟ قال: له الجنة».

«حدیث سوم»

ترجمه:

جماعتی از مشایخ ما از محمد بن یحیی نقل نموده‌اند و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از معاویه بن حکیم و او از عبدالرحمن ابن ابی نجران نقل کرده که گفت:

از حضرت ابا جعفر علیه السلام پرسیدم: پاداش کسی که قبر نبی اکرم صلی الله علیه و آله را با قصد زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

بهشت برای او است.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي جَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِنَا بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ: مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مُتَعَمِّدًا؟ قَالَ: يَدْخُلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ ما با همین سندی که در حدیث قبل نقل شد از عبدالرحمن بن ابی نجران حدیث نموده‌اند و او از حضرت ابی جعفر ثانی چنین نقل کرده، میگوید:

محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتند: پاداش کسی که از روی قصد و عمد به زیارت حضرت نبی اکرم صلى الله عليه وآله برود چیست؟ حضرت فرمودند:

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

اگر خدا بخواهد او را به بهشت وارد می‌نماید.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضَرَمِيِّ «قَالَ: قَدْ أَمَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنْ أَكْثَرَ الصَّلَاةَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا اسْتَطَعْتُ، وَقَالَ: إِنَّكَ لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ كَلِّمَا شِئْتَ، وَقَالَ لِي: تَأْتِي قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ يَسْمَعُكَ مِنْ قَرِيبٍ وَيَبْلُغُهُ عَنْكَ إِذَا كُنْتَ نَائِيًا».

ترجمه:

«حدیث پنجم»

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از علی بن حکم و او از سیف ابن عمیره و او از ابوبکر حضرمی نقل نمود که وی گفت:

حضرت ابا عبدالله علیه السلام به من امر فرمودند که آنچه ده توان و قدرت داری در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز بگذار و فرمودند:

این طور نیست که هر وقت اراده کنی در آنجا نماز بگذار بر آن قادر باشی پس فرصت را غنیمت بشمار سپس به من فرمودند:

آیا نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می آئی و زیارتش می کنی؟

عرض کردم: بلی

فرمودند:

حقاً این طور است که زیارت تو را حضرت از نزدیک شنیده و اگر هم دور باشی از تو به حضرتش می رسانند.

متن:

٦ - و یاسناده عن سَیْفِ بْنِ عَمِیرَةَ، عن عامر بن عبد الله «قال: قلت لأبي عبد الله علیه السلام: إِنِّي زِدْتُ جَمَالَ دِينَارِ بْنِ أَوْ ثَلَاثَ عَلِيٍّ أَنْ يَمُرَّ بِی عَلِيٌّ الْمَدِينَةَ، فَقَالَ: قَدْ أَحْسَنْتَ! مَا أَيْسَرُ هَذَا! تَأْتِي قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ تَسْلَمُ عَلَيْهِ، أَمَا إِنَّهُ لَيَسْمَعُكَ مِنْ قَرِيبٍ وَ يَبْلُغُهُ عَنْكَ مِنْ بَعِيدٍ».

ترجمه:

«حدیث ششم»

حمیری به استاد سابقش از سیف بن عمیره، از عامر بن عبدالله، وی می گوید: معاصر حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرضه داشتیم:

به سارابان خود دو یا سه دینار اضافه دادم تا من را به مدینه ببرد.

حضرت فرمودند:

بسیار کار خوبی کردی، سهل و آسان است زیرا با این عمل قبر رسول خدا ﷺ را زیارت نمودی، حقاً این طور است که زیارت تو را حضرت از نزدیک شنیده و اگر هم دور باشی از تو به حضرت می‌رسانند.

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ۖ: جَعَلْتَ فِدَاكَ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مُتَعَمِّدًا؟ قَالَ: يَدْخُلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

ترجمه: حضرت محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبد الرحمن بن ابی نجران می‌گوید:

﴿حدیث هفتم﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبد الرحمن بن ابی نجران وی می‌گوید:

محضر امام ابی جعفر ثانی علیه السلام عرضه داشتم: فدایت شوم پاداش کسی که با قصد و عمد به زیارت قبر رسول خدا ﷺ برود چیست؟

حضرت فرمودند:

اگر خداوند بخواهد او را داخل بهشت می‌کند.

متن:

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عِدَّةٍ مِنْ رِجَالِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نُجْرَانَ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ﷺ: جَعَلْتَ فِدَاكَ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مُتَعَمِّدًا؟ قَالَ: لَهُ الْجَنَّةُ».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب، از عده‌ای از رجالش، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبدالرحمن بن ابی نجران، وی می‌گوید: محضر امام ابی جعفر ثانی ﷺ عرضه داشتم: فدایت شوم پاداش کسی که با قصد و عمد به زیارت قبر رسول خدا ﷺ برود چیست؟

حضرت فرمودند:

بهشت از آن او است.



مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

متن:

۹- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ؛ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ بُنْدَارٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ سَلْيَانَ الدَّيْلَمِيِّ، عَنْ أَبِي حَجَرَ الْأَسْلَمِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَتَى مَكَّةَ حَاجًّا وَلَمْ يَزِرْنِي بِالْمَدِينَةِ جَفَوْتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ وَمَنْ زَارَنِي زَائِرًا وَجِبَتْ لَهُ شِفَاعَتِي؛ وَمَنْ وَجِبَتْ لَهُ شِفَاعَتِي وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ مَاتَ فِي أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ: مَكَّةَ أَوِ الْمَدِينَةَ لَمْ يُعْرَضْ إِلَى الْحِسَابِ؛ وَمَاتَ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَحُشِرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَصْحَابِ بَدْر».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید و محمد بن یعقوب، از علی بن محمد بن بندار، از ابراهیم بن اسحاق، از محمد بن سلیمان دیلمی، از ابی حجر اسلمی، وی می‌گوید:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هرکسی که برای اعمال حج به مکه رفته و سپس من را در مدینه زیارت نکند من نیز در روز قیامت به او جفا خواهم کرد و کسی که من را زیارت نماید شفاعت من نصیبش می‌گردد و کسی که از شفاعت من بهره‌مند شود بهشت بر او واجب می‌گردد، سپس فرمود:

و کسی که در یکی از دو حرم (مکه و مدینه) از دنیا برود او را در موقف حساب نیاروده و مهاجر الی الله محسوب شده و روز قیامت با اصحاب بدر محشور می‌گردد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أُبَيَّةَ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنِ السَّدُوسِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی از پدرش و او از حسن بن محبوب و او از ابان و او از سدوسی و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که به زیارت من آید من در روز قیامت شفیع او خواهم بود.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ سَيْفٍ قَالَ: حَدَّثَنِي الْفَضْلُ بْنُ مَالِكٍ النَّخَعِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي يَحْيَى الْمَدَنِيُّ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ سُلَيْمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ «قَالَ: مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي كَانَ فِي جَوَارِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

«حدیث یازدهم»

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه بن خطاب و او از علی بن سیف و او از فضل بن مالک نخعی و او از ابراهیم بن ابی یحیی مدنی و او از صفوان بن سلیم و او از پدرش و او از پیامبر اکرم ﷺ نقل نموده که آن حضرت فرمودند: کسی که با در حال حیات و یا بعد از ممات من را زیارت کند روز قیامت در جوار و همسایگی من خواهد بود.

متن:

۱۲ - وَعَنْهُ، عَنْ سَلَمَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ قَالَ: حَدَّثَنِي سُلَيْمَانُ بْنُ عَمْرٍو النَّخَعِيُّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِيهِ، إِعْنِ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ؑ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي، وَكُنْتُ لَهُ شَهِيداً وَشَافِعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

«حدیث دوازدهم»

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه، از علی بن سیف از سلیمان بن عمر النخعی، از عبدالله بن حسن، از پدرش از مولانا علی بن ابی طالب ؑ نقل نموده

که آن حضرت فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که بعد از حیات من را زیارت کند گویا من را در حال حیاتم زیارت کرده و من در روز قیامت برای وی شاهد و شافع خواهم بود.

متن:

۱۳ - و عنه، عن سَلَمَةَ، عن جعفر بن بشیر، عن أبان بن عثمان عن السَّدُوسِيِّ، عن أبي عبد الله عليه السلام: «قال: قال رسول الله ﷺ: من أتاني زائراً كنت له شافعاً يوم القيامة».



«حدیث سیزدهم»

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه، از جعفر بن بشیر، از ابان بن عثمان، از سدوسی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که به زیارت من آید روز قیامت من شفیع او خواهم بود.

متن:

۱۴ - و عنه، عن سَلَمَةَ قال: حدثني زيد بن أبي زيد الهروي عن قتيبة بن ابن سعيد قال: قال رسول الله ﷺ: «من أتاني زائراً في المدينة محتسباً كنت له شافعاً يوم القيامة».

«حدیث چهاردم»

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه، از زید بن ابی زید الهروی و قتیبة بن سعید نقل نموده، وی گفت: رسول خدا ﷺ فرمودند: کسی که به امید ثواب و اجر در مدینه به زیارت من آید روز قیامت شفیع او خواهم بود.

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى؛ وَ أَحْمَدَ بْنِ أَدْرِيسَ جَمِيعاً، عَنْ سَلَمَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا بِهَذَا الْحَدِيثِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مُتَعَمِّداً؟ قَالَ: يَدْخُلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

«حدیث پانزدهم»

ترجمه:

جماعتی از مشایخم رحمة الله عليهم از محمد بن یحیی و احمد بن ادريس جميعاً از سلمه نقل کرده‌اند که وی گفت: برخی از اصحاب ما این حدیث را از ابن ابی نجران نقل کرده که وی گفت: محضر مبارکش عرضه داشتم: پاداش کسی که به زیارت رسول خدا ﷺ رفته و قصدش صرفاً زیارت بوده چیست؟ فرمود: خداوند او را در بهشت داخل می‌کند.

متن:

۱۶ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَجَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبِيانَ، عَنْ السَّدُوسِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

ترجمه:

﴿ حدیث شانزدهم ﴾

پدر و جماعتی از مشایخ من از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از ابان، از سدوسی از حضرت ابا عبدالله عليه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند: رسول خدا ﷺ فرمودند: کسیکه به زیارت من آید روز قیامت شفع او خواهم بود.

متن:

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

۱۷ - حَدَّثَنِي أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ مُوسَى بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُوسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدَ الْأَشْعَثِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إِلَيَّ فِي حَيَاتِي، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعُوا فَابْعَثُوا إِلَيَّ بِالسَّلَامِ فَإِنَّهُ يَبْلُغُنِي».

ترجمه:

﴿ حدیث هفدهم ﴾

ابوالفضل محمد بن احمد بن سلیمان، از موسی بن محمد بن موسی، از محمد بن محمد اشعث می گوید: ابوالحسن موسی بن اسماعیل بن موسی بن

جعفر علیه السلام می گوید:

پدرم (یعنی اسماعیل) از پدرش (یعنی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام) از جدش (یعنی از جد پدرم) حضرت جعفر بن محمد، از پدرش، از حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که بعد از حیاتم قبر من را زیارت کند مانند کسی است که در زمان حیاتم بطرف من هجرت کرده و به زیارتم آمده باشد، بنابر این اگر نتوانستید به زیارتم آئید از همان مکان دور سلام فرستید که به من خواهد رسید.

متن:

۱۸ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ أَبِي شِهَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَا أَبَتَاهُ مَا جَزَاءُ مَنْ زَارَكَ؟ فَقَالَ عليه السلام: يَا بُنَيَّ مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ».

﴿حدیث هیجدهم﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از عثمان بن عیسی، از معلی بن ابی شهاب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل می کند که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام به رسول خدا ﷺ عرض کرد:

پدرم: پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟

رسول خدا ﷺ فرمودند:

پسرم، کسی که در حال حیات و مماتم من را زیارت کند بر من است که روز قیامت به زیارتش رفته و او را از گرفتاری گناهانش برهانم.

متن:

۱۹ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ .

ترجمه: ﴿ حدیث نوزدهم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید باسنادش مثل همین حدیث را نقل نموده



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۲۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ محبوبٍ ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ ، عَنْ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام : « قَالَ : إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ تَعْدِلُ حِجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ مَبْرُورَةً » .

ترجمه: ﴿ حدیث بیستم ﴾

محمد بن جعفر رزازی (از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از حسن بن محبوب، از جمیل بن صالح، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل می‌کند که آن جناب فرمودند:

زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله معادل و مساوی حج مقبولی است که با آن حضرت بجا آورده شود.

متن:

۲۱- و عنه، عن محمد بن محمد بن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقیبة، عن زید الشَّحَام «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما لمن زار قبر رسول الله ﷺ؟ قال: كمن زار الله في عرشه».

«حدیث بیست و یکم»

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسن، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از زید شحام نقل نموده، وی می گوید:
 بمحضری ابی عبدالله علیه السلام عرضه داشتم:
 ثواب و پاداش کسی که قبر رسول الله ﷺ را زیارت کند چیست؟
 حضرت فرمودند:
 وی مانند کسی است که خدا را در عرشش زیارت نموده باشد.

﴿البَابُ الثَّالِثُ﴾

﴿زِيَارَةُ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالدُّعَاءُ عِنْدَهُ﴾

متن:

١ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ،
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ قُضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ؛ وَ صَفْوَانَ؛ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ
جَمِيعاً، عَنْ معاويةَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ
الْمَدِينَةَ فَاغْتَسِلْ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَهَا أَوْ حِينَ تَرِيدُ أَنْ تَدْخُلَهَا ثُمَّ تَأْتِي قَبْرَ النَّبِيِّ
ﷺ فَتُسَلِّمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ تَقُومُ عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الْمَقْدَمَةِ عَنْ جَانِبِ
الْقَبْرِ الْأَيْمَنِ عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ وَأَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ وَ مَتَكِّبُكَ الْأَيْسَرُ إِلَى
جَانِبِ الْقَبْرِ وَ مَتَكِّبُكَ الْأَيْمَنُ مِمَّا يَلِي الْمِنْبَرَ، فَإِنَّهُ مَوْضِعُ رَأْسِ النَّبِيِّ ﷺ
وَ تَقُولُ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ،
وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ لَأَمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ، وَ عِبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،
وَ أَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَ أَنَّكَ قَدْ رَأَيْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غَلُظْتَ عَلَى
الْكَافِرِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكَرَّمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشُّرْكِ وَ الضَّلَالَةِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ
مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَهْلِ
السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ؛ وَ مَنْ سَبَّحَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ
عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ خَلِيقِكَ وَ صَفِيِّكَ

وَصَفْوَتِكَ وَخَاصَّتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَأَعْطِهِ الدَّرَجَةَ
وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَأَبْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَعْطِيهِ بِهِ الْأَوَّلُونَ
وَالْآخِرُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاوَوْكَ
فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً»^(۱)، وَإِنِّي
أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي، وَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِي الرَّحْمَةِ
مُحَمَّدٍ ﷺ، يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ إِلَيْكَ لِیَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي.
وَإِنْ كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَاجْعَلْ قَبْرَ النَّبِيِّ ﷺ خَلْفَ كِتْفِيكَ، وَاسْتَقْبَلِ
الْقَبِيلَةَ، وَارْفَعْ يَدَيْكَ وَاسْأَلْ حَاجَتَكَ، فَإِنَّكَ أَهْرَى أَنْ تَقْضَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

﴿باب سوم﴾

﴿زیارت قبر رسول خدا ﷺ﴾
﴿و خواندن دعاء نیز بر آن﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از
فضالة بن ایوب و حسین از صفوان و ابن ابی عمیر جمیعاً از معاویه بن عمار، از
حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده اند آن جناب فرمودند:

هنگامی که به مدینه وارد شدی پیش از ورود یا وقتی اراده ورود کردی غسل
کن و پس از آن نزد قبر رسول خدا ﷺ برو و بر آن جناب سلام کن سپس
نزدیک ستونی که از جانب راست قبر جلو قرار گرفته برو و بالای سر قبر در

حالی که رو به قبله قرار گرفته‌ای و شانه چپ تو به جانب قبر و شانه راست
 بطرف منبر می‌باشد بایست که آنجا مکان سر مبارک رسول خدا ﷺ است و
 بگو: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ: شهادت می‌دهم خدائی
 نیست مگر خداوند متعال که تنها بوده و انباز و شریکی ندارد.

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ: و شهادت می‌دهم حضرت محمد ﷺ
 بنده و فرستاده اوست.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: و شهادت می‌دهم تو
 فرستاده خدا هستی و تو جناب محمد بن عبدالله می‌باشی.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتَ رَبِّكَ: و شاهدت می‌دهم تو رساندی
 پیام‌های پروردگارت را.

وَنَصَحْتَ لِمَلِكِكَ: و اَمّت خود را پند و اندرز دادی.

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: و در راه خدا جهاد نمودی.

وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ: و پرستیدی حق تعالی را تا هنگامی که
 موت تو را دریافت.

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ: اَمّت خود را با حکمت و اندرزهای پسندیده
 نصیحت نمودی.

وَأَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ: و حقّی که بر عهده داشتی ادا نمودی.

وَأَنَّكَ قَدْ رَأَيْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغَلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ: و شهادت می‌دهم

که نسبت به اهل ایمان رنوف و مهربان، و بر اهل کفر غلیظ و خشن بودی.

فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمَكْرُمِينَ: پس خداوند رساند تو را به

بالا ترین مرتبه اهل اکرام.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَقْنَدَنَا بِكَ مِنَ الشَّرِكِ وَالضَّلَالَةِ: حمد و ستایش

می کنیم خدائی را که بوسیله تو ما را از شرک و گمراهی رهایی داد:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِكَ الصّٰلِحِينَ وَ اَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ اَهْلَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ مَنْ سَبَّحَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ: خداوندا درود خود و فرشتگان مقرب و بندگان شایستهات و پیامبران فرستادهات و نیز درود اهل آسمانها و زمین و موجودات قدیم و جدیدی که پروردگار عالم را تسبیح و تنزیه نموده اند را قرار بده...

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ اَمِينِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صَفِيكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ: بر حضرت محمد ﷺ که بنده و فرستاده و پیامبر و امین و نیکو نژاد و محبوب و خالص و برگزیده شده و اختصاص داده شده و انتخاب شده تو از میان مخلوقات می باشد.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

اَللّٰهُمَّ وَاَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِيْلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ اِنْعِمْ عَلَيْهِ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغْبُطُهُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَ الْاٰخِرُونَ: خداوندا مقام و منزلت در بهشت به آن حضرت اعطاء بفرما و بر انگیز آن جناب را در حالی که مقام و درجه ای پسندیده داشته به طوری که خلق اولین و آخرین غبطه آن را بخورند.

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ وَ لَوْ اَنْهَمُ اِذْ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ ثُمَّ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُوْلُ لَوْ جَدَّوْا اللّٰهَ تَوَّاباً رَحِيْمًا: خداوندا خودت در قرآن فرموده ای:

اگر گروه گناه کاران بواسطه گناه بر خود ستم کنند و سپس نزد تو آیند (ای پیامبر) پس بواسطه تو از خدا طلب آمرزش کنند و تو از خدا طلب مغفرت کنی البته خواهند دید که خداوند توبه ایشان را پذیرفته و به آنها ترحم می نماید.

وَإِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي: و من در حالی که طلب آمرزش کرده و از گناهانم توبه می‌کنم به پیامبرت پناهنده شده‌ام.

وَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ: و من به توسط پیامبرت آن پیامبر رحمت یعنی حضرت محمد ﷺ به تو روی می‌آورم.

يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي: ای محمد ﷺ من به خدا متوجه شده و روی می‌آورم همان خدای من و تو تا گناهانم را ببخشد. و اگر حاجت داری قبر مطهر را پشت سر قرار بده و رو به قبله بایست و دو دست را بلند نما و سپس حاجتت را از خدا بخواه که انشاء الله مستجاب خواهد شد.



متن:

۲ - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمَوْسَوِيّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نُهَيْكٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ معاويةَ بْنِ عَمَّارٍ «قال: قال أبو عبد الله ﷺ: إِذَا فَرَّغْتَ مِنَ الدُّعَاءِ عِنْدَ الْقَبْرِ فَأَتِ الْمَنْبِرَ وَاْمْسَحْ بِيَدِكَ وَخُذْ بَرُمَاتِنِيهِ وَهَما السُّفْلَاوَانِ؛ وَاْمْسَحْ وَجْهَكَ وَ عَيْنَكَ بِهِ، فَإِنَّهُ يَقَالُ: إِنَّهُ شِفَاءٌ لِلْعَيْنِ، وَ قَمِ عِنْدَهُ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ، وَ سَلْ حَاجَتَكَ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قال: ما بين منبري و بَيْتِي رَوْضَةٌ مِنْ رِياضِ الْجَنَّةِ، و إِنَّ مِنبْرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرْعِ الْجَنَّةِ، وَ قِوَامُ الْمَنْبِرِ رُتْبٌ فِي الْجَنَّةِ - وَ التُّرْعَةُ هِيَ الْبَابُ الصَّغِيرُ - ثُمَّ تَأْتِي مَقامُ النَّبِيِّ ﷺ فَصَلِّ فِيهِ ما بَدَأَكَ، فَإِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، و إِذَا خَرَجْتَ فَافْعَلْ ذَلِكَ و أَكْثَرِ مِنَ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ ﷺ».

«حدیث دوم»

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عبدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از معاویه بن عمار نقل نموده، وی می گوید:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

هرگاه از خواندن دعاء سر قبر فارغ شدی نزدیک منبر برو و دو قبه پائین آن را بگیر و صورت و دیده گانت را به منبر مسح نما زیرا موجب شفاء چشمان می باشد و نزد منبر بایست و خدا را حمد نما و ثناء بگو و سپس حاجت خود را بخواه چه آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

بین منبر و قبر من بستانی است از ساتین بهشت و منبر من روی دربی از درب های بهشت قرار گرفته و چهار پایه اش در بهشت نهاده شده است.

کلمه «ترعه» به ضم «تاء» و سکون «راء» و فتح عین، که در حدیث آمده یعنی درب کوچک سپس به مقام نبی صلی الله علیه و آله برو و هرچه خواستی در آنجا نماز بخوان و هنگامی که به مسجد داخل شدی بر محمد و آل محمد صلوات فرست چنانکه هنگام خروج از آن نیز به آن مبادرت نما و توجه داشته باش که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار نماز بخوان.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيُّ،
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ
الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، عَنْ عَلِيٍّ
بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحُسَيْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ
عليه السلام «قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَيَسْلَمُ وَ
يَشْهَدُ لَهُ بِالْبَلَاغِ وَيَدْعُو بِمَا حَضَرَهُ، ثُمَّ يُسَيِّدُ ظَهْرَهُ إِلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله إِلَى

الرَّمْرَةَ الْخَضِرَاءَ الدَّقِيقَةَ الْعَرَضَ مِمَّا يَلِي الْقَبْرَ وَيَلْتَرِقُ بِالْقَبْرِ وَيَسْنَدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْقَبْرِ وَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَيَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أُلْجَأْتُ أَمْرِي؛ وَإِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ أَشْنَدْتُ ظَهْرِي، وَالْقِبْلَةَ الَّتِي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ اسْتَقْبَلْتُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا أَرْجُوهَا وَلَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا أُحْذَرُ عَلَيْهَا، وَأَصْبَحْتُ الْأُمُورَ بِيَدِكَ وَلَا فَقِيرَ أَفْقَرٍ مِنِّي، إِنِّي لَمَّا أُنْزِلْتُ إِلَى مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ، اللَّهُمَّ أَرِنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي أَوْ أَنْ تُغَيِّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي، اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَجَمِّلْنِي بِالنَّعَمِ وَاعْمُرْنِي بِالْغَايَةِ، وَارْزُقْنِي شُكْرَ الْغَايَةِ».

«حدیث سوم»

ترجمه:

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسكري از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار، از علی بن الحسین بن علی بن عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، از علی بن جعفر بن محمد از برادرش ابی الحسن موسی بن جعفر، از پدرش، از جد بزرگوارش علیه السلام، فرمودند:

حضرت علی بن الحسین علیه السلام معمولاً نزدیک قبر نبی اکرم صلی الله علیه و آله می ایستادند، ابتداء به آن جناب سلام می دادند و پس از آن شهادت به بلاغ^(۱) داده و بدنبالش به آنچه صلاح و صواب می دانستند دعاء می فرمودند و سپس به سنگ سبز باریکی که نزدیک قبر می باشد تکیه داده و خود را باین نحو به قبر می چسباندند، پشت به قبر داده و روی مبارک به قبله می فرمودند و این دعا می خواندند:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أُلْجَأْتُ أَمْرِي؛ يَا خُدايَا قُصِّدُكَ يَا جَانِبَ تَوْعُظُوكَ دَاخِلُكَ.

اشهد أنّك قد بلغت رسالات ربك: و بدنبالش به آنچه صلاح و صواب می دانستند دعاء می فرمودند و سپس به سنگ سبز باریکی که نزدیک قبر می باشد تکیه داده و خود را به این نحو به قبر می چسبانند، پشت به قبر داده و روی مبارک به قبله می فرمودند و این دعاء را می خواندند:

اللّٰهُمَّ اِلَيْكَ الْجَآئَاتُ امْرِئ: بار خدایا قصدم را به جانب تو معطوف داشتم.
والی قبر نبیِّکَ مُحَمَّدٌ ﷺ عَبْدُکَ وَ رَسُوْلُکَ اسندت ظهري: و پشتم را به قبر پیامبرت حضرت محمد ﷺ که بنده و فرستاده تو است تکیه دادم.
والتَّوْبَةُ الَّتِي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ ﷺ اسْتَقْبَلْتُ: و قبله ای را که برای حضرت محمد ﷺ پسندیدی مقابل خود قرار داده ام.

اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَصْبَحْتُ لَا اَمْلَکَ لِنَفْسِیْ خَیْرٌ مَا اَرْجُوْهَا: بار خدایا صبح نموده ام در حالیکه خیر آنچه را که برای خود آروز دارم مالک نیستم.
و لا اَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا اَحْذَرُ عَلَیْهَا: و نه می توانم شرّ و بدی آنچه را که بر نفس خود می ترسم از آن دفع نمایم.
و اَصْبَحْتُ الْاُمُوْرَ کُلَّهَا بِیَدِکَ: و صبح نموده ام در حالی که تمام امور و کارها بدست تو می باشد.

و لا فقیْرٌ اَفْقَرُ مِنِّیْ: و نیازمندی محتاج تر از من وجود ندارد.
اِنِّیْ لَمَّا اَنْزَلْتَ اِلَیَّ مِنْ خَیْرِ فَقِیْرٍ: به طور مسلم و قطع من به آن خیری که تو برایم منظور داشته ای محتاج دنیاژمند هستم.

اللّٰهُمَّ اَرْدَنِ مِنْکَ بِخَیْرِ و لا رَادَّ لِفَضْلِکَ: بار خدایا خیر را از ناحیه خودت به من بازگردان در حالی که احدی نیست فضل و خیر تو را به من برگرداند.
اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُبْکَ مِنْ اَنْ تَبْدِلَ اِسْمِیْ اَوْ تُغَیِّرَ جِسْمِیْ اَوْ تُزِیْلَ نِعْمَتْکَ عَلَیَّ: بار خدایا همانا به تو پناه می برم از اینکه نامم را مبدل ساخته یا جسمم را

تغییر داده یا نعمتت را از من زائل نمائی.

اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَجَمِّعْنِي بِالنَّعْمِ وَاعْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ وَارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ: بار خدایا من را به تقوی مزین نما و به نعمتهایت بیارا و به عافیت غوطه ورم گردان و به من توفیق ده که شکر عافیت را به جای آورم.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي: عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ؛ وَالْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ؛ وَغَيْرِ وَاحِدٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مَسْعُودٍ «قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام انْتَهَى إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ وَقَالَ «أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ»، ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»

«حدیث چهارم»

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبدالرحمن بن ابی نجران و حسین بن سعید و جماعتی از حماد بن عیسی از محمد بن مسعود نقل نموده‌اند که وی گفت:

حضرت ابی عبدالله عليه السلام را دیدم که به قبر رسول خدا صلى الله عليه وآله رسیدند، پس دست مبارکشان را روی قبر گذارده و فرمودند:

اسْأَلِ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ: از خدائی که تو را برگزید و اختیار نمود و هدایت کرد و بواسطه‌ات

دیگران را راهنمایی نمود می‌خواهم که بر تو درود و رحمت بفرستند.
 اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يَصَلُّوْنَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ
 وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا: همانا خداوند و فرشتگانش بر نبی اکرم ﷺ صلوات
 می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر پیامبر صلوات فرستاده و تسلیم
 شوید تسلیم شدنی.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ
 إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ «قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام : كَيْفَ تَقُولُ فِي التَّسْلِيمِ
 عَلَى النَّبِيِّ عليه السلام ؟



قلت: الَّذِي نَعْرِفُهُ وَرَوَيْنَاهُ.
 قَالَ: أَوَلَا أَعْلَمُكَ مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْ هَذَا؟
 قلت: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ.
 فكتب لي - وَأَنَا قَاعِدٌ - بَخْطَهُ وَقَرَأَهُ عَلَيَّ:
 إِذَا وَقَفْتَ عَلَى قَبْرِهِ عليه السلام فَقُلْ:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ أَوْ أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ
 رَسُولُهُ أَوْ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ، وَ
 أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ فِي
 سَبِيلِ رَبِّكَ وَ عِبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ وَ أَذَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ،
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَجِّيكَ وَ أَمِينِكَ وَ صَفِيكَ وَ
 خَيْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَفْضَلُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ،

اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ وَامْنُ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ رَبَّ
 الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَرَبَّ الْبَلَدِ
 الْحَرَامِ، وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَمِ، وَرَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، بَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ
 مُحَمَّدٍ ﷺ مِنِّي السَّلَامَ»

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از محمد بن عیسیٰ، از پدرش، از ابراهیم بن ابی البلاد نقل
 نموده که وی گفت: حضرت ابوالحسن علیه السلام به من فرمودند:

چگونه به نبی اکرم صلی الله علیه و آله سلام می دهی؟

عرض کردم: به همان نحو که شما آگاه بوده و از طریق روایت به ما رسیده.
 و نیز به من فرمودند:

آیا عبارتی افضل و برتر از این به تو یاد ندهم؟
 عرض داشتم: چرا فدایت شوم.

پس در حالی که خدتمش نشسته بودم به خط مبارکشان نوشته و بر من قرائت
 کردند، فرمودند: هرگاه نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستادی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ: شهادت می دهم که خدائی
 نیست مگر خداوند متعال که تنها بوده و انباز و شریکی ندارد.

و أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ: و شهادت می دهم که حضرت
 محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او است.

و اشهد انك محمد بن عبدالله؛ و شهادت می‌دهم که تو حضرت محمد بن عبدالله هستی.

و اشهد انك خاتم النبیین؛ و شهادت می‌دهم که تو آخرین پیامبر می‌باشی.
و اشهد انك قد بلغت رسالات ربك؛ و شهادت می‌دهم که تو رساندی پیامهای پروردگارت را.

و نصحت لامتك؛ و امنت خود را پند و اندرز دادی.
و جاهدت في سبيل ربك؛ و در راه خدا جهاد نمودی.
و عبدته حتى اتاك اليقين؛ و پرستیدی حق تعالی را تا هنگامی که موت تو را دریافت.

و اذيت الذي عليك من الحق؛ و حقی که بر عهده داشتی ادا نمودی.
اللهم صل على محمد عبدك و رسولك و نجيبك و امينك و صفيك و خيرتك من خلفك افضل ما صلّيت على احد من انبيائك و رسلك؛ بار خدایا بر حضرت محمد ﷺ که بنده و فرستاده و نیکو نژاد و امین و خالص و برگزیده تو از میان مخلوقات است درود و رحمت فرستاد آنها برترین رحمتی که بر هر یک از پیامبران و رسولانت ارزانی داشتی.

اللهم سلم على محمد و آل محمد كما سلمت على نوح في العالمين؛ خداوندا همان طوری که نعمت سلامتی را در عالم نصیب جناب نوح علیهم السلام نمودی حضرت محمد ﷺ را از آن بهره‌مند گردان.

و امنن على محمد و آل محمد كما مننت على موسى و هارون؛ خداوندا همان طوری که بر موسی و هارون نعمت دادی بر حضرت محمد و آلش صلوات الله عليهم انعام نما.

و بارك على محمد و آل محمد كما باركت على ابراهيم و آل ابراهيم

اِنَّكَ حمید مجید: همان طوری که نعمت‌هایت را بر ابراهیم و آلش مداوم قرار دادی بر حضرت محمد و آل ایشان صلوات الله علیهم نیز نعمت‌هایت را دائمی و مستمر گردان بدرستی که تو ستایش شده و بزرگ می‌باشی.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرْحِمْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ:
خداندا بر محمد و آل محمد درود فرست و ترحم نما.

اللّٰهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ
و رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْحُلَّةِ وَالْحَرَامِ وَ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ بَلِّغْ رُوحَ
نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ مَنَى السَّلَامِ: خداندا که صاحب بیت الحرام و مسجد الحرام و
رکن و مقام و بلد حرام و حل و حرم و مشعر الحرام هستی از طرف من سلام به
روح پیامبرت حضرت محمد ﷺ برسان



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

۶- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ: عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ
بْنِ زِيَادٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ﷺ:
كَيْفَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ قَبْرِهِ؟ فَقَالَ:..

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ،
وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ
أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ
مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن یعقوب کلینی از عده‌ای اصحاب، از سهل بن زیاد، از احمد بن محمد بن ابی نصر نقل نموده، وی می‌گوید: محضر مبارک حضرت ابی‌الحسن علیه السلام عرض کردم:

وقتی در مقابل قبر مطهر رسول خدا ﷺ می‌ایستیم چگونه به حضرتش سلام دهیم؟

حضرت فرمودند:

کیفیت آن چنین است:

السَّلامُ عَلٰی رَسُولِ اللَّهِ: سلام بر فرستاده خدا.

السَّلامُ عَلَیْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ: سلام بر تو ای محبوب خدا.

السَّلامُ عَلَیْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ: سلام بر تو ای برگزیده خدا.

السَّلامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ: سلام بر تو ای امین خدا.

اشهد أنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لَأَمَّتِكَ: شهادت می‌دهم که تو امتت را پند و اندرز

دادی.

و جاهدت فی سبیلِ اللَّهِ: در راه خدا سعی و کوشش نمودی.

و عبادته مخلصاً حتّٰی اتّٰیكَ الْیَقِینُ: و او را خالص از هر شائبه شرکی

پرستیدی تا موت تو را دریافت.

فجزاك الله افضل ما جزى نبیّاً عن أُمَّته: پس برترین و بالاترین پاداشی

که حق تعالی به هر پیامبری عوض امتش می‌دهد به تو بدهد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلٰی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّكَ

حمید مجید: خداوند بالاتر و بهتر از رحمتی که بر ابراهیم و آلش

فرستادی بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله بفرست بدرستی که تو ستایش شده و

بزرگ می‌باشی.

﴿سلام مولانا أبي الحسن موسى بن جعفر الكاظم﴾
 ﴿على جدّه ورسوله الله﴾

متن:

۷- [و] بإسناده، عن سهل، عن علي بن حسان - عن بعض أصحابنا -
 «قال: حضرت أبا الحسن الأول و هارون الخليفة، و عيسى بن جعفر و
 جعفر بن يحيى بالمدينة، و قد جاؤا إلى قبر النبي، فقال هارون لأبي -
 الحسن: تقدّم، فأبى، فتقدّم هارون فسلم و قام ناحية، فقال عيسى
 بن جعفر لأبي الحسن: تقدّم، فأبى، فتقدّم عيسى بن جعفر فسلم و وقف مع
 هارون، و تقدّم أبو الحسن فقال: «السلام عليك يا أبه، أسأل الله
 الذي اصطفاك و اجتبأك و هداك و هدى بك أن يصلي عليك»، فقال
 هارون لعيسى: سمعت ما قال؟! قال: نعم، فقال هارون: أشهد أنه أبوه
 حقاً».

﴿كيفيت سلام حضرت موسى بن جعفر﴾
 ﴿بر جدّ خود حضرت رسول اکرم﴾

﴿حدیث هفتم﴾

ترجمه:

محمّد بن یعقوب به اسنادش، از سهل، از علی بن حسان از برخی اصحاب،
 وی می گوید: حضرت ابا الحسن اول (امام کاظم) و هارون الرشید خلیفه
 و عیسی بن جعفر و جعفر بن یحیی در مدینه بوده و باتفاق بطرف قبر نبی اکرم
 رفتند و وقتی نزدیک قبر رسیدند هارون به امام هفتم عرض کرد:

شما سبقت گرفته و ابتداء به سلام نمائید:

حضرت امتناع فرمود لذا هارون جلو رفت و سلام نمود و سپس به گوشه‌ای رفت و ایستاد پس عیسی بن جعفر به حضرتش عرض نمود:

شما سبقت گرفته و ابتداء به سلام نمائید:

حضرت اباء نموده لذا عیسی بن جعفر جلو رفت و سلام نمود و سپس در جنب هارون ایستاد.

پس جعفر به آن جناب عرض کرد:

شما سبقت گرفته و ابتداء به سلام نمائید.

حضرت نپذیرفته فلذا جعفر جلو رفت و سلام نمود و سپس نزدیک هارون ایستاد. آن گاه حضرت ابوالحسن جلو رفته و چنین سلام دادند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتَهُ: سلام بر تو ای پدر من.

أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اصْطَفَاكَ وَاجْتَبَاكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ: از خدائی که تو را برگزید و راهنمائی نمود و بواسطه تو دیگران را هدایت کرد می‌خواهم که تو را مشمول رحمتش قرار دهد.

مثن:

۸ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعُلَوِيِّ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَخِيهِ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عليه السلام «قَالَ: كَانَ أَبِي عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ فَيَسْلَمُ عَلَيْهِ وَيَشْهَدُ لَهُ بِالْبَلَاغِ وَيَدْعُو بِمَا حَضَرَهُ، ثُمَّ يَسْنُدُ ظَهْرَهُ إِلَى قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ إِلَى الْمَرْمَرَةِ الْخَضْرَاءِ الدَّقِيقَةِ الْعَرَضِ مِمَّا يَلِي الْقَبْرَ، وَ

يلتَرَقُ بِالْقَبْرِ وَيُسْنِدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْقَبْرِ وَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ فيقول:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ أَمْرِي، وَإِلَى قَبْرِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ أَشَدَّتْ ظَهْرِي، وَالْقِبْلَةَ الَّتِي رَضِيتَ مُحَمَّدٍ لِحُجَّتِهِ اسْتَقْبَلْتُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا أَرْجُوهَا وَلَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا أَخْذَرُ عَلَيْهَا، وَأَصْبَحْتُ الْأُمُورَ كُلَّهَا بِيَدِكَ، وَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي، إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ، اللَّهُمَّ أَرِدْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ، وَلَا رَادَّ لِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي أَوْ تُغَيِّرَ جِسْمِي؛ أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي، اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى، وَجَمِّلْنِي بِالنِّعَمِ، وَاعْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ».

«حدیث هشتم»

ترجمه:

محمد بن حسن مهزيار، از پدرش، از جدش علی بن مهزيار، از علی بن حسین علوی بن علی بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، از علی بن جعفر، از برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدر بزرگوارش از جد امجدش علیه السلام، فرمود:

پدر بزرگوارم حضرت علی بن الحسین علیه السلام معمولاً نزدیک قبر نبی اکرم صلی الله علیه و آله می ایستادند ابتداء به آن جناب سلام می دادند و پس از آن شهادت به بلاغ داده (یعنی می فرمودند:

اشهد أنك قد بلغت رسالات ربك: و به دنبالش به آنچه صلاح و صواب می دانستند دعاء می فرموده و سپس به سنگ سبز باریکی که نزدیک قبر می باشد تکیه داده و خود را به این نحو به قبر می چسبانده، پشت به قبر داده و روی مبارک به قبله می فرمودند و این دعاء را می خواندند:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ أَمْرِي: بار خدای قصدم را به جانب تو معطوف داشتم.

و الی قبر نبیک محمد ﷺ عبدک و رسولک اسندت ظهری: و پشتم را به قبر پیامبرت حضرت محمد ﷺ که بنده و فرستاده تو است تکیه دادم.

والقبلة الّتی رضیت لمحمد ﷺ استقبلت: و قبله‌ای را که برای حضرت محمد ﷺ پسندیدی مقابل خود قرار دادم.

اللّهم انّی اصبحت لا املك لنفسی خیر ما ارجو لها: بار خدایا صبح نموده‌ام در حالی که خیر آنچه را که برای خود آرزو دارم مالک نیستم.

ولا ادفع عنها شرّ ما احذر علیها: و نه می‌توانم شرّ ویدی آن چه را که بر نفس خود می‌ترسم از آن دفع کنم.

واصبحت الامور کلّها بیدک: و صبح نموده‌ام در حالی که تمام امور و کارها به دست تو می‌باشد.

ولا فقیر افقر منّی: و نیازمندی محتاج ترا از من وجود ندارد.

انّی لما انزلت الّی من خیر فقیر: به طور مسلم و قطع من به آن خیری که تو برایم منظور داشته‌ای محتاج و نیازمند هستم.

اللّهم اردنی منک بخیر ولا راداً لفضلك: بار خدایا خیر را از ناحیه خودت به من بازگردان در حالی که احدی نیست فضل و خیر تو را به من برگرداند.

اللّهم انّی اعوذ بک من ان تبدّل اسمی او تغیر جسمی او تزیل نعمتک عنی: بار خدایا همانا به تو پناه می‌برم از اینکه نامم را مبدّل ساخته یا جسمم را تغییر داده یا نعمت را از من زائل نمائی.

اللّهم زینّی بالتقوی و جمکنی بالتعم و اغمرنی بالعافیة و ارزقنی شکر العافیة: بار خدایا من را به تقوی مزین نما و به نعمت هایت بیابا و به عافیت غوطه ورم گردان و به من توفیق داده که شکر عافیت را به جای آورم.

﴿ما يجب أن يُدعى به عند قبر سيّدنا رسول الله ﷺ﴾
 ﴿تخرّج في المناسك﴾

متن:

۹ - حدّثني عليُّ بن الحسين، عن عليّ بن إبراهيم بن هاشم، عن محمّد بن عيسى بن عبّيد، عن أبي عبد الله زكريّا المؤمن، عن إبراهيم بن ناجية، عن إسحاق بن عمار «قال:

قلت لأبي عبد الله ﷺ: علّمني تسليماً خفيفاً علي النبيّ ﷺ، قال:
 قل: «أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي انتَجَبَكَ وَاصْطَفَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ
 أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ صَلَاةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً».

﴿آنچه واجب است در نزد قبر مطهر رسول خدا ﷺ﴾

﴿خوانده شود﴾

حدیث نهم

ترجمه:

علی بن حسین از علی بن ابراهیم بن هاشم، از محمّد بن عیسی بن عبید، از ابی عبد الله زکریّا مؤمن، از ابراهیم ابن ناحیه، از اسحق بن عمار، وی می گوید:
 محضر مبارک امام صادق ﷺ عرضه داشتم: از میان سلام هائی که به رسول خدا ﷺ داده می شود سلام کوتاهی به من تعلیم بفرمائید:

حضرت فرمودند:

بگو:

أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي انتَجَبَكَ وَاصْطَفَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ صَلَاةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً.

از خدائی که ترا برگزید و اختیار نمود و هدایت کرد بواسطه تو دیگران را

راهنمایی نمود درخواست می‌کنم که بر تو رحمت فراوان و پاکیزه بفرستد.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى؛ وَ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ؛ وَ مُوسَى بْنِ عُقْمَرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ قَبْرِهِ؟ فَقَالَ: تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لَأَمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَ عَبَدْتَ حَقَّ أَنَاكَ الْيَقِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

﴿حدیث دهم﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى و يعقوب بن يزيد و موسى بن عمر، از احمد بن محمد بن محمد بن أبي نصر، از حضرت ابی الحسن الرضا عليه السلام، وی می‌گوید:

محضر مبارک آن حضرت عرضه داشتم: هنگامی که نزد قبر مطهر رسول

خدا ﷻ رسیدیم چگونه به آن جناب سلام دهیم؟

حضرت فرمودند:

بگو:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ: سلام بر رسول خدا ﷺ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ: سلاما ما و رحمت و برکات خدا بر

تو باد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: سلام بر اتو ای فرستاده خدا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: سلام بر تو ای حضرت محمد بن

عبدالله.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ: سلام بر تو ای برگزیده خداوند متعال.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ: سلام بر تو ای محبوب خداوند متعال.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ: سلام بر تو ای افتخار شده خداوند متعال.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ: سلام بر تو ای امین خداوند متعال.

أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولَ اللَّهِ: شهادت می‌دهم که تو فرستاده خداوند متعال

هستی.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: و شهادت می‌دهم که تو حضرت محمد

بن عبدالله می‌باشی.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لَأَمَّتِكَ: و شهادت می‌دهم که تو امت را اندرز

دادی.

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ: و در راه خدا کوشش و سعی نمودی.

وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ: و خدا را پرستیدی تا زمانی که موت شما را

دریافت.

فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ: پس خداوند به شما برترین پاداشی را که بهر یک از انبیاء عوض امتش داده بدهد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ: خداوندا رحمتت را بر محمد و آل محمد بفرست.

أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ: برترین رحمتی که بر ابراهیم و آلش فرستادی.

إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ: همانا تو ستایش شده و بزرگ می باشی.



﴿الباب الرابع﴾
﴿فضل الصلاة في مسجد رسول الله ﷺ﴾
﴿و ثواب ذلك﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ؛ هِيَ مِثْلُ الصَّلَاةِ بِالْمَدِينَةِ؟ قَالَ ﷺ: لَا، لِأَنَّ الصَّلَاةَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِأَلْفِ صَلَاةٍ، وَ الصَّلَاةُ بِالْمَدِينَةِ مِثْلُ الصَّلَاةِ فِي سَائِرِ الْأَمْصَارِ».

﴿باب چهارم﴾

﴿فضیلت خواندن نماز در مسجد رسول خدا ﷺ﴾

﴿و ثواب و اجر آن﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن حسن بن احمد بن ولید از محمد بن حسن صفار، از احمد بن حسن بن علی بن فضال، از عمرو بن سعید از مصدق بن صدقه، از عمار بن موسی ساباطی، از ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:
از آن حضرت پرسیدم:

آیا نماز در مسجد رسول صلی الله علیه و آله مانند نماز در شهر مدینه می باشد؟
حضرت فرمودند:

خیر، زیرا نماز در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله معادل با هزار نماز بوده و نماز در شهر مدینه مانند نماز در سایر شهرها است.

متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خُلْفٍ الْقَمَشِيِّ الْأَشْعَرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ - عَنْ حَدَّثِهِ - عَنْ مُرَازِمٍ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؟ فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ، وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي مَسْجِدِي ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ مَكَّةَ وَ جَعَلَ بَعْضُهَا أَفْضَلَ مِنْ بَعْضٍ،

فَقَالَ: «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»^(۱)، وَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ أَقْوَاماً وَأَمَرَ بِاتِّبَاعِهِمْ وَأَمَرَ بِمُؤَدَّتِهِمْ فِي الْكِتَابِ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله بن ابی خلف قمی اشعری، از احمد بن محمد بن عیسی، از موسی بن قاسم بجلي، از کسی که برایش نقل نموده، از مرازم، وی می گوید:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

یک نماز در مسجد من معادل و مساوی با هزار نماز در غیر آن بوده و نماز در مسجد الحرام مساوی با هزار نماز در مسجد من می باشد، سپس فرمودند: حق تعالی مکه را بر سایر بقاع تفضیل داد و برخی از نواحی آنرا بر بعضی دیگر برتر قرار داد فرمود: مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید. و نیز فرمود:

حق تعالی گروهی را بر دیگران تفضیل داد و امر نمود که سایرین از آنها پیروی کنند و در کتاب عزیزش دستور داد که مؤدّت و محبت آن گروه را در دل داشته باشند.

متن:

۳- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُويَه، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ أُبَيِّهِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ، عَنْ أَبِي الصَّامِتِ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ:

صلاة في مسجد النبي ﷺ تعدلُ بعشرة آلاف صلاةٍ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

علی بن حسین بن موسی بن بابویه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل بن بزیم، از پدرش اسمعیل، از ابن مسکان، از ابی الصّامت، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

نماز در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله مساوی با ده هزار نماز می باشد.

متن:

۴- حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيٍّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، وَفَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ جَمِيعاً، عَنْ معاويةَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لابنِ أَبِي يَعْفُورٍ: أَكْثَرُ مِنَ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا كَأَلْفِ صَلَاةٍ فِي مَسْجِدٍ غَيْرِهِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، فَإِنَّ صَلَاةً فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي مَسْجِدِي».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و استاتیدم، از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی، از حسین بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضاله بن ایوب جملگی از معاویه بن عمار نقل کرده اند که وی گفت:

حضرت ابو عبد الله ﷺ به ابن ابی یعفور فرمودند:
در مسجد رسول خدا ﷺ زیاد نماز بخوان زیرا حضورش ﷺ فرمودند:
یک نماز در مسجد من مانند هزار نماز در مساجد دیگری می باشد مگر مسجد
الحرام زیرا یک نماز در این مسجد مساوی با هزار نماز در مسجد من می باشد.

متن:

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ، عَنْ سَلَمَةَ. وَ
حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ
سَيْفٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دُرَّاجٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تُعَدُّ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ».

ترجمه: حدیث پنجم

محمد بن حسن، از سلمه و حکیم بن داود بن حکیم از سلمه بن خطاب، از
علی بن سیف از جمیل بن درّاج نقل نموده که وی گفت:
شنیدم که حضرت ابا عبد الله ﷺ می فرمودند:
رسول خدا ﷺ فرمودند:

یک نماز در مسجد من مساوی با هزار نماز در غیر آن می باشد.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ
مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ هَلْ مِثْلُ الصَّلَاةِ فِي الْمَدِينَةِ؟

قال ﷺ لا لأنَّ الصَّلَاةَ في مسجد الرَّسول ﷺ بألف صلاة والصَّلَاةَ بالمدينة مثل الصَّلَاةِ في سائر الأمصار.

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمة بن خطاب، از مصدق بن صدقه، از عمار بن موسی ساباطی، از حضرت ابی عبد الله ﷺ نقل نموده، وی می گوید: از خواندن نماز در مسجد رسول خدا ﷺ سؤال کرده و عرض داشتیم: آیا نماز در مسجد رسول خدا ﷺ مساوی با نماز در مدینه می باشد؟ حضرت فرمودند:

خیر: زیرا نماز در مسجد رسول خدا ﷺ معادل با هزار نماز بوده و نماز در مدینه مانند نماز در سائر شهرها است.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

۷- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ قُرْقَدٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تُعَدُّ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ».

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

حکیم بن داود از حکیم، از سلمه، از علی بن سیف، از پدرش، از داود بن فرقد، وی می گوید: از حضرت ابا عبد الله ﷺ شنیدم که می فرمودند: رسول خدا ﷺ فرمودند:

یک نماز در مسجد من مساوی با هزار نماز در غیر آن می باشد.

متن:

۸- و عنه، عن سلمة، عن إسماعيل بن جعفر، عن بعض أصحابه، عن مُرازم، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: صلاة في مسجد المدينة أفضل من ألف صلاة في غيره من المساجد».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود از سلمه، از اسماعیل بن جعفر، از برخی اصحابش، از مرازم، از حضرت اباعبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
یک نماز در مسجد مدینه بالاتر از هزار نماز در سایر مساجد می باشد.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

﴿الباب الخامس﴾

﴿زيارة حمزة عم رسول الله ﷺ﴾

﴿وقبور الشهداء﴾

متن:

١ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ هِشَامٍ - عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا - عَنْهُمْ ثلاثة «قَالَ: وَيَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ حَمْزَةَ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولَ اللَّهِ وَخَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَنَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ وَطَلَبْتَ مَا عِنْدَ اللَّهِ، وَرَغِبْتَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ».

ثُمَّ ادْخُلْ فَضْلًا وَلَا تَسْتَقْبِلِ الْقَبْرَ عِنْدَ صَلَاتِكَ، فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلَاتِكَ فَانْكَبْ عَلَى الْقَبْرِ وَقُلْ:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بَلْزَوْقِي بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ لِتُجِيرَنِي مِنْ تَقَمُّتِكَ وَسَخَطِكَ وَمِنْ الْأَزْلالِ فِي يَوْمِ تَكْتَرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ وَالْمَعْرَاتُ، وَتَشْتَغِلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ وَتُجَادِلُ كُلُّ نَفْسٍ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ تَزَحَّمِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَلَا حُزْنَ، وَإِنْ تُعَاقِبْ فَوَلَايَ لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ، اللَّهُمَّ فَلَا تُخَيِّبْنِي الْيَوْمَ وَلَا تُصْرِفْنِي بغيرِ حَاجَتِي، فَقَدْ لَزِمْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ،

و تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ اِيْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَ عُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَ بِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ جَنَائِيَةَ نَفْسِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، وَ مَا أَخَافُ أَنْ تُظْلِمَنِي وَلَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ، فَأَنْظِرِ الْيَوْمَ إِلَيَّ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّوْا ثَاثَكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، فَبِهِمْ فُكِّنِي وَ لَا تُخَيِّبْ سَعْيِي وَ لَا يُهَوِّنْ عَلَيْكَ اِبْتِهَالِي وَ لَا تُجِيبْ مِنكَ صَوْتِي، وَ لَا تُقَلِّبْنِي بَغَيْرَ حَوَائِجِي؛ يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَ مَخْزُونٍ، يَا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَسِيرَانِ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ انْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً لَا أَشْقِي بَعْدَهَا أَبَدًا، وَ اِرْحَمْ تَضَرُّعِي وَ عُزْبَتِي وَ اِنْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ وَ تَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، وَ لَا تَرُدُّ أَمَلِي».



مَنْ تَحْتَ كَفِّهِ بِرَسُولِ
بَابِ پَنجم

﴿ زیارت حضرت حمزه عموی گرامی رسول خدا ﷺ ﴾
﴿ و قبور شهداء ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه بن خطاب، از عبدالله بن احمد از بکر بن صالح، از عمرو بن هشام از شخصی از اصحاب ما از معصومین علیهم السلام، وی می گوید:

زائر نزد قبرد جناب حمزه بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَيْرَ الشَّهَدَاءِ: سلام بر تو ای عموی

رسول خدا و بهترین شهداء.

السلام عليك يا اسد الله و اسد رسوله: سلام بر تو ای شیر خدا و شیر رسول خدا.

اشهد أنك قد جاهدت في الله حق جهاده: شهادت می‌دهم که تو در راه خدا آن طوری که باید جهاد کنی جهاد کردی.

و نصحت لله و لرسوله: و شهادت می‌دهم که برای خدا و رسول خدا به دیگران اندرز داده و نصیحت نمودی.

وجدت بنفسك و طلبت ما عند الله و رغبت في ما وعد الله: و نفست را ایثار کرده و رضای خدا را طلب نموده و در آنچه خدا وعده داده رغبت و میل نشان دادی.

سپس داخل شو و صلوات فرست ولی هنگام صلوات قبر را مقابل خود قرار مده و پس از فراغت از صلوات خود را روی قبر بیانداز و بگو:

اللهم صل على محمد و على اهل بيته: خداوندا بر محمد و اهل بیتش رحمت فرست.

اللهم اني تعرضت لرحمتك بلزوق بقبر عم نبيك صلواتك عليه و على اهل بيته لتجبرني من نعمتك و سخطك و مقتك و من الازلال في يوم تكثر فيه الاصوات و المعرات و تشتغل كل نفس بما قدمت و تجادل كل نفس عن نفسها: خداوندا من با چسباندن خویش را به قبر عموی گرامی پیامبرت که رحمت تو بر او و بر اهل بیتش باد خود را در معرض رحمت قرار داده تا زنده‌ام داده و بدین وسیله من را از عتاب و خشم و دشمنی خودت بر حذر داشته و در روزی که در آن فریادها بسیار و بدن‌های عریان بی‌شمار بوده و هرکس سرگرم اعمالی است که در دنیا مرتکب شده و جمله نفوس در مقام دفاع از خود هستند پناهم دهی.

فَإِنْ تَرَحُّمِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَلَا حُزْنَ: پس اگر در آن روز به من
ترحم فرمائی دیگر نه خوفی داشته و نه حزنی.

و ان تعاقب قولای له القدزة علی عبده: و اگر من را عقاب و عذاب
کنی باکی نیست زیرا تو مولا و آقای من بوده و آقا بر عبد و بنده اش تسلط و
قدرت دارد.

اللهم فلا تخيبي اليوم ولا تصرفني بغير حاجتي: خداوندا در این روز من را
نا امید نکرده و بدون حاجت روا شده بر مگردان.

فقد لزقت بقبر عمّ نبيك و تقربت به اليك ابتغاء مرضاتك و رجاء
رحمتك: زیرا خود را به قبر عموی گرامی پیامبرت چسبانده و به واسطه اش به
تو تقرب جسته و رضایت را بدین وسیله طالب بوده و امید رحمت را دارم.

فتقبل مني و عذ بملكك على جهلي و برأفتك على جنایة نفسي فقد عظم
جرمي: پس از من بپذیر و حلمت را بر جهل و نادانی من و عظمت و مهربانیت
را بر جنایتم مسلط و غالب گردان چه آنکه جرم و گناه من بسیار گشته است.

و ما اخاف ان تظلمني و لكن اخاف سوء يوم الحساب: و از اینکه به
من ظلم کنی هراسی ندارم - یعنی می دانم که ظلم نمی کنی - ولی از زشتی اعمالم
در روز حساب خائف و بیم ناکم.

فانظر اليوم تقلبي على قبر عمّ نبيك صلواتك على محمد و اهل بيته
فيهم فكنتي و لا تحبب سعبي و لا يهونن عليك ابتهالي و لا تحجب منك
صوتي و لا تقلبي بغير حوائجي.

پس در امروز بنگر که من جا به جا شده و خود را بر سر قبر عموی پیامرت
رسانده ام درود و رحمت بر حضرت محمد و اهل بیتش باد، پس به واسطه
ایشان من را آزاد نما و سعی و کوششم را ناکام مگذار و مباد زاری من بر تو سهل

و آسان آید و صدایم را از خود محجوب و نهان مدار و البته بدون حاجت روا شده من را بر مگردان.

يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَ تَحْزُونٍ يَا مُفَوِّجَ عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانَ
الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ الْمَشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ
الطَّاهِرِينَ. ای پناه گاه هر اندوهگین و صاحب حزنی، ای بر طرف کننده اندوه
از غم زده‌ای که سرگردان و غریب و سوخته دل و نزدیک به هلاکت گشته، بر
حضرت محمد ﷺ و خاندان پاکیزه‌اش رحمت و درود بفرست.

وَانْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً لَا أَشْقِ بَعْدَهَا أَبَدًا: نظر نما به من نظری که بعد از آن هرگز
به شقاوت نگرایم.

و اَرْحَمَ تَضَرَّعِي وَ غَرِيبِي وَ انْفِرَادِي فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ وَ تَحَرَّيْتُ
الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ مِثْلَكَ وَلَا تُؤَدِّ أَمَلِي. به زاری و غربت و تنهایی
من رحم نما، همانا من به خشنودی تو از خویش امیدوار بوده و همواره آن
خیر را طالبم که کسی غیر از تو آن را اعطاء نمی‌نماید و از تو می‌خواهم که
آرزوی من را ناکام و نافرجام نگذاری.

متن:

و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ سَلَمَةَ

مثله.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ جَمِيعًا عَنْ سَلَمَةَ

مثله.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّقَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ، عَنْ عُقْبَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي حَدِيثٍ لَهُ طَوِيلٌ - «قَالَ: إِنِّي آتَى الْمَسَاجِدَ الَّتِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ فَبَأَيْتُهَا أَبَدًا؟ فَقَالَ: أَبَدًا بِ«قُبَا» فَصَلِّ فِيهِ وَ أَكْثِرْ، فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَسْجِدٍ صَلَّى فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي هَذِهِ الْقَرْصَةِ، ثُمَّ أَتَيْتُ مَشْرِيقَهُ أُمَّ إِبْرَاهِيمَ فَصَلِّ فِيهَا فَإِنَّهُ مَسْكَنُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ مُصَلَّاهُ، ثُمَّ تَأْتِي مَسْجِدَ الْفَضِيخِ فَصَلِّ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ فَقَدْ صَلَّى فِيهِ نَبِيُّكَ، فَإِذَا قَضَيْتَ هَذَا الْجَانِبَ فَاتِّبِ جانبِ أَحَدٍ فَبَدَنْتَ بِالْمَسْجِدِ الَّذِي دُونَ الْحَرَّةِ فَصَلِّ فِيهِ، ثُمَّ مَرَّزْتُ بِقَبْرِ حَمْزَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ، ثُمَّ مَرَّزْتُ بِقُبُورِ الشُّهَدَاءِ فَقَعْتُ عَنْهُمْ فَقُلْتُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ، أَنْتُمْ لَنَا قَرُطٌ وَإِنَّا بِكُمْ لَاحِقُونَ».

ثُمَّ تَأْتِي الْمَسْجِدَ الَّذِي فِي الْمَكَانِ الْوَاسِعِ إِلَى جَنْبِ الْجَبَلِ عَنْ يَمِينِكَ حَتَّى تَدْخُلَ «أَحُدَ» فَتُصَلِّي فِيهِ، فَعِنْدَهُ خُرُجُ النَّبِيِّ ﷺ إِلَى أَحَدٍ حَيْثُ لَقِيَ الْمُشْرِكِينَ فَلَمْ يَبْرَحُوا حَتَّى حَضَرَتْ الصَّلَاةُ فَصَلَّى فِيهِ، ثُمَّ مَرَّ أَيْضًا حَتَّى تَرْجِعَ فَصَلِّ عِنْدَ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكَ، ثُمَّ امْضِ عَلَى وَجْهِكَ حَتَّى تَأْتِيَ مَسْجِدَ الْأَحْزَابِ فَتُصَلِّي فِيهِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَعَا فِيهِ يَوْمَ الْأَحْزَابِ وَقَالَ: «يَا صَرِيحَ الْمُكْرُوبِينَ، وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَ يَا غِيَاثَ الْمُلْهُوفِينَ، اكْشِفْ هَمِّي وَ كَرْبِي وَ عَمِّي فَقَدْ تَرَى حَالِي وَ حَالَ أَصْحَابِي».

ترجمه:

محمد بن حسن از محمد بن حسن صفار از سلمه مثل حدیث اول را برایم نقل نموده.

ترجمه:

پدرم از محمد بن یحیی و احمد بن ادريس جملگی از سلمه مثل حدیث اول را برایم نقل نمودند.

«حدیث دوم»

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد از محمد بن حسن صفار از محمد بن حسین، از محمد بن عبدالله بن هلال از عقبه از مولانا ابی عبدالله علیه السلام در حدیث طولانی فرمودند:

سپس به قبر حمزه بن عبدالمطلب گذر نما پس به آن جناب سلام نما و بعد از آن به قبور شهداء عبور نما پس نزد قبور ایشان بایست و بگو:
 السَّلامَ عَلَیْکُمْ یا اهل الدِّیَارِ اَنْتُمْ لَنَا فِرْطُ وَاَنَا بِکُمْ لَاحِقُونَ: وَاَنَا بِکُمْ لَاحِقُونَ: سلام بر شما ای اهل دیار مردگان شما جلوتر از ما کوچ کرده و ما هم از دنبال به شما ملحق خواهیم شد.

سپس به مسجدی که در مکان وسیعی نزدیک کوه سمت راست قرار گرفته برو تا اینکه داخل أخذ شوی پس در آن نماز بگذار چه آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از همین مکان به احد تشریف بردند و آن در وقتی بود که با مشرکین مواجه شدند و آنها در آنجا بوده و از آن مکان دور نشدند تا زمانی که وقت نماز فرا رسد و آن جناب نماز خواندند.

سپس از احد بگذر تا برگشته و مراجعت نمائی و وقتی نزدیک قبور شهداء رسیدی نمازی را که حق تعالی در وظیفه تو قرار داده بخوان سپس به راه مقابله

ادامه بده تا به مسجد احزاب برسی پس در آن جا نماز بگذارد چه آنکه رسول خدا ﷺ در روز احزاب در این مسجد دعاء خوانده و فرمودند:

یا صریح المکروبین و یا مجیب دعوة المضطربین و یا غیاث الملهوفین اکشف همی و کربی و غمی فقد تری حالی و حال اصحابی.

ای فریاد رس اندوهگینان و ای اجابت کننده دعای بی چارگان و ای پناه گاه غمگینان غصه و اندوه من را بر طرف کن زیرا حال من و حال یارانم را دیده و از آن مطلع می باشی.



﴿فضل إتيان المشاهد بالمدينة و ثواب ذلك﴾

مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى؛ وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ؛ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ جَمِيعاً، عَنْ معاويةَ بْنِ عَمَّارٍ «قال: قال أبو عبد الله ﷺ: لا تدع إتيان المشاهد كلها و مسجد قبا؛ فإنه المسجد الذي أُنس على الثَّقَوِي من أوَّل يوم، و مَشْرَبَةُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ، و مسجد الفُضَيْيخ و قبور الشُّهداء و مسجد الأحزاب؛ و هو مسجد الفتح، و بلغني أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كان إذا أتى قبور الشُّهداء قال:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَبْرَتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ».

و لیکن فیما تقول فی مسجد الفتح:

«يَا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ اكْشِفْ عَنِّي عَمِّي وَكَرْبِي وَهَمِّي كَمَا كَشَفْتَ عَن نَّبِيِّكَ هَمَّهُ وَعَمَّهُ وَكَرْبَهُ، وَكَفَيْتَهُ هَؤُلَاءَ عَدُوَّهُ فِي هَذَا الْمَكَانِ».

﴿باب ششم﴾

﴿فضیلت و ثواب زیارت مشاهد مشرفه در مدینه﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدش علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از صفوان بن بحیی و ابن ابی عمیر و فضالة بن ایوب جملگی از معاویه بن عمار، وی می گوید:



امام صادق علیه السلام فرمودند:

مبادا زیارت مشاهد مشرفه و مسجد قبا را ترک کنی چه آنکه این مسجد همان مسجدی است که حق تعالی در قرآن فرموده:

لِمَسْجِدِ اسَّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ....

و نیز در این مسجد ما در، جده ابراهیم (مقصود ابراهیم فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد) مکان داشت و نیز به زیارت مسجد فضیخ و قبور شهداء و مسجد احزاب که همان مسجد فتح باشد مبادرت نما و شنیده ام که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه به قبور شهداء احد عبور می کردند می فرمودند:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَبْرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ: سلام بر شما بواسطه صبر و تحملی که نمودید، پس خانه آخرت خوب خانه ای است.

سپس حضرت فرمودند:

شایسته است در ضمن دعاهاى که در مسجد فتح می خوانی بگوئی:

يَا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ اكْشِفْ عَنِّي عَمِّي وَ

كَرْبِي وَ هَتِي كَمَا كَشَفْتُ عَنْ نَبِيِّكَ ﷺ هَمَّةً وَ غَمَّةً وَ كَرْبَةً وَ كَفَيْتَهُ هَؤُلَاءِ
عَذُوبَهُ فِي هَذَا الْمَكَانِ.

ای فریادرس اندوهگینان و ای اجابت کننده دعای بی چارگان غم و اندوه و
حزن من را بر طرف کن همان طوری که غم و اندوه و حزن را از پیامبرت ﷺ
بر طرف نمودی و او را از هول و وحشت دشمنش در این مکان کفایت فرمودی.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً، عَنْ عَلِيِّ بْنِ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ. وَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ: وَ
حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى؛
وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: - وَ ذَكَرَ
مِثْلَهُ.

۳ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ - رَحِمَهُمَا اللَّهُ -
- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ
بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَحْرٍ، عَنْ حَرِيزٍ - عَنْ أَخْبَرَهُ -
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَقَى مَسْجِدِي مَسْجِدَ
قُبَا فَصَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ رَجَعَ بِغُفْرَةٍ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب و علی بن حسین جمیعاً از علی بن ابراهیم بن هاشم از
پدرش، از ابن ابی عمیر، از محمد بن یعقوب این حدیث را برای من نقل

نموده‌اند.

و نیز محمد بن اسماعیل، از فضل بن شاذان، از صفوان بن یحیی، و ابن ابی عمیر از معاویه بن عمار نقل نموده که گفت:
امام صادق علیه السلام فرمودند:
و مثل حدیث گذشته را نقل کرده است.

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم و محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری علیه الرحمه از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار از برادرش علی بن مهزیار، از حسن، از عبدالله بن یحیی از حریر از کسی که به وی خبر داده، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:



رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که به مسجد من یعنی مسجد قبا داخل شده و دو رکعت نماز در آن بخواند ثواب یک عمره برایش منظور می‌کنند.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِنَا، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيٍّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى؛ وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ؛ وَفَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ جَمِيعاً، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ: وَلَا تَدْعُ إِتْيَانَ الْمَشَاهِدِ كُلِّهَا وَمَسْجِدَ قُبَا، فَإِنَّهُ الْمَسْجِدُ الَّذِي أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ، وَمَشْرَبَةُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ، وَمَسْجِدُ الْقَضِيخِ، وَقُبُورُ الشَّهَدَاءِ، وَمَسْجِدُ الْأَحْزَابِ - وَهُوَ مَسْجِدُ الْفَتْحِ».

«حدیث چهارم»

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و اسانید ما از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضالة بن ایوب جملگی از معاویة بن عمار نقل کرده که گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام به ابن ابی یغفور فرمودند:

زیارت مشاهد و مسجد قبا را البته ترک مکن زیرا مسجدی که حق تعالی در آیه شریفه:

المسجد ائس علی التقوی من اول یوم، آورده همین مسجد قبا بوده مضافاً به اینکه این مسجد مأوی و غرفه ما در ما جده ابراهیم (فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله) بوده.

و نیز به زیارت مسجد فضیخ و قبور شهداء و مسجد احزاب که همان مسجد فتح است رفته و آنها را ترک مکن.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۵- و روی عن بعضهم علیهم السلام «قال: إذا كان لك مقام بالمدينة ثلاثة أيام فأتم الصلاة، وكذلك أيضاً بمكة إن أقمت ثلاثة أيام فأتم الصلاة، فإذا كان لك مقام بالمدينة ثلاثة أيام صمت ثلاثة أيام صمت يوم الأربعاء، و صلّ ليلة الأربعاء عند أسطوانة التوبة - وهي أسطوانة أبي لبابة التي كان ربط إليها نفسه حتى نزل عُذْرُهُ مِنَ السَّمَاءِ - و تقعد عندها يوم الأربعاء، ثم تأتی ليلة الخميس التي تلاها مما يلي مقام النبي صلی الله علیه و آله فتقعد عندها ليلتك و يومك و تصوم يوم الخميس، ثم تأتی الأسطوانة التي تلي مقام النبي صلی الله علیه و آله ليلة الجمعة فتصلّ عندها ليلتك و يومك و تصوم فيه يوم

الجمعة، فإن استطعت أن لا تتكلم بشيء في هذه الثلاثة أيام فافعل إلا ما لا بد لك منه، ولا تخرج من المسجد إلا لحاجة ولا تنام في ليل ولا نهار فافعل، فإن ذلك مما يعد فيه الفضل، ثم أحمد الله في يوم الجمعة وأثن عليه وصل على النبي، وسل حاجتك، وليكن فيما تقول:

«اللَّهُمَّ مَا كَانَتْ لِي إِلَيْكَ مِنْ حَاجَةٍ سَارَعْتُ أُنَا فِي طَلِبِهَا وَإِتِمَائِهَا أَوْ حَاجَةٍ لَمْ أَسْرِعْ، سَأَلْتُكَهَا أَوْ لَمْ أَسْأَلْكَهَا، فَبَانِي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِسَيِّئِكَ مُحَمَّدٍ نَبِيَّ الرَّحْمَةِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي صَغِيرِهَا وَكَبِيرِهَا».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

از برخی معصومین علیهم السلام منقول است که فرمودند:

هرگاه در مدینه طیبه سه روز اقامه نمودی نماز را تمام بخوان و همچنین است حکم مکه معظمه و نیز اگر در مدینه سه روز اقامه کردی هر سه روز را روزه بگیر و کیفیت آن چنین است.

سه روز را از چهارشنبه شروع کن منتهی شب چهارشنبه (یعنی شبی که فردای آن روز چهارشنبه است) نزدیک ستون توبه (و آن ستون ابی لبابه است که وی به منظور توبه از گناهی که کرده بود خود را به آن بست و به تضرع پرداخت تا جبرئیل امین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و خبر داد که حق تعالی توبه وی را پذیرفت) نماز بگذار و روز چهارشنبه نیز با حالت روزه نزدیک آن بنشین و پس از اتمام روز و فرارسیدن شب پنجشنبه (یعنی شبی که فردای آن روز پنجشنبه است) نزدیک ستون بعدی که پهلوی ستون ابی لبابه و در کنار مقام نبی اکرم صلی الله علیه و آله است برو و در آن شب و روز بعد آن (روز پنجشنبه) آنجا بنشین و روز پنجشنبه را روزه بگیر و آن را به اتمام برسان سپس شب جمعه (شبی که فردای آن روز جمعه می باشد) نزدیک ستونی که پهلوی مقام نبی اکرم صلی الله علیه و آله است برو و آن

شب و روز بعدش در آنجا نماز بخوان و روز جمعه را روزه بگیر و آن را به اتمام برسان.

قابل توجه است که اگر بتوانی در این سه روز سخن نگوئی، با کس سخن مگو مگر به مقدار ضرورت و نیز تا محتاج نشدی از مسجد خارج نشو و همچنین در شب و روز خواب.

در روز جمعه خدا را حمد و ثناءگو و بر پیامبر اکرم ﷺ صلوات فرست و پس از آن حاجت را از خدا بخواه و در بین دعاهائی که می‌کنی این دعا را نیز بخوان:

اللهم ما كانت لي اليك من حاجة سارعت انا في طلبها والتماسها او حاجة لم اسرع سألثكها فإني أتوجه اليك بنبيك محمد ﷺ نبي الرحمة في قضاء حوائجي صغيرها وكبيرها.

خداوندا هر حاجتی که به تو داشته باشم در طلب و خواستش از تو سریعاً اقدام می‌کنم و اگر در سوال آن از تو تسریع نکنم به واسطه پیامبرت حضرت محمد ﷺ که پیامبر رحمت است بطرف تو متوجه شده و در بر آمدن حاجاتم چه حاجات کوچک و چه بزرگ آن حضرت را واسطه قرار می‌دهم.

مثنی:

۶- حدیثی جماعه مشایخی، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن عبد الله بن هلال، عن عُقْبَةَ بنِ خالد «قال: سألت ابا عبد الله ﷺ: إني آتی المساجد التي حول المدينة فبأيتها أبدء؟ قال:

ابداً بقبا فصل فيه واكثر، فإنه أول مسجد صلى فيه رسول الله ﷺ في

هذه العرصة، ثم أتت مشربة أم إبراهيم فصلّ فيها فأنه مسكن رسول الله ﷺ و مصلاّه ثم تأتى مسجد الفضيخ فصلّى فيه ركعتين فقد صلّى فيه نبيّك، فإذا قضيت هذا الجانب فأت جانباً أُخْذ، فابْدء بالمسجد الذى دون الحرّة فصلّيت فيه ثم مرّرت بقبر حمزة، والحديث طويل.

﴿حديث ششم﴾

ترجمه:

گروهی از مشایخ و اساتید من از محمد بن یحیی و او نیز از محمد بن حسن صفار، از محمد بن عبدالله بن هلال و او نیز از عقبه بن خالد نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابا عبدالله ع فرمودم:

من به مساجدی که اطراف مدینه است می‌روم به کدام یک از آنها آغاز کنم؟ حضرت فرمودند:

ابتداء به مسجد قبا برو پس در صحن آن بسیار نماز بخوان چه آنکه قبا اوّل مسجدی است که پیامبر خدا ﷺ در آن نماز گذاردند.

پس به عرفه مادر ابراهیم برو و در آن نماز بخوان زیرا این مکان مسکن رسول خدا ﷺ و جای نماز آن حضرت بوده.

پس از آن به مسجد فضیخ برو و در آن دو رکعت نماز بخوان زیرا پیغمبر شما در آن نماز خوانده و وقتی تکالیف این طرف را اداء کردی به طرف اخذ برو و پس ابتداء در مسجدی که در جنب حرّه است نماز بخوان پس بر سر قبر حضرت حمزه برو... و این حدیث طولانی است و دنباله دارد.

﴿الباب السابع﴾
﴿وداع قبر رسول الله ﷺ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، وَفَضَالَةَ، عَنْ معاويةَ بْنِ عَمَّارٍ «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا أردت أن تخرج من المدينة فاغتسل ثم ائت قبر النبي ﷺ بعد ما تفرغ من حوائجك فودِّعه واصنع مثل ما صنعت عند دخولك وقل: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ»».

﴿باب هفتم﴾
﴿وداع قبر رسول خدا ﷺ﴾

﴿حديث أول﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدش علی، از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضاله از معاویه بن عمار نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبد الله ﷺ فرمودند:

بعد از آنکه از حوائج و خواسته های خود فارغ شدی و قصد نمودی از مدینه

خارج شوی ابتداء غسل کن و بعد نزد قبر رسول خدا ﷺ برو و با قبر وداع کن و آنچه هنگام داخل شدن به روضه مطهره انجام دادی اکنون نیز به جای آور و بگو:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرِ نَبِيِّكَ ﷺ: خداوند! زیارتی که من قبر پیغمبرت را نمودم آخرین زیارت من قرار مده.

فَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَأَنْتَ أَشْهَدُ فِي مِمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي
اِنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ پس اگر من را قبل از زیارت دیگر می‌راندی بطور قطع و حتم در حال مرگم به آنچه در هنگام حیات و زنده بودنم شهادت می‌دادم، شهادت می‌دهم و آن اینست که می‌گویم:

نیست معبودی مگر تو و شهادت می‌دهم که حضرت محمد ﷺ بنده و فرستاده تو می‌باشد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۲- حَدَّثَنِي جَمَاعَةُ مُشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنْ وَدَاعِ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَقَالَ: تَقُولُ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ، لَا جَعْلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ»».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

گروهی از مشایخ و اساتید من از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از حسن بن فضال و او از یونس بن یعقوب نقل کرده که گفت:
از حضرت ابا عبدالله ﷺ راجع به الفاظ وداع قبر رسول خدا ﷺ سؤال کردم:

حضرت فرمودند:

بگو: صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْكَ: درود و رحمت فرستد حق تعالی بر تو.

السَّلَام عَلَیْكَ: سلام و تهنیت بر تو باد.

لا جعله الله آخر تسلیمی علیک: خداوند متعال این سلام را آخرین سلام

من بر تو قرار ندهد.

متن:

۳- و یا سنده، عن الحسن بن علی بن فضال «قال: رأیت أبا الحسن
 ﷺ - وهو يريد أن یودّع للخروج إلى الغرة - فأقی القبر من موضع
 رأس رسول الله ﷺ بعد المغرب فسلم علی النبی ﷺ و لَزِقَ بالقبر، ثم أتى
 المنبر ثم انصرف حتّی القبر فقام إلى جانبه فصلی و ألزق منكبیه الأیسر
 بالقبر قریباً من الأسطوانة - التي دون الأسطوانة المخلفّة عند رأس النبی
 ﷺ - فصلی ستّ رکعات، أو ثمان رکعات فی نعلیه، قال: فكان مقدار
 رُكُوعه و سجوده ثلاث تسبیحات أو أكثر، فلما فرغ من ذلك سجدَ
 سجدةً أطال فیها السجود حتّی بلّ عرقه الحصى، قال: و ذکر بعض
 أصحابنا أنّه رآه ألصق حذّه بأرض المسجد».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

سعد بن عبدالله باسنادش از حسن بن علی بن فضال نقل کرده که وی گفت:
 حضرت ابوالحسن ﷺ را دیدم که قصد وداع قبر رسول خدا ﷺ را داشته و
 می خواستند که از آنجا به عمره بروند، حضرت ﷺ بعد از مغرب به طرف قبر
 مطهر تشریف برده و نزدیک سر مبارک رسول خدا ﷺ ایستاده، ابتداء بر پیامبر

اکرم ﷺ سلام نموده و سپس به قبر چسبیدند و بعد از آن به طرف منبر رفتند و سپس برگشته تا به قبر رسیدند و در کنار آن ایستاده و شانه چپ را به قبر چسبانده و در حالی که نزدیک ستونی که در جنب ستون حلقه دار واقع در نزدیکی سر مبارک می باشد ایستادند و نعلین های عربی به پای مبارکشان بود شش یا هشت رکعت نماز خواندند.

راوی می گوید:

مقدار رکوع و سجود آن حضرت به قدر گفتن سه تسبیح یا بیشتر بود و وقتی از نمازها فارغ شدند به سجده رفته و آن قدر سجده را طول دادند تا ریگ ها از عرق بدن آن حضرت مرطوبی شدند.

راوی می گوید:

بعضی از اصحاب گفته اند: که آن حضرت را دیده که صورت مبارکشان روی زمین مسجد نهاده بودند.



﴿الباب الثامن﴾

﴿فضل الصلاة في مسجد الكوفة و مسجد سهله و ثواب ذلك﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَدِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ «أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَتَى مَسْجِدَ الْكُوفَةِ عَمْدًا مِنَ الْمَدِينَةِ فَصَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ جَاءَ حَتَّى رَكِبَ رَاحِلَتَهُ وَ أَخَذَ الطَّرِيقَ».

﴿باب هشتم﴾

﴿فضیلت نماز خواندن در مسجد کوفه و مسجد سهله و ثواب آن﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

محمد بن حسین بن متی جوهری از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران، از احمد بن حسن، از محمد بن حسین از علی بن حدید از محمد بن سنان، از عمرو بن خالد، از ابو حمزه ثمالی نقل کرده که گفت:
حضرت علی بن الحسین علیه السلام با قصد و نیت از مدینه خارج شده و به مسجد کوفه داخل شدند پس در آن دو رکعت نماز خوانده سپس از مسجد بیرون رفته تا بر مرکب خود سوار شده و طی طریق فرمودند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ سُلَيْمَانَ مَوْلَى طَرْيَالٍ؛ وَغَيْرِهِ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: نَفَقَةُ دِرْهَمٍ بِالْكُوفَةِ تَحْسَبُ مِائَةَ [دِرْهَمٍ] فِي سِوَاهُ، وَرَكْعَتَانِ تَحْسَبُ مِائَةَ رَكْعَةٍ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله و او از محمد بن حسین و او از محمد بن اسماعیل بن بزیع و او از منصور بن یونس و او از سلیمان بن مولی طریال و غیر او نقل کرده که گفت:

حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند:

یک درهم در کوفه خرج نمودن معادل با دویست ^(۱) درهم در غیر آن بوده و دو رکعت نماز در آن مساوی با صد رکعت نماز در غیر آن می باشد.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ الْفَضْلِ بْنِ زَكَرِيَّا، عَنْ نَجْمِ بْنِ حُطَيْمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ لَأَعْدَوْا لَهُ الزَّادَ وَالرَّاحِلَةَ مِنْ

مکان بَعید، و قال: صلاة فريضة فيه تعدلُ حَجَّةَ، و نافلة فيه تعدلُ عَمْرَةَ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن صفار از احمد بن محمد بن حسن بن علی بن فضال از ابراهیم بن محمد، از فضل بن زکریا از نجم بن حطیم از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

اگر مردم به فضیلتی که در مسجد کوفه است واقف بودند از راه دور توشه برداشته و بر مرکب سوار شده و به آنجا می‌رفتند و سپس فرمودند:

یک فريضة در آن به جا آوردن مساوی با یک حج بوده و یک نافله در آن خواندن معادل با یک عمره می‌باشد



مرکز تحقیقات اسلامی

متن:

٤ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ قُرْقَدٍ، عَنْ أَبِي هَمْزَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام «قال: صلاة في مسجد الكوفة؛ الفريضة تعدلُ حَجَّةَ مقبولة، و التطوع فيه تعدلُ عَمْرَةَ مقبولة».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش از کسی که برای او حدیث را نقل نموده از عبدالرحمن بن ابی هاشم، از داود ابن فرقد، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

یک نماز واجب در مسجد کوفه معادل با یک حج مقبول بوده و یک نماز مستحبی در آن برابر با یک عمره قبول شده می‌باشد.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ محبوب، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ، عَنْ سَلَامَ بْنِ أَبِي عُمَرَ، عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ، عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: النَّافِلَةُ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ تَعْدِلُ عُمْرَةً مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله، وَالفريضة فيه تعدل حجة مع النبي صلى الله عليه وآله، وَقد صَلَّى فِيهِ أَلْفُ نَبِيٍّ وَ أَلْفُ وَصِيٍّ.

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

حسن بن عبدالله بن محمد از پدرش، از حسن بن محبوب، از عبدالله بن جبلة، از سلام بن ابی عمره، از سعد بن طریف، از اصبع بن نباته از مولانا علی علیه السلام نقل نموده که حضرت فرمودند: نماز نافله در این مسجد تعدیل با انجام سوره در معیت رسول خدا صلى الله عليه وآله بوده و نماز واجب در آن مساوی با انجام حج با رسول خدا صلى الله عليه وآله می باشد، در این مسجد هزار پیغمبر و هزار وصی پیامبر نماز خوانده اند.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَمْرِو بْنِ عَثْمَانَ - عَنْ عَمْرِو بْنِ عَثْمَانَ - عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَتُصَلِّي الصَّلَاةَ كُلَّهَا فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، قُلْتُ: لَا، قَالَ: أَمَا لَوْ كُنْتُ بِمَحْضَرَتِهِ لَرَجَوْتُ أَنْ لَا تَفُوتَنِي فِيهِ صَلَاةٌ، قَالَ: وَ تَدْرِي مَا فَضْلُهُ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ صَالِحٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا وَ قد صَلَّى فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ حَتَّى أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ قَالَ

له جبرئیل ﷺ: أتدری أين انت الساعة يا محمد؟ قال: لا، قال: أنت مقابل مسجد كوفان، فقال: أستاذن ربك حتى أهبط فأصلي فيه، فاستأذن فأذن له فهبط فصلي فيه ركعتين، وإن الصلاة المكتوبة فيه تعدل بألف صلاة، وإن التافلة فيه تعدل بخمس مائة صلاة، وإن مقدمة لروضة من رياض الجنة، وإن ميمته روضة من رياض الجنة، وإن مسيرته روضة من رياض الجنة، وإن مؤخره روضة من رياض الجنة، وإن الجلوس فيه بغير صلاة ولا ذكر لعبادة، ولو علم الناس ما فيه لأتوه ولو حثوا».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از عمرو بن عثمان از کسی که برای او حدیث را نقل نموده از هارون بن خارجه، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله ﷺ فرمودند:

آیا تمام نمازهایت را در مسجد کوفه می خوانی؟

عرض کردم: خیر

حضرت فرمودند:

من اگر در آنجا حاضر باشم امیدوارم که هیچ نمازی از من در آن مسجد فوت

نشود و سپس فرمودند:

آیا فضیلت نماز در این مسجد را می دانی

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

هیچ بنده صالح و پیامبری نبوده مگر آنکه در مسجد کوفه نماز گذارده است

حتی رسول خدا ﷺ و قتی به معراج رفتند جبرئیل علیه السلام به ایشان عرض نمود:
آیا نمی‌دانی در این ساعت به کجا آمده‌ای؟

حضرت فرمودند: خیر

عرضه داشت: شما در مقابل مسجد کوفه قرار گرفته‌اید.

حضرت فرمودند: از پروردگارت اذن بگیر تا به آن فرود آمده و در آن نماز
بگذارم. پس جبرئیل از حق تعالی استبذان نمود و حق تعالی هم به او اذن داد.
پس پیامبر اکرم ﷺ به مسجد فرود آمده و در آن دو رکعت نماز خواندند.
باید توجه داشت که یک نماز واجب در آن معادل با هزار نماز در جاهای
دیگر است و یک نماز نافله در آن مساوی با پانصد نمازی است که در اماکن
دیگر خوانده شود.

قبله این مسجد بستانی است از بساتین بهشت و نیز قسمت راست آن بستان
دیگری است از بساتین بهشت چنانچه طرف چپ آن نیز بستان دیگری
محسوب می‌شود از بساتین بهشت شستن در این مسجد بدون اینکه نماز
بخوانند یا ذکرری بگویند عبادت می‌باشد و اگر مردم فضیلتی را که در این مسجد
است می‌دانستند مسلماً به آن حاضر گشته اگر چه به روش اطفال روی دست و
شکم راه رفته و خود را روی زمین بکشند.

متن:

۷- حدیثی محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، عن أبیه، عن جدّه
علی بن مهزیار، عن الحسن بن سعید، عن ظریف بن ناصح، عن خالد
القلانسی «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: صلاة في مسجد الكوفة ألف
صلاة».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار از پدرش، از جدش علی بن مهزیار از حسن بن سعید، از ظریف بن ناصح، از خالد قلانسی، وی می‌گوید:
از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:
یک نماز در مسجد کوفه معادل است با هزار نماز.

متن:

۸- و بهذا الإسناد، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: مكة حرم الله وحرم رسوله وحرم علي، الصلاة فيها بمائة ألف صلاة، والدرهم فيها بمائة ألف درهم، والمدينة حرم الله وحرم رسوله عليه السلام وحرم علي أمير المؤمنين عليه السلام، الصلاة فيها في مسجدها بعشرة آلاف صلاة، والدرهم فيها بعشرة آلاف درهم، والكوفة حرم الله وحرم رسوله وحرم أمير المؤمنين علي - صلوات الله عليهما - الصلاة في مسجدها بألف صلاة».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

با همین استادی که گذشت از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:
مکه حرم خدا و رسول او و مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد، یک نماز در آن معادل با صد هزار نماز بوده و یک درهم در آن اتفاق کردن برابر با صد هزار درهم می‌باشد.

و مدینه منوره حرم خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و حرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌باشد یک نماز در مسجد آن معادل با ده هزار نماز بوده و یک درهم اتفاق

کردن در آن برابر باده هزار درهم می باشد.
و کوفه حرم خدا و رسولش ﷺ و حرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد، یک
نماز در مسجد آن معادل با هزار نماز می باشد.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ
بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ - عَنْ
بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام « قَالَ: حَدُّ مَسْجِدِ السَّهْلَةِ الرُّوحَاءِ ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسین بن متی الجوهری، از محمد بن احمد بن یحیی، از احمد
بن محمد، از ابی محمد، از علی بن اسباط، از برخی اصحابمان، از مولانا ابی
عبدالله علیه السلام فرمودند:

حد مسجد سهله روحاء^(۱) می باشد.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ مِثْلَهُ.

۱ - نام مکانی است که در چهل میلی مدینه واقع است و برخی گفته اند در سی و شش
میلی این شهر قرار گرفته.

ترجمه:

﴿ حدیث دهم ﴾

محمد بن حسن بن احمد بن ولید، از محمد بن حسن صفار، از محمد بن حسین، از علی بن اسباط مثل روایت سابق را نقل کرده است.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَخِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قُلُوبِيَّةَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْحَشَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ، عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِأَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ: يَا أَبَا حَمْزَةَ هَلْ شَهِدْتَ عَمِّي لَيْلَةَ خُرُوجِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَهَلْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ سُهَيْلٍ؟ قَالَ: وَ أَيْنَ مَسْجِدِ سُهَيْلٍ ؛ لَعَلَّكَ تَعْنِي مَسْجِدَ السَّهْلَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَوْ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ اسْتَجَارَ اللَّهَ لَأَجَارَهُ سَنَةً، فَقَالَ لَهُ أَبُو حَمْزَةَ: بَلَّيْتُ أَنْتَ وَأُمِّي هَذَا مَسْجِدَ السَّهْلَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، فِيهِ بَيْتُ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي كَانَ يُخْرِجُ مِنْهُ إِلَى الْعِمَالِقَةِ؛ وَ فِيهِ بَيْتُ إِدْرِيسَ الَّذِي كَانَ يُخِيطُ فِيهِ، وَ فِيهِ مَنَاحُ الرَّاكِبِ، وَ فِيهِ صَخْرَةٌ خَضْرَاءُ؛ فِيهَا صُورَةُ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ، وَ تَحْتَ الصَّخْرَةِ الطَّيْنَةُ الَّتِي خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهَا النَّبِيِّينَ، وَ فِيهَا الْمَعْرَاجُ، وَ هُوَ الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ مَوْضِعُ مِنْهُ، وَ هُوَ مَمْرُ النَّاسِ، وَ هُوَ مِنْ كُوفَانِ، وَ فِيهِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ، وَ إِلَيْهِ الْمُحْشَرُ، يُحْشَرُ مِنْ جَانِبِهِ سَبْعُونَ أَلْفًا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، أُولَئِكَ الَّذِينَ أَفْلَحَ اللَّهُ حُجَجَهُمْ، وَ ضَاعَفَ نِعْمَتَهُمْ، فَاتَهُمُ الْمُسْتَبَقُونَ الْفَائِزُونَ الْقَاتِنُونَ يُحْبُونَهُ أَنْ يَدْرُؤُوا عَنْ أَنْفُسِهِمُ الْمَفْخَرِ وَ يُجْلُونَ بِعَدْلِ اللَّهِ عَنْ لِقَائِهِ، وَ أَسْرَعُوا فِي الطَّاعَةِ فَعَمَلُوا وَ عَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ،

ليس عليهم حساب و لا عذاب، يُذْهِبُ الضُّعْفَ يُطَهِّرُ الْمُؤْمِنِينَ، و من وسطه سار جبل الأهواز وقد أتى عليه زمان وهو معمور».

ترجمه: ﴿حدیث یازدهم﴾

برادرم علی بن محمد بن قولویه، از احمد بن ادریس بن احمد، از عمران بن موسی، از حسن بن موسی الخشاب از علی بن حسان، از عمویش عبدالرحمن بن کثیر، از ابی عبداللہ علیه السلام، وی می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که به ابی حمزه ثمالی می فرمودند:

ای ابا حمزه آیا شاهد بودی عمویم شب خارج گردید؟

ابو حمزه گفت: بلی.

حضرت فرمودند:

آیا وی در مسجد سهیل نماز گذارد؟

ابو حمزه گفت: مسجد سهیل کجا است؟ شاهد مقصود تان مسجد سهله است حضرت فرمودند.

بلی، سپس فرمودند:

حقاً اگر وی (یعنی عموی امام صادق علیه السلام که زید بن علی بن الحسین علیه السلام باشد) در آن مسجد دو رکعت نماز می خواند سپس از خداوند پناه می خواست حقتعالی او را برای یک سال پناه می داد.

ابو حمزه محضر مبارکش عرض کرد:

پدر و مادرم فدایت شوند، این مسجدی که توصیفاتش را بیان فرمودید آیا مسجد سهله است؟ حضرت فرمودند:

بلی، در آن مسکن و منزل جناب ابراهیم علیه السلام بوده که از آن بطرف عمالقه می رفت و ایشان را ارشاد می فرمود و نیز در آن منزل ادریس علیه السلام است که در آن

به خیاطت و دوزندگی اشتغال داشت و همچنین در آن استراحت گاه سواران و سنگ سبزی که در آن صورت و شمایل انبیاء نقش بسته شده می‌باشد و در زیر این سنگ گلی هست که خداوند عزوجل انبیاء را از آن آفریده و از این مکان و بمنزل معراج صورت گرفته و آن مکان به فاروق اعظم نامیده شده و آن محل عبور و مرور مردم به طرف محشر بوده و از کوفه محسوب می‌شود و دمیدن در صور در همین مکان واقع می‌شود و از همین مکان به محشر راه پیدا شده و هفتاد هزار نفر محشر گشته و از همین مکان به طرف بهشت بدون حساب رهسپار گردیده و داخل آن می‌شوند، ایشان کسانی هستند که خدای تعالی آنها را رستگار نموده و نعمتهایش برایشان را مضاعف کرده است، ایشان در ورود به بهشت بر یکدیگر سبقت و پیشی می‌گیرند، رستگاران و امیدواران به رحمت حق بوده، دوست دارند فخر و کبر را از خود دور کنند، ایشان کسانی هستند که عدل حق تعالی آن‌ها را از ملاقات پروردگارشان ترسان و خائف نموده، دیگر از اوصاف ایشان آن است که در طاعت و فرمان برادری حق شتاب نموده و طریق عمل را پیش گرفته و می‌دانند که خداوند متعال به آنچه انجام می‌دهند بصیر و آگاه است، حسابی برایشان نبوده چنانچه عذاب و مؤاخذه‌ای متوجه ایشان نمی‌باشد.

این مکان کینه را از دل‌ها برده و مؤمنین را از هرگونه آلودگی پاک می‌نماید، و از وسط آن کوه اهواز (در برخی نسخ «اهوان» ضبط شده) رد شده و روزگاری بر آن گذشته که در طی آن این مکان معمور و آباد بوده است.

مترجم گوید:

همان طوری که مرجوم علامه مجلسی عطرالله مرقده در بحار فرموده الفاظ این حدیث از غلط و سقم خالی نمی‌باشد.

متن:

۱۲- حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدَ بْنِ أَحَدَ الرَّازِيِّ الْجَامُورَانِيَّ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِيهِ سَيْفٍ، عَنْ أَبِي بَكْرِ الْخَضْرَمِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ؛ أَوْ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَيُّ بَقَاعِ الْأَرْضِ أَفْضَلُ بَعْدَ حَرَمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَحَرَمِ رَسُولِهِ صلى الله عليه وآله؟ فَقَالَ: الْكُوفَةُ؛ يَا أَبَا بَكْرٍ هِيَ الزَّكِيَّةُ الطَّاهِرَةُ؛ فِيهَا قُبُورُ النَّبِيِّينَ الْمُرْسَلِينَ، وَقُبُورُ غَيْرِ الْمُرْسَلِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ الضَّادِقِينَ، وَفِيهَا مَسْجِدُ سُهَيْلٍ الَّذِي لَمْ يَبْعَثِ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَقَدْ صَلَّى فِيهِ، وَمِنْهَا يَظْهَرُ عَدْلُ اللَّهِ، وَفِيهَا يَكُونُ قَائِمُهُ وَالْقَوَامُ مِنْ بَعْدِهِ، وَهِيَ مَنَازِلُ النَّبِيِّينَ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالصَّالِحِينَ».

«حدیث دوازدهم»

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله و او از ابی عبدالله محمد بن ابی عبدالله رازی جامورانی و او از حسین بن سیف بن عمیره و او از پدرش سیف و او از ابی بکر خضرمی و او از حضرت ابی عبدالله عليه السلام یا ابوجعفر عليه السلام نقل نموده، می گوید: محضر مبارکش عرضه داشتیم: بعد از حرم خداوند عزوجل و حرم رسول خدا صلى الله عليه وآله چه مکانی از زمین از امکان دیگر برتر و اشرف می باشد؟ حضرت فرمودند:

ای ابوبکر، آن زمین کوفه می باشد، این زمین پاک و پاکیزه بوده و در آن قبور انبیاء مرسل و غیر مرسل و اوصیاء انبیاء بوده و در آن مسجد سهیل قرار دارد، از خصوصیات این مسجد آن است که حق تعالی هیچ پیغمبری را مبعوث نفرموده مگر آنکه وی در آن نماز خوانده است و نیز از آن عدل الهی ظاهر و آشکار می گردد و در آن قائم حق تعالی قیام نموده و پس از آن عدالت را برپای می فرماید، در این زمین منازل انبیاء و اوصیاء صالح می باشد.

متن:

۱۳ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ،
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ «قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَسَلَّمَ وَجَلَسَ، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: مِنْ أَيِّ الْبِلَادِ
أَنْتَ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ: أَنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَأَنَا لَكَ مَحَبٌّ مُوَالٍ، قَالَ: فَقَالَ
لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: أَتَصَلِّي فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ كُلَّ صَلَاتِكَ؟ قَالَ الرَّجُلُ: لَا،
فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّكَ لَمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
أَتَغْتَسِلُ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ فُرَاتِكُمْ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فِي كُلِّ جُمُعَةٍ؟ فَقَالَ: لَا،
قَالَ: فِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قَالَ: لَا، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
إِنَّكَ لَمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: أَتَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي كُلِّ
جُمُعَةٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قَالَ: لَا، فَقَالَ
أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّكَ لَمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

محمد حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدش، از حسن بن محبوب،
از حنان بن سدید نقل نموده، وی می گوید:
محضر مبارک حضرت ابی جعفر عليه السلام بودم که شخصی داخل شد و به آن
جناب سلام نمود و نشست حضرت به او فرمودند:
از کدام دیار هستی؟
عرض کرد: از اهل کوفه بوده و دوست دار شما می باشم.
راوی می گوید: حضرت به او فرمود:
آیا تمام نمازهایت را در مسجد کوفه می خوانی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

حقاً که از خیر محروم هستی، سپس فرمودند:
آیا هر روز یک مرتبه از فرات غسل می‌کنی.

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

آیا در هر جمعه چه طور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند: در هر ماه چطور، عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند: در هر سال چه طور؟

عرض کرد: خیر

حضرت فرمودند: در هر ماه چطور؟

عرض کرد: خیر

حضرت فرمودند:

حقاً که از خیر محروم می‌باشی.

راوی می‌گوید: حضرت سپس به او فرمود:

آیا قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در هر جمعه زیارت می‌نمائی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر ماه چه طور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر سال چه طور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

حقاً که از خیر محروم می‌باشی.

متن:

۱۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَاءِ «قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: لَا تَدْعُ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ الصَّلَاةَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَلَوْ أَتَيْتَهُ حَبْوًا، فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِيهِ بِسَبْعِينَ صَلَاةً فِي غَيْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ».



« حدیث چهاردهم »

ترجمه:

محمد بن حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدش علی بن مهزیار، از حسن بن محبوب، از علی بن رثاب از ابی عبیده حذاء، وی می‌گوید:
حضرت ابوجعفر علیه السلام فرمودند:

ای ابو عبیده نماز در مسجد کوفه را ترک مکن و حتماً به آن مسجد برو و در آن اداء نماز کن اگر چه به روش اطفال روی دست و شکم حرکت کرده و خود را روی زمین بکشی چه آنکه یک نماز در آن معادل و مساوی با هفتاد نماز در مساجد دیگری می‌باشد.

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيُّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ

محمد بن سنان «قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: الصلاة في مسجد الكوفة فرادی أفضل من سبعین صلاة في غيره جماعة».

ترجمه:

«حدیث پانزدهم»

ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن حسين عسکری از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از حسن بن سعید، از محمد بن سنان نقل کرده که وی گفت: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند: یک نماز فرادی در مسجد کوفه خواندن برتر و با فضیلت تر از هفتاد نماز بطور جماعت خواندن در غیر آن می باشد.



متن:

۱۶- و عنه، عن الحسن بن علی عن أبيه علي بن مهزيار، عن أبيه، عن الحسن بن سعيد، عن ظریف بن ناصح، عن خالد القلانسی «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: صلاة في مسجد الكوفة ألف صلاة».

ترجمه:

«حدیث شانزدهم»

ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن حسين عسکری از حسن بن علی، از پدرش علی بن مهزیار، از پدرش، از حسن بن سعید، از ظریف بن ناصح، از خالد قلانسی نقل کرده که وی گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: یک نماز در مسجد کوفه معادل با هزار نماز در غیر آن می باشد.

متن:

۱۷ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعاً، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيٍّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ فَضِيلِ الْأَعُورِ، عَنْ لَيْثِ بْنِ أَبِي سَلِيمٍ «قَالَ: اسْتَقْبَلْتُهُ وَقَدْ صَلَّى النَّاسُ الْعَصْرَ، فَقَالَ: إِنِّي لَمْ أَصِلُ الظَّهْرَ بَعْدُ فَلَاتَجْبِسْنِي وَامْضِ رَاشِداً، قَالَ: قُلْتُ: لِمَ أَخَّرْتَهَا إِلَى السَّاعَةِ؟ قَالَ: كَانَتْ لِي حَاجَةٌ فِي السُّوقِ فَأَخَّرْتُ الصَّلَاةَ حَتَّى أَصِلَ فِي الْمَسْجِدِ لِلْفَضْلِ الَّذِي بَلَغَنِي فِيهِ، قَالَ: فَرَجَعْتُ فَقُلْتُ: أَيُّ شَيْءٍ رُوِيَ فِيهِ، قَالَ: أَخْبَرَنِي فَلَانٌ عَنْ فَلَانٍ، عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَ إِنِّي هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ، فَأَهْبَطْتُ إِلَى مَسْجِدِ أَبِي نُوحٍ ﷺ وَ أَبِي إِبْرَاهِيمَ وَ هُوَ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ فَصَلَّيْتُ فِيهِ وَ كَعْبَتَيْنِ، قَالَ: ثُمَّ قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ فِيهِ تَغْدُلُ حَجَّةَ مَبْرُورَةٍ، وَ النَّافِلَةُ تَعْدِلُ عَمْرَةَ مَبْرُورَةٍ».

﴿ حدیث هفدهم ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن عبدالله جمیعاً از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی، از حسن بن سعید از علی بن حکم، از فضیل اعور، از لیت بن ابی سلیم نقل کرده که وی می گفت:

نزد او رفتم در حالی که مردم نماز عصر را خوانده بودند، وی فرمود:
من هنوز نماز ظهر را نخوانده ام پس مرا معطل مکن و از خواندن نماز باز مدار
و برو انشاءا... موفق باشی.

راوی می‌گوید:

عرض کردم چرا نمازتان را به تأخیر انداخته و تا این ساعت نخوانده‌اید؟
فرمود:

در بازار کاری داشتم لذا خواندن نماز را به تأخیر انداخته تا آن را در این مسجد نخوانم زیرا فضیلتی که راجع به خواندن نماز در این مسجدت به سمعم رسیده بود مرا بر این داشت.

راوی می‌گوید:

دو مرتبه به سؤال و پرسش برگشته و عرض کردم:
چه روایتی در این زمینه به شما رسیده؟
فرمود:

فلانی از فلانی از عائشه به من خبر داد که وی گفت:
از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمودند.

زمانی که من را به آسمان عروج می‌دادند بنامش به زمین فرود آیم پس من به مسجد ابی نوح ﷺ و ابی ابراهیم که همان مسجد کوفه است نزول نموده و در آن دو رکعت نماز خواندم...

سپس روای می‌گوید عائشه گفت:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

یک نماز واجب در آن مسجد خواندن معادل با حج مقبول بوده و یک نافله خواندن در آن مساوی با یک عمره قبول شده می‌باشد.

متن:

۱۸ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجَلَانَ، عَنْ مَالِكِ بْنِ

ضَمْرَةُ الْقَبْرِیِّ «قال: قال لي أمير المؤمنين عليه السلام: أتخرج إلى المسجد الذي في ظهر دارك تصلي فيه؟ فقلت له: يا أمير المؤمنين ذاك مسجد تصلي فيه النساء، فقال لي: يا مالك ذاك مسجد ما أتاه مكروب قط فصلّي فيه فدعا الله إلا فرّج الله عنه وأعطاه حاجته، فقال مالك: فوالله ما أتيت ولا صليت فيه، فلما كان ليلة أصابني أمرٌ اغتنمتُ منه فذكرت قول أمير المؤمنين عليه السلام وقُت في الليل وانتعلت فتوضأت وخرّجتُ فإِذا على بابي مصابيحُ قرّ قُدّامي، ومررت حتى انتهيت إلى المسجد فوقف بين يديّ وكنت أصلي فلما فرغت انتعلتُ وانصرفْتُ قرّ قُدّامي حتى انتهيت إلى الباب فلما أن دخلتُ ذهب فما خرجت ليلة بعد ذلك إلا وجدت المصباح على بابي وقضى الله حاجتي».

ترجمه: حدیث هیجدهم

ترجمه:

محمد بن حسن بن مهزیار از پدرش از جدّش علی بن مهزیار، از عثمان بن عیسی، از محمد بن عجلان، از مالک بن ضمیره روای (عنبری نسخه بدل) نقل نموده که وی گفت:

امیرالمؤمنین علیه السلام به من فرمودند:

آیا به مسجدی که پشت خانه‌ات هست می‌روی و نماز در آن می‌خوانی؟

محضر مبارک عرض کردم:

با امیرالمؤمنین در آن مسجد زنان نماز می‌گذارند.

حضرت فرمودند:

ای مالک محزون و غمگینی هرگز به این مسجد داخل نشده که در آن نماز خوانده و برای رفع حزن و غمش دعاء نموده باشد مگر آنکه حق تعالی حزنش

را برطرف و غمش را زائل کرده و خواسته‌اش را به او عطا فرموده.
 مالک می‌گوید: به خدا قسم به آن مسجد نرفته و در آن نماز نخواندم تا شبی
 که گرفتار ناراحتی شده و بخاطر آن غم و اندوه مرا فراگرفت پس فرموده
 امیرالمؤمنین علیه السلام بیادم آمد لاجرم در همان وقت شب برخاسته و نعلینی به
 پا کرده و وضوء ساخته و از منزل خارج گشتم ناگهان درب منزل چراغی دیدم
 روشن که جلو من در حرکت است و من نیز در روشنایی آن گام برداشته تا به
 مسجد رسیدم در این هنگام چراغ از حرکت ایستاد و در جلو من متوقف گردید
 من به مسجد داخل شده و در آن نماز گذاردم و پس از فراغت از آن نعلین‌ها را به
 پا کرده و به منزل برگشتم در مراجعت همچنان چراغ را روشن و جلو خود در
 حرکت دیدم در پرتو آن قدم برداشته تا به درب منزل رسیدم و چون داخل خانه
 شدم چراغ از نظرم محو گشت و از آن شب به بعد هر شبی که به مسجد می‌رفتم
 چراغ را در منزل روشن می‌دیدم و حق تعالی حاجت و خواسته من را برآورده
 فرمود.

متن:

۱۹ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
 مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو يُوْسُفَ يَعْقُوبُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مِنْ وَلَدِ أَبِي
 فَاطِمَةَ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ زَيْدٍ مَوْلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ، عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام - وَهُوَ فِي مَسْجِدِ
 الْكُوفَةِ - فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
 فَرَدَّ عَلَيْهِ [السَّلَامَ]، فَقَالَ: جَعَلْتَ فِدَاكَ إِنِّي أُرَدْتُ الْمَسْجِدَ الْأَقْصَى
 فَأُرَدْتُ أَنْ أَسْلَمَ عَلَيْكَ وَأَوْدَعَكَ، فَقَالَ: أَيُّ شَيْءٍ أُرَدْتُ بِذَلِكَ؟ فَقَالَ:

الفضل جُلعت فداك، قال: فَبِيعْ راحِلَتَكَ، وَكُلْ زادَكَ، وَصَلْ شَئِي هَذَا المسجد، فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِيهِ حِجَّةٌ مَبْرُورَةٌ، وَالتَّائِفَةُ عُمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ، وَالْبَرَكَةُ مِنْهُ عَلَى اثْنِي عَشَرَ مِيلًا، يَمِينُهُ يَمْنٌ، وَيسَارُهُ مَكْرٌ، وَالتَّائِفَةُ عُمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ، وَالْبَرَكَةُ مِنْهُ عَلَى اثْنِي عَشَرَ مِيلًا، يَمِينُهُ يَمْنٌ، وَيسَارُهُ مَكْرٌ، وَفِي وَسْطِهِ عَيْنٌ مِنْ دُخْنٍ وَعَيْنٌ مِنْ لَبْنٍ وَعَيْنٌ مِنْ مَاءٍ شَرَابًا لِلْمُؤْمِنِينَ، وَعَيْنٌ مِنْ مَاءٍ طَهُورًا لِلْمُؤْمِنِينَ، مِنْهُ سَارَتْ سَفِينَةُ نُوحٍ وَكَانَ فِيهِ نُشْرٌ وَيَغُوثٌ وَيَعُوقٌ وَصَلَّى فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا وَسَبْعُونَ وَصِيًّا أَنَا أَحَدُهُمْ - وَقَالَ بِيَدِهِ فِي صَدْرِهِ مَا دَعَا فِيهِ مَكْرُوبٌ بِمَسْأَلَةٍ فِي حَاجَةٍ مِنَ الْحَوَائِجِ إِلَّا أَجَابَهُ اللَّهُ وَفَرَجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ»



«حدیث نوزدهم»

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی نقل نمود، وی گفت:

ابو یوسف یعقوب بن عبدالله که از فرزندان ابی فاطمه است برایم نقل نمود از اسمعیل بن زید که مولای عبدالله بن یحیی کاهلی است و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام روایت کرد که آن جناب فرمودند:

شخصی محضر مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام رسید در حالی که آن حضرت در مسجد کوفه نزول اجلال داشتند بر حضرتش سلام کرد و گفت:

السَّلامُ عَلَیْكَ یا امیرالمؤمنین وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ.

حضرت جواب سلامش را دادند.

وی عرض کرد: فدایت شوم عازم مسجد اقصی بودم گفتم ابتداء خدمت شما آمده سلام عرض کرده و یا شما وداع نمایم.

حضرت فرمودند:

قصدت از رفتن به آن مسجد چیست؟

عرضه داشت: فدایت شوم درک فضیلت آن مسجد.

حضرت فرمودند:

مرکبت را بفروش و توشعات را تناول کن و در همین مسجد نماز بگذار و نیازی به آن مسجد نیست زیرا یک نماز واجب در اینجا خواندن معادل با یک حج قبول شده بوده و یک نماز نافله گذاردن مساوی و برابر است با یک عمره مقبول، هرکمی که از این مسجد ناشی می باشد تا فاصله دوازده میلی آن منتشر می باشند، جانب راست آن نیک بختی و برکت بوده و طرف چپش نزویر و فریب و در وسطش چشمه ای از روغن و چشمه ای از شیر و چشمه ای از آبی که شراب است برای مؤمنین و چشمه ای است از آب که برای اهل ایمان ظهور و پاکیزه می باشد از همین مکان کشتی نوح علیه السلام حرکت نمود و در همین مسجد بت های سه گانه یعنی: نسر و یغوث و یعوق بودند و در همین مسجد هفتاد و بیستمیر و هفتاد وصی که یکی از آنها من هستم نماز خوانده اند.

سپس در حالی که با دست مبارک اشاره می نمودند فرمودند:

در این مسجد هیچ محزون و مکروبی برای حاجتی از خوانش دعا نکرده مگر آنکه حق تعالی حزنش را برطرف و غمش را زائل و حاجتش را روا ساخته است.

مترجم گوید:

اینکه حضرت فرمودند: بت های سه گانه یعنی: نسر و یغوث و یعوق در این مسجد بودند نه به ملاحظه شرافت مسجد از این رهگذر باشد بلکه اشاره به قدمت آن است که خود فضیلت و اعتباری محسوب می گردد.

﴿الباب التاسع﴾

﴿الدلالة على قبر أمير المؤمنين علیه السلام﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَأَخِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خُلْفٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ صَفْوَانَ الْجُمَالِ «قَالَ: كُنْتُ وَ عَامِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُدَاعَةَ الْأَزْدِيِّ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ لَهُ عَامِرُ: إِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام دُفِنَ بِالرُّخْبَةِ فَقَالَ: لَا، قَالَ: فَأَيْنَ دُفِنَ؟ قَالَ: إِنَّهُ لَمَّا مَاتَ حَمَلَهُ الْحَسَنُ علیه السلام فَأَتَى بِهِ ظَهَرَ الْكُوفَةِ قَرِيباً مِنَ النَّجَفِ يُسْرَةً عَنِ الْعَرِيِّ، يَمْنَةً عَنِ الْحَيْرَةِ، فَدَفَنَهُ بَيْنَ ذِكْوَاتٍ بَيْضَ، قَالَ: فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ ذَهَبَتْ إِلَى الْمَوْضِعِ فَتَوَهَّشَ مَوْضِعاً مِنْهُ، ثُمَّ أَتَيْتُهُ فَأَخْبَرْتَهُ فَقَالَ: أَصَبْتُ أَصَبْتُ أَصَبْتُ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - رَجِمَكَ اللَّهُ».

﴿باب نهم﴾

﴿روشن نمودن و تعیین کردن مکان قبر امیرالمؤمنین علیه السلام﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدر و برادر و علی بن حسین و محمد بن حسن رحمة الله عليهم جملگی از سعد بن عبدالله بن ابی خلف نقل نموده‌اند و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از علی بن حکم و او از صفوان جمال حکایت کرده که وی گفت: من و عامر بن

عبدالله بن جذاعة از دی محضر امام صادق علیه السلام بودیم، ناقل می گوید:
 عامر به امام عرض نمود: مردم گمان دارند که امیرالمؤمنین علیه السلام در «رحبه»^(۱)
 مدفون هستند حضرت فرمودند: خیر، این طور نیست.
 روای می گوید: عرضه داشتیم پس آن حضرت در کجا مدفون می باشند؟
 حضرت فرمودند:

وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام رحلت فرمودند امام حسن علیه السلام ایشان را به پشت کوفه
 در مکانی که نزدیک نجف و در چپ غری و راست حیره بود انتقال داده سپس
 بین ریگهای سفید و روشن آن حضرت را دفن نمودند.
 روای می گوید:

بعد از این به مکانی رفته و پنداشتم آن مکان مدفن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
 است و سپس که محضر مبارک امام صادق علیه السلام مشرف شدم از پندار خود به آن
 جناب خبر داده و از صحت و سقم آن جویا شدم، حضرت سه مرتبه فرمودند:
 خداوند تو را رحمت کند در پندارت به صواب رفتی.

متن:

۲- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ
 أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْخَلَّالِ
 (كَذَا)، عَنْ جَدِّهِ «قَالَ: قُلْتُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا - أَيْنَ
 دَفَنْتُمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام ؟ قَالَ: خَرَجْنَا بِهِ لَيْلاً حَتَّى مَرَرْنَا عَلَى مَسْجِدِ
 الْأَشْعَثِ، حَتَّى خَرَجْنَا إِلَى ظَهْرِ نَاحِيَةِ الْغَرِيِّ».

۱- به ضم راء دو سکون جاء اسم مکانی است که محاذی با قادسیه می باشد.

ترجمه:

«حدیث دوم»

محمد بن حسن، از محمد بن حسن صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن ابی عمیر، از حسین خلّال از جدّش نقل نموده، وی گفت:
محضر حسین بن علی صلوات الله علیهما عرض کردم: امیرالمؤمنین علیه السلام را در کجا دفن نمودید؟
حضرت فرمودند:

بیکر مطهر آن جناب را شب بیرون برده تا به مسجد اشعث رسیده و از آن گذشته تا به پشت ناحیه غری منتقلش نمودیم.

متن:

۳- حَدَّثَنِي جَمَاعَةُ مَشَائِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ «قَالَ: أَتَانِي عُمَرُ بْنُ - يَزِيدَ فَقَالَ لِي أَرْكَبْ، فَرَكَبْتُ مَعَهُ فَمَضَيْنَا حَتَّى نَزَلْنَا مَنْزِلَ حَفْصِ الْكُنَاسِيِّ فَاسْتَخْرَجَهُ فَرَكَبَ مَعَنَا فَمَضَيْنَا حَتَّى أَتَيْنَا الْغُرِّيَّ فَانْتَهَيْنَا إِلَى قَبْرِ فَقَالَ: انْزِلُوا! هَذَا الْقَبْرُ قَبْرُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَقُلْنَا لَهُ: مِنْ أَيْنَ عَرَفْتَ هَذَا؟ قَالَ: أُتِيْتَهُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام حَيْثُ كَانَ فِي الْحَيْرَةِ غَيْرَ مَرَّةٍ وَخَبَّرَنِي أَنَّهُ قَبْرُهُ».

ترجمه:

«حدیث سوم»

گروهی از مشایخ من، از محمد بن یحیی و او از احمد بن محمد و او از ابن ابی عمیر و او از قاسم بن محمد و او از عبدالله بن سنان نقل کرده که وی گفت:
عمرو بن یزید نزد من آمد و بمن گفت: سوار شو، من با او سوار شده و

حرکت کردیم تا به منزل حفص کناسی رسیده و او را به بیرون خواندیم وقتی از منزل خارج شد با ما سوار گشته و هر سه حرکت کردیم تا به غری رسیده و از آنجا به حرکت خود ادامه دادیم تا منتهی به قبری شدیم عمرو بن یزید گفت فرود آئید این قبر، قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است.

به او گفتیم: از کجا دانستی.

گفت: زمانی که حضرت ابی عبدالله علیه السلام در حیره بودند مکرر با آن جناب به اینجا آمده و فرمودند: این قبر، قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ؛ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا، عَنْ يَزِيدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ طَلْحَةَ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَ هُوَ بِالْحَيْرَةِ -: أَمَا تَرِيدُ مَا وَعَدْتُكَ؟ قَالَ: قُلْتُ: بَلَى - يَعْنِي الذَّهَابَ إِلَى قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام -، قَالَ: فَرَكِبْ وَ رَكِبَ إِسْمَاعِيلُ ابْنَهُ مَعَهُ وَ رَكِبْتُ مَعَهُمَا حَتَّى إِذَا جَازَ الثَّوِيَّةَ وَ كَانَ بَيْنَ الْحَيْرَةِ وَ النَّجَفِ عِنْدَ ذُكُوتِ بَيْضِ نَزَلِ وَ نَزَلَ إِسْمَاعِيلُ وَ نَزَلْتُ مَعَهُمْ فَصَلَّى إِسْمَاعِيلُ وَ صَلَّيْتُ، فَقَالَ لِإِسْمَاعِيلَ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلَى جَدِّكَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام، فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ أَلَيْسَ الْحُسَيْنُ عليه السلام بِكَرْبَلَاءَ، فَقَالَ: نَعَمْ؛ وَلَكِنْ لَمَّا حُمِلَ رَأْسُهُ إِلَى الشَّامِ سَرَّقَهُ مَوْلَى لَنَا فَدَفَنَهُ بِجَنْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام».

﴿حدیث چهارم﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن یعقوب از علی بن ابراهیم بن هاشم و او از پدرش و او از یحیی بن زکریا و او از یزید بن عمر بن طلحه نقل کرده که وی گفت:

زمانی که امام صادق (ع) در حیره بودند به من فرمودند:

آیا اراده آنچه به تو وعده داده بودم را نداری؟

روای می‌گوید: عرضه داشتم چرا (یعنی رفتن به زیارت قبر المؤمنین (ع)).

سپس راوی می‌گوید: امام (ع) سوار مرکب شده و فرزندانش اسمعیل نیز با آن اجنباب سوار گشته و من نیز با ایشان سوار شدم و حرکت کردیم تا از وادی ثویه گذشته و بین حیره و نجف جنب ریگ‌های سفید و روشن حضرت پیاده شدند و اسمعیل نیز از مرکب به زیر آمد و من هم از مرکب پائین آمدم، حضرت نماز گذاردند و اسمعیل نیز با آن حضرت نماز خواند من هم نماز گذاردم سپس حضرت به اسمعیل فرمودند:

بایست و برجذت حسین بن علی (ع)، سلام بده.

من عرض کردم: فدایت شوم: آیا حضرت حسین (ع) در کربلاء نیستند؟

فرمودند:

بلی ولی هنگامی که سر مطهر آن حضرت را به شام آوردند یکی از دوستان ما آن را ربود و در جنب امیرالمؤمنین (ع) دفن نمود.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِيعًا، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مِثْلٍ، (و) عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ، عَنِ الْحَسَنِ الْخَزَّازِ الْوَشَّاءِ، عَنْ أَبِي الْفَرَجِ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ «قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَرَبَّظْهُرَ الْكُوفَةِ فَزُلَّ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ تَقَدَّمَ قَلِيلًا فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ سَارَ قَلِيلًا فَزُلَّ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ قَالَ: هَذَا مَوْضِعُ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع)، قُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ فَمَا الْمَوْضِعَيْنِ اللَّذَيْنِ صَلَّيْتَ فِيهِمَا؟ قَالَ: مَوْضِعُ رَأْسِ الْحُسَيْنِ (ع)، وَ مَوْضِعُ مَنْبَرِ الْقَائِمِ (ع)».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم و محمد بن حسن جملگی از حسن بن مثیل، و او از سهل بن زیاد و او از ابراهیم بن عقبه و او از حسن خزّاز و شاء و او از ابوالفرج و او از ابان بن تغلب نقل کرده که وی گفت:

در معیت حضرت ابی عبدالله علیه السلام بودم که آن حضرت از پشت کوفه عبور فرموده و سپس از مرکب به زیر آمده و دو رکعت نماز خواندند و بعد اندکی جلو رفته و دو رکعت دیگر خوانده سپس کمی حرکت فرموده و باز پیاده شدند و دو رکعت نماز خوانده سپس فرمودند:

این جا، قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است.

عرض کردم: فدایت شوم پس آن دو مکان که در آن نماز خواندید چه بود؟ حضرت فرمودند:

یکی مکان سر مطهر حضرت حسین علیه السلام بود و دیگری جای منبر قائم علیه السلام می باشد.

متن:

۶- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ - رَفَعَهُ - «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّكَ إِذَا أَتَيْتَ الْغُرَى رَأَيْتَ قَبْرَيْنِ: قَبْرًا كَبِيرًا وَ قَبْرًا صَغِيرًا، فَأَمَّا الْكَبِيرُ فَقَبْرُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَمَّا الصَّغِيرُ فَرَأْسُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم از سعد بن عبدالله و او از حسن بن موسی الخشاب و او از علی بن اسباط به طور مرفوعه نقل نموده و گفت:

امام صادق (ع) فرمودند:

ل

وقتی به غری وارد شده دو قبر می بینی: قبر بزرگ و قبر کوچک.

اما قبر بزرگ آن قبر امیرالمؤمنین (ع) است.

و اما قبر کوچک: آن محل دفن سر مطهر حضرت حسین بن علی (ع)

می باشد.

متن:

۷- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ،
عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ
مِهْرَانَ، النَّجَفِي، فَقَالَ: هُوَ الْجَبَلُ الَّذِي اعْتَصَمَ بِهِ ابْنُ جَدِّي نُوحٌ (ع)،
فَقَالَ: «سَأُوي إِلَى جَبَلٍ يَفْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ» فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ:
يَا نَجْفُ أَيَعْتَصِمُ بِكَ مَنِّي؟! فغَابَ فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعَ إِلَى قَطْرِ الشَّامِ، ثُمَّ
قَالَ: اعْدِلْ بِنَا؛ فَعَدَلْتُ فَلَمْ يَزَلْ سَائِرًا حَتَّى أَقَى الْغُرَى فَوَقَفَ عَلَى الْقَبْرِ،
فَسَاقَ السَّلَامَ مِنْ آدَمَ عَلَى نَبِيٍّ وَنَبِيٍّ (ع)، وَأَنْ أَسُوقَ مَعَهُ حَقِّي وَصَلَّ
السَّلَامَ إِلَى النَّبِيِّ (ص)، ثُمَّ خَرَّ عَلَى الْقَبْرِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَغُلَّ نَحْيِيهِ، ثُمَّ قَامَ
فَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَصَلَّيْتُ مَعَهُ، وَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا هَذَا الْقَبْرِ،
فَقَالَ: هَذَا قَبْرُ جَدِّي عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع).

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله، از محمد بن ابی عبدالله کوفی و او از موسی بن عمران

نخعی و او از حسین بن یزید نقل نموده که وی گفت:

صفوان بن مهران از حضرت جعفر بن محمد (ع) حدیثی را این طور نقل

کرد:

صفوان می گوید: امام علیه السلام از سرزمین قادسیه حرکت کردند در حالی که من نیز همراه ایشان بودم تا به نجف رسیدیم، حضرت فرمودند:

این کوه همان کوهی است که فرزند جدّم نوح علیه السلام به آن پناه برد و گفت:
سأوی الی جبل یعصمنی من الماء.

خداوند تبارک و تعالی به کوه خطاب نمود:

آیا او از من به تو پناه می برد؟

پس از این خطاب کوه در زمین نهان گشت و رشته اش تا قبل از سرزمین شام بریده و منهدم گردید سپس به من فرمود:
 به موازات من حرکت کن.

پس من به موازات حضرتش حرکت نمودم و پیوسته آن جناب مرکب می راندند تا به غریّ رسیده پس بالای قبری توقف فرمود و سپس شروع نمودند به سلام دادن به یک یک از انبیاء از حضرت آدم علیه السلام آغاز نموده و نام هر کدام را جداگانه برده و به آنها سلام می کردند و من نیز به متابعت از آن حضرت به هر یک از انبیاء سلام می دادم تا رسیدند به سلام بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پس از سلام به آن حضرت صورت مبارک را بر قبر مطهر نهاده و بر صاحب قبر سلام نمودند و پس از آن صدا به گریه بلند نمودند و بعد از آن ایستاده و چهار رکعت نماز خواندند و من نیز با آن حضرت نماز گذاردم و پس از فراغ از نماز محضر مبارکش عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این قبر کیست؟
 فرمودند: این قبر جدّم علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد.

متن:

۸- حدّثنی محمد ابن أحمد بن علی بن یعقوب، عن علی بن الحسن بن علی بن فضال، عن أبیه (کذا)، عن الحسن بن الجهم بن بُکیر «قال:

ذکرت لأبي الحسن (ع) يحيى بن موسى و تعرضه لمن يأتي قبر أمير المؤمنين (ع) و أنه كان ينزل موضعاً كان يقال به: الثوبية يتنزه إليه، ألا و قبر أمير المؤمنين (ع) فوق ذلك قليلاً و هو الموضع الذي روى صفوان الجمال أن أبا عبد الله وصفه له، قال له فيما ذكر: إذا انتهيت إلى القرى ظهر الكوفة فاجعله خلفك ظهره و توجه على نحو الشجف، و تيامن قليلاً، فإذا انتهيت إلى الذكوات البيض و الثنية أمامه فذلك قبر أمير المؤمنين (ع) و أنا أتيت كثيراً و من أصحابنا من لا يرى ذلك و يقول: هو في المسجد، و بعضهم يقول: هو في القصر، فأرد عليهم أن الله لم يكن ليجعل قبر أمير المؤمنين (ع) في القصر في منازل الظالمين، و لم يكن يُدْفَنُ في المسجد و هم يريدون ستره، فأيتنا أصوب؟ قال: أنت أصوب منهم، أخذت بقول جعفر بن محمد (ع)، قال: ثم قال لي: يا أبا محمد ما أرى أحداً من أصحابنا يقول بقولك، و لا يذهب مذهبك، فقلت له: جعلت فداك أما ذلك شيء من الله؟ قال: أجل إن الله يوفق من يشاء و يؤمن عليه، فقل ذلك بتوفيق الله و أحمده عليه.

« حدیث هشتم »

ترجمه:

محمد بن احمد بن علی بن یعقوب، از علی بن حسن بن علی بن فضال و از پدرش و او از حسن بن جهم بن بکیر نقل نموده که وی گفت: محضر مبارک ابی الحسن (ع) از یحیی بن موسی یاد کرده و عرضه داشتم که وی متعرض کسانی که به زیارت قبر امیرالمؤمنین (ع) می آیند می شود و در مکانی که آن را ثوبیه می خوانند فرود آمده و آنجا را تفریح گاه خود قرار داده منتهی قبر امیرالمؤمنین (ع) اندکی بالاتر از آنجا است و آن همان موضعی است که صفوان جمال از امام

صادق علیه السلام روایت کرده و حضرت برایش آنجا را توصیف فرموده، حضرت در ضمن اوصافی که برای آن موضع ذکر فرمودند خاطر نشان نمودند:

وقتی به غری که پشت کوفه واقع شده منتهی گشتی آنجا را پشت خود قرار بده و رو به پشت نجف نما و کمی به طرف راست مایل شو و وقتی به ریگ های سفید و روشن منتهی گشتی و ثنیه جلو آن واقع شد همان جا قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.

راوی (حسن بن جهم) می گوید: من به این مکان بسیار آمده ام.

سپس محضر امام علیه السلام (حضرت ابی الحسن) عرض کرد:

بعضی از اصحاب ما را ایشان غیر از این بوده و معتقدند که قبر در مسجد است و برخی دیگر آن را در قصر می دانند ولی من در رد ایشان می گویم:

خداوند متعال هرگز قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را در قصر که منزل ظالمین است قرار نمی دهد چنانچه هیچ گاه نمی گذارد بیکر مطهر آن جناب در مسجد دفن شود با اینکه قصد ظالمین پوشاندن و مخفی نگاه داشتن آن می باشد سپس محضر امام علیه السلام عرض می کند:

کدام یک از ما در این اعتقاد به صواب هستیم؟

حضرت فرمودند:

اعتقاد تو صحیح است، زیرا که تو کلام جعفر بن محمد علیه السلام را اخذ نموده ای. راوی می گوید:

سپس امام علیه السلام به من فرمودند:

ای ابا محمد احدی از اصحاب را نمی بینم که اعتقاد تو را داشته و به قول تو مایل باشد.

محضرش عرض کردم:

آیا این عنایت و لطفی از جانب حق تعالی می باشد؟

فرمودند:

بلی، خداوند به هر کس بخواهد توفیق داده و وی را امین قرار می دهد پس تو این عقیده را به توفیق حق تعالی بدان و او را در مقابل آن ستایش نما.

متن:

۹- حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً،
عَنِ الْحَسَنِ ابْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ
فَضَّالٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام - وَ
ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ -



ترجمه:

محمد بن حسن و محمد بن احمد بن حسین جمیعاً از حسن بن علی بن
مهزیار، از پدرش علی، از حسن بن علی بن فضال، از حسن بن جهم بن بکیر
نقل نموده که وی گفت:
محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السلام یادی نمودم از... و همان حدیث قبلی
را تماماً نقل کرده است.

متن:

۱۰- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً،
عَنِ الْحَسَنِ ابْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ
بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشْتَمٍ (عَنْ رَجُلٍ) عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ «قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِالْحَيْرَةِ أَيَّامَ مَقْدَمِهِ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ فِي لَيْلَةِ صَحْيَانَةِ مُقَمَّرَةٍ،

قال: فنظر إلى السماء فقال: يا يونس أما ترى هذه الكواكب ما أحسنها، أما إنها أمانٌ لأهل السماء و نحن أمانٌ لأهل الأرض، ثم قال: يا يونس فرّ بإسراج البغل و الحمار، فلما أسرجا قال: يا يونس أتيهما أحبُّ إليك: البغل أو الحمار؟ قال: فظننت أن البغل أحبُّ إليه لقوّته، فقلت: الحمار، فقال: أحبُّ أن تؤثرني به، قلت: قد فعلتُ، فركب و ركبت، ولما خرجنا من الحيرة قال: تقدّم يا يونس، قال: فأقبل يقول: تياهن تياسر، فلما انتهينا إلى الذكوات الحمر قال: هو المكان، قلت: نعم فتيامن ثمّ قصد إلى موضع فيه ماء و عين فتوضّأ ثمّ دنا من أكمة فصلى عندها، ثمّ مال عليها و بكى، ثمّ مال إلى أكمة دونها ففعل مثل ذلك، ثمّ قال: يا يونس افعل مثل ما فعلتُ، ففعلتُ ذلك فلما تفرغت قال لي: يا يونس تعرف هذا المكان؟ فقلت: لا، فقال: الموضع الذي صليت عنده أولاً هو قبر أمير المؤمنين عليه السلام، و الأكمة الأخرى رأس الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام، إن الملعون عبيد الله بن زياد - لعنه الله - لما بعث رأس الحسين عليه السلام إلى الشام ردّ إلى الكوفة، فقال: أخرجوه عنها لا يُفتنن به أهلها، فصيّره الله عند أمير المؤمنين عليه السلام، فالرأس مع الجسد و الجسد مع الرأس».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن و محمد بن احمد بن حسين جميعاً از حسن بن علي بن مهزيار و او از پدرش علي بن مهزيار نقل نموده که وی می گفت:
علي بن احمد بن اشيم برايم نقل نمود از شخصی و او از يونس بن ظبيان حکایت کرد که وی گفت: در ایامی که حضرت ابو عبدالله عليه السلام در حیره بر ابي

جعفر وارد شده بودند شبی که هوا صاف و خالی از ابر بود و ماه در آسمان می‌درخشید من محضر مبارک امام (ع) بودم آن جناب به آسمان نظر نموده و فرمودند:

یونس، می‌بینی که این ستارگان چه قدر زیبا هستند؟

توجه داشته باش که این کرات نورانی امان برای اهل آسمان هستند همان طوری که ما امان برای اهل زمین می‌باشیم، سپس فرمودند:

ای یونس، قاطر و الاغی را زین کن و بیاور.

وقتی هر دو زین شده و آماده گشتند حضرت فرمودند:

ای یونس، کدام یک را دوست داری. قاطر یا الاغ را؟

یونس می‌گوید: گمان کردم آن جناب قاطر را به خاطر نیرو و قوه‌ای که دارد بیشتر دوست دارند سوار شوند لذا در جواب آن حضرت عرض کردم: من الاغ را بیشتر دوست دارم. حضرت فرمودند:

دوست دارم الاغ را به من دهی.

عرض کردم: من الاغ را سوار شدم.

به هر صورت حضرت بر قاطر و من نیز بر الاغ سوار شده و حرکت کردیم و

وقتی از حیره بیرون رفتیم حضرت به من فرمودند:

ای یونس: جلو برو

یونس می‌گوید: جلو رفتم

حضرت می‌فرمود: به سمت راست و به سمت چپ برو (یعنی پیوسته آن

جناب من را راهنمایی نموده گاهی می‌فرمودند به سمت راست برو و زمانی

دستور می‌دادند که به چپ برو) و وقتی به ریگ‌های سرخ رسیدیم فرمودند: این

همان مکان است.

من نیز حضرت را تصدیق کردم سپس آن جناب به سمت راست آن مکان

رفته و مقصودشان جائی بود که در آن آب و چشمه باشد و وقتی به چنین موضعی رسیدند از چشمه وضوء گرفته سپس به مکانی که بلند به نظر می‌رسید نزدیک شدند و در آنجا نماز خواندند و پس از نماز روی آن مکان خم شده و زمانی گریستند و سپس به مکان بلند دیگری که نزدیک آن بود رفته و عیناً اعمال سابق را بجا آوردند و بعد فرمودند:

ای یونس آنچه را من عمل کردم تو نیز به جای آور.

پس من آنچه حضرت انجام داده بودند را به جای آوردم و بعد از فراغت به من فرمودند:

ای یونس دانستی این چه مکانی است؟

عرض کردم: خیر.

فرمودند: جائی که اوّل نماز خواندم آن قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است و مکان دوم محل دفن سر مطهر حضرت حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد، پس از آن اضافه نموده و فرمودند:

زمانی که عیدالله بن زیاد ملعون سر مبارک حضرت را به شام فرستاد از شام آن را به کوفه برگرداندند وی به اصحابش گفت:

این سر را از این شهر بیرون ببرید و باعث فتنه و آشوب بین اهل این شهر نشوید و بدین ترتیب خداوند متعال سر مبارک آن جناب را نزد امیرالمؤمنین قرار داد و از آن پس سر به جسد ملحق شد و بدن با سر متصل گردید.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ الزَّيَّاتِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ، عَنْ

أبي عبد الله عليه السلام «قال: إني لما كنتُ بالهجرة عند أبي العباس كنتُ أتي قبرَ أمير المؤمنين عليه السلام ليلاً وهو بناحية النجف إلى جانب الغرى النعمان، فأصلى عنده صلاة الليل وأنصرف قبل الفجر».

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز از محمد بن حسین بن ابی خطاب زیات و او از حسن بن محبوب و او از اسحق بن جریر نقل کرده که وی گفت:
امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامی که در حیره نزد ابی العباس بودم شب‌ها به زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می‌رفتم، قبر آن حضرت در ناحیه نجف به جانب غری النعمان می‌باشد به هر صورت نزد قبر نماز شب را خوانده و پیش از طلوع فجر از آنجا بر می‌گشتم.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

۱۲- و عنه، عن محمد بن الحسين، عن الحجاج، عن صفوان بن مهران، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: سألتُه عن موضع قبر أمير المؤمنين عليه السلام، قال: فوصف لي موضعه حيث دكادك الميل قال: فأتيتُه فصليت عنده ثم عُدْتُ إلى أبي عبد الله عليه السلام من قابل فأخبرته بذهابي و صلاتي عنده».

فقال: أصبت، فمكثتُ عشرين سنة أصلى عنده».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن حسین و او از حجاج و او از صفوان بن

مهران و او از مولانا ابی عبدالله علیه السلام نقل می کند، وی می گوید:
 راجع به مکان قبر امیرالمؤمنین علیه السلام از آن حضرت پرسیدم؟
 حضرت وصف آن مکان را برایم بیان فرموده و اظهار داشتند:
 موضعی است که ریگ ها به روی هم انباشته شده و پشته ای ساخته اند.
 راوی می گوید:

به آن مکان رفته و در آنجا نماز خوانده سپس به محضر مبارک امام علیه السلام بعداً
 مراجعت کرده و ایشان را از رفتن و نماز خواندنم در آنجا اطلاع دادم.
 حضرت فرمودند: عمل صحیحی انجام دادی.
 بعد از آن مدت بیست سال در آنجا توقف کرده و به خواندن نماز مشغول
 گردیدم.



متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى،
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ «قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا علیه السلام فَقُلْتُ: أَيْنَ مَوْضِعُ
 قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام؟ فَقَالَ: الْغُرَى، فَقُلْتُ لَهُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ إِنَّ بَعْضَ
 النَّاسِ يَقُولُونَ: دَفِنَ فِي الرَّحْبَةِ، قَالَ: لَا، وَلَكِنْ بَعْضُ النَّاسِ يَقُولُ: دَفِنَ
 بِالْمَسْجِدِ».

ترجمه: ﴿حدیث سیزدهم﴾

پدرم از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از احمد بن
 محمد بن ابی نصر نقل کرده که وی گفت:
 از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: جای قبر امیرالمؤمنین علیه السلام کجا است؟
 حضرت فرمودند: غری.

محضرش عرضه داشتم: فدایت شوم برخی می‌گویند آن حضرت در رجه دفن شده‌اند؟
حضرت فرمودند: خیر ولی پاره‌ای معتقدند که آن جناب در مسجد دفن گردیده است.

﴿الباب العاشر﴾

﴿ثواب زیارة امیرالمؤمنین (ع)﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ
حَمْدَانَ ابْنِ سُلَيْمَانَ الْكَيْسَابُورِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيِّ، عَنْ
مَنْعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ أَبِي وَهْبٍ الْبَصْرِيِّ «قَالَ: دَخَلْتُ
الْمَدِينَةَ فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَقُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ أَتَيْتَكَ وَلَمْ أَزِرْ قَبْرَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع)، قَالَ: بَشْ مَا صَنَعْتَ، لَوْلَا أَنَّكَ مِنْ شِيعَتِنَا مَا نَظَرْتُ
إِلَيْكَ، أَلَا تَزُورُ مَنْ يَزُورُهُ اللَّهُ تَعَالَى مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَيَزُورُهُ الْأَنْبِيَاءُ وَ
يَزُورُهُ الْمُؤْمِنُونَ، قُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ مَا عَلِمْتُ ذَلِكَ، قَالَ: فَاعْلَمْ أَنَّ
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْأَنْعَمَةِ كُلِّهَا وَ لَهُ ثَوَابُ أَعْمَالِهِمْ وَ
عَلَى قَدَرِ أَعْمَالِهِمْ فَضْلُوا».

﴿ باب دهم ﴾

﴿ ثواب زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی عطار و او از حمدان بن سلیمان
نیشابوری و او از عبدالله بن محمد یمانی و او از منیع بن حجاج و او از یونس و
او از ابی وهب بصری نقل کرده که وی گفت:
داخل مدینه شده نزد حضرت ابا عبدالله (علیه السلام) مشرف شده محضرش عرضه
داشتم:

فدایت شوم خدمت شما رسیدم ولی به زیارت قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) نرفته‌ام.
حضرت فرمودند:

بدکاری کردی اگر از شیعیان ما نبودی به تو نگاه نمی‌کردم، چرا زیارت
نکردی کسی را که خداوند با فرشتگانش زیارتش می‌کنند، انبیاء و مؤمنین
زیارتش می‌نمایند؟

عرض کردم: فدایت شوم به این امر واقف نبودم.

حضرت فرمودند:

بدان که امیرالمؤمنین (علیه السلام) نزد حق تعالی از تمام ائمه (علیهم السلام) افضل و برتر بوده و
ثواب اعمال ایشان برای آن حضرت منظور می‌شود (یعنی غیر از اینکه در قبال
اعمال خود آن جناب حق تعالی ثواب لحاظ می‌کند اعمال ائمه هدی (علیهم السلام) نیز
موجب حصول ثواب برای حضرتش می‌باشد) در حالی که حضرات ائمه (علیهم السلام) به
مقدار اعمال صادره از خودشان فضیلت و برتری عائدشان می‌شود.

متن:

٢ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ - عَمَّ ذَكَرَهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ: حَدَّثَنِي ابْنُ سِنَانٍ قَالَ: حَدَّثَنِي الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ: إِنِّي أَشْتَاقُ إِلَى الْغُرَى، قَالَ: فَمَا شَوْكَ إِيْلَيْهِ؟ قُلْتُ لَهُ: إِنِّي أَحِبُّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَأَحِبُّ أَنْ أُرَوِّهَ، قَالَ: فَهَلْ تَعْرِفُ فَضْلَ زِيَارَتِهِ؟ قُلْتُ: لَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؛ فَعَرَّفَنِي: ذَلِكَ، قَالَ: إِذَا أُرِدْتَ زِيَارَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَاعْلَمْ أَنَّكَ زَائِرُ عِظَامِ آدَمَ، وَبَدَنِ نُوحٍ، وَجَسَمِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، قُلْتُ: إِنَّ آدَمَ هَبَطَ بِسَرَنَدِيبٍ فِي مَطْلَعِ الشَّمْسِ وَزَعَمُوا أَنَّ عِظَامَهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ فَكَيْفَ صَارَتْ عِظَامُهُ بِالْكُوفَةِ؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَى نُوحٍ عليه السلام وَهُوَ فِي السَّفِينَةِ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعاً، فَطَافَ كَمَا أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ، ثُمَّ نَزَلَ فِي الْمَاءِ إِلَى رَكْبَتَيْهِ فَاسْتَخْرَجَ تَابُوتاً فِيهِ عِظَامُ آدَمَ، فَحَمَلَ التَّابُوتَ فِي جَوْفِ السَّفِينَةِ حَتَّى طَافَ بِالْبَيْتِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَطُوفَ، ثُمَّ وَرَدَ إِلَى بَابِ الْكُوفَةِ فِي وَسْطِ مَسْجِدِهَا، فَفِيهَا قَالَ اللَّهُ لِلْأَرْضِ: «أَبْلَعِي مَاءِي»^(١)، فَبَلَعَتْ مَاءَهَا مِنْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ كَمَا بَدَأَ الْمَاءُ مِنْ مَسْجِدِهَا وَتَفَرَّقَ الْجَمْعُ الَّذِي كَانَ مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ، فَأَخَذَ نُوحٌ التَّابُوتَ فَدَفَنَهُ بِالْغُرَى وَهُوَ قِطْعَةٌ مِنَ الْجَبَلِ الَّذِي كَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ مُوسَى تَكْلِيماً، وَقَدَّسَ عَلَيْهِ عِيسَى تَقْدِيساً، وَاتَّخَذَ عَلَيْهِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلاً، وَاتَّخَذَ عَلَيْهِ مُحَمَّدٌ حَبِيباً، وَجَعَلَهُ لِلنَّبِيِّينَ مَسْكناً، وَاللَّهُ مَا سَكَنَ فِيهِ أَحَدٌ بَعْدَ

آبائه الطاهرین: آدم و نوح اکرم من امیرالمؤمنین علیه السلام، فإذا أردت جانب الثَّجَفِ فزُرْ عظام آدم وبدون نوح و جسم علی بن ابی طالب علیه السلام فانك زائراً لآباء الاولین، و محمداً خاتم النبیین، و علیاً سید الوصیین، فإن زائرَه تفتح له أبواب السماء عند دعوته فلا تكن عن الخیر نואماً.

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن یعقوب از ابوعلی اشعری و او از کسی که نامش را برده و او از محمد بن سنان.

و نیز محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش و او از محمد بن حسین بن ابی الخطاب نقل کرده که وی گفت:

ابن سنان گفته است: مفضل بن عمر برایم چنین حکایت نمود:

گفت: محضر امام صادق علیه السلام داخل شده عرض کردم: مایل و مشتاقم که به عرئ بروم حضرت فرمودند:

چه اشتیاقی به آن داری؟

عرض کردم: امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست داشته و به زیارتش علاقمند هستم. حضرت فرمودند:

آیا فضیلت زیارت آن حضرت را می دانی؟

عرضه داشتم: خیر ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، من را از آن آگاه و مطلع بفرمائید.

حضرت فرمودند:

هرگاه اراده زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام را نمودی بدانکه در واقع استخوانهای

حضرت آدم علیه السلام و بدن نوح علیه السلام و جسم امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت می کنی.

عرض کردم:

حضرت آدم در سرّندیب محل طلوع آفتاب هبوط نمود و عموم معتقدند استخوانهایش در بیت الله الحرام دفن شده پس چطور می‌فرمائید در کوفه می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

خداوند متعال به حضرت نوح علیه السلام در حالی که در کشتی بود وحی فرمود که هفت بار طواف بیت نماید، آن جناب طبق آنچه به وی وحی شده بود طواف نمود سپس از کشتی بیرون آمد و تا زانوهایش در آب فرو رفت، تابوتی که در آن استخوانهای حضرت آدم بود را از آب بیرون آورده و آن را به داخل کشتی حمل فرمود و بدنبال آن مطابق خواسته حق تعالی دور بیت طواف نمود و پس از آن وارد درب کوفه که در وسط مسجد کوفه هست گردید در این وقت بود که حق تعالی به زمین فرمود: آبی که در برداری فروبیر، پس زمین آبش را از مسجد کوفه فرو برد همان‌طوری که قبلاً از همین مسجد ظاهر ساخته بود و به هر صورت گروهی که با نوح در سفینه بودند متفرق گشته سپس جناب نوح تابوت را در غری دفن کرد (غری قطعه‌ای از کوهی است که موسی علیه السلام در آن با خدا تکلم نمود و عیسی در آن تقدیس گردید و ابراهیم در آن به منصب خلیلی نصب گردید و حضرت محمد صلی الله علیه و آله در آن حبیب خدا خوانده شد و همین کوه بود که حق تعالی آن را مسکن انبیاء قرار داد).

سپس حضرت فرمودند:

به خدا قسم بعد از آباء طاهرین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یعنی حضرت آدم و نوح علیهم السلام احدی کریم‌تر از امیرالمؤمنین علیه السلام در آن سکونت اختیار نکرده.

سپس فرمودند:

و بدین ترتیب هرگاه اراده کردی نجف را، پس استخوان‌های آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب علیه السلام را زیارت کن که زائر آباء اول و گذشته (آدم و نوح علیهم السلام) و حضرت محمد صلی الله علیه و آله که خاتم انبیاء است و حضرت علی علیه السلام که سید

اوصیاء بوده می‌باشی و باید توجه داشته باشی که برای زائر آن حضرت در ب‌های آسمان گشوده می‌شود پس از این خیر عظیم غافل مباش.

متن:

۳- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ أَبِي شِهَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَا أَبْتَ مَا جِزَاءَ مَنْ زَارَكَ؟ قَالَ: مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَخْلَصَهُ مِنْ ذَنْبِهِ».

حدیث سوم

ترجمه:

علی بن حسین از علی بن ابراهیم بن هاشم و او از عثمان بن عیسی و او از معلی بن ابی شهاب و او از مولانا ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده، وی می‌گوید:
امام صادق علیه السلام فرمودند:

حضرت امام حسن علیه السلام محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشت:

ای پدر پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

فرزندم! کسی که من را زیارت کند در زمان حیات یا بعد از ممات یا پدر تو را زیارت کند بر خداوند عزوجل است که او را در روز قیامت زیارت کرده و از گناهانش برهاند.

﴿ الباب الحادى عشر ﴾

﴿ زیارة قبر أمير المؤمنين عليه السلام ﴾

﴿ وكيف یزار، و الدعاء عند ذلك ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَهْدِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي: عَلِيُّ بْنُ
صَدَقَةَ الرَّقِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ
أَبِيهِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ زَارُ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَبْرَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَقَفَ عَلَى الْقَبْرِ فَبَكَى، ثُمَّ قَالَ:
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَتَّى جِهَادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ
وَأَتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ ﷺ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ فِي جَوَارِهِ وَقَبَضَكَ بِاخْتِيَارِهِ،
وَالزَّمْ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ فِي قَتْلِهِمْ إِيَّاكَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى
جَمِيعِ خَلْقِهِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ؛ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً
بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، مُحَبُّوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ،
صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِقَوَاضِي نِعَمَائِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ،
مُشْتَاقَةً إِلَى فَرَحَةِ لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنْتَةً بِسُنَنِ
أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مُشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ
وَتَنَائِكَ».

ثم وضع خذّه على القبر وقال:

«اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّةُ، وَ سُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ
شَارِعَةٌ، وَأَعْلَامُ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ، وَأَفِيدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ
فَازِعَةٌ، وَأَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ، وَأَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَمْ تُمْفَقْهُ،
وَدَعْوَةٌ مِنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ، وَتَوْبَةٌ مِنْ أَنْابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ، وَعَبْرَةٌ مَنْ
بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، وَالْإِعَانَةُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَوْجُودَةٌ، وَالْإِغَاثَةُ
لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَبْدُودَةٌ، وَعِدَاتُكَ لِعِبَادِكَ مُتَجَبَّرَةٌ، وَزَلَّلَ مَنْ اسْتَقَالَكَ
مُقَالَةً، وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ، وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ
لَدُنْكَ نَازِلَةٌ، وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ لَهُمْ مُتَوَاتِرَةٌ، وَذُنُوبُ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ،
وَحَوَائِجُ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ، وَجَوَائِزُ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مَوْفُورَةٌ،
وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ، وَمَوَائِدُ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ، وَمَنَاهِلُ
الظَّمَاءِ لَدَيْكَ مُتَرَعَّةٌ، اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَأَقْبَلْ ثَنَائِي، وَأَعْظِي رَجَائِي
وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِنَّكَ وَلِيَّ نَعْمَائِي، وَمُنْتَهَى رَجَائِي، وَغَايَةُ ثَنَائِي فِي مُسْتَقْبَلِي
وَمُتَوَايَ، أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، اغْفِرْ لِي وَلِأَوْلِيَائِنَا، وَكُفَّ عَنَّا
أَعْدَاءَنَا، وَاشْغَلْهُمْ عَنْ أَذَانَا، وَأُظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا،
وَأُذْخِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

﴿باب یازدهم﴾

﴿زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام و کیفیت زیارت﴾

﴿و خواندن دعا در آنجا﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

ابوعلی احمد بن علی بن مهدی می گوید:

ابوعلی بن صدقه رقی برایم نقل نموده و گفت:

علی بن موسی علیه السلام برایم نقل نموده و گفت:پدرم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدر بزرگوارش حضرت جعفر علیه السلام نقل

فرمود که آن جناب فرمودند:

حضرت زین العابدین علیه السلام قبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را به این

کیفیت زیارت کردند:

ابتداء بالای قبر توقف نموده و فصلی گریسته و بعد از آن فرمودند:

سلام بر تو ای امیرمؤمنان و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، سلام بر تو ای
 امین خدا در روی زمین و حجتش بر بنده گان، سلام بر تو ای امیرمؤمنان،
 شهادت می دهم که تو در راه خدا آن طور که شاید و باید جهاد نموده و به کتاب
 خدا عمل و سنن و احکام پیامبرش صلی الله علیه و آله را پیروی کردی تا حق تعالی تو را به
 جوار خودش خواند و به اختیار خویش قبض روح فرمود و به واسطه کشتن
 دشمنان را در حالی که حجت ها و براهین بالغه الهی بر جمیع خلائق در دست تو
 بود حق تعالی بر دشمنان اتمام حجت نمود، بار خدایا نفس من را به تقدیرات
 خود مطمئن و به قضائت راضی و بخشنود و به یاد و خواندن حریص و نسبت
 به برگزیده گان از دوستان محب و علاقه مند قرار بده، خداوند من را در زمین و
 آسمان محبوب دیگران نما و بر نزول بلا و گرفتاری ها شکایا و در مقابل

نعمتهای بزرگت شاکر و نسبت به نعمتهای تامه و کاملهات ذاکر و متوجه و به سرور و شادی ملاقات مشتاق گردان.

خداوندا تقوی و پرهیزکاری را زاد و توشه‌ام قرار بده برای روز جزالت، و مؤدبم کن به آداب دوستان و برحدوم دار از اخلاق و سجایای دشمنانت، خداوندا از تو می‌خواهم که بواسطه حمد و ستایش از دنیا منصرفم نمائی.

پس آن حضرت صورت مبارک بر قبر نهاده و عرضه داشت:

بار خدایا دل‌های خاشعین درگاهت واله تو است، و طرق و راه‌های مایلین به تو گشاده و باز و نشانه‌های قاصدین تو روشن و آشکار و دل‌های عارفین از تو به فزع آمده، و صدای خوانندگان بلند و درهای اجابت دعاهایشان گشوده و دعای کسانی که تو را می‌خوانند مستجاب و توبه بازگشت کنندگان به تو پذیرفته می‌باشد.

بار خدایا اشک گریه کنندگان از خوفت مورد ترحم تو واقع شده و کمک تو نسبت به آنان که از تو طلب کمک کرده‌اند در خارج تحقق یافته و پناهت به پناهندگان به تو بذل و اعطاء گردیده و وعده‌هایت به بندگان تحقق پیدا کرده و لغزش کسانی که از تو طلب عفو کرده‌اند معفو قرار داده شده و اعمال عمل کنندگان نزد تو محفوظ بوده و ارزاق بندگان از نزد تو به ایشان نازل گشته، و احسان‌ها و نیکی‌های فراوان بر بندگان پشت سرهم بوده و گناهان استغفار کنندگان بخشیده شده و حاجتهای مخلوقات به تو برآورده شده و پاداش‌های درخواست کنندگان از تو فراوان و نیکی‌های زیاد به آنها رسیده و خوان‌های طالبین طعام آماده و گسترده و آب خورگاه تشنگان نزد تو مملو و پُر می‌باشد.

بار خدایا دعای من را مستجاب فرما و ستایش من را قبول نما و به من امید ببخش و بین من و دوستانم جمع فرما به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام، همانا تو ولی نعمت من و نهایت امیدم در برگشتن و درنگ نمودنم می‌باشی، توئی خدا و آقا و ولی من، من و دوستان ما را ببخش و شر دشمنان را از

ما بازدار و ایشان را از اذیت به ما روی گردان، کلمه حق را آشکار و آن را مرتفع و افراشته نما و کلمه باطل را نابود و خوار گردان چه آنکه تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی.

متن:

۲- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - فِيمَا ذَكَرَ مِنْ كِتَابِهِ الَّذِي سَمَّاهُ «كِتَابُ الْجَامِعِ»، رَوَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (علیه السلام) أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام):

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ؛ وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ، صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ، وَأَنْتَ شَهِيدٌ، عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَجَدَّةً عَلَيْهِ الْعَذَابُ، جَشَّكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ؛ مُسْتَبْصِرًا بِشَانِكَ؛ مُعَادٍ يَا لَأَعْدَائِكَ وَمَنْ ظَلَمَكَ، أَلْقَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَعْلُومًا، وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا عَظِيمًا وَشَفَاعَةً، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَا تَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرَضَى»^(۱).

و يقول عند قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) أيضاً:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِهِ وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله)، وَمَنْ قَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، رَحْمَةً مِنْهُ لِي وَتَطَوُّعاً مِنْهُ عَلَيَّ، وَمَنْ عَلَيَّ بِالْإِيمَانِ، الْحَسَنُ لِسُلْطَانِهِ الَّذِي سَيَّرَنِي فِي بِلَادِهِ وَحَمَلَنِي عَلَى دَوَابِّهِ، وَطَوَّأَ لِي الْبَعِيدَ؛ وَدَفَعَ عَنِّي الْمَكْرُوهَ حَتَّى أَدْخَلَنِي حَرَمَ أَخِي رَسُولِهِ قَارَانِيهِ فِي عَافِيَةٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

جَعَلَنِي مِنْ زُوَارِ قَبْرِ وَصِيِّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ
 عِنْدِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا عَبْدَ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ، اللَّهُمَّ عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ
 يَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِزِيَارَةِ قَبْرِ أَخِي نَبِيِّكَ، وَعَلَى كُلِّ مَا نِيَّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ،
 وَأَنْتَ خَيْرُ مَا نِيَّ، وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، وَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا جَوَادُ
 يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا فَرْدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا
 أَحَدٌ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَجْعَلَ تُحَفَّتَكَ إِيَّايَ
 مِنْ زِيَارَتِي فِي مَوْقِفِي هَذَا فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُسَارِعُ فِي
 الْحَيَرَاتِ وَيَدْعُوكَ زَهْبًا رَغْبًا، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ
 بَشَّرْتَنِي عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ فَقُلْتَ: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ
 صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (١) اللَّهُمَّ قَابِلِي بِكَ مُؤْمِنٌ وَبِجَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ مُوقِنٌ، فَلَا
 تُوقِفْنِي بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفًا تَفْضُخُنِي بِهِ عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ، بَلْ أَوْقِفْنِي
 مَعَهُمْ، وَتَوَقَّفِي عَلَى التَّضَدِيقِ بِهِمْ، فَإِنَّهُمْ عَسِيدُكَ وَأَنْتَ خَصَصْتَهُمْ
 بِكَرَامَتِكَ وَأَمَرْتَنِي بِاتِّبَاعِهِمْ».

ثُمَّ تَدْنُو مِنَ الْقَبْرِ وَتَقُولُ: السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ
 عَبْدِ اللَّهِ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، وَمُعَدِّنِ السَّوْحِيِّ وَالتَّنْزِيلِ،
 وَالْحَاقِمِ لِمَا سَبَقَ وَالْفَائِجِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَالشَّاهِدِ
 عَلَى خَلْقِهِ، وَالسَّرَاجِ الْمُنِيرِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ

صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْمَظْلُومِينَ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَرْفَعَ وَأَشْرَفَ
 مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ،
 الَّذِي اتَّجَبْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ، وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ،
 وَدَيَّانَ الدِّينِ بَعْدَ ذَلِكَ، وَقَضِي قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ
 اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ،
 الْمُطَهَّرِينَ الَّذِينَ ارْتَضَيْتَهُمْ أَنْصَاراً لِدِينِكَ وَحَفَظَةً لِسِرِّكَ؛ وَشُهَدَاءَ عَلَى
 خَلْقِكَ، وَأَعْلَاماً لِعِبَادِكَ - وَتَصَلِّيْ عَلَيْهِمْ مَا اسْتَطَعْتَ - السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ
 الْمُسْتَوْدِعِينَ، السَّلَامُ عَلَى خَالِصَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ
 الْمُتَوَسِّمِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِأَمْرِكَ، وَوَارَثُوا أَوْلِيَاءَ
 اللَّهِ، وَخَافُوا بِخَوْفِهِمْ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ».

ثمَّ تقول: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ
 وَوَارِثَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَصَاحِبَ الْمِيسَمِ وَالصُّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ،
 أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ
 عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ
 فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَنَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ ضَاحِراً
 مُحْتَسِباً مُجَاهِداً عَنِ دِينِ اللَّهِ، مُوقِياً لِرَسُولِ اللَّهِ، طَالِباً مَا عِنْدَ اللَّهِ،
 رَاغِباً فِيهِ وَغَدَّ اللَّهُ، وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَشَهِيداً
 وَمَشْهُوداً، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ رَسُولِهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ،

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَالَفَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ
وَوَظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَضَبَكَ حَقًّا، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ
مِنْهُمْ بَرَاءٌ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَالَفَتْكَ؛ وَأُمَّةً جَحَدَتْ وَلَايَتَكَ؛ وَأُمَّةً تَظَاهَرَتْ
عَلَيْكَ؛ وَأُمَّةً قَتَلَتْكَ؛ وَأُمَّةً حَادَتْ عَنْكَ وَخَذَلَتْكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ
النَّارَ مَثْوَاهُمْ، وَبَشَّسَ الْوَرْدَ الْمَوْرُودَ، وَبَشَّسَ وَرْدَ الْمَوَارِدِينَ، وَبَشَّسَ
دَرْكُ الْمَذْرُوكِ، اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ وَأَوْصِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ،
وَأَصْلِهِمْ حَرَنَارِكَ، اللَّهُمَّ الْعَن الْجَوَابِيَةَ وَالطَّوَاعِيَةَ وَالْقَرَاعِيَةَ؛
وَاللَّاتَ وَالْعُزَّى وَالْجَبِيَةَ، وَكُلَّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ، وَكُلَّ مُفْتَرٍ عَلَى اللَّهِ،
اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَوْلِيَائَهُمْ وَأَعْوَانَهُمْ وَمُحِبِّهِمْ لَغْنَا
كَثِيرًا».

و تقول: «اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع - ثلاثاً - اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ع - ثلاثاً - اللَّهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا لَا تُعَذِّبُهُ أَحَدًا
مِنَ الْعَالَمِينَ، وَضَاعِفْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ كَمَا شَاقُّوا وُلَاةَ أَمْرِكَ، وَأَعِدَّ
لَهُمْ عَذَابًا لَمْ تَحْلَلْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَأَدْخِلْ عَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ
رُسُولِكَ، وَقَتْلَةِ أَنْصَارِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ الْحَسَنِ وَعَلَى
قَتْلَةِ أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ، وَقَتْلَةَ مَنْ قُتِلَ فِي وِلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ أَجْمَعِينَ عَذَابًا
مُضَاعَفًا فِي أَسْفَلِ دَرْكِ مِنَ الْجَحِيمِ، وَلَا تُخَفِّفْ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا وَهُمْ
فِيهِ مُتِلِسُونَ مَلْعُونُونَ، نَاكِسُوا رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ، قَدْ عَايَنُوا النَّدَامَةَ وَ
الْحَزْنَ الطَّوِيلَ لِقَتْلِهِمْ عِثْرَةَ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَتْبَاعِهِمْ مِنْ عِبَادِكَ
الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي مُسْتَشِيرِ السَّرِّ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ فِي أَرْضِكَ وَ
سَمَائِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ

حَقِّي تَلَحُّقِي بِهِمْ وَتَجَعِّلِي لَهُمْ تَبَعًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

ثُمَّ اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقُلْ:

«سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْمُسَلِّينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ،
وَالنَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ؛ وَالشَّاهِدِينَ عَلَى أَنَّكَ صَادِقُ [أَمِينُ] صَدِّيقُ؛
عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ
أَنَّكَ طَهُرْتَ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ، وَأَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ بِالْبَلَاغِ وَ
الْإِدَاءِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَنَّبَ اللَّهُ وَأَنَّكَ بَابُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي
مِنْهُ يُوقَى، وَأَنَّكَ خَلِيلُ اللَّهِ وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ، وَأَخُو رَسُولِهِ وَقَدْ أَتَيْتُكَ
وَإِفْدًا لِعَظِيمِ حَالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا
مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكَ، طَالِبًا خَلَاصَ نَفْسِي، مُنْقَوِذًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا
مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُهُ عَلَى نَفْسِي، أَتَيْتُكَ انْقِطَاعًا إِلَيْكَ وَإِلَى وَلَدِكَ الْخَلْفِ مِنْ
بَعْدِكَ عَلَى بَرَكَةِ الْحَقِّ، فَقَلْبِي لَكَ مُسَلِّمٌ، وَأَمْرِي لَكَ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكَ
مُعَدَّةٌ، وَأَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ فِي طَاعَتِكَ، وَالْوَافِدُ إِلَيْكَ، أَلْتَمَسُ بِذَلِكَ
كِبَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ بِمَنْ أَمَرَني اللَّهُ بِطَاعَتِهِ، وَحَثَّنِي
عَلَى بِرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ، وَرَغَّبَنِي فِي الْوِفَادَةِ إِلَيْهِ وَإِلَى
طَلَبِ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ يَسْعَدُ مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخْضِبُ مَنْ
أَتَاهُمْ، وَلَا يَخْسَرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ، وَلَا يَسْعَدُ مَنْ عَادَاهُمْ، لَا أَجِدُ أَحَدًا أَفْزَعَ
إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، وَدَعَائِمُ الدِّينِ، وَأَرْكَانُ
الْأَرْضِ، وَالشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ، اللَّهُمَّ لَا تُخَيِّبْ تَوَجُّهِي إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ وَآلِ
رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ مَتَنَتَ عَلَيَّ بِزِيَارَةِ مَوْلَايَ وَوَلَايَتِهِ وَمَعْرِفَتِهِ،
فَاَجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْصُرُهُ وَيُنْصُرُ بِهِ، وَمَنْ عَلَى نَصْرِكَ لِيَدِينَكَ فِي الدُّنْيَا وَ

الْآخِرَةَ، اللَّهُمَّ أَخِيْنِي عَلَى مَا حَيَّيْ عَلَيْهِ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ ؑ، وَ أَمْنِي عَلَى مَامَاتٍ عَلَيْهِ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ ؑ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن ولید رحمه الله علیه در کتابی که نامش را «کتاب الجامع» نهاده می گوید:

از حضرت ابی الحسن ؑ روایت شده که آن جناب هنگام زیارت قبر امیرالمؤمنین ؑ می فرمودند:

سلام بر تو ای ولی خدا، شهادت می دهم که تو اولین مظلوم و اولین کسی که حقش غصب شده می باشی، صبر و تحمل نمودی تا هنگامی که اجل تو را دریافت و شهادت می دهم که خدا را ملاقات نمودی در حالی که شهید بودی، عذاب کند خداوند متعال کشنده تو را به انواع عذاب ها و تجدید نماید بر او، آن به آن، عذاب را، نزد تو آمدم در حالی که به حق عارف و به شأن و مقامت مستبصر و نسبت به دشمنان و ظالمین دشمن می باشم انشاء الله، خداوند را با همین مرام و عقیده ملاقات خواهم نمود، بدرستی که گناهان زیادی بر عهده من است پس ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش چه آنکه نزد خدا برای شما مقام و مرتبه ای معلوم و مشخصی بوده و جاه و جلال عظیمی ثابت می باشد و خود خداوند فرموده: وَ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى.

و نیز حضرت هنگام زیارت قبر امیرالمؤمنین ؑ می فرمودند:

حمد سزاوار خداوندی است که به واسطه معرفت پیدا کردن به او و به رسولش ﷺ و به کسانی که حق تعالی طاعتشان را واجب گرداند، بر من اکرام نمود و این رحمتی است از ناحیه حضرتش بر من و فضیلتی است که نصیب فرموده و همچنین ستایش شایسته ذات مقدسش بوده که به واسطه ایمان بر من منت نهاد، حمد و ثناء خداوندی را سزد که من را در شهرهای روی زمینش سیر

داد و بر پشت حیواناتش سوار نمود و راه‌های دور را برای من درهم پیچید و هرگونه گزند و ناراحتی را از من دور ساخت تا به حرم برادر رسول گرامیش داخل نمود و آن را به من نشان داد در حالی که با عافیت و سلامتی می‌باشم، حمد سزاوار خداوندی است که من را از زائرین قبر وصی رسولش (علیه السلام) قرار داد، حمد شایسته ذاتی است که من را به این معنا هدایت فرمود و اگر او هدایت نمی‌کرد ابداً به آن راه نمی‌یافتم.

شهادت می‌دهم که معبودی غیر از حق تعالی که تنها و بدون شریک است وجود ندارد و شهادت می‌دهم که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و فرستاده او است حق را از ناحیه خدا آورده است و شهادت می‌دهیم که حضرت علی (علیه السلام) بنده خدا و برادر رسول او است.

بار خدایا، بنده‌ات و زائر تو به واسطه زیارت قبر برادر پیغمبرت به سوی تو تقرب می‌جوید در حالی که بر هر مزرور و زیارت‌شده‌ای حقی است که باید آن را نسبت به زائر اداء کند و تو بهترین و کریم‌ترین مزرورها می‌باشی، و از تو درخواست می‌کنم ای الله و ای رحمن و ای رحیم و ای جواد و ای واحد و ای احد و ای فرد و ای صمد و ای کسی که نمی‌زاید و زائیده نشده و احدی همتایش نیست اینکه رحمتت را بر محمد و آل محمد و اهل بیتش نصیب گردانی و اینکه پاداشی که در قبال این زیارت به من می‌دهی آزادی من از آتش جهنم باشد، خداوندا من را از کسانی قرار بده که در کارهای خیر شتاب کرده و در حال خوف و رجاء تو را می‌خوانند، خدایا من را از خاشعین درگاهت قرار بده، خداوندا تو با لسان پیامبرت به من بشارت داده و فرموده‌ای:

و بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمُ صَدَقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ.

بار خدایا من به تو ایمان داشته و به تمام فرستادگانت یقین دارم از این رو انتظار دارم بعد از معرفت داشتن به ایشان من را در جانی نگه نداری که به طور علَن و آشکار مقابل خلایق رسوایم نمائی بلکه تقاضایم این است که با این

ذوات محترم من را نگاه داشته و در حالی که آنها را تصدیق دارم از دنیا ببری چه آنکه انبیاء عظام بنده گان تو بوده و تو ایشان را به کرامت خود اختصاص داده و به من امر کرده ای که اطاعتشان کنم سپس به قبر نزدیک شو و بگو:

سلام از خدا به تو و سلام بر محمد بن عبدالله که امین خدا است بر وحی و امور لازمه او از قبیل احکام واجبه و محرمه و مرکز وحی و نزول آیات و پایان دهنده گذشتگان و گشاینده آیندگان است، قائم بر تمام اینها و شاهد بر تمام خلق بوده و چراغی فروزان و فروزنده می باشد سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد. بار خدایا رحمت و اسعوات را بر محمد و اهل بیتش که مظلومین در این سرا هستند بفرست رحمتی برتر و کامل تر و بالاتر و گران قدرتر از هر رحمتی که بر انبیاء و فرستادگان و برگزیدگان فرستادی.

خداوندا رحمت خود را بر حضرت علی امیرالمؤمنین علیه السلام بفرست، وجود مبارکی که بنده تو و بهترین مخلوقات بعد از نبی و برادر رسول گرامیت و جانشین آن حضرت است، ~~آقا و سروری که بعد از پیامبر~~ از میان مخلوقات انتخاب نموده و حضرتش را دلیل و نشان بر کسی که مسئول رساندن پیام هایت به خلق است قرار دادی، رهبری که سیاست مدار دین با عدالت تو بوده و فرجام و پایان دهنده داوری تو است در بین خلق، سلام و رحمت و برکات حق تعالی بر او باد.

خداوندا رحمت واسعه خود را بر پیشوایانی که فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام هستند نصیب گردان، ایشان پس از حضرتش علیه السلام متصدی امر تو می باشند، آنان پاکیزه گانی هستند که تو به عنوان انصار دین و حافظین سر و شاهدین بر خلق و شاخص ها برای بنده گانت انتخابشان نمودی، بار خدایا به مقداری که قدرت و توان داری رحمت را بر ایشان نازل گردان، سلام بر پیشوایانی که امین ها محسوب می گردند، سلام بر آنان که انتخاب شده گان خداوند متعال از میان خلق می باشند، سلام بر پیشوایانی که صاحبان فراست هستند، سلام بر مؤمنینی که به

امر تو قیام نموده و دوستان خدا را نصرت و کمک کرده و بواسطه خوف آنها ایشان نیز خائف هستند سلام بر فرشتگان مقرب خداوند.
سپس بگو:

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای امیرمؤمنان، سلام بر تو ای دوست خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای ستون دین و وارث علم گذشتگان و آینده گان و دارنده وسیله گذاردن داغ و نشان و صاحب راه مستقیم. شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشته و زکات را اداء نموده و به معروف امر و از منکر نهی فرموده و رسول را متابعت کرده و کتاب خدا را آن طور که شایسته است تلاوت و در راه خدا به جهاد برخاسته و حق آن را اداء کرده و برای رضاء خدا و رسولش نصیحت نموده ای.

شهادت می دهم که نفس شریف و جان عزیزت را در راه خدا ایثار کرده در حالی که بر بلاها و سختی ها صابر و فرازها را آزموده و رسول خدا را حافظ و نگهدار و خواستار آنچه رضاء خدا است بوده و در آنچه باری تعالی وعده داده خود را مایل و راغب قرار داده و در طریق حق و صوابی که بودی گام برداشتی و در این راه شهید گشته در حالی که بر آنچه از امت صادر گردیده شاهد و ناظر بوده و حق تعالی و رسول گرامیش و فرشتگان نیز شهادت می دهند که راه تو حق بوده و آنچه می باید اداء می کردی، اداء نمودی پس خداوند متان به خاطر رسول عزیزش و اسلام و اهل آن را به تو جزاء دهد آن هم برترین جزاها را.

خداوند متعال لعنت کند کسی را که تو را کشت و آنکه مخالفت تو را نمود و همچنین لعنت کند کسی که بر تو بهتان بست و به تو ظلم و ستم نمود و نیز لعنت کند کسی را که حق تو را غصب نمود و آنکه وقتی این خبر به او رسید خشنود گردید، خدایا شاهد باش که من از ایشان متنفر و بی زارم.

خداوند متعال لعنت کند امت و گروهی را که با تو مخالفت کردند و طائفه ای

را که ولایت تو را منکر شدند و قومی را که بر علیه تو تظاهر نمودند و جماعتی را که تو را کشتند و دسته‌ای را که از تو روی برتافته و خوارت نمودند، حمد و سپاس خدا را که دوزخ را جایگاه ایشان قرار داد و محققاً محل ورود ایشان به موضعی است و محل ورود واردین نیز بد مکانی بوده و دَرک که طبقه زیرین دوزخ است و جایگاه ایشان می‌باشد نیز جایگاه بسیار بدی است.

خداوند اقاتلین انبیاء و اوصیاء ایشان را با تمام انحاء لعن، لعنت کن و گرمای آتش دوزخ را به ایشان برسان، خداوند اجبت‌ها (بت‌ها و ساحرها و کاهن‌ها) و طاغوت‌ها (شیطان‌ها) و فرعون‌ها و لات و عَزّی و جبت و هر رقیب و ضدّ خداوندی که به جای حق تعالی خوانده می‌شود و تمام آنان که بر خداوند افتراء بسته‌اند لعنت‌نما، خداوند تمام ایشان و تابعین آنها و پیروان و دوستان و کمک کنندگان و علاقه‌مندان ایشان را لعنت فراوان نما و بگو:

خداوند اقاتلین امیرالمؤمنین علیه السلام را لعنت بفرما (سه بار).

خداوند ایشان را عذابی دردناک نما که احدی را چنین عذابی نکرده باشی، و عذاب خود را بر ایشان دو چندان کن همان طوری که اولیاء امورت را به مشقّت و رنج انداختند و عذابی را که بر هیچ کس نکرده‌ی بر ایشان آماده نما.

خداوند ابر قاتلین انصار رسولت و کشتندگان انصار امیرالمؤمنین و قاتلین انصار امام حسن و امام حسین علیهما السلام و کشتندگان کسانی که در راه ولایت و دوستی آل محمد علیهم السلام کشته شده‌اند عذابی وارد نما که برابر دو چندان عذاب دیگران بوده و آنها را در جایگاه زیرین جهنم قرار بده و هرگز در عذابشان تخفیف مده در حالی که به شدّت در حسرت بوده و از رحمت به دور مانده و نزد پروردگارشان سرافکنده هستند، ایشان به واسطه کشتن عترت انبیاء و پیامبران و بندگان صالح ندامت و ذلّت طولانی را معاینهّ حسّ خواهند نمود.

خداوند ایشان را در اخفی الخفاء و اظهر الظهور، در زمینت و آسمانت لعنت

نما.

خداوند نسبت به دوستانش برای من زبانی صادق و راستگو قراریده و حسب دوستی زیارت مشاهدشان را نصیبم گردان تا اینکه به ایشان ملحقم نموده و در دنیا و آخرت تابع و دنباله‌رو آنها قرارم دهی ای مهربان‌تر از هر مهربانی. سپس بالای سر آن حضرت بنشین و بگو:

سلام خدا و سلام فرشتگان و سلام آنان که با قلبشان تسلیم تو بوده و به فضل تو گویا و مقرب بوده و شهادت می‌دهند که تو راستگو و بسیار راستگو می‌باشی، بر تو ای آقای من، سلام خدا بر تو و بر روح و جسم تو، شهادت می‌دهم که تو پاکیزگی و پاک و پاک شده می‌باشی.

شهادت می‌دهم ای ولی خدا و ولی رسولش که تو آنچه را مأمور به رساندنش بودی رسانیدی و امانتی که نزدت بود اداء کردی و شهادت می‌دهم که تو نزدیک‌ترین خلق به خدا بوده و باب الله (یعنی از راه تو باید به خدا نزدیک شد) هستی و وجه الله می‌باشی (یعنی اگر کسی بخواهد روی به خدا کند باید به تو روی نماید) و شهادت می‌دهم که تو دوست خالص خدا و بنده او و برادر رسولش می‌باشی.

همانا از راه دور به نزد تو آمده‌ام زیرا حال و منزلت نزد خدا و رسولش بسیار عظیم و عالی است.

به نزدت آمده‌ام به حال زیارت در حالی که بواسطه این زیارت به حق تعالی تقرب جسته و رهائی نفسم از زندان شهوات را طلب نموده و از آتش دوزخی که همچون من به واسطه جنایت بر نفس و ظلم بر خود استحقاقش را دارم به تو پناه می‌برم.

به نزدت آمده‌ام در حالی که از دیگران جدا و به تو و فرزندان که در هدایت مردم و رفع شبهات و ازاله جهل از ایشان جانشینان بعد از تو هستند متصل و مایلم لذا دل و قلبم تسلیم و افعال و اعمال تابع و کمک و نصرتم برای تو آماده می‌باشد و من بنده خدا و در طریق طاعت و فرمان برداری غلامت بوده و در کوچ

و سفر نمودن توجهم به تو می باشد و بواسطه این معنا کمال منزلت و نهایت مرتبه را در نزد خدا طلب می کنم ای آقای من تو آن کسی هستی که حق تعالی فرمان به اطاعتش را به من داده و بر احسان به او وادارم کرده و بر فضل و شرافتش دلالت و به حب و دوستیش هدایت نموده و در پیمودن راه به سویش و نیز به طلب حوائج نزدش ترغیب کرده ای، شما خاندانی هستید که آن کس که شما را دوست بدارد سعادت مند گشته و آنکه نزدیکان آید را ناامید نکرده و کسی که هوای شما را داشته باشد زیان ننموده و آنکه با شما دشمنی کند سعادت مند نمی گردد، هرگز سراغ ندارم کسی را که خیر رساننده تر باشد از شما به من، شما خاندان رحمت و ستون های دین و رکن های زمین و شجره طیبه می باشید.

خداوندا امیدی که از ناحیه توجهم به تو به واسطه رسول و آل او می باشد را به ناامیدی مبدل مکن.

خداوندا به واسطه زیارت آقایم و دوستی و معرفتش بر من منت نهاده ای پس من را از کسانی قرار بده که او را کمک کرده ای.

خداوندا با کمک نمودن دین خود را بر من در دنیا و آخرت منت بگذار.
خداوندا من را زنده بدار بر آنچه علی بن ابی طالب علیه السلام بر آن زنده بود و بمیران بر آنچه علی بن ابی طالب علیه السلام بر آن از دنیا رحلت فرمود.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ. وَ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنِ الصَّادِقِ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالثِ عليه السلام قَالَ: تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَأَوَّلُ مَنْ غَضِبَ حَقُّهُ،

صَبَرْتُ وَ احْتَسَبْتُ حَقَّ اَنَاكَ الْيَقِينُ، وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ وَ اَنْتَ شَهِيدٌ، عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِاَنْوَاعِ الْعَذَابِ، وَ جَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ، جَشَكَ عَارِفاً بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِراً بِشَانِكَ، مُوَالِياً لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ وَ مَنْ ظَلَمَكَ، أَلْقَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى، يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ لِي ذُنُوباً كَثِيرَةً، فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَعْلُوماً، وَ إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهاً وَ شَفَاعَةً، وَ قَالَ: «لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْضَى وَ هُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ»^(۱).

حدَّثني محمد بن جعفر الرزاز القرشي، عن محمد بن عيسى بن عبيد - عن بعض أصحابنا - عن أبي الحسن الثالث مثله.



ترجمه:

محمد بن یعقوب از کسی که برایش نقل کرده و او از سهل بن زیاد و او از محمد بن اورمه و نیز پدرم از حسین بن حسن بن ابان و او از محمد بن اورمه و او از کسی که برایش نقل نموده و او از امام صادق (علیه السلام) یا از حضرت ابی الحسن الثالث (علیه السلام) نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

نزد قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) بگو:

سلام بر تو ای ولی خدا، تو اوّل مظلوم و اوّل کسی هستی که حقش غصب شده، صبر نموده و تحمل کردی تا موت تو را دریافت و شهادت می دهم که خدا را ملاقات نمودی در حالی که شهید بودی، خدا قاتل و کشته تو را به انواع عذابها معذب نموده و آن را بر او تجدید نماید، به نزد آمدن در حالی که به حَقَّت آگاه و به شأن و مرتبهات مطلع و نسبت به دوستان دوست و دشمنان و

آننانکه به تو ظلم کرده‌اند دشمن می‌باشم، خدا را با همین حال ملاقات خواهم نمود ان شاء الله تعالی.

همانا گناهان زیادی در عهده من بوده پس نزد پروردگارت من را شفاعت فرما زیرا برای تو نزد او مقام و مرتبه‌ای معلوم بوده و در درگاهش شوکتی عظیم و حق شفاعت داری و خداوند خود در قرآن کریمش فرموده:

و لا یشفعون الا لمن ارضى و هم من خشیته مشفقون.

محمد بن جعفر رزاز قرشی از محمد بن عیسی بن عبید و او از برخی اصحاب و او از حضرت ابی الحسن ثالث علیه السلام مثل همین زیارت را نقل نموده.



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

﴿الباب الثاني عشر﴾

﴿وداع قبر أمير المؤمنين عليه السلام﴾

متن:

١ - حدثني محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد في كتاب الجامع يروي عن أبي الحسن عليه السلام «قال: إذا أردت أن تودع قبر أمير المؤمنين عليه السلام فقل:

«السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ، وَأَقُوُّ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمِنًا بِاللَّهِ وَبِالرُّسُلِ وَبِمَجْلَسِهِ وَدَعَتِ إِلَيْهِ» وَدَلَّتْ عَلَيْهِ فَارْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي تَمَلُّقِ عَلِيٍّ مَا كُنْتُ عَلَيْهِ فِي خِلَاقِي، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأُمَّةَ تَسْمِعُهُمْ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ قَتَلَهُمْ وَحَارَبَهُمْ مُشْرِكُونَ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْهِمْ فِي أَشْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ حَارَبَهُمْ لَنَا أَعْدَاءُ وَنَحْنُ مِنْهُمْ بُرَاءٌ، وَأَنَّهُمْ جِزْبُ الشَّيْطَانِ، وَعَلَى مَنْ قَتَلَهُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَمَنْ شَرِكَ فِيهِمْ وَمَنْ سَرَّهٖ قَتْلُهُمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَالتَّسْلِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَلَاخِرَتِي مَعَ هَؤُلَاءِ الْمُسْمِينِ الْأُفَّةِ، اللَّهُمَّ وَذَلَّلْ قُلُوبَنَا بِالطَّاعَةِ وَالْمَنَاصَحَةِ وَالْمَحَبَّةِ وَحُسْنِ الْمَوَازَرَةِ».

﴿ باب دوازدهم ﴾ ﴿ وداع قبر امیرالمؤمنین (ع) ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید در کتاب جامع از حضرت ابوالحسن (ع) روایت نموده که آن جناب فرمودند: هنگامی که خواستی قبر امیرالمؤمنین (ع) را وداع کنی بگو:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، تو را به خدا سپرده و از او خواستار نگاهبانی توام سلام بر تو می‌نمایم، به خدا و به رسولانش و به آنچه آورده و مردم را به آن دعوت کرده‌اند ایمان دارم پس ما را در زمره گواهان به این حقائق بنویس.

خدایا این زیارت را آخرین زیارتت قرار مده پس اگر مرا قبل از آن (زیارت دیگر) میراندی محققاً در حال مردنم به آنچه در حال حیات شهادت دادم، شهادت می‌دهم. شهادت می‌دهم که شما ائمه و پیشوایان من هستید (در اینجا نام ائمه طاهرين سلام الله عليهم را یکی پس از دیگری ببر).

و شهادت می‌دهم کسانی که ایشان را کشته و با آنها به حرب برخاسته‌اند مشرک می‌باشند و شهادت می‌دهم به اینکه هرکس ایشان را رد کرده جای گاه‌اش در پست‌ترین طبقات دوزخ می‌باشد.

و شهادت می‌دهم به اینکه هرکس با ایشان به حرب برخاست دشمن ما است و ما از او تنفر و دوری می‌جوئیم و قطعاً در زمره حزب شیطان می‌باشد و بر کسانی که ایشان را کشتند، لعنت خدا و فرشتگان و جمیع مردم باد و نیز لعنت خدا و فرشتگان و جمیع خلایق بر کسانی که در خون ایشان شریک شده و همچنین بر کسانی که از کشته شدن آنان مسرور و خوشحال شدند.

بار خدایا پس از دورد قلبی و زبانی از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد رحمت فرستی و این زیارت را آخرین زیارتم قرار ندهی و اگر آن را آخر زیارت من قرار دادی پس مرا با این امامان نامبرده محشور نما.

بار خدایا دل‌های ما را رام ایشان و برای اطاعتشان و خیرخواهی و محبت و نیکو پشتیبانی نمودن قابل گردان.

﴿ الباب الثالث عشر ﴾

﴿ فضل الفرات و شربه و الغسل فيه ﴾



متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام «قَالَ: الْمَاءُ سَيِّدُ شَرَابِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَ أَرْبَعَةُ أَهْوَاءٍ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْجَنَّةِ: الْفُرَاتُ، وَ التِّلْ، وَ سَيْحَانُ، وَ جَيْحَانُ. الْفُرَاتُ: الْمَاءُ، وَ التِّلْ: الْغَسْلُ، وَ سَيْحَانُ: الْخَمْرُ وَ جَيْحَانُ: اللَّبَنُ».

﴿ باب سیزدهم ﴾

﴿ فضیلت آب فرات و نوشیدن و غسل نمودن در آن ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم علیه‌الرحمة از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام و او از پدرش و او

از جانش و او از حضرت علی علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:
 آب سرور مایعات دنیا و آخرت می باشد و چهار نهر در دنیا هستند که از
 بهشت می باشند و آنها عبارتند از:
 فرات، نیل، سیحان و جیحان.
 فرات آب بوده و نیل عسل و سیحان خمر و جیحان شیر می باشند.

متن:

۲- و عنه عن أبي جميلة، عن سليمان بن هارون أنه «سمع أبا عبد الله عليه السلام يقول: من شرب من ماء الفرات وحتك به فهو محببنا أهل البيت».

ترجمه: ﴿حقیقه دوم﴾

ترجمه:

سعد بن عبدالله، از ابو جمیل و او از سلیمان بن هارون نقل کرده که وی از
 حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنید که آن حضرت می فرمودند:
 کسی که از آب فرات بنوشد و با آن تحنیک کند دوستدار ما خاندان خواهد
 بود.

متن:

۳- و بإسناده عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عيسى، عن
 أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: لو أن بيننا وبين الفرات كذا وكذا
 ميلاً لذهبنا إليه واستشفيناه».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

سعد بن عبدالله به اسنادش از احمد بن محمد، از عثمان بن عیسی، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السلام آن حضرت فرمودند:
اگر فاصله بین ما و بین فرات فلان و فلان مقدار میل می بود همانا این راه را طی می کرده و به آن آب خود را می رسانده و بواسطه اش استشفاء می جستیم.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّقَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ هَارُونَ الْعَجَلِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَا أَظُنُّ أَحَدًا يُحْتَكُّ بِمَاءِ الْفَرَاتِ إِلَّا أَحْبَبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ سَأَلَنِي: كَمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَاءِ الْفَرَاتِ، فَأَخْبَرْتَهُ، فَقَالَ: لَوْ كُنْتُ عِنْدَهُ لَأَحْبَبْتُ أَنْ آتِيَهُ طَرَفِي النَّهَارِ.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد بن ولید، از محمد بن حسن صقار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی بن فضال، از ثعلبه بن میمون، از سلیمان بن هارون عجل، وی می گوید:
از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمود:
گمان نمی کنم کسی با آب فرات تحنیک کند مگر آنکه دوست دار ما اهل بیت می باشد، سپس فرمود: فاصله بین تو و آب فرات چه مقدار می باشد؟
پس محضرش خبر داده و فاصله مزبور را بیان کردم.
حضرت فرمودند:

اگر من در این فاصله می‌بودم دوست می‌داشتم دو طرف روز (صبح و غروب) به فرات بروم.

متن:

۵- وَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ نَهْيَكٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَأَوْثِنَاهُمَا إِلَى رُبُوعٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ»^(۱)، قَالَ: «الرُّبُوعُ» نَجْفُ الْكُوفَةِ؛ وَ «الْمَعِينُ» الْفُرَاتُ.

حدیث پنجم

ترجمه:

علی بن حسین بن موسی از علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش، از علی بن حکم از سلیمان بن نهیک، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت در ذیل فرموده خداوند عزوجل:

و آویناها الی ربوع ذات قرار و معین.

فرمودند:

مقصود از «ربوع» نجف کوفه و از «معین» فرات می‌باشد.

متن:

۶- «وَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ ابْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحَسَنِ، عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام «قَالَ: الْفُرَاتُ سَيِّدُ الْحِيَاءِ فِي

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

علی بن حسین رحمة الله علیه از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر و او از پدرش و پدرش از جد وی و او از حضرت علی علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: فرات در دنیا و آخرت سرور آب‌ها است.

متن:

۷- وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ - عَنْ جَدِّهِ - عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَكِيمِ بْنِ جُبَيْرٍ «قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ مَلَكًا يَهْبِطُ كُلَّ لَيْلَةٍ مَعَهُ ثَلَاثَ مِثْقَالٍ مَسْكٍ مِنْ مَسْكِ الْجَنَّةِ فَيَطْرَحُهَا فِي الْفَرَاتِ، وَ مَا مِنْ نَهْرٍ فِي شَرْقٍ وَ لَا فِي غَرْبٍ أَعْظَمَ بَرَكَةً مِنْهُ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله از پدرش عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد بن ابی عبدالله، از پدرش، از کسی که برای او حدیث گفته، از حنان بن سدید، از پدرش، از حکیم بن جبیر، وی می‌گوید:

از حضرت علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

فرشته‌ای در هر شب به زمین فرود می‌آید در حالی که با سه مثقال مشک از مشک‌های بهشتی است پس آن را در فرات می‌ریزد و هیچ نهري در شرق و غرب نیست که برکتش بیشتر از آن باشد.

متن:

۸- و حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ قَوْلُويَه، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عُمَانَ، - عَنْ ذَكَرِهِ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: تَقْطُرُ فِي الْفُرَاتِ كُلَّ يَوْمٍ قَطْرَاتٌ مِنَ الْجَنَّةِ».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

علی بن محمد بن قولویه، از احمد بن ادريس، از احمد بن محمد بن عيسى، از ابن فضال، از ابن ابی عمیر، از حسین بن عثمان از کسی که یادش نموده، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند:
هر روز در فرات قطراتی از بهشت می ریزد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

۹- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ ابْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُثَنَّى، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ «قَالَ: لَمَّا قَدِمَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْكَوْفَةَ فِي زَمَنِ أَبِي الْعَبَّاسِ فَجَاءَ عَلَى دَابَّتِهِ فِي ثِيَابٍ سَفَرَهُ حَتَّى وَقَفَ عَلَى جِسْرِ الْكَوْفَةِ، ثُمَّ قَالَ لِفُغْلَامِهِ: اسْتَقْنِي؛ فَأَخَذَ كَوْزَ مَلَأَهِ فَفَرَفَ لَهُ بِهِ فَأَسْقَاهُ فَشَرِبَ وَالْمَاءُ يَسِيلُ مِنْ شِدْقَيْهِ وَعَلَى لَحْيَتِهِ وَثِيَابِهِ، ثُمَّ اسْتَزَادَهُ فَزَادَهُ فَحَمَدَ اللَّهُ، ثُمَّ قَالَ: نَهَرُ مَاءٍ مَا أَعْظَمَ بَرَكَتُهُ، أَمَا إِنَّهُ يَسْقُطُ فِيهِ كُلُّ يَوْمٍ سَبْعَ قَطْرَاتٍ مِنَ الْجَنَّةِ، أَمَا لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِيهِ مِنَ الْبَرَكَةِ لَضَرَبُوا

الأخْبِيَّةُ عَلَى حَافَتَيْهِ، أَمَا لَوْلَا مَا يَدْخُلُهُ مِنَ الْخَطَاطِينِ مَا اغْتَسَمَ فِيهِ
ذُو عَاهَةِ إِلَّا بَرَةً».

«حدیث نهم»

ترجمه:

محمد بن حسن بن علی بن مهزیار از پدرش، از جدش علی بن مهزیار از
حسن بن سعید، از علی بن حکم، از ربیع بن محمد مُسَلِّی، از عبدالله بن سلیمان،
وی می گوید:

در زمان ابی العباس وقتی حضرت ابی عبدالله علیه السلام به کوفه تشریف آوردند
سوار مرکب بوده در حالی که لباسهای سفر به تن داشتند، حضرت روی پل کوفه
توقف فرموده سپس به غلام فرمودند:

به من آب بده.

غلام کوزه کشتی بانی را گرفت و در آن آب ریخت و سپس به حضرت آب
داد.

آن جناب آب را نوشیدند در حالی که آب از دو گوشه دهانشان جاری بود و
بر محاسن شریف و لباسهای آن حضرت می ریخت سپس دوباره آب طلبیدند و
غلام به حضرتش آب داد حضرت حمد و ستایش حق تعالی به جای آورده سپس
فرمودند:

فرات نهر آبی است و چقدر برکتش زیاد می باشد در این آب هر روز هفت
قطره از بهشت می ریزد و اگر مردم به برکتی که در این آب هست واقف بودند
مسلماً در اطراف آن خیمه می زدند و از آن توشه بر می داشتند.

سپس حضرت فرمودند:

اگر گناه کاران در آن داخل نشده بودند به طور قطع و جزم هر مریض و آفت

زده‌ای که داخلش می‌شد و در آن فرو می‌رفت مرضش بهبود می‌یافت و آفتش برطرف می‌گشت.

معنی:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ ابْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عُرْفَةَ، عَنْ رَبِيعٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: «شَاطِطُ الْوَادِ الْأَيْمَنِ» الَّذِي ذَكَرَهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ هُوَ الْفَرَاتُ، وَ«الْبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ» هِيَ كَرْبِلَا، وَ«الشَّجَرَةُ» هِيَ مُحَمَّدٌ ﷺ».



ترجمه:

ترجمه: مُحَمَّدُ بْنُ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ از پدرش و او از جَدِّ وی یعنی عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ و او از حَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ و او از عَلِيٍّ بْنِ حَكَمٍ و او از عُرْفَةَ و او از رَبِيعِ، وی می‌گوید:

امام صادق ﷺ فرمودند:

کنار وادی ایمن که حق تعالی در قرآن فرموده همان فرات بوده و مقصود از «بقعه مبارکه» کربلا و از «شجره» و جنود مقدس حضرت مُحَمَّدٌ ﷺ می‌باشد. (۱)

۱ - مقصود آیه (۳۰) از سوره قصص است که آن عبارت است از:

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عُمَانَ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام . وَ مُحَمَّدٌ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام « قَالَ : مَا أَظُنُّ أَحَدًا يُحْتَكُّ بِمَاءِ الْفُرَاتِ إِلَّا كَانَ لَنَا شِيعَةً » .
و روى ابن أبي عمير ، عن بعض أصحابنا « قال : يجسري في الفرات ميزابان من الجنة » .

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله و او از ابراهیم بن مهزیار و او از برادرش علی بن مهزیار و او از ابن ابی عمیر و او از حسین بن عثمان و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

و محمد بن ابی حمزه از کسی که یادش نموده و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند: گمان نمی‌کنم احدی به آب فرات تحنیک کند مگر آنکه شیعه و تابع ما خواهد شد.
راوی می‌گوید: ابن ابی عمیر گفته است این روایت را ابن سنان برایم نقل نموده.

و نیز ابن ابی عمیر از برخی اصحاب نقل کرده که گفته است. دو ناودان از بهشت در آب فرات جاری می‌باشد.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ ، عَنْ

العباس ابن معروف، عن علی بن مهزیار، عن محمد بن اسماعیل، عن حنان بن سدير، عن حکیم بن جبیر الأسدی «قال: سمعت علی بن الحسین علیه السلام يقول: إِنَّ اللَّهَ يَهْطُ مَلَكًا كُلَّ لَيْلَةٍ مَعَهُ ثَلَاثُ مَسَاقِيلٍ مِنْ مِشْكِ الْجَنَّةِ فَيَطْرَحُهُ فِي فُرَاتِكُمْ هَذَا، وَ مَا مِنْ نَهْرٍ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا اعْظَمَ بَرَكَتَهُ مِنْهُ».

«حدیث دوازدهم»

ترجمه:

محمد بن حسن از محمد بن حسن صفار، از عباس بن معروف، از علی بن مهزیار، از محمد بن اسماعیل، از حنان بن سدير از حکیم بن جبیر اسدی، وی می گوید:

از حضرت علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می فرمود:

خداوند متعال در هر شب فرشته ای نازل می کند که با او سه مثال از مشک بهشتی است پس آن فرشته مشک را در فرات (همین فرات) می ریزد و هیچ نهری در شرق و غرب زمین با برکت تر از فرات نمی باشد.

متن:

۱۳- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُويَه، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ هَارُونَ «قَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا أَظُنُّ أَحَدًا يُحَسِّنُ بَاءَ الْفُرَاتِ إِلَّا أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ».

ترجمه:

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

علی بن حسین بن موسی بن بابویه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابن فضال، از ثعلبه بن میمون، از سلیمان بن هارون، می گوید:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:
گمان نمی کنم احدی با آب فرات تحنیک کند مگر آنکه ما اهل بیت پیامبر را دوست می دارد.

متن:

۱۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحَدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ الْكُوفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ - الْحَجَّالُ، عَنْ غَالِبِ بْنِ عَثَّانَ، عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ «قَالَ: ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْفَرَاتَ قَالَ: أَمَا إِنَّهُ مِنْ شِبَعَةِ عَلِيٍّ عليه السلام وَمَا حُنِكَ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا أَهْلَ الْبَيْتِ».

ترجمه:

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از احمد بن محمد برقی از عبدالرحمن بن حماد کوفی، وی می گوید: عبدالله بن محمد حجاج، از غالب بن عثمان و او از عقبه بن خالد نقل کرده، وی می گوید: حضرت ابو عبدالله علیه السلام نامی از فرات بردند سپس فرمودند:
فرات در زمره شیعیان علی علیه السلام بوده و احدی با آن تحنیک نمی کند مگر آنکه ما اهل بیت را دوست دارد.

متن:

۱۵- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَتِيلٍ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِيِّ الرَّازِيِّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حمزة، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ صَنْدَلٍ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: ما أحدٌ يشرب من ماء الفرات ويُحَنِّك به إذا وُلِدَ إلّا أَحَبَّنَا، لأنَّ الفُرات نهرٌ مؤمن».

﴿حديث پانزدهم﴾

ترجمه:

پدرم، از حسن بن متیل، از عمران بن موسی، از عبد الله جامورانی رازی، از حسن بن علی بن ابی حمزه، از سیف بن عمیره، از صندل از هارون من خارجه، وی می گوید:

حضرت ابو عبد الله عليه السلام فرمودند: بسم الله الرحمن الرحيم

احدی نیست که هنگام تولد از آب فرات بنوشد و با آن تحنیک نماید مگر آنکه ما را دوست می دارد زیرا فرات نهر مؤمن می باشد.

متن:

۱۶- و بإسناده، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة، عن أبيه، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: نهران مؤمنان، ونهران كافران، نهران كافران نهر بلخ و دجلة، والمؤمنان نيل مصر والفرات، فحنكوا أولادكم بماء الفرات».

﴿ حدیث شانزدهم ﴾

ترجمہ:

ترجمہ: پدرم بہ اسنادش از حسن بن علی بن ابی حمزہ، از پدرش، ابی بصیر، از حضرت ابی عبداللہ ؑ، نقل کرده کہ آن جناب فرمودند:

دو نہر مؤمن و دو نہر کافر می باشند.

دو نہر کافر عبارتند از: نہر بلخ و نہر دجلہ.

دو نہر مؤمن عبارتند از: رود نیل و رود فرات.

پس فرزندانان را، با آب فرات تحنیک نمایند.

﴿ الباب الرابع عشر ﴾

﴿ حب رسول اللہ ﷺ الحسن والحسين ﴾

﴿ والأمر بحبهما و نواب حبهما ﴾

مرکز تحقیقات اسلامی قم

متن:

۱ - حدَّثني أبي - رحمه الله -، عن سعد بن عبدالله بن أبي خلف؛ وعبدالله ابن جعفر الحميري؛ ومحمد بن يحيى العطار جميعاً، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم؛ وغيره، عن جميل بن درّاج، عن أخيه نوح، عن الأجلح، عن سلمة بن كهيل، عن عبدالعزيز، عن علي ؑ، «قال: كان رسول الله ﷺ يقول: يا علي لقد أذهلني هذان الغلامان - يعني الحسن والحسين - أن أحب بعدهما أحداً [أبداً] إن ربي أمرني أن أحبهما وأحب من يحبهما».

﴿باب چهاردهم﴾

﴿در بیان محبت حضرت رسول خدا ﷺ به حضرت﴾

﴿امام حسن و امام حسین ﷺ و امر نمودن حضرت به محبت داشتن﴾

﴿و ثواب محبت به آن دو بزرگوار﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه از سعد بن عبدالله بن ابی خلف و عبدالله بن جعفر حمیری و محمد بن یحیی عطار جملگی از احمد بن محمد بن عیسی و او از علی بن حکم و غیر محمد بن یحیی عطار از جمیل بن ذراج و او از برادرش نوح و از از اجلع و او از سلمه بن کهل و او از عبدالعزیز و او از حضرت علی ﷺ نقل نمود که آن جناب فرمودند: رسول خدا ﷺ فرمودند:

ای علی (علیه السلام) این دو کوزک یعنی حسن و حسین ﷺ من را منصرف کرده‌اند از اینکه کسی بعد از ایشان را دوست داشته باشیم، پروردگارم مرا امر فرمود که ایشان و کسی ایشان را دوست دارد، دوست داشته باشیم.

متن:

۲- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّيْدِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبَّاسٍ، وَ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ خَرْبٍ جَمِيعًا قَالَ: حَدَّثَنَا مَنْ سَمِعَ بَكْرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْمَزْنِيَّ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ الْحَصِينِ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عِمْرَانُ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مَوْعَاً مِنَ الْقَلْبِ، وَ مَا وَقَعَ مَوْعِ هَٰذِهِنَّ الْغَلَامِينَ مِنْ قَلْبِي شَيْءٌ قَطُّ، فَقُلْتُ: كُلُّ هَٰذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: يَا عِمْرَانُ وَ مَا خَفِيَ عَلَيْكَ أَكْثَرُ أَنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّهَا».

«حدیث دوم»

ترجمه:

محمد بن احمد بن ابراهیم از حسین بن علی زیدئی و او از پدرش و او از علی بن عباس و عبدالسلام بن حرب جمیعاً نقل کرده، عبدالسلام بن حرب می گوید: کسی که حدیث را از بکر بن عبدالله مزنی شنیده برایم از عمران بن حصین نقل نموده که وی گفت: رسول خدا ﷺ به من فرمودند:

ای عمران:

هر چیزی در قلب جایگاهی دارد ولی جایگاه این دو کودک از قلب من هرگز مکان خاصی نیست.

عمران می گوید: عرض کردم ای رسول خدا تمام قلب شما جاییگاه این دو

است؟

حضرت فرمودند:

ای عمران: آنچه بر تو مخفی مانده بیش از آن است که دانسته ای، خداوند

متعال من را به محبت ایشان امر فرموده است.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ - عَنْ حَدَّثَهُ - عَنْ سَفْيَانَ الْجُرَيْرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي رَافِعٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ أَبِي ذَرٍّ الْغَفَارِيِّ «قَالَ: أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِحُبِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ»، فَأَنَا أَحَبُّهُمَا وَأَحَبُّ مَنْ يَحِبُّهُمَا لِحُبِّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِيَّاهُمَا.

«حدیث سوم»

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله و او از محمد بن حسین بن ابی الخطاب و او از کسی که برایش حدیث کرده و او از سفیان جریری و او از پدرش و او از ابی رافع و او از

پدرش و او از جدّ وی و او از ابوذر غفاری نقل کرده که فرمود:
 رسول خدا ﷺ من را به محبت امام حسن و امام حسین ﷺ امر فرمود پس
 من ایشان و کسی که آنها را دوست داشته باشد دوست دارم زیرا رسول خدا ﷺ
 ایشان را دوست دارد.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي رَجُلٌ -
 نَسِيتُ اسْمَهُ - مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى، عَنْ مُهَلِّهِلِ الْقَبْدِيِّ،
 عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ، عَنْ رِبِيعَةَ السَّعْدِيِّ، عَنْ أَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ «قَالَ:
 رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقْبَلُ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ ﷺ وَهُوَ يَقُولُ: مَنْ أَحَبَّ
 الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ وَذُرِّيَّتَهُمَا خَلَصَ لَمْ تَلْفَحِ النَّارَ وَجْهَهُ وَلَوْ كَانَتْ
 ذُنُوبُهُ بِعَدَدِ رَمْلِ عَالِجٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ ذَنْبُهُ ذَنْبًا يَخْرُجُهُ مِنَ الْإِيمَانِ».

«حدیث چهارم»

ترجمه:

پدرم از عبدالله بن جعفر حمیری نقل نموده که وی گفت:
 مردی که نامش را فراموش کرده‌ام و از اصحاب ما بود از عبیدالله بن موسی و
 او از مهلهل عبدی و او از ابی هارون عبدی و او از ربیعه السعدی و او از
 ابی ذر غفاری نقل کرد که وی فرمود: رسول خدا ﷺ را دیدم که حسن و حسین
 ﷺ را می‌بوسید و می‌فرمود:

کسی که حسن و حسین ﷺ و ذریه این دو را دوست داشته و ایشان را
 خالصانه بخواند آتش دوزخ هرگز صورتشان را نوزاند اگرچه گناهان آنها به
 مقدار ریگ‌های بیابان باشد مگر آنکه گناهانشان ایشان را از ایمان خارج کرده
 باشند.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْقَرَشِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ عَلِيٍّ بْنِ عَابِسٍ، عَنْ الْحَجَّالِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَمَةَ، عَنْ عُبَيْدَةَ السَّلْمَانِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ «قَالَ: قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَنْ كَانَ يَحِبُّنِي فَلْيَحِبَّ ابْنِي هَذَيْنِ، فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّهِمَا».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز قرشی می گوید:

محمد بن حسین بن خطاب از حسن بن محبوب از کسی که نامش را برده، از علی بن عابس، از حجال، از عمرو بن مرّة از عبدالله بن سلمه از عبیده سلمانی، از عبدالله بن مسعود نقل کرده که وی گفت:

از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمودند:

کسی که مرا دوست دارد باید این دو کودک (امام حسن و امام حسین) را هم دوست باشد چه آنکه خداوند من را به دوست داشتن این دو امر فرموده است.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ سَلْمَانَ الْبَرْزَازِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِعُرْوَةِ اللَّهِ الْوَثْقَى الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ فَلْيُؤَالَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَالحسن والحسين، فَإِنَّ اللَّهَ يَحِبُّهُمَا مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از پدرش و او از محمد بن عیسی و او از عبدالله بن مغیره و او از محمد بن سلیمان بزّاز و او از عمرو بن شمر و او از جابر و او از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که می خواهد به ریسمان محکم خدا که حضرتش در قرآن از آن یاد کرده چنگ بزند باید علی بن ابی طالب علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام را دوست بدارد چه آنکه خداوند متعال از فوق عرش این دو را دوست دارد.

متن:

۷- و عنه عن أحمد بن محمد، عن أبيه؛ و عبدالرحمن بن أبي نجران - عن رجل - عن عباس بن الوليد، عن أبيه، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَبْغَضَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَيْسَ عَلَى وَجْهِهِ لَحْمٌ، وَلَمْ تَنْلِهِ شَفَاعَتِي».

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد و او از پدرش و نیز عبدالرحمن بن ابی نجران از شخصی و او از عباس بن ولید و او از پدرش و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که حضرت فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که نسبت به امام حسن و امام حسین علیهما السلام بغض داشته باشد روز قیامت خواهد آمد در حالی که گوشت در صورت نداشته و شفاعت من شاملش نمی شود.

متن:

۸- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ أَبِي الْمَغْرَا، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قُرَّةُ عَيْنِي النِّسَاءِ، وَرِيحَانَتِي الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنِ عليهما السلام».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

ترجمه: محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل از ابی المغری، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:



رسول خدا ﷺ می فرمودند:

نور چشمم زنان بوده و گل خوش بوی من حسین و حسین علیهما السلام می باشند.

متن:

۹- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ محبوبٍ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ الْمُنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ الْأَصْبَغِ، عَنْ زَاذَانَ «قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فِي الرُّحْبَةِ يَقُولُ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنَ رِيحَانَتَا رَسُولِ اللَّهِ ﷺ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی از پدرش و او از حسن بن محبوب و او از کسی که نامش را برده و او از علی بن عباس و او از منهال بن عمرو، و او از

اصبغ و او از زاذان نقل کرده که وی گفت:

شنیدم حضرت صادق علیه السلام در قریه رُحبه می فرمودند:

حسن و حسین علیهما السلام دو ریحانه (گل خوش بو) رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشند.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي مِنْهُمْ: أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدِ الْيَقْطِينِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ، عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ، عَنْ زَيْدِ مَوْلَى ابْنِ هُبَيْرَةَ «قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: خُذُوا بِحُجْرَةِ هَذَا الْأَنْزَعِ، فَإِنَّهُ الصَّدِّيقُ الْأَكْبَرُ؛ وَ الْهَادِي لِمَنْ اتَّبَعَهُ، وَ مَنْ سَبَقَهُ مَرَقَ مِنْ دِينِ اللَّهِ، وَ مَنْ خَذَلَهُ مَحَقَهُ اللَّهُ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِحَبْلِ اللَّهِ، وَ مَنْ أَخَذَ بِوَلَايَتِهِ هَدَاهُ اللَّهُ، وَ مَنْ تَرَكَ وَلَايَتَهُ أَضَلَّهُ اللَّهُ، وَ مَنْ سَبَطَا أَمَتِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، وَ هَا ابْنَايَ، وَ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ الْأَثَمَةُ الْهَدَاةُ وَ الْقَائِمُ الْمُهْدِي، فَأَحْبَبُوهُمْ وَ تَوَالَوْهُمْ، وَ لَا تَتَّخِذُوا عَدُوَّهُمْ وَ لِيَجْءَ مِنْ دُونِهِمْ، فَيَحِلُّ عَلَيْكُمْ غَضَبُ مَنْ رَبَّكُمْ، وَ ذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَ قَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى».

ترجمه:

«حدیث دهم»

دسته‌ای از مشایخ و اساتیدم از جمله: پدرم و محمد بن حسن و علی بن حسین جمیعاً از سعد بن عبدالله بن ابی خلف از محمد بن عیسی بن عبید یقطینی و او از ابی عبدالله زکریا مؤمن و او از ابی مسکان و او از زید مولای ابن هبیره نقل کرده که گفت:

حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

بگیرید میان (جائی که کمر بسته می شود) این مرد انزع (به کسی گویند که موی های دو طرف پیشانی او ریخته باشد) را زیرا او صدیق اکبر بوده و تابعین خود را هدایت می کند و کسی که بر او سبقت گیرد از دین خدا خارج شود و آنکس که او را مخدول و ذلیل نماید خداوند نابودش می نماید و کسی که به او متصل شود به خدا متصل شده و آن کس که به ولایتش اخذ نماید خدا هدایتش نموده و هر کس که ولایت او را ترک نماید خداوند گمراهش کند و دو سبط امت من یعنی حسن و حسین علیهما السلام که دو فرزندان من هستند از ایشان می باشند و امام و پیشوایان که هادیان خلقند و همچنین حضرت قائم مهدی علیه السلام از فرزندان حسین علیه السلام هستند، بنا بر این ایشان را دوست بدارند و با دشمنانشان دوستی نکنند که در این صورت غضب پروردگار متوجه شما شده و در زندگانی دنیا ذلیل و خوار خواهید شد.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الزَّعْفَرَانِيُّ بِالرَّيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَلِيمَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَثْمَانَ بْنِ خَثِيمٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي رَاشِدٍ، عَنْ يَعْلَى بْنِ مُرَّةٍ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حُسَيْنٌ مَيِّ وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبُّ إِلَهُ مِنْ أَحَبِّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سَبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ».

«حدیث یازدهم»

ترجمه:

حسین بن علی زعفرانی در ری برایم نقل نمود، وی گفت:

یحیی بن سلیمان، از عبد الله بن خثیم و او از سعید بن ابی راشد و او از یعلی

بن مرّه نقل کرده، وی گفت:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

حسین از من و من از حسین هستم، کسی که حسین را دوست بدارد خدا او را دوست دارد، حسین سبطی است از اسباط (یعنی همان طوری که حضرت یعقوب ۱۲ اسباط داشت و هر کدام سبطی از اسباط بودند، پیامبر اکرم ﷺ نیز ۱۲ اسباط داشت که حضرت سید الشهداء ﷺ سبطی از این اسباط بودند).

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ زَكَرِيَّا الْعَدَوِيِّ الْبَصْرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْأَعْلَى بْنُ حَمَادٍ النَّرْسِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا وَهْبٌ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي رَاشِدٍ، عَنْ يَعْلَى الْعَامِرِيِّ «أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى الْقَوْمِ طَعَامَ دُعَى إِلَيْهِ فَأَذَاهُ بِحُسَيْنٍ (ع) يَلْعَبُ مَعَ الصَّبِيَّانِ فَاسْتَقْبَلَ النَّبِيَّ (ص) أَمَامَ ثُمَّ بَسَطَ يَدَيْهِ فَطَفَّرَ الصَّبِيُّ هَهُنَا مَرَّةً، وَهَهُنَا مَرَّةً، وَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَضَاحُكَ حَتَّى أَخَذَهُ فَجَعَلَ إِحْدَى يَدَيْهِ تَحْتَ ذَقْنِهِ وَالْأُخْرَى تَحْتَ قَفَائِهِ، وَوَضَعَ فَاهُ عَلَى فِيهِ وَقَبَّلَهُ، ثُمَّ قَالَ: حُسَيْنٌ مَيِّ وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سَبَطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ».

«حدیث دوازدهم»

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از ابی سعید حسن بن علی بن زکریا عدوی بصری نقل کرده، وی گفت: عبدالاعلی بن حماد البرسی برایم نقل نمود که وهب از عبدالله بن عثمان، از سعید بن ابی راشد از یعلی العامری، وی

می گوید:

از محضر رسول خدا ﷺ بیرون آمده و به صرف طعامی که مدعو بودم حاضر شدم در آن مجلس حضرت حسین ﷺ را دیدم که با اطفال بازی می کردند، پیامبر اکرم ﷺ دو دست مبارک را باز کرده و او را به پیش خواندند، طفل (حضرت حسین ﷺ) شروع به پریدن به این طرف و آن طرف نمود و پیامبر ﷺ از این حرکات می خندیدند تا بالاخره او را گرفتند سپس یک دست مبارک را زیر چانه اش و دست دیگر را پشت سرش قرار داد و دهان مبارک را روی دهانش گذارد و او را بوسید و سپس فرمود:

حسین از من و من از حسینم، خداوند دوست دارد کسی را که حسین را دوست دارد، حسین سبطی است از اسباط.



متن:

۱۳- و عنه، عن أبي سعيد قال: حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ؑ «قَالَ: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِيَدِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَقَالَ: مَنْ أَحَبَّ هَذَيْنِ الْغُلَامَيْنِ وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از ابی سعید منقول است که گفت: نصر بن علی گفت: علی بن جعفر از برادرش حضرت موسی بن جعفر ؑ نقل نمود که آن جناب فرمودند:

رسول خدا ﷺ دست حسن و حسین را گرفته سپس فرمودند: کسی که این دو طفل و پدر و مادرشان را دوست بدارد در روز قیامت با من هم درجه خواهد بود.

«الباب الخامس عشر»

«زیارة الحسن بن علی ؑ و قبور الأئمة ؑ بالبقیع»

متن:

۱- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ: حَدَّثَنِي سَلَمَةُ بْنُ الْخَطَّابِ، عَنْ عَمْرِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَمِّهِ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ بَيْتَاعِ السَّابِرِيِّ - رَفَعَهُ - قَالَ: كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ابْنُ الْحَنْفِيَّةِ يَأْتِي قَبْرَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ؑ فَيَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ أَوَّلِ الْمُسْلِمِينَ، وَكَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ وَأَنْتَ سَلِيلُ الْهُدَى، وَخَلِيفُ الثَّقَوَى، وَخَامِسُ أَهْلِ الْكِسَاءِ، عَذَّتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ، وَرُبِّيتَ فِي جَعْرِ الْإِسْلَامِ، وَرُضِفَتْ مِنْ نَذَى الْإِيمَانِ، قَطِبتَ حَيًّا، وَطِبْتَ مَيِّتًا، غَيْرُ أَنْ السُّفْسُ غَيْرُ رَاضِيَةٍ بِمِرَاقِكَ، وَلَا شَاكِيَةٍ فِي حَيَاتِكَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ».

ثمَّ التَفَتَ إِلَى الْحَسَنِ ؑ فَقَالَ: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَعَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ السَّلَامُ».

«باب پانزدهم»

«زیارت حضرت حسن بن علی ؑ و قبور ائمه معصومین ؑ»

«در قبرستان بقیع»

«حدیث اول»

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم می گوید:

سلمه بن خطاب، از عمر بن علی و او از عمویش و او از عمر بن یزید که

جامه‌های نیکو می فروخت نقل کرده و وی حدیث را به طور مرفوعه بیان نموده می گوید:

محمد بن علی بن حنفیه به سر قبر حضرت حسن بن علی علیه السلام حاضر می شد و می گفت:

سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان و فرزند اولین نفر از مسلمین، و چگونه این طور نباشد و حال آنکه تو فرزند هدایت و هم قسم با تقوی و پنجمین نفر از اصحاب کساء می باشی، دست رحمت خدا تو را پرورش داده، و در دامن اسلام رشد نموده‌ای و از پستان ایمان شیر خورده‌ای، پس در حال حیات و ممات خوشا به حالت، منتهی نفس از فراق و جدائی تو خوشنود نبوده و تردیدی در حیات و زنده بودن تو ندارد.

سپس توجه به امام حسین علیه السلام نمود و گفت:
ای ابا عبدالله بر ابو محمد علیه السلام رحمت و سلام باد.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۲- و عنه، عن سلمة، عن عبدالله بن أحمد، عن بكر بن صالح، عن عمرو بن هشام - عن بعض أصحابنا - عن أحدهما عليه السلام «قال: إذا أتيت قبور الأئمة بالبقيع ففقت عندهم واجعل القبلة خلفك، والقبر بين يديك، ثم تقول:

«السلام عليكم أئمة الهدى، السلام عليكم أهل البر والتقوى، السلام عليكم الحجاج على أهل الدنيا، السلام عليكم القوامين في البرية بالتسبط، السلام عليكم أهل الصفة، السلام عليكم يا آل رسول الله، السلام عليكم أهل النجوى، أشهد أنكم قد بلغتكم ونصحتكم وصبرتم في

ذَاتِ اللَّهِ وَكَذَّبْتُمْ؛ وَأُسِيبَ إِلَيْكُمْ فَقَفَرْتُمْ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأُمَّةَ الرَّاشِدُونَ
 الْمَهْدِيُونَ، وَأَنْ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنْ قَوْلَكُمْ الصَّدَقُ، وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ
 فَلَمْ تُجَابُوا وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعَايُمُ الدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ،
 لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسَحُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مَطَهَّرٍ وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ
 الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدْنَسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَلَمْ تَشْرَكَ فِيكُمْ فَتَنُ
 الْأَهْوَاءِ، طَبِيتُمْ وَطَابَتْ مَنَبَتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي
 بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً
 لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، إِذْ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنْ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ
 وَلَا يَسْكُكُمْ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ مُغْتَرِفِينَ بِتَضَدِّيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا
 مَقَامٌ مَنْ أَسْرَفَ وَأَخْطَأَ وَاشْتَكَانَ وَأَقْرَبَ مَا جَنَى وَرَجَى بِمَقَامِهِ الْخَلَاصِ،
 وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكِيِّ مِنَ الرَّدِيِّ، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ
 وَقَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءاً
 وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَمُحِيطٌ بِكُلِّ
 شَيْءٍ، لَكَ الْمُنُّ بِنَا وَقُتْنِي وَعَرَّفْنِي أُمَّتِي، وَبِمَا أَقْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُ
 عِبَادُكَ، وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَمَالُوا إِلَى سِوَاهِ، فَكَانَتْ
 الْمِثَّةُ مِنْكَ عَلَى مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ
 كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامٍ مَذْكَوراً مَكْتُوباً، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَلَا تُخَيِّبْنِي
 فِيمَا دَعَوْتُ فِي مَقَامِي هَذَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ».

وَادْعَ لِنَفْسِكَ بِمَا أَحْبَبْتَ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

از حکیم بن داود بن حکیم از سلمه، از عبدالله بن احمد، از بکر بن صالح از عمرو بن هشام از برخی اصحاب، از احد الصادقین علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

هرگاه در بقیع به قبور ائمه علیهم السلام حاضر شدی بایست و قبله را پشت سر و قبر را در مقابل قرار بده سپس بگو:

سلام بر شما پیشوایان هدایت، سلام بر شما اهل نیکی و پرهیزکاری، سلام بر شما که حجت‌های خدا هستید بر اهل دنیا، سلام بر شما که در زمین به عدالت حکم می‌فرمائید، سلام بر شما که برای برگزیده شدن لایق و شایسته هستید، سلام بر شما ای دودمان رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام بر شما ای اهل راز و سر، شهادت می‌دهم که شما احکام خدا را تبلیغ کرده و به مردم اندرز گفته و به خاطر خداوند متحمل مصائب و مشکلات گردیده و مورد تکذیب دیگران واقع شده و به شما بدی کرده‌اند پس آنها را بخشیده و خلافشان را نادیده فرض نمودید، و شهادت می‌دهم که شما پیشوایان هدایت‌کننده و هدایت شده ما بوده و اطاعت شما بر ما واجب و کلامتان راست و مطابق با واقع است، مردم را خواندید ولی شما را اجابت نکردند. آنها را به معروف امر کردید ولی اطاعتتان را نکردند و شهادت می‌دهم که شما اسطوانه‌های دین و رکن‌های روی زمین هستید، پیوسته خداوند شما را در صلب‌های پاکیزه منتقل فرموده و از ارحام پاک نقلتان داده و هرگز نادانی نادانان شما را آلوده نکرده و شریک و همتای شما نشده است فتنه‌هایی که از خواهش‌های نفس پیدا می‌شود، پاکیزه‌اید و محل نشو و نمای شما نیز پاک و پاکیزه می‌باشد، خداوند قهار بواسطه شما بر ما منت نهاده پس شما را در منازل قرار داده که اذن داده است در آن منازل اسمش با صدای بلند برده شود و صلوات ما بر شما را رحمت برای ما و کفاره گناهانمان قرار داده زیرا حق تعالی شما را برای ما برگزیده و خلقت و آفرینش ما را با آنچه بر ما منت نهاد یعنی ولایت و

دوستی شما پاک و طاهر نمود و ما نزد او علم و آگاهی شما را یاد کرده در حالی که اعتراف می‌کنیم شما را تصدیق داریم و اینجا که ایستاده‌ام مکان و محل کسی است که در گناه زیاده روی کرده و مرتکب خطاء و اشتباه شده و خوار و ذلیل گشته و به آنچه جنایت نموده اقرار کرده و امید دارد به برکت این مکان شریف از تبعات گناهانش خلاص و رها گشته و به کمک شما حق تعالی او را نجات داده نظیر نجات دادن هلاک شوندگان را از هلاک و مرگ، پس درخواست من این است که شفیع من باشید، چه آنکه من به سوی شما پناه آورده زمانی که اهل دنیا از شما روی تافته و آیات الهی را به استهزاء گرفته و از آنها سر باز زدند، ای کسی که سر پا بوده و اشتباه نمی‌کنی و دائم و همیشگی بوده و به لهو و باطل نمی‌پردازی و به هر چیز اساطه داری به واسطه توفیقی که به من داده و پیشوایانم را به من شناساندی بر من منت نهادی، و به آنچه من را بر آن به پا داشتی در هنگامی که بندگان از آن روی گردانده و به آن جاهل شده و حقش را سبک شمردند و به غیر آن میل ورزیدند منت تو بر من با جماعتی که ایشان را به آن چه من را به آن اختصاص دادی، مختص ساختی پس حمد و ستایشم اختصاص به تو دارد زمانی که در مقام و مکانی یادگشته و ثبت شده نزد تو می‌باشم پس از آنچه امیدوارم من را ناامید مکن و از آنچه در این مقام من را به آن دعوت فرموده‌ای محروم مساز به حق حرمت و عظمت محمد و آل طاهرین آن حضرت.

و سپس برای خودت به آنچه دوست داری دعاء کن.

متن:

۳- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَغَيْرُهُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نُجْرَانَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعْرٍ، عَنْ

الحسن بن عطیة، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: تقول عند قبر الحسين ما أحبت».

﴿ حدیث سؤم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین و غیر او از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از عبدالرحمن بن ابی نجران، از یزید بن إسحاق اشعری از حسن بن عطیة، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
در مقابل قبر علی بن الحسین علیه السلام هر چه خواستی بگو.

﴿ الباب السادس عشر ﴾

﴿ ما نزل به جبرئیل علیه السلام فی الحسین بن علی علیه السلام أنه سیقتل ﴾

متن:

۱- حدَّثني محمد بن جعفر الرِّزَّاز القرشيُّ الكوفيُّ قال: حدَّثني محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن سنان، عن سعيد بن يسار؛ أو غيره «قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول: لما أن هبط جبرئيل علیه السلام على رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بقتل الحسين علیه السلام أخذ بيد عليٍّ فخلاً به مَلِيّاً مِنَ النَّهَارِ فغلبَتْهُمَا الْقَبْرَةُ، فلم يَتَفَرَّقَا حَتَّى هبط عليهما جبرئيل علیه السلام - أو قال: رسول ربِّ العالمين - فقال لهما: رَبِّكُمَا يَقْرؤُكُمَا السَّلَامَ و يقول: عزمت عليكما لما صبرتما، قال: فصبرا».

﴿باب شانزدهم﴾

﴿در بیان خبر دادن جبرئیل علیه السلام از شهادت﴾

﴿حضرت حسین بن علی علیه السلام﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز قرشی کوفی می گوید:

محمد بن الحسین بن ابی الخطّاب از محمد بن سنان، از سعید بن یسار یا غیر او نقل کرده، وی گفت:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمود:

هنگامی که جبرئیل علیه السلام خبر شهادت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رساند آن جناب دست امیرالمؤمنین علی علیه السلام را گرفته و مقدار زیادی از روز را با هم خلوت کرده و هر دو گریستند، و از یکدیگر جدا نشدند مگر آنکه جبرئیل علیه السلام بر ایشان نازل شد و عرصه داشت:

پروردگارتان سلامتتان می رساند و می فرماید: صبر نمودن را بر شما واجب و لازم نمودم.

سپس حضرت فرمودند: هر دو صبر کرده و بی تابى نکردند.

متن:

حدّثنی محمد بن الحسن بن الولید، عن محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن سنان، عن سعید بن یسار قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول مثله.

حدّثنی أبی - رحمه الله -، عن سعد بن عبد الله، عن یعقوب بن یزید، عن محمد بن سنان، عن سعید بن یسار مثله.

ترجمه:

محمد بن حسن بن ولید، از محمد بن حسن صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن سنان، از سعید بن یسار نقل نموده که گفت:
از امام صادق علیه السلام شنیدم که مثل نقل قبلی را فرمودند:
پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله و او از یعقوب بن یزید و او از محمد بن سنان و او از سعد بن یسار نیز مثل روایت قبلی را نقل نموده.

متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ سَالِمِ بْنِ مُكْرَمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: لَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحُسَيْنِ جَاءَ جَبْرِئِيلُ عليه السلام إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ سَتَلِدُ وَلَدًا يَقْتُلُهُ أَمْتُكَ مِنْ بَعْدِكَ، فَلَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحُسَيْنِ كَرِهَتْ حَمْلَهُ، وَحِينَ وَضَعَتْهُ كَرِهَتْ وَضْعَهُ، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ رَأَيْتُمْ فِي الدُّنْيَا أُمًّا تَلِدُ غُلَامًا فَتُكْرَهُهُ؟! وَلَكِنِّي كَرِهْتُ لِأَنَّهَا عَلِمَتْ أَنَّهُ سَيُقْتَلُ، قَالَ: وَفِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِضْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از حسین بن علی الوشاء و او از احمد بن عائد و او از ابی سلمه سالم بن مکرم و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

زمانی که حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت سید الشهداء سلام الله علیه باردار شدند جبرئیل علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و عرضه داشت:

حضرت فاطمه سلام الله علیهما عتقرب فرزندى بیاورد که بعد از شما اُمّت او را می‌کشند، پس هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت سید الشهداء علیه السلام باردار شد از حملشان کراهت داشته و زمانی که حمل را وضع نمودند از وضع آن نیز کراهت داشتند، سپس امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

آیا در دنیا مادری را دیده‌اید که فرزندی بزاید و از آن کراهت داشته باشد، البته این کراهت به خاطر این بود که حضرت می‌دانستند که این مولود عتقرب گشته خواهد شد و در همین مورد آیه شریفه «وَصَبَا الْإِنْسَانُ بِوَالِدِهِ حَسَنًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرهًا وَوَضَعَتْهُ كَرهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»



متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ أَخِيهِ أَحْمَدَ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: أَتَى جَبْرَائِيلُ عليه السلام إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ لَهُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ، أَلَا أَبْشُرُكَ بِغُلَامٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ؟ فَقَالَ: لَأَحَاجَةُ لِي فِيهِ، قَالَ: فَانْتَهَضَ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ الثَّانِيَةَ، فَقَالَ لَهُ: مِثْلَ ذَلِكَ، فَقَالَ: لَأَحَاجَةُ لِي فِيهِ، فَانْعَرَجَ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ انْقَضَى إِلَيْهِ الثَّالِثَةُ فَقَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ، فَقَالَ: لَأَحَاجَةُ لِي فِيهِ، فَقَالَ: إِنَّ رَبَّكَ جَاعِلٌ الْوَصِيَّةَ فِي عَقِبِهِ، فَقَالَ: نَعَمْ، ثُمَّ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَدَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا: إِنَّ جَبْرَائِيلَ أَتَانِي فَبَشَّرَنِي بِغُلَامٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي! فَقَالَتْ: لَأَحَاجَةُ لِي فِيهِ، فَقَالَ لَهَا: إِنَّ رَبِّي جَاعِلٌ الْوَصِيَّةَ فِي عَقِبِهِ، فَقَالَتْ: نَعَمْ إِذَنْ قَالَ: فَأَنْزَلَ اللَّهُ

تعالی عند ذلك هذه الآية: «مَلَأَتْهُمُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا» لموضع إعلام جبرئیل ایاتها بقتله، «فَحَمَلَتْهُ كُرْهًا» بآنه مقتول، و «وَضَعَتْهُ كُرْهًا» لآنه مقتول.

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله و او از محمد بن حماد و او از برادرش احمد بن حماد و از محمد بن عبدالله از پدرش نقل نموده که گفت:
از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

جبرئیل علیه السلام محضر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شد و عرضه داشت:
ای محمد صلی الله علیه و آله سلام بر تو، آیا تو را به فرزندی که اُمّت بعد از تو او را می‌کشند بشارت ندهم؟

حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست.
امام صادق علیه السلام فرمودند: جبرئیل به آسمان رفت سپس برای بار دوم نازل شد و نزد حضرت آمد و به آن جناب همان گفتار اولی را عرض نمود.

حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست.
پس جبرئیل به آسمان عروج کرد و بعد برای بار سوم محضر حضرتش مشرف شد و همان گفتار را تکرار کرد.

حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست.
جبرئیل عرض کرد: پروردگارت اوصیاء را در نسل او قرار می‌دهد.
حضرت فرمودند: بسیار خوب پذیرفتم.

یا پس از آنکه جبرئیل گفتار مزبور را ایراد کرد سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایستادند و تشریف بردند تا بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شدند و فرمودند:
جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و مرا به فرزندی که پس از من اُمّت او را می‌کشند

بشارت داد.

حضرت فاطمه علیها السلام عرض کردند: من را به او نیازی نیست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: پروردگارم اوصیاء را در نسل او قرار می دهد.

حضرت فاطمه علیها السلام عرضه داشتند: بسیار خوب پذیرفتم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

در این هنگام حق تعالی این آیه را نازل کرد: حملته امه کرها و وضعته کرها (زیرا جبرئیل اعلام به کشتن آن فرزند نمود) فحملته کرها (یعنی کراهت داشت از اینکه کشته می شود) و وضعته کرها (زیرا جبرئیل خبر داد که او کشته می شود)

متن:

۴- وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدِ الزِّيَّاتِ قَالَ: حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّ جَبْرَائِيلَ نَزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيُبَشِّرُكَ بِمَوْلُودٍ يُولَدُ مِنْ فَاطِمَةَ علیها السلام تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ، فَقَالَ: يَا جَبْرَائِيلُ وَ عَلَى رَبِّي السَّلَامُ، لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ يُولَدُ مِنْ فَاطِمَةَ [تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي، قَالَ: فَعَرَجَ جَبْرَائِيلُ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ هَبَطَ فَقَالَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ، فَقَالَ: يَا جَبْرَائِيلُ وَ عَلَى رَبِّي السَّلَامُ؛ لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي، فَعَرَجَ جَبْرَائِيلُ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ هَبَطَ فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيُبَشِّرُكَ أَنَّهُ جَاعِلٌ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَالْوَلَايَةَ وَالْوَصِيَّةَ، فَقَالَ: قَدْ رَضِيتُ، ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَى فَاطِمَةَ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِمَوْلُودٍ يُولَدُ مِنْكَ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي، فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ أَنْ لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ يُولَدُ مِنِّي تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ، فَأَرْسَلَ إِلَيْهَا

أَنَّ اللَّهَ جَاعِلٌ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَالْوَلَايَةَ وَالْوَصِيَّةَ، فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهِ أَنِي قَدْ رَضِيتُ، «فَحَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِضْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي»، فُلُو أَنَّهُ قَالَ: أَصْلَحْ لِي ذُرِّيَّتِي لَكَانَتْ ذُرِّيَّتُهُ كُلُّهُمْ أُمَّةً وَلَمْ يَرْضَعْ الْحُسَيْنُ مِنْ فَاطِمَةَ وَلَا مِنْ أَنْتِ لَكِنَّهُ كَانَ يُوقَى بِهِ النَّبِيُّ فَيَضَعُ إِيَّاهُ فِي فِيهِ فَيَمِصُّ مِنْهَا مَا يَكْفِيهِ الْيَوْمَينِ وَالثَّلَاثَةِ فَنَبِتَ لَحْمُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ لَحْمِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَدَمُهُ مِنْ دَمِهِ وَلَمْ يُولَدْ مَوْلُودٌ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ إِلَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ».



« حَدِيثٌ جَاهِلِيٌّ »

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی می گویند: محمد بن الحنفیة بن الخطاب از محمد بن عمرو بن سعید زبایات نقل کرده که گفت:

شخصی از اصحاب برایم نقل نمود که امام صادق علیه السلام فرمودند:

جبرئیل علیه السلام بر رسول خدا ﷺ نازل شد پس عرض کرد:

یا محمد ﷺ خداوند سلام می رساند و بشارت می دهد شما را به فرزندی که از حضرت فاطمه علیه السلام متولد شده و اُمت پس از شما او را می کشند.

حضرت فرمودند:

ای جبرئیل به پروردگار سلام من را برسان و عرض کن احتیاجی به چنین فرزندی که از فاطمه سلام الله علیها متولد شود و بعد از من اُمت او را بکشند ندارم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

جبرئیل علیه السلام به آسمان بالا رفت و سپس به زمین فرود آمد و محضر رسول

خدا ﷻ مشرف شد و همان گفتار را تکرار کرد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

ای جبرئیل به پروردگارم سلام من را برسان و عرض کن احتیاجی به چنین فرزندی که از فاطمه سلام الله علیها متولد شود و بعد از من ائمتم او را بکشند ندارم.

پس جبرئیل ﷺ به آسمان بالا رفت و سپس به زمین فرود آمد و محضر رسول خدا ﷺ مشرف شد و عرض کرد.

ای محمد ﷺ: پروردگارت به تو سلام می‌رساند و بشارت می‌دهد که امامت و ولایت و وصایت را در نسل این مولود قرار می‌دهد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: راضی و خشنود شدم.

سپس حضرت برای فاطمه سلام الله علیها خبر فرستاد.. و اظهار نمودند که: خداوند به من بشارت داده که فرزندی از شما متولد گشته و پس از من ائمتم او را می‌کشند.

حضرت فاطمه سلام الله علیها برای پیامبر اکرم ﷺ خبر فرستاده و اظهار کردند که:

به فرزندی که ائمت بعد از شما او را بکشند نیازی ندارم.

پیامبر اکرم ﷺ خبر فرستادند که:

خداوند امامت و ولایت و وصایت را در نسل این فرزند قرار داده.

حضرت فاطمه سلام الله علیها برای رسول خدا خبر فرستادند که راضی شدم.

پس در حالی که از مقتول واقع شدن آن فرزند کراهت داشت به او باردار گردید و سپس در حالی که از اخبار جبرئیل به مقتول واقع شدن آن مولود کراهت داشت بار حمل را بر زمین نهاد و مجموع دوران حمل و شیر خواری آن طفل سی ماه بود تا آنکه به سن بلوغ و سپس به چهل سالگی رسید و به درگاه الهی

عرضه داشت:

بار خدایا من را بر نعمتی که به من و پدر و مادرم عطاء فرمودی شکر، بیامرز، و به کارشایسته‌ای که خوشنودی تو در آن است موفق نما و فرزندان من را صالح گردان.

قابل توجه آنکه: اگر جناب سیدالشهداء به جای «اصلح فی ذریتی» عبارت «اصلح لی ذریتی» را ایراد می‌کردند به طور قطع و حتم تمام ذریه آن جناب از پیشوایان می‌شدند.

لازم به تذکر است که آن حضرت نه از حضرت فاطمه سلام الله علیها شیر خوردند و نه از خانم دیگری بلکه حضرتش را نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌آوردند و آن جناب انگشت ابهامشان را در دهان او می‌گذارند و سید الشهداء علیه السلام به مقدار غذای دو و سه روزشان را از انگشت حضرت می‌مکیدند پس گوشت حضرت امام حسین علیه السلام از گوشت رسول خدا صلی الله علیه و آله و خونشان از خون حضرت تکوین یافت و هیچ مولودی در شش ماهگی متولد نگشته مگر حضرت عیسی بن مریم و حضرت امام حسین علیه السلام.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إسمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ سَعِيدِ الزِّيَّاتِ، بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

ترجمه:

پدرم رحمه الله از سعد بن عبدالله و او از اسماعیل بن عیسی و او از محمد بن عمرو بن سعید زیّات به اسنادش مثل همین خبر را نقل کرده است.

متن:

۵ - حدَّثني أبي؛ و محمد بن الحسن جميعاً، عن محمد بن الحسن الصفَّار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن ابن فضال، عن عبد الله بن بكير - عن بعض أصحابنا - عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: دَخَلْتُ فاطمة عليها السلام على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم - و عيناه تَدُمَع - فسأته: مالك؟! فقال: إِنَّ جَبْرِئِيلَ أَخْبَرَنِي أَنَّ أُمَّتِي تَقْتُلُ حُسَيْنًا، فَجَزَعْتُ وَ شَقَّ عَلَيَّهَا، فَأَخْبَرَهَا بِنِ يَمْلِكُ مِنْ وَلَدِهَا فَطَابَتْ نَفْسُهَا وَ سَكَنْتُ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن جملگی از محمد بن الحسن الصفَّار، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابن فضال، از عبد الله بن بکیر از بعضی اصحاب از حضرت ابی عبد الله عليه السلام نقل کرده که ایشان فرمودند: سَمِعْتُ حضرت فاطمه سلام الله عليها بر رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم داخل شده در حالی که چشمان آن جناب اشک بار بود.

حضرت فاطمه سلام الله عليها از آن جناب پرسیدند: شما را چه می شود؟ رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: جبرئیل عليه السلام به من خبر داده که امتم عنقریب حسین را می کشند.

پس فاطمه عليها السلام به جزع آمده و جامه خود را پاره کرده.

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم که حال را مشاهده نمودند به آن حضرت خبر دادند که یکی از فرزندان این مولود مالک امور گشته و انتقام از قاتلین خواهد گرفت.

پس از این خبر حضرت فاطمه سلام الله عليها خوشنود گشته و نفس مبارکش آرام گشت.

متن:

۶- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي عُثْمَرَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام «قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: زارنا رسول الله صلى الله عليه وآله وقد أهدت لنا أُمُّ أَيْمَنَ لَبَنًا وَزَبَدًا وَتَمْرًا، فَقَدَّمْنَا مِنْهُ، فَأَكَلَ ثُمَّ قَامَ إِلَى زَاوِيَةِ الْبَيْتِ فَصَلَّى رَكَعَاتٍ، فَلَمَّا كَانَ فِي آخِرِ سَجُودِهِ بَكَى بَكَاءً شَدِيدًا، فَلَمْ يَسْأَلْهُ أَحَدٌ مَنَا، إِجْلَالًا وَإِعْظَامًا لَهُ، فَقَامَ الْحُسَيْنُ وَقَعَدَ فِي حَجَرِهِ، فَقَالَ: يَا أَبَتَا لَقَدْ دَخَلْتَ بَيْتَنَا فَمَا سَرَرْنَا بِشَيْءٍ كُسِرَ وَرَنَا بِدُخُولِكَ، ثُمَّ بَكَيتَ بِكَاءٍ غَمَّنَا فَمَا أَبْكَاكَ؟! فَقَالَ: يَا بَنِيَّ أَنَا فِي جَبْرِئِيلَ أَنْفَأُ فَأَخْبَرَنِي أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ، وَأَنْ مِصْرَ عَمَّ شَقٌّ، فَقَالَ: يَا أَبَتَا لَمَنْ زَارَ قَبْرَ بَنِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَى تَشْتِئِبِهَا؟ فَقَالَ: يَا بَنِيَّ أَوْلَئِكَ طَوَائِفٌ مِنْ أُمَّتِي يَزُورُونَكُمْ فَيَلْتَمِسُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ، وَحَقِيقٌ عَلَيَّ أَنْ آتِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى أُخَلِّصَهُمْ مِنْ أَهْوَالِ السَّاعَةِ وَمِنْ ذُنُوبِهِمْ، وَيَسْكُنَهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد بن ولید، از سعد بن عبد الله، از محمد بن عیسی، از صفوان بن یحیی، از حسین بن ابی عثمان، از عمرو بن شمر، از جابر، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت ما آمدند و قبلاً ام ایمن برای ما شیر و سرشیر و خرما هدیه داده بود لذا به منظور پذیرائی از حضرت، آنها را مقابلش نهادیم، حضرت میل فرموده سپس ایستادند و به گوشه‌ای از خانه تشریف برده و چند

رکعت نماز خواندند و در آخرین سجده به شدت گریستند و احدی از ما به منظور اجلال و تعظیم از آن وجود مبارک سؤال نکرد که سبب گریستن شما چیست ولی حضرت حسین علیه السلام ایستاد و سپس در دامن رسول خدا نشست عرض نمود:

ای پدر به منزل ما وارد شدی و هیچ چیز ما را این مقدار مسرور ننمود سپس گریستی بطوری که ما را مغموم و محزون کردی، سبب گریستن شما چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پسر من اکنون جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و به من خبر داد که شما را می‌کشند و قبور شما متفرق و پراکنده است.

حضرت سید الشهداء سلام الله علیه عرض کرد: ای پدر چه ثوابی است برای کسی که این قبور متفرق و پراکنده را زیارت کند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: پسر من زائرین شما گروهی از امت من بوده که درخواستشان از زیارت شما حصول برکت می‌باشد و سزاوار است که من روز قیامت به نزدشان رفته و آنها را از هول و وحشت قیامت رهانیده و از گناهانی که کرده‌اند خلاصشان بنمایم و سپس حق تعالی آنها را در بهشت جای می‌دهد.

متن:

۷ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ مَا جِيلَوِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْقُرَشِيِّ، عَنْ عُبَيْدِ بْنِ يَحْيَى الثَّوْرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام «قَالَ: زَارَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ذَاتَ يَوْمٍ فَقَدَّمْنَا إِلَيْهِ طَعَامًا وَأَهْدَتْ إِلَيْنَا أُمُّ أَيْمَنَ صَخْفَةً مِنْ تَمْرٍ وَقَعْبًا مِنْ لَبَنٍ وَزَبَدٌ، فَقَدَّمْنَا إِلَيْهِ فَأَكَلَ مِنْهُ فَلَمَّا فَرَغَ قَتُّوْا وَسَكَبَتْ عَلَى يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله

ماء، فلما غسل يديه مسح وجهه و لحيته ببلة يديه، ثم قام إلى مسجد في جانب البيت و صلى و خرَّ ساجداً فبكى و أطل البكاء، ثم رفع رأسه، فاجترأ من أهل البيت أحد يسأله عن شيء، فقام الحسين يدرج حتى صعد على فخذ رسول الله صلى الله عليه وآله فأخذ برأسه إلى صدره، و وضع ذقنه على رأس رسول الله صلى الله عليه وآله، ثم قال: يا أبة ما يُبكيك؟ فقال: يا بني إني نظرت إليكم اليوم فسررت بكم سروراً لم أسر بكم قبله مثله، فهبط إلي جبرئيل فأخبرني أنكم قتل؛ و أن مصارعكم شقي، فحمدت الله على ذلك و سألت لكم الخيرة، فقال له: يا أبة فمن يزور قبورنا و يتعاهدها على تشبثها؟ قال: طوائف من أمتي يريدون بذلك برئ و صلتى أتعاهدهم في الموقف، و أخذ بأعضادهم فأنجيهم من أهواله و شدائده.

منقول من مستدرک الوسائل
حدیث هفتم

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد بن وليد می گوید:

محمد بن ابی القاسم ماجیلویه، از محمد بن علی القرشی، از عیید بن یحیی ثوری، از محمد بن حسین بن علی بن الحسن از پدر بزرگوارشان، از جدشان، از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

رسول خدا صلى الله عليه وآله روزی به زیارت ما آمدند پس طعامی نزد آن جناب نهادیم و کاسه خرما و ظرف شیر و سرشیری که ام ایمن برای ما هدیه آورده بود را نیز در مقابل حضرت نهادیم، آن جناب تناول فرموده و پس از فراغت ایشان از طعام ایستادم و آب روی دو دست مبارک ایشان ریخته و پس از آنکه حضرت دو دست خویش را شستند، دست های مرطوبی خود را به صورت و محاسن شریف کشیده سپس ایستادند و به مسجدی که در یک طرف خانه بود تشریف

برده و نماز گذارده و در آخر به سجده رفته پس در آن گریه طولانی نموده سپس سر از آن برداشتند و از ما اهل بیت احدی جرأت نکرد سبب گریه آن حضرت را بپرسد، پس حضرت امام حسین علیه السلام ایستاده و آهسته آهسته جلو رفت تا خود را به آن جناب رساند و از حضرتش بالا رفت تا به روی رانهای حضرت قرار گرفت پس سر به سینه رسول خدا صلی الله علیه و آله، چانه را روی سر آن جناب نهاد سپس عرضه داشت:

ای پدر چرا گریستی؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: امروز به شما نگریستم بسیار مسرور و خوشحال شدم به طوری که پیش از آن چنین سرور و نشاطی در من پیدا نشده بود، پس جبرئیل بر من نازل شد و خبر داد که شما کشته خواهید شد و قبورتان پراکنده خواهد بود پس خدا را حمد و ستایش کرده و از خدا خیر شما را درخواست نمودم.

حضرت سید الشهداء علیه السلام عرض کرد: ای پدر چه کسی قبور ما را زیارت می‌کند و با اینکه از هم جدا و متفرقند به سر آنها خواهد آمد؟
حضرت فرمودند: جماعتی از ائمتّم، و قصدشان از زیارت این قبور احسان به من می‌باشد و من نیز در قیامت به نزدشان حاضر شده و بازوهایشان را گرفته و آنها را از هول و وحشت و گرفتاری آن روز می‌رهانم.

﴿الباب السابع عشر﴾

﴿قول جبرئیل لرسول الله ﷺ﴾

﴿إِنَّ الْحُسَيْنَ تَقْتُلُهُ أَمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ، وَ أَرَاهُ التُّرْبَةَ الَّتِي يَقْتُلُ عَلَيْهَا﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى - قَالَ: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنْ يَحْيَى الْحُلَبِيِّ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: «قَالَ: إِنَّ جَبْرَائِيلَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ - وَالْحُسَيْنَ يَلْعَبُ بَيْنَ يَدَيْهِ - فَأَخْبَرَهُ أَنَّ أُمَّتَهُ سَتَقْتُلُهُ، قَالَ: فَجَزَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: أَلَا أُرِيكَ التُّرْبَةَ الَّتِي يَقْتُلُ فِيهَا؟ قَالَ: فَخَسَفَ مَا بَيْنَ مَجْلِسِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي قَتَلَ فِيهِ الْحُسَيْنَ ع [حَتَّى التَقَتِ الْقِطْعَتَانِ، فَأَخَذَ مِنْهَا وَدَحِيَّتَ فِي أَسْرَعٍ مِنْ طَرْفَةِ عَيْنٍ، فَخَرَجَ وَهُوَ يَقُولُ: طُوبَى لَكَ مِنْ تَرْبَةٍ، وَ طُوبَى لِمَنْ يَقْتُلُ حَوْلَكَ، قَالَ: وَكَذَلِكَ صَنَعَ صَاحِبُ سَلْيَانَ تَكَلَّمَ بِاسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ فَخَسَفَ مَا بَيْنَ سَرِيرِ سَلْيَانَ وَبَيْنَ الْعَرْشِ مِنْ سُهولةِ الْأَرْضِ وَحَزُونَتِهَا حَتَّى التَقَتِ الْقِطْعَتَانِ فَاجْتَرَّ الْعَرْشَ، قَالَ سَلْيَانُ: يَخْتَلِ إِلَى أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ تَحْتِ سَرِيرِي، قَالَ: وَدَحِيَّتَ فِي أَسْرَعٍ مِنْ طَرْفَةِ الْعَيْنِ ».

﴿ باب هفدهم ﴾

﴿ سخن جبرئیل با رسول خدا ﷺ و اینکه اقامت بعد از شما حسین را می‌کنند و نشان دادن سرزمینی را که امام مظلوم ﷺ در آن کشته می‌شود به رسول خدا ﷺ ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه می‌گوید:

سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از نصر بن سويد، از یحیی حلی، از هارون بن خارجه، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله ﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمودند جبرئیل ﷺ نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد در حالی که امام حسین ﷺ در مقابل آن حضرت بازی می‌کرد پس به رسول خدا ﷺ خبر داد که عنقریب امت شما حسین را خواهند کشتند.

امام صادق ﷺ می‌فرمایند:

پیامبر اکرم ﷺ از این خبر به جزع و ناله آمدند.

جبرئیل ﷺ محضر مبارکش عرضه داشت:

مایل هستی سرزمینی که حسین ﷺ در آن کشته می‌شود به شما نشان دهم؟

امام صادق ﷺ می‌فرماید:

در این هنگام فاصله بین مکان رسول خدا ﷺ و جانی که حضرت سید الشهداء ﷺ در آن کشته شدند فرو رفته بطوری که دو مکان مزبور با هم ملاقات کرده سپس حضرت مقداری از تربت و خاک آن مکان را برداشتند و سریع تر از چشم به هم زدن زمین گسترده شد پس جناب رسول خدا ﷺ از آن مکان خارج شده در حالی که می‌فرمودند:

خوشا به تو از خاکی که داری، خوشا به حال کسی که در اطراف و حوالی تو

کشته می‌شود.

امام صادق ﷺ می‌فرمایند:

صاحب و وزیر سلیمان نیز چنین کرد یعنی به کمک اسم اعظم باری تعالی در زمین خسف پدید آورد و بین تخت سلیمان ﷺ و عرش فرو رفت و تمام پستی و بلندی‌های آن پائین رفت به طوری که این دو قطع از زمین (جای تخت و عرش) با هم ملاقی شدند پس عرش چنان کشیده شد که تصور نمودم از زیر تخت من خارج گشت.

امام صادق ﷺ می‌فرمایند:

سریع‌تر از چشم به هم زدن زمین گسترده شد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۲- و حدَّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله عن محمد بن عبد الحمید العطار، عن اَبی جمیلة المفضل بن صالح، عن اَبی أسامة زید الشحام، عن اَبی عبدالله علیه السلام «قال: نعی جبرئیل علیه السلام الحسین الی رسول الله صلی الله علیه و آله فی بیت أم سلمة، فدخل علیه الحسین علیه السلام - و جبرئیل عنده - فقال: انّ هذا تقتله أمتک، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: أرنی من التربة الّتی یسفک فیها دمه، فتناول جبرئیل علیه السلام قبضة من تلك التربة فإذا هی تربة حمراء».

« حدیث دوم »

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه از سعد بن عبدالله، از محمد بن عبد الحمید عطار، از اَبی جمیلة مفضل بن صالح، از اَبی اسامه زید شحام، از حضرت اَبی عبدالله علیه السلام نقل نموده که حضرت فرمودند:

جبرئیل علیه السلام در خانه ام سلمه خبر شهادت حضرت امام حسین علیه السلام را به رسول خدا صلی الله علیه و آله داد و شرح آن چنین است:

حضرت امام حسین علیه السلام در خانه ام سلمه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شد در حالی که جبرئیل علیه السلام در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، جبرئیل عرضه داشت: اَمّت شما این (امام حسین علیه السلام) را خواهند کشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

از آن خاکی که خون او در آن می ریزد مقداری را به من نشان بده.
جبرئیل علیه السلام یک مشت از آن را برداشت و وقتی به آن حضرت خواست نشان دهد خاک قرمز گردید.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى - عَنْ سَعْدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ؛ وَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ مِثْلَهُ وَ زَادَ فِيهِ: «فَلَمْ تَزَلْ عِنْدَ أُمِّ سَلَمَةَ حَتَّى مَاتَتْ - رَحِمَهَا اللَّهُ -».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه از سعد از علی بن اسماعیل بن عیسی و محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و ابراهیم بن هاشم، از عثمان بن عیسی، از سماعة بن مهران، از مولانا ابی عبد الله ﷺ حدیثی مثل حدیث گذشته را نقل کرده منتهی در آن این فقره را افزوده:

این تربت پیوسته نزد ام سلمه بود تا از دنیا رفت رحمه الله عليها.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ الْخَزَّازِ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ، «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ وَعِنْدَهُ جِبْرِئِيلُ ﷺ، فَدَخَلَ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ ﷺ، فَقَالَ لَهُ جِبْرِئِيلُ: إِنَّ أَمَّتَكَ تَقْتُلُ ابْنَكَ هَذَا، أَلَا أُرِيكَ مِنْ تَرَابِ الْأَرْضِ الَّتِي يَقْتُلُ فِيهَا؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: نَعَمْ، فَأَهْرَى جِبْرِئِيلُ ﷺ بِيَدِهِ وَ قَبَضَ قَبْضَةً مِنْهَا فَأَرَاهَا النَّبِيُّ ﷺ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه از سعد بن عبدالله و او از محمد بن ولید خزازی و او از حماد بن عثمان و او از عبدالملک بن اعین نقل کرده که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه ام سلمه بودند و جبرئیل علیه السلام در محضر آن حضرت حضور داشت پس حضرت حسین علیه السلام داخل شد، جبرئیل علیه السلام عرضه داشت: اَمْتُ شما فرزندان حسین را خواهند کشت، آیا از خاک زمینی که او را روی آن می کشند به شما مقداری را نشان بدهم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بلی.

پس جبرئیل دستش را دراز نمود و مشتی از آن خاک را برداشت و سپس به رسول خدا صلی الله علیه و آله نشان داد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

مثن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ الرَّزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: سمعته يقول: بيننا الحسين بن علي عليه السلام عند رسول الله صلی الله علیه و آله اذ أتاه جبرئيل عليه السلام فقال: يا محمد أتحبّه؟ قال: نعم، فقال: اما انّ اَمْتُك ستقتله، قال: فحزن رسول الله صلی الله علیه و آله حزناً شديداً، فقال له جبرئيل: يا رسول الله أتريد ان أريك التربة التي يقتل فيها؟ فقال: نعم، فخسف ما بين مجلس رسول الله صلی الله علیه و آله الى كربلاء حتى التقت القطعتان هكذا - ثم جمع بين السبابتين - ثم تناول بجناحه من التربة وناولها رسول الله صلی الله علیه و آله ثم رجعت أسرع من طرفة عين.

فقال رسول الله ﷺ: طوبى لك من تربة، و طوبى لمن يقتل فيك».

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن جعفر قریشی رزّاز از محمد بن حسین، از محمد بن سنان، از هارون بن خارجه، از ابی بصیر، از حضرت ابی‌عبدالله ﷺ نقل کرده، وی می‌گوید:

شنیدم از حضرت امام صادق ﷺ که می‌فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین بن علی ﷺ نزد رسول خدا ﷺ بودند جبرئیل بر رسول خدا ﷺ داخل گشت و عرضه داشت:

ای محمد ﷺ آیا وی را دوست می‌داری.

حضرت فرمودند: بلی.

عرض کرد: این حتمی است که اَمّت شما عنقریب او را خواهند کشت.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

امام صادق ﷺ فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله شدیداً محزون و غمگین شدند.

پس جبرئیل ﷺ عرضه داشت: یا رسول الله ﷺ آیا می‌خواهی تربت

و خاکی که وی روی آن کشته می‌شود را ببینی؟

حضرت فرمودند: بلی.

پس فاصله بین مجلس رسول خدا ﷺ و کربلا فرو رفت به طوری که این

قطعه با هم متصل شد به این نحو (سپس امام صادق ﷺ برای تصویر کردن

اتصال دو قطعه زمین دو انگشت سیبایه دست‌ها را به هم متصل فرمودند).

پس از آن جبرئیل با بالش مقداری از تربت کربلا را برداشت و رسول خدا

ﷺ آن را از وی گرفتند سپس جبرئیل به کمتر از چشم به هم زدن برگشت.

و بعد از آن رسول خدا ﷺ فرمودند:

چه خوش تربتی هستی و چه خوش کسی است که در تو کشته می‌شود.

متن:

۶- حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد ابن عیسی، عن الحسن بن علی الوشاء، عن احمد بن عائد، عن اَبی خدیجة سالم بن مکرم الجمال، عن اَبی عبد الله علیه السلام «قال: لَمَّا وَلَدَتْ فَاطِمَةُ الْحُسَيْنِ علیه السلام جاء جبرئیل الی رسول الله صلی الله علیه و آله فقال له: اِنَّ اَمَّتْكَ تَقْتُلُ الْحُسَيْنِ علیه السلام مِنْ بَعْدِكَ ثُمَّ قَالَ الْاُورِیْكَ مِنْ تَرْبَتِهِ فَضَرْبُ بَجْنَاهُ فَاُخْرِجَ مِنْ تَرْبَةِ کَرْبَلَاءَ وَ اَرَاهَا اِیَّاهُ ثُمَّ قَالَ هَذِهِ التَّرْبَةُ الَّتِی یَقْتُلُ عَلَیْهَا».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد الله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از حسن بن علی و شاء و او از احمد بن عائد و او از اَبی خدیجة بن مکرم جمال و او از حضرت اَبی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

زمانی که حضرت حسین علیه السلام از فاطمه سلام الله علیها متولد شد جبرئیل علیه السلام محضر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شد و عرض کرد:

اَمَّتْ شَما حسین علیه السلام را بعد از شما می کشند سپس اظهار داشت:

آیا تربت او را به شما نشان دهم؟!

پس بال زد و مقداری از خاک کربلا را برداشت و آن را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نشان داده سپس گفت:

این تربتی است که حسین علیه السلام روی آن کشته می شود.

متن:

۷- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّعْفَرَانِي، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو الْأَسْلَمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَنِيَسَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ «قَالَ: الْمَلِكُ الَّذِي جَاءَ إِلَى مُحَمَّدٍ ﷺ يُخْبِرُهُ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ ﷺ كَانَ جَبْرِئِيلُ ﷺ الرُّوحَ الْأَمِينِ مَنشُورَ الْأَجْنَحَةِ بَاكِئاً صَارِخاً قَدْ حَمَلَ مِنْ تَرَبَةِ الْحُسَيْنِ ﷺ وَهِيَ تَفُوحُ كَالْمَسْكِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَتَفْلِحُ أُمَّةٌ تَقْتُلُ فَرْخِي أَوْ قَالَ فَرْخَ ابْنَتِي فَقَالَ جَبْرِئِيلُ يَضْرِبُهَا اللَّهُ بِالْأَخْتِلَافِ فَتَخْتَلِفُ قُلُوبُهُمْ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم از حسین بن علی زعفرانی نقل نمود که وی گفت: محمد بن عمرو اسلمی برایم نقل کرده که عمرو بن عبدالله بن عنیسه، از محمد بن عبدالله بن عمرو، از ابی، از ابن عباس «قال: الملك الذي جاء إلى محمد ﷺ يخبره بقتل الحسين ﷺ كان جبرئيل ﷺ الروح الأمين منشور الأجنحة باكياً صارخاً قد حمل من تربة الحسين ﷺ وهي تفوح كالمسك فقال رسول الله ﷺ وتفلح أمة تقتل فرخي أو قال فرخ ابنتي فقال جبرئيل يضربها الله بالأختلاف فتختلف قلوبهم».

فرمودند:

آیا امتی که جوجه من را می کشند رستگار خواهند شد؟

یا فرمودند:

آیا امتی که جوجه دختر من را می کشند رستگار می گردند؟

جبرئیل عرض کرد:

خداوند متعال آنها را از هم پراکنده نموده و سپس دل هایشان نیز با هم نبوده و همواره بینشان اختلاف می باشد.

متن:

۸- حدیثی الناقد ابوالحسین احمد بن عبدالله بن علی، قال: حدّثنی جعفر بن سلیمان، عن ابيه، عن عبدالرحمن الغنوی، عن سلیمان، «قال: و هل بقى فی السموات ملک لم یزل الی رسول الله ﷺ یعزّیه بسولده الحسین ﷺ و یخبره بشواب الله اياته و یحمل الیه تربته مصروعاً علیها مذبوحاً مقتولاً جریحاً طریحاً مخذولاً فقال رسول الله ﷺ اللهم اخذل من خذله و اقتل من قتله و اذبح من ذبحه و لا تمسّعه بما طلب قال عبدالرحمن فوالله لقد عوجل الملعون یزید و لم یتمتّع بعد قتله بما طلب قال عبدالرحمن: فوالله لقد عوجل الملعون یزید، و لم یتمتّع بعد قتله بما طلب و لقد أخذ، بات سکراناً و اصبح میتاً متغیراً، کانه مطلى بقار، اخذ علی اسف و ما بقی احد ممن تابعه علی قتله او کان فی محاربتة الا اصابه جنون او جذام او برص و صار ذلک وارثه فی نسلهم لعنهم الله».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

ناقد ابوالحسین احمد بن عبدالله بن علی می گوید:

جعفر بن سلیمان، از پدرش و او از عبدالرحمن غنوی و او از سلیمان نقل کرده که وی گفت:

آیا در آسمان ها فرشته ای ماند که به رسول خدا ﷺ نازل نشود و به آن جناب راجع به شهادت فرزندش حضرت امام حسین ﷺ تسلیت نگوید و از ثواب دادن حق تعالی به او وی را با خبر نکند و از تربت آن شهید در حالی که آن جناب به روی آن پا سر بریده و کشته شده و با یدنی پر از جراحت و بدون یار و یاور

افتاده به نزد رسول خدا حمل ننماید؟

رسول خدا ﷺ فرمودند:

بار خدا یا کسانی که او را یاری نکردند یاری مکن و آنانکه او را کشتند بکش و آنها که او را سر بریدند سرشان را ببر و از آنچه طالب هستند بهره‌مند مساز. عبدالرحمن می‌گوید:

به خدا قسم یزید ملعون مهلت نیافت و پس از کشتن آن جناب آنچه را که طالب بود نیافت و از آن بهره‌مند نشد، شب با حالتی مست و خارج از حال طبیعی خوابید و صبح کرد در حالی که مرده‌ای بود متغیر گویا او را فیر اندود کرده‌اند، با حالتی غمگین و حسرت و حزن مرد و احدی از آنانکه در کشتن سید الشهداء سلام الله علیه از او تبعیت کرده یا در محاربه و جنگ با آن سرور مقابل شدند باقی نماندند مگر آنکه یا مبتلا به دیوانگی و یا جذام و یا برص گردیدند و این امراض در نسل ایشان به ارث باقی ماند خداوند همه آنها را لعن و از رحمت واسعه‌اش دور نماید.

متن:

۹- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ، «قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَصْبَحَ صَبَاحاً فَرَأَتْهُ فَاطِمَةُ بَاكِئاً حَزِيناً، فَقَالَتْ: مَا لَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَأَبَى أَنْ يُخْبَرَهَا، فَقَالَتْ: لَا أَكُلُ وَلَا أَشْرِبُ حَتَّى تُخْبِرَنِي، فَقَالَ: إِنَّ جِبْرِئِيلَ ﷺ أَتَانِي بِالْتَّوْبَةِ الَّتِي يَقْتُلُ عَلَيْهَا غُلَامٌ لَمْ يَحْمِلْ بِهِ بَعْدَ وَ لَمْ تَكُنْ تَحْمِلُ بِالْحُسَيْنِ ﷺ وَ هَذِهِ تَرْبَتُهُ».

حَدَّثَنِي عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ هَلَالٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ

عمیره الأسلمی، قال: حدّثنی عمرو بن عبد اللّٰه بن عنبسه، عن محمّد بن عبد اللّٰه بن عمر؛ عن ابيه، عن ابن عبّاس - و ذکر الحديث مثل حديث أبي عبد اللّٰه الزعفرانی سواء. و حدّثنی عُبَید اللّٰه بن الفضل قال: حدّثنی جعفر بن سلیمان، عن ابيه، عن عبد الرحمن الغنوی، عن سلیمان - و ذکر مثل حديث أبي الحسين الناقد سوءاً.

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد، از احمد بن محمد بن ابی نصر، از عبد الكريم بن عمرو، از معلى بن خنيس نقل کرده که وی گفت:

در صبح روزی حضرت فاطمه علیها السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را گریان و محزون دیده پس عرضه داشت: ای رسول خدا شما را چه می شود؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خبر دادن به ایشان امتناع نمودند. حضرت فاطمه علیها السلام عرض کرد: نه غذا خورده و نه آب می آشامم تا به من خبر دهید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل خاکی را برایم آورده که بر روی آن جوانی که هنوز مادرش به او باردار نشده کشته خواهد شد و این همان تربت و خاک است (این واقعه زمانی بود که هنوز حضرت فاطمه علیها السلام به حسین علیه السلام باردار نشده بودند).

عبدالله بن فضل بن محمد بن هلال می گوید:

محمّد بن عمیره اسلمی برایم نقل نمود، وی گفت: عمرو بن عبد اللّٰه بن عنبسه، از محمّد بن عبد اللّٰه بن عمرو، از پدرش و او از ابن عبّاس نقل کرده که وی حدیث را نظیر حدیث ابی عبد اللّٰه زعفرانی (حدیث هفتم همین باب) نقل

نموده:

و عبیدالله بن فضل برایم نقل نمود، وی گفت: جعفر بن سلیمان، از پدرش، از عبدالرحمن غنوی، از سلیمان نقل کرد که وی حدیث را نظیر حدیث ابی الحسین النافذ (حدیث هشتم) حکایت نمود.

﴿الباب الثامن عشر﴾

﴿ما نزل من القرآن بقتل الحسين ﷺ و انتقام الله عزوجل﴾

﴿و لو بعد جین﴾

متن:

۱ - حدَّثني محمد بن جعفر القرشي الرزاز، قال: حدَّثني محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن موسى بن سعدان الحنّاط، عن عبد الله بن قاسم الحضرمي، عن صالح بن سهل، عن أبي عبد الله ﷺ في قول الله عزوجل: «و قضينا الى بني اسرائيل في الكتاب تُفسدون في الأرض مرتين» قال قتل امير المؤمنين ﷺ و طعن الحسن بن علي ﷺ «و لتعلن علواً كبيراً» قتل الحسين بن علي ﷺ «فاذا جاء وعد اوليها» قال: اذا جاء نصر الحسين ﷺ «بعثنا عليكم عبداً لنا اولى بأس شديد فجاسوا خلال الديار» قوماً يبعثهم الله قبل القائم ﷺ، لا يدعون وتراً لآل محمد الا احرقوه، «وكان وعداً مفعولاً».

﴿ باب هیجدهم ﴾

﴿ آیاتی که در باره شهادت حضرت امام حسین علیه السلام نازل شده ﴾

﴿ و بیان انتقام حق تعالی از قاتلین اگرچه در زمانی ﴾

﴿ بس متأخر باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزّاز می گوید:

محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدان حنّاط، از عبدالله بن

قاسم حضرمی، از صالح بن سهل از ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن حضرت در

ذیل آیه شریفه:

و قضینا الی بنی اسرائیل فی الکتاب لتفسدن فی الارض مرّتين،

فرمودند:

مقصود از مرّتين یکی قتل و شهید نمودن امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و دیگریطعن و زخم زبان هائی بود که به حسن بن علی علیه السلام زده شد.و مراد از «لتعلن علواً کبیراً» شهادت حسین بن علی علیه السلام است.

و منظور از «فاذا جاء وعد اولیها» اینست که وقتی فرا رسید زمان خون

خواهی حضرت امام حسین علیه السلام و باری کردن آن جناب.

و تفسیر «بعثنا علیکم عبداً لنا اولی بأس شدید فجاسوا خلال

الدّیار» اینست که:

خداوند متعال قبل از قیام قائم علیه السلام گروهی را بر انگیزد که آنها احدی را بر آلمحمد صلی الله علیه و آله و ا نگذارند مگر آنکه او را آتش می زنند و این وعده خدا حتماً

بوقوع می پیوندد.

متن:

۲- و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بصيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: تَلَاهُذِهِ الْآيَةُ: «أَنَا لِنَنْصُرَ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، قَالَ: الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام مِنْهُمْ وَ لَمْ يَنْصُرْ بَعْدَ، ثُمَّ قَالَ: وَ اللَّهُ لَقَدْ قَتَلَ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ لَمْ يَطْلُبْ بِدَمِهِ بَعْدَ».

ترجمه:

« حدیث دوم »

پدرم رحمه الله عليه از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن سنان، از علی بن ابی حمزه، از ابی بصیر، از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل نموده که آن حضرت آیه: «أَنَا لِنَنْصُرَ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» را تلاوت نموده سپس فرمودند:

حضرت حسین بن علی عليه السلام از جمله این دسته بود و مورد کمک و نصرت قرار نگرفت پس از آن فرمود:
به خدا سوگند کشتندگان حسین بن علی عليه السلام جملگی کشته شدند در حالی که کسی خون آن حضرت را از ایشان طلب نکرد.

متن:

۳- و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، وَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ - عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ -

عن أبي عبد الله عليه السلام «في قول الله عز وجل: «وإذا الموودة سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»، قال: نزلت في الحسين بن علي عليه السلام».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید و ابراهیم بن هاشم، از محمد بن ابی عمیر، از برخی رجالش از حضرت ابی عبدالله عليه السلام در ذیل فرموده خداوند عزوجل:

وإذا الموودة سُئِلَتْ، بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ.

فرمودند:

این آیه در شأن حسین بن علی عليه السلام نازل شده.



متن:

۴ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عِيسَى، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ حَكَمِ الْحَنَاطِ، عَنْ ضَرِيرِيسَ، عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَابَلِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «أَذْنُ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا» إِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»، قَالَ: عَلِيُّ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ عليهم السلام».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عباس بن معروف، از صفوان بن یحیی، از حکم حنّاط، از ضریس، از ابی خالد کابلی، از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل نموده که گفت:

از آن جناب شنیدم که در ذیل فرموده حق عزوجل:
 اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير.
 فرمودند:
 ایشان علی و حسن و حسین علیهم السلام می باشند.

متن:

۵ - و حدَّثني محمد بن الحسن بن احمد، عن محمد بن الحسن الصَّفَّار، عن العباس بن معروف، عن محمد بن سنان - عن رجل - «قال: سألت عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولِيّه سلطاناً فلا يسرف في القتل انه كان منصوراً»، قال: ذلك قائم آل محمد يخرج فيقتل بدم الحسين عليه السلام فلو قتل اهل الأرض لم يكن مسرفاً، وقوله: «فلا يسرف في القتل» لم يكن ليصنع شيئاً يكون سرفاً، ثم قال ابو عبد الله عليه السلام: يقتل والله ذراري قتلة الحسين عليه السلام بفعال آياتها».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد، از محمد بن الحسن الصَّفَّار، از عباس بن معروف، از محمد بن سنان، از شخصی نقل نموده که وی گفت:
 از حضرت ابی عبد الله عليه السلام از تفسیر آیه شریفه:
 و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولِيّه سلطاناً فلا يسرف في القتل انه كان منصوراً.

پرسیدم، حضرت فرمودند:

مقصود از «ولی» قائم آل محمد علیه السلام بوده که خروج نموده پس به خون خواهی حضرت سیدالشهداء علیه السلام شروع به کشتن می نماید بطوری که اگر اهل زمین را بکشد اسراف نکرده است.

و در ذیل این فقره از آیه «فلا یسرف فی القتل» می فرماید:

حضرت قائم علیه السلام اقدام به چیزی که اسراف محسوب شود نمی کنند.

پس امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم حضرت قائم علیه السلام اعقاب کشتندگان سید الشهداء علیه السلام را بواسطه عمل آباء و اجدادشان را خواهد کشت.

متن:

۶- حدیثی محمد بن جعفر الرزّاز، عن محمد بن الحسین، عن عثمان ابن عیسی، عن سماعة بن مهران، عن ابي عبد الله علیه السلام «فی قوله تبارک و تعالی: «لأعدوان الآ علی الظالمین»، قال: اولاد قتلة الحسین علیه السلام».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن الحسین، از عثمان بن عیسی، از سماعة بن مهران، از حضرت ابي عبد الله علیه السلام در ذیل فرموده حق تبارک و تعالی: لأعدوان الآ علی الظالمین.

فرمودند:

مقصود از «ظالمین» فرزندان کشتندگان امام حسین علیه السلام می باشد.

متن:

حدیثی ابي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن ابراهيم بن هاشم و محمد بن الحسین، عن عثمان بن عیسی، عن سماعة بن مهران مثله.

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از ابراهيم بن هاشم و محمد بن الحسين، از عثمان بن عيسى از سماعة بن مهران مثل حديث قبل را نقل نموده.

متن:

۷- حدثني محمد بن جعفر الكوفي الرزاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن موسى بن سعدان، عن عبدالله بن القاسم الحضرمي، عن صالح بن سهل، عن أبي عبدالله عليه السلام «في قول الله تبارك و تعالى: «و قضينا الى بني اسرائيل في الكتاب لتفسدن في الأرض مرتين»، قال: قتل علي و طعن الحسن «و لتعلن علواً كبيراً» قال: قتل الحسين عليه السلام».



در حدیث هفتم

ترجمه:

محمد بن جعفر کوفی رزاز، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدان، از عبدالله بن القاسم الحضرمی از صالح بن سهل، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام در ذیل فرموده حق تبارک و تعالی: و قضینا الی بنی اسرائیل فی الکتاب لتفسدن فی الارض مرتین.

نقل نموده که آن جناب فرمودند:

مقصود از «مرتین» یکی کشتن حضرت علی علیه السلام بوده و دیگری زخم زبان زدن به امام حسن علیه السلام می باشد.

و مراد از «و لتعلن علواً كبيراً» کشتن حضرت امام حسین علیه السلام می باشد.

﴿الباب التاسع عشر﴾

﴿علم الانبياء بقتل الحسين بن علي﴾

متن:

۱- حدّثني أبي - رحمه الله - قال: حدّثني سعد بن عبد الله بن أبي خلف، عن احمد بن محمد بن عيسى، و محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، ويعقوب بن يزيد جميعاً، عن محمد بن سنان، - عمّن ذكره - عن أبي عبد الله عليه السلام: «قال: إنّ اسماعيل الذي قال الله تعالى في كتابه «واذكر في الكتاب اسماعيل أنّه كان صادق الوعد وكان رسولاً نبياً» لم يكن اسماعيل بن ابراهيم عليه السلام، بل كان نبياً من الأنبياء؛ بعثه الله الى قومه فاخذوه فسلخوا فروة رأسه و وجهه فاتاه ملك عن الله تبارك و تعالى فقال: إنّ الله بعثني اليك فرني بما شئت، فقال: لي اسوة بما يصنع بالحسين».

﴿باب نوزدهم﴾

﴿آگاه بودن انبياء از شهادت﴾

﴿حضرت حسين بن علي﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمہ:

پدرم رحمة الله عليه فرمود:

سعد بن عبد الله بن ابی خلف از احمد بن محمد بن عيسى و محمد بن حسين بن ابی الخطاب و يعقوب بن يزيد، جملگی از محمد بن سنان، از کسی که یادش

نموده از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

اسماعیلی که حق تعالی در کتاب عزیزش در باره او فرموده:

و اذ کرفی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولاً.

اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام نبوده بلکه مقصود از وی پیامبری از پیامبران عظام بوده که حق تعالی وی را به طرف قومش مبعوث داشت قومش او را گرفته و پوست سر و صورتش را کردند پس فرشته‌ای از جانب حق تبارک و تعالی نزدش آمد، عرضه داشت:

خداوند متعال من را به سوی تو فرستاده و امر کرده که به تو عرض کنم هرچه می‌خواهی از او بخواه.

او فرمود:

من خواستارم که آنچه به حضرت حسین علیه السلام از بلا و محنت می‌رسد پیرو آن حضرت بوده و به من نیز آنها متوجه گردد.

مرکزیت کلامی و فقهی

متن:

۲- و حدَّثنی أبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی؛ و ابن ابی الخطاب؛ و ابن یزید، عنهما جميعاً عن محمد ابن سنان، عن عمار بن مروان، عن ساعدة بن مهران، عن أبی عبدالله علیه السلام «قال: إنه کان لله رسولاً نبیاً تسلط علیه قومه، فقشروا جلدة وجهه وفروة رأسه، فأتاه رسول من رب العالمین، فقال له: ربک یقرؤک السلام و یقول: «قد رأیت ما أصنع بک» و قد أمرنی بطاعتک، فرفنی بما شئت، فقال: یكون لی بالحسین اسوة».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمہ:

پدرم رحمۃ اللہ علیہ از سعد بن عبداللہ، از احمد بن محمد بن عیسیٰ و ابن ابی الخطاب و ابن یزید، جملگی از محمد بن سنان، از عمار بن مروان، از سماعة بن مهران از حضرت ابی عبداللہ ؑ نقل کرده کہ آن جناب فرمودند:

خداوند متعال رسول و پیامبری داشت کہ قومش بر او مسلط شدہ و پوست صورت و سر او را کنندند رسولی از رسولان پروردگار عالمیان نزد او آمد و گفت: پروردگارت بہ تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:

آنچه بہ تو وارد شد را دیدم و بہ من امر فرمود کہ تو را اطاعت نمایم حال آنچه می‌خواهی بہ من بفرما.

وی فرمود: من خواستارم کہ آنچه بہ حضرت حسین ؑ از بلا و محنت رسید پیرو آن حضرت باشم.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

متن:

۳- حدَّثني محمد بن جعفر الرِّزَّاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب؛ و احمد بن الحسن بن علي، عن أبيه، عن مروان بن مسلم، عن يزيد بن معاوية العجلي، «قال: قلت لأبي عبد الله ؑ: يا بن رسول الله أخبرني عن اسماعيل الذي ذكره الله في كتابه حيث يقول: «أذكر في الكتاب اسماعيل أنه كان صادق الوعد و كان رسولاً نبياً»؛ أكان اسماعيل بن إبراهيم ؑ؟ فإنَّ النَّاس يزعمون أنه اسماعيل بن إبراهيم، فقال ؑ: أنَّ اسماعيل مات قبل إبراهيم و أنَّ إبراهيم كان حجةً لله قائماً، صاحب شريعة فالي من أرسل اسماعيل إذن؟ قلت: فن كان جعلت فداك؟ قال ؑ: ذاك اسماعيل بن حزقيل النبي ؑ؛ بعثه الله الى

قومه فکذبوه فقتلوه و سلخوا وجهه، فغضب الله له عليهم فوجه اليه سطا طائيل؛ ملك العذاب، فقال له: يا اسماعيل انا سطا طائيل ملك العذاب؛ وجهنى اليك رب العزة لأعذب قومك بانواع العذاب ان شئت، فقال له اسماعيل: لا حاجة لى فى ذلك، فأوحى الله اليه: فما حاجتك يا اسماعيل؟ فقال يا رب أنك أخذت الميثاق لنفسك بالربوبية، ولمحمد بالنبوة ولأوصيائه بالولاية، وأخبرت خير خلقك وما تفعل أمته بالحسين بن على ؑ من بعد نبئها وأنك وعدت الحسين ؑ ان تكرهه الى الدنيا حتى ينتقم بنفسه ممن فعل ذلك به، فحاجتى اليك يا رب ان تكرنى الى الدنيا حتى أنتقم ممن فعل ذلك بى، كما تكره الحسين ؑ، فوعد الله اسماعيل بن حزقيل ذلك فهو يكره مع الحسين ؑ.

ترجمه:
حدیث سوم

محمد بن جعفر رزّاز از محمد بن حسین بن ابی الخطاب و احمد بن حسن بن علی بن فضال از پدرش از مروان بن مسلم از برید بن معاویه العجلی نقل کرده که گفت: محضر امام صادق ؑ عرض کردم:

ای پسر رسول خدا: خبر دهید به من از اسماعیل که حق تعالی در کتاب خودش از او یاد کرده و فرموده:

و اذکری فى الكتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولا نبیاً.

آیا مقصود از او اسماعیل بن ابراهیم ؑ است چه آنکه مردم این طور می‌پندارند که وی اسماعیل بن ابراهیم می‌باشد.

امام ؑ فرمودند:

اسماعیل پیش از حضرت ابراهیم از دنیا رفت و جناب ابراهیم ؑ حجت

قائم حق تعالی و صاحب شریعت بود و مع ذلك اسماعیل با چنین موقعیتی به جانب چه کسانی می توانست مبعوث باشد؟!

رأوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم:

پس اسماعیل در آیه مذکور چه کسی است؟

حضرت فرمودند:

وی اسماعیل بن حزقیل پیغمبر می باشد که خداوند متعال او را به جانب قومش مبعوث نمود و آنها وی را تکذیب کرده و کشتند و سپس پوست صورتش را کنند پس خداوند به ایشان غضب نمود و سطاطائیل را که فرشته عذاب است بر او نازل کرد، فرشته عرضه داشت:

ای اسماعیل من سطاطائیل بوده که فرشته عذاب می باشم پروردگار متعال من را نزد شما فرستاده تا قوم شما را به انواع عذاب ها معذب نمایم و در صورتی که نخواهی ایشان را به بلاها و گرفتاری ها مبتلا سازم. اسماعیل به او فرمود:

به این امر نیاز و احتیاجی ندارم.

پس حق تعالی وحی فرستاد: ای اسماعیل حاجت تو چیست؟

عرض کرد: پروردگارا از بندگان عهد و میثاق گرفتی که تو را رب و پروردگار دانسته و حضرت محمد ﷺ را پیغمبر و اوصیاء کرامش را ولی بدانند و به بهترین مخلوقات خبر دادی که امتش با حسین بن علی ﷺ بعد از پیامبر چه خواهند نمود و به حسین ﷺ وعده دادی که به دنیا برگردانده می شود تا خودش از آن قوم جفا کار انتقام بگیرد و حاجت من به تو ای پروردگارم آن است که من را نیز به دنیا برگردانی تا انتقام خود را از ظالمین بگیرم همان طوری که حسین ﷺ را به دنیا بازگردانیدی، پس حق تعالی به اسماعیل بن حزقیل وعده داد او را با حسین بن علی سلام الله علیهما به دنیا برگرداند.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ - عَنْ ذَكَرِهِ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ إِسْمَاعِيلَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: «اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ» اخَذَ فَمَسَلَتْ فَرَوْهُ وَجْهَهُ وَرَأْسَهُ فَاتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي إِلَيْكَ فَرَنِي بِمَا شِئْتَ، فَقَالَ: لِي أُسْوَةٌ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار از پدرش از جدش علی بن مهزیار، از محمد بن سنان از کسی که ذکرش نموده نقل کرد که گفت امام صادق عليه السلام فرمودند:

اسماعیلی که حق تعالی در کتاب عزیزش از او یاد کرده و فرموده:
و اذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد.

گرفتار قومش شد و او را گرفته پوست صورت و سرش را کردند پس فرشته‌ای نزد او آمد عرضه داشت:

خداوند متعال من را نزد تو فرستاده اکنون آنچه می‌خواهی به من دستور بده.
اسماعیل فرمود:

من پیرو حسین بن علی علیه السلام می‌باشم.

﴿الباب العشرون﴾

﴿علم الملائكة بقتال الحسين عليه السلام﴾

متن:

١ - حدثني محمد بن جعفر القرشي الرزاز الكوفي، قال: حدثني خالي محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، قال: حدثني موسى بن سعدان الحنطاط، عن عبد الله بن القاسم الحضرمي، عن ابراهيم بن شعيب الميثمي، «قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: ان الحسين بن علي عليه السلام لما ولد امر الله عز وجل جبرئيل عليه السلام ان يهبط في ألف من الملائكة فيهنىء رسول الله صلى الله عليه وآله من الله ومن جبرئيل عليه السلام، قال: وكان مهبط جبرئيل عليه السلام على جزيرة في البحر فيها ملك يقال له: فطرس، كان من الحملة فبعث في شيء فابطأ فيه فكسر جناحه والقي في تلك الجزيرة يعبد الله فيها ستمائة عام حتى ولد الحسين عليه السلام، فقال الملك لجبرئيل عليه السلام: أين تريد؟ قال: ان الله تعالى انعم على محمد صلى الله عليه وآله بنعمة فبعثت اهنيئه من الله ومني، فقال: يا جبرئيل احملي معك لعل محمداً صلى الله عليه وآله يدعو الله لي، قال: فحمله فلما دخل جبرئيل على النبي صلى الله عليه وآله وهناه من الله وهناه منه واخبره بحال فطرس فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا جبرئيل ادخله فلما ادخله اخبر فطرس النبي صلى الله عليه وآله بحاله فدعاه النبي صلى الله عليه وآله وقال له: قمسح بهذا المولود وعد الى مكانك، قال: فتمسح فطرس بالحسين عليه السلام وارتفع وقال: يا رسول الله (ص) اما ان امتك ستقتله وله على مكافاة ان لا يزوره زائر الا بلغته عنه،

و لَا يَسْلَمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا بَلَّغْتَهُ سَلَامَهُ، وَ لَا يَصِلُ عَلَيْهِ مَصْلٌ إِلَّا بَلَّغْتَهُ صَلَوَتَهُ، قَالَ: ثُمَّ أَرْتَفَعُ».

﴿ باب بیستم ﴾

﴿ آگاهی فرشتگان از شهادت ﴾

﴿ حضرت حسین بن علی علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزاق کوفی می گوید:

از دانی ام محمد بن الحسین بن ابی الخطاب گفت:

موسی بن سعدان حناط از عبدالله بن قاسم حضرمی، از ابراهیم بن شعیب میثمی نقل کرد که گفت:

شنیدم امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامی که حسین بن علی علیه السلام متولد شدند حق تعالی به جبرئیل امر فرمود که در ضمن هزلو فرشته دیگر به زمین فرود آید و از طرف خدا و خودش به رسول خدا صلی الله علیه و آله تهنیت بگوید.

حضرت فرمودند:

محل فرود آمدن جبرئیل جزیره ای بود در میان دریائی و در آن جزیره فرشته ای می زیست بنام فطرس که از جمله عرش محسوب می شد و حق تعالی او را بر انجام کاری مبعوث نمود و چون وی در بجا آوردن آن سستی نمود بالش شکسته شد و او در آن جزیره افتاد و مدت ششصد سال خداوند را عبادت می کرد تا حضرت حسین بن علی علیه السلام متولد شدند به هر صورت فطرس به

جبرئیل عرضه داشت:

اراده کجا داری؟

جبرئیل فرمود: خداوند متعال بر حضرت محمد ﷺ نعمتی عنایت فرموده و من را برای گفتن تهنیت از جانب خودش و خودم به نزد آن جناب فرستاده اکنون محضر مبارک آن حضرت می‌روم.

فطرس عرضه داشت: ای جبرئیل من را با خودت ببر شاید حضرت رسول خدا ﷺ برای من دعاء فرماید.

حضرت فرمودند:

جبرئیل فطرس را با خود برد و هنگامی که به مکان رسول خدا ﷺ رسید فطرس را بیرون گذارد و خودش محضر مبارک آن جناب مشرف گردید و از ناحیه خدا و خود به حضرتش تهنیت گفت و سپس حال فطرس را گزارش داد. حضرت رسول خدا ﷺ فرمودند:

ای جبرئیل او را داخل کن.

جبرئیل او را داخل نمود و وی حال خود را برای آن جناب بازگو نمود.

پنابمبر اکرم ﷺ برایش دعاء نموده و فرمودند:

بال شکسته خودت را به این مولود بکش و به جای خودت برگردد.

حضرت فرمودند:

فطرس بال شکسته‌اش را به حضرت امام حسین ﷺ کشید و سالم شد و به هوا پرواز کرد و گفت: ای رسول خدا ﷺ: این حتمی است که امت شما عنقریب این مولود را خواهند کشت و در مقابل حقّی که این مولود بر من دارد ملتزم هستم هر زائری که او را زیارت کند، زیارتش را به آن حضرت رسانده و هر سلام کننده‌ای که به حضرتش سلام کند، سلامش را به محضرش ابلاغ نموده و هر کسی که به جنابش تهنیت گوید آن را به حضورش عرضه نمایم این بگفت و به آسمان پرواز کرد.

﴿البَابُ الحَادِی وَ العَشْرُونَ﴾

﴿لَعْنَتِ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰی وَ لَعْنَتِ الْاَنْبِیَاءِ قَاتِلِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللّٰهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى
ابن عبيد اليقطيني، عن محمد بن سنان، عن أبي سعيد القماط، عن ابن
أبي يعفور، عن أبي عبد الله عليه السلام: «قال: بينما رسول الله صلى الله عليه وآله في منزل
فاطمة عليها السلام والحسين في حجرة اذ بكى وخرّ ساجداً، ثم قال: يا فاطمة يا
بنت محمد! انّ العليّ الأعلى ترائى لى في بيتك هذا في ساعتي هذه في احسن
صورة واهيأ هيئة، و قال لى: يا محمد اتحبّ الحسين عليه السلام؟ فقلت: نعم؛
قرّة عيني وريحانتي وثمرّة فؤادي؛ و جلدة ما بين عيني، فقال لى: يا
محمد - و وضع يده على رأس الحسين عليه السلام - بورك من مولود عليه
بركاتي و صلواتي و رحمتي و رضواني؛ و لعنتي و سخطي و عذابي و خزيي
و نكالي على من قتله و ناصبه و ناواه و نازعه اما أنّه سيّد الشهداء من
الاولين و الاخرين في الدّنيا و الآخرة - و ذكر الحديث -».

﴿باب يَسْت وَ يَكُم﴾

﴿در بيان لعنت نمودن حق تبارک و تعالی و انبیاء عظام﴾

﴿در حق قاتلین حسین بن علی علیه السلام﴾

﴿حديث أول﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبد الله، از محمد بن عيسى بن عبيد يقطيني

از محمد بن سنان از ابی سعید قماط از ابن ابی یعفور از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در منزل حضرت فاطمه سلام الله علیها تشریف داشته در حالی که حضرت امام حسین علیه السلام در دامن آن جناب بودند، حضرت گریسته و به سجده رفته سپس فرمودند:

ای فاطمه، ای دختر محمد! در این ساعت و در همین مکان خداوند علی علیه السلام در بهترین صورت و زیباترین شکل خود را به من نشان داد و گفت: ای محمد آیا حسین را دوست داری؟

گفتم: بلی، نور دیده و گل خوشبو و میوه دل و پرده مایین دیده گان من است. در حالی که دست بر سر حسین علیه السلام نهاده بود^(۱) به من فرمود: ای محمد: برکت حاصل می شود از مولودی که بر او برکات و رحمت و رضوان من می باشد و لعنت و غضب و عذاب و ذلت و عقوبت من بر کسی که او را کشته و نصب عداوتش نموده و با او دشمنی کرده و با وی به حرب برخاسته است.

بطور حتم و قطع او سرور شهداء است از اولین و آخرین در دنیا و آخرت....

متن:

۲- و حدَّثنی ابوالحسین محمد بن عبدالله بن علی الناقدا، قال: حدَّثنی ابوهارون العبسی، عن أبی الأشهب جعفر بن حیّان، عن خالد الرّبعی قال: حدَّثنی من سمع کعباً «یقول: أوّل من لعن قاتل الحسین بن علی علیه السلام»

۱ - مقصود رسول حق تبارک و تعالی است یعنی جبرئیل علیه السلام.

۲ - مراد از قرار دادن حق تعالی دست بر سر آن حضرت افاضه رحمت می باشد.

ابراهیم خلیل الرحمن، لعنه و أمر ولده بذلك و اخذ علیهم العهد و الميثاق، ثم لعنه موسى بن عمران، و امر امته بذلك، ثم لعنه داود و امر بنی اسرائیل بذلك، ثم لعنه عیسی، و اکثر ان قال: یا بنی اسرائیل العنوا قاتله و ان ادركتم ایتامه فلا تجلسوا عنه، فانّ الشهید معه كالشهید مع الأنبياء مقبل غیر مدبر و کافی انظر الى بقعته، و ما من نبی الا و قد ذار كربلاء و وقف علیها و قال انك لبقعة كثيرة الخیر، فیک یدفن القمر الأزهر».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابوالحسین محمد بن عبدالله بن علی الناقض می گوید:

ابو هرون عیسی، از ابی الاشهب جعفر بن حیثان از خالد ربیع نقل نمود

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

و گفت:

کسی که از کعب شنیده بود گفت: اولین کسی که قاتل حضرت حسین بن علی علیه السلام را لعن نمود حضرت ابراهیم خلیل الرحمن بود، آن جناب قاتل حضرت سید الشهداء را لعن نمود و به فرزندانشان نیز امر فرمودند که چنین نمایند و از آنها عهد و پیمان گرفت بر آن و سپس حضرت موسی بن عمران قاتل آن جناب را لعن کرد و امتش را به آن مأمور ساخت پس از ایشان حضرت داود قاتل آن حضرت را لعن کرده و به بنی اسرائیل امر نمود که ایشان نیز لعن کنند و سپس حضرت عیسی به آن مبادرت نمود و بیشترین گفتار آن حضرت این بود که ای بنی اسرائیل قاتل حسین بن علی علیه السلام را لعنت کنید و اگر زمان آن حضرت را درک نمودید مبادا او را تنها گذارده و در رکابش حاضر نشوید زیرا کسی که با آن جناب شهید شود همچون شهید با انبیاء است، او روی آورنده است نه پشت

کننده، گویا به جایگاه او نظر کرده و آن را می بینم، و نیست پیغمبری مگر آنکه کربلاء را زیارت کرده و بر آن ایستاده و گفته است:
 تو جایگاهی پرنخبر بوده، در تو ماه درخشنده و نورافشان دفن می گردد.

متن:

۳- حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الزَّعْفَرَانِيُّ بِالرَّيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو النَّصِيبِيِّ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي الْمَشِيخَةُ «أَنَّ الْمَلِكَ الَّذِي جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أَخْبَرَهُ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ﷺ كَانَ مَلِكَ الْبَحَارِ وَ ذَلِكَ أَنَّ مَلَكًا مِنْ مَلَائِكَةِ الْفَرْدَوْسِ نَزَلَ عَلَى الْبَحْرِ فَنَشَرَ أَجْنَحَتَهُ عَلَيْهَا، ثُمَّ صَاحَ صَيْحَةً وَ قَالَ: يَا أَهْلَ الْبَحَارِ الْبَسُوا أَثْوَابَ الْحُزَنِ فَإِنَّ فَرْخَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَذْبُوحٌ، ثُمَّ حَمَلَ مِنْ تَرْبَتِهِ فِي أَجْنَحَتِهِ إِلَى السَّمَوَاتِ، فَلَمْ يَبْقَ مَلِكٌ فِيهَا إِلَّا شَمَّهَا وَ صَارَ عِنْدَهُ لَهَا اثَرٌ وَ لَعَنَ قَتْلَتَهُ وَ أَشْيَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

حسین بن علی زعفرانی در ری برایم نقل نمود وی گفت:
 محمد بن عمر نصیبی از هشام بن سعد حکایت کرد و گفت:
 اساتید و شیوخ ما به من خبر دادند فرشته ای که نزد رسول خدا ﷺ آمد
 و خبر شهادت حضرت حسین بن علی ﷺ را گزارش داد فرشته دریاها بود
 و شرح آن این است که:
 فرشته ای از فرشته های بهشت بر دریا نازل شد و بال هایش را روی سطح آب
 گسترانید سپس فریادی بلند زد و گفت:

ای اهل دریا لباس های حزن و اندوه بپوشید زیرا فرزند رسول خدا ﷺ را سر بریده اند سپس از تربت آن حضرت دریاهایش نهاد و به آسمان ها پرواز کرد و فرشته ای نبود در آسمان ها مگر آن را بوئید و در وی اثر گذارد و کشنده گان آن حضرت و تابعین آنها را لعنت نمود.

﴿ الباب الثانی و العِشرون ﴾

﴿ قول رسول الله ﷺ ﴾

﴿ ان الحسين یقتله اُمته من بعده ﴾

متن:

۱- حدَّثنی اَبی - رحمه الله - و محمد بن الحسن بن الولید، عن سعد ابن عبد الله، عن محمد بن عیسی بن عُبَید، عن صفوان بن یحیی؛ و جعفر ابن عیسی بن عبید الله، قالاً: حدَّثنا ابو عبد الله الحسین بن اَبی عُندَر - عَمَّن حدَّثه - عن اَبی عبد الله ؑ: «قال: كان الحسین بن علی ؑ ذات یوم فی حجر النبی ﷺ یلاعبه و یضاحكه فقالت عائشة: یا رسول الله ما اشدَّ اعجابك بهذا الصبی؟ فقال لها: ویلك! و کیف لأحبّه و لا اعجب به و هو ثمرۃ فؤادی و قرۃ عینی، اما انّ اُمّی ستقتله، فمن زاره بعد وفاته كتب الله له حجة من حججی، قالت: یا رسول الله حجة من حججك؟ قال: نعم؛ حجتین من حججی، قالت: یا رسول الله حجتین من حججك؟ قال: نعم؛ و اربعة، قال: فلم تزل تزاده و یزید و یضعف حتی بلغ تسعین حجة من حجج رسول الله ﷺ باعمارها».

﴿ باب بیست و دوم ﴾

﴿ در بیان کلام رسول خدا ﷺ ﴾

﴿ بعد از من اُمّت من حسین ﷺ را می‌کشند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و محمد بن الحسن بن ولید، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی بن عبید، از صفوان بن یحیی و جعفر بن عیسی بن عبیدالله گفتند:

برای ما حدیث گفت ابو عبدالله الحسین بن ابی غنّدر از کسی که برایش از حضرت ابی عبدالله ﷺ نقل نمود وی گفت:

روزی حسین بن علی ﷺ در دامن نبی اکرم ﷺ نشسته بود و با آن حضرت بازی می‌کرد و هر دو می‌خندیدند.

عایشه گفت: یا رسول الله، چه قدر علاقه و محبت شما به این طفل زیاد است؟

حضرت فرمودند: وای بر تو! چه گونه او را دوست نداشته و به او محبت نداشته باشم در حالی که میوه دل من و نور چشمم می‌باشد، این امر قطعی است که عنقریب اُمّت من او را خواهند کشت و کسی که بعد از شهادتش او را زیارت کند خداوند برای او ثواب یک حج از حج‌های من را می‌نویسد.

عایشه عرض کرد: یا رسول الله حجی از حج‌های شما؟

حضرت فرمودند: بلی، دو حج از حج‌های من.

عایشه عرضه داشت: یا رسول الله دو حج از حج‌های شما؟

حضرت فرمودند: بلی، چهار حج از حج‌های من.

راوی می‌گوید: پیوسته حضرت به تعداد حج‌ها اضافه کردند و آن را بالا بردند تا به نود حج با عمره از حج‌ها و عمره‌های خودشان ﷺ رساندند.

متن:

۲- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصَرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: كَانَ الْحُسَيْنُ عليه السلام مَعَ أُمَّةٍ تَحْمِلُهُ، فَاخَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ: لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ وَلَعَنَ اللَّهُ سَالِبِيكَ، وَاهْلَكَ اللَّهُ الْمُتَوَازِرِينَ عَلَيْكَ وَحَكَمَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ أَعَانَ عَلَيْكَ، فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: يَا أَبَا إِي شَيْءٌ تَقُولُ؟ قَالَ: يَا بِنْتَاهُ ذَكَرْتُ مَا يَصِيبُهُ بَعْدِي وَبَعْدَكَ مِنَ الْأَذَى وَالظُّلْمِ وَالْعُدْرِ وَالْبَغْيِ وَهُوَ يَوْمُنِي فِي عَصْبَةٍ كَانَتْهُمْ نَجُومُ السَّمَاءِ، يَتَهَادُونَ إِلَى الْقَتْلِ، وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى مُعَسَّكَرِهِمْ وَإِلَى مَوْضِعِ رِحَالِهِمْ وَتَرْبَتِهِمْ، فَقَالَتْ: يَا أَبَا إِي هَذَا الْمَوْضِعُ الَّذِي تَصِفُ؟ قَالَ: مَوْضِعٌ يُقَالُ لَهُ كَرْبَلَا وَهِيَ ذَاتُ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ، عَلَيْنَا وَعَلَى الْأُمَّةِ، يُخْرَجُ عَلَيْهِمْ شَرَارُ امْتِي، وَلَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ يَشْفَعُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ مَا شَفَعُوا فِيهِمْ وَهُمْ الْمُخْلَدُونَ فِي النَّارِ، قَالَتْ: يَا أَبَا إِي فَيَقْتُلُ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا بِنْتَاهُ مَا قَتَلَ قَبْلَهُ أَحَدٌ كَانَ تَبْكِيهِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَالْمَلَائِكَةُ وَالْوَحْشُ وَالْحَيَاتَانِ فِي الْبَحَارِ وَالْجِبَالِ، لَوْ يُؤْذَنُ لَهَا مَا بَقِيَ عَلَى الْأَرْضِ مُتَنَفِّسٌ، وَتَأْتِيهِ قَوْمٌ مِنْ مُحْيِيْنَا لَيْسَ فِي الْأَرْضِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَلَا أَقْوَمُ بِحَقِّنَا مِنْهُمْ أَوْ لَيْسَ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ أَحَدٌ يَلْتَفِتُ إِلَيْهِ غَيْرُهُمْ، أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ فِي ظُلُمَاتِ الْجُورِ، وَهُمْ الشَّفَعَاءُ، وَهُمْ وَارِدُونَ حَوْضِي غَدًا، أَعْرِفْهُمْ إِذَا أوردوا عَلَى بَسِيَاهُمْ، وَاهْلُ كُلِّ دِينٍ يَطْلُبُونَ ائْتَمَتِهِمْ وَهُمْ

يطلبوننا ولا يطلبون غيرنا، و هم قوام الأرض بهم ينزل الغيث - و ذكر الحديث بطوله -».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم از مسمع بن عبدالملک از ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند: حضرت امام حسین علیه السلام را مادر گرامیشان حمل می کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله او را گرفته و فرمودند:

خداوند متعال کشتگان تو را لعنت کند، حق تعالی کسانی که جامه از تن تو بیرون می آورند را لعنت نماید، خدا بکشد آنان را که یکدیگر را بر علیه تو کمک می کنند، و بین من و آنان حکم بنماید.

حضرت فاطمه سلام الله علیها عرض کردند:

ای پدر چه می فرمائید؟

حضرت فرمودند:

دخترم مصیبت هایی که بعد از من و تو به او می رسد و اذیت ها و ظلم ها و مکرها و تعدی هایی که متوجهش می گردد را به یاد آوردم، او در آن روز در میان جمعی مردان که جملگی همچون ستارگان درخشانند بوده و همگی به طرف مرگ و کشتن حرکت می کنند، گویا اکنون لشکرگاه آنها را دیده و به جایگاه و محل دفن ایشان می نگرم.

حضرت فاطمه سلام الله علیها عرض کردند:

ای پدر جانی را که توصیف می فرمائید کجا است؟

حضرت فرمودند:

مکانی است که به آن کربلاء می‌گویند و آن زمین برای ما و امت موجب اندوه و بلاء است، بدترین افراد امت من بر ایشان خروج می‌نمایند، اگر تمام اهل آسمان‌ها و زمین شفیع یک نفر از این گروه شرور باشند شفاعتشان پذیرفته نشود و بطور قطع تمام آنها در جهنم جاوید خواهند بود.

حضرت فاطمه سلام الله علیها عرض کردند:

پدر، این طفل کشته خواهد شد؟!؟

حضرت فرمودند:

بله، دخترم، پیش از او کسی این طور کشته نشده که آسمان‌ها و زمین و فرشتگان و حیوانات وحشی و ماهی‌های دریا و کوه‌ها برایش گریه کنند.

اگر این موجودات مأذون بودند پس از شهادت این طفل هیچ نفس کشی روی زمین باقی نمی‌ماند و گروهی از دوستان ما خواهند آمد که در روی زمین کسی از آنها اعلم به خدا نبوده و کوشا در اقامه حق ما از آنها نمی‌توان یافت و روی زمین احدی غیر از ایشان نیست که موارد التفات و توجه باشد، ایشان چراغ‌های فروزانی بوده که در ظلمات جور و ستم می‌درخشند ایشان شفعاء دیگران بوده و در فردای قیامت بر حوض من وارد خواهند شد، هنگامی که بر من وارد شوند بوسیله سیما و چهره‌اشان می‌شناسمشان و اهل هر دینی پیشوایان خود را طلب نموده و ایشان ما را طالب بوده و غیر ما را طلب نمی‌کنند، ایشان باعث قوام و استوار بودن زمین می‌باشند، به برکت آنها باران بر زمین می‌بارد.

متن:

۳- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّقَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ؛ وَ زَيْدِ بْنِ الْحُسَيْنِ أَبِي الْحُسَيْنِ؛ وَ عُبَادَةَ جَمِيعاً، عَنْ

سعد الأسکاف «قال: قال أبو جعفر عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله من سرّه ان يحيى محياى ويموت مماتى ويدخل جنة عدن فيلزم قضيباً غرسه ربى بيده فليتولّ عليّاً والأوصياء من بعده و ليسلم لفضلهم، فاتهم الهداة المرضيئون، اعطاهم الله فهمى و علمى وهم عترقى من لحمى ودمى، الى الله اشكو عدوهم من امتى، المنكرين لفضلهم، القاطعين فيهم صلتى و الله ليقتلن ابنى، لا انا لهم الله شفاعتى».

ترجمه: ﴿ حدیث سَوِّم ﴾

محمد بن الحسن بن الولید، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن عیسی بن عبید، از ابی عبدالله زکریّا الجوزی، از ایوب بن عبدالرحمن و زید بن الحسن ابی الحسن و عباد جملگی از سعد الاسکاف نقل نموده و گفت:

حضرت ابو جعفر عليه السلام فرمودند:

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

کسی که دوست دارد حیاتش حیات من و مماتش ممات من بوده و به بهشت جاودان داخل گردد و ملازم درختی باشد که حق تعالی به دست قدرتش آن را کاشته پس باید علی عليه السلام و جانشینان بعد از او را دوست داشته و فضیلت ایشان را قبول نموده باشد زیرا ایشان راهنمایان پسندیده خدا بوده و جناب اقدس الهی به ایشان فهم و علم من را اعطاء فرموده است و ایشان اهل بیت من بوده که از گوشت و خون من می باشند شکایت دشمنان ایشان از امت من را به خدا خواهم نمود، دشمنانی که منکر فضیلت ایشان بوده و به جای اینکه صله رحم من را نموده آن را قطع کرده اند، به خدا قسم فرزندانم را خواهند کشت، خداوند متعال شفاعت من را هرگز نصیب ایشان نخواهند نمود.

متن:

۴- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ شَجَرَةَ، عَنْ سَلَامِ الْجَعْفِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّنَعَانِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا دَخَلَ الْحُسَيْنَ عليه السلام جَذَبَهُ إِلَيْهِ، ثُمَّ يَقُولُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: امْسِكْهُ، ثُمَّ يَقِفُ عَلَيْهِ فَيَقْبَلُهُ وَيَبْكِي فَيَقُولُ: يَا أَبَه لِمَ تَبْكِي؟ فَيَقُولُ: يَا بَنِي أَقْبَلُ مَوْضِعَ السَّيُوفِ مِنْكَ وَابْكِي، قَالَ: يَا أَبَه وَاقْتُلْ؟ قَالَ: آتَى وَاللَّهِ وَابُوكَ وَاخُوكَ وَأَنْتَ، قَالَ: يَا أَبَه فَمَنْ أَرَعَنَا شَيْئًا؟ قَالَ: نَعَمْ يَا بَنِي، قَالَ: فَمَنْ يَزُورُنَا مِنْ أَمَتِكَ؟ قَالَ: لَا يَزُورُنِي وَ يَزُورُ أَبَاكَ وَ إِخَاكَ وَ أَنْتَ إِلَّا الصَّدِيقُونَ مِنْ أَمَتِي».



ترجمه: « حدیث چهارم »

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی از پدرش، از حسن بن محبوب، از علی بن شجره، از سلام جعفری، از عبدالله بن محمد صنعانی، از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

هرگاه حضرت حسین بن علی عليه السلام بر پیامبر اکرم ﷺ داخل می شدند حضرت او را به خود می چسبانند و سپس به امیرالمؤمنین عليه السلام می فرمودند: او را نگاه دار و پس از آن او را بوسیده و می گریستند.

حسین عليه السلام عرض می کرد: ای پدر چرا گریه می کنی؟

رسول خدا ﷺ می فرمود: فرزندانم جاهای شمشیر را بوسیده و می گیرم.

حسین عليه السلام عرضه می داشت: ای پدر من کشته خواهم شد؟

رسول خدا ﷺ می فرمود: بلی به خدا قسم تو و پدرت و برادرت جملگی

کشته خواهید شد.

عرض می نمود: پدر، قبور ما از هم متفرق و پراکنده می باشد؟
 رسول خدا ﷺ می فرمود: بلی پسر.
 عرض می کرد: از اُمت شما چه کسانی به زیارت ما می آیند؟
 رسول خدا ﷺ می فرمود: من و پدرت و برادرت و تو را زیارت نخواهد
 نمود مگر راست گویان از اُمت من.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْحَسَنِ
 ابْنِ عَلِيٍّ بْنِ زَكَرِيَّا الْعَدَوِيِّ الْبَصْرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرُ [و] ابْنُ الْمُخْتَارِ،
 قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ بِشْرِ، عَنِ الْقَوَّامِ مَوْلَى قَرِيشٍ «قَالَ: سَمِعْتُ
 مَوْلَايَ عُمَرَ بْنَ هَبِيرَةَ، قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ - وَالْحَسَنَ وَ
 الْحُسَيْنَ فِي حَجْرَةٍ - يَقْبَلُ هَذَا مَرَّةً وَهَذَا مَرَّةً، وَيَقُولُ لِلْحُسَيْنِ: إِنَّ الْوَيْلَ
 لِمَنْ يَقْتُلُكَ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از ابی سعید حسن بن علی بن زکریا
 عدوی بصری نقل نموده که وی گفت:
 عمرو بن مختار گفت: اسحاق بن بشر از قوام که مولای قریش بود نقل کرد که
 وی گفت:

از آقای خود عمر بن هبیره شنیدم که گفت: رسول خدا ﷺ را دیدم که
 حسن و حسین ﷺ در دامن آن حضرت بوده و آن جناب گاهی او و زمانی این
 را می بوسیده و به حسین ﷺ می فرمودند:
 وای بر کسی که تو را می کشد.

متن:

۶- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَاطِ، عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي مَنْزِلِ فَاطِمَةَ، وَالْحُسَيْنِ فِي حَجَرِهِ إِذْ بَكَى وَخَرَّ سَاجِدًا، ثُمَّ قَالَ: يَا فَاطِمَةُ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ إِنَّ الْعَلَى الْأَعْلَى تَرَانِي لِي فِي بَيْتِكَ هَذَا فِي سَاعَتِي هَذِهِ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ وَأَهْيَأِ هَيْئَةٍ فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ اتَّحَبَّ الْحُسَيْنِ؟ قُلْتُ: يَا رَبِّ قَرَّةَ عَيْنِي وَرِيحَانَتِي، وَثَمَرَةَ فَوَادِي، وَجِلْدَةَ مَا بَيْنَ عَيْنِي، فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ - وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ الْحُسَيْنِ عليه السلام - بورك من مولود عليه بركاتي وصلواتي ورحمتي ورضواني؛ [وَنَقَمْتُ] وَلَعْنَتِي وَسَخَطِي وَعَذَابِي وَخِزْيِي وَنَكَالِي عَلَى مَنْ قَتَلَهُ وَنَاصَبَهُ وَنَاوَاهُ وَنَازَعَهُ أَمَّا أَنَّهُ سَيِّدُ الشَّهَدَاءِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَسَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَابْنُ أَفْضَلِ مِنْهُ وَخَيْرُ فَاقِرَاءِ السَّلَامِ وَبَشَرُهُ بَأَنَّهُ رَأْيَةُ الْهُدَى، وَمَنَارُ أُولِيَانِي، وَحَفِظِي وَشَهِيدِي عَلَى خَلْقِي، وَخَازِنُ عِلْمِي وَحَقِّي عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ وَالثَّقَلَيْنِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

ترجمه: پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی، از محمد بن سنان، از ابی سعید قماط، از ابن ابی یعفور، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

روزی رسول خدا صلى الله عليه وآله در منزل حضرت فاطمه سلام الله علیها تشریف داشته در حالی که حضرت امام حسین عليه السلام در دامن آن جناب بودند، حضرت

گریسته و به سجده رفته، سپس فرمودند:

ای قاطمه، ای دختر محمد! در این ساعت و در همین مکان خداوند علی
اعلی در بهترین صورت و زیباترین شکل خود را به من نشان داد و گفت:
ای محمد آیا حسین را دوست داری؟

گفتم: بلی، نور دیده و گل خوشبو و میوه دل و پرده مابین دیده گان من است.
در حالی که دست بر سر حسین علیه السلام نهاده بود به من فرمود:

ای محمد! برکت حاصل می شود از مولودی که بر او برکات و رحمت و
رضوان من می باشد و لعنت و غضب و عذاب و ذلت و عقوبت من بر کسی که او
را کشته و نصب عداوتش نموده و با او دشمنی کرده و با وی به حرب برخاسته
است.

به طور حتم و قطع او سرور شهید است از اولین و آخرین در دنیا و آخرت
و آقای جوانان اهل بهشت است از جملگی خلایق و پدرش از او برتر و بهتر
است پس سلام من را به او برسان و بشارتش بده که او علامت هدایت و نشانه
است برای دوستان من و نگهبان و شاهد من بر خلق و خزانه دار علم من و حجت
بر اهل آسمان ها و زمین و جن و انس می باشد.

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدٍ
ابْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّادِ الْكُوفِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
مُوسَى الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُصْعَبٌ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام
«قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ سَرَّهَ أَنْ يُحْيِيَ حَيَوَاتِي وَيَمُوتَ بِمَقَاتِي
وَيَدْخُلَ جَنَّتِي - جَنَّةَ عَدْنٍ غَرَسَهَا رَبِّي بِيَدِهِ - فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا وَيَعْرِفْ فَضْلَهُ
وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ بَعْدِهِ، وَيَتَبَرَّءَ مِنْ عَدَوِّي. اعْطَاهُمُ اللَّهُ فَهْمِي وَعِلْمِي، وَهُمْ

عترتی من لحمی و دمی، اشکوا الی ربی عدوهم من امتی، المنکرین
لفضلهم، القاطعین فیهم صلتی و الله لیقتلن ابنی، ثم لا تنالهم شفاعتی».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از محمد بن حسین بن
ابی الخطاب، از محمد بن حماد کوفی، از ابراهیم بن موسی انصاری نقل کرده که
وی گفت مصعب از جابر و او از حضرت محمد بن علی علیه السلام نقل نمود که آن
جناب فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که دوست دارد حیاتش حیات من و مماتش ممات من بوده و به بهشت
جاودانی که حق تعالی درختانش را به دست قدرتش کاشته داخل گردد باید علی
علیه السلام را دوست داشته و به فضل آن حضرت و جانشینانش آگاه بوده و از دشمن
من تبری و دوری بجوید، خداوند متعال فهم و دانش من را به ایشان (حضرت
علی و اوصیایش علیهم السلام) اعطاء فرموده، ایشان اهل بیت من بوده که از گوشت
و خون من می‌باشند شکایت دشمنان ایشان از امت من را به خدا خواهم نمود،
دشمنانی که منکر فضیلت ایشان بوده و به جای اینکه صله رحم من را نموده آن
را قطع کرده‌اند به خدا قسم فرزندان را خواهند کشت و بدنبالش شفاعت من به
ایشان نخواهد رسید.

﴿ الباب الثالث والعشرون ﴾

﴿ قول امیرالمؤمنین علیه السلام فی قتل الحسین علیه السلام ﴾

﴿ و قول الحسین له فی ذلك ﴾

متن:

۱ - حدّثنی محمد بن جعفر الرّزّاز القرشی قال: حدّثنی خالی محمد بن الحسین بن أبی الخطاب، عن علی بن التّعمان، عن عبد الرّحمان بن سیابة، عن أبی داود السّیعی، عن أبی عبد الله الجذلی، «قال: دخلت علی امیرالمؤمنین و الحسین علیهما السلام الی جنبه، فضرب ییده علی کتف الحسین علیه السلام، ثمّ قال: انّ هذا یقتل ولا ینصره احدٌ، قال: قلت: یا امیرالمؤمنین والله انّ تلك لحياة سوء! قال: انّ ذلك لکائن».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی قم

﴿ باب بیست و سوم ﴾

﴿ گفتار امیرالمؤمنین علیه السلام راجع به شهادت امام حسین علیه السلام ﴾﴿ و مقاله امام حسین علیه السلام و جواب آن حضرت ﴾

ترجمه:

﴿ حدیث اوّل ﴾

محمد بن جعفر رزّاز قرشی می گوید:

دائی من محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از علی بن نعمان و او از عبد الرّحمن بن سیابه و او از ابی داود سبعی و او از ابی عبد الله جذلی نقل کرده که وی گفت:

بر امیرالمؤمنین علیه السلام داخل شدم در حالی که حضرت حسین علیه السلام در کنار آن حضرت نشسته بودند امیرالمؤمنین علیه السلام دست بر شانه حسین علیه السلام زد و سپس

فرمود:

این کشته خواهد شد و احدی یاری او را نخواهد نمود.

راوی می گوید:

عرضه داشتم یا امیرالمؤمنین به خدا قسم این زندگی بدی است.

حضرت فرمودند:

این حادثه حتماً به وقوع می پیوندد.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ؛ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری و محمد بن یحیی عطّار، از محمد بن حسین باسنادش مثل حدیث مذکور نقل کرده اند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ نَصْرِ بْنِ مَزَاحِمٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعْدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَسُوءَ أَنْتَ قَدَمًا، فَقَالَ: جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا حَالِي؟ قَالَ: عَلِمْتُ مَا جَهِلُوا، وَ سَيَتَفَعَّعَ عَالَمٌ بِمَا عَلِمَ، يَا بَنِيَّ اسْمَعْ وَ ابْصُرْ مِنْ

قبل ان یأتیک، فوالذی نفسی بیده لیسفکن بنوامیة دمک ثم لا یریلونک عن دینک، ولا ینسونک ذکر ربک، فقال الحسین علیه السلام؛ والذی نفسی بیده حسبی اقررت بما انزل الله، و اصدق [قول] نبی الله، و لا اکذب قول أبی.

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن جعفر رزّاز از دانی خود محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد از علی بن حمّاد، از عمرو بن شمر، از جابر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حضرت علی علیه السلام به حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:

ای ابا عبدالله از قدیم ثابت و مسلم شده که تو اسوه و مقتدای خلق می باشی.

حسین علیه السلام عرضه داشت: فدایت شوم خاتم چیست؟

حضرت علی علیه السلام فرمودند: می دانی آنچه را که خلق نمی دانند و عنقریب عالم به آنچه می داند منتفع خواهد شد، فرزندم بشنو و ببین پیش از آنکه مبتلا گردی، قسم به کسی که جانم در دست او است بنوامیه خون تو را خواهند ریخت ولی نمی توانند تو را از دینت جدا کرده و قادر نیستند یاد پروردگارت را از خاطرت ببرند.

حسین علیه السلام عرض کرد: قسم به کسی که جانم در دست او است همین قدر مرا کافی است به آنچه خدا نازل فرموده اقرار داشته و گفتار پیامبر خدا را تصدیق داشته و کلام پدرم را نکذیب نمی کنم.

متن:

حدّثنی أبی - رحمه الله -؛ و جماعة، عن سعد بن عبدالله؛ و محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین باسناده مثله.

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی، از سعد بن عبدالله و محمد بن یحیی، از محمد بن حسین به اسنادش مثل روایت مذکور را نقل نموده است.

متن:

۳- حدَّثني محمد بن جعفر الرِّزَّاز، عن خاله محمد بن الحسين، عن نصر بن مزاحم، عن عمر بن سعد، عن يزيد بن اسحاق، عن هاني بن هاني، عن علي عليه السلام «قال: ليقُتل الحسين قتلاً، و انِّي لأُعرف تربة الأرض التي يُقتل عليها قريباً من النهرين».



ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز از دائی خود محمد بن الحسین، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد، از یزید بن اسحق، از هانی بن هانی، از حضرت علی عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حسین عليه السلام کشته خواهد شد کشته شدنی و من به زمینی که او روی آن کشته خواهد شد آگاه بوده و می دانم که آن زمین بین دو نهر آب قرار گرفته است.

متن:

حدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسين باسناده مثله.

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین باسنادش حدیثی مثل حدیث سابق را نقل نموده است.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الصَّهْبَانِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ، عَنْ فَضِيلِ الرَّسَّانِ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَقِيصَا «قَالَ: سَمِعْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا وَ خَلَا بِهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الزَّيْبِرِ وَ نَاجَاهُ طَوِيلاً، قَالَ: ثُمَّ أَقْبَلَ الْحُسَيْنَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا بِوَجْهِهِ إِلَيْهِمْ وَ قَالَ: إِنَّ هَذَا يَقُولُ لِي: كُنْ حَمَاماً مِنْ حَمَامِ الْحَرَمِ وَ لَأَنْ أَقْتَلَ وَ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْحَرَمِ بَاعٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتَلَ وَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ شِبْرٌ، وَ لَأَنْ أَقْتَلَ بِالطَّفِّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتَلَ بِالْحَرَمِ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و علي بن الحسين جملگی از سعد بن عبدالله، از محمد بن ابی الصهبان، از عبدالرحمن بن ابی نجران، از عاصم بن حمید، از فضیل رسانی، از ابوسعید عقیصا نقل کرده که گفت:

از حضرت حسین بن علی رَضِیَ اللہُ عَنْہُمَا در حالی که در خلوت عبدالله بن زبیر با آن جناب بود مناجات طولانی با خداوند را شنیدم سپس حضرتش روی مبارک به مردم نموده و فرمودند:

این شخص (یعنی عبدالله بن زبیر) به من می گوید: کبوتری از کبوتران حرم باش، ولی بدانید اگر من کشته شوم در حالی که فاصله من و حرم به مقدار باع (فاصله بین سر دو انگشت وسطی از دست چپ و راست هنگامی که دست ها را کاملاً باز نمایند) بوده بهتر است از اینکه فاصله به مقدار یک وجب باشد و نیز اگر در سرزمین طف خونم ریخته شود بهتر است از اینکه در حرم کشته شوم.

متن:

۵- و عنهما، عن سعد، عن محمد بن الحسين، عن صفوان بن يحيى، عن داود بن فرقد، عن أبي عبد الله عليه السلام: «قال: قال عبد الله بن الزبير للحسين عليه السلام: [و] لو جئت الى مكة فكننت بالحرم، فقال الحسين [بن علي] عليه السلام: لا نستحلها ولا تستحل بنا، ولأن أقتل على تل أعفر أحب الى من أن أقتل بها».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین (رحمة الله عليهما)، از سعد، از محمد بن الحسین، از صفوان بن یحیی، از داود بن فرقد از حضرت ابی عبد الله عليه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

عبدالله بن زبیر به حضرت حسین بن علی عليه السلام عرض کرد:
کاش به مکه آمده و در حرم بمانید.

حضرت فرمودند:

نه ما آمدن در حرم را روا داشته و نه شما آنجا را برای ما روا دارید و محققاً این طور است که اگر بر تپه ریگ سرخ و روی آن کشته شوم نزد من بهتر است تا در حرم کشته شوم.

متن:

۶- حدَّثني أبي - رحمه الله - و محمد بن الحسن، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن ابيه، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام: «قال: انَّ الحُسين عليه السلام خرج من مكة قبل

التروية بيوم فشيّعه عبدالله بن الزبير فقال: يا ابا عبدالله لقد حضر الحجّ وتدعه و تاتى العراق؟ فقال: يابن الزبير لأن ادفن بشاطئ الفرات احبّ الىّ من ان ادفن بفناء الكعبة».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن الحسن، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از علی بن حکم، از پدرش، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام یک روز قبل از ترویّه از مکه خارج شدند و عبدالله بن زبیر آن جناب را تشییع کرده و به حضرتش عرض نمود:

یا ابا عبدالله وقت انجام اعمال حجّ رسیده شما مکه را ترک کرده و به عراق

تشریف می‌برید؟

حضرت فرمودند:

ای ابن زبیر: اگر در کنار فرات دفن شوم بهتر است تا در اطراف مکه مدفون گردم.

متن:

۷- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إسماعيل بن عيسى، عَنْ صفوان بن يحيى، عَنْ الحسين بن أبي العلاء، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ لِأَصْحَابِهِ - يَوْمَ أَصْبَحُوا - أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ أَذِنَ فِي قَتْلِكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْبِرُوا».

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از صفوان بن یحیی از حسین بن ابی العلاء از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی سلام الله علیهما روزی که خود و یارانشان به مصیبت گرفتار شدند به ایشان فرمودند:

شهادت می دهم که از جانب پروردگار اذن داده شد که جانتان را قربان کنید پس تقوا اختیار کرده و صبر نمائید.

متن:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ مِثْلَهُ.

مرکز تحقیقات اسلامی

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز از دائی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و او از علی بن نعمان و او از حسین بن ابی العلاء مثل حدیث سابق را نقل کرده است.

متن:

۸- وَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ، عَنْ الْحَلْبِيِّ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ الْحُسَيْنَ عليه السلام صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الْغَدَاةَ، ثُمَّ التَفَتَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذِنَ فِي قَتْلِكُمْ، فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علی بن رثاب، از حلبی نقل نموده که گفت: شنیدم حضرت ابو عبدالله علیه السلام می فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام در صبح عاشوراء با یارانشان نماز خوانده سپس به ایشان توجه نموده و فرمودند:

خداوند متعال اذن داد که شما جانتان را قربان کنید پس بر شما باد که صبر نمایید.

متن:

۹- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شَعِيبٍ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ «قَالَ: قَالَ: وَالَّذِي رَفَعَ إِلَيْهِ الْعَرْشَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبُوكَ بِأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ لَا يَنْقُصُونَ رَجُلًا وَلَا يَزِيدُونَ رَجُلًا تَعْتَدِي بِهِمْ هَذِهِ الْأُمَّةُ كَمَا اعْتَدَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ يَوْمَ السَّبْتِ وَ قَتَلَ يَوْمَ السَّبْتِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

حسن از پدرش، از محمد بن عیسی، از صفوان بن یحیی، از یعقوب بن شعیب، از حسین بن ابی العلاء نقل نموده که وی گفت: قسم به کسی که عرش را پیاداشته پدرت راجع به یاران امام حسین علیه السلام برایم نقل نمود که ایشان عددشان ثابت بود نه یکی کم و نه یکی زیاد، این امت به ایشان ستم و تعدی نمودند همان طوری که بنی اسرائیل روز شنبه ستم کردند و شهادت آن حضرت روز شنبه دهم محرم الحرام واقع شد.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
ابْنِ عِيْسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ
عِمْرَانَ الْخَلْبِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ
الْحُسَيْنَ عليه السلام صَلَّى بِأَصْحَابِهِ يَوْمَ أَصِيبُوا، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَذِنَ فِي
قَتْلِكَ، يَا قَوْمَ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْبِرُوا».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و مشایخم از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن
سعید، از نصر بن سويد، از یحیی بن عمران خلبي، از حسین بن ابی العلاء، از
حضرت ابی عبد الله عليه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:
حضرت حسین بن علی عليه السلام در آن روزی که با اصحاب و یارانشان به بلاء
و مصیبت گرفتار شدند پس از آنکه با ایشان نماز خواندند فرمودند:
شهادت می‌دهم که خداوند متعال به شما اذن داد جانتانرا تاراش کنید، ای
گروه از خداوند بترسید و تقوی اختیار کرده و صبر و شکیبائی داشته باشید.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاقِدُ، قَالَ: حَدَّثَنِي
عَبْدُ الرَّحْمَنِ الْأَسْلَمِيُّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ،
«قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا ذَرٍّ وَهُوَ يَوْمُئِذٍ قَدْ أَخْرَجَهُ عَثْمَانُ إِلَى الرَّبَذَةِ، فَقَالَ لَهُ
النَّاسُ: يَا أَبَا ذَرٍّ ابْشِرْ، فَهَذَا قَلِيلٌ فِي اللَّهِ تَعَالَى، فَقَالَ مَا يَسِرُّ هَذَا وَلَكِنْ
كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام قَتْلًا، أَوْ قَالَ ذُبِحَ ذَبْحًا؟! وَاللَّهِ

لا يكون في الإسلام بعد قتل الحسين اعظم قتلاً منه، وإن الله سيسل سيفه على هذه الأمة، لا يغمده ابداً، ويبعث ناقماً من ذريته فينتقم من الناس، وأنكم لو تعلمون ما يدخل على أهل البحار وسكان الجبال في الغياض والأكام وأهل السماء من قتله لبكيتم والله حتى تزهق أنفسكم، وما من سماء يمر به روح الحسين ﷺ إلا فزع له سبعون ألف ملك يقومون قياماً ترعد مفاصلهم إلى يوم القيامة، وما من سخابة تمر وترعد وتبرق إلا لعنت قاتله، وما من يوم إلا وتعرض روحه على رسول الله ﷺ فيلتقيان».

حدیث یازدهم

ترجمه:

ابوالحسین محمد بن عبد الله بن علی ناقد می گوید:
عبد الرحمن اسلمی از عبد الله بن الحسین، از عروة بن زبیر برایم نقل نمود که وی گفت:

در روزی که عثمان اباذر را به ریذه تبعید کرد از وی در پاسخ مردم که به او گفتند:

بشارت باد تو را، این مصیبت در راه خدا اندک است.
شنیدم که فرمود: این بلا سهل و آسان است ولی در چه حالی هستید هنگامی که حسین بن علی ﷺ شهید شود شهید شدنی.
یا فرمود:

چه حالی دارید وقتی حسین بن علی ﷺ ذبح شود ذبح شدنی.
به خدا قسم در اسلام بعد از قتل حسین بن علی ﷺ قتلی بزرگ تر از آن واقع نخواهد شد و خداوند عنقریب شمشیر انتقامش را بر این امت از نیام بیرون خواهد آورد و هرگز در غلاف نخواهد برد و از ذریه آن حضرت خون خواهی را

برانگیزد که از مردم انتقام خون آن جناب را بگیرد و شما اگر بدانید که از ناحیه قتل آن حضرت چه بر اهل دریا و ساکنین کوهها در جنگلها و تپهها خواهد آمد بخدا قسم آن قدر گریه می کنید تا از بین بروید و آسمانی نیست که روح شهید الشهداء به آن عبور کند مگر آنکه هفتاد هزار ملک به فزع در می آیند، این ملائک و فرشتگان می ایستند به طوری که مفاصل آنها تا روز قیامت بانگ و فریاد می کنند و هیچ ابری نیست که حرکت کرده و بغرد و برق زند مگر آنکه کشنده آن حضرت را لعنت می کند و هیچ روزی نیست مگر آنکه روح مطهر آن حضرت را بر رسول خدا ﷺ عرضه داشته پس آن دو باهم ملاقات می کنند.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نُجْرَانَ، عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ عَبْدِ السَّامِيِّ^(۱) يَرْفَعُهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام - «قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَخْطُبُ النَّاسَ وَهُوَ يَقُولُ: سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي؛ فَوَاللَّهِ مَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ مَضَى وَلَا شَيْءٍ يَكُونُ إِلَّا تَبَأْتُكُمْ بِهِ، قَالَ: فَقَامَ إِلَيْهِ سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَاصٍ وَقَالَ يَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَخْبِرْنِي كَمْ فِي رَأْسِي وَحَيْثِي مِنْ شَعْرَةٍ، فَقَالَ لَهُ: وَاللَّهِ لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ مَسْئَلَةٍ حَدَّثَنِي خَلِيلِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنَّكَ سَأَلْتَنِي عَنْهَا وَمَا فِي رَأْسِكَ وَحَيْثُكَ مِنْ شَعْرَةٍ إِلَّا وَفِي أَصْلِهَا شَيْطَانٌ جَالِسٌ وَأَنْ فِي بَيْتِكَ لِسَخْلًا يَقْتُلُ الْحُسَيْنَ ابْنَ وَعِصْرَ يَوْمَئِذٍ يَدْرَجُ بَيْنَ يَدَيَّ أَبِيهِ».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبد الله، از محمد بن عبد الجبار، از عبد الرحمن بن ابی نجران، از جعفر بن محمد بن حکیم، از عبد السمین بطور مرفوعه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده وی می گوید:

جناب امیر المؤمنین علیه السلام برای مردم خطبه خوانده و سپس فرمودند: پیش از آنکه من را از دست دهید از من سؤال کنید، به خدا قسم از چیزی که گذشته و چیزی که خواهد آمد سؤال نمی کنید مگر آنکه جوابتان را خواهم داد. راوی می گوید:

سعد بن ابی وقاص ایستاد و عرض کرد: یا امیر المؤمنین به من خبرده چند تار مو در سر و محاسن من می باشد؟
حضرت فرمودند:

به خدا قسم از مسئله ای سؤال کردی که دوست من رسول خدا صلی الله علیه و آله قبلاً به من فرموده بود که تو عنقریب از آن سؤال می کنی، در سر و محاسن تو هیچ تارمونی نیست مگر آن که در بیخ آن شیطانی نشسته و نیز در خانه تو بزغالهای است که حسین فرزندم را می کشد.
راوی می گوید:

در آن روز عمر (یعنی عمر بن سعد) مقابل پدرش راه می رفت.

متن:

۱۳- و حدَّثني محمد بن جعفر الرِّزَّاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن يحيى الخثعمي، عن طلحة بن زيد، عن أبي عبد الله (ع)، عن أبيه، عن جدّه، عن الحسين بن علي عليه السلام «قال: قال: والذي نفس حسين بيده لا يموتُ بنو امية ملكهم حتى يقتلوني و هم قاتلي

فلو قد قتلونی لم یصلوا جمیعاً ابداً و لم یأخذوا عطاءً فی سبیل اللہ جمیعاً ابداً، انّ اول قتیل هذه الأمتة انا و اهل بیتی و الذی نفس حسین بیده لا تقوم الساعة و علی الارض هاشمی یطرف».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن یحیی خثعمی، از طلحة بن زید، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده و آن جناب از پدر بزرگوارشان و آن حضرت از جدّ آن جناب و آن حضرت از حسین بن علی علیه السلام نقل نمودند:

حضرت فرمودند:

قسم به کسی که جان حسین در دست او است سلطنت بنی امیه به پایان نمی رسد تا من را بکشند و ایشان کشته من هستند، پس از گر من را بکشند هر گز موفق نخواهند شد نمازشان را با امام عادل جماعه خوانده و نه اخذ کنند عطاء و مالی را که در راه خدا می دهند (نظیر زکات)، من و اهل بیت من و اولین کشته این امت هستیم و قسم به کسی که جان حسین در دست او است قیامت پیا نخواهد شد در حالی که یک هاشمی در روی زمین چشم بر هم می زند.

متن:

حدّثنی ابي - رحمه الله - عن سعد، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن یحیی الخرزّاز، عن طلحة، عن جعفر علیه السلام مثله.

ترجمه:

۱- پدرم علیه الرحمة از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن یحیی خرزّاز از طلحة، از امام جعفر صادق علیه السلام مثل حدیث مذکور را نقل کرده است.

متن:

۱۴ - حدیثی جماعه مشایخی منهم علی بن الحسین؛ و محمد بن الحسن، عن سعد، عن احمد بن محمد؛ و محمد بن الحسین؛ و ابراهیم ابن هاشم جمیعاً، عن الحسن بن علی بن فضال، عن ابی جمیل المفضل ابن صالح، عن شهاب بن عبدربه، عن ابی عبد الله علیه السلام «انه قال: لما صعد الحسین بن علی علیه السلام عقبه البطن قال لأصحابه: ما أرا فی الآ مقبولاً، قالوا: وما ذاك یا ابا عبد الله؟ قال: رؤیا رأيتها فی المنام، قالوا: وما هی؟ قال: رأیت كلاباً تنهشنی؛ اشدها علی كلب ابقع».

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و اساتیدم که از جمله آنها علی بن حسین و محمد بن حسن باشند از سعد و او از احمد بن محمد و محمد بن حسین و ابراهیم بن هاشم نقل کرده و همگی ایشان از حسن بن علی بن فضال و او از ابی جمیل مفضل بن صالح و او از شهاب بن عبدربه و او از مولانا ابی عبد الله علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

هنگامی که حسین بن علی علیه السلام بالای عقبه بطن رفتند به اصحاب و یارانشان فرمودند:

نمی بینم خودم را مگر کشته شده.

اصحاب عرضه داشتند:

یا ابا عبد الله این چه سخنی است که می فرمائید؟

حضرت فرمودند:

خوابی است که دیده ام.

عرض کردند: شرح آن چیست؟

فرمودند:

سگ‌هانی را دیدم که من را نیش می‌زند و مودی‌ترین ایشان نسبت به من سگی پیس بود.

متن:

۱۵- و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إسمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى؛ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدِ الزِّيَّاتِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكِيرٍ، عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: كَتَبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ مِنْ مَكَّةَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِلَى مُحَمَّدِ ابْنِ عَلِيٍّ وَ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ؛ أَمَّا بَعْدُ فَأَنْ لِحَقِّ بِي اسْتَشْهَد، وَ مِنْ لَمْ يَلْحَقْ بِي لَمْ يَدْرِكْ الْفَتْحَ؛ وَ السَّلَامُ».

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه‌الرحمه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از علی بن اسماعیل بن عیسی و محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب از محمد بن عمرو بن سعید زیات از عبدالله بن بکیر، از زراره از حضرت ابی‌جعفر عليه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

حضرت حسین بن علی سلام الله علیهما نامه‌ای از مکه به محمد بن علی عليه السلام به این شرح مرقوم فرمودند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از طرف حسین بن علی عليه السلام به محمد بن علی عليه السلام (یعنی محمد بن حنفیه)

و بنی هاشمی که او را قبول داشته و با وی می باشند:

اما بعد: هرکس با من همراه شود شهید خواهد شد و آنانکه همراهی نکرده و با من نباشند فتح و گشایش به خود نخواهند دید و السلام.

متن:

۱۶- قال محمد بن عمرو: حدثني كرام عبد الكريم بن عمرو، عن ميسر بن عبد العزيز، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: كتب الحسين بن علي عليه السلام الى محمد بن علي عليه السلام من كربلاء، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ من الحسين بن علي عليه السلام الى محمد بن علي عليه السلام و من قبله من بنی هاشم، اما بعد، فكأن الدنيا لم تكن، و كأن الآخرة لم تزل، و السلام».

ترجمه: ﴿ حدیث شانزدهم ﴾

محمد بن عمرو می گوید:

گرام عبد الکرم بن عمرو از میسر بن عبد العزیز از حضرت ابی جعفر برایم نقل نمود که آن حضرت فرمودند: حضرت حسین بن علی عليه السلام از کربلاء برای محمد بن علی عليه السلام نوشتند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از حسین بن علی به محمد بن علی و بنی هاشمی که او را پذیرفته اند:

اما بعد:

گویا دنیا نبوده و پیوسته آخرت بوده است، و السلام.

﴿ الباب الرابع والعشرون ﴾

﴿ ما استدلل به علی قتل الحسین بن علیؑ فی البلاد ﴾

متن:

۱- حدَّثنی اَبی - رحمه الله - وجماعة مشايخي، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد - عن رجل - عن يحيى ابن بشير «قال: سمعت ابا بصير يقول: قال ابو عبد الله ﷺ: بعث هشام ابن عبد الملك الى ابي فاشخصه الى الشام، فلما دخل عليه قال له: يا ابا جعفر اشخصناك لنسئلك عن مسئلة لم يصلح ان يسئلك عنها غيري، ولا اعلم في الارض خلقاً ينبغي ان يعرف او عرف هذه المسئلة ان كان الاً واحداً، فقال ابي: ليسئلكني امير المؤمنين عما احب، فان علمتُ اجبتُ ذلك وان لم اعلم قلت: لا ادري؛ وكان الصدوق اولى بي، فقال هشام: اخبرني عن الليلة التي قتل فيها علي بن ابي طالب ﷺ بما استدلل به الغائب عن المصر الذي قتل فيه علي قتله وما العلامة فيه للناس فان علمت ذلك واجبت فاخبرني هل كان تلك العلامة لغير علي ﷺ في قتله، فقال له ابي: يا امير المؤمنين انك لما كان تلك الليلة التي قتل فيها امير المؤمنين ﷺ لم يرفع عن وجه الارض حجر الا وجد تحته دم عبيط حتى طلع الفجر، وكذلك كانت الليلة التي قتل فيها هارون اخو موسى ﷺ، وكذلك كانت الليلة التي قتل فيها يوشع بن نون، وكذلك كانت الليلة التي رفع فيها عيسى ابن مريم الى السماء، وكذلك كانت الليلة التي قتل فيها شمعون بن حمون الصفا، وكذلك كانت الليلة التي قتل فيها علي بن ابي طالب ﷺ،

وكذلك كانت الليلة التي قتل فيها الحسين بن علي عليه السلام .

قال: فتربّد وجه هشام حتى انتقع لونه وهمّ أن يبطش بابي، فقال له أبي: يا امير المؤمنين الواجب على العباد الطّاعة لأمامهم و الصدق له بالنصيحة؛ وإنّ الذي دعاني الى ان اجيب امير المؤمنين فيما سألتني عنه معرفتي اياه بما يجب له عليّ من الطّاعة؛ فليحسن امير المؤمنين عليّ الظنّ، فقال له هشام: انصرف الى اهلك اذا شئت، قال: فخرج فقال له هشام عند خروجه: اعطني عهد الله وميثاقه ان لا توقع هذا الحديث الى احد حتى اموت، فاعطاه أبي من ذلك ما ارضاه - وذكر الحديث بطوله - .»



«باب بیست و چهارم»

«نشانه ها و علامت هایی که در بلاد وجود داشته و به آنها بر شهادت»

«حسین بن علی عليه السلام استدلال شده»

«حدیث اول»

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و گروهی از اساتیدم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی از حسین بن سعید از شخصی از یحیی بن بشیر نقل کرده که وی گفت: از ابوبصیر شنیدم که می گفت: حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند:

هشام بن عبدالملک پی پدرم فرستاد و ایشان را به شام دعوت نمود، هنگامی که پدرم بر وی داخل شد او محضر پدرم عرضه داشت: ای ابو جعفر من شما را به اینجا دعوت کرده و آوردم تا مسئله ای را از شما بپرسم چه آنکه صلاح نیست

دیگری آن را از شما جويا شود و اساساً روی زمین کسی را سراغ ندارم که شایسته دانستن این مسئله بوده یا کاملاً از آن اطلاع داشته باشد و تنها شخصی که از آن آگاه است یک نفر بوده و آن شما می‌باشید.

پدرم فرمودند:

آنچه را امیرالمؤمنین می‌خواهد سؤال کند اگر بدانم جواب داده و اگر ندانم می‌گویم نمی‌دانم و راست گفتن سزاوارتر است به من.

هشام عرض کرد: خبر دهید به من از شبی که در آن علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شدند و بفرومائید غائبی که در آن شهر نبوده و هنگام شهادت آن حضرت حضور نداشته به چه دلیلی بر قتل آن جناب استدلال کند و اصلاً برای مردم چه علامتی دال بر شهادت آن حضرت وجود داشته اگر از آن آگاه هستید و جواب می‌دهید در ضمن به من خبر دهید آیا آن علامت برای شهادت و قتل غیر علی بن ابی طالب علیه السلام نیز بوده یا نه؟

مرکز تحقیقات کربلا

پدرم به او فرمود:

ای امیرالمؤمنین در آن شبی که امیرمؤمنان علیه السلام کشته شد هر سنگی را که از زمین بلند می‌کردند زیر آن خون تازه بود چنانچه در شبی که هارون برادر موسی علیه السلام کشته شد و شبی که در آن یوشع بن نون مقتول واقع شد و شبی که در آن حضرت عیسی بن مریم به آسمان رفت و شبی که در آن شمعون بن حمون صفا به قتل رسید چنین بود و همچنین شبی که در آن حسین بن علی علیه السلام شهید گردید زیر هر سنگی که برداشته می‌شد خون تازه دیده می‌شد.

امام صادق علیه السلام سپس فرمودند:

رنگ صورت هشام از غضب تغییر کرد و حمله کرد به پدرم که ایشان را بگیرد.

پدرم به وی فرمود:

ای امیرالمؤمنین بر بندگان لازم است از امامشان اطاعت کرده و در مقام

نصیحت و خیرخواهی او باشند و تنها چیزی که من را بر این داشت درخواست
امیر را اجابت کرده و در اینجا حاضر شدم علم به این نکته است که بر من اطاعت
امیر لازم است از این رو انتظار دارم که امیرالمؤمنین به من حسن ظن داشته
باشد.

هشام به ایشان گفت:

اگر می‌خواهی به نزد اهل خود برگرد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

پدرم از نزد او خارج شد و هشام هنگام خروج به ایشان عرض کرد:

با خدا عهد و میثاق کنید که این حدیث را تا من زنده‌ام یا کسی بازگو نکنید.

پدرم به وی قول مساعد داد و او را از این رهگذر خوشنود نمودند.



متن:

۲- حدیثی ابوالحسین احمد بن عبدالله بن علی الناقدا قال:

حدیثی عبدالرحمن البلخی، قال لی ابوالحسین: و اخبرنی عمی عن أبیه،
عن أبی نضرة - عن رجل من اهل بیت المقدس - انه «قال: واللّٰه لقد
عرفنا اهل بیت المقدس و نواحیها عشیة قتل الحُسن بن علی علیه السلام،
قلت: و کیف ذاك؟ قال: ما رفعنا حَجراً و لا مدرأ و لا صخرأ الا و رأینا
تحتها دماً عبيطاً یغلی و احرّت الحیطان کالعلق، و مطر ثلاثة ایام دماً
عبيطاً، و سمعنا منادیاً ینادی فی جوف اللیل یقول:

| | |
|--------------------------|---------------------------|
| اترجو امة قتلت حسیناً | شفاعة جده يوم الحساب |
| معاذ الله! لأنسلم یقیناً | شفاعة أحمد و أبی تراب |
| قتلتم خیر من ركب المطایا | و خیر الشیب طراً و الشباب |

و انكسفت الشمس ثلاثة ايام ثم تجلّت عنها و انشبكت النجوم،
فلما كان من الغد أرجفنا بقتله، فلم يأت علينا كثير شيء حتى نعى اليك
الحسين عليه السلام».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابوالحسین احمد بن عبدالله بن علی ناقد می‌گوید:

عبدالرحمن بلخی برایم نقل نمود و ابوالحسین برایم گفت و عموم از
پدرش برایم خبر داد، از ابی‌نضره و او از شخصی از اهل بیت المقدس که وی
گفت:

به خدا قسم ما اهل بیت المقدس و حوالی آن به عصری که حضرت حسین
بن علی علیه السلام در آن شهید شدند آگاه و مطلع هستیم.

به او گفتم: چه طور؟

گفت: هیچ ریگ و کلوخ و سنگی را بر نداشتیم مگر زیر آن خون تازه‌ای
دیدیم که می‌جوشید، دیوارها قرمز گشت همچون خون بسیار سرخ، باران تاسه
روز بصورت خون تازه می‌بارید و در دل شب منادی نداء می‌کرد:

أترجوا أمة قتلت حسيناً شفاعته جدّه يوم الحساب

آیا امتی که حسین علیه السلام را کشتند امید دارند در روز حساب جدّش ایشان را
شفاعت کند؟

معاذ الله! لانسلم يقيناً شفاعته احمد و أبي تراب

پناه بر خدا! بطور قطع و یقین به شفاعت احمد علیه السلام و حضرت ابوتراب علیه السلام
نخواهید رسید.

قتلتم خير من ركب المطايا و خير الشيب طراً و الشباب

کشتید بهترین کسی را که بر اسبان می‌نشست و بهترین تمام سالمدان

و جوانان بود.

تا سه روز خورشید در نظر ما به حالت کسوف دیده می شد و پس از سه روز باز مشاهده گردید در شب ستارگان از کثرت و تراکم به طور خاصی دیده شدند پس فردای آن روز از قتل و شهادت آن حضرت پی گیری نموده چیزی عائد ما نشد تا خبر شهادت و قتل آن جناب علیه السلام به ما رسید.

متن:

۳- حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاقِدُ بِإِسْنَادِهِ قَالَ:
قَالَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ: قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو مَعْشَرٍ عَنِ الزَّهْرِيِّ «قَالَ: لَمَّا قَتَلَ
الْحُسَيْنَ عليه السلام لَمْ يَبْقَ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ حِصَاةٌ إِلَّا وَجَدَ تَحْتَهَا دَمَ عُبَيْطٍ».



﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

ابوالحسین احمد بن عبدالله بن علی ناقد به اسنادش می گوید:
عمر بن سعد گفت: ابو معشر برایم از زهری نقل کرد که وی گفت:
هنگامی که حسین بن علی علیه السلام شهید شد در بیت المقدس ریگی باقی نماند
مگر زیر آن خون تازه بود.

﴿الباب الغامس والعشرون﴾

﴿ما جاء في قاتل الحسين و قاتل يحيى بن زكريا عليهما السلام﴾

متن:

۱- حدیثی آبی - رحمه الله تعالى -؛ و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن محمد بن عيسى؛ و محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن جعفر بن بشير، عن حماد، عن كليب بن معاوية، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: كان قاتل يحيى بن زكريا ولد زنا، وكان قاتل الحسين عليه السلام ولد زنا و لم تبك السماء الا عليهما».



﴿باب بیست و پنجم﴾

﴿آنچه در باره کشته شدن امام حسین و یحیی بن زکریا﴾

﴿علیهما السلام وارد شده﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و گروهی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن محمد بن عیسی و محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از جعفر بن بشیر، از حماد از کلب بن معاویه، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کشته شدن یحیی بن زکریا ولد الزنا بوده و کشته شدن حضرت امام حسین عليه السلام نیز ولد الزنا است و آسمان نگریسته مگر بر این دو.

متن:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً، عَنْ
الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحُسَيْنِ، عَنْ فَضَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ
عَنْ كَلِيبِ بْنِ مَعَاوِيَةَ الْأَسَدِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ؑ مثله.

ترجمه:

محمد بن حسن و محمد بن احمد بن حسين جملگی از حسن بن علی بن
مهزیار از پدرش از حسن، از فضالة بن ایوب از کلیب بن معاویه اسدی از
حضرت ابی عبدالله ؑ مثل حدیث مذکور را نقل کرده‌اند.

متن:

۲- وَ حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
هَاشِمٍ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَمْرِو بْنِ شُمَيْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ؑ
«قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ فِي النَّارِ لِمَنْزِلَةً لَمْ يَكُنْ يَسْتَحِقُّهَا أَحَدٌ مِنَ
النَّاسِ إِلَّا قَاتِلَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا ؑ».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد الله از ابراهیم بن هاشم از عثمان بن عیسی
از عمرو بن شمر از جابر، از حضرت ابی جعفر ؑ نقل نموده که آن جناب
فرمودند:

رسول خدا صلی الله و آله و سلم فرمودند:

در جهنم جایگاهی است که احدی از مردم استحقاق آن را نداشته مگر کشنده
حضرت حسین بن علی و یحیی بن زکریا ؑ

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ: تَقْتُلُ وَاللَّهِ ذُرَارِي قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ بِفَعَالٍ أَبَائِهَا».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و علی بن حسین، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد، از محمد بن سنان، از اسماعیل بن جابر، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:



شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمودند: به خدا قسم فرزندان کشتگان حضرت حسین بن علی علیه السلام به واسطه افعال پدرانشان کشته خواهند شد.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: كَانَ قَاتِلُ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَلَدَ زَنَا، وَ قَاتِلُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا وَلَدَ زَنَا».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و محمد بن الحسن، از احمد بن محمد، از حسن صفار، از احمد بن

محمد بن عیسی از ابن فضال، از ابن بکیر از زرارہ، از عبدالحالق از حضرت ابی
عبدالله علیه السلام نقل کرده کہ آن جناب فرمودند:

کشنده حضرت حسین بن علی علیه السلام و یحیی بن زکریا ولد زنا بودند.

متن:

۵ - حدَّثني محمد بن جعفر القرشي الرزّاز، عن خاله محمد بن الحسين
ابن أبي الخطاب، عن علي بن النعمان، عن مثنى، عن سدير «قال: سمعت
أبا جعفر عليه السلام يقول: إنّ الله [جلّ و عزّ] جعل قتل أولاد النبيّين من الأمم
الماضية على يدي أولاد زنا».



ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزّاز از دائی خودش محمد بن حسین بن ابی الخطاب
از علی بن نعمان از مثنی از سدير نقل کرده که وی گفت:
از حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
خداوند متعال قتل فرزندان پیامبران امت های گذشته را در دست زنازادگان
قرار داده است.

متن:

۶ - و عنه، عن محمد بن الحسين، عن صفوان بن يحيى، عن داود بن
فرقد، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: كان الذي قتل الحسين بن علي عليه السلام ولد
زنا والذي قتل يحيى بن زكريا ولد زنا».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی، از محمد بن حسین، از صفوان بن یحیی، از داود بن فرقد، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: کسی که حضرت حسین بن علی علیه السلام و نیز شخصی که حضرت یحیی بن زکریا را کشت زنا زاده بود.

متن:

۷- و عنه، عن محمد بن الحسین، عن علی بن اسباط، عن اسماعیل ابن ابی زیاد، - عن بعض رجاله - عن ابی عبد الله علیه السلام «فی قول فرعون: «ذرونی اقتل موسی»، فقیل له: من کان یمنعه؟ قال: کان لرشدة، لأنّ الانبیاء و الحجج لا یقتلهم الا اولاد زنا و البغایا».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی از محمد بن حسین، از علی بن اسباط از اسماعیل بن ابی زیاد از برخی رجالش از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که در ذیل کلام فرعون که گفت:

ذرونی اقتل موسی (واگذارید من را تا موسی را بکشم) به حضرت عرض شد: چه کسی او را از قتل موسی منع می کرد؟

حضرت فرمودند:

افراد حلال زاده چه آنکه انبیاء و حجت های خدا را تنها زنازادگان و حرامزاده ها می کشتند.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بِهَذَا الْحَدِيثِ.

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و گروهی از اساتیدم، از سعد بن عبد الله بن ابی خلف، از محمد بن حسین این حدیث را برایم نقل نموده‌اند.

متن:

۸- وَ حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - عَنْ ابْنِ مَسْكَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَاتَلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَلَدَ زَنَا».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد الله، از ابراهیم بن هاشم، از ابن ابی عمیر، از برخی اصحابش از ابن مسکان از حضرت ابی عبد الله عليه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

کشنده حسین بن علی عليه السلام زنازاده بوده است.

متن:

۹- وَ حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ،

عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: لا يقتل النبیین و اولاد النبیین الا اولاد زنا».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

ترجمه: پدرم علیه الرحمه و محمد بن حسن از سعد بن عبدالله، از ابراهیم بن هاشم، از عثمان بن عیسی از عمرو بن شمر از جابر از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
انبیاء و اولاد انبیاء را تنها زنا زادگان می کشند.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحُسَيْنِيِّ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يقتل الأنبياء و اولاد الأنبياء الا وولد زنا».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن ابی عبدالله برقی از پدرش محمد بن خالد از عبدالعظیم بن عبدالله بن علی الحسنی از حسن بن حسین عمری از حسین بن شداد جعفری از جابر از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:
انبیاء و فرزندان ایشان را نمی‌کشد مگر زنا زاده.

متن:

۱۱- حدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْفَضَّالِ، عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ كَثِيرٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: كَانَ قَاتِلُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَلَدَ زَنَاءٍ، وَكَانَ قَاتِلُ يُحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا وَلَدَ زَنَاءٍ، وَلَمْ تَبْكُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ إِلَّا لَهَا - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ -».



﴿ حَدِيثِ يازدهم ﴾

ترجمه:

محمّد بن الحسن بن احمد بن وليد از محمد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن علی بن فضال از مروان بن مسلم از اسماعیل بن کثیر نقل نموده که وی گفت:

از حضرت ابا عبدالله ﷺ شنیدم که می‌فرمودند:

قاتل حضرت حسین بن علی سلام الله علیهما و کشنده حضرت یحیی بن زکریّا ﷺ زنا زاده بوده و آسمان و زمین نگریسته مگر براین دو....

﴿الباب السادس والعشرون﴾

﴿بكاء جميع ما خلق الله على الحسين بن علي عليه السلام﴾

متن:

۱- حدَّثني محمد بن جعفر الرزاز القرشي، قال: حدَّثني خالي محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع، عن أبي اسماعيل السراج، عن يحيى بن معمر العطار، عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام: «قال: بكى الأنس والجن والطير والوحش على الحسين ابن علي عليه السلام حتى ذرفت دموعها»

و حدَّثني أبي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبد الله بن أبي خلف، و محمد بن يحيى العطار جميعاً، عن محمد بن الحسين، بإسناده مثله.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

﴿باب بیست و ششم﴾

﴿گريستن تمام مخلوقات بر حضرت حسين بن علي عليه السلام﴾

ترجمه:

﴿حديث اول﴾

محمد بن جعفر رزاز قرشي می گوید:

دائی من محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل بن بزيع، از ابی اسماعیل سراج، از یحیی بن معمر عطار، از ابی بصیر، از حضرت ابو جعفر عليه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

انس و جن، پرنده و وحوش بر حسین بن علی عليه السلام گریستند حتی

اشک‌هایشان جاری گشت.

و پدرم علیه الرحمه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبدالله بن ابی خلف و محمد بن یحیی عطار جملگی از محمد بن حسین به اسنادش مثل همین خبر را نقل کرده‌اند.

متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي دَاوُدَ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عُمَرَ الْجَلَّابِ^(۱)، عَنْ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ، «قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ أُمِّی: الْحُسَيْنُ الْمَقْتُولُ بظَهَرِ الْكُوفَةِ، وَاللَّهُ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْوَحُوشِ مَادَّةَ اعْنَاقِهَا عَلَى قَبْرِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الْوَحْشِ، يَبْكُونَهُ وَ يَرْتُونَهُ لَيْلًا حَتَّى الصُّبْحِ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَأَيَّاكُمْ وَ الْجَفَاءَ»

« حدیث دوم »

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن ابی داود، از سعد بن ابی عمر جلاب، از حارث اعور نقل کرده که گفت:

حضرت علی علیه السلام که پدر و مادرم فدایش باد فرمودند:

حسین در پشت کوفه کشته خواهد شد، به خدا قسم گویا می‌بینم که وحوش گردن‌های خود را بر قبرش کشیده و بر او می‌گیرند و از شب تا صبح بر او مرثیه می‌خوانند و وقتی حال وحوش چنین باشد پس شما انسان‌ها از جفاء به او حذر کنید.

۱- کذا فی بعض نسخ الکتاب الموجودة عندنا و فی بعضها سعد بن عمر الجلاب و فی البطار قلأ عن الکتاب.

متن:

۳- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ الرَّزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عَثْمَانَ، عَنْ عَبْدِ الْجَبَّارِ النَّهَوَنْدِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوِيرٍ بْنِ أَبِي فَاخْتَةَ؛ وَ يُونُسَ ابْنَ ظَبْيَانَ؛ وَ أَبِي سَلَمَةَ السَّرَّاجِ؛ وَ الْمُفَضَّلَ بْنَ عَمْرِو كُلَّهِمْ قَالُوا: «سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام لَمَّا مَضَى بَكَتْ عَلَيْهِ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَنْ يَنْقَلِبُ عَلَيْهِنَّ، وَ الْجَنَّةُ وَ النَّارُ، وَ مَا خَلَقَ رَبَّنَا وَ مَا يَرَى وَ مَا لَا يَرَى».

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عَثْمَانَ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

ترجمه:
 ﴿ حَدِيثِ سَوِّم ﴾

محمد بن جعفر قرشی رزاز از محمد بن حسین بن ابی الخطاب از حسن بن علی بن ابی عثمان از عبد الجبار نهاوندی از ابی سعید، از حسین بن ثویر بن ابی فاخته و یونس بن ظبیان و ابی سلمه سراج و مفضل بن عمر جملگی گفتند:
 شنیدیم حضرت ابو عبد الله عليه السلام می فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین بن علی عليه السلام به شهادت رسیدند آسمان های هفتگانه و طبقات هفتگانه زمین و آنچه در آنها و بین آنها بود و تمام موجودات و جنبندگان بر روی آنها و بهشت و دوزخ و بالآخره کلیه اشیا که پروردگار ما آنها را آفریده و موجودات مرئی و نامرئی کلاً بر آن حضرت گریستند.

و پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد الله و او از محمد بن الحسین و او از حسن بن علی بن ابی عثمان با اسنادش برایم مثل حدیث مذکور را نقل نمود.

متن:

۴۔ و حدَّثنی اَبی۔ رحمہ اللہ۔ عن سعد بن عبد اللہ، عن الحُسَین بن عبید اللہ، عن الحسن بن علی بن اَبی عثمان، عن عبد الجبار النہساوندی، عن اَبی سعید، عن الحُسَین بن ثویر؛ و یونس؛ و اَبی سلمة السَّراج؛ و المفضل بن عمر «قالوا: سمعنا ابا عبد اللہ ﷺ یقول: لَمَّا مضى الحُسَین بن علی ﷺ بکی علیہ جمیع ما خلق اللہ الا ثلثة اشیاء البصرة و دمشق و آل عثمان».

ترجمہ:

﴿ حدیث چہارم ﴾

پدرم علیہ الرحمہ از سعد بن عبد اللہ، از حسین بن عبید اللہ، از حسن بن علی بن ابی عثمان از عبد الجبار نہاوندی از ابو سعید از حسین بن ثویر و یونس و ابی سلمہ سراج و مفضل بن عمر جمعی گفتند کہ از حضرت ابی عبد اللہ ﷺ شنیدیم کہ می فرمود: هنگامی کہ حضرت حسین بن علی ﷺ شہید شدند تمام مخلوقات خدا بر آن حضرت گریستند مگر سه چیز: بصرہ و دمشق و آل عثمان.

متن:

۵۔ حدَّثنی اَبی۔ رحمہ اللہ۔ عن سعد بن عبد اللہ، عن احمد بن محمد ابن عیسی، عن القاسم بن یحیی، عن الحسن بن راشد، عن الحُسَین بن ثویر «قال: كنت انا و یونس بن ظبیان و المفضل بن عمر و ابوسلمة السَّراج جلوساً عند اَبی عبد اللہ ﷺ فكان المتکلم یونس، و کان اکبرنا سنّاً و ذکر حدیثاً طویلاً یقول، ثم قال ابو عبد اللہ ﷺ: انَّ ابا عبد اللہ ﷺ

لَمَّا مَضَى بَكَتْ عَلَيْهِ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ
وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَمَا يَنْقَلِبُ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبَّنَا، وَمَا يَرَى وَمَا
لَا يَرَى بِكَيِّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ لَمْ تَبْكْ عَلَيْهِ، قُلْتَ: جُعِلَتْ
فِدَاكَ مَا هَذِهِ الثَّلَاثَةُ أَشْيَاءَ؟ قَالَ: لَمْ تَبْكْ عَلَيْهِ الْبَصْرَةَ وَلَا دِمَشْقَ
وَلَا آلَ عَثْمَانَ بْنِ عَفَّانٍ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از
قاسم بن یحیی، از حسن بن راشد از حسین بن ثویر نقل کرده که وی گفت:
من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمر و ابوسلمه سراج محضر حضرت
ابی عبدالله (علیه السلام) نشسته بودیم و یونس که از همه ما مسن تر بود سخن می گفت
و حدیث طولانی را ذکر کرد سپس امام صادق (علیه السلام) فرمودند:
هنگامی که حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) شهید شدند آسمان ها و طبقات
هفت گانه زمین و آنچه در آنها و بین آنها بود و تمام جنبنده گان در بهشت
و دوزخ و کلیه موجودات مرئی و نامرئی بر آن حضرت گریستند مگر سه چیز که
بر آن مظلوم گریه نکردند.

عرض کردم: فدایت شوم آن سه چیز کدام بودند؟

حضرت فرمودند:

بصره و دمشق و آل عثمان بن عفان بودند که به آن سرور نگریستند.

متن:

٦ - وحدثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن أبي يعقوب، عن أبان بن عثمان، عن زراة «قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: يا زراة ان السماء بكت على الحسين اربعين صباحاً بالدم؛ وان الأرض بكت اربعين صباحاً بالسواد؛ وان الشمس بكت اربعين صباحاً بالكسوف والحُمرة؛ وان الجبال تقطعت وانشطرت؛ وان البحار تفجرت وان الملائكة بكت اربعين صباحاً على الحسين عليه السلام، وما اختضبت منا امرأة ولا اذهنت ولا اكتحلت ولا رجلت حتى أتانا رأس عبيدالله بن زياد، ومازلنا في عبوة بعده، وكان جدى اذا ذكره بكى حتى قملأ عيناه لحبسته، و حتى يبكي لبكائه - رحمة له - من رآه، وان الملائكة الذين عند قبره ليبكون، فيبكي لبكائهم كل من في الهواء والسماء من الملائكة، ولقد خرجت نفسه عليه السلام فزقرت جهنم زفرة كادت الأرض تشق لزفرتها، ولقد خرجت نفس عبيدالله بن زياد ويزيد بن معاوية [لعنهم الله]، فشبهت جهنم شهقة لولا ان الله حبسها بخزانها لأحرقت من على ظهر الأرض من قورها، ولو يؤذن لها ما بق شيء الا ابتلعتة ولكنها مأمورة مصفودة ولقد عنت على الخزان غير مرة حتى أتاهما جبرئيل فضربها بجناحه فسكنت، وانها لتبكيه وتندبه وانها لتلطف على قاتله، ولولا من على الأرض من حجج الله لنقضت الأرض وأكفأت [ب] ما عليها وما تكثر الزلازل الا عند

اقتراب الساعة؛

و ما من عين احب الى الله و لأعبرة من عين بكت و دمعت عليه و ما من باك يبيكه الا و قد وصل فاطمة (ع) و اسعدھا عليه و وصل رسول الله (ص) و اذى حقنا و ما من عبد يحشر الا و عيناه باكية الا الباكين على جدی الحسين (ع) فإنه يحشر و عينه قريرة و البشارة تلقاه و السرور [بين] على وجهه، و الخلق في الفرع و هم آمنون، و الخلق يعرضون و هم حداث الحسين (ع) تحت العرش و في ظل العرش، لا يخافون سوء يوم الحساب يقال لهم: ادخلوا الجنة، فيأبون و يختارون مجلسه و حديثه و ان الحور لترسل إليهم أنا قد اشتقناكم مع الولدان المخلدین فما يرفعون رؤوسهم اليهم لما يرون في مجلسهم من السرور و الكرامة، و ان اعدائهم من بين مسحوب بناصيته الى النار، و من قائل: «ما لنا من شافعين و لا صدق رحيم»؛

و انهم ليرون منزلهم، و ما يقدرون ان يدنوا اليهم، و لا يصلون اليهم، و ان الملائكة لتأتهم بالرسالة من ازواجهم و من خزائنهم على ما اعطوا من الكرامة فيقولون: نأتيكم انشاء الله، فيرجعون الى ازواجهم بمقالاتهم، فيزدادون اليهم شوقاً اذا هم خبروهم بما هم فيه من الكرامة و مريمهم من الحسين (ع) فيقولون الحمد لله الذي كفانا الفرع الأكبر، و أهوال القيامة، و نجانا مما كنا نخاف، و يؤتون بالمراكب و الرجال على النجائب، فيستون عليها، و هم في الثناء على الله و الحمد لله و الصلاة على محمد و آله، حتى ينتهوا الى منازلهم.

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن الاصبم، از ابی یعقوب از ابان بن عثمان، از زرارہ نقل نموده که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای زرارہ آسمان تا چهل روز بر حسین بن علی علیه السلام خون بارید و زمین تا چهل روز تار و تاریک بود و خورشید تا چهل روز گرفته و نورش سرخ بود و کوهها تکه تکه شده و پراکنده گشتند و دریاها روان گردیده و فرشتگان تا چهل روز بر آن حضرت گریستند و هیچ زنی از ما اهل بیت خضاب نکرد و روغن به خود نمالید و سرمه نکشید و موهایش را شانه نزد تا وقتی که سر عیدالله بن زیاد را به نزد ما فرستادند و پیوسته بعد از شهادت آن حضرت چشمان، اشک آلود بود و هرگاه جدم یاد آن حضرت را می نمود محاسنش از اشک خیس می گشت بطوری که هر کس آن جناب را می دید به حالش ترحم نموده و از گریه اش به گریه می افتاد و فرشتگانی که نزد قبر آن حضرت هستند جملگی می گریند و از گریه ایشان تمام فرشتگان در آسمان و زمین گریه می کنند، هنگامی که روح مطهر آن حضرت از کالبد شریفش خارج شد دوزخ فریاد و بانگی زد که نزدیک بود از صدای آن زمین منشق شود و زمانی که روح خبیث عیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه از بدن کثیفشان خارج گردید جهنم جیفی کشید که اگر حق تعالی بوسیله فرشتگان حافظ دوزخ آن را کنترل و حبس نمی نمود تمام موجودات روی زمین از هیبت آن می سوختند و اگر آتش جهنم از حق تعالی اذن می داشت هیچ جنبنده ای را روی زمین باقی نمی گذارد بلکه تمام را می بلعید مستهی مأمور و اسیر فرمان او است و بدون امر حق جلّت عظمت حرکتی از آن صادر نمی شود و مع ذلک چند مرتبه بر نگهبانان طغیان کرده تا بالآخره جبرئیل در آنجا حاضر شد و بالش را بر آن زد تا ساکت گردید.

ولی در عین حال از آن تاریخ به بعد بر حضرتش گریه و نندبه کرده و پیوسته بر قاتلین او زیانه می‌کشد و اگر حجت‌های خدا روی زمین نمی‌بودند آن را واژگون می‌کرد و لرزش‌های زمین و زلزله‌ها زیاد نمی‌شود مگر صرفاً در وقت قیامت.

و هیچ چشم و اشکی نزد خدا محبوب‌تر از چشم و اشکی نیست که بگیرد و بر آن حضرت جاری گردد و هیچ گریه‌کننده‌ای نیست که بر آن جناب بگیرد مگر آنکه گریه‌اش به حضرت فاطمه علیها السلام رسیده و آن بانو را یاری می‌کند و نیز گریه‌اش به حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده و بدین وسیله حق ما را ادا کرده.

و هیچ بنده‌ای نیست که روز قیامت محشور شود مگر آنکه چشمانش گریان است غیر از گریه‌کنندگان بر جدم حضرت حسین بن علی علیه السلام چه آنکه ایشان در حالی که چشمانی روشن و باز دارند محشور می‌گردند و آثار سرور و شادی در صورتشان نمایان می‌باشد، مردم در فزع و ناراحتی بوده ولی ایشان از هر غم و محنتی در امان هستند، مردم متفرق و پراکنده و مضطرب بوده ولی ایشان در زیر عرش و سایه آن به یاد حسین علیه السلام بوده و درباره آن جناب به گفتن حدیث مشغولند، از ناملازمات و ناراحتیهای روز حساب هیچ خوف و هراسی ندارند. به ایشان گفته می‌شود: داخل بهشت شوید ولی آنها از ورود به بهشت امتناع نموده و مجلس ذکر حسین علیه السلام را اختیار می‌کنند، فرشتگان و حورالعین به آنها پیغام می‌دهند که ما با ولدان مخلد مشتاق شما هستیم ولی ایشان از فرط سرور و نشاطی که در مجلسشان دارند سرشان را بالا نکرده و به آنها نمی‌نگرند.

دشمنان ایشان در آخرت دو گروه هستند:

الف: کسانی که موی جلو سر ایشان را فرشتگان عذاب گرفته و آنها را روی زمین کشان کشان به طرف جهنم می‌برند.

ب: آنانکه از روی حسرت می‌گویند: ما لنا من شافعين و لا صديق هم، نه شفيعی داریم و نه دوستی که از ما حمایت کند.

+

دشمنان ایشان مقام و منزل آنها را دیده ولی نمی توانند نزدیک ایشان شوند. فرشتگان از طرف همسرهای ایشان در بهشت و نگهبانان بر ایشان پیغام آورده که چه کرامت و عطایائی به آنها اعطاء شده.

ایشان در جواب می گویند: انشاء الله نزد شما خواهیم آمد و پس از این گفتار به نزد آنها بازگشته و وقتی همسرانشان به آنها خبر می دهند که در نزدیکی حضرت حسین علیه السلام می باشند شوقشان زیاد گشته و از شعف دل می گویند: حمد می کنیم حق تعالی را که ما را از فرع اکبر و وحشت های قیامت در امان داشت و از آنچه هراس داشتیم نجات داد.

خداوند متعال به ایشان مرکب ها و اسب های نیکوئی که بر پشت آنها زین نهاده شده اعطاء فرمود و ایشان بر آنها سوار شده و در حالی که خدای مَنان را ستوده و حمد و ثناء گفته و صلوات بر محمد و آل محمد می فرستند حرکت نموده تا به منازل و جایگاه خویش می رسند.

مرزیت کبیر علی بن ابراهیم

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْكَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، «قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام [و] أَحَدْتُهُ، فَدَخَلَ عَلَيْهِ ابْنُهُ فَقَالَ لَهُ: مَرْحَباً، وَضَمَّهُ وَقَبَّلَهُ وَقَالَ: حَقَّرَ اللَّهُ مَنْ حَقَّرَكَ، وَانْتَقَمَ مِنْ مَنْ وَتَرَكَكَ، وَحَذَّلَ اللَّهُ مَنْ خَذَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَكَانَ اللَّهُ لَكُمْ وَلِيّاً وَحَافِظاً وَنَاصِراً، فَقَدْ طَالَ بَكَاءُ النِّسَاءِ وَبَكَاءُ الْأَنْبِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ وَالشَّهَدَاءِ وَمَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، وَتَمَّ بَكْيٌ وَقَالَ: يَا أَبَا بَصِيرٍ إِذَا نَظَرْتَ إِلَى وَلَدِ الْحُسَيْنِ

أتاني ما لأملكه بما أتى إلى أبيهم، واليه يا أبا بصير أن فاطمة عليها السلام لتبكيه
و تشهي، فترفر جهنم زفرة لولا أن الخزنة يسمعون بكاءها وقد
استعدوا لذلك مخافة أن يخرج منها عنق أو يشرر دخانها فيحرق أهل
الأرض فيكبحونها ما دامت باكية، ويزجرونها ويستوثقون من أبوابها
مخافة على أهل الأرض، فلاتسكن حتى يسكن صوت فاطمة عليها السلام؛

وإن البخار تكاد أن تنفتق فيدخل بعضها على بعض، وما منها قطرة
الآ بها ملك موكل، فإذا سمع الملك صوتها اطفأ ناراها بأجنحته وحبس
بعضها على بعض مخافة على الدنيا وما فيها ومن على الأرض، فلا تزال
الملائكة مشفقين ييكون لبكائها ويدعون الله ويستضرعون إليه،
ويتضرع أهل العرش ومن حوله؛ وترتفع اصوات من الملائكة
بالتقديس لله مخافة على أهل الأرض، ولو أن صوتاً من اصواتهم يصل
إلى الأرض لصعق أهل الأرض وتقطعت الجبال وزلزلت الأرض
بأهلها.

قلت: جعلت فداك إن هذا الأمر عظيم! قال: غيره اعظم منه ما
لم تسمعه، ثم قال لي: يا أبا بصير أما تحب أن تكون فيمن يسعد
فاطمة عليها السلام؟ فبكيت حين قالها فما قدرت على النطق وما قدر على كلامي
من البكاء ثم قام إلى المصلّى يدعوا فخرجت من عنده على تلك الحال
فما انتفعت بطعام وما جاني النوم، وأصبحت ضامناً وجلأً حتى أتته،
فلما رأيته قد سكن سكنتُ وحمدت الله حيث لم تُزل بي عقوبةً.

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

محمد بن عبدالله، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن مسکان، از ابوبصیر نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک امام صادق علیه السلام بوده و برای آن جناب سخن می‌گفتم در این هنگام یکی از فرزندان حضرت داخل شد.

امام علیه السلام به او فرمودند: بارک الله و او را به سینه خود چسبانده و وی را بوسیده و فرمودند:

خدا ذلیل کند کسانی را که شما را ذلیل کنند و انتقام کشد از آنانکه به شما ظلم کنند، و خوار کند افرادی را که شما را خوار کنند، و لعنت کند اشخاصی را که شما را می‌کشند و خدا ولی و حافظ و ناصر شما باشد، زنان و انبیاء و صدیقین و شهداء و فرشتگان آسمان بسیار بر شما گریستند، سپس آن حضرت گریسته و فرمودند:

ای ابوبصیر هرگاه به بچه‌های حضرت حسین علیه السلام می‌نگرم به واسطه مصیبت و ظلمی که به پدرشان و خودشان شده حالتی به من دست می‌دهد که قابل کنترل نیست.

ای ابوبصیر: فاطمه علیها السلام بر آن حضرت گریست و زجه زده و به دنبال آن جهنم فریادی کشید و جیغی زد که فرشتگان حافظ و نگهبان بر آن، صدای گریه دوزخ را شنیدند و سریع آماده شدند آن را کنترل کنند زیرا خوف آن بود که از درون دوزخ آتش زیانه کشد یا دود آن بیرون رفته و اهل زمین را بسوزاند لذا تا مادامی که دوزخ گریان و نالان است فرشتگان حافظ آن را مهار کرده و به جهت خوف و هراسی که بر اهل زمین دارند آن را محافظت نموده و درب‌های آن را محکم بسته‌اند ولی در عین حال دوزخ ساکت و آرام نمی‌شود مگر صدای فاطمه علیها السلام آرام گردد.

ای ابوبصیر دریاها نزدیک بود شکاف برداشته در نتیجه برخی در بعضی دیگر داخل شوند و قطره‌ای از آب دریاها نیست مگر آنکه فرشته‌ای بر آن موکل است، لذا هرگاه فرشته موکل بانگ دریا و خروش آن را بشنود با زدن بالش خروش و طغیان را خاموش و ساکت می‌کند و آنها را حبس و نگاه داشته تا بر یکدیگر داخل و وارد شوند و این نیست مگر بخاطر خوف و هراس بر دنیا و آنچه در آن و کسانی که بر روی زمین می‌باشند و پیوسته فرشتگان از روی شفقت و ترحم به واسطه گریستن دریاها می‌گیرند و خدا را خوانده و به جانبش تضرع و زاری نموده و اهل عرش و اطراف آن نیز جملگی در تضرع و ناله می‌باشند.

صداهای فرشتگان بلند است که به خاطر خوف و هراس بر اهل زمین همواره حق تعالی را تقدیس و تنزیه می‌نمایند و اگر احیاناً صدای آنها به زمین برسد اهل زمین به فریاد آمده و کوهها قطعه قطعه شده و زمین اهلش را می‌لرزاند.

ابو بصیر می‌گوید: محضر مبارک امام (علیه السلام) عرصه داشتیم:

فدایت شوم این امر بسیار عظیم و بزرگ است!

حضرت فرمودند: از این عظیم تر غیر آن، یعنی خبری که نشنیده‌ای می‌باشد، سپس فرمودند: ای ابو بصیر! دوست نداری در زمره کسانی باشی که حضرت

فاطمه (علیها السلام) را کمک می‌کنند؟

ابو بصیر می‌گوید: وقتی امام (علیه السلام) این کلام را فرمودند بطوری گریه به من دست داد که قادر بر سخن گفتن نبودم و چنان بغض گلویم را می‌فشرد که توانایی بر تکلم نداشتم.

سپس حضرت بپا خواسته و به نمازخانه تشریف برده و به خواندن دعا پرداختند.

پس از مجلس حضرت با چنین حالی برخاسته و بیرون آمدم پس نه طعام خوردم و نه خوابیدم و صبح روز بعد را با حالی ترسان روزه گرفته تا آنکه

محضر مبارکش دو باره مشرف شدم پس وقتی آن جناب را ساکن و آرام دیدم
من نیز آرام گرفتم و از اینکه عفویت و بلائی بر من نازل نشده حق تعالی را حمد
و ستایش نمودم.

﴿الباب السابع والعشرون﴾

﴿بكاء الملائكة على الحسين بن علي﴾

متن:

۱- حدیثی است از امام علی علیه السلام - و جماعه مشایخی، عن سعد بن عبدالله،
عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن حماد بن عيسى، عن
ربيع بن عبد الله، عن الفضيل بن يسار، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: ما لكم
لا تأتون - يعني قبر الحسين عليه السلام - فإن أربعة آلاف ملك يبكونه» [عند
قبره الى يوم القيمة].

﴿باب بیست و هفتم﴾

﴿گریستن فرشتگان بر حضرت حسین بن علی﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبدالله، از احمد بن
محمد بن عيسى، از حسين بن سعيد، از حماد بن عيسى، از ربيع بن عبد الله، از
فضيل بن يسار، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:
شما را چه می شود که به آنجا نمی روید (يعني به قبر حضرت حسين عليه السلام) چه
آنکه چهار هزار فرشته تا روز قیامت بر سر قبر آن جناب حاضر بوده و بر آن
حضرت می گریزند.

متن:

۲- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ، عَنْ عَمْرِ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلِكٍ هَبَطُوا يَرِيدُونَ الْقِتَالَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام، لَمْ يُؤْذَنْ لَهُمْ فِي الْقِتَالِ فَرَجَعُوا فِي الْأَسْتِيزَانِ فَهَبَطُوا وَ قَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ عليه السلام فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْتُ غُبَرٍ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ، رَأْسُهُمْ مَلِكٌ يُقَالُ لَهُ: الْمَنْصُورُ».

﴿ حَدِيثِ دَوِّم ﴾

ترجمه:

و مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ رَزَّازِ، از مُحَمَّدُ بْنُ حُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، از مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ، از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ، از عَمْرِ بْنُ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ، از أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ نقل کرده که گفت:

حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند:

چهار هزار فرشته به زمین فرود آمدند و خواستند همراه حضرت امام حسین عليه السلام به قتال پردازند ولی آن جناب به ایشان اذن ندادند، پس بار دیگر که به زمین فرود آمده برای اذن گرفتن آن حضرت شهید شده بودند لذا ایشان بر سر قبر آن حضرت به حالتی ژولیده و گرفته باقی مانده و تا روز قیامت می‌گریند، رئیس ایشان فرشته‌ای است که به او منصور می‌گویند.

متن:

۳- و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ جَمَاعَةُ مَشَائِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى، عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى، عَنْ رَبِيعٍ، عَنْ الْفَضِيلِ بْنِ

یسار «قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: مالکم لا تاتونه - یعنی قبر الحسین علیه السلام - فان اربعة آلاف ملك يبكون عنده الى يوم القيمة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

و پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از علی بن اسماعیل، از حماد بن عیسی، از ربیع، از فضیل بن یسار نقل کرده‌اند که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

شمارا چه می‌شود که به آنجا نمی‌روید (یعنی به قبر حضرت حسین علیه السلام) چه آنکه چهار هزار فرشته تا روز قیامت بر سر قبر آن جناب حاضر بوده و بر آن حضرت می‌گیرند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۴ - وحدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسمعيل، عن ابي اسمعيل السراج، عن يحيى بن معمر العطار، عن ابي بصير، عن ابي جعفر علیه السلام «قال: اربعة آلاف ملك شعث غبر يبكونه الى يوم القيمة»

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

و محمد بن جعفر رزاز از محمد بن حسین از محمد بن اسماعیل، از ابی اسماعیل سراج، از یحیی بن معمر عطار، از ابی بصیر، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

چهار هزار فرشته ژولیده و گرفته تا قیامت بر آن حضرت گریه می‌کنند.

متن:

۵- و حَدَّثَنِي أَبِي - رحمه الله - و علي بن الحسين جميعاً، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، «علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبدالله (ع) قال: وكل الله تعالى بالحسين (ع) سبعين ألف ملك يصلون عليه كل يوم شعئاً غبراً منذ يوم قتل الى ما شاء الله - يعني بذلك قيام القائم (ع) -».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

و پدرم علیه الرحمة و علی بن الحُسن، جملگی از سعد بن عبدالله، از احمد ابن محمد بن عیسی، از علی بن الحُکم، از ابی حمزه، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله (ع) نقل کرده اند که آن جناب فرمودند: از روزی که حضرت حسین (ع) شهید شده اند تا زمانی که خدا بخواهد یعنی تا قیام قائم (ع) خداوند هفتاد هزار فرشته را مبعوث فرموده که با حالی ژولیده و گرفته هر روز بر حضرتش صلوات فرستاده و طلب رحمت می کنند.

متن:

۶- و عن سعد، عن ابراهيم بن هاشم، عن ابن فضال، عن ثعلبة، عن مبارك العطار، عن محمد بن قيس «قال: قال لي ابو عبدالله (ع): عند قبر الحسين (ع) اربعة آلاف ملك شعئ غبر ييكونه الى يوم القيمة».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم علیه الرحمة و علی بن الحُسَین جملگی از سعد، از ابراهیم بن هاشم، از ابن فضال از ثعلبه، از مبارک عطار، از محمد بن قیس نقل کرده که وی گفت:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

چهار هزار فرشته زولیده و گرفته نزد قبر حضرت حسین علیه السلام بوده که تا روز قیامت بر آن جناب می‌گیرند.

متن:

۷- وَحَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ هَارُونَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: وَكُلُّ اللَّهِ بِه أَرْبَعَةُ آلَافٍ مَلِكٍ شَعَثٌ غَيْرٌ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ».

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم علیه الرحمة و محمد بن الحسن و علی بن الحُسَین، جملگی از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

خداوند منان چهار هزار فرشته بر قبر حضرت سید الشهداء علیه السلام موکل نموده که همگی زولیده و گرفته بوده و تا روز قیامت گریه می‌کنند.

متن:

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ صفوان بن يحيى، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ الْفَضِيلِ، عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ «قَالَ إِنَّ عَلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلِكٍ شَعَثٌ غَيْرٌ يَكُونُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ - قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ: يَحْرُسُونَهُ -».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن حسن الصفار، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب علیه السلام، از صفوان بن یحیی، از حریز، از فضیل بن یسار، از امام باقر یا امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: چهار هزار فرشته ژولیده و غمگین و گرفته بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام موکل بوده که تا روز قیامت گریه می کنند. محمد بن مسلم می گوید: این چهار هزار فرشته قبر را حراست و نگهبانی می نمایند.

متن:

۹- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ ابْنِ عِيْسَى، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ حماد بن عيسى، عَنْ رِيعَى «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - بِالْمَدِينَةِ - : أَيْنَ قُبُورُ الشَّهَدَاءِ؟ فَقَالَ: أَيْسَ أَفْضَلُ الشَّهَدَاءِ عِنْدَكُمْ؟ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ حَوْلَهُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلِكٍ شَعَثٌ غَيْرٌ يَكُونُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ».

وحدَّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفَّار، عن العباس
ابن معروف مثله.

ترجمه: ﴿ حدیث نهم ﴾

پدرم رحمه الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از
عباس بن معروف، از حماد بن عیسی، از ربیع نقل کرده که وی گفت:
در مدینه محضر امام صادق علیه السلام بودم به ایشان عرض کردم:
قبور شهداء در کجا است؟
حضرت فرمودند:

مگر افضل و برترین شهداء نزد شما نیست؟

قسم به آن کسی که جانم در دست او است اطراف قبر آن حضرت چهار هزار
فرشته که جملگی زولیده و غمگین و گرفته هستند بوده و تا روز قیامت بر آن
جناب می‌گریند.

و محمد بن الحسن، از محمد بن حسن الصفَّار، از عباس بن معروف نظیر این
حدیث را نقل کرده.

متن:

۱۰- وحدَّثني محمد بن جعفر الرِّزَّاز قال: حدَّثني محمد بن الحسين
ابن أبي الخطاب، عن محمد بن اسمعيل بن بزيح، عن أبي اسمعيل
السَّراج، عن يحيى بن معمر العطار، عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام «قال:
أربعة آلاف ملك غير يبيكون الحسين الى يوم القيمة فلا يأتيه
احد الا استقبلوه، ولا يمرض احد الا عادوه، ولا يموت احد الا
شهوده».

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

ترجمه: ﴿ حدیث دهم ﴾

محمد بن جعفر رزّاز می گوید:

محمد بن حسین بن ابی الخطّاب برایم نقل نمود از محمد بن اسماعیل بن بزّیع و او از اسماعیل سراج و او از یحیی بن معمر عطار و او از ابی بصیر و او از حضرت ابو جعفر عليه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

چهار هزار فرشته که جملگی زولیده و غمگین و گرفته هستند برای حضرت امام حسین عليه السلام تا روز قیامت می گردند. پس احدی از مردم به زیارت آن حضرت نمی آیند مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش آمده و احدی از مردم مریض و بیمار نشده مگر که ایشان به عیادتش رفته و کسی از مردم نیست که بمیرد مگر آنکه این فرشتگان بالای سرش حاضر می شوند.

و پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله، از محمد بن حسین به اسنادش نظیر همین حدیث را نقل نموده است.

متن:

۱۱ - و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَبِي هَنْزَلَةَ الثَّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ اللَّهَ وَكُلَّ بَقَرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ شَعَثَ غَيْرِ يَبْكُونَهُ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ، فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ هَبَطَ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ وَصَعِدَ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ، فَلَمْ يَزَلْ يَبْكُونَهُ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

ترجمه:

﴿ حدیث یازدهم ﴾

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره از عباس بن عامر، از ابان، از ابو حمزه ثمالی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام موکل قرار داده که جملگی زولیده و غمگین و گرفته بوده و از طلوع صبح تا زوال آفتاب (وقت ظهر) بر آن جناب می‌گیرند و وقتی ظهر می‌شود چهار هزار فرشته دیگر به زمین فرود آمده و این چهار هزار نفر به آسمان می‌روند و فرشتگان به زمین آمده پیوسته می‌گیرند تا صبح طلوع کند.....

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ هَارُونَ «قَالَ: سَأَلَ رَجُلًا أبا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَ أَنَا عَنْده - فَقَالَ: مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ فَقَالَ: أَنَّ الْحُسَيْنَ عليه السلام لَمَّا أَصِيبَ بِكَتْهِ حَقَّ الْبَلَادُ، فَوَكَّلَ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلِكٍ شُعْنًا غُيْرًا، يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

ترجمه:

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن عبدالله، از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی بن مهزیار، از ابوالقاسم، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون نقل کرده که وی گفت: شخصی از حضرت

ابو عبدالله علیه السلام سؤال نمود و من نیز آنجا حاضر بودم.

وی عرضه داشت: برای کسی که قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند چه ثوابی است؟
حضرت فرمودند:

زمانی که حضرت حسین علیه السلام به بلا و مصیبت گرفتار شد تمام موجودات حتی بلاد و شهرها بر آن حضرت گریستند، پس خداوند متان چهار هزار فرشته بر او موکل ساخت که جملگی ژولیده و غمگین و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن جناب گریه می کنند

متن:

۱۳- و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ محبوبٍ، عَنْ صَبَاحِ الْحِذَاءِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مروانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ زُورُوا الْحُسَيْنَ علیه السلام وَلَوْ كُلَّ سَنَةٍ فَإِنَّ كُلَّ مَنْ آتَاهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ جَا حِدٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ عِوَضٌ غَيْرَ الْجَنَّةِ، وَرُزْقٌ رِزْقًا وَاسِعًا، وَآتَاهُ اللَّهُ بِفَرَجٍ عَاجِلٍ، إِنَّ اللَّهَ وَكُلَّ بَقَرٍ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ، كُلُّهُمْ يَبْكُونَهُ، وَ يَشِيعُونَ مِنْ زَارِهِ إِلَى أَهْلِهِ، فَإِنْ مَرَضَ عَادُوهُ، وَإِنْ مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ بِالْأَسْتِغْفَارِ لَهُ وَالتَّرَحُّمِ عَلَيْهِ».

حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ محبوبٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

ترجمه:

« حدیث سیزدهم »

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحُسن، از حسن بن محبوب، از صباح حذاء، از محمد بن مروان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده، وی گفت:

شنیدم که آن حضرت می فرمودند:

حسین علیه السلام را زیارت کنید اگرچه در هر سال باشد زیرا کسانی که او را در حالی که به حقش عارف بوده و آن را انکار ندارند زیارت کنند عوض و پاداشی ندارند مگر بهشت و روزی آنها واسع و فراخ بوده و خداوند مَنان در دنیا فرج نصیبشان می کند، حق تبارک و تعالی چهار هزار فرشته را موکل قبر حسین بن علی علیه السلام فرموده که تمام بر او می گردند و زائرین حضرت را مشایعت کرده تا به اهل خود برسند و اگر مریض شوند آنها را عیادت کرده و هنگامی که از دنیا روند بر سر جنازه آنها حاضر شده و برایشان طلب آمرزش و رحمت می نمایند.

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب به اسنادش نظیر همین روایت را نقل نموده است.

متن:

۱۴- و حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: وَكُلَّ اللَّهِ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ شَعْتًا غَيْرًا يَبْكُونَهُ، أَلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ، يَصَلُّونَ عِنْدَهُ الصَّلَاةَ الْوَاحِدَةَ مِنْ صَلَوَاتِهِمْ تَعْدُلُ أَلْفَ صَلَاةٍ مِنْ صَلَاةِ الْأَدَمِيِّينَ، يَكُونُ ثَوَابُ صَلَوَاتِهِمْ وَاجِرَ ذَلِكَ لِمَنْ زَارَ قَبْرَهُ».

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از پدرش، از سیف بن عمیره، از بکر بن محمد، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام موکّل ساخته که تمام زولیده و غمگین و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن حضرت گریسته و نزد قبر آن جناب نماز می‌گذارند یک نماز ایشان معادل هزار نماز انسان‌ها می‌باشد و جالب اینکه ثواب نماز آنها برای کسی است که قبر آن حضرت را زیارت کند.

متن:

۱۵- وحدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن صفوان بن يحيى، عن حنان بن سدير، عن مالك الجهني عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: إن الله وكل بالحسين عليه السلام ملكاً في أربعة آلاف ملك يبكونه ويستغفرون لزوارة ويدعون الله لهم».

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از صفوان بن یحیی، از حنان بن سدید، از مالک جهنی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال فرشته‌ای را در میان چهار هزار فرشته دیگر بر حسین علیه السلام موکّل قرار داد، این فرشتگان جملگی بر آن حضرت گریسته و برای زائرین آن جناب طلب آمرزش کرده و دعاء می‌نمایند.

متن:

١٦ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ وَاقِدٍ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ مُقَرَّنٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا زَرْتُمْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَأَلْزَمُوا الصَّمْتَ الْأَمِينَ خَيْرَ، وَإِنَّ مَلَائِكَةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الْحَفَظَةِ تَحْضُرُ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ بِالْخَائِرِ، فَتَصَافِحُهُمْ فَلَا يَجِيبُونَهُمْ مِنْ شِدَّةِ الْبُكَاءِ فَيَنْتَظِرُونَهُمْ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ وَحَتَّى يَنْوَرَ الْفَجْرُ، ثُمَّ يَكْلَمُونَهُمْ وَيَسْأَلُونَهُمْ عَنْ أَشْيَاءَ مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ، فَأَمَّا مَا بَيْنَ هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ فَأَتَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ وَلَا يَفْتَرُونَ عَنِ الْبُكَاءِ وَالذُّعَاءِ، وَلَا يَشْغَلُونَهُمْ فِي هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ عَنْ أَصْحَابِهِمْ، فَأَنَّمَا شَغَلَهُمْ بِكُمْ إِذَا نَطَقْتُمْ.

قلت: جعلت فداك وما الذي يسألونهم عنه أيهم يسأل صاحبه، الحفظة أو أهل الخائر؟ قال: أهل الخائر يسألون الحفظة، لأن أهل الخائر من الملائكة لا يبرحون، والحفظة تنزل وتصعد، قلت: فما ترى يسألونهم عنه؟ قال: أنهم يمزون إذا عرجوا باسمعيل صاحب الهواء، فرجما وافقوا النبي صلى الله عليه وآله وعنده فاطمة والحسن والحسين والأئمة من مضى منهم فيسألونهم عن أشياء وعن حضر منكم الخائر، ويقولون: بشروهم بدعائكم، فتقول الحفظة: كيف نبشركم وهم لا يسمعون كلامنا؟ فيقولون لهم: باركوا عليهم وادعوا لهم عنا فهي البشارة منا فإذا انصرفوا فحقوقهم بأجنتكم حتى يحسنوا مكانكم وأنا نستودعهم الذي لا تضيع ودائعهم؛

و لو يعلمون ما في زيارته من الخير و يعلم ذلك الناس لا قتلوا على زيارته بالسيف، و لباعوا أموالهم في إتيانه، و أن فاطمة ؑ اذا نظرت إليهم و معها ألف نبي و ألف صديق و ألف شهيد من الكرويين ألف ألف يسعدونها على البكاء، و أنها تشفق شهقة فلا يبق في السماوات ملك إلا بكى رحمة لصوتها، و ما تسكن حتى يأتيها النبي ﷺ فيقول: يا بنتي قد أبكيت أهل السماوات و شغلتهم عن التسبيح و التمديس فكفي حتى يقدسوا، فإن الله بالغ أمره، و أنها تنتظر إلى من حضر منكم فتسأل الله لهم من كل خير، و لاتزهدوا في إتيانه! فإن الخير في إتيانه أكثر من أن يحصى».



حدیث شانزدهم

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم نقل کرده که وی گفت:

هشتم بن واقد، از عبدالملک بن مقرن از امام صادق علیه السلام برای ما نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

وقتی به زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام رفتید در آنجا سکوت اختیار کرده و کلامی نگویید مگر سخن نیک و خیر، زیرا فرشتگان شب و روز که از نگهبانان و حافظین هستند نزد فرشتگانی که در حائر حسینی می باشند آمده و با ایشان مصافحه کرده ولی ایشان از شدت گریه و ناراحتی که دارند جواب آنها را نداده بناچار آنها صبر می کنند تا ظهر فردا برسد و صبح طلوع نماید سپس آنان با ایشان سخن گفته و راجع به امور آسمانی سؤالاتی را مطرح می نمایند ولی بین این دو

وقت (صبح و ظهر) ابتدا صحبت نکرده و از گریستن و دعاء نمودن کوتاهی نمی‌کنند و در ایستدو وقت آن فرشتگان نیز ایشان را از یارانشان منصرف و مشغول نمی‌کنند تنها وقتی شما سخن گفته و تکلم می‌نمائید ایشان مشغول و منصرف می‌گردند.

راوی می‌گوید: محضر امام علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، چه چیزی را سؤال می‌کنند و کدامیک از دیگری می‌پرسد آیا فرشتگان نگهبان و حافظ از فرشتگان حائر سؤال می‌کنند یا بالعکس؟ حضرت فرمودند:

فرشتگان اهل حائر از حافظین و نگهبانان می‌پرسند، زیرا فرشتگان حائر از آنجا دور نشده و به جانی دیگر نمی‌روند ولی حافظین و نگهبانان به زمین نزول کرده و از آن به آسمان صعود می‌کنند.
عرض کردم: نظر شما راجع به سؤال آنها چه بوده و می‌فرمائید از چه چیز سؤال می‌کنند؟

حضرت فرمودند: حافظین وقتی به آسمان عروج می‌کنند عبورشان به اسماعیل یعنی صاحب هواء می‌افتد و بسا بانی اکرم علیه السلام ملاقات کرده در حالی که نزد آن جناب حضرات فاطمه و حسن و حسین و ائمه علیهم السلام (مقصود حضرات ائمه ماضی بوده نه امام حاضر علیه السلام) حضور دارند پس فرشتگان از ایشان راجع به اشیائی چند و در باره آنانکه از شما در حائر حاضر می‌شوند سؤالاتی می‌کنند؟ حضرات معصومین علیهم السلام در پاسخ سؤالاتشان می‌فرمایند:

زائرین را بشارت دهید و به دعائی که برای ایشان می‌نمائید مژده دهید.
فرشتگان حافظ عرض می‌کنند: چگونه به ایشان بشارت دهیم در حالی که صدای ما را نمی‌شنوند؟

حضرات معصومین علیهم السلام به ایشان می‌فرمایند:
برای ایشان دعاء کنید که برکات حق تعالی بر ایشان مداوم باشد و نیز از جانب

ما ایشان را دعاء نمایند و این خود بشارتی است از ما به ایشان و وقتی از زیارت برگشتند با بال‌هایشان ایشان را نوازش کنید، بطوری که شما را حس و درک نمایند و ما ایشان را به امانت نزد شما می‌سپاریم و امید است که این ودائع ضایع و تباه نشوند.

و اگر خیر و برکتی که در زیارت آن جناب است مردم می‌دانستند قطعاً و به طور حتم در نائل شدن به زیارت آن حضرت با شمشیر با یکدیگر به مقابله پرداخته و مال‌های خود را فروخته و به زیارت آن جناب می‌رفتند.

و حضرت فاطمه علیها السلام هرگاه به ایشان (زائرین) نظر نمایند در حالی که با وی هزار پیغمبر و هزار صدیق و هزار شهید از کربین می‌باشند هزار هزار (یک میلیون) نفر آن حضرت را بر گریستن یاری و همراهی می‌کنند و آن حضرت چنان فریاد می‌زند که هیچ فرشته‌ای در آسمان‌ها باقی نمی‌ماند مگر آنکه از صدای ایشان بگریه می‌افتد، و آن حضرت آرام نمی‌گیرند تا وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نزد ایشان آمده و می‌فرمایند:

دخترم، اهل آسمان‌ها را به گریه انداختی و ایشان را از تسبیح و تقدیس حق تعالی بازداشتی، پس خودداری کن تا ایشان به تقدیس حق بپردازند چه آنکه امر و فرمان خدا بر همه چیز نافذ و روان می‌باشد.

سپس امام علیه السلام فرمودند:

حضرت فاطمه علیها السلام به کسانی که از شما به زیارت سیدالشهداء روند نظر فرموده و از خداوند منان برای ایشان هر خیر و خوبی را مسئلت می‌نماید، مبادا در رفتن، به زیارت آن جناب بی‌ربغبت باشید چه آنکه خیری که در زیارت آن حضرت است بیشتر از آنستکه بتوان احصاء و شمارش نمود.

متن:

۱۷- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عُبَيْدَةَ الْبَزَّازُ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا أَقْلَ بِقَاؤُكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَأَقْرَبَ أَجَالِكُمْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ مَعَ حَاجَةِ هَذَا الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ! فَقَالَ: إِنَّ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنَّا صَحِيفَةً فِيهَا مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ أَنْ يَعْمَلَ بِهِ فِي مَدَّتِهِ، فَإِذَا انْقَضَى مَا فِيهَا تَمَّ أَمْرُهُ عَرَفَ أَنَّ أَجْلَهُ قَدْ حَضَرَ وَاتَاهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يَنْعِي إِلَيْهِ نَفْسَهُ وَخَبَرَهُ بِمَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّ الْحُسَيْنَ عليه السلام قَسْرَ صَحِيفَتِهِ الَّتِي أَعْطَاهَا وَفَسَّرَ لَهُ مَا يَأْتِي وَمَا يَبْقَى وَبَقِيَ مِنْهَا أَشْيَاءٌ لَمْ تَنْقُضْ فَخَرَجَ إِلَى الْقِتَالِ فَكَانَتْ تِلْكَ الْأُمُورُ الَّتِي بَقِيَتْ أَنَّ الْمَلَائِكَةَ سَأَلَتْ اللَّهَ فِي نَصْرَتِهِ فَأُذِنَ لَهُمْ فَكَثُرَتْ تَسْعِدُ لِلْقِتَالِ وَتَنَاقَبَ لَذَلِكَ حَتَّى قُتِلَ فَزَلَّتِ الْمَلَائِكَةُ وَقَدْ انْقَطَعَتْ مَدَّتُهُ وَقَتْلُ عليه السلام فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبِّ أَذْنَتْ لَنَا بِالْأُنْحَادِ فِي نَصْرَتِهِ فَانْغَدِرْنَا وَقَدْ قَبِضْتَهُ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِمْ أَنْ أَلْزَمُوا قَبْرَهُ حَتَّى تَرَوْهُ وَقَدْ خَرَجَ فَانْصَرَوْهُ وَابْكُوا عَلَيْهِ وَعَلَى مَا فَاتَكُمْ مِنْ نَصْرَتِهِ وَإِنَّكُمْ خَصَصْتُمْ بِنَصْرَتِهِ وَالْبُكَاءِ عَلَيْهِ فَبَكَتِ الْمَلَائِكَةُ حَزْناً وَجَزَعاً عَلَى مَا فَاتَهُمْ مِنْ نَصْرَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَإِذَا خَرَجَ عليه السلام يَكُونُونَ أَنْصَارَهُ».

﴿ حَدِيث هَفْدِهِمْ ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم نقل

کرده که وی گفت:

ابو عبیده بزاز از حریر برای ما نقل کرد که وی به حضرت ابو عبدالله علیه السلام عرض نمود:

فدایت شوم چقدر مانند شما اهل بیت در این دار فانی کم بوده و چقدر اجل شما نزدیک است با اینکه تمام این خلایق به شما احتیاج دارند! حضرت فرمودند:

هر کدام از ما صحیفه‌ای داریم که در طول مدت عمر به آنچه نیازمندیم عمل کنیم در آن ثبت و ضبط شده است پس هرگاه آنچه در صحیفه نوشته شده متقاضی گشت معلوم می‌شود اجل صاحب صحیفه فرا رسیده و در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد وی آمده و خبر ارتحالش را اعلام نموده و از آنچه برای او نزد خداست خبر می‌دهند و حضرت امام حسین علیه السلام نیز صحیفه‌ای را که داده شده بودند قرائت فرموده و برای آن جناب اموری که باقی مانده متقاضی نمی‌گردید تفسیر گردیده بود لذا آنچه می‌باید واقع شود واقع گردید و باقی ماندن اشیائی که بوقوع نپیوست لذا حضرتش به قتال شتافت پس آن اموری که باقی مانده بودند این بود که فرشتگان از حقتعالی طلب نصرت آن حضرت را کردند و به ایشان اذن یاری داده شد پس ایشان درنگ نموده و خود را آماده برای قتال و کارزار کردند تا آن حضرت به شهادت رسیدند و پس از این واقعه فرشتگان به زمین فرود آمدند یعنی پس از انقطاع مدت عمر آن حضرت و به شهادت رسیدن آن جناب و وقتی ملائکه این واقعه را دیدند به درگاه الهی عرض کردند:

خداوندا به ما اذن هبوط و فرود آمدن به زمین را دادی و اجازه نصرت و یاری آن حضرت را اعطاء فرمودی پس وقتی ما به زمین آمدیم که حضرتش را قبض روح کرده‌ای؟

خداوند متعال به ایشان وحی نمود که ملازم قبر آن حضرت بوده تا آن جناب

را ببینند و وقتی آن حضرت از قبر خارج گشت نصرتش نمایند و نیز بر او و بر آنچه از شما نسبت به یاری آن حضرت فوت گردیده گریه کنید و تنها شما گروه فرشتگان هستید که مختص به این خصیصه گردیده‌اید که آن جناب را یاری کرده و بر مصیبتش گریه نمایید، پس فرشتگان بخاطر آنچه از دستشان رفته بود و نتوانسته بودند به آن حضرت کمک کنند محزون گشته و از روی جزع و حزن بر آن جناب به گریه درآمدند و هنگامی که حضرت سید الشهداء از قبر خارج گردیدند این فرشتگان انصار و یارانش می‌باشند.

﴿البَابُ الثَّامِنُ وَالْعِشْرُونَ﴾

﴿بُكَاءُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ عَلَى قَتْلِ الْحُسَيْنِ ؑ وَبِحَيِّ بْنِ زَكَرِيَّا ؑ﴾

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثْمَعِيِّ، عَنْ عَلِيِّ الْأَزْرَقِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْحَكَمِ النَّخَعِيِّ عَنْ رَجُلٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ؑ فِي الرَّحْبَةِ وَهُوَ يَتْلُو هَذِهِ الْآيَةَ «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ» وَ خَرَجَ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ مِنْ بَعْضِ أَبْوَابِ الْمَسْجِدِ، فَقَالَ: مَا إِنَّ هَذَا سَيُقْتَلُ وَ تَبْكِي عَلَيْهِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ».

﴿ باب بیست و هشتم ﴾

﴿ گریستن آسمان و زمین بر شهادت حضرت حسین علیّه السلام ﴾

﴿ و یحیی بن زکریا علیّه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از اساتیدم (علی بن الحُسَین و محمد بن الحسن) از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید، از احمد بن الحسن المینمی، از علی ارزق، از حسن بن حکم نخعی، از شخصی نقل کرده اند که وی گفت:
در سرزمین رُحَیَه از امیرالمؤمنین علیّه السلام شنیدم که این آیه شریفه را تلاوت می فرمودند:

«فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ».

در این هنگام حضرت حسین علیّه السلام از یکی از درب های مسجد داخل شد، حضرت فرمودند: بدانید این (یعنی حضرت حسین علیّه السلام) عتق رب کشته خواهد شد و آسمان و زمین بر او می گریزند.

متن:

۲- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مَسْكِينٍ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ عِيسَى الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى، عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ «قَالَ: خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِلَى الْمَسْجِدِ وَاجْتَمَعَ أَصْحَابُهُ حَوْلَهُ وَجَاءَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ فَقَالَ: يَا بَنِي إِبْنِ اللَّهِ عَبْرَ أَقْوَامٍ بِالْقُرْآنِ، فَقَالَ: «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ». وَآمِمْ اللَّهُ لِيَسْتَلْتَنَّكَ بَعْدِي، ثُمَّ تَبْكِيكَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از داود بن عیسیٰ انصاری، از محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی، از ابراهیم نخعی نقل کرده که وی گفت:

امیرالمؤمنین علیه السلام بیرون آمده و در مسجد نزول اجلال فرموده و اصحاب و یاران دور آن حضرت حلقه زدند در این هنگام حضرت حسین علیه السلام تشریف آوردند تا رسیدند مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام و آنجا ایستادند، امیرالمؤمنین علیه السلام دست مبارک بر سر ایشان نهاده و فرمودند:

پسرم، خداوند متعال اقوام و طوائفی را بوسیله قرآن تقییم نموده و مورد سرزنش و ملامت قرار داده و فرموده است:

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ.

به خدا قسم حتماً پس از من تو را خواهند کشت سپس آسمان و زمین بر تو گریه خواهند نمود.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

ترجمه:

پدرم، از سعد بن عبدالله، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب به اسنادش مثل و نظیر همین حدیث را نقل نموده است.

متن:

۳- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ النَّخَّاسِ عَنْ أَبِي بصيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) «قَالَ: إِنَّ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) بَكَى لِقَتْلِهِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَاحْمَرَّتَا، وَلَمْ تَبْكِيَا عَلَى أَحَدٍ قَطُّ إِلَّا عَلَى يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا، [وَالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام)]».

وَحَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

﴿ حَدِيثِ سَوِّم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از وهیب بن حفص نخّاس، از ابو بصیر، از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) نقل نموده که آن حضرت فرمودند: همانا آسمان و زمین برای شهادت حضرت حسین (علیه السلام) گریسته و سرخ شدند و بر احدی هرگز نگریسته مگر بر حضرت یحیی بن زکریا و حسین بن علی (علیه السلام). و پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین به اسنادش نظیر همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

۴- وَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنُ مُوسَى بْنِ بَابُوِيَه؛ وَ غَيْرُهُ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ: إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا، وَلَمْ تَبْكْ عَلَى أَحَدٍ غَيْرِهِمَا، قُلْتُ: وَ مَا بِكََاؤُهَا؟ قَالَ: مَكَثُّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا تَطْلُعُ كَالشَّمْسِ

بِحُمْرَةٍ وَ تَغْرِبُ بِحُمْرَةٍ قُلْتُ: فَذَاكَ بَكَوْهَا؟ قَالَ: نَعَمْ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی بن یابویه و غیر او، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عبدالجبار، از حسن بن علی بن فضال، از حماد بن عثمان، از عبدالله بن هلال نقل کرده که وی گفت:

شنیدم حضرت ابو عبدالله علیه السلام می فرمودند:

آسمان بر حضرت حسین بن علی و یحیی بن زکریا علیهما السلام گریست و بر احدی غیر این دو گریه نکرد.

عرض کردم: گریه آسمان چیست و چگونه بوده؟

حضرت فرمودند:

چهل روز آسمان درنگ و توقف نمود، خورشید با رنگی قرمز طلوع نموده و با رنگی سرخ غروب می کرد.

عرضه داشتم: این گریه آسمان بود؟

حضرت فرمودند: بلی.

متن:

۵ - وَ حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَهْلٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُسْهِرِ الْقُرَشِيِّ «قَالَ: حَدَّثَنِي جَدِّي أَنَّهَا أَذْرَكَتِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام حِينَ قُتِلَ فَكُنَّا سَنَةً وَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ، وَ السَّمَاءُ مِثْلَ الْعَلَقَةِ مِثْلُ الدَّمِّ، مَا تَرَى الشَّمْسُ».

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از عبدالله بن احمد، از عمر بن سهل، از علی بن مُشهر قرشی نقل کرده که وی گفت:
جذّه من برایم نقل کرد که هنگام شهادت حسین بن علی را درک نموده
وی گفت:

یکسال و نه ماه پس از این واقعه پیوسته آسمان مانند لخته خونی بود
و خورشید اصلاً دیده نشد.

متن:

۶- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْتَظِرِينَ﴾»، قَالَ: لَمْ يَبْكِ السَّمَاءُ عَلَى أَحَدٍ مِّنْذُ قَتَلَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا حَتَّى قُتِلَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَبَكَتْ عَلَيْهِ.

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

علی بن الحُسَین بن موسی، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابن فضال، از ابی جمیل، از محمد بن علی الحلّبی، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل نموده که آن حضرت در ذیل آیه شریفه: فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْتَظِرِينَ.

فرمودند:

از زمانی که حضرت یحیی بن زکریا عليه السلام کشته شد آسمان بر احدی نگریست تا هنگامی که حضرت حسین عليه السلام شهید شدند که در این هنگام باز یک بار دیگر آسمان گریست.

متن:

۷- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْقُرَشِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «قَالَ: أَحْمَرَّتِ السَّمَاءُ حِينَ قُتِلَ الْحُسَيْنِ عليه السلام سَنَةً، وَيَحْيَى ابْنُ زَكَرِيَّا، وَحُمُرُهَا بُكَاءُهَا».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز قرشی می گوید:

محمد بن الحُسن بن ابی الخطّاب برایم نقل نمود از صفوان بن یحیی، از داود بن فرقّد، از حضرت ابو عبدالله عليه السلام که آن حضرت فرمودند: هنگامی که حضرت حسین عليه السلام شهید شدند و یحیی بن زکریا راکشتند آسمان تا یکسال سرخ بود و این سترخی گریستن آسمان به حساب آمده.

متن:

۸- و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ ابْنِ بَكِيرٍ، عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ عَبْدِ الْخَالِقِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا»، الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا، وَيَحْيَى بِهِ زَكَرِيَّا عليه السلام لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا، وَلَمْ تَبْكِ السَّمَاءُ إِلَّا عَلَيْهِمَا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، قَالَ: قُلْتُ: مَا بُكَاءُهَا؟ قَالَ: كَانَتْ تَطْلُعُ حُمْرَاءَ وَتَغْرُبُ حُمْرَاءَ».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن علی بن فضال، از ابن بکیر، از زرارہ، از عبدالخالق بن عبد ربہ نقل کرده کہ وی گفت:

شنیدم کہ حضرت ابو عبدالله (علیه السلام) در ذیل آیه شریفه:

لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا

می فرمودند:

حسین بن علی (علیه السلام) پیش تر همنامی نداشتند و یحیی بن زکریا (علیه السلام) نیز قبلاً همنامی نداشتند.

و آسمان بر احدی نگریست مگر بر این دو کہ چهل صباح گریه کرد.

راوی می گوید: محضر مبارک امام (علیه السلام) عرض کردم: گریه آسمان چه بود؟

حضرت فرمودند: هنگام طلوع و غروب آسمان سرخ بود.

مراجعت کنید به کتاب «تاریخ طبرستان»

متن:

۹- و حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ؛ وَ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعاً، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) «قَالَ: مَا بَكَتِ السَّمَاءُ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا إِلَّا عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (علیه السلام)، فَانْهَارَتْ عَلَيْهِ أَرْبَعِينَ يَوْماً».

ترجمه:

﴿ حدیث نهم ﴾

علی بن الحُسَین بن موسی، از علی بن ابراهیم و سعد بن عبدالله، جملگی از ابراهیم بن هاشم، از علی بن فضال، از ابی جمیلہ، از جابر، از حضرت

ابی جعفر علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:
بعد از حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام آسمان بر احدی نگریست مگر بر
حضرت حسین بن علی علیه السلام چه آنکه چهل روز آسمان بر آن حضرت گریه
می کرد.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْكُوفِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ
ابن أبي الخطاب، عن جعفر بن بشير، عن كُليب بن معاوية الأسدي، عن
أبي عبد الله عليه السلام «قال: لم تبك السماء إلا على الحسين بن عليّ و يحيى بن
زكريّا عليه السلام».



حدیث دهم

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی کوفی از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از جعفر بن
بشیر، از کلب بن معاویه اسدی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب
فرمودند:

آسمان بر احدی نگریسته است مگر بر حضرت حسین بن علی علیه السلام و یحیی
بن زکریا علیه السلام.

متن:

۱۱ - و عنه، عن مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عن نَصْرِبْنِ مُزَاحِمٍ، عن عمر بن
سعد، عن مُحَمَّدِ بْنِ سَلَمَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ - «قال: لما قتل الحسين بن عليّ
عليه السلام أمطرت السماء تراباً أحمرًا».

ترجمه:

﴿ حدیث یازدهم ﴾

محمد بن جعفر رزّاز کوفی از محمد بن الحُسن بن ابی الخطاب، از محمد ابن الحُسن، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد، از محمد بن سلمه از کسیکه برایش نقل نموده، وی گفت:

هنگامی که حسین بن علی علیه السلام کشته شدند از آسمان خاک سرخ می بارید.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سُلَيْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَسْلَمَ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: أَخْبَرَنَا عُمَرُ بْنُ وَهَبٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ السَّمَاءَ لَمْ تَبْكِي مِنْذُ وَضَعْتُ الْأَعْلَى يَحْيَى بْنُ زَكْرِيَّا وَالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام، قُلْتُ: أَيُّ شَيْءٍ كَانَ يَكَاؤُهَا؟ قَالَ: كَانَتْ إِذَا اسْتَقْبَلَتْ بِثَوْبٍ وَقَعَ عَلَى الثَّوْبِ شِبْهُ اثْرِ الْبَرَاغِيثِ مِنَ الدَّمِ».

ترجمه:

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه بن خطاب، از محمد بن ابی عمیر، از حسین بن عیسی، از اسلم بن قاسم، وی می گوید:

عمر بن وهب به ما خبر داد از پدرش، از علی بن الحُسن علیه السلام که آن جناب فرمودند:

از زمانی که آسمان تعییبه شده و وضع گردیده تا بحال بر احدی نگریسته مگر بر یحیی بن زکریا و حسین بن علی علیه السلام.

عرض کردم: گریه آسمان چه بوده؟

حضرت فرمودند:

وقتی لباسی را در مقابل آن قرار می‌دادی روی آن اثری شبیه به خون پشه واقع می‌گشت.

متن:

۱۳ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُوسَى بْنِ الْفَضْلِ، عَنْ حَنَّانٍ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؛ فَإِنَّهُ بَلَّغْنَا عَنْ بَعْضِهِمْ أَنَّهَا تَعْدِلُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً؟ قَالَ: لَا تَعْجَبُ بِالْقَوْلِ هَذَا كُلَّهُ ^(۱)، وَلَكِنْ رُزَّهُ وَلَا تَحْفَظْهُ فَإِنَّهُ سَيِّدُ الشَّهِدَاءِ؛ وَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ شَبِيهِهِ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا وَ عَلَيْهِمَا بَكَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ».

ترجمه: **مرکز تحقیقات حدیث سیزدهم**

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین از سعد بن عبدالله، از احمد بن عیسی، از موسی بن فضل از حنان نقل کرد که وی گفت:
محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه می‌فرمائید راجع به زیارت قبر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام زیرا از بعضی شما نقل شده که زیارت آن حضرت معادل یک حج و یک عمره می‌باشد؟
حضرت فرمودند:

چه قدر ضعیف است این حدیث، زیارت آن حضرت معادل کل این ثواب

۱ - در نسخه بحار چنین آمده: قَالَ: مَا أضعفُ هذا الحديثُ ما تعدلُ هذا كله

و مرحوم مجلسی آنرا معمول بر ثقیه دانسته است و ما حدیث را طبق نسخه بحار ترجمه می‌کنیم زیرا طبق نسخه موجود معنای واضح و روشنی برای آن نمی‌بینیم.

نیست ولی در عین حال شما آن حضرت را زیارت کرده و به او جفاء نکنید زیرا آن جناب سید شهداء و سید جوانان اهل بهشت و شبیه یحیی بن زکریا است و بر این دو آسمان و زمین گریسته‌اند.

متن:

حَدَّثَنِي أَبِي: وَ مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِثْلَهُ سَوَاءً.

حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - تَعَالَى وَ جَمَاعَةُ مَشَائِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِثْلَهُ.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از عبد الصمد ابن محمد، از حنان بن سدید، از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل بن بزیع از حنان بن سدید از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) نظیر این حدیث را نقل کرده‌اند.

متن:

۱۴- وَ هَذَا الْأَسْنَادُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى - عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ - عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ حماد، عَنْ عامر بن مَعْقِل، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ

ابی عبدالله علیه السلام «قال: كان قاتل يحيى بن زكريا ولد زنا، وقاتل الحسين علیه السلام ولد زنا، ولم تبك السماء على أحدٍ إلا عليهما، قال: قلت: وكيف تبكى؟ قال: تطلع الشمس في حمرة، وتغيب في حمرة». حدَّثني محمد بن جعفر القرشي، عن محمد بن الحسين، عن جعفر بن بشير باسناده مثله.

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

ترجمه:

و با همین اسناد مذکور از احمد بن محمد بن عیسی، از جماعتی، از جعفر بن بشیر، از حماد، از عامر بن معقل، از حسن بن زیاد، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

قاتل یحیی بن زکریا و حسین بن علی علیه السلام زنا زاده بوده و آسمان بر احدی نگریست مگر بر این دو مرتکب گناه بود.

راوی می گوید: عرض کردم: چگونه آسمان گریست؟ حضرت فرمودند:

طلوع خورشید و غروبش در سرخی بود.

محمد بن جعفر قرشی، از محمد بن الحُسن، از جعفر بن بشیر به اسنادش مثل همین حدیث را نقل نموده است.

متن:

۱۵- و حدَّثني أبي؛ و علي بن الحسين - رحمهما الله - جميعاً، عن سعد ابن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي الوشاء، عن حماد بن عثمان، عن عبدالله بن هلال، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: سمعته

يقول انَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَيَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا، وَلَمْ تَبْكِ عَلَى أَحَدٍ غَيْرِهَا، قُلْتُ: وَمَا بُكَاءُهَا؟ قَالَ: مَكَثُوا أَرْبَعِينَ يَوْماً تَطْلُعُ الشَّمْسُ بِحُمْرَةٍ، وَتَغْرُبُ بِحُمْرَةٍ قُلْتُ: فَذَلِكَ بُكَاءُهَا؟ قَالَ: نَعَمْ.

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحُسَین رحمۃ اللہ علیہما جملگی از سعد بن عبد اللہ، از احمد ابن محمد بن عیسی، از حسن بن علی الوشاء، از حماد بن عثمان، از عبد اللہ بن هلال، از حضرت ابی عبد اللہ (ع) نقل کرده کہ آن جناب می فرمودند: آسمان بر حسین بن علی و یحیی بن زکریا (ع) گریسته و بر احدی غیر این دو گریه نکرده است.



عرض کردم: چگونه آسمان گریسته است؟

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

حضرت فرمودند:

تا چهل روز طلوع و غروبش در سرخی بود.

عرض کردم: گریه آسمان این گونه بوده است؟

حضرت فرمودند: بلی.

متن:

١٦ - و عنهما عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد، عن البرقي محمد بن خالد، عن عبد العظيم بن عبد الله الحسفي، عن الحسن بن الحكم الثخعي عن كثير بن شهاب الحارثي «قال: بينا نحن جلوس عند أمير المؤمنين (ع) في الرخبة إذ طلع الحسين (ع) عليه فضحك علي (ع) ضحكاً حتى بدت نواجذه، ثم قال: إن الله ذكر قوماً وقال: «فما بكَّتْ

عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْتَظَرِينَ»، وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ
النَّسَمَةَ لِيُتَمَلَّكَ هَذَا وَلِتُبَكِّيَنَّ عَلَيْهِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ».

﴿ حدیث شانزدهم ﴾

ترجمه:

از پدرم و علی بن الحسین از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از برقی
(محمد بن خالد)، از عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی، از حسن بن الحكم النخعی،
از کثیر بن شهاب حارثی، وی گفت:

هنگامی که محضر مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام در رجه نشسته بودیم، در این
وقت حضرت حسین علیه السلام بر آن جناب وارد گشت، امیرالمؤمنین چنان خندیدند
که دندانهای عقل آن جناب ظاهر گردید سپس فرمودند:

خداوند متعال در قرآن کریم قومی را یاد کرده و می فرماید:

فَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْتَظَرِينَ.

قسم به کسی که حبه را شکافت و بنده را آفرید این (یعنی حضرت
حسین علیه السلام) را البته خواهند کشت و قطعاً آسمان و زمین بر او می گیرند.

متن:

۱۷ - وَحَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
مُحَمَّدٍ، عَنِ الْبَرْقِيِّ، عَنِ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحُسَيْنِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ
«قَالَ: قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیه السلام: مَا بَكَتِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ إِلَّا عَلَى يَحْيَى بْنِ
زَكَرِيَّا وَالْحُسَيْنِ علیه السلام».

﴿ حدیث هفدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از برقی، از

عبدالمعظم، از حسن، از ابی سلمه نقل کرده که گفت:

حضرت جعفر بن محمد (علیه السلام) فرمودند:

آسمان و زمین بر احدی نگریسته مگر بر یحیی بن زکریا و حسین بن علی (علیه السلام).

متن:

۱۸- حدَّثنی ابی؛ و اخى - رحمهما الله - عن احمد بن ادريس؛ و محمد ابن یحیی جمیعاً، عن القمَرکی بن علی، البوفکی قال: حدَّثنا یحیی - وکان فی خدمة ابی جعفر الثانی (علیه السلام) - عن علی، عن صفوان الجمال، عن ابی عبد الله (علیه السلام) «قال: سألته فی طریق المدینة - نحن نرید المکة - فقلت: ابن رسول الله ما لی أراک کثیباً حزیناً مُنکراً؟! قال: لو تسمع ما اسمع لشغلك عنه مسألتی، قلت: فما الَّذی تسمع؟! قال: ابتهاج الملائكة الی الله عزّ وجلّ علی قتلة امیر المؤمنین و قتلة الحُسین (علیه السلام)، و نوح الجنّ و بکاء الملائكة الَّذین حوله و شدّة جَزَعِهِمْ، فمن یتَهَنّأ مع هذا بطعام أو بشراب أو نوم؟! - و ذکر الحدیث -».

﴿ حدیث هجدهم ﴾

ترجمه:

پدر و برادرم رحمة الله علیهما، از احمد بن ادريس و محمد بن یحیی، جملگی از عمرکی بن علی بوفکی نقل کرده که وی گفت:
یحیی که در خدمت حضرت ابی جعفر ثانی (علیه السلام) بود از علی و او از صفوان جمال و او از حضرت ابی عبد الله (علیه السلام) نقل کرد که وی گفت:
در راه مدینه بودیم ولی قصدمان مکه بود بهر صورت در راه مدینه از حضرت

ابی عبدالله علیه السلام سؤال کرده و محضر مبارکش عرض کردم:
ای پسر رسول خدا (ص): شما را چه می شود که غمگین و ناراحت و شکسته
حال می بینم؟
حضرت فرمودند:

اگر می شنیدی آنچه را که من می شنوم دیگر از من چنین سؤالی نمی کردی.
عرض کردم: چه چیز می شنوید؟
حضرت فرمودند: تضرع ملائکه به درگاه الهی و نفرینشان نسبت به کشتندگان
امیرالمؤمنین و حضرت حسین بن علی علیه السلام و نیز نوحه و زاری جن و گریستن
فرشتگانی که در اطراف قبر آن حضرت هستند بنابراین کیست که با شنیدن چنین
صداهایی غذا و شراب یا خواب بر او گوارا باشد؟!؟



متن:

۱۹- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ
الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدِ الْبَرَقِيِّ، عَنْ
عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ الْعُلَوِيِّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْحَكَمِ التَّخَعُمِيِّ،
عَنْ كَثِيرِ بْنِ شَهَابِ الْحَسَارِيِّ «قَالَ: بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِالرُّخْبَةِ إِذْ طَلَعَ الْحُسَيْنُ عليه السلام قَالَ: فَضَحَكَ عَلِيُّ عليه السلام حَتَّى
بَدَتْ نَوَاجِذُهُ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ ذَكَرَ قَوْمًا فَقَالَ: «يَكُتُّ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ
وَالْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْتَظَرِينَ»، وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَدَأَ النَّسْمَةَ لَيَسْقُلَنَّ
هَذَا وَلَتَبْكَيْنَّ عَلَيْهِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ».

﴿ حدیث نوزدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد ابن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی از عبدالعظیم بن عبدالله الحسینی العلوی، از حسن بن حکم النخعی از کنیز بن شهاب حارثی نقل کرده که وی گفت: در رجب محضر مبارک امیر المؤمنین (علیه السلام) نشسته بودیم در این هنگام حضرت حسین (علیه السلام) ظاهر شدند، پس امیر المؤمنین (علیه السلام) چنان خندیدند که دندان‌های عقلشان پیدا شد سپس فرمودند:

خداوند متعال در قرآن کریمش قومی را یاد کرده و فرموده:

فَايُكْتَبُ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ.

قسم به کسی که حبه را شکافته و بنده را آفریده البته این (حضرت حسین (علیه السلام)) را خواهند کُشت. و آسمان و زمین بر او می‌گریزد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

۲۰- و عنه، عن نصر بن مزاحم، عن عمر بن سعد قال: حَدَّثَنِي أَبُو معشر، عن الزُّهْرِيِّ «قَالَ: لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ (علیه السلام) أَمْطَرَتِ السَّمَاءُ دُمًا». و قال عمر بن سعد: و حَدَّثَنِي أَبُو معشر، عن الزُّهْرِيِّ «قَالَ: لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ (علیه السلام) لَمْ يَبْقَ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ حَصَاةٌ إِلَّا وَجَدَ تَحْتَهَا دُمَ غَبِيطَ».

﴿ حدیث بیستم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمة، از سعد بن عبدالله، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد نقل کرده که وی گفت:

ابو معشر از زهری نقل نمود که وی گفت:

هنگامی که حضرت حسین بن علی (علیه السلام) شهید شدند آسمان خون بارید.

و عمر بن سعد گفت:

ابو معشر، از زهری برایم نقل نمود که وقتی حسین بن علی علیه السلام شهید شد در بیت المقدس سنگ ریزه‌ای باقی نماند مگر وقتی آنرا بر می داشتیم خون تازه زیرش بود.

متن:

۲۱- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: كَانَ الَّذِي قَتَلَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام وَلَدَ زَنَا، وَالَّذِي قَتَلَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا وَلَدَ زَنَا، وَقَالَ: أَحْمَرَّتِ السَّمَاءُ حِينَ قُتِلَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ سَنَةً، ثُمَّ قَالَ: بَكَتِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلَى يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا، وَحُمِرْتَا بِكَاءِهَا».

﴿ حدیث بیست و یکم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از محمد بن الحسن بن مهزیار، از پدرش، از علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از فضالة بن ایوب، از داود بن فرقند نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که فرمود:

کشنده حضرت حسین بن علی علیه السلام زنازاده بود و آن کس که یحیی بن زکریا را

نیز کشت و لد زنا بود، سپس حضرت فرمودند:

هنگامی که حسین بن علی علیه السلام کشته شد تا یکسال آسمان سرخ بود، پس از

آن فرمودند:

آسمان و زمین بر حسین بن علی علیه السلام و یحیی بن زکریا علیه السلام گریست و همین

سرخ‌ی آن گریه وی می‌باشد.

﴿ الباب التاسع والعشرون ﴾
 ﴿ نوح الجن على الحسين بن علي ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ الرَّزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ نَصْرِ بْنِ مَزَاحِمٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعْدٍ، عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجَةِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَتْ: مَا سَمِعْتُ نُوْحَ الْجِنِّ مِنْذُ قَبْضِ اللَّهِ نَبِيِّهِ إِلَّا اللَّيْلَةَ، وَلَا أَرَانِي إِلَّا وَقَدْ أَصَبْتُ بِأَبْنِي الْحُسَيْنِ، قَالَتْ: وَجَاءَتِ الْجَنَّةُ مِنْهُمْ وَهِيَ تَقُولُ:

أَيَا عَيْنَايَ فَأَنْهَمَا بِجَهَدٍ فَنُيَبِّكِي عَلَى الشَّهَدَاءِ بَعْدِي
 عَلَى رَهْطٍ تَقُوذُهُمُ الْمَنَائِكُ إِلَى مُسْتَجَبٍّ مِنْ نَسْلِ عَبْدِ

﴿ باب بیست ونهم ﴾
 ﴿ نوحه سرائی طائفه جن بر حسین بن علی ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزاز، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد، از عمرو بن ثابت، از حبیب بن ابی ثابت، از ام سلمه همسر نبی اکرم ﷺ وی گفت:

از زمانی که خداوند منان روح نبی اکرم ﷺ را قبض فرمود نوحه سرائی طائفه جن را نشنیدم مگر همان شب (شب رحلت نبی اکرم ﷺ) و ندیدم ایشان را مگر وقتی که به مصیبت فرزندان حسین ﷺ مبتلا شدم.

ام سلمه می فرماید:

در همان زمان جَنِّیه از طائفه جن آمد در حالی که می گفت:

ای دو چشم من با شدت و زاری گریه کنید، زیرا بعد از من چه کسی بر شهداء بگرید.

زاری کنید بر گروهی که مرگ آنها را به سوی ستمگری از نسل بنده و غلام می برد.

متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ مُسْلِمٍ، عَنِ الْمَيْثَمِيِّ «قَالَ: خَمْسَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ أَرَادُوا نَصْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَمَرُّوا بِقَرْيَةٍ يُقَالُ لَهَا: شَاهِيٍّ إِذْ أَقْبَلَ عَلَيْهِمْ رَجُلَانِ: شَيْخٌ وَشَابٌّ فَسَلَّمَا عَلَيْهِمَا، وَفَقَالَ الشَّيْخُ: أَنَا رَجُلٌ مِنَ الْجَنِّ وَهَذَا ابْنُ أَخِي أَرَدْنَا نَصْرَ هَذَا الرَّجُلِ الْمَظْلُومِ، قَالَ: فَقَالَ لَهُمُ الشَّيْخُ الْجَنِّيُّ: قَدْ رَأَيْتَ رَأْيًا فَقَالَ الْفَتِيَّةُ الْأَنْسِيُّونَ: وَ مَا هَذَا الرَّأْيُ الَّذِي رَأَيْتَ؟ قَالَ: رَأَيْتُ أَنَّ أَطْيَرَ فَاتِيَكُمْ بِخَبَرِ الْقَوْمِ فَتَذْهَبُونَ عَلَى بَصِيرَةٍ، فَقَالُوا لَهُ: نَعَمْ مَا رَأَيْتَ، قَالَ: فَغَابَ يَوْمَهُ وَلَيْلَتَهُ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ إِذَا هُمْ بِصَوْتٍ يَسْمَعُونَهُ وَلَا يَرَوْنَ الشَّخْصَ وَهُوَ يَقُولُ:

وَاللَّهِ مَا جِئْتُكُمْ حَتَّى بَصُرْتُ بِهِ

بِالْطَّفِّ مُنْعَفِرِ الْخَذِيِّ مَنحُورًا

وَحَوْلَهُ فَتِيَّةٌ تَدْمِي نَحْوَهُمْ

مِثْلَ الْمَصَابِيحِ يَمْلُونَ الدُّجَى نُورًا

وَقَدْ خَنَّتْ قُلُوصِي كُنِي اَصَادِفَهُمْ
 مِنْ قَبْلِ مَا اَنْ يَلَاقُوا الْخُرْدَ الْحَوْرَا
 كَانَ الْحُسَيْنِ سِرَاجاً يُسْتَضَاءُ بِهِ
 اللَّهُ يَعْلَمُ اَنِّي لَمْ اَقْلُ زُورَا
 مَجَاوِراً لِرَسُولِ اللَّهِ فِي غَرْفٍ
 وَلِلْبَتُولِ وَلِلطَّيَّارِ مَشْرُورَا
 فَاجَابَهُ بَعْضُ الْفَتَيَّةِ مِنَ الْأَنْثِيَّيْنَ يَقُولُ:
 اِذْهَبْ فَلَا زَالَ قَبْرُ أَنْتِ سَاكِئُهُ
 إِلَى الْقَيْمَةِ يَسْقِي الْغَيْثُ مَمْطُورَا
 وَقَدْ سَلَكَتُ سَبِيلَا أَنْتِ سَالِكُهُ
 وَقَدْ شَرِبْتَ بِكَاسِ كَانَ مَغْزُورَا
 وَفِتْيَةٌ فَارْغُوا اللَّهَ أَنْفُسَهُمْ
 وَفَارْقُوا الْمَالَ وَالْأَحْبَابَ وَالذُّورَا

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمہ:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید، از ابراهیم بن عقیبه، از احمد بن عمرو بن مسلم، از میثمی نقل کرده که وی گفت:
 پنج تن از اهل کوفه به قصد یاری حسین بن علی (علیه السلام) حرکت کردند و به قریه ای رسیدند که به آن شاهی می گفتند پس دو نفر یکی پیر و دیگری جوان جلوی آنها آمده و به ایشان سلام کردند پیر مرد گفت:
 من مردی از طائفه جن هستم و این جوان برادر زاده من بوده و ما قصدمان یاری نمودن به این مظلوم (یعنی حسین بن علی (علیه السلام)) می باشد.

پیرمرد جَنّی سپس به ایشان گفت: من پیشنهادی دارم،
 جوانی از این پنج نفر در جوابش گفت: پیشنهادات چیست؟
 پیرمرد جَنّی گفت: پیشنهادم این است که من پرواز کرده بروم و سپس خبر
 این گروه را بیاورم تا شما با بصیرت به طرف مقصدتان بروید.
 ایشان در جوابش گفتند: خوب پیشنهادی است.
 راوی می گوید:

پیرمرد جَنّی یک روز و یک شب از نظر ایشان غائب بود پس فردای آن روز
 ایشان صدائی شنیدند بدون اینکه صاحب آن را ببینند، صدا این بود:
 به خدا قسم نیامدم نزد شما مگر آنکه خود دیدم، در زمین طف که سری
 بریده و دو گونه هایش به خاک آلوده بود.
 و اطرافش جوانانی افتاده که از حلقومشان خون جاری بود نظیر چراغ هائی
 که تاریکی و ظلمت را بر طرف کرده اند.
 پیوسته ناله خود را دواندم تا قبل از آنکه ایشان با حوریه های باکره ملاقات
 کنند مصادف کردم.

حسین علیه السلام چراغی فروزان بود و خدا می داند که من در این گفتار دروغ
 نمی گویم.

حسین علیه السلام در غرفه های بهشت مجاور رسول خدا صلی الله علیه و آله و بتول علیها السلام و جعفر
 طیّار بوده در حالی که شادمان و مسرور می باشد.
 بعضی از جوانان در جواب آن صدا گفتند:
 برو پس پاینده و جاوید باد قبری که تو ساکن آن هستی تا قیامت باران بر آن
 ببارد.

پیمودم راهی را که تو نیز راهرو آن بودی و نوشیدم باکاسه ای که بسیار فراخ
 بود.

و نیز پیمودم راهی را که جوانانی در این راه جان خودشان را تسلیم خدا نموده و از مال و دوستان و خانه‌هایشان جدا گردیدند.

متن:

۳- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ: حَدَّثَنِي عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ؛ وَ عَمْرُو بْنُ ثَابِتٍ، عَنْ أَبِي زِيَادِ الْقَنْدِيِّ قَالَ: كَانَ الْجِصَّاصُونَ يَسْمَعُونَ نَوْحَ الْجَنِّ حِينَ قُتِلَ الْحُسَيْنُ (ع) فِي السَّحَرِ بِالْجَبَّانَةِ وَ هُمْ يَقُولُونَ:

مَسَّحَ الرَّسُولُ جَبِينَهُ
أَبْوَاهُ مِنْ عَلِيَا قَرِيشٍ
فَلَّهُ بَرِيقُ فِي الْمُدُودِ
جَدُّهُ خَيْرُ الْمُدُودِ



﴿ حَدِيثُ مَوْمَنٍ ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از ام سلمه بن خطاب نقل کرده که وی گفت: عمر بن سعد و عمرو بن ثابت از ابی زیاد قندی برایم نقل نمود، وی گفت: زمانی که حضرت امام حسین (ع) شهید شدند گنج کارها در وقت سحر نوحه سرائی‌های طائفه جن را در قبرستان می‌شنیدند، ایشان می‌گفتند: رسول خدا (ص) پیشانی او را دست کشید پس در رخس نوری ساطع است. پدر و مادرش از برترین افراد قریش بوده، جد بزرگوارش بهترین جداها است.

متن:

۴- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ: قَالَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ: حَدَّثَنِي الْوَلِيدُ بْنُ عَسَّانٍ - عَنْ حَدِّثِهِ - «قَالَ: كَانَتِ الْجَنُّ

تنوح علی الحسین بن علی علیه السلام تقول:
 لمن الأبیاتُ بالطَّفِّ علی کُره بنینه
 تلك أبیاتُ الحسین یَسْجَاوُن الرِّینة

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم از سلمة بن خطاب نقل کرده که وی گفت:
 عمر بن سعد گفت: ولید بن غسان از کسی که برایش نقل نمود برایم حدیثی
 چنین نقل کرد وی گفت:

طائفه جن بر حسین بن علی علیه السلام نوحه سرانی کرده و می گفتند:
 این اشعار و ابیات که در سرزمین طُف در ترسیم بلاهای وارده بر فرزندان
 سروده شده از کیست؟
 این ابیات حسین علیه السلام را صیдахای حزین و همراه با گریه پاسخ خواهند داد.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلْمَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَيُّوبُ بْنُ
 سَلْيَانَ بْنِ أَيُّوبَ الْفَزَارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَزَّوْرِ «قَالَ: سَمِعْتُ لَيْلَى وَهَى
 تَقُولُ: سَمِعْتُ نُوحَ الْجَنِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام وَهَى تَقُولُ:

| | |
|------------------------------------|-----------------------------------|
| يا عينُ جودي بالدموع فابتما | ییکی الحزینُ بحرقةٍ و تفجع |
| يا عينُ أهلك الرقابَ بطيبةٍ | من ذکر آلِ محمدٍ و توجع |
| بأنت ثلاثاً بالصَّعِيدِ جُسُومُهُم | بین الوُحُوشِ كُلُّهُم فی مَصْرَع |

ترجمہ:

﴿ حدیث پنجم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم از سلمة نقل کرده کہ وی گفت:
ایوب بن سلیمان بن ایوب الفزاری، از علی بن خزور برایم نقل کرد از لیلی
شنید کہ وی گفت:

نوحه سرائی طائفه جن بر حسین بن علی علیه السلام را شنیدم کہ می گفتند:
ای چشم اشک بریز، ریا می گیرید شخص حزین با سوز و دل تنگی.
ای چشم مردم به واسطه خوشی و خوش گذرانی تو را از یاد آل محمد علیہم السلام
و ہم دردی با ایشان بازداشته و غافل کرده اند.
سه شب را آل محمد علیہم السلام به روز آورده در حالی کہ ابدان طاهره آنها روی
خاک بین حیوانات وحشی بوده و جملگی در قتلگاه افتاده اند.



مثن:

۶- حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن
الحسین، عن نصر بن مزاحم، عن عبدالرحمن بن ابی حماد، عن ابی لیلی
الواسطی، عن عبدالله بن حسان الکنانی قال: بکت الجن علی الحسین بن
علی علیه السلام فقالت:

ماذا تقولون إذ قال النبي لكم

ماذا فعلتم وأنتم آخر الأمم؟

بأهل بيتي وإخواني ومكرمتي

من بين أسرى وقتلى ضربوا بدم؟

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحُسن، از نصر بن مزاحم، از عبدالرحمن بن ابی حماد، از ابی لیلی واسطی، از عبدالله بن حسان کنانی نقل کرده که وی گفت:

طائفه جن بر حضرت حسین بن علی علیه السلام گریسته و گفتند:

چه خواهید گفت زمانی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله به شما بفرماید:

شما که آخرین امت‌ها می‌باشید چه کردید با اهل بیت و برادران و خویشان من، برخی را اسیر و بعضی را کشته و آلوده به خون خود کردید.

متن:

۷- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ: حَدَّثَنِي سَلْمَةُ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مَعْمَرِ بْنِ خَلَادٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاءِ عليه السلام «قَالَ: بَيْنَمَا الْحُسَيْنُ عليه السلام يَسِيرُ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ وَهُوَ مُتَوَجِّهٌُ إِلَى الْعِرَاقِ وَإِذَا بِرَجُلٍ يَرْتَحِزُ وَيَقُولُ:

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مَعْمَرِ بْنِ خَلَادٍ، عَنْ الرِّضَاءِ عليه السلام مِثْلَ أَلْفَاظِ سَلْمَةَ، قَالَ: وَهُوَ يَقُولُ:

يَا نَاقِثُ لَا تَذْعُرِي مِنْ رَجْزِي وَ شِمْرِي قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ
بَحْرِ رُكْسَبَانٍ وَ خَيْرِ سَفَرٍ حَتَّى تَحُلِيَ بِكَرِيمِ النَّجْرِ
بِمَا جَدُّ الْجَدِّ رَحِيمِ الصَّدْرِ أَتَى بِهِ اللَّهُ الْخَيْرِ أَمْرِ
ثُمَّ أَبْقَاهُ بَقَاءَ الدَّهْرِ

فَقَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ؑ
 سَامِضِي وَمَا بِالْمَوْتِ عَارٌ عَلَى الْفَقْرِ
 إِذَا مَا تَوَى حَقًّا وَجَاهَدَ مُسْلِمًا
 وَأَسَى الرِّجَالِ الصَّالِحِينَ بِنَفْسِهِ
 وَفَارَقَ مَثْبُورًا وَخَالَفَ مُجْرِمًا
 فَإِنْ عِشْتُ لَمْ أُنْذَمْ وَإِنْ مِتُّ لَمْ أَلَمْ
 كَسَفَى بِكَ ذُلًّا أَنْ تَعِيشَ وَتَرْغِبَا

﴿ حدیث ہفتم ﴾

ترجمہ:

حکیم بن داود بن حکیم می گوید:
 سلمہ برائیم نقل نمود و گفت:
 علی بن حسن، از معمر بن خلاد، از ابی الحسن الرضا ؑ نقل نمود کہ آن
 حضرت فرمودند:

ہنگامی کہ حضرت امام حسین ؑ در دل شب حرکت کردہ و بطرف عراق
 متوجہ شدند در راہ بہ شخصی برخوردند کہ رجز می خواند و می گفت:
 و پدرم رحمۃ اللہ علیہ از سعد بن عبداللہ، از احمد بن محمد بن عیسی، از
 معمر بن خلاد نقل کرد کہ وی از حضرت رضا ؑ عین الفاظ سلمہ را حکایت
 نمود، وی گفت آن مردی کہ رجز می خواند می گفت:
 ای شتر خوف و ہراس مکن از زجر و نہی من و سرعت کن و بشتاب پیش از
 آنکہ صبح طلوع کند.

تا برسانی من را بہ بہترین سوار و بہترین سفر و بہ کسی کہ اصل و نسبش
 کریم و جدش بزرگ و سینہ اش فراخ و با ظرفیت است، خداوند بواسطہ بہترین
 اعمال او را اجر و ثواب دہد و سپس تا مادامی کہ روزگار باقی است خداوند او

را باقی بدارد.

سپس حضرت حسین بن علی علیه السلام فرمودند:

عنقریب از این روزگار و دنیا می‌گذرم و مرگ بر جوانمرد ننگ و عار نیست
زمانیکه عزم و نیتش حق بوده و در حالی که مسلمان است جهاد کند.
مرگ بر جوانمرد عار نیست زمانی که با مردان صالح و نیکوکار به موااسات
رفتار کرده و از شخص معذب و هلاک شده فاصله گرفته و با مجرم و ستمکار به
مخالفت برخیزد.

بنابراین اگر زنده ماندم پشیمان نیستم و اگر مرگ مرا دریافت ملامت زده
نخواهم بود ولی همین خواری و ذلت برای تو کافی است که زندگانی می‌کنی
و مرتکب اعمال ناپسند می‌گرددی.



متن:

۸- حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعه مشایخی، عن سعد بن عبدالله بن
ابی خلف، عن محمد بن یحیی المعاذی قال: حدیثی الحسین بن موسی
الأصم، عن عمرو، عن جابر، عن محمد بن علی علیه السلام «قال: لما هم
الحسین علیه السلام بالشَّوْصَ عن المَدینة أقبلت نساء بنی عبدالمطلب
فاجتمعن لِلنِّیاحَةِ مشی فیهنَّ الحسین علیه السلام فقال: انشُدْکَ اللهُ ان تبدين هذا
الأمرَ معصيةَ اللهِ و لرسوله، فقالت له نساء بنی عبدالمطلب: فلمن نستبقي
النِّیاحَةَ و البُکاءَ فهو عندنا کیوم مات فیهِ رسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و علی، و
فاطمةُ و رقیةُ و زینبُ و أمُّ کلثوم؟!! فنشدهُ اللهُ جعلنا اللهُ فداک من
الموت، یا حبيب الأبرار من اهل القبور، و أقبلت بعض عَمَّاتِهِ تبکی
و تقول: اشهد یا حسین لقد سمعتُ الجنَّ ناحَتْ بِنوحِک و هم يقولون:

فَأَنَّ قَتِيلَ الْأُطْفِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ أَرْزَلَ رِقَاباً مِنْ قُرَيْشٍ قَدْ ذَلَّتْ
حَبِيبُ رَسُولِ اللَّهِ لَمْ يَكُ فَاحِشاً أَبَانَتْ مُصِيبَتُكَ الْأُنُوفَ وَ جَلَّتْ
وَقَلَنْ أَيْضاً:

بَكَّوْ حُسَيْناً سَيِّداً وَلَقَتْلِهِ شَابَ الشَّعْرُ
وَ لِقَتْلِهِ انْخَسَفَ الْقَمَرُ وَلَقَتْلِهِ انْخَسَفَ الْقَمَرُ
وَ اخْمَرَتْ أَفَاقُ السَّمَاءِ مِنْ الْعَشِيَّةِ وَ الشَّعْرِ
وَ تَغَيَّرَتْ شَمْسُ الْبِلَادِ بِهِمْ وَ أَظْلَمَتِ الْكُورُ
ذَاكَ ابْنُ فَاطِمَةَ الْمُصَابِ بِهِ الْخَلَائِقُ وَ الْبَشَرُ
أَوْرَثْنَا ذُلًّا بِهِ جَذَعَ الْأُنُوفَ مَعَ الْفَرَرِ

« حدیث هشتم »

ترجمہ:

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از محمد بن یحیی معاذی نقل کرده اند که وی گفت:

حسین بن موسی اصم از عمرو، از جابر، از حضرت محمد بن علی علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین علیه السلام با افراد و نفرات از مدینه آهنگ خروج نمودند زنان بنی عبدالمطلب پیش آمده پس برای نوحه سرائی و گریستن اجتماع نمودند، امام حسین علیه السلام در میان ایشان راه می رفتند و می فرمودند: شما را به خدا سوگند می دهم که معصیت خدا و رسولش را نکرده و نوحه سر نداده و آشکارا نگرید.

زنان بنی عبدالمطلب محضر مبارکش عرضه داشتند: پس برای چه کی نوحه و گریه را ذخیره نمائیم امروز مانند روزی است که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله

از دنیا رفتند و همانند روزی است که حضرت علی و فاطمه علیهم السلام از دنیا رحلت نمودند و همچون روزی است که رقیه و زینب و ام‌کلثوم (دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله) از تحال نمودند!!

فدایت شویم تو را به خدا سوگند که از مرگ کناره بگیر ای دوست خوبان از اهل قبور و سپس برخی از عمه‌های آن حضرت جلو آمده در حالی که می‌گریست عرض کرد:

ای حسین شاهد باش شنیدم صدای جَنّیان را که برای شما نوحه‌سرایی کرده و می‌گویند:

همانا مقتول و کشته شده در سرزمین طف از آل‌هاشم است که پست‌ترین و ذلیل‌ترین مردم از قریش او را مقتول ساخته است.

حبیب رسول خدا بد نبود، مصیبت تو بینی‌ها را بریده و حقیر نموده است. و زنان بنی عبدالمطلب نیز گفتند:

برای حسین که سرور و آقای همه است گریه کنید و بخاطر شهادتش موی‌ها سفید شد.

بخاطر شهادتش به زلزله مبتلا شدید، بخاطر شهادتش ماه گرفته شد.

بخاطر شهادتش افق آسمان در غروب و سحر سرخ گردید.

بخاطر شهادتش خورشید شهرها و نور آن کدر شد و مساکن و منازل تار و ظلمانی گردید او فرزند فاطمه‌ایست که از خلاق و بشر به مصیبت گرفتار گردید.

بواسطه شهادت و قتل آن جناب خواری به ما رسیده و به سبب آن بینی‌ها قطع و به هلاکت افتاده‌ایم.

متن:

۹- حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعه مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن یحیی المعاذی، عن عباد بن یعقوب، عن عمرو بن ثابت، عن عمر [و] بن عکرمه قال: أصبحنا صبیحة قتل الحُسَین علیه السلام بالمَدینة فإذا مولى لنا يقول: سمعنا الباریة مُنادياً ینادی و یقول:

أَیُّهَا الْقَاتِلُونَ ظَلَمَآ حُسَیْنًا أَبْشِرُوا بِالْعَذَابِ وَ التَّنْكِیلِ
 كُلُّ أَهْلِ السَّمَاءِ یَدْعُو عَلَیْكُمْ مِنْ نَبِیٍّ وَ مَلَائِكٍ وَ قَبِیلِ
 قَدْ لَعَنَتمْ عَلَى لِسَانِ بَنِ دَاوُدَ ذُو الرُّوحِ حَامِلِ الْإِنْجِیلِ



حدیث نهم

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از محمد بن یحیی معاذی، از عباد بن یعقوب، از عمرو بن ثابت، از عمرو بن عکرمه نقل کرده‌اند که وی گفت:

بامداد روزی که حضرت حسین بن علی علیه السلام شهید شدند ما در مدینه صبح نمودیم در این هنگام غلامی که داشتیم گفت: شب گذشته شنیدیم منادی نداء می‌کرد و می‌گفت:

ای کسانی که حسین را از روی ستم و جور کشتید بشارت باد شما را به عذاب و عقوبتی سخت.

تمام اهل آسمان شما را نفرین می‌کنند، چه انبیاء و چه فرشته‌گان و چه کارگزاران.

بر زیان ابن داود و عیسی بن مریم که صاحب روح و حامل انجیل بوده لعن شده‌اید.

متن:

۱۰ - حدَّثنی حکیم بن داود بن حکیم، عن سلمة بن الخطاب قال: حدَّثنی عبدالله بن محمد بن سنان، عن عبدالله بن القاسم بن الحارث، عن داود الرقی قال: حدَّثتني جدِّي أنَّ الحنَّ لما قتل الحُسَيْنَ عليه السلام بَكَت عليه بهذه الأبيات:

| | |
|-------------------------------|---------------------------------|
| يا عينُ جُودي بالعبر | وَأبكي فقد حَقَّ الخبر |
| أبكي ابنَ فاطمةَ الَّذي | وَرَدَ الْفُرَاتَ فَمَا صَدَرَ |
| الحنُّ تَبكي شَجْوَهَا | لَمَّا أَتَى مِنْهُ الْحَسْبُ |
| قُتِلَ الْحُسَيْنُ وَرَهْطُهُ | تَفْسًا لِذَلِكَ مِنْ خَبَر |
| فَلَأَبْكِيَنَّكَ حُرْقَهُ | عِنْدَ الْعِشَاءِ وَبِالسَّحَرِ |
| وَلَأَبْكِيَنَّكَ مَا جَرَى | عِرْقُ وَ مَا هَمَلَ الشَّجَرُ |

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمة بن خطاب نقل کرده که وی گفت: عبدالله بن محمد بن سنان، از عبدالله بن قاسم بن حارث، از داود رقی برایم نقل کرد و گفت:

جذ هام حکایت نمود که وقتی حضرت حسین علیه السلام شهید شدند طائفه جنّ بر آن حضرت گریسته و این ابیات را می خواند: ای چشم اشک بریز و گریه کن پس محققاً خبر شهادت حضرت حسین علیه السلام حق و راست می باشد.

گریه کن برای فرزندان فاطمه که به فرات داخل شد و از آن برنگشت، جنّ برای حزن و غم فاطمه می گریه زمانی که از حسین علیه السلام خبر شهادتش

برسد.

حسین علیه السلام و یارانش کشته شدند، افسوس از چنین خبری.
صبح و شام البتّه البتّه برایت اشک سوزان می ریزم.
البتّه البتّه آن قدر برایت اشک بریزم که ریشه ها را روان و درختان را ببرد.

﴿البَابُ الثَّلَاثُونَ﴾

﴿دَعَاءُ الْحَمَامِ وَلَعْنُهَا عَلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ، عَنْ إسمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: اتَّخَذُوا الْحَمَامَ الرَّاعِيَّةَ فِي بَيْوتِكُمْ، فَإِنَّهَا تَلْعَنُ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ علیه السلام».

﴿باب سی ام﴾

﴿نفرین و لعنت نمودن کبوتران در حق﴾

﴿قاتلین حضرت امام حسین علیه السلام﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و علی بن الحُسَین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از حسین بن یزید نوفلی، از اسماعیل بن ابی زیاد سکونی از حضرت

ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
 کبوتر خوانا را در خانه هایتان نگهداری کنید زیرا این حیوان قاتلین امام
 حسین علیه السلام را لعنت می کند.

متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ أَخِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِيعاً،
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَدْرِيسَ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِيِّ، عَنْ الْحَسَنِ
 ابْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ صَنْدَلٍ، عَنْ دَاوُدَ عَنْ فَرْقَدٍ «قَالَ: كُنْتُ جَالِساً
 فِي بَيْتِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَنَظَرْتُ إِلَى الْحَمَامِ الرَّاعِي يُقَرِّقُ طَوِيلاً، فَنَظَرْتُ إِلَى
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ: يَا دَاوُدُ أَتَدْرِي مَا يَقُولُ هَذَا الطَّيْرُ؟ قُلْتُ: لَا جُعِلْتُ
 فِدَاكَ، قَالَ: تَدْعُو عَلَى قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَاتَّخَذُوهُ فِي مَنَازِلِكُمْ».
 وَ حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ جَمَاعَةٌ مَشَائِجِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِيِّ بِأَسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدر و برادرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن جملگی از احمد بن
 ادريس بن احمد، از ابی عبدالله جامورانی از حسن بن علی بن ابی حمزه از
 صندل (صفوان نسخه ب) از داود بن فرقند نقل کرده اند وی گفت:
 در خانه امام صادق علیه السلام نشسته بودم، چشمم به کبوتر خوانا افتاد که مشغول
 خواندن بود و زیاد می خواند، امام علیه السلام به من نگاه نموده و فرمودند:
 ای داود می دانی این حیوان چه می گوید؟
 عرض کردم: خیر فدایت شوم.

حضرت فرمودند: قاتلین حسین بن علی علیه السلام را نفرین می‌کند از این حیوان تهیه کنید و در منازلتان نگهداری کنید.
و پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبدالله، از ابی عبدالله جامورانی به اسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند.

﴿ الباب الخاди وَ الثَّلَاثُونَ ﴾

﴿ نوح البوم وَ مُصِيبَتَا عَلِي الْحُسَيْن علیه السلام ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ؛ وَ جَمَاعَةُ مُشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي عُنْدَرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ فِي الْبُومَةِ، قَالَ: هَلْ أَحَدٌ مِنْكُمْ رَأَاهَا بِالنَّهَارِ، قِيلَ لَهُ: لَا، تَكَادُ تَظْهَرُ بِالنَّهَارِ وَلَا تَظْهَرُ إِلَّا لَيْلًا، قَالَ: أَمَا أَنَّهُمَا لَمْ تَزَلْ تَأْوِي الْعِمْرَانَ أَبَدًا، فَلَمَّا انْقَضَ قَتْلُ الْحُسَيْنِ علیه السلام آلَتْ عَلَى نَفْسِهَا أَنْ لَا تَأْوِي الْعِمْرَانَ أَبَدًا وَلَا تَأْوِي إِلَّا الْخَرَابَ، فَلَا تَزَالُ نَهَارَهَا ضَامَّةً حَزِينَةً حَتَّى يَجْتَنِّهَا اللَّيْلُ فَإِذَا جَنَّتْهَا اللَّيْلُ (كَذَا) فَلَا تَزَالُ تَرْتَمِ عَلَى الْحُسَيْنِ علیه السلام حَتَّى تَصْبِحَ».

﴿ باب سی و یکم ﴾

﴿ نوحه سرائی و ذکر مصیبت نمودن جغد بر ﴾

﴿ حضرت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی بن عبید، از صفوان بن یحیی، از حسین بن ابی عسدر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:

شنیدم امام صادق علیه السلام در باره جغد فرمودند:

آیا احدی از شما آن را در روز دیده است؟

محضر مبارکش عرض شد: خیر ابدأ در روز ظاهر نشده و تنها در شب پیدا می گردد.

حضرت فرمودند:

اما اینکه این حیوان پیوسته در خرابه ها مسکن گرفته و در آبادی نمی آید جهتش آنستکه:

وقتی حضرت امام حسین علیه السلام شهید شدند این حیوان بواسطه قسم بر خود حتم نمود که ابدأ در آبادی سکنا نکرده و منزلش تنها در خرابه ها باشد پس پیوسته در روز صائم و حزين است تا شب فرا برسد و وقتی شب درآمد از ابتداء آن تا صبح بر مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام زمزمه و نوحه سرائی و مرثیه خوانی می کند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ صَاعِدِ الْبَرَبَرِيِّ قِيَّماً الْقَبْرِ الرَّضَا عليه السلام قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا عليه السلام فَقَالَ لِي: تَرَى هَذِهِ الْبُومَ مَا يَقُولُ النَّاسُ؟ قَالَ: قُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ جَنَّتَا نَسْأَلُكَ، فَقَالَ: هَذِهِ الْبُومَةُ كَانَتْ عَلَى عَهْدِ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله تَأْوِي الْمَنَازِلَ وَالْقُصُورَ وَالْدُّورَ، وَكَانَتْ إِذَا أَكَلَ النَّاسُ الطَّعَامَ تَطِيرُ وَتَقَعُ أَمَامَهُمْ فَيَرْمِي إِلَيْهَا بِالطَّعَامِ وَتَرْجِعُ إِلَى مَكَانِهَا فَلَمَّا تَقَلَّ الْحُسَيْنِ عليه السلام خَسِرَتْ مِنَ الْعُمَرَاءِ إِلَى الْخُرَابِ وَالْجِبَالِ وَالْبَرَارِي، وَقَالَتْ: بَشِ الْأُمَّةَ أَنْتُمْ! قَتَلْتُمْ ابْنَ بَنَاتِ نَبِيِّكُمْ، وَلَا أَمْنَكُمْ عَلَى نَفْسِي».

« حَدِيثِ دَوِّمِ »

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه بن ابی الخطاب از حسین بن علی صاعد بربری که قیّم و متصدی قبر حضرت امام رضا علیه السلام بود نقل کرده که وی گفت: پدرم برای من نقل نمود و گفت: بر حضرت رضا علیه السلام وارد شدم، آن جناب به من فرمود:

این جغد را می بینی؟ مردم چه می گویند؟

عرض کردم: فدایت شوم آمده ایم که از شما بپرسیم.

حضرت فرمودند: این جغد در عصر جدّم رسول خدا صلى الله عليه وآله در منازل و قصرها و خانه ها سکنی داشت و هر وقت مردم مشغول خوردن طعام بودند این حیوان بر می زد و در مقابل ایشان خود را می رساند و مردم طعام و غذا جلوی او می ریختند و این حیوان طعام خورده و از آب خود را سیراب می کرد و سپس به منزلش بر می گشت ولی هنگامی که حضرت حسین بن علی علیه السلام شهید شدند از شهر و آبادی خارج گشت و در خرابه ها و کوه ها و بیابان ها مکان گرفت و گفت:

بد امتی شما می‌باشید! پسر دختر پیامبر خود را کشتید و من نسبت به نفس خود از شما در امان نیستم.

متن:

۳- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ - عَنْ رَجُلٍ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ الْيَوْمَ لَتَصُومُ النَّهَارَ فَإِذَا أَفْطَرْتَ تَدَلَّهْتَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام حَقِّ تَصَبُّحٍ».



ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز، از دانی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از حسن بن علی بن فضال از شخصی از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل کرد، وی گفت:

امام عليه السلام فرمودند:

جغد در روز صائم بوده و وقتی افطار نمود قلبش در مصائب حضرت حسین بن علی عليه السلام محزون و افسرده شده تا صبح فرا برسد.

متن:

۴- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنِ الْمَيْثَمِيِّ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا يَعْقُوبُ رَأَيْتَ يَوْمَهُ بِالنَّهَارِ تَنْفَسُ قَطًّا، فَقَالَ: لَا، قَالَ: وَتَدْرِي لِمَ ذَلِكَ؟

قال: لا، قال: لَأَنْهَا تُظِلُّ يَوْمَهَا صَائِمَةً عَلَى مَا رَزَقَهَا اللَّهُ، فَاذَا جَنَّتْهَا اللَّيْلُ افْطَرْتُ عَلَى مَا رَزَقْتُ، ثُمَّ لَمْ تَزَلْ تَرْتَمِ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام حَتَّى تَصْبِحَ.

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

علی بن الحُسَین بن موسی، از سعد بن عبدالله، از موسی بن عمر، از حسن بن علی، از میثمی نقل کرده، وی گفت:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای یعقوب آیا تا به حال دیده‌ای که جغدی در روز آواز بخواند؟
وی گفت: خیر.



حضرت فرمودند: می‌دانی چرا؟

عرض کرد: خیر.

امام علیه السلام فرمودند: برای اینکه طول روز را این حیوان صائم بوده و وقتی شب فرا رسید افطار کرده و از آنچه خداوند مَتَّان روزی او کرده استفاده نموده سپس پیوسته تا صبح بدمد بر مصائب حضرت حسین بن علی علیه السلام زمزمه نموده و نوحه سرائی می‌کند.

﴿البَابُ الثَّانِي وَ الثَّلَاثُونَ﴾

﴿ ثَوَاب مَنْ بَكَى عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ محبوب، عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقُولُ: أَيُّمَا مُؤْمِنٌ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام دَمْعَةً حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا، وَأَيُّمَا مُؤْمِنٌ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ فَيُنَا لَأَذَى مَسْنًا مِنْ عَدُوِّنَا فِي الدُّنْيَا بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ مَبُوءًا صَدَقٍ، وَأَيُّمَا مُؤْمِنٌ مَسَّهُ أَذَى فَيُنَا فَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ مِنْ مَضَاضَةٍ مَا أَوْذَى فَيُنَا صَرَفَ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ الْأَذَى وَآمَنَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مِنْ سَخَطِهِ وَالتَّارِ.

﴿باب سی و دوم﴾

﴿ ثَوَاب كَسَى كَهْ بِرْ حَضْرَتِ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ﴾

﴿ گریه کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل کرده که آن

جناب فرمودند:

حضرت علی بن ابی الحسن علیه السلام می فرمودند:

هر مؤمنی که بخاطر شهادت حسین بن علی علیه السلام گریه کند تا اشکش بر گونه هایش جاری گردد خداوند مَنانِ غرقه ای در بهشت به او دهد که مدت ها در آن ساکن گردد و هر مؤمنی بخاطر ایذاء و آزاری که از دشمنان ما در دنیا به ما رسیده گریه کند تا اشکش بر گونه هایش جاری شود خداوند متعال در بهشت به او جایگاه شایسته ای دهد و هر مؤمنی در راه ما اذیت و آزاری به او رسد پس بگیرد تا اشکش بر گونه هایش جاری گردد خداوند متعال آزار و ناراحتی را از او بگرداند و در روز قیامت از غضب و آتش دوزخ در امانش قرار دهد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِي، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حمزة، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ الْبُكَاءَ وَالْجَزْعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا جَزَعَ مَا خِلَا الْبُكَاءَ وَالْجَزْعَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَإِنَّهُ فِيهِ مُأْجُورٌ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله، از ابی عبدالله جامورانی از حسن بن علی بن ابی حمزه، از پدرش از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:
از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
برای بنده جزع نمودن و گریستن در تمام امور مکروه و ناپسند است مگر گریستن و جزع کردن بر حسین بن علی علیه السلام زیرا شخص در این گریستن مأمور و مثاب می باشد.

متن:

۳- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الزِّيَّاتِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ لَهُ -: وَ مِنْ ذَكَرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِنَ الدَّمْعِ مِقْدَارُ جَنَاحِ زَيْبَابٍ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَمْ يَرْضَ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی، از دانی خود محمد بن الحسین زیات، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابو هارون مکفوف نقل کرده که وی گفت: حضرت ابو عبدالله عليه السلام در ضمن حدیث طولانی فرمودند: کسی که یادی از حضرت حسین بن علی علیه السلام نزدش بشود و از چشمش به مقدار بال مگس اشک خارج شود اجر او بر خدا است و حق تعالی به کمتر از بهشت برای او راضی نیست.

متن:

۴- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ: حَدَّثَنَا بَكَّارُ بْنُ أَحْمَدَ الْقَشَّامِ؛ وَالْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُخَوَّلٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ الزَّيْبِعِ بْنِ مَنْذَرٍ عَنْ أَبِيهِ، «قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ: مَنْ قَطَرَتْ عَيْنَاهُ فِينَا قَطْرَةٌ وَ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ فِينَا دَمْعَةً بَوَّاهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا وَ أَحْقَابًا».

ترجمه:

« حدیث چهارم »

حکیم بن داود بن حکیم از سلمة بن خطاب نقل کرده که وی گفت:
 بکار بن احمد قسام و حسن بن عبدالواحد، از مخول بن ابراهیم، از ربیع بن
 منذر از پدرش نقل نموده، وی گفت:

از حضرت علی بن الحُسین علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
 کسی که از دو چشمش قطره‌ای اشک در راه ما بیاید خداوند متعال در بهشت
 غرفه‌ای به او عطاء فرماید که روزگاری در آن سکنا گیرند.

متن:

حدَّثنی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن
 احمد بن محمد، عن حمزة بن علی الأشعری، عن الحسن بن معاوية بن
 وهب - عمن حدّثه - عن أبی جعفر علیه السلام قال کان علی بن الحُسین علیه السلام یقول:
 - و ذکر مثل حدیث محمد بن جعفر الرّزّاز سوء.

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبدالله، از احمد بن
 محمد، از حمزة بن علی اشعری، از حسن بن معاویه بن وهب که برایش
 حدیث نقل نموده از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:
 حضرت علی بن الحُسین علیه السلام می فرمودند: و حدیثی مانند حدیث محمد
 بن جعفر رزّاز را عیناً فرمودند (مقصود حدیث سوم می باشد).

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ أَبِي عُمَارَةَ الْمُتَشِدِّ «قَالَ: مَا ذَكَرَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فِي يَوْمٍ قَطَّ فُرُؤِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَتَبَسِّمًا قَطًّا إِلَى اللَّيْلِ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از حسن بن علی، از ابن ابی عمیر، از علی بن مغیره، از ابن ابی عماره منشد نقل کرده که وی گفت: هرگز ذکر نشد حسین بن علی علیه السلام نزد ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام در روزی که در آن جناب تا شب متبسم و خندان دیده شوند.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ كِرْدِيِّ الْبَصْرِيِّ «قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا مِسْمَعُ أَنْتَ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ؛ أَمَّا تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قُلْتُ: لَا؛ أَنَا رَجُلٌ مَشْهُورٌ عِنْدَ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، وَعِنْدَنَا مَنْ يَتَّبِعُ هَوَىٰ هَذَا الْخَلِيفَةِ، وَعِدُونَا كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْقَبَائِلِ مِنَ النَّصَّابِ وَغَيْرِهِمْ، وَلَسْتُ أَمْنُهُمْ أَنْ يَرْفَعُوا حَالِي عِنْدَ وَلَدِ سُلَيْمَانَ فَيَمِثِّلُونَنِي، قَالَ لِي: أَلَمْ تَذْكُرْ مَا صَنَعَ بِهِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: فَتَجَزَّعَ؟ قُلْتُ:

ای والله وأستعبر لذلك حتى يرى اهل اثر ذلك على فامتنع من الطعام حتى يستبين ذلك في وجهي، قال: رَجِمَ الله دمعك، اما إناك من الذين يُعدُّون من اهل الجزع لنا، والذين يفرحون لفرحنا و يحزنون لحزننا و يخافون لخوفنا و يأمنون اذا أمتنا، اما انك ستري عند موتك حضور آبائي لك و وصيتهم ملك الموت بك، و ما يلقونك به من البشارة أفضل، و لملك الموت ارق عليك و أشد رحمة لك من الأم الشفيقة على ولدها، قال: ثم استعبروا استعبرت، معه فقال: الحمد لله الذي فضّلنا على خلقه بالرحمة و خصّنا اهل البيت بالرحمة، يا مِسْمَعُ انّ الأرض و السماء لتبكي منذ قُتل امير المؤمنين عليه السلام رحمة لنا، و ما بكى لنا من الملائكة اكثر و مازقات دموع الملائكة منذ قُتلنا، و ما بكى أحد رحمة لنا و لما لقينا إلا رحمه الله قبل أن تخرج الدّمة من عينه، فاذا سألت دُموعه على خديه، فلو ان قطرة من دُموعه سَقَطَتْ في جهنّم لأطْفِئَتْ حرّها حتى لا يوجد لها حرٌّ، و انّ الموجع لنا قلبه ليفرح يوم يرانا عند موته فرحةً لاتزال تلك الفرحة في قلبه حتى يرد علينا الحوض، و انّ الكوثر ليفرح بمحبّتنا إذا ورد عليه حتى أنّه ليزيقه من ضروب الطّعام ما لا يشتهي ان يصدر عنه، يا مِسْمَعُ مَنْ شرب منه شربة لم يظمأ بعدها ابداً، و لم يستق بعدها ابداً، و هو في بَرْدِ الكافور و ریح المسك و طعم الزّنجبيل، احلى من العسل، و الين من الرّبذ، و اضفى من الدّمع، و اذكى من القنبر يخرج من تسنيم، و يمرّ بأنهار الجنان يجري على رَضراض الدّرّ و الياقوت، فيه من القذّ خان اكثر من عدد نجوم السماء، يوجد ريحه من مسيرة ألف عام،

قَدْ خَانَهُ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَأَلْوَانِ الْجَوْهَرِ، يَفُوحُ فِي وَجْهِ الشَّارِبِ مِنْهُ كُلُّ فَائِضَةٍ حَتَّى يَقُولَ الشَّارِبُ مِنْهُ: يَا لَيْتَنِي تَرَكْتُ هَهُنَا لِأَبْغِي بِهَذَا بَدَلًا وَلَاعْنَهُ تَحْوِيلًا، أَمَا أَنْتَ يَا [ابن] كِرْزْدِينَ مِمَّنْ تَرَوِي مِنْهُ، وَمَا مِنْ عَيْنٍ بَكَتْ لَنَا إِلَّا نَعِمْتَ بِالنَّظَرِ إِلَى الْكُوثرِ وَسُقِيتَ مِنْهُ، وَأَنَّ الشَّارِبَ مِنْهُ مِمَّنْ أَصْبَنَا لِيُعْطَى مِنَ اللَّذَّةِ وَالطَّعْمِ وَالشَّهْوَةِ لَهُ أَكْثَرَ مِمَّا يَعْطَاهُ مِنْهُ هُوَ دُونَهُ فِي حُبِّنَا.

وَأَنَّ عَلَى الْكُوثرِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَفِي يَدِهِ عَصَا مِنْ عَوْسَجٍ يَحْطُمُ بِهَا أَعْدَاءَنَا، فَيَقُولُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ: إِنِّي أَشْهَدُ الشَّهَادَتَيْنِ، فَيَقُولُ: انْطَلِقْ إِلَى إِمَامِكَ فَلَا تَفَسَّأْ أَنْ يَشْفَعَ لَكَ، فَيَقُولُ: تَبَرَّأْتُ مِنْ أَمَامِي الَّذِي تَذْكُرُهُ، فَيَقُولُ: ارْجِعْ إِلَى وَرَائِكَ فَقُلْ لِلَّذِي كُنْتَ تَتَوَلَّاهُ تَقَدِّمَهُ عَلَى الْخَلْقِ فَاسْأَلْهُ إِذَا كَانَ خَيْرَ الْخَلْقِ عِنْدَكَ **أَنْ يَشْفَعَ لَكَ**، فَإِنَّ خَيْرَ الْخَلْقِ مَنْ يَشْفَعُ، فَيَقُولُ: إِنِّي أَهْلَكَ عَطَشًا، فَيَقُولُ لَهُ: زَادَكَ اللَّهُ ظَهَاءً وَزَادَكَ اللَّهُ عَطَشًا.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَكَيْفَ يَقْدِرُ عَلَى الدُّنُوِّ مِنَ الْحَوْضِ وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ غَيْرُهُ؟ فَقَالَ: وَرَعَ عَنْ أَشْيَاءَ قَبِيحَةٍ، وَكَفَّ عَنْ شَتْمِنَا [أَهْلَ الْبَيْتِ] إِذَا ذَكَّرْنَا، وَتَرَكَ أَشْيَاءَ اجْتَرَأَ عَلَيْهَا غَيْرُهُ، وَلَيْسَ ذَلِكَ لِحُبِّنَا وَلَا لِهَوًى مِنْهُ لَنَا، وَلَكِنْ ذَلِكَ لِشِدَّةِ اجْتِهَادِهِ فِي عِبَادَتِهِ وَتَذَنُّبِهِ وَلَمَّا قَدْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِهِ عَنْ ذِكْرِ النَّاسِ فَأَمَّا قَلْبُهُ فَنَافَقَ وَدِينَهُ النَّصَبُ وَاتِّبَاعُ أَهْلِ النَّصَبِ وَوَلَايَةُ الْمَاضِينَ وَتَقَدُّمُهُ لَهَا عَلَى كُلِّ أَحَدٍ.

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از مسمع بن عبدالملک کِردِین بصری نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

ای مسمع تو از اهل عراق هستی، آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می‌روی؟
عرض کردم: خیر، من نزد اهل بصره مردی مشهور هستم و نزد ما کسانی هستند که خواسته این خلیفه را طالب بوده و دشمنان ما از گروه ناصبی‌ها و غیر ایشان بسیار بوده و من در امان نیستم از اینکه حال من را نزد پسر سلیمان گزارش کنند.

در نتیجه او با من کاری کند که عبرت دیگران گردد لذا احتیاط کرده و به زیارت آن حضرت نمی‌روم.

حضرت به من فرمودند:

آیا یاد می‌کنی مصائبی را که برای آن جناب فراهم کرده و آزار و اذیت‌هایی که به حضرتش روا داشتند؟

عرض کردم: بلی.

حضرت فرمودند:

آیا به جزع و فزع می‌آئی؟

عرض کردم: بلی به خدا قسم و بخاطر یاد کردن مصائب آن بزرگوار چنان غمگین و حزین می‌شوم که اهل و عیالم اثر آن را در من مشاهده می‌کنند و چنان حالم دگرگون می‌شود که از خوردن طعام و غذا امتناع نموده و بوضوح علائم حزن و اندوه در صورتم نمایان می‌گردد.

حضرت فرمودند:

خدا رحمت کند اشک‌های تو را (یعنی خدا بواسطه این اشک‌ها تو را رحمت

نماید) آبدان قطعاً تو از کسانی محسوب می‌شوی که به خاطر ما جزع نموده و به واسطه سرور و فرح ما مسرور گشته و بخاطر حزن ما محزون گردیده و بجهت خوف ما خائف بوده و هنگام مأمون بودن ما در امان هستند، توجه داشته باش حتماً و عنقریب هنگام مرگ اجدادم را بالای سرت خواهی دید که ملک الموت سفارش تو را خواهند نمود و بشارتی که به تو خواهند داد برتر و بالاتر از هر چیزی است و خواهی دید که ملک الموت از مادر مهربان به فرزندش به تو مهربان‌تر و رحیم‌تر خواهد بود.

مسمع می‌گوید:

سپس حضرت گریستند و اشکهای مبارکشان جاری شد و من نیز با آن جناب اشک ریختم، پس از آن حضرت فرمودند:

الحمد لله الذی فضلنا علی خلقه بالرحمة و خصنا اهل البیت بالرحمة.

ای مسمع از هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام شهید شدند زمین و آسمان بر ما ترحم نموده و می‌گیرند و موجودی بیشتر از فرشتگان بر ما گریه نکرده است، ایشان اشک‌هایشان لایق قطع جاری بوده و هرگز قطع نمی‌شود.

توجه داشته باش احدی بخاطر ترحم بما و بجهت مصائبی که بر ما وارد شده گریه نمی‌کند مگر آنکه قبل از آمدن اشک از چشمش حقتعالی او را رحمت خواهد نمود و وقتی اشک‌ها بر گونه‌هایش جاری گشت در صورتی که یک قطره از آنها در جهنم بیفتد حرارت و آتش آن را خاموش و آرام می‌کند که دیگر برای آن حرارتی پیدا نمی‌شود.

دانسته باش کسی که به خاطر ما قلبش دردناک شود در روزی که موت و مرگش فرا برسد و ما را مشاهده نماید سرور و نشاطی برایش پیدا شود که پیوسته این سرور در او بوده تا در کنار حوض بر ما وارد گردد و هنگامی که محب و دوست‌دار ما اهل‌بیت بر حوض کوثر وارد شود سرور و فرح خاصی در کوثر پیدا شود به حدی که انواع و اقسام اطعمه‌ای را به او چشانده که وی مایل

نیست طعم آن غذاها زائد گردد.

ای مسموع: کسی که از آن حوض یک جرعه بپاشاند هرگز بعد از آن تشنه نشده و ابداً طلب آب نکند.

صفات آب کوثر

سپس حضرت اوصاف آب کوثر را چنین توصیف فرمودند:

الف: طبع آن در سردی و خنکی مانند کافور بوده.

ب: بوی آن همچون بوی مشک بوده.

ج: طعمش نظیر طعم زنجبیل می باشد.

د: شیرین تر از عسل.

ه: نرم تر و لطیف تر از سر شیر.

و: صاف تر از اشک چشم.

ز: پاک تر از عنبر.

ح: از تسنیم که چاهی است در بهشت خارج می گردد.

ط: در جوی های بهشت عبور می کند.

ی: از روی ریگ های بهشتی که در و یا قوت هستند جاری می باشد.

ک: کاسه هائی در آن است که عدد آنها از ستارگان آسمان بیشتر می باشد.

ل: بوی خوش آن از مسافتی که باید آن را ظرف هزار سال پیمود به مشام

می آید.

م: کاسه های درون آن از زر و سیم و انواع و اقسام جواهر قیمتی است.

ن: از آن هر بوی خوش و نسیم معطری به صورت شارب می وزد تا جایی که

شارب می گوید: کاش من را در همین جا به حال خود بگذارند، حاضر نیستم

اینجا را به جای دیگری تبدیل کرده و آن را تغییر دهم.

پس از آن حضرت به مسموع بن عبدالملک کردین بصیری فرمودند:

ای کردین توجّه داشته باش تو از کسانی هستی که از آب آن حوض می‌آشامی. و نیست چشمی که برای ما بگرید مگر آنکه از نعمت نظر نمودن به آب کوثر بهره‌مند شده و از آن سیراب می‌گردد.

دوستانان ما که از آب کوثر می‌آشامند پس از نوشیدن از آن لذتی که برده و طعمی که چشیده و شهوتی که در آن‌ها پدید آمده به مراتب بیشتر از لذت و طعم و شهوتی است که به دیگران یعنی کسانی که در مرتبه پائین‌تر از حبّ ما هستند اعطاء می‌گردد.

بر بالای حوض کوثر امیرالمؤمنین علیه السلام ایستاده و در دست مبارکش عصائی از گیاه عوسج بوده که با آن دشمنان ما را منکوب و مضروب می‌سازند، یکی از آن دشمنان محضر مبارکش عرض می‌کند: من شهادتین می‌گویم.

حضرت می‌فرماید: نزد امام خود «فلانی» برو پس از او بخواه که تو را شفاعت کند.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

آن شخص می‌گوید:

امام من که نامش را بردید از من تبری می‌جوید.

حضرت می‌فرمایند:

به پشت خود برگردد و از کسی که دوستش می‌داشتی و بر خلائق مقدّمش می‌نمودی طلب شفاعت کن زیرا بهترین خلق نزد تو باید شفاعت را بکند چه آنکه بهترین مخلوقات کسی است که شفیع دیگران باشد.

آن شخص می‌گوید: از تشنگی مردم.

حضرت به او می‌فرمایند:

خداوند تو را تشنه‌تر کرده و عطش را زیاد کند.

راوی یعنی مسمع می‌گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم این شخص چگونه نزدیک

حوض می‌رود در حالی که غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام احدی بر آن قادر نیست؟

حضرت فرمودند:

این شخص از اعمال زشتی چند اجتناب نموده و وقتی ما را نام می برد از ناسزا گفتن و فحش دادن خودداری می کرد و کارهایی را که دیگران جرئت نموده و انجام می دادند وی آنها را ترک می کرد ولی این نه بخاطر حب و دوستی با ما بوده بلکه منشاء آن زیاد عبادت نمودن و تدبیر و منصرف بودنش از ذکر مردم می باشد ولی در قلبش نفاق بوده و دین و آئینش مذهب نصب و تبعیت از اهل آن بوده و ولایت و دوستی خلفاء ماضی را داشته و آن دو نفر را بر هر کسی مقدم می کند.

متن:

۷- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ
الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ
الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكِيرٍ الْأَرْجَانِيِّ وَحَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ
ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ،
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكِيرٍ «قَالَ: حَجَجْتُ
مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - فَقُلْتُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَوْ
نُبِّشَ قَبْرُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام هَلْ كَانَ يُصَابُ فِي قَبْرِهِ شَيْءٌ؟ فَقَالَ: يَا ابْنَ
بَكِيرٍ مَا أَعْظَمَ مَسَائِلَكَ، إِنَّ الْحُسَيْنَ عليه السلام مَعَ أَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ فِي مَنْزِلِ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَمَعَهُ يَرْزُقُونَ وَيَحْبُونَ وَأَنَّهُ لَعَلَى عِثْنِ الْعَرْشِ مُتَعَلِّقٌ
(كَذَا؟) يَقُولُ: يَا رَبِّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَأَنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى زُورَارِهِ وَأَنَّهُ
اعْرِفَ بِهِمْ وَبِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَمَا فِي رَحَالِهِمْ مِنْ أَحَدِهِمْ
بَوْلَدَةٍ، وَأَنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَيَسْأَلُ أَبَاهُ الْأَسْتَغْفَارَ لَهُ، وَ

يقول: ايها الباكي لو عَلِمْتَ ما أَعَدَّ اللهُ لك لَفَرِحْتَ اكْثَرَ مِمَّا حَزَنْتَ، وَاِنَّه لَيَسْتَغْفِرُ لَه مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از حسين بن حسن بن ابان، از حسين بن سعيد، از عبدالله بن مغیره، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن بکیر ارجانی، و پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحُسين، از محمد بن عبدالله زرارہ، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن بکیر نقل کرده که گفت: با حضرت ابي عبدالله علیه السلام حجّ به جا آوردم.... حدیث طولانی است و در یکی از فقرات آن راوی می گوید:

محضر امام علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر قبر حضرت حسين ابن علی علیه السلام را نبش کنند در قبر به چیزی برخورد و اصابت می کنند یا نه؟ حضرت در جواب فرمودند:

چقدر سؤال بزرگی کردی، حضرت حسين علیه السلام با پدر و مادر و برادر بزرگوارشان در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و جملگی با آن حضرت از روزی خدا بهره مند می شوند و در خصوص آن جناب باید بگویم که حضرتش بر سمت راست عرش چنگ زده و به درگاه الهی عرض می کند:

يا ربّ انجزلي ما وعدتني (آنچه را به من وعده دادی روا نما).

و آن حضرت به زوّار خود نگریسته و به آنها و به اسماء ایشان و اسماء پدرانشان و آنچه در خورجین و بارشان می باشد اعرف و آگاه تر از ایشان به فرزندشان می باشد و نیز آن جناب به گریه کننده گانش نظر فرموده و برای آنها طلب آمرزش نموده و از پدر بزرگوارش درخواست استغفار برای ایشان می نماید و خطاب به کسانی که برایش گریه می کنند کرده و می فرماید:

ای کسی که گریه می کنی اگر بدانی چه خدا برایت آماده نموده مسلماً سرور و شادی تو بیشتر از حزن و اندوهت می گردد و این حتمی است که حق تعالی تمام گناهان و لغزشهای تو را بواسطه این اشگی که ریخته ای می آمرزد.

متن:

۸- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلْمَةَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ ذُكِرْنَا عَنْدهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ وَلَوْ مِثْلَ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ عَفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ».



﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود، از سلمه، از یعقوب بن یزید، از ابن ابی عمیر، از بکر بن محمد، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کسیکه نام ما نزد او برده شود و از چشمانش اشک بیاید اگرچه به قدر بال پشه باشد گناهانش آمرزیده شود و لو به اندازه روی دریاها باشد.

متن:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مثله.

ترجمه:

محمد بن عبدالله از پدرش، از احمد بن ابی عبدالله برقی، از پدرش از بکر بن محمد، از حضرت ابی عبدالله مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينِ الْقَلَاءِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عليه السلام دَمْعَةً حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ بَوَّاهُ اللَّهُ بِهَا غُرْفًا فِي الْجَنَّةِ يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا.



حدیث نهم

ترجمه:

حکیم بن داود از سلمه بن خطاب، از حسن بن علی، از علاء بن رزین القلاء، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند: هر مؤمنی که بخاطر شهادت حضرت حسین عليه السلام چشمانش اشک ریخته بطوریکه اشکها بر گونه هایش جاری گردد خداوند منان در بهشت غرفه هایی به او عنایت فرماید که وی برای روزگارا در آن سکنا گزیند.

متن:

۱۰ - وَ عَنْهُ عَنْ سَلَمَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ، عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ فَضِيلِ بْنِ فَضَالَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ ذُكِرْنَا عَنْدهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى النَّارِ.

ترجمه: ﴿ حدیث دهم ﴾

حکیم بن داود از سلمة، از علی بن سیف، از یکر بن محمد، از فضیل بن فضالة، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرد که آن جناب فرمودند:
کسیکه ما را نزد او یاد کنند پس از چشمانش اشک بیاید خداوند متعال صورتش را بر آتش حرام می نماید.

﴿ الباب الثالث و الثلاثون ﴾

﴿ من قال في الحسين علیه السلام شعراً فبکی و أبکی ﴾

متن:

۱ - حدثنا ابو العباس القُرشي، عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن محمد بن اسمعيل، عن صالح بن عتبة، عن ابي هارون المكفوف «قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: يا ابا هارون أنشدني في الحسين علیه السلام؟ قال: فأنشدته فبکی، فقال: أنشدني كما تنشدون - یعنی بالزُرقَة - قال: فأنشدته: امرؤ على جدّ الحسين فقل لأعظمه الزُكِيَّة.

قال: فبکی، ثم قال: زدني، قال: فأنشدته القصيدة الأخرى، قال: فبکی، و سمعت البكاء من خلف البِستر، قال: فلما فرغتُ قال لي: يا ابا هارون من أنشد في الحسين علیه السلام شعراً فبکی و أبکی عشرًا كُتِبَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ و من أنشد في الحسين شعراً فبکی و أبکی خمسةً كُتِبَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ، و من أنشد في الحسين شعراً فبکی و أبکی واحداً كُتِبَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ، و من ذكر الحسين علیه السلام عنده فخرج من عينه من الدُّموع مقدار جناح ذباب كان ثوابه على الله، و لم يَرْضَ لَهُ بدون الجنة».

﴿ باب سی و سوم ﴾

﴿ ثواب کسی که بواسطه گفتن شعر در مصیبت ﴾

﴿ حضرت امام حسین علیه السلام گریه کند و دیگران را بگریاند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

ابوالعباس قرشی، از محمد بن الحُسَین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابی هارون مکفوف نقل کرده که وی گفت: حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

ای ابا هارون آیا شعری در مصیبت امام حسین علیه السلام برایم می خوانی؟
 ابا هارون می گوید: پس برای آن حضرت شعری خواندم و آن جناب گریست.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

سپس فرمودند:

همان طوری که پیش خود شعر و مرثیه می خوانید برایم بخوان یعنی با رقت و لطافت، ابا هارون می گوید:

پس این بیت را برای آن جناب با رقت و لطافت خواندم:

أمر علی جَدَّتِ الحُسَین فقل لأَعْظَمَ الزَّکِیَّة

یعنی: گذر کن بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام، پس به استخوانهای پاک و مطهرش بگو.

ابا هارون می گوید: امام علیه السلام گریست، سپس فرمود: بیشتر برایم بخوان.

پس قصیده دیگر برای حضرتش خواندم.

ابا هارون می گوید: امام علیه السلام گریستند و صدای گریه اهل منزل را از پشت پرده شنیدم.

سپس ابا هارون می گوید: وقتی از خواندن فارغ شدم حضرت به من فرمودند:

ای اباهارون کسی که در مرثیه حسین بن علی علیه السلام شعری خوانده و خود گریه کرده و ده نفر دیگر را بگریاند بهشت بر ایشان واجب می گردد.
و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و خود گریه کرده و یک نفر دیگر را بگریاند بهشت برای هر دو واجب می شود.
و کسی امام حسین را نزدش یاد کنند و از چشمش به مقدار بال مگس اشک بیاید ثواب و اجر او بر خداست و خداوند برای وی به کمتر از بهشت اجر و ثواب نمی دهد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عُمَانَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي الْمَغِيرَةِ، عَنْ أَبِي عُمَارَةَ الْمُشَشِدِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ لِي: يَا أَبَا عُمَارَةَ أَنْشِدْنِي فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: فَأَنْشُدْتهُ فَبَكَى، ثُمَّ أَنْشُدْتهُ فَبَكَى، ثُمَّ أَنْشُدْتهُ فَبَكَى، قَالَ: فَوَاللَّهِ مَا زِلْتُ أَنْشُدُهُ وَيَبْكِي حَتَّى سَمِعْتُ الْبَكَاءَ مِنَ الدَّارِ، فَقَالَ لِي: يَا أَبَا عُمَارَةَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَأَبَكَى خَمْسِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَأَبَكَى أَرْبَعِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَأَبَكَى ثَلَاثِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَأَبَكَى عَشْرِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَأَبَكَى وَاحِداً فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَبَكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَتَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابو العباس از محمد بن الحُسَین، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از حسن بن علی بن ابی المغیره، از ابی عماره المنشد، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

حضرت ابی عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

ای ابو عماره شعری در مرثیه حسین علیه السلام برایم بخوان.

ابو عماره می گوید:

برای آن حضرت شعر خواندم پس آن حضرت گریست سپس خواندم باز آن جناب گریه کرده و بعد از آن باز خواندم و آن حضرت گریستند.

ابو عماره می گوید: به خدا قسم پیوسته شعر می خواندم و آن جناب گریه می کردند تا جایی که صدای گریه از منزل و خانه بگوשמ رسید، پس حضرت به من فرمودند:

ای ابو عماره کسی که در مصیبت حسین علیه السلام شعری بخواند سپس پنجاه نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و چهل نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مصیبت حسین علیه السلام شعری خوانده و سی نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و بیست نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مصیبت حسین علیه السلام شعری خوانده و ده نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مصیبت حسین علیه السلام شعری خوانده و خودش بگرید بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و یک نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و به هیئت گریه کن درآورد بهشت برای او است.

متن:

۳- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَسَّانٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي شُعْبَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَأَنْشَدْتُهُ مَرْثِيَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ

لِبَلِيَّةٍ تَسْقُو حُسَيْنًا بِمَسْقَاةِ الثَّرَى غَيْرِ التُّرَابِ
فَصَاحَتْ بِأَكْبَةِ مَنْ وَرَاءَ الشَّعْرِ: «وَأَبْتَاهُ!!!»

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از ابن ابی عمیر، از عبدالله بن حسان، از ابن ابی شعبة، از عبدالله بن غالب نقل کرده که وی گفت:
بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام داخل شده پس شعری در مرثیه حضرت امام حسین علیه السلام خواندم و وقتی به این بیت منتهی شدم:

لِبَلِيَّةٍ تَسْقُو حُسَيْنًا بِمَسْقَاةِ الثَّرَى غَيْرِ التُّرَابِ

به خدا قسم مصیبتی بود که آن مصیبت حسین علیه السلام را در آب خورگاه زمینی مرطوب نه خشک سیراب نمود پس مخدّره‌ای که در پشت پرده می‌گریست با صدای بلند فریاد زد: «وَأَبْتَاهُ!!!»

متن:

۴- و عنه، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسمعيل، عن صالح ابن عقبة، عن ابي عبدالله عليه السلام «قال: من أنشد في الحسين عليه السلام بيت شعر فبكى وأبكى عشرة فله ولهم الجنة، ومن أنشد في الحسين بيتاً فبكى وأبكى تسعة فله ولهم الجنة، فلم يزل حتى قال: من أنشد في الحسين بيتاً فبكى - وأظنه قال: أو تباكى - فله الجنة».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبة، از حضرت ابي عبدالله عليه السلام نقل کرد که آن جناب فرمودند: کسی که در مرثیه حضرت امام حسین عليه السلام یک بیت شعر خوانده پس گریه کند و ده نفر را بگریاند بهشت برای او و آن ده نفر می باشد.

و کسی که یک بیت شعر در مصیبت حضرت امام حسین عليه السلام خوانده پس گریه کند و نه نفر را بگریاند بهشت برای او و آن نه نفر می باشد.

و پیوسته امام عليه السلام این فقره را با کاهش دادن نفرات تکرار نموده تا بالأخره فرمودند:

و کسی که یک بیت شعر در مصیبت حضرت امام حسین عليه السلام خوانده و خود بگرید (راوی می گوید گمان می کنم امام عليه السلام فرمودند: یا تباکی کرده و خود را به صورت گریه کن درآورد).

بهشت برای او می باشد.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْنُوفِ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لِي: أَنْشِدْنِي فَأَنْشِدْتُهُ، فَقَالَ لَا؛ كَمَا تَنْشُدُونَ وَكَمَا تَرْتِيهِ عِنْدَ قَبْرِهِ، قَالَ: فَأَنْشَدْتُهُ: أَمُرُّ عَلَى جَدَّتِ الْحُسَيْنِ فَقُلْ لِأَعْظَمِ الرُّكْبَةِ قَالَ: فَلَمَّا بَكَى أَمْسَكَتُ أَنَا، فَقَالَ: مَرَّ فَرَرْتُ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ زِدْنِي زِدْنِي قَالَ: فَأَنْشَدْتُهُ:

يَا مَرِيئُ قُومِي فَأَنْشِدْنِي مَوْلَاكَ وَ عَلَى الْحُسَيْنِ فَأَنْشِدْنِي بِبُكَائِكَ
قَالَ: فَبَكَى وَ تَهَاجَى النِّسَاءُ!! قَالَ: فَلَمَّا بَكَتُنْ قَالَ لِي: يَا أَبَا هَارُونَ مِنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام فَأَبَكَى عَشْرَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، ثُمَّ جَعَلَ يَنْقُصُ وَاحِدًا وَاحِدًا حَتَّى بَلَغَ الْوَاحِدَ، فَقَالَ: مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ فَأَبَكَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ، ثُمَّ قَالَ: مَنْ ذَكَرَهُ فَبَكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن الحسن، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابی هارون مکنوف، وی می گوید:
بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام وارد شدم، حضرت به من فرمودند:
برایم شعر بخوان، پس برای آن حضرت شعر خواندم.
حضرت فرمودند: نه، آنطور که در جمع خودتان می خوانی و به همان نحوه
در کنار قبر آن حضرت (حضرت امام حسین علیه السلام) مرثیه می خوانی، بخوان:
ابوهارون می گوید: پس شعر ذیل را برای آن حضرت خواندم:

امر علی جَدَّتِ الحُسَینِ فقل لا عَظِیمَ الزَّکِیَّةِ

یعنی: گذر کن بر قبر حسین بن علی علیه السلام، پس به استخوان‌های پاک و مطهرش بگو.

ابو هارون می‌گوید: وقتی حضرت گریستند، من خودداری کرده و خواندن را متوقف نمودم، پس حضرت فرمودند:

بگذر، پس من گذشتم، سپس فرمودند:

بیشتر برایم بخوان، بیشتر برایم بخوان.

ابو هارون می‌گوید: پس این بیت را خواندم:

یا مریم قومی فاندُی مولاک و علی الحُسَین فاسعدی بَہِکاک

ای مریم (مادر حضرت عیسی علیه السلام) بایست و بر سرور خود ندبه و زاری نما، زاری کن بر حضرت حسین علیه السلام و با این زاری و گریه خود او را نصرت و یاری نما.

ابو هارون می‌گوید: پس از خواندن این بیت، حضرت گریست و مخدرات شیون و زاری کردند.

وی می‌گوید: وقتی بانوان آرام گرفتند حضرت به من فرمودند:

ای ابا هارون: کسی که در مرثیه حضرت امام حسین علیه السلام شعر بخواند و ده نفر را بگریاند بهشت برای او است سپس حضرت نفرات گریه کننده‌گان را یکی یکی کاهش داده تا به «واحد» رسیده و فرمودند:

کسی که در رثاء حضرت حسین علیه السلام شعر خوانده و یک نفر را بگریاند بهشت برای او است.

سپس فرمودند:

کسی که یاد امام حسین علیه السلام نموده و برای آن حضرت بگرید بهشت برای او است.

متن:

۶- و روی عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: لكل شيء ثواب إلا الذمعة فينا».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مروی است که آن جناب فرمودند:
هر چیزی ثواب و اجری معین دارد مگر ریختن اشک برای ما که ثوابش را
احدی نمی داند.

متن:

۷- حدَّثني محمد بن احمد بن الحسين العسكري، عن الحسن بن علي
ابن مهزيار، عن أبيه، عن محمد بن سنان عن محمد بن اسماعيل عن
صالح بن عقبة، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: من أنشد في الحسين بيت شعر
فبكي وأبكي عشرة فله ولهم الجنة، ومن أنشد في الحسين بيتاً فبكي وأبكي
تسعة فله ولهم الجنة، فلم يزل حتى قال: من أنشد في الحسين بيتاً فبكي -
وأظنه قال: أو تباكي - فله الجنة».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن احمد بن حسین العسكري، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش،
از محمد بن سنان، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از حضرت
ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
کسی که در مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام یک بیت شعر بخواند پس خود
گریسته و ده نفر را بگریاند بهشت برای او و آن ده نفر می باشد.
و کسی که در مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام یک بیت شعر بخواند پس خود
گریسته و نه نفر را بگریاند بهشت برای او و آن نه نفر می باشد.

پس پیوسته حضرت نفرات را یکی یکی کاهش داده تا فرمودند:
کسی که در مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام یک بیت شعر خوانده پس خود
بگرید (راوی می گوید: گمان می کنم امام علیه السلام فرمودند: یا تباکی کرده و خود را به
صورت گریه کن درآورد) بهشت برای او می باشد.

﴿البَابُ الرَّابِعُ وَالثَّلَاثُونَ﴾

﴿ثَوَابُ مَنْ شَرِبَ الْمَاءَ وَذَكَرَ الْحُسَيْنَ علیه السلام وَلَعَنَ قَاتِلَهُ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ
الْحُشَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُسَيْنٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ، عَنْ دَاوُدَ الرَّقِيِّ
قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذْ اسْتَسْقَى الْمَاءَ، فَلَمَّا شَرِبَهُ رَأَيْتُهُ قَدْ اسْتَعْبَرَ
وَأَغْرَرَ وَرَقَّتْ عَيْنَاهُ بِدُمُوعِهِ، ثُمَّ قَالَ لِي: يَا دَاوُدُ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَ
الْحُسَيْنِ علیه السلام، فَمَنْ عَبَدَ شَرِبَ الْمَاءَ فَذَكَرَ الْحُسَيْنَ علیه السلام وَلَعَنَ قَاتِلَهُ إِلَّا
كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ، وَحُطَّ عَنْهُ مِائَةُ أَلْفِ سَيِّئَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ مِائَةُ
أَلْفِ دَرَجَةٍ، وَكَأَنَّمَا أَعْتَقَ مِائَةَ أَلْفٍ نَسَمَةٍ وَحَشَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَمَةِ
تَلِجَ الْفُؤَادَ».

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ
جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ مِثْلَهُ.

﴿ باب سی و چهارم ﴾

﴿ ثواب کسی که آب نوشیده و یاد امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ نموده و کشته آن حضرت را لعنت کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز از کوفی از محمد بن الحسین، از خشاب، از علی بن حسان، از عبدالرحمن بن کثیر، از داود رقی، وی می گوید:

در محضر مبارک امام صادق علیه السلام بودم، حضرت آب طلبیدند و زمانی که آب را نوشیدند دیدم در حضرت حالت گریه پیدا شد و دو چشم آن حضرت غرق اشک شد سپس به من فرمودند:

ای داود خدا قاتل حسین علیه السلام را لعنت کند، بنده ای نیست که آب نوشیده و حسین علیه السلام را یاد نموده و کشته اش را لعنت کند مگر آنکه خداوند مئان صد هزار حسنه برای او منظور می کند و صد هزار گناه از او محو کرده و صد هزار درجه مقامش را بالا برده و گویا صد هزار بنده آزاد کرده و روز قیامت حق تعالی او را با قلبی آرام و مطمئن محشورش می کند.

محمد بن یعقوب، از علی بن محمد، از سهل بن زیاد، از جعفر بن ابراهیم حضرمی، از سعد بن سعد مثل همین حدیث را نقل کرده است.

﴿البَابُ الْخَامِسُ وَ الثَّلَاثُونَ﴾

﴿بِكَاءِ «عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ» عَلَى «الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ» عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ جَمَاعَةِ مَشَائِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرَقِّ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ: بَكَى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَى أَبِيهِ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا عَشْرِينَ سَنَةً - أَوْ أَرْبَعِينَ سَنَةً - وَ مَا وَضَعَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَعَاماً إِلَّا بَكَى عَلَى الْحُسَيْنِ حَتَّى قَالَ لَهُ مَوْلَى لَهُ: جُلِعْتَ فِدَاكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ، قَالَ: «أَنَا أَشْكُو بَنِيَّ وَ حَزَنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»، إِنِّي لَمْ أَذْكَرْ مَصْرَعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا خَنَقْتَنِي الْعَبْرَةُ لَذَلِكَ».

﴿بَابُ سِوِ بْنِجَم﴾

﴿گريستن حضرت علی بن حسین بر حسین بن علی﴾

﴿سلام الله عليهم﴾

﴿حَدِيثُ أَوَّلٍ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از جماعتی استائیدم، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از ابی داود مسترق، از برخی اصحاب، از حضرت

ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

حضرت علی بن الحُسَین صلوات الله علیهما مدت بیست یا چهل سال بر پدرشان گریستند و طعام و غذائی نبود که در مقابل حضرت بگذارند مگر آنکه حضرتش بیاد امام حسین علیه السلام گریه می‌کردند تا جائی که غلام حضرت محضر مبارکش عرض نمود:

فدايت شوم ای پسر رسول خدا می‌ترسم که شما هلاک شوید.

حضرت فرمودند:

أَمَّا اشْكُو بَنِي وَ حَزَنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلِمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

تنها درد دل و غم خود را با خدا گویم و از لطف و کرم بی اندازه او چیزی دانم که شما نمی‌دانید.

سپس فرمودند:

هیچ‌گاه محل کشته شدن فرزندان فاطمه علیها السلام را بیاد نمی‌آورم مگر آنکه حزن و غصه حلقوم من را می‌فشارد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ الزِّيَّاتِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَنْصُورٍ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - «قَالَ: أَشْرَفَ مَوْلَى لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ هُوَ فِي سَقِيفَةِ لَهُ سَاجِدٌ يَبْكِي، فَقَالَ لَهُ: يَا مَوْلَى يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ أَمَّا أَنْ لِحُزْنِكَ أَنْ يَنْقُضِيَ؟ فَرَنَعَ رَأْسَهُ إِلَيْهِ وَ قَالَ: وَيْلَكَ أَوْ ثَكَلْتُكَ أَمَّاكَ [وَاللَّهُ] لَقَدْ شَكِيَ يَعْقُوبُ إِلَى رَبِّهِ فِي أَقَلِّ مِمَّا رَأَيْتَ حَتَّى قَالَ: «يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ»^(۱) أَنَّهُ

فَقَدْ ابْنًا وَاحِدًا، وَ أَنَا رَأَيْتُ أَبِي وَ جَمَاعَةَ أَهْلِ بَيْتِي يُذَبِّحُونَ خَوَّلِي، قَالَ:
وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) يَمِيلُ إِلَى وَلَدٍ عَقِيلٍ، فَقِيلَ لَهُ: مَا بِكَ تَمِيلُ
إِلَى بَنِي عَمِّكَ هَؤُلَاءِ دُونَ آلِ جَعْفَرٍ؟ فَقَالَ: إِنِّي أَذْكَرُ يَوْمَهُمْ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) فَأَرَقُّ لَهُمْ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی، از دانی خود محمد بن الحُسَین بن ابی الخطّاب زیّات،
از علی بن اَسباط، از اسماعیل بن منصور، از برخی اصحاب نقل کرده که او گفت:
غلام علی بن الحُسَین (ع) به صغّه سر پوشیده‌ای که تعلق به امام سجّاد (ع) داشت
و آن جناب در آنجا پیوسته در حال سجود و گریه بودند نزدیک شد و به
حضرت عرض نمود:

ای آقای من، ای علی بن الحُسَین آیا وقت تمام شدن حزن و غصّه شما هنوز
نرسیده؟

حضرت سر مبارک از زمین برداشته و متوجّه او شده و فرمودند:

وای بر تو یا فرمودند: مادرت به عزایت بنشیند به خدا قسم حضرت یعقوب
در حادثه‌ای بس کمتر و واقعه‌ای ناچیزتر از آنچه من دیدم شکایت به پروردگار
نمود و اظهار کرد: یا اسقی علی یوسف (وا اسفا بر فراق یوسفم).

با اینکه ایشان تنها یک فرزندش را از دست داده بود ولی من دیدم که پدرم
و جماعتی از اهل بیت من را در دور من سر بریدند.
راوی گفت:

حضرت علی بن الحُسَین (ع) به فرزندان عقیل میل و توجّه خاصی داشتند. به
حضرت عرض شد: چه طور به این بنی اغمامتان (اولاد عقیل) توجّه و تمایل
دارید نه به آل و فرزندان جعفر؟

حضرت فرمودند:

یادم می آید از روزی که ایشان همراه ابی عبدالله الحسین علیه السلام به چاه مصیبت هائی گرفتار شدند پس به حالشان رقت می کنم.

﴿ الباب السادس وَ الثَّلَاثُونَ ﴾

﴿ فِی أَنَّ الْحُسَيْنَ علیه السلام قَتِلَ الْعَبْرَةَ لِأَيِّذِكْرِهِ مُؤْمِنٍ إِلَّا بَكِي ﴾

متن:

حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ، عَنْ أَبِي يَحْيَى الْحَذَّاءِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام - قَالَ: نَظَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام إِلَى الْحُسَيْنِ فَقَالَ: يَا عِبْرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ، فَقَالَ: أَنَا يَا أَبَتَاهُ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا بَنِيَّ.

﴿ باب سی و ششم ﴾

﴿ حضرت امام حسین علیه السلام کشته اشک بوده و هیچ مؤمنی ﴾

﴿ او را یاد نمی کند مگر آنکه برایش می گرید ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمۃ الله علیهم جملگی از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی از سعید بن جناح از ابی یحیی حذّاء، از برخی اصحاب از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:

امیرالمؤمنین علیه السلام به حضرت حسین علیه السلام نظر نموده پس فرمودند:
ای اشک هر مؤمنی.

حضرت حسین علیه السلام عرض نمود:
ای پدر من اشک هر مؤمنی هستم؟
امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

بلی پسر من.

متن:

۲ - حدیثی جماعه مشایخی، عن محمد بن یحیی العطار، عن الحسین ابن عبدالله، عن الحسن بن علی بن ابی عثمان، عن الحسن بن علی بن عبدالله بن المغیره، عن ابی عماره المنشد «قال: ما ذکر الحسین علیه السلام عند ابی عبدالله علیه السلام فی يوم قطّ فرقی أبو عبدالله علیه السلام متبسمًا فی ذلك اليوم إلى اللیل و كان علیه السلام یقول: الحسین علیه السلام عبرة کل مؤمن».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

جماعتی از اساتیدم از محمد بن یحیی عطار، از حسین بن عبدالله، از حسن ابن علی بن ابی عثمان، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از ابی عماره منشد نقل کرده اند که وی گفت:

نام حضرت امام حسین علیه السلام هرگز در روزی نزد امام صادق علیه السلام برده نشد که در آن روز ایشان متبسم و خندان باشند و می فرمودند:

حسین علیه السلام اشک هر مؤمنی می باشد.

یعنی یاد امام حسین علیه السلام سبب اشک هر مؤمنی می باشد.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى الْخُشَّابِ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام: أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ، لَا يُذَكِّرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اشْتَعَبَ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه از سعد بن عبدالله، از حسن بن موسی خشاب، از اسماعیل بن مهران، از علی بن ابی حمزه، از ابی بصیر نقل کرده که وی گفت: امام صادق علیه السلام فرمودند:

حضرت حسین بن علی فرمودند: من کشته اشک هستم، هیچ مؤمنی من را یاد نمی کند مگر آنکه با یاد من طلب اشک می کند.

مرکز تحقیقاتی و فرهنگی مهدی

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام: أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه از سعد بن عبدالله، از حسن بن موسی، از محمد بن سنان، از اسماعیل بن جابر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:

من کشته اشک هستم.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ الْحَكَمِ بْنِ مَسْكِينٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام: اَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
حضرت حسین بن علی علیه السلام فرمودند:
من کشته اشک هستم.



متن:

مرکز تحقیقاتی و پژوهشی

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبَانَ الْأَحْمَرِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْخُزَّازِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: كُنَّا عِنْدَهُ فذَكَرْنَا الْحُسَيْنَ عليه السلام [وَعَلَى قَاتِلِهِ لَعْنَةُ اللَّهِ] فَبَكَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَبَكَيْنَا، قَالَ: ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام: اَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ، لَا يُذَكِّرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی، از ابان احمر، از محمد بن الحسین الخزاز، از هارون بن

خارجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده وی گفت:
محضر مبارک امام صادق علیه السلام بودیم، پس نام امام حسین علیه السلام و علی قاتله
لعنة الله را بردیم، حضرت گریستند و ما نیز گریستیم.
راوی می گوید: امام علیه السلام سر مبارکش را بلند کرده و فرمودند:
حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:
من کشته اشک هستم، یاد نمی کند من را هیچ مؤمنی مگر آنکه می گرید....

متن:

۷- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ [عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ] السَّعْدِ أَبَادِي قَالَ:
حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ مَسْكَانٍ، عَنْ هَارُونَ
ابْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ علیه السلام: أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ،
قُتِلْتُ مَكْرُوبًا، وَحَقِيقٌ عَلَى [اللَّهِ] أَنْ لَا يَأْتِيَنِي مَكْرُوبٌ قَطُّ إِلَّا رَدَّهَ اللَّهُ
وَقَبَلَهُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا».

حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو،
عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مثله.

ترجمه: ﴿ حدیث هفتم ﴾

علی بن الحُسَین سعد آبادی می گوید:

احمد بن ابی عبدالله برقی از پدرش، از ابن مسکان، از هارون بن خارجه، از
حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمودند:
حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:

من کشته اشک هستم، من در حالی که غمگین و اندوهگین بودم کشته شدم
و سزاوار است بر خدا که هر مکروب و اندوهگینی که به زیارت من می آید را با

قلبی مسرور و شاد به اهلش برگرداند.

حکیم بن داود، از سلمة بن الخطاب، از محمد بن عمرو، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده است.

﴿الباب السابع والثلاثون﴾ ﴿ماروی أن الحُسین علیه السلام سَيِّدُ الشَّهَدَاءِ﴾

متن:

۱- حدَّثنی مُحَمَّد بن جعفر الرِّزَّاز، عن مُحَمَّد بن الحُسین، مُحَمَّد بن اسماعیل، عن حنان «قال: قال أبو عبد الله علیه السلام: زورُوا الحُسین علیه السلام و لا تُجفوه، فانه سَيِّدُ شَبَابِ اهلِ الحَنَّةِ من الخلق و سَيِّدُ الشَّهَدَاءِ».

﴿باب سی و هفتم﴾ ﴿در بیان روایاتی که دلالت دارند بر﴾ ﴿اینکه حضرت امام حسین علیه السلام سَيِّدُ الشَّهَدَاءِ می باشند﴾

ترجمه:

مُحَمَّد بن جعفر رِزَّاز، از مُحَمَّد بن الحُسین، از مُحَمَّد بن اسماعیل، از حنان نقل کرده که وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و به آن جناب جفاء نکنید زیرا آن وجود مبارک سرور جوانان بهشت و آقا و سَيِّدُ الشَّهَدَاءِ می باشند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
ابن عيسى، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ معروف، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى، عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
«قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِالْمَدِينَةِ: أَيْنَ قُبُورُ الشَّهْدَاءِ؟ فَقَالَ: أَلَيْسَ
أَفْضَلُ الشَّهْدَاءِ عِنْدَكُمْ، وَأَذَى نَفْسِي بِيَدِهِ أَنْ حَوْلَهُ أَرْبَعَةُ آلَافٍ مَلِكٍ شَعْتًا
غُبْرًا يَكُونُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از
عباس بن معروف، از حماد بن عیسی از ربیع بن عبدالله نقل کرده که وی گفت:
محضّر ابو عبدالله علیه السلام در مدینه عرض کردم: قبور شهداء کجاست؟
حضرت فرمودند:

آیا افضل و برترین شهداء نزد شما نیست؟ قسم به کسی که جانم در دست او
است اطراف آن حضرت چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و اندوهگین
و گرفته می باشند حضور داشته و پیوسته تا روز قیامت برای آن حضرت گریه
می کنند.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ،
عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرْقِ، عَنْ أُمِّ سَعِيدِ الْأَخْمَسِيَّةِ «قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَقَدْ بَعَثَ مِنْ يَكْتَرَى لِي حِمَارًا إِلَى قُبُورِ الشَّهْدَاءِ، فَقَالَ:
مَا يَمْنَعُكَ مِنْ زِيَارَةِ سَيِّدِ الشَّهْدَاءِ قَالَتْ: قُلْتُ: وَمَنْ هُوَ؟ قَالَ:
الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَتْ: قُلْتُ: وَمَا لَنْ زَارَهُ؟ قَالَ: حِجَّةٌ وَعَمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ

وَمِنَ الْخَيْرِ كَذَا وَكَذَا وَكَذَا - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - بَيِّدُهُ».

ترجمه: ﴿ حَدِيثِ سَوْم ﴾

ابوالعباس رزّاز، از محمد بن الحُسَین بن ابی الخطاب، از ابی داود المسترق، از امّ سعید اَحْمَسِیّه وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابو عبدالله علیه السلام بودند و کسی را فرستاده بودم که درازگوشی را کرایه کند و من را به قبور شهداء ببرد.

امام علیه السلام فرمودند:

چه چیز تو را باز داشت از زیارت حضرت سیدالشهداء.

ام سعید می گوید: عرض کردم: سیدالشهداء کیست؟

حضرت فرمودند:

سیدالشهداء امام حسین علیه السلام می باشد.

ام سعید عرض کرد: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

حجّ و عمره قبول شده و از اعمال خیر فلان و فلان و فلان (حضرت بادست

مبارک سه مرتبه این عبارت را تفهیم فرمودند).

متن:

۴ - و عنه، عن محمد بن الحُسَین، عن الحكم بن مسکین، عن امّ سعید الأَحْمَسِیّة «قالت: جئت إلى أبي عبدالله علیه السلام فدخلت عليه، فجاءت الجارية فقالت: قد جئتک بالذّابة؛ فقال لي: يا امّ سعید ائی شیء هذه الذّابة؛ أين تبغین تذهبین؟ قالت: قلت: أزور قبور الشّهداء، قال: اخری ذلك اليوم، ما اعجبکم يا اهل العراق؛ تأتون الشّهداء من سفر

بعید و تترکون سیدالشهداء لا تأتونه؟! قالت: قلت له: من سیدالشهداء؟ فقال: الحسين بن علي عليه السلام قالت: قلت: انی امرأة، فقال لا بأس لمن كان مثلك أن تذهب إليه و تزوره، قالت: أتى شيء لنا في زيارته؟ قال: تعدل حجة و عمرة و اعتكاف شهرين في المسجد الحرام و صيامها، و خیرها کذا و کذا، قالت: بسط يده و ضمها ضمّاً - ثلاث مرّات - .»

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

ابو العباس رزازی، از محمد بن الحُسن، از حکم بن مسکین، از اتم سمید احمسیه، وی می گوید:

رفتم محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام و بر آن جناب داخل شدم پس کنیزم آمد و اظهار کرد که اسب را برای ت آورده و آماده کرده ام. امام علیه السلام به من فرمودند:

این اسب چیست کجا را اختیار کرده ای که بروی؟

عرض کردم: به زیارت قبور شهداء می روم.

حضرت فرمودند: امروز را به تأخیر بینداز، از شما اهل عراق متعجبم که راه دوری را طی کرده و به زیارت قبور شهداء می روید ولی سیدالشهداء را ترک کرده و به زیارتش نمی روید؟!

عرض کردم: سیدالشهداء کیست؟

حضرت فرمودند: سیدالشهداء حضرت حسین بن علی علیه السلام می باشد.

عرض کردم: من زن هستم.

امام علیه السلام فرمودند: کسی که مثل شما باشد اشکالی ندارد به آنجا رفته و آن

حضرت را زیارت کند.

عرض کردم: در زیارت ما چه ثواب و اجری هست؟
حضرت فرمودند: زیارت شما معادل با یک حج و یک عمره و اعتکاف دو
ماه در مسجدالحرام و روزه آن بوده و بهتر از آن کذا و کذا.
ام سعید می گوید: حضرت سه مرتبه دست های مبارک را باز کرده و بستند.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ -
عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ
الْعَبَّاسِ بْنِ غَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رَزْقٍ، الْغَمْشَانِيِّ، عَنْ أُمِّ سَعِيدٍ الْأَحْمَسِيَّةِ
«قَالَتْ: دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ فَكَثُرَتْ حُمَارًا عَلَى أَنْ أَطُوفَ عَلَى قُبُورِ
الشَّهَدَاءِ، فَقُلْتُ لَا بُدَّ أَبْدُءَ بِابْنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَأَدْخَلْتُ عَلَيْهِ، فَاِبْطَأَتْ عَلَيَّ
الْمَكَارِي قَلِيلًا، فَهَتَفَ بِي، فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: مَا هَذَا يَا أُمَّ سَعِيدٍ؟ قُلْتُ
لَهُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ تَكَارِيتَ حُمَارًا لِأَزُورَ عَلَى قُبُورِ الشَّهَدَاءِ، قَالَ: أَفَلَا
أَخْبَرَكَ بِسَيِّدِ الشَّهَدَاءِ؟! قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ، قُلْتُ: وَإِنَّهُ
لَسَيِّدُ الشَّهَدَاءِ؟! قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ زَارَهُ؟ قَالَ: حُجَّةٌ وَعُمْرَةٌ وَمَنْ
الْخَيْرُ - هَكَذَا وَهَكَذَا -».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمۃ الله علیهم، از سعد بن
عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره از عباس بن عامر، از احمد بن رزق
الغمشانی از ام سعید احمسیه نقل کرده اند که وی گفت:
داخل مدینه شدم و درازگوشی را کرایه کرده تا قبور شهداء را زیارت کنم، با

خود گفتم:

چاره‌ای نیست از اینکه ابتداء پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده بعداً به زیارت اهل قبور بروم پس بر آن جناب داخل شدم و چون توقف و ماندم نزد آن جناب اندکی طول کشید کمی مکاری معطل شد لذا فریاد زد و من را صدا نمود.

حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

ای ام سعید این شخص کیست؟

عرض کردم: فدایت شوم درازگوشی را کرایه کرده‌ام تا به زیارت قبور شهداء بروم.

حضرت فرمودند: آیا به تو از سیدالشهداء خبر ندهم؟

عرض کردم: چرا.

فرمودند: سیدالشهداء حضرت حسین بن علی علیه السلام است.

عرض کردم: آن حضرت سیدالشهداء می باشند؟

حضرت فرمودند: بلی.

عرض کردم: ثواب و اجر کسی که حضرت را زیارت کند چیست؟

فرمود:

یک حج و یک عمره و از اعمال خیر هکذا و هکذا (فلان مقدار و فلان

مقدار).

متن:

۶- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ جَمِيعاً، عَنْ

عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ

عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَاسِمِ الْحَارِثِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ أُمِّ سَعِيدِ الْأَحْمَسِيِّ،

«قالت: دخلت المدينة فأكثريت البغل لأزور عليه قبور الشهداء، قالت: قلت: ما أحدٌ أحقُّ أن أبدء به من جعفر بن محمد عليه السلام؟ قالت: فدخلت عليه فابطأت فصاح بي المكاري حبستينا عافاك الله، فقال لي أبو عبدالله: كأنَّ إنساناً يستعجلك يا أمَّ سعيد، قلت: نعم جعلتُ فِداك، إني أكثريت بغلاً لأزور عليه قبور الشهداء فقلت: ما آتي أحدٌ أحقَّ من جعفر ابن محمد عليه السلام؟ قالت: فقال: يا أمَّ سعيد فما يمنعك من أن تأتي قبر سيِّد الشهداء؟! قالت: فطمعت أن يدُلِّي علي قبر علي بن أبي طالب عليه السلام فقلت: بأبي أنت وأُمِّي ومن سيِّد الشهداء؟ قال: الحسين، ابن فاطمة عليها السلام، يا أمَّ سعيد من أتاه ببصرة و رَغِبَ فيه كان له حِجَّةٌ و عمرة مبرورة و كان له من الفضل هكذا و هكذا».

ترجمه
حدیث ششم

ترجمه:

پدرم و محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری جملگی از عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد بن ابی عبدالله برقی، از پدرش، از عبدالله بن قاسم حارثی، از عبدالله بن سنان از امّ سعید آخمسیه نقل کرده‌اند که وی گفت:
داخل مدینه شده پس قاطری کرایه کردم تا بر آن سوار شده و به زیارت قبور شهداء روم.

وی می‌گوید: پیش خود گفتم: احدی شایسته‌تر از جعفر بن محمد عليه السلام به این نیست که ابتداء زیارتش کرده و سپس به زیارت اهل قبور بروم لذا بر آن جناب داخل شدم پس چون توقف و ماندنم نزد آن حضرت طول کشید مکاری فریاد زد و گفت: خدا سلامت بدارد، ما را اینجا حبس کردی و نگاه داشتی!
حضرت ابو عبدالله عليه السلام به من فرمودند:

گویا ای ام سعید کسی انتظار تو را می کشد؟
عرض کردم: بلی فدایت شوم، من قاطری را کرایه کرده تا بر آن سوار شده
و به زیارت قبور شهداء روم منتهی به خودم گفتم: ابتداء نزد کسی شایسته تر از
جعفر محمد علیه السلام نمی روم.

ام سعید می گوید: امام علیه السلام فرمودند:

ای ام سعید: چه چیز تو را بازداشت از زیارت قبر حضرت سیدالشهداء؟
ام سعید می گوید: انتظار داشتم آن حضرت من را بر قبر علی بن ابی طالب علیه السلام
راهنمایی کنند، پس معترضان عرض کردم: پدر و مادرم فدایت باد سیدالشهداء
کیست؟

حضرت فرمودند:

حسین بن فاطمه علیه السلام، ای ام سعید کسی که با بصیرت و رغبت و میل به
زیارتش رود برای او یک حج و یک عمره قبول شده منظور می کنند و فلان
و فلان فضیلت برایش می باشد.

من:

۷- حدیثی محمد بن جعفر الرزّاز، عن خاله محمد بن الحُسن بن ابی
الخطّاب، عن محمد بن اسمعیل - عن حدیثه - عن علی بن ابی حمزة،
عن الحُسن بن ابی القلاء، و ابی المغراء، و عاصم بن حمید الخطّاب
جماعتهم، عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله علیه السلام «قال: ما من شهید الا
و یحبّ أن یكون مع الحُسن علیه السلام حتی یدخلون الجنة معه».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز از دانی خود محمد بن الحُسن بن ابی الخطّاب، از

محمّد بن اسماعیل، از کسیکه برای او حدیث نقل کرده، از علی بن ابی حمزه، از حسین بن ابی العلاء و ابی المغزّاء و عاصم بن حمید حناط جملگی از ابی بصیر وار از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: نیست شهیدی مگر آنکه دوست دارد که با حضرت امام حسین علیه السلام بوده تا در معیت آن جناب داخل بهشت شوند.

﴿البَابُ الثَّامِنُ وَ الثَّلَاثُونَ﴾

﴿زِيَارَةُ الْأَنْبِيَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام﴾



متن:

۱ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، وَعَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: لَيْسَ نَجَى فِي السَّمَاوَاتِ [وَالْأَرْضِ] إِلَّا يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَأْذَنَ لَهُمْ فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَفُوجٌ يَنْزِلُ وَفُوجٌ يَصْعَدُ».

﴿ باب سی و هشتم ﴾
 ﴿ زیارت انبیاء علیهم السلام حضرت ﴾
 ﴿ حسین بن علی علیه السلام را ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب از اسحق بن عمار وی می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:

نیست پیغمبری در آسمان‌ها و زمین مگر آنکه از خداوند متعال درخواست دارند که به ایشان اذن داده شود تا حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کنند پس فوجی از آسمان نازل شده و به زیارت آن جناب رفته و فوجی پس از زیارت به آسمان می‌روند.

متن:

۲- و عنه، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن الحسين بن بنت أبي حمزة الثمالي «قال: خرجت في آخر زمان بنى مروان إلى زيارة قبر الحسين عليه السلام مستخفياً من أهل الشام، حتى انتهيت إلى كربلاء فاخفيت في ناحية القرية حتى إذا ذهب من الليل نصفه أقبلت نحو القبر، فلما دثوث منه أقبل نحوي رجل فقال لي: انصرف مأجوراً؛ فإني لأتصل إليه، فرجعت فرعاً حتى إذا كاد يطلع الفجر أقبلت نحوه حتى إذا دثوث منه خرج إلي الرجل فقال لي: يا هذا إنك لأتصل إليه، فقلت له: عافاك الله

ولم أنا أخاف أن أصبح فيقتلونني أهل الشام إن أدركوني ههنا قال: فقال لي: اصبر قليلاً فإن موسى بن عمران عليه السلام سأل الله أن يأذن له في زيارة قبر الحسين فأذن له، فهبط من السماء في سبعين ألف ملك فهم بحضرته من أول الليل ينتظرون طلوع الفجر ثم يعرجون إلى السماء، قال: قلت له: فمن أنت عافاك الله؟ قال: أنا من الملائكة الذين أمروا الجرس قبر الحسين عليه السلام والاستغفار لزواره، فأنصرفت وقد كاد أن يطير عقلي لما سمعت منه، قال: فأقبلت لما طلع الفجر نحوه فلم يحل بيّني وبينه أحد فدُتِرت من القبر وسَلِّمت عليه ودَعَوْتُ الله على قَتَلَتِهِ وصَلَّيت النُّصْح وأقبلت مُسرِعاً مخافة أهل الشام».



«حدیث دوم»

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب، از حسین بن بنت ابی حمزه الثمالی، وی می گوید:

اواخر حکومت بنی مردان بود که من برای زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام در حالی که از اهل شام پنهان می داشتم از شهر کوفه خارج شده تا به کربلاء رسیدم.

پس در جایی مخفی شدم تا نیمی از شب گذشت سپس از مکان خود بیرون آمدم و به طرف قبر رفتم و وقتی نزدیک شدم مردی بطرف من آمد و گفت:

برگرد که مأجور و مثاب می باشی و تو به قبر دسترسی نداری.

پس نالان و با فزع و جزع برگشته تا نزدیک طلوع صبح شد سپس به طرف قبر بازگشته تا نزدیک آن شدم باز همان شخص به طرف من آمد و گفت:

ای شخص تو دسترسی به قبر نداری.

به او گفتم: خدا سلامتت بدارد چرا من به قبر دسترسی ندارم؟ در حالی که من از کوفه به نیت زیارت آن حضرت آمده‌ام بنابراین تقاضا دارم بین من و بین قبر حائل نشوی تا زیارت کرده و سریع برگردم زیرا هراس دارم صبح شود و اهل شام من را در اینجا دیده و اقدام به کشتنم کنند.

راوی می‌گوید:

آن شخص به من گفت: کمی صبر کن زیرا حضرت موسی بن عمران (علیه السلام) از خداوند متعال درخواست نموده که به او اذن زیارت قبر حسین بن علی (علیه السلام) را بدهد و حقتعال به وی اذن داده لذا وی با هفتاد هزار فرشته از آسمان به زیر آمده و هم اکنون در محضر امام (علیه السلام) بوده و آن جناب را زیارت کرده و انتظار می‌کشند صبح طلوع کرده تا به آسمان بروند.



راوی می‌گوید: به آن شخص گفتم: خدا سلامتت بدارد کیستی؟

گفت: من از فرشتگانی هستم که مأمور حفاظت و حراست قبر حسین بن علی (علیه السلام) و طلب آمرزش برای زوَّار آن جناب می‌باشند.

پس برگشتم و نزدیک بود بخاطر آنچه از او شنیده بودم عقلم بپزد.

وی می‌گوید:

هنگامی که صبح طلوع کرد جلو رفته کسی حائل و مانع نشد پس نزدیک به قبر شده و سلام نمودم و کشنده‌گان آن حضرت را نفرین کرده و در همانجا نماز صبح را بجا آورده و بجهت خوف و هراسی که از اهل شام داشتم سریع برگشتم.

متن:

۳- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيرِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ (عَمْرِو بْنِ) الْأَشْعَثِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هَمَّادٍ

الانصارى، عن ابن سنان، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: سمعته يقول: قبر الحسين بن عليّ صلوات الله عليهما عشرون ذراعاً في عشرين ذراعاً مكثراً روضةً من رياض الجنة، ومنه معراج الملائكة الى السماء، وليس من ملكٍ مقربٍ ولا نبيٍّ مرسلٍ إلا وهو يسأل الله أن يزوره، ففوج بهبط و فوج يصعد».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله حمیری از پدرش، از هارون بن مسلم، از عبدالرحمن بن عمرو اشعث، از عبدالله بن حماد الانصارى، از ابن سنان، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل کرده، وی می گوید:



از آن حضرت شنیدم که می فرمودند:

مساحت قبر حسین بن علیّ صلوات الله علیهما بیست ذراع در بیست ذراع بوده و آن باغی است از باغ های بهشت و از آنجا فرشتگان به آسمان عروج می کنند و هیچ فرشته مقرب و نبی مرسل نیست مگر آنکه از خدا طلب زیارت آن را می کند لذا فوجی از آسمان به زمین آمده تا آن زیارت کرده و فوجی پس از زیارت از زمین به آسمان می روند.

متن:

۴- حدّثنی اَبی؛ و اُخی؛ و جماعة مشایخی - رحمهم الله - عن محمد بن یحیی؛ و أحمد بن إدريس، عن حمدان بن سلیمان التّیسابوری، عن عبدالله بن محمد الیمانی، عن متّیع بن حجاج، عن یونس، عن صفوان الجمال «قال: قال لی أبو عبدالله عليه السلام: لَمَّا أَقَى الحِیرَة هل لك فی قبر

الحُسَین علیه السلام؟ قلت: وَ تَزُورُهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟ قَالَ: وَ كَيْفَ لَا أَزُورُهُ وَ اللَّهُ يَزُورُهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٌ يَهْطُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ إِلَيْهِ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَوْصِيَاءُ وَ مُحَمَّدٌ أَفْضَلُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ نَحْنُ أَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ، فَقَالَ صَفْوَانُ جَعَلْتَ فِدَاكَ فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ حَتَّى تُدْرِكَ زِيَارَةُ الرَّبِّ؟ قَالَ: نَعَمْ، يَا صَفْوَانُ أَلْزَمَ ذَلِكَ تَكْتِيبَ لَكَ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَینِ علیه السلام، وَ ذَلِكَ تَسْفِيزُ وَ ذَلِكَ تَفْضِيلُ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدر و برادر و جماعتی از اساتیدم، از محمد بن یحیی و احمد بن ادریس، از حمدان بن سلیمان نیشابوری از عبدالله بن محمد الیمانی، از منیع بن حجاج، از یونس، از صفوان جمال نقل کرده اند که وی گفت:

وقتی حضرت ابو عبدالله علیه السلام به حیره تشریف آوردند به من فرمودند:

آیا مایل به زیارت قبر حسین علیه السلام هستی؟

عرض کردم: فدایت شوم آیا قبر آن حضرت را زیارت می کنی؟

حضرت فرمودند:

چگونه آن را زیارت نکنم و حال آنکه خداوند متعال در هر شب جمعه با فرشتگان و انبیاء و اوصیاء به زمین هبوط کرده و او را زیارت می کنند.

البته حضرت محمد صلی الله علیه و آله افضل انبیاء و ما افضل اوصیاء هستیم.

(طبق فرموده مرحوم مجلسی مقصود از زیارت حق تعالی، انزال رحمت های خاصه اش بر آن حضرت و زوار آن جناب می باشد).

سپس صفوان عرض کرد: فدایت شوم پس، هر شب جمعه قبر آن حضرت را زیارت کرده تا بدین وسیله زیارت پروردگار را نیز کرده باشیم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای صفوان ملازم این باش برایت زیارت قبر حسین علیه السلام را می نویسد
و این تفضیلی است و این تفضیلی است (یعنی زیارت قبر حسین علیه السلام این
فضیلت را دارد که در آن زیارت پروردگار نیز می باشد).

متن:

و حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَمْدَانِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ
جَدِّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:
خَرَجْتُ فِي آخِرِ زَمَانٍ بَنِي أُمَيَّةَ (كَذًا) وَ ذَكَرْتُ مِثْلَ الْحَدِيثِ الْمُسْتَقْدَمِ فِي
الْبَابِ.

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنْ
الْعَمْرِكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْبُوفُكِيِّ، عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَجْجُوبٍ،
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ابْنَةِ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: خَرَجْتُ فِي آخِرِ زَمَانٍ
بَنِي مَرْوَانَ - وَ ذَكَرْتُ مِثْلَ حَدِيثِ الَّذِي مَرَّ فِي أَوَّلِ الْبَابِ سِوَاءً.

ترجمه:

قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم همدانی از پدرش، از جدش از عبدالله بن
حماد انصاری از حسین بن ابی حمزه نقل کرده که وی گفت:
در اواخر حکومت بنی امیه من از شهر خود خارج شدم و سپس مثل حدیثی
را که قبلاً نقل کردیم (حدیث دوم از همین باب) نقل نموده:
و پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از احمد بن ادریس از
عمرکی بن علی بوفکی، از عده ای اصحاب از حسن بن محبوب، از حسین بن
ابنه ابی حمزة الثمالی نقل کرده اند که وی گفت:

در اواخر حکومت بنی مروان از شهر خود خارج شدم و سپس نظیر حدیثی را که قبلاً نقل نمودیم (حدیث دوم از همین باب) نقل کرده‌است.

﴿الباب التاسع والثلاثون﴾
﴿زیارة الملائكة الحسين بن علی علیه السلام﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ محبوب، عَنْ اسحاق بن عمار، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: سمعته يقول: ليس من ملك في السماوات الا وهم يسألون الله عز وجل أن يأذن لهم في زيارة قبر الحسين عليه السلام، ففوج ينزل وفوج يعرج».

﴿باب سی و نهم﴾
﴿زیارت فرشتگان حسین بن علی علیه السلام را﴾

ترجمه: ﴿حدیث اول﴾

حسین بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از اسحاق بن عمار، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام وی می‌گوید:
از آن حضرت شنیدم که می‌فرمودند:

هیچ فرشته‌ای در آسمان‌ها نیست مگر آنکه از خداوند عزوجل درخواست دارد که حق تعالی به او اذن دهد که قبر حضرت حسین علیه السلام را زیارت کند لذا

فوجی از آسمان به زیر آمده و به زیارت حضرتش رفته و فوجی از زیارت برگشته و به آسمان عروج می‌کنند.

متن:

۲- و عنه، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن داود الرقيّ «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ما خلق الله خلقاً أكثر من الملائكة، وأنه ينزل من السماء كل مساء سبعون ألف ملك يطوفون بالبيت الحرام ليلتهم حتى إذا طلع الفجر انصرفوا إلى قبر النبي صلى الله عليه وآله وسلم فيسلمون عليه ثم يأتون قبر أمير المؤمنين عليه السلام فيسلمون، ثم يأتون قبر الحسين عليه السلام فيسلمون عليه، ثم يعرجون إلى السماء قبل أن تطلع الشمس، ثم تنزل ملائكة النهار سبعون ألف ملك، فيطوفون بالبيت الحرام نهارهم حتى إذا غربت الشمس انصرفوا إلى قبر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فيسلمون عليه، ثم يأتون قبر أمير المؤمنين عليه السلام فيسلمون عليه، ثم يأتون قبر الحسين عليه السلام فيسلمون عليه، ثم يعرجون إلى السماء قبل أن تغيب الشمس».

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از داود رقی نقل کرده، وی گفت:

از حضرت ابو عبدالله علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

خداوند متعال مخلوقی زیاده‌تر از فرشتگان نیافریده، در هر شب هفتاد هزار فرشته از آسمان نازل شده و از اول شب تا طلوع صبح بیت‌الله الحرام را طواف می‌کنند و پس از طلوع صبح به طرف قبر نبی اکرم علیه السلام برگشته و به آنجا که

رسیدند به حضرتش سلام نموده و بعداً به نزد قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) رفته و به آن جناب سلام کرده و پس از آن به نزد قبر حسین (علیه السلام) آمده و بر آن وجود مبارک سلام داده و قبل از طلوع آفتاب به آسمان عروج می‌کنند و پس از ایشان فرشتگان روز که آنها نیز هفتاد هزار نفر هستند به زمین آمده ابتداء بیت‌الله الحرام را طواف کرده و طول روز به آن اشتغال دارند و پس از غروب آفتاب به طرف قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفته و بر آنجناب سلام داده و پس از آن نزد قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌آیند و بر آن حضرت سلام کرده و بعد به نزد قبر حسین (علیه السلام) حاضر شده و بر آن جناب سلام داده و سپس پیش از غروب آفتاب به آسمان می‌روند.



متن:

۳- حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علی بن ابی عثمان، عن محمد بن الفضیل، عن إسحاق بن عمار، عن ابی عبدالله (علیه السلام) «قال: ما بین قبر الحسین (علیه السلام) إلى السماء مُتَخَلِّفُ الملائكة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبدالله، از حسین بن عبدالله، از حسن بن علی بن ابی عثمان از محمد بن فضیل، از اسحاق بن عمار نقل کرده‌اند که وی گفت:

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

بین قبر امام حسین (علیه السلام) تا آسمان ملائکه و فرشتگان درآمد و شد و نزول و صعود می‌باشند.

متن:

۴- حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: قَبْرُ الْحُسَيْنِ عليه السلام - عَشْرُونَ ذِرَاعاً فِي عِشْرِينَ ذِرَاعاً مُكْشَراً - رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، مِنْهُ مَعْرَاجٌ إِلَى السَّمَاءِ، فَلَيْسَ مِنْ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَلَا نَبِيٍّ مَرْسَلٍ إِلَّا وَهُوَ يَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَزُورَ الْحُسَيْنَ عليه السلام، فَفَوْجٌ يَهْبِطُ وَفَوْجٌ يَصْعَدُ».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم از پدرش، از جدش، از عبدالله بن حماد انصاری، از عبدالله بن سنان وی می گوید:
از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمودند:

مساحت قبر حسین بن علی عليه السلام بیست ذراع در بیست ذراع می باشد، این محل باغی است از باغ های بهشت، از آنجا عروج به آسمان صورت می گیرد، و هیچ فرشته مقرب و نبی مرسل نیست مگر آنکه از حق تعالی درخواست می کند که به زیارت حسین عليه السلام برود پس فوجی از آسمان به زمین فرود آمده و به زیارت آن حضرت رفته و فوجی پس از زیارت به آسمان می روند.

متن:

۵- وَ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلَتْ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ كُنْتُ فِي الْحَيْرَةِ لَيْلَةَ عَرَفَةَ فَرَأَيْتُ نَحْواً مِنْ ثَلَاثَةِ آلَافٍ أَوْ أَرْبَعَةِ آلَافٍ رَجُلٍ،

جميلة وجوهم، طيبة ريحهم، شديد بياض ثيابهم، يصلون الليل
أجمع، فلقد كنت أريد أن آتي قبر الحسين (عليه السلام) وأقبله وأدعو بدعوات،
فاكنت أصل إليه من كثرة الخلق، فلما طلع الفجر سجدت سجدة،
فرفعت رأسي فلم أر منهم أحداً، فقال لي أبو عبد الله (عليه السلام): أتدرى من هؤلاء؟
قلت: لا جعلت فداك، فقال: أخبرني أبي، عن أبيه، قال: مرَّ بالحسين (عليه السلام)
أربعة آلاف ملك - وهو يقتل - فخرجوا إلى السماء فأوحى الله تعالى إليهم:
يا معشر الملائكة مررتم بآبني حبيبي وصفيي محمد (عليه السلام) وهو يُقتل
ويضطهد مظلوماً فلم تنصروه؟! فانزلوا إلى الأرض إلى قبره فابكوه
شغناً غبراً إلى يوم القيامة، فهم عنده إلى أن تقوم الساعة».



﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

و از قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم، از پدرش، از جدش، از عبد الله بن
حماد، از اسحاق بن عمار نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبد الله (علیه السلام) عرض کردم: ای پسر رسول خدا
فدایت شوم شب عرفة در حیره بودم، قریب سه، چهار هزار مردانی دیدم که
صورت هایشان زیبا و بویشان خوش و لباس های بسیار سفید به تن داشتند
و طول شب در آنجا به نماز خواندن مشغول بودند، اراده کردم به نزدیک قبر
شریف رفته و آن را بوسیده و دعاهائی نزدیک قبر بخوانم ولی از کثرت خلق
وازدحام جمعیت نتوانستم خود را به قبر برسانم و وقتی صبح طلوع نمود به
سجده رفته و وقتی سر از سجده برداشتم احدی از آن مردان را ندیدم.

امام (علیه السلام) به من فرمودند:

آیا دانستی آنها چه کسانی بودند؟

عرضه داشتم: فدایت شوم، خیر.

امام علیه السلام فرمودند: پدرم از پدرشان به من خبر دادند که چهار هزار فرشته به حضرت امام حسین علیه السلام مرور کردند در حالی که آن حضرت شهید شده بودند پس آن فرشتگان به آسمان عروج کردند و حق تعالی به ایشان وحی فرمود: ای گروه فرشتگان به پسر حبیب و برگزیده ام حضرت محمد صلی الله علیه و آله مرور نمودید در حالی که او کشته و مقهور و مظلوم بود پس چرا او را کمک نکردید؟ پس به زمین فرود آئید و ملازم قبرش بوده و با حالی ژوئیده و گرفته تا روز قیامت بر او بگریید، پس این فرشتگان نزد قبر بوده تا قیامت به پا شود.

متن:

۶- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ قَتَيْبَةَ الْهَمْدَانِيِّ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي كُنْتُ بِالْخَائِرِ لَيْلَةِ عَرَفَةَ وَكُنْتُ أَصْلِي وَتَمَّ نَحْوُ مِائَتَيْنِ أَلْفًا مِنَ النَّاسِ، جَمِيلَةً وَجُوهَهُمْ، طَيِّبَةً رَوَائِحُهُمْ، وَاقْبَلُوا يَصَلُّونَ اللَّيْلَةَ أَجْمَعِ، فَلَمَّا طَلَعَ الْفَجْرُ سَجَدْتُ ثُمَّ رَفَعْتُ رَأْسِي فَلَمْ أَرْ مِنْهُمْ أَحَدًا، فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّهُ مَرَّ بِالْحُسَيْنِ عليه السلام خَمْسُونَ أَلْفَ مَكٍّ، وَهُوَ يَقْتُلُ فَعَرَجُوا إِلَى السَّمَاءِ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمْ: مَرَرْتُمْ بِابْنِ حَبِيبٍ وَهُوَ يَقْتُلُ فَلَمْ تَنْصُرُوهُ؟ فَاهْبِطُوا إِلَى الْأَرْضِ فَاشْكُونَا عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْنًا عَظِيمًا إِلَى يَوْمِ تَقُومُ السَّاعَةُ.

واقبلوا يصلون الليلة اجمع فلما طلع الفجر سجدت ثم رفعت رأسي فلم أر منهم أحداً فقال لي أبو عبد الله عليه السلام أنه مرَّ بالحسين عليه السلام خمسون ألف ملك و هو يقتل فعرجوا الى السماء فأوحى الله تعالى إليهم مررتم بابن حبيب

حبیبی و هو یقتل فلم تنصروه فاهبطوا الی الأرض فاسکنوا عند قبره
شعثاً غرباً الی یوم تقوم الساعة».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از برخی اصحابش، از احمد بن قتیبه
همدانی، از اسحاق بن عمار نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) عرض کردم شب عرفه در حائر بوده
و نماز می خواندم و در آنجا قریب پنجاه هزار نفر از مردمی دیدم زیباروی
و خوش بو که طول مدت شب را در آنجا نماز می خواندند و هنگامی که صبح
طلوع نمود به سجده رفتم و پس از برداشتن سر احدی از ایشان را ندیدم.

امام (علیه السلام) به من فرمودند:

پنجاه هزار فرشته به حسین (علیه السلام) عبور کرده و در حالی که آن حضرت کشته
شده بودند پس به آسمان بالا رفتند و خداوند متعال به ایشان وحی فرستاد:

به پسر حبیبم مرور کردید در حالی که او کشته شده بود، پس چرا کمک
و یاری او نکردید؟ حال به زمین فرو روید و نزد قبرش ساکن شوید و با هیئتی
زولیده و حالی غمگین باقی بمانید تا قیامت بپا شود.

﴿البَابُ الْأَرْبَعُونَ﴾

﴿دُعَاءُ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَزُوَارِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - جَمِيعاً، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرٍ، عَنْ حَسَّانِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ: قَالَ لِي: يَا مُعَاوِيَةُ لَا تَدْعُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِخَوْفٍ، فَإِنَّ مَنْ تَرَكَ زِيَارَتَهُ رَأَى مِنَ الْخَشَرَةِ مَا يَتَمَنَّى أَنْ قَبْرَهُ كَانَ عِنْدَهُ أَمَا تَحِبُّ أَنْ يَرَى اللَّهُ شَخْصَكَ وَ سَوَادَكَ فِيمَنْ يَدْعُو لَهُ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلِيُّ فَاطِمَةَ وَ الْأَئِمَّةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی قم

﴿بَابُ جِهْلَمُ﴾

﴿دُعَاءُ نُمُودَنِ رَسُولِ خُدَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾

﴿در حق زائرین امام حسین علیه السلام﴾

﴿حَدِيثُ أَوَّلُ﴾

ترجمه:

بدرم و محمد بن عبدالله و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمۃ الله علیهم
جملگی از عبدالله بن جعفر حمیری، از موسی بن عمر، از حسان بصری، از
معاویة بن وهب، از حضرت ابا عبدالله علیه السلام، وی گفت:
امام صادق علیه السلام به من فرمودند:

ای معاویة به جهت ترس و وحشت زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام را ترک
مکن زیرا کسیکه زیارت آن حضرت را ترک کند چنان حشرتی بخورد که آرزو

نماید قبر آن حضرت نزد او باشد و بتواند زیارتش برود، آیا دوست داری که خدا تو را در زمره کسانی ببیند که حضرت رسول ﷺ و حضرات علی و فاطمه و ائمه ﷺ در حقشان دعاء فرموده‌اند.

متن:

۲- وبهذا الإسناد، عن موسى بن عمر، عن حسان البصري، عن معاوية بن وهب «قال: استأذنت على أبي عبد الله ﷺ فقيل لي: أدخل، فدخلت فوجدته في مصلاه في بيته فجلست حتى قضى صلاته فسمعتة يناجي ربه وهو يقول: «اللَّهُمَّ يَا مَنْ خَصَّنَا بِالْكَرَامَةِ، وَوَعَدَنَا بِالشَّفَاعَةِ؛ وَخَصَّنَا بِالْوَصِيَّةِ؛ وَأَعْطَانَا عِلْمَ مَا مَضَى وَعِلْمَ مَا بَقِيَ؛ وَجَعَلَ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْنَا، اغْفِرْ لِي وَلِإِخْوَانِي وَرُؤَاةِ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ، الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَأَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِي بَرْنَا، وَرَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فِي صَلَاتِنَا، وَسُرُوراً أَذْخُلُوهُ عَلَى نَبِيِّكَ، وَاجَابَةً مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا، وَغِيظاً أَذْخُلُوهُ عَلَى عَدُوِّنَا، أَرَادُوا بِذَلِكَ رِضَاكَ، فَكَافَتْهُمْ عَنَّا بِالرِّضْوَانِ، وَانْكَأَتْهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَاخْتَلَفَ عَلَى أَهَالِيهِمْ وَأَوْلَادِهِمُ الَّذِينَ خَلَفُوا بِأَحْسَنِ الْخَلْفِ وَأَضْحَبَهُم، وَانْكَفَتْهُمْ شَرُّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ؛ وَكُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ وَشَدِيدٍ، وَشَرِّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، وَأَعْطَاهُمْ أَفْضَلَ مَا أَمْلَأُوا مِنْكَ فِي غَرَبَتِهِمْ عَنْ أَوْطَانِهِمْ، وَما آثَرُونَا بِهِ عَلَى أَيْبَانِهِمْ وَأَهَالِيهِمْ وَقَرَابَاتِهِمْ،

اللَّهُمَّ إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيْهِمْ بِخُرُوجِهِمْ، فَلَمْ يَنْهَهُمْ ذَلِكَ عَنِ الشُّخُوصِ إِلَيْنَا خِلَافاً مِنْهُمْ عَلَى مَنْ خَالَفْنَا، فَارْحَمْ تِلْكَ التَّوَجُّوهَ الَّتِي غَيَّرَتْهَا الشَّمْسُ، وَارْحَمْ تِلْكَ الْحُدُودَ الَّتِي تَتَقَلَّبُ عَلَى حُفْرَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ ﷺ،

وَإِزْهَمِ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَّنَا، وَارْزَحِمِ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاخْتَرَقَتْ لَّنَا، وَارْزَحِمِ تِلْكَ الصَّرخَةَ الَّتِي كَانَتْ لَّنَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ تِلْكَ الْأَبْدَانِ وَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ حَتَّى تَرْوِيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَظَمِيِّ [الأكبر] :

فما زال يدعوني وهو ساجدٌ بهذا الدعاء، فلما انصرف قلت: جُعِلْتُ فِدَاكَ لو أَنَّ هَذَا الَّذِي سَمِعْتُ مِنْكَ كَانَ لِمَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَظَنَنْتُ أَنَّ النَّارَ لَا تَطْعَمُ مِنْهُ شَيْئاً أَبَداً!! وَاللَّهِ لَقَدْ تَمَيَّنْتُ أَنِّي كُنْتُ رُزْتُهِ وَلَمْ أُحِجَّ، فَقَالَ لِي: مَا أَقْرَبَكَ مِنْهُ؛ فَمَا الَّذِي يَمْنَعُكَ مِنْ زيارته؟ ثُمَّ قَالَ: يَا معاويةَ لَمْ تَدْعُو ذَلِكَ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ لَمْ أَرَ أَنَّ الْأَمْرَ يَبْلُغُ هَذَا كُلَّهُ؟ فَقَالَ: يَا معاويةَ [و] مَنْ يَدْعُو لِرُؤُوسِهِ فِي السَّمَاءِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَدْعُو لَهُمْ فِي الْأَرْضِ».

من ترجمه تكبیر و توبه

و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ معاويةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: اسْتَأْذَنْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ.

﴿ حَدِيثِ دَوْم ﴾

ترجمه:

و پدرم و محمد بن عبدالله و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمۃ الله علیهم جملگی از عبدالله بن جعفر حمیری از موسی بن عمر، از حسان بصری، از معاویة بن وهب نقل کرده اند که وی گفت:

اِذْنِ خَوَاسْتَمِ که بر امام صادق علیه السلام داخل شوم، به من گفته شد که داخل شو، پس داخل شده آن جناب را در نمازخانه منزلشان یافتم پس نشستم تا حضرت

نمازشان را تمام کردند پس شنیدم که با پروردگارشان مناجات نموده و می گفتند: بار خدایا، ای کسی که ما را اختصاص به کرامت داده و وعده شفاعت دادی و مختص به وصیت نمودی (یعنی ما را وصی پیامبرت قرار دادی) و علم به گذشته و آینده را به ما اعطاء فرمودی، و قلوب مردم را مایل به طرف ما نمودی، من و برادران و زائرین قبر پدرم حسین ﷺ را بیمارز، آنانکه اموالشان را انفاق کرده و ابدانسان را به تعب انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما و به امید آنچه در نزد تست به خاطر صله و احسان به ما و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت و به جهت اجابت کردنتان فرمان ما را و به قصد وارد نمودن غیظ بر دشمنان ما.

اینان اراده و نیتشان از این ایثار تحصیل رضا و خشنودی تو است پس تو هم از طرف ما این ایثار را جبران کن و بواسطه رضوان احسانشان را جوابگو باش و در شب و روز حافظ و نگاهدارشان بوده و اهل و اولادی که از ایشان باقی مانده اند را بهترین جانشینان قرار بده و مراقب و حافظشان باش و شر و بدی هر ستمگر عنود و منحرفی را از ایشان و از هر مخلوق ضعیف و قوی خود کفایت نما و ایشان را از شر شیاطین انسی و جتنی محفوظ فرما و اعطاء کن به ایشان برترین چیزی را که در دور بودنشان از اوطان خویش از تو آرزو کرده اند و نیز به ایشان ببخش برتر و بالاتر از آنچه را که بواسطه اش ما را بر فرزندان و اهل و نزدیکانشان اختیار کردند، بار خدایا دشمنان ما بواسطه خروج بر ایشان آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند ولی این حرکت اعداء ایشان را از تمایل به ما باز نداشت و این ثبات آنان از باب مخالفتشان است با مخالفین ما، پس تو این صورتهائی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورتهائی را که روی قبر ابی عبدالله الحسین ﷺ می گذارند و برمی دارند مشمول لطف و رحمت قرار بده و همچنین به چشم هائی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته اند نظر عنایت فرما و دل هائی که

برای ما به جزع آمده و بخاطر ما سوخته‌اند را ترحم فرما، بارخدا یا به فریادهائی که بخاطر ما بلند شده برس، خداوند من این ابدان و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می‌شوند آنها را سیراب نمائی.

و پیوسته امام علیه السلام در سجده این دعاء را می‌خواندند و هنگامی که از آن فارغ شدند عرض کردم:

فدایت شوم این فقرات و مضامین ادعیه‌ای که من از شما شنیدم اگر شامل کسی شود که خداوند عزوجل را نمی‌شناسد گمانم این است که آتش دوزخ هرگز به آن فائق نیاید!!!

به خدا سوگند آرزو دارم آن حضرت (حضرت امام حسین علیه السلام) را زیارت کرده ولی به حج نروم.

امام علیه السلام به من فرمودند:

چقدر تو به قبر آن جناب نزدیک هستی، پس چه چیز تو را از زیارتش باز می‌دارد؟

سپس فرمودند:

ای معاویه زیارت آن حضرت را ترک مکن.

عرض کردم: فدایت شوم نمی‌دانستم که امر چنین بوده و اجر و ثواب آن این مقدار است.

حضرت فرمودند:

ای معاویه کسانی که برای زائرین امام حسین علیه السلام در آسمان دعاء می‌کنند به مراتب بیشتر هستند از آنانکه در زمین برای ایشان دعاء و ثناء می‌نمایند.

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم از معاویه بن وهب نقل کرده که وی گفت:

اذن گرفتم که بر حضرت ابی عبدالله ﷺ داخل شوم.
سپس مثل حدیث مذکور را نقل کرده است.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرٍو، عَنْ حَسَّانِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ: قَالَ لِي: يَا مُعَاوِيَةُ لَا تُدْعِ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ ﷺ لَخَوْفٍ فَإِنَّ مَنْ تَرَكَهُ رَأَى مِنَ الْحَسْرَةِ مَا يَتَمَنَّى إِنْ قَبْرُهُ كَانَ عِنْدَهُ، أَمَا تَحِبُّ أَنْ يَرَى اللَّهُ شَخْصَكَ وَ سَوَادَكَ فَيَمْنَنَ بِدَعْوِهِ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْإِثْمَةَ ﷺ؟ أَمَا تَحِبُّ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ بِالْمَغْفِرَةِ لِمَا مَضَى وَ يَغْفِرَ لَكَ ذُنُوبَ سَبْعِينَ سَنَةً؟ أَمَا تَحِبُّ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يُخْرِجُ مِنَ الدُّنْيَا وَ لَيْسَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ تَتَّبِعُ بِهِ؟ أَمَا بِحُبِّ أَنْ تَكُونَ غَدًا مِمَّنْ يَصَافِيحُهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ».

﴿ حدیث سقم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله از موسی بن عمر، از حسان بصری، از معاویه بن وهب از حضرت ابی عبدالله ﷺ نقل کرده، وی گفت:
امام ﷺ به من فرمودند:

ای معاویه به خاطر ترس و خوف زیارت امام حسین ﷺ را ترک مکن زیرا کسی که آن را ترک کند چنان حسرتی بخورد که آرزو کند قبر آن حضرت نزدش باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود آیا دوست داری که خدا تو را در زمره کسانی ببیند که حضرت رسول ﷺ و حضرات علی و فاطمه و ائمه ﷺ در حقشان دعاء فرموده اند؟

آیا دوست داری از کسانی باشی که به واسطه آمرزش لغزشهای گذشته طومار اعمالت تغییر یابد و گناهان هفتاد سال از تو آمرزیده شود؟
 آیا دوست داری از کسانی باشی که از دنیا رفته بدون اینکه گناه قابل مؤاخذه داشته باشی؟
 آیا دوست داری از کسانی باشی که رسول خدا ﷺ با آنها مصافحه می فرمایند؟

متن:

حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
 بْنِ عِيسَى، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْأَصَمِّ، عَنْ معاوية بن وهب
 قال:

استأذنت عليَّ أبي عبد الله عليه السلام - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ وَالِدُعاءَ لِرِوَاةِ
 الحسين عليه السلام - .

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از اساتیدم، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی،
 از عبدالله بن حماد از عبدالله اصم، از معاویه بن وهب نقل کرده که وی گفت:
 اذن خواستم که بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام داخل شوم.... و حدیث مذکور و دعاء
 برای زائرین قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را طبق آنچه قبلاً ذکر گردید نقل
 نمود.

متن:

و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
 يَحْيَى، عَنْ موسى عمر، عَنْ غَسَّانِ الْبَصَرِيِّ، عَنْ معاوية بن وهب. وَحَدَّثَنِي

محمد بن یعقوب؛ و علی بن الحسین، عن علی بن ابراهیم بن هاشم - عن بعض أصحابنا - عن ابراهیم بن عقیبة، عن معاویة بن وهب قال: استأذنت علی ابی عبدالله ﷺ - و ذکر مثل حدیث الدعاء الَّذی فی زوَّار الحسین ﷺ -

حدَّثنی ابی - رحمه الله - و علی بن الحسین؛ و جماعة مشایخنا، عن أحمد بن إدريس؛ و محمد بن یحیی جمیعاً، عن العُمَرُکي بن علی البوفکی، عن یحیی خادم ابی جعفر الثَّانی ﷺ، عن ابن ابی عمیر، عن معاویة بن وهب قال: استأذنت علی ابی عبدالله ﷺ - و ذکر الحدیث - .

ترجمه:

محمد بن الحسین بن مثنی الجوهري، از محمد بن احمد بن یحیی، از موسی بن عمر، از غسان البصری، از معاویة بن وهب، از محمد بن یعقوب و علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از بعض اصحاب، از ابراهیم بن عقبه از معاویة بن وهب نقل کرده که وی گفت: اذن خواستم که بر حضرت ابی عبدالله ﷺ داخل شوم.... و نظیر حدیثی که مشتمل بود بر دعاء در حق زائرین امام حسین ﷺ را نقل نموده.

پدرم و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتید ما، از احمد بن ادريس و محمد بن یحیی جملگی از عمرکی ابن علی بوفکی، از یحیی خادم حضرت ابی جعفر ثانی ﷺ، از ابن ابی عمیر، از معاویة بن وهب نقل کرده که وی گفت: اذن خواستم که بر حضرت ابی عبدالله ﷺ داخل شوم.... و حدیث سابق را نقل نمود.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ عليها السلام بِنْتَ مُحَمَّدٍ عليه السلام تَحْضُرُ لَزْوَارَ قَبْرِ ابْنِهَا الْحُسَيْنِ عليه السلام فَتَسْتَغْفِرُ لَهُمْ ذُنُوبَهُمْ».

﴿ حَدِيثُ جِهَارِمِ ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود، از سلمه بن الخطاب، از حسن بن علی الوشاء از کسی که ذکرش نموده، از داود بن کثیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حضرت فاطمه علیها السلام دخت حضرت محمد صلی الله علیه و آله برای زوار قبر فرزندش حضرت حسین بن علی علیه السلام حاضر شده پس طلب آموزش برای گناهان ایشان می نماید.

﴿ الباب الحادي والأربعون ﴾

﴿ دعاء الملائكة لزوار الحسين عليه السلام ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْكُوفِيُّ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَكٍ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام شُعْتُ غَيْرُ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، رُئِيسُهُمْ مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ: مَنْصُورٌ، وَلَا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ، وَلَا يُوَدِّعُهُ مُوَدِّعٌ إِلَّا

شیتعه، ولا یمرض إلا عادوه، ولا یسوت إلا صلوا علیه [و] علی جنازته، واستغفروا له بعد موته».

﴿ باب چهل و یکم ﴾

﴿ دعاء فرشتگان در حق زائرین قبر ﴾

﴿ امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز کوفی از دائی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدون، از عبدالله بن قاسم از عمر بن ابان الکلبی، از ابان بن تغلب نقل کرده که وی گفت:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

چهار هزار فرشته در اطراف قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام بوده که جملگی زولیده و گرفته و حزین می‌باشند و تا روز قیامت بر آن جناب می‌گیرند، رئیس ایشان فرشته‌ای است که به او منصور گفته می‌شود، هیچ زائری به زیارت آن حضرت نمی‌رود مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش می‌زوند و هیچ وداع کننده‌ای با قبر آن حضرت وداع نکرده مگر آنکه این فرشتگان مشایعتش می‌کنند و مریض نمی‌شود مگر آنکه عبادتش کرده و نمی‌میرد مگر آنکه ایشان بر جنازه‌اش نماز خوانده و از خدا طلب آمرزش برایش می‌کنند.

متن:

۲- و حدیثی ابی - رحمه الله - و محمد بن الحسن؛ و علی بن الحسین؛
عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم، عن

عَلِيَّ بْنِ أَبِي حمزة، عن أَبِي بصير، عن أَبِي عبد الله عليه السلام «قال: وكل الله تبارك وتعالى بالحسين عليه السلام سبعين ألف ملك يصلون عليه كل يوم شعثاً غبراً، ويدعون لمن زاره ويقولون: يا رب هؤلاء رؤاؤا الحسين عليه السلام؛ افعل بهم وافعل بهم - كذا وكذا -».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن و علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از علی بن ابی حمزه، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت امام حسین عليه السلام موکل ساخته که همگی ژولیده و غمگین بوده و هر روز بر آن حضرت صلوات فرستاده و زائرینش را دعاء کرده و می گویند:

پروردگارا، این جماعت زائرین حسین عليه السلام هستند با ایشان چنین و چنان نما.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلَمَةَ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرٍ، عَنْ حَسَّانِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: لاتدع زيارة الحسين عليه السلام، أما تحب أن تكون فيمن تدعوا له الملائكة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود از سلمه، از موسی بن عمر، از حسان بصری، از معاویه بن وهب، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

زیارت حضرت امام حسین عليه السلام را ترک مکن، آیا دوست نداری در زمره کسانی

باشی که فرشتگان برای آنها دعاء می کنند.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حمزة، عَنْ أَبِي بصير، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: وَكَلَّ اللَّهُ تَعَالَى بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَصَلُّونَ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ شُعْثًا غَيْرًا مِنْ يَوْمِ قُتِلَ إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ - يَعْنِي بِذَلِكَ قِيَامُ الْقَائِمِ عليه السلام - وَ يَدْعُونَ لِمَنْ زَارَهُ وَيَقُولُونَ: يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ زَوَّارُ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَفْعَلْ بِهِمْ وَافْعَلْ بِهِمْ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد بن ولید، از محمد بن حسین صقار، از احمد بن محمد بن عیسی از علی بن حکم، از علی بن ابی حمزه، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام موکل ساخته که هر روز بر او صلوات فرستاده و از روزی که آن حضرت شهید شدند تا زمانی که خدا می خواهد یعنی زمان قیام قائم علیه السلام ایشان زوَلیده و غمگین می باشند، برای زائرین حضرت دعاء کرده و می گویند:

پروردگارا، ایشان زائرین حسین علیه السلام بوده با ایشان چنین و چنان نما.

متن:

حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبَانَ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام

«قال: كَأَنِّي بِالْقَائِمِ [عليه السلام] على نجف الكوفة وقد لبس دِرْعَ رسول الله ﷺ فينتفض هو بها فتستدير عليه، فيغشيها بحداجة من استبرق، ويركب قَرَساً أدهم بين عينيه شِمْراخ فينتفض به انتفاضة لا يبق أهل بلد إلا وهم يرون أنه معهم في بلادهم، فينتشر راية رسول الله ﷺ، عمودها من عمود العرش، وسائرها من نصر الله، لا يهوى بها إلى شيء أبداً إلا أهلكه الله، فإذا هزها لم يبق مؤمن إلا صار قلبه كزبر الحديد، ويعطى المؤمن قوّة أربعين رجلاً، ولا يبق مؤمن ميتٌ إلا دخلت عليه تلك الفرحة في قبره، وذلك حين يتزاورون في قبورهم، ويتباشرون بقيام القائم، فينحطّ عليه ثلاث عشر ألف ملك و ثلاثمائة و ثلاث عشر ملكاً، قلت: كلُّ هؤلاء الملائكة؟ قال: نعم؛ الَّذِينَ كانوا مع نوح في السّفينة، وَالَّذِينَ كانوا مع إبراهيم حين ألقي في النار، وَالَّذِينَ كانوا مع موسى حين فلق البحر لبني إسرائيل، وَالَّذِينَ كانوا مع عيسى حين رفعه الله إليه، و أربعة آلاف ملك مع النَّبِيِّ ﷺ مسوّمين، و ألف مردفين، و ثلاثمائة و ثلاثة عشر ملائكةً بدرّيين، و أربعة آلاف ملك هبطوا يريدون القتال مع الحسين ﷺ، فلم يؤذن لهم في القتال فهم عند قبره شُعْتُ غُبرٍ يبيكونه إلى يوم القيامة، و رئيسهم ملك يقال له: منصور، فلا يزوره زائرٌ إلا استقبلوه، ولا يودّعه مودّعٌ إلا شيعوه، ولا يمرض مريضٌ إلا عادوه، ولا يموت ميتٌ إلا صلّوا على جنازته، واستغفروا له بعد موته، و كلُّ هؤلاء في الأرض ينتظرون قيام القائم ﷺ إلى وقت خروجه صلوات الله عليه».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

حسین بن محمد بن عامر، از احمد بن اسحاق بن سعد، از سعدان بن مسلم، از عمر بن ابان، از ابان بن تغلب، از حضرت ابی عبدالله (ع) نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

گویا می بینم حضرت قائم (ع) را که بر بلندی شهر کوفه بوده و زره رسول الله (ص) را به تن نموده، پس زرع را به تن خود حرکت داده تا بر بدن احاطه کرده و آنرا بپوشاند، آن حضرت در زیر هودجی از استبرق قرار داشته و بر اسبی خاکستری که بین دو چشمانش سفیدی می باشد سوار می باشند، پس اسب حرکتی به خود داده و اهل هر شهری می بینند که راکب و مرکب با ایشان در شهرشان می باشد و بدین ترتیب پرچم رسول خدا (ص) را در تمام بلاد منتشر می فرماید، عمود این پرچم از عمود عرش بوده و بر بقیه آن نقش نصر من الله می باشد، آن پرچم بر چیزی فروود نمی آید مگر آنکه حق تعالی آن چیز را نابود می فرماید هنگامی که پرچم به اهتزاز و حرکت در می آید هیچ مؤمنی باقی نمی ماند مگر آنکه قلبش همچون آهنی سخت می باشد، به هر مؤمنی نیروی چهل مرد داده می شود و نیز هیچ مؤمن مرده ای باقی نمی ماند مگر آنکه این فرح و سرور در قبرش داخل می شود و این در وقتی است که اهل قبور یکدیگر را در قبرها زیارت می کنند و به آنها بشارت به قیام قائم داده می شود، سیزده میلیون و سیصد و فرشته بدنبال آن حضرت بانگ برآورند.

راوی عرض می کند: تمام این جمعیت فرشتگانند؟

حضرت می فرمایند:

بلی، آنها عبارتند از:

الف: فرشتگانی که با حضرت نوح (ع) در سفینه بودند.

ب: فرشتگانی که با حضرت ابراهیم (ع) بودند وقتی آن حضرت را در آتش انداختند.

ج: فرشتگانی که با حضرت موسی علیه السلام بودند زمانی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت.

د: فرشتگانی که با حضرت عیسی علیه السلام بودند وقتی که حقتعالی او را از زمین به آسمان برد.

ه: چهار هزار فرشته مسومین (نشانه گذارنده) و هزار فرشته مردفین (بعضی تابع برخی دیگر می باشند).

و: سیصد و سیزده فرشته که در جنگ بدر حاضر گشتند.

ز: چهار هزار فرشته که از آسمان به قصد قتال در رکاب همایون حضرت امام حسین علیه السلام از آسمان نازل شده پس به آنها اذن قتال داده نشد پس کنار قبر آن حضرت با هبشی ژولیده و حالی حزین و غمگین باقی مانده و از آن روز تا قیامت برای حضرت گریان می باشند، رئیس ایشان فرشته ای است که به آن منصور گفته می شود، زائری نیست که به زیارت آن حضرت رود مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش رفته و آن جناب را وداع نمی کند مگر آنکه آنها به مشایعتش رفته و بیمار نشده مگر آنکه ایشان عیادتش می نمایند و میتی از دنیا نرفته مگر آنکه بر جنازه اش نماز خوانده و پس از مرگش برای او طلب آمرزش می کنند و تمام این فرشتگان در زمین منتظر قیام قائم علیه السلام بوده که در وقتش خروج فرماید صلوات الله علیه.

﴿ الباب الثاني والأربعون ﴾

﴿ فضل صلاة الملائكة لزوار الحسين علیه السلام ﴾

ترجمه:

۱- حدیثی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن أبیه، عن الحسن بن محبوب، عن أبي المغراء، عن عنبسة، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: سمعته

يقول: وكل الله بقبر الحسين بن علي عليه السلام سبعين ألف ملك يعبدون الله عنده، الصلاة الواحدة من صلاة أحدهم تعدل ألف صلاة من صلاة آدميين، يكون ثواب صلاتهم لزوار قبر الحسين بن علي عليه السلام و على قاتله لعنة الله والملائكة والناس أجمعين أبد الآبدين».

﴿ باب چهل و دوم ﴾

﴿ فضیلت و اجر نماز فرشتگان برای زائرین قبر ﴾

﴿ حضرت امام حسین علیه السلام ﴾



﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از ابی المغرأ، از عنیسه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده وی گفت:

شتم از امام صادق علیه السلام که می فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام موکل ساخته که او را نزد قبر عبادت کنند، یک نماز از یک نفر آنها معادل با هزار نماز آدمیان می باشد و ثواب نمازشان برای زوار قبر حضرت امام حسین علیه السلام و وزر و وبال برای قاتل آن حضرت که لعنت خدا و ملائکه و مردم اجمعین بر او باد محسوب می گردد.

متن:

۲ - حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن أبیه، عن سیف بن عمیرة، عن بکر بن محمد الأزدي، عن أبی

عبدالله ﷺ «قال: وكل الله تعالى بقبر الحسين ﷺ سبعين ألف ملكٍ شُعثاً غُبراً يبكونه إلى يوم القيامة، يصلّون عنده، الصلاة الواحدة من صلاة أحدهم تعدل ألف صلاة من صلاة الآدميين، يكون ثواب صلاتهم وأجر ذلك لمن زار قبره ﷺ».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از پدرش، از سیف بن عمیره، از بکر بن محمد ازدی، از حضرت ابی عبدالله ﷺ نقل کرده که حضرت فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی ﷺ موکل ساخته که جمیع زواید و غمگین بوده و تا روز قیامت بر آن جناب گریه می کنند، نزد قبر نماز می خوانند و یک نماز از یک نفر آنها معادل هزار نماز آدمیان بوده، ثواب نماز ایشان و اجر آن برای زوار قبر آن حضرت ﷺ محسوب می گردد.

﴿ الباب الثالث والأربعون ﴾

﴿ إنَّ زيارة الحسين ﷺ فرض و عهد لازم له ﴾

﴿ ولجميع الأئمة ﷺ على كلِّ مؤمن و مؤمنة ﴾

متن:

۱ - حدَّثني أبي - رحمه الله - و محمد بن الحسن، عن الحسن بن مَيْلٍ. وقال محمد بن الحسن: و حدَّثني محمد بن الحسن الصَّفَّار جميعاً، عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي، قال: حدَّثنا الحسن بن علي بن فضال قال:

حَدَّثَنِي أَبُو أَيُّوبَ إِبرَاهِيمُ بْنُ عَثْمَانَ الْخَزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: مَرَوْا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَإِنْ إِيَّانَهُ مَفْرُضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يَقَرُّ لِلْحُسَيْنِ عليه السلام بِالْإِمَامَةِ مِنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ».

﴿ باب جهل و سوّم ﴾

- ﴿ وجوب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بر هر مرد ﴾
- ﴿ و زن مسلمان و عهد و فرض بودنش برای آن جناب و جمیع ﴾
- ﴿ ائمه صلوات الله و سلامه علیهم ﴾



﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن الحسن، از حسن بن مطیل.

و محمد بن الحسن می گوید:

محمد بن الحسن الصفار برایم نقل کرد که جملگی از احمد بن ابی عبدالله برقی این طور حکایت کرده اند که حسن بن علی بن فضال گفت:

ابو ایوب ابراهیم بن عثمان خزّاز، از محمد بن مسلم از حضرت ابو جعفر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

شیعیان ما را امر کنید که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام بروند زیرا زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامتش از جانب خداوند عزّوجلّ دارد فرض و واجب می باشد.

متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ أَخِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمُ

الله - جميعاً، عن أحمد بن إدريس، عن عبيد الله بن موسى، عن الوشاء
 «قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدٌ فِي عَتَقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ،
 وَإِنْ مِنْ قِیَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحَسَنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ، فَمَنْ زَارَهُمْ
 رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَتَصَدِيقاً لِمَا رَغَّبُوا فِيهِ كَانَ أَمْتَهُمْ شَفَعَاءَ هُمْ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ».

حدَّثني محمد بن يعقوب الكليني، عن أحمد بن إدريس بإسناده مثله
 سواء.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدر و برادر و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمة الله عليهم جملگی از
 احمد بن ادريس، از عبيد الله بن موسى، از وشاء نقل کرده اند که وی گفت: شنیدم
 از امام رضا عليه السلام که می فرمودند:
 هر امامی در گردن دوستان و شیعیانش عهدی دارد و زیارت قبورشان از
 مصادیق وفاء به عهد و حسن اداء وظیفه محسوب می شود، لذا کسی که از روی
 رغبت و میل به زیارتشان رود ایشان در روز قیامت شفیع او خواهند بود.
 محمد بن یعقوب کلینی از احمد بن ادريس باسنادش مثل همین حدیث را عیناً
 نقل نموده است.

متن:

۳ - حدَّثني محمد بن جعفر الرِّزَّاز قال: حدَّثني محمد بن الحسين بن أبي
 الخطاب، عن أبي داود المسترق، عن أم سعيد الأحمسيّة، عن أبي
 عبد الله عليه السلام «قالت: قال لي: يا أم سعيد تزورين قبر الحسين؟ قالت:

قلت: نعم، فقال لي: زورية؛ فَإِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَاجِبَةٌ عَلَى الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ».

﴿ حَدِيثِ سَوِّم ﴾

ترجمه:

محمّد بن جعفر رزّاز می گوید: محمّد بن الحسین بن ابی الخطاب از داود مسترق از امّ سعید احمسیّه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی می گوید: امام علیه السلام به من فرمودند:

ای امّ سعید آیا قبر حسین علیه السلام را زیارت می کنی؟
عرض کردم: بلی.

فرمودند: به زیارت آن قبر مطهر برو زیرا زیارت قبر حسین علیه السلام بر مردان و زنان واجب است.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

٤- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ - رَحِمَهُمَا اللَّهُ - جَمِيعاً، عَنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ مَيْثِلٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانِ الْهَاشِمِيِّ، عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ مَوْلَى أَبِي جَعْفَرٍ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ حَجَّ دَهْرَهُ، ثُمَّ لَمْ يَزِرْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام لَكَانَ تَارِكاً حَقّاً مِنْ حَقِّهِ اللَّهِ وَ حَقِّهِ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم، لِأَنَّ حَقَّ الْحُسَيْنِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ، وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ».

﴿ حَدِيثِ چِهَارَم ﴾

ترجمه:

پدرم و محمّد بن الحسن رحمه الله عليهم جملگی از حسن بن مئیل از حسن بن علی کوفی، از علی بن حسان الهاشمی از عبدالرحمن بن کثیر غلام ابی جعفر، از

حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:
اگر یکی از شما طول دهر و عمرش را به حج رفته ولی به زیارت حسین بن
علی علیه السلام نرود حتماً و محققاً حقّی از حقوق خدا و حقوق رسول خدا صلی الله علیه و آله را
ترک کرده زیرا حق حسین علیه السلام فریضه و تکلیفی است از جانب خداوند که بر هر
مسلمانی واجب می باشد.

﴿ الباب الزایع والأربعون ﴾

﴿ ثواب من زار الحسین علیه السلام بنفسه أو جهز إليه غيره ﴾

متن:

۱- حدّثنی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن أبیه، عن علی بن
محمد ابن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حمّاد البصری، عن
عبدالله بن عبدالرحمن الأصمّ، عن محمد البصری، عن أبي عبدالله علیه السلام
«قال: سمعت أبا یقول لرجل من موالیه - و سأله عن الزیارة - فقال له:
من تزور و من ترید به؟ قال: الله تبارک و تعالی، فقال: من صلّى خلفه
صلاةً واحدةً یرید بها الله لقي الله يوم یلقاه و علیه من النور ما یغشی له کلّ
شیء یراه، والله یکرم زوّاره و یمنع الثّار أن تنال منهم شیئاً و إنّ الزّائر
له لا یتناهی له دون الحوض و أمیر المؤمنین علیه السلام قائم علی الحوض
یصافحه و یرویه من الماء، و ما یسبّقه أحدٌ إلی و روده الحوض حتّى
یروی، ثمّ ینصرف إلی منزله من الجنّة و معه ملک من قبل
أمیر المؤمنین یأمر الصّراط أن یدلّ له، و یأمر الثّار أن لا تصیبه من
لفحها شیء حتّى یجوزها، و معه رسولہ الذّی بعثه أمیر المؤمنین علیه السلام».

﴿ باب چهل و چهارم ﴾

﴿ ثواب کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رفته ﴾

﴿ یا دیگری را به زیارت آن حضرت بفرستد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم از محمد بصری، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده وی می گوید:

امام صادق علیه السلام فرمودند: از پدرم شنیدم به یکی از دوستانشان که از زیارت (مقصود زیارت قبر امام حسین علیه السلام است) سؤال کرده بود می فرمودند:

چه کسی را زیارت می کنی و چه کسی را با این زیارت اراده می نمائی؟ یعنی با این زیارت قصد تقرب به چه کسی را داری؟ عرض کرد:

مراد و مقصودم خداوند تبارک و تعالی است، یعنی قصدم تقرب به خدا می باشد. حضرت فرمودند:

کسی که بدنبال زیارت یک نماز خوانده و با این نماز قصد تقرب به خدا را داشته باشد در روزی که خدا را ملاقات می کند بر او نوری احاطه کرده باشد که تمام اشیائی که او را می بینند صرفاً نور مشاهده نمایند و خداوند متعال زوار قبر مطهر امام حسین علیه السلام را مورد اکرام قرار داده و آتش جهنم را از رسیدن به آنها باز می دارد، و زائر در نزد حوض کوثر مقامی بسیار مرتفع و مرتبه ای لایتناهی دارد و امیرالمؤمنین علیه السلام که در کنار حوض ایستاده اند با او مصافحه کرده و وی را از آب سیراب می فرماید و احدی در وارد شدن بر حوض بر وی سبقت نمی گیرد مگر پس از او و سیراب شدن او و پس از سیراب گشتن به جایگاهش در بهشت برگشته در حالی که فرشته ای از جانب امیرالمؤمنین علیه السلام با او بوده که به صراط امر

می‌کند برای وی پائین بیاید و با او مدارا کرده تا از روی آن بگذرد و به آتش جهنم فرمان می‌دهد که حرارت و سوزشش را به او نرساند تا وی از آن گذر کند و نیز با او فرستاده‌ای است که امیرالمؤمنین علیه السلام آن را فرستاده‌اند.

متن:

۲- و باسناده عن الأصم قال: حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - «قَالَ: أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ يَزَارُ وَالِدَكَ؟ قَالَ: فَقَالَ: نَعَمْ وَيُصَلِّيْ عِنْدَهُ، وَقَالَ: يُصَلِّيْ خَلْفَهُ وَلَا يَسْتَقْدِمُ عَلَيْهِ، قَالَ: فَمَا لِمَنْ أَتَاهُ؟ قَالَ: الْجَنَّةُ إِنْ كَانَ يَأْتُمُّ بِهِ، قَالَ: فَمَا لِمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عِنْدَهُ؟ قَالَ: الْحَسْرَةُ يَوْمَ الْحَسْرَةِ، قَالَ: فَمَا لِمَنْ أَقَامَ عِنْدَهُ؟ قَالَ: كُلُّ يَوْمٍ بِأَلْفِ شَهْرٍ، قَالَ: فَمَا لِلْمُنْتَفِقِ فِي خُرُوجِهِ إِلَيْهِ وَالْمُسْتَفِقِ عِنْدَهُ؟ قَالَ: دَرَاهِمٌ بِأَلْفِ دَرَاهِمٍ؛

قَالَ: فَمَا لِمَنْ مَاتَ فِي سَفَرِهِ إِلَيْهِ؟ قَالَ: تَشِيْعُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَتَأْتِيهِ بِالْحَنُوطِ وَالْكَسُوَةِ مِنَ الْجَنَّةِ، وَتُصَلِّيْ عَلَيْهِ إِذْ كُنَّ وَتَكْتُمُهُ فَوْقَ أَكْفَانِهِ، وَتَفْرُشُ لَهُ الرِّجْحَانَ تَحْتَهُ، وَتُدْفَعُ الْأَرْضُ حَتَّى تَتَوَوَّرَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ مَسِيرَةُ ثَلَاثَةِ أَمْيَالٍ، وَمَنْ خَلْفَهُ مِثْلُ ذَلِكَ، وَعِنْدَ رَأْسِهِ مِثْلُ ذَلِكَ، وَعِنْدَ رِجْلَيْهِ مِثْلُ ذَلِكَ، وَيُفْتَحُ لَهُ بَابٌ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَى قَبْرِهِ، وَيَدْخُلُ عَلَيْهِ رَوْحُهَا وَرِيحَانُهَا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ؛

قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ صَلَّى عِنْدَهُ؟ قَالَ: مَنْ صَلَّى عِنْدَهُ رَكْعَتَيْنِ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهُ تَعَالَى شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ، قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ اغْتَسَلَ مِنْ مَاءِ الْفِرَاتِ، ثُمَّ أَتَاهُ؟ إِذَا اغْتَسَلَ مِنْ مَاءِ الْفِرَاتِ وَهُوَ يَرِيدُهُ تَسَاقَطَتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ

آمنہ، قال: قلت: فما لمن يحجز إليه ولم يخرج له لعة تصيبه؟ قال: يعطيه الله بكلِّ درهم أنفقته مثل أحد من الحسنات، ويخلف عليه أضعاف ما أنفقته [هـ]، و يصرف عنه من البلاء بما قد نزل ليصيبها، ويدفع عنه، ويحفظ في مال؛

قال: قلت: فما لمن قتل عنده، جار عليه سلطان فقتله؟ قال: أول قطرة من دمه يغفر له بها كلُّ خطيئة، و تغسل طينته التي خلق منها الملائكة حتى تخلص كما خلصت الأنبياء المخلصين، و يذهب عنها ما كان خالطها من أجناس طين أهل الكفر، و يغسل قلبه و يشرح صدره و يملاً إيماناً فيلقى الله و هو مخلص من كلِّ ما تخالطه الأبدان و القلوب، و يكتب له شفاعة في أهل بيته و ألف من إخوانه، و تولَّى الصلاة عليه الملائكة مع جبرئيل و ملك الموت، و يؤثي بكفنه و جنوطه من الجنة، و يوسع قبره عليه و يوضع له مصابيح في قبره و يفتح له بابٌ من الجنة، و تأتيه الملائكة بالطَّرف من الجنة، و يرفع بعد ثمانية عشر يوماً إلى حظيرة القدس، فلا يزال فيها مع أولياء الله حتى تصيبه النفخة التي لا تبقى شيئاً؛ فإذا كانت النفخة الثانية و خرج من قبره كان أوَّل من يصافحه رسول الله ﷺ و أمير المؤمنين و الأوصياء عليهم السلام و يبشرونه و يقولون له: أئزمنّا، و يقيمونه على الحوض فيشرب منه و يسقي من أحب.

قلت: فما لمن حبس في إتيانه؟ قال: له بكلِّ يوم حبس و يغتم فرحة إلى يوم القيامة، فإن ضرب بعد الحبس في إتيانه كان له بكلِّ ضربة حوراء و بكلِّ وجع يدخل على بدنه ألف ألف حسنة، و يُحاسبها عنه ألف ألف سيئة، و يرفع له بها ألف درجة، و يكون من محدثي رسول الله ﷺ حتى يفرغ

من الحساب، فیصافحه حملة العرش و يقال له: سل ما أحببت؛ و یؤتی ضاربه للحساب قال یسأل عن شيء ولا یحتسب بشيء و یؤخذ بضبعیه حتی ینتهی به إلى ملك تحبوه و یتحفه بشربة من الحميم، و شربة من الغسلین، و یوضع علی مقال فی النار، فیقال له: ذُق ما قَدَّمْتُ یداک فیا أتیتَ إلى هذا الَّذی ضربته، و هو وفدُ الله و وفدُ رسولہ و یأتی بالمضروب إلى باب جهنم فیقال له: انظر إلى ضاربک و إلى ما قد لقي فهل شفیت صدرک، و قد اقتَصَّ لك منه؟ فیقول: الحمد لله الَّذی انتصر لي و لولد رسولہ منه».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمہ:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری به اسنادش از اصم نقل نموده که وی گفت: هشام بن سالم از حضرت ابی عبدالله علیه السلام در حدیثی طولانی نقل کرده که شخصی نزد امام صادق علیه السلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله: آیا پدر شما را می توان زیارت کرد؟ حضرت فرمودند:

بلی، علاوه بر زیارت نماز هم نزد قبر می توان خواند متهی نماز را باید پشت قبر بجا آورد نه مقدم و جلو آن.

آن شخص عرض کرد: کسی که آن حضرت را زیارت کند چه ثواب و اجری دارد؟

حضرت فرمودند:

اجر او بهشت است مشروط به اینکه به آن حضرت اقتداء کرده و از او تبعیت کند.

عرض کرد: اگر کسی زیارت آن حضرت را از روی بی رغبتی و بی میلی ترک کند

چه خواهد دید؟

حضرت فرمودند:

روز حسرت (روز قیامت) حسرت خواهد بخورد.

عرض کرد: کسی نزد قبر آن جناب اقامت کند اجر و ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند: هر یک روز آن معادل یک ماه می باشد.

عرض کرد: کسی که برای رفتن و زیارت نمودن آن حضرت متحمل هزینه

و خرج شده و نیز نزد قبر مطهر پول خرج کند چه اجری دارد؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر یک درهمی که خرج کرده هزار درهم دریافت خواهد نمود.

عرض کرد: اجر کسی که در سفر به طرف آن حضرت فوت کرده چیست؟

حضرت فرمودند:

فرشتگان مشایعتش کرده و برای او جنوط و لباس از بهشت آورده و وقتی کفن

شد بر او نماز خوانده و روی کفنی که بر او پوشانده اند فرشتگان نیز کفن دیگری

قرار می دهند و زیر او را از ریحان فرش می نمایند و زمین را چنان رانده و جلو

برده که از جلو فاصله سه میل طی شده و از پشت و جانب سر و طرف پا نیز مانند

آن این مقدار مسافت و فاصله منهدم و ساقط می گردد و برای آن دربی از بهشت

به طرف قبرش گشوده شده و نسیم و بوی خوش بهشتی به قبر او داخل گشته

و تا قیام قیامت بدین منوال خواهد بود.

آن شخص می گوید: محضر مبارکش عرضه داشت:

کسی که نزد قبر نماز بگذارد اجر و ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند:

کسی که نزد قبر مطهرش دو رکعت نماز بخواند از خداوند چیزی را درخواست

نمی کند مگر آنکه حق جل و علی آن را به او اعطاء می فرماید.

عرض کردم: اجر کسی که از آب فرات غسل کرده و سپس به زیارت آن جناب

رود چیست؟

حضرت فرمودند:

زمانی که شخص از فرات غسل کرده در حالی که اراده زیارت آن حضرت را داشته باشد تمام لغزش‌ها و گناهانش ساقط و محو شده و وی نظیر آن روزی می‌باشد که از مادر متولد شده است.

آن شخص می‌گوید: عرض کردم:

اجر کسی که دیگری را مجهز کرده و به زیارت قبر آن حضرت بفرستد ولی خودش بواسطه عارضه و علتی که پیش آمده به زیارت نرود چیست؟

حضرت فرمودند:

به هر یک درهمی که خرج کرده و انفاق نموده همانند کوه احد حسنات حق تعالی برای او منظور می‌فرماید و باقی می‌گذارد و بر او چند برابر آنچه متحمل شده ویلا و گرفتاری‌هایی که بطور قطع نازل شده تا به وی اصابت کرده را از او دفع می‌نماید و مال و دارائی او را حفظ و نگهداری می‌کند.

آن شخص می‌گوید: عرض کردم:

اجر و ثواب کسی که نزد آن حضرت کشته شود چیست، مثلاً سلطان ظالمی بر وی ستم کرده و او را آنجا بکشد؟

حضرت فرمودند:

اولین قطره خونس که ریخته شود خداوند متعال تمام گناهانش را می‌آمرزد و طیتی را که از آن آفریده شده فرشتگان غسل داده تا از تمام آلودگی‌ها و تیره‌گی‌ها پاک و خالص شده همان طوری که انبیاء مخلص خالص و پاک می‌باشند و بدین ترتیب آنچه از اجناس طین اهل کفر با طینت وی آمیخته شده زدوده می‌گردد و نیز قلبش را شستو داده و سیناهش را فراخ نموده و آنرا مملو از ایمان کرده و بدین ترتیب خدا را ملاقات کرده در حالی که از هر چه ابدان و قلوب با آن مخلوط هستند پاک و منزّه می‌باشد و برایش مقرر می‌شود که

اهل بیت و هزار تن از برادران ایمانی خود را بتواند شفاعت کند و فرشتگان با همراهی جبرئیل و ملک الموت متولی خوانیدن نماز بر او می‌گردند و کفن و حنوطش را از بهشت آورده و در قبرش توسعه داده و چراغ‌هایی در آن می‌افروزند و دربی از آن بهشت باز می‌کنند و فرشتگان برایش اشیاء تازه و تحفه‌هایی بدیع از بهشت می‌آورند و پس از هجده روز او را به خطیره القدس (بهشت) برده پس پیوسته در آنجا با اولیاء خدا خواهد بود تا نفع‌های که با دمیده شدنش هیچ چیز باقی نمی‌ماند دمیده شود و وقتی نفعه دومی دمیده شد و وی از قبر بیرون آمد اولین کسی که با او مصافحه می‌کند رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و اوصیاء سلام الله علیهم بوده که به وی بشارت داده و می‌گویند: یا ما باش و سپس او را کنار حوض کوثر آورده و از آن به او می‌نوشانند و سپس به هر کسی که او بخواند و دوست داشته باشد نیز می‌آشامانند.

آن شخص می‌گوید: عرض کردم: اجر و ثواب کسی که به خاطر زیارت آن حضرت حبس شده چیست؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر روزی که حبس شده و غمگین می‌گردد سرور و شادی منظور شده که تا قیامت ادامه دارد و اگر پس از حبس او را زدند در قبال هر یک ضربه‌ای که به وی اصابت می‌کند یک حوریه‌ای به او داده شده و به ازاء هر دردی که بر پیکرش وارد می‌شود هزار هزار حسنه ملاحظه گردیده و هزار هزار لغزش و گناه از او محو و زائل گشته و هزار هزار درجه ارتقاء داده می‌شود و از ندیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله محسوب شده تا از حساب فارغ گردد و پس از آن فرشتگانی که حمله عرش هستند با او مصافحه کرده و به او می‌گویند: آنچه دوست داری بخواه.

و زنده وی را برای حساب حاضر می‌کنند پس هیچ سوالی از او نکرده و با هیچ چیز اعمالش را نسنجیده و محاسبه نکرده بلکه دو بازویش را گرفته و او را برده و به فرشته‌ای تحویل داده و آن فرشته به او جرعه‌ای از حمیم (آب داغ جهنم)

و جرعهای از غسلین (آب چرک که از پوست و گوشت دوزخیان جاری می باشد) می چشاند و سپس او را روی تکه ای سرخ از آتش قرار داده و به وی می گویند: بچش چیزی را که دست هایت پیش پیش بواسطه زدن شخصی که او را زدی برای تو فرستاده اند، کسی را که زدی پیک و پیام آور خدا و رسول خدا بود و در این هنگام مضروب را آورده و نزدیک درب جهنم نگاه داشته و به او می گویند: به زننده خود بنگر و به آنچه به سرش آمده نظر نما آیا سینه ات شفاء می یابد؟ این عذابی که به او وارد شده بخاطر قصاص برای تو می باشد، پس می گویند: حمد خدا را که من و فرزند رسول خود را یاری فرمود.

متن:

۳- و بهذا الإسناد عن الأصم، عن عبدالله بن بكير - في حديث طويل -
 «قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: يا ابن بكير إن الله اختار من بقاع الأرض ستة: البيت الحرام، والحرم، ومقابر الأنبياء، ومقابر الأوصياء، ومقابر الشهداء، والمساجد التي يذكر فيها اسم الله، يا ابن بكير هل تدري ما لمن زار قبر أبي عبدالله الحسين عليه السلام إن جهله الجاهلون، ما من صباح إلا وعلى قبره هاتف من الملائكة يُنادي: يا طالب الخير أقبل إلى خالصة الله ترحل بالكرامة وتأمين الثَّدامة، يسمع أهل المشرق وأهل المغرب إلا الثَّقَلَيْنِ، ولا يبقى في الأرض ملك من الحفظة إلا عطف عليه عند رُقاد العبد حتى يستبح الله عنده، ويسأل الله الرِّضا عنه، ولا يبقى ملك في الهواء يسمع الصوت إلا أجاب بالتَّقدیس لله تعالى، فتشتدُّ أصوات الملائكة، فيجيبهم أهل السماء الدُّنيا، فتشتدُّ أصوات الملائكة وأهل السَّماء الدُّنيا حتى تبلغ أهل السَّماء السَّابعة فيسمع أصواتهم التَّبَيُّون فيترحمون

و فیصلون علی الحسین علیه السلام و یدعون لمن زاره.

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری با همین اسناد از اصم، از عبدالله بن بکیر در ضمن حدیثی طولانی می گوید: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای ابن بکیر خداوند متعال از بقاع و اماکن روی زمین شش بقعه را اختیار فرموده:

بیت الحرام، حرم، مقابر انبیاء، مقابر اوصیاء، مقابر شهداء، و مساجدی که نام خدا در آنها برده می شود.

ای ابن بکیر، آیا می دانی اجر کسی که قبر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را زیارت کند چیست؟

هیچ صبح و بامدادی نیست مگر آنکه هاتفی از فرشتگان بالای قبر آن حضرت فریاد می کنند: ای خواستاران خیر رو کنید به برگزیده خدا و کوچ کنید بطرف اورجمندی و بزرگی و بدین ترتیب از ندامت و حسرت در امان باشید.

اهل مشرق و مغرب نداء این هاتف را می شنوند مگر جنّ و انس و در زمین هیچ فرشته ای از فرشتگان حافظ و نگهبان در وقتی که بندگان خواب هستند باقی نمی ماند مگر آنکه به قبر مطهر روی آورده و هجوم می کنند تا در آن مکان مقدس حق تعالی را تسبیح نموده و از درگاه جلالش بخواهند تا از آنها راضی گردد و هیچ فرشته ای در هوا باقی نمی ماند که نداء هاتف را شنیده مگر آنکه در جواب آن حق تعالی را تقدیس می کند و بدین ترتیب اصوات و صداهای فرشتگان بلند و قوی شده پس اهل و سکنه آسمان دنیا به آنها جواب داده و در نتیجه اصوات و صداهای فرشتگان و سکنه آسمان دنیا تشدید یافته به حدّی که طنین آن به اهل و سکنه آسمان هفتم رسیده و بدین ترتیب انبیاء عظام صداهای ایشان را استماع

کرده پس رحمت و صلوات بر حضرت امام حسین علیه السلام فرستاده و زائرین آن حضرت را دعاء می کنند.

﴿ الباب الخامس والأربعون ﴾
﴿ ثواب من زار الحسين علیه السلام و عليه خوف ﴾

متن:

۱ - حدثني محمد بن عبدالله بن جعفر، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن حماد ذي الثآلب، عن رومي، عن زرارة «قال: قلت لأبي جعفر علیه السلام: ما تقول فيمن زار أباك على خوف؟ قال: يؤمنه الله يوم الفزع الأكبر، و تلقاه الملائكة بالبخارة، و يقال له: لا تحف ولا تحزن هذا يومك الذي فيه فوزك».

﴿ باب جهل و پنجم ﴾
﴿ ثواب کسی که با ترس و هراس به زیارت ﴾
﴿ حضرت امام حسین علیه السلام برود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از حماد ذي الثآلب، از رومی، از زراره نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی جعفر علیه السلام عرضه داشتیم: چه می فرمائید در باره کسی که با خوف و هراس پدر شما را زیارت کند؟
حضرت فرمودند:

در روزی که فرع اکبر است حقتعالی او را امان دهد و فرشتگان به وی بشارت داده و به او می گویند: مترس و محزون مباش امروز روزی است که تو در آن رستگار می شوی.

مثن:

۲- وبإسناده، عن الأصم، عن ابن بكير، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: قلت له: إني أنزل الأرجان وقلبي ينازعني إلى قبر أبيك، فإذا خرجت قلبي وجلّ مشفق حتى أرجع خوفاً من السلطان والسعاة وأصحاب المسالخ، فقال: يا ابن بكير أما تحب أن يراك الله فينا خائفاً؟ أما تعلم أنه من خاف لخوفنا أظله الله في ظلّ عرشه، وكان محدّثه الحسين عليه السلام تحت العرش، وآمنه الله من أفزاع يوم القيامة، يفزع الناس ولا يفزع، فإن فزع وقّره الملائكة وسكنت قلبه بالبشارة».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر به اسنادش از اصم، از ابن بکیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت: محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتیم: من به شهر ارجان وارد شده و در آنجا نازل شدم ولی قلب و دلم آرزوی زیارت قبر مطهر پدر بزرگوارتان را داشت لذا از شهر به قصد زیارت آن جناب خارج شدم اما دلم ترسان و لرزان بود و از خوف و ترس سلطان و ساعیان و عمال وی و مرزبانان تا زمان مراجعت در وحشت و دهشت بودم.

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر آیا دوست نداری که خداوند تو را از کسانی که در راه ما ترسان و خائف می‌باشند محسوب فرماید؟
آیا می‌دانی کسی که به خاطر خوف ما خائف باشد حق تعالی او را در سایه عرش مکان دهد و هم صحبتش حضرت امام حسین علیه السلام در زیر عرش می‌باشد و حق تعالی او را از فرع‌های روز قیامت در امان می‌دارد، مردم به فرع و جزع آمده ولی او فرع نمی‌کند، پس اگر فرع کند فرشتگان آرامش کرده و بواسطه بشارت دادن قلبش را ساکت و ساکن می‌نمایند.

متن:

۳- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ السَّرَّاجُ، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرِو، عَنْ حَسَّانِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ: يَا مَعَاوِيَةُ لَا تَدْعُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام لَخُوفٍ، فَإِنَّ مَنْ تَرَكَهُ رَأَى مِنَ الْحَسْرَةِ مَا يَتَمَنَّى أَنْ قَبْرَهُ كَانَ عِنْدَهُ، أَمَا تَحِبُّ أَنْ يَرَى اللَّهُ شَخْصَكَ وَ سَوَادَكَ فَيَمُنَّ بِدَعْوِهِ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْأَئِمَّةَ عليهم السلام؟ أَمَا تَحِبُّ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ بِالْمَغْفِرَةِ لِمَا مَضَى وَ يَغْفِرَ لَهُ ذُنُوبَ سَبْعِينَ سَنَةً؟ أَمَا تَحِبُّ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يُخْرِجُ مِنَ الدُّنْيَا وَ لَيْسَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ يَتَّبِعُ بِهِ؟ أَمَا تَحِبُّ أَنْ تَكُونَ غَدًا مِمَّنْ يَصَافِحُهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؟».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم سراج از سلمه بن الخطاب، از موسی بن عمر، از حسان البصری از معاویه بن وهب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

ای معاویه، بخاطر خوف و هراس زیارت قبر امام حسین علیه السلام را ترک مکن زیرا کسی که زیارت آن حضرت را ترک کند چنان حسرتی ببیند که تمنا و آرزو کند قبر آن جناب نزدش باشد، آیا دوست نداری که خداوند متعال تو را در زمره کسانی محسوب کند که رسولش صلی الله علیه و آله و حضرات علی و فاطمه و ائمه علیهم السلام برایش دعا می کنند؟

آیا دوست نداری از کسانی باشی که گناهان گذشته ات آمرزیده شده و برای گناهان هفتاد سال بعد طلب غفران برایت کنند؟

آیا دوست داری از کسانی باشی که از دنیا خارج می شوند در حالی که در گناهی قابل مواخذه ندارند؟

آیا دوست داری فردای قیامت از کسانی باشی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنها مصافحه می کند؟

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

۴ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنِ الْخَيْبَرِيِّ، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي حَالِ الثَّقِيَّةِ؟ قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ الْفَرَاتَ فَاغْتَسِلْ ثُمَّ أَلْبَسْ أَثَوَابَكَ الطَّاهِرَةَ ثُمَّ تَمَرَّ بِأَزَاءِ الْقَبْرِ وَقُلْ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»، فَقَدْ تَمَّتْ زِيَارَتُكَ».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

علی بن الحسین رحمۃ اللہ علیہ، از سعد بن عبداللہ، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل بن بزیم، از خیری، از یونس بن ظبیان، از حضرت ابی عبداللہ علیہ السلام نقل کرده وی گفت: محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم: زیارت قبر امام حسین علیہ السلام در حال تقیہ به چه گونه است؟ حضرت فرمودند:

وقتی به فرات رسیدی غسل کن و لباسهای پاک و طاهر خود را بپوش سپس عبور کن تا به ازاء و مقابل قبر برسی و بگو:

صَلِّ اللّٰهُ عَلَیْکَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ: صلوات و رحمت خدا بر شما ای ابا عبداللہ

صَلِّ اللّٰهُ عَلَیْکَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ: صلوات و رحمت خدا بر شما ای ابا عبداللہ

صَلِّ اللّٰهُ عَلَیْکَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ: صلوات و رحمت خدا بر شما ای ابا عبداللہ

پس زیارت صحیح و تمام می باشد.

مرکز تحقیقات و پژوهش اسلامی

مثن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُذَلِّجٌ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - «قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ علیہ السلام: هَلْ تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیہ السلام؟ قُلْتُ: نَعَمْ عَلَى خَوْفٍ وَ وَجَلٍ، فَقَالَ: مَا كَانَ مِنْ هَذَا أَشَدَّ، فَالْثَّوَابُ فِيهِ عَلَى قَدْرِ الْخَوْفِ، وَ مِنْ خَافَ فِي إِيْتَانِهِ أَمِنَ اللَّهُ رَوْعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ انْصَرَفَ بِالْمَغْفَرَةِ، وَ سَلَّمَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَ زَارَهُ النَّبِيُّ صلی اللہ علیہ وسلم وَ دَعَا لَهُ وَ انْقَلَبَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُ سَوْءٌ وَ اتَّبَعَ رِضْوَانُ اللَّهِ - ثُمَّ ذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد البصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم نقل کرده، وی گفت:

حدیث گفت برای ما مدلیج، از محمد بن مسلم در ضمن حدیث طولانی، وی گفت:

حضرت ابو جعفر محمد بن علی علیه السلام به من فرمودند:

آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می‌روی؟

عرض کردم: بلی ولی با خوف و هراس.

فرمودند: هر قدر در زیارت خوف بیشتر باشد ثواب در آن به مقدار خوف و هراس تو می‌باشد و کسی که در زیارتش خائف و بیمناک باشد در روزی که مردم برای حساب پروردگار عالمیان به پا می‌خیزند حق تعالی او را در امان قرار داده و خوف و وحشت او را برطرف می‌کند و با آمرزش گناهان برگشته و فرشتگان بر او سلام نموده و نبی اکرم صلی الله علیه و آله به زیارتش آمده و برای او دعاء می‌فرمایند و بواسطه نعمت الهی حالش دگرگون شده و فضلی که هیچ مکروه و بدی با آن همراه نیست شاملش شده و بدنبال آن رضوان خدا نصیبش می‌گردد.

﴿ الباب السادس و الأربعون ﴾

﴿ ثواب ما للرجل في نفقته إلى زيارة الحسين علیه السلام ﴾

متن:

۱- حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحیمری، عن أبیه، عن علی بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصری، عن

عبدالله بن عبدالرحمن الأصم قال: حَدَّثَنَا مُعَاذٌ، عَنْ أَبَانَ «قال: سمعته يقول: قال أبو عبدالله عليه السلام: من أتى قبر أبي عبدالله عليه السلام فقد وصل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وصلنا وحرمت غيبته، وحرم لحمه على النار وأعطاه بكلِّ درهم أنفقهُ عشرة آلاف مدينة له في كتاب محفوظ، وكان الله له من وراء حوائجه، وحفظ في كلِّ ما خَلَفَ، ولم يسأل الله شيئاً إلا أعطاه وأجابه فيه، إِمَّا أَنْ يَعْبُدَهُ وَإِمَّا أَنْ يُؤْخِرَهُ لَهُ».

و حَدَّثَنِي بِذَلِكَ مُحَمَّدُ بْنُ هِثَامٍ بْنُ سَهِيلٍ - رحمه الله - عن جعفر بن محمد بن مالك، عن محمد بن إسماعيل، عن عبدالله بن حماد، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن معاذ، عن أبان، عن أبي عبدالله عليه السلام مثله.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی

﴿ باب چهل و ششم ﴾

﴿ اجر و ثواب آنچه شخص در زیارت حضرت ﴾

﴿ امام حسین علیه السلام اتفاق می کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد البصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم نقل کرده که وی گفت:

حدیث گفت برای ما معاذ، از ابان، وی گفت:

از او شنیدم که می گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

کسیکه به زیارت قبر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام رود محققاً به رسول خدا و به ما اهل بیت احسان نموده و غیبتش جایز نبوده و گوشتش بر آتش حرام است و در مقابل هر یک درهمی که اتفاق کرده خداوند متعال اتفاق اهالی و سکنه ده هزار شهرهائی که در کتابش مضبوط و معلوم است را به او اعطاء می‌فرماید و بدنبال آن حوائج و نیازمندی‌هایش را روا می‌فرماید و آنچه را که از خود باقی گذارد حق تعالی حافظ آنها است و درخواست و سؤال چیزی از خدا نمی‌کند مگر آنکه باری تعالی اجابتش می‌فرماید اعم از آنکه سریع و بدون مهلت حاجتش را روا کرده یا با تأخیر و مهلت آنرا برآورده نماید.

و محمد بن همام بن سهیل رحمه الله علیه، از جعفر بن محمد بن مالک، از محمد ابن اسماعیل، از عبدالله بن حماد، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از معاذ، از ابان برایم مثل همین حدیث را از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده است.

متن:

۲- و حدَّثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن الحسين، عن الحلبي، عن أبي عبدالله علیه السلام - في حديث طويل - «قال: قلت: جعلت فداك ما تقول فيمن ترك زیارته و هو يقدر على ذلك؟ قال: أقول: إنَّه قد عَقَى رسول الله صلی الله علیه و آله و عَقْنَا و استخفَّ بأمره و له، و من زاره كان الله له من وراء حوائجه، و كفى ما أهَمَّه من أمر دُنياه، و أنَّه ليُجلب الرزق على العبد، و يخلف عليه ما أنفق و يغفر له ذنوب خمسين سنة، و يرجع إلى أهله و ما عليه و زُرَّ

ولا خطيئة إلا وقد بحيث من صحيفته، فإن هلك في سفره نزلت الملائكة ففصلته، وفتحت له أبواب الجنة، ويدخل عليه روحها حتى ينشر، وإن سلم فتح له الباب الذي ينزل منه الرزق ويجعل له بكل درهم أنفق عشرة آلاف درهم، وذاخر ذلك له فإذا حُسر قيل له: لك بكل درهم عشرة آلاف درهم، وإن الله نظر لك وذاخرها لك عنده».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد البصری، از عبدالله بن عبدالرحمن الاصم، از حسین، از حلبی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام در ضمن حدیث طویلی نقل کرده، وی گفت:

محضر مبارک امام علیه السلام عرض داشتیم: فدایت شوم چه می فرمایید در باره کسی که با داشتن قدرت زیارت آن حضرت را ترک می کند؟

حضرت می فرمایند: می گویم:

این شخص عاق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و عاق ما اهل بیت می باشد و امری که به نفع او است را سبک شمرده است.

و کسی که آن حضرت را زیارت کند:

خداوند متعال حوائجش را برآورده نماید و آنچه از دنیا مقصود او است را کفایت فرماید.

و نیز زیارت آن حضرت موجب جلب رزق برای زائر می باشد.

و آنچه در این راه اتفاق کرده بر او باقی مانده و جانشین و یادگارش خواهد بود و همچنین زیارت آن حضرت موجب می شود:

گناهان پنجاه ساله او آمرزیده شده و وی به اهلش بازگردد در حالی که بر عهده اش نه وزر و وبالی بوده و نه لغزشی و آنچه از گناه در صحیفه اعمالش ثبت

شده جملگی محو و پاک می‌گردد. اگر زائر در سفر زیارت فوت شود فرشتگان نازل گشته و او را غسل می‌دهند و نیز درب‌هایی از بهشت به روی او گشوده می‌شود و نسیم خوش آن در قبر بر او وزیده و در قبر پراکنده و منتشر می‌گردد. و اگر وی در سفر زیارت سالم و از گزند مرگ در امان ماند در پی به روی او گشوده می‌شود که رزق و روزی وی از آن نازل می‌گردد و در مقابل هر درهمی که اتفاق کرده ده هزار درهم قرار داده می‌شود و آن را برای وی ذخیره کرده و هنگامی که محشور شد و از قبر بیرون آمد به او گفته می‌شود: در مقابل هر درهمی که در سفر زیارت خرج کردی ده هزار درهم مال تو است و خداوند به تو نظر نموده و آنها را نزد خودش برای او ذخیره کرد.



متن:

۳- و یاسناده عن الأصم، عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله علیه السلام «إن رجلاً أتاه فقال له: يا ابن رسول الله هل يزار والدك؟ قال: فقال: نعم و یصلی عنده، و یصلی خلفه و لا یتقدّم علیه، قال: فما لمن أتاه؟ قال: الجنة إن كان یأتمُّ به، قال: فما لمن تركه رغبة عنه؟ قال: الحسرة یوم الحسرة، قال: فما لمن أقام عنده؟ قال: کلّ یوم بألف شهر، قال: فما للمنفق فی خروجه إلیه و المنفق عنده؟ قال: الدرهم بألف درهم - و ذکر الحديث بطوله -».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری باسنادش از اصم، از هشام بن سالم از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده است، وی می‌گوید:

مردی محضر مبارک امام علیه السلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد:

ای پسر رسول خدا! آیا پدر بزرگوار شما زیارت بشود؟

حضرت فرمودند:

بلی و علاوه بر آن نزد آن جناب نماز نیز خوانده شود ولی باید توجه داشت که

نماز را پشت قبر بخوانند و بر آن مقدم نشوند.

راوی می گوید:

چه اجری است برای کسی که آن حضرت را زیارت کند.

حضرت فرمودند:

بهشت، مشروط به اینکه از آن جناب پیروی کرده و به حضرتش اقتداء نماید.

راوی می گوید:

کسی که از روی بی میلی و عدم رغبت زیارت آن حضرت را ترک کند چه برای او

می باشد؟

بزرگوارترین پسر رسول

حضرت فرمودند:

در روز حسرت، حسرت خواهد خورد.

عرض کرد: چه اجر و ثوابی است برای کسی که نزد قبر آن جناب اقامه کند؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر روز هزار ماه منظور می گردد.

عرض کرد:

کسی که در راه سفر متحمل هزینه شده و در نزد قبر مطهر انفاقانی نماید چه اجر

و ثوابی دارد؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر درهمی که انفاق و خرج کرده هزار درهم برایش منظور می شود.

متن:

۴ - و یاسناده عن الأصم، عن ابن سنان «قال: قلت لأبي عبد الله علیه السلام: جعلت فداك إنَّ أباك كان يقول في الحجِّ: يحسب له بكلِّ درهم أنفقَه ألفُ درهم، فما لمن ينفق في المسير إلى أبيك الحسين علیه السلام؟ فقال: يا ابن سنان يحسب له بالذَّهرم ألفٌ و ألف - حتَّى عدَّ عشرة -، و يرفع له من الدَّرجات مثلها، و رضا الله تعالى خيرُ له، و دعاءُ محمَّد و دعاءُ أميرالمؤمنين و الأئمَّة علیهم السلام خيرُ له».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمَّد بن عبدالله بن جعفر حمیری یاسنادش از اصم، از ابن سنان نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم پدر بزرگوارتان راجع به حجِّ می‌فرمودند:

در مقابل هر درهمی که شخص اتفاق می‌کند هزار درهم منظور می‌شود. اکنون بفرمائید: چه اجر و ثوابی است برای کسی که در سفر زیارت پدرتان حضرت امام حسین علیه السلام اتفاق نماید؟ حضرت فرمودند:

ای ابن سنان در مقابل هر درهمی که شخص اتفاق کند هزار و هزار ... و همینطور شمرند تا به ده هزار رسید، منظور می‌گردد و به همین مقدار درجه‌اش را بالا می‌برند و رضایت و خشنودی حق تعالی از وی و دعاء حضرت محمَّد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و حضرات ائمہ علیهم السلام برای او بهتر از آن می‌باشد.

متن:

۵ - حدَّثنی اَبی - رحمه الله - عن أحمد بن إدريس؛ و محمد بن یحیی العطار، عن العمرکی بن علی قال: حدَّثنا یحیی - و كان فی خدمة اَبی جعفر الثانی علیه السلام - عن علی، عن صفوان الجمال، عن اَبی عبد الله علیه السلام - فی حدیث طویل - «قال: قلت: فما لمن صلیَّ عنده یعنی الحسین علیه السلام فی حدیث طویل» قال: قلت: فما لمن صلیَّ عنده - یعنی الحسین علیه السلام؟ - قال: من صلیَّ عنده رکعتین لم یسأل الله تعالی شیئاً إلا أعطاه إیّاه، فقلت: فما لمن اغتسل من ماء الفرات ثم أتاه؟ قال: إذا اغتسل من ماء الفرات و هو یریده تساقطت عنه خطایاه کیوم ولدته أمُّه، قلت: فما لمن جهَّز إلیه و لم یمخرج لعلَّة؟ قال: یعطیه الله بکُلِّ درهم أنفقَه من الحسنات مثل حیل أخذ و یمخلف علیه أضعاف ما أنفق، و یمصرف عنه من البلاء ممّا قد نزل فیدفع و یمحفظ فی ماله - و ذکر الحدیث بطوله - .

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از محمد بن إدريس و محمد بن یحیی عطار از عمرکی بن علی نقل کرده که وی گفت: حدیث کرد برای ما یحیی که در خدمت حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلام بود از علی و او از صفوان جمال و او از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حدیثی طولانی را نقل کرده و در ضمن آن می گوید:

محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتم: چه اجر و ثوابی است برای کسی که نزد قبر مطهر آن حضرت (حضرت امام حسین علیه السلام) نماز بخواند؟

حضرت فرمودند:

کسی که نزد قبر آن جناب دو رکعت نماز بخواند چیزی را از خدا نخواستہ مگر

آنکه حق تعالی آن را به وی اعطاء می فرماید.

عرض کردم: چه اجر و ثوابی است برای کسی که از آب فرات غسل کرده و سپس به زیارت آن حضرت رود؟

امام علیه السلام فرمودند:

هنگامی که با اراده زیارت آن حضرت از فرات غسل می کند تمام گناهانش ریخته شده و پاک می گردد مثل اینکه تازه از مادر متولد گردیده.

عرض کردم: ثواب و اجر کسی که خودش بخاطر جهتی نمی تواند به زیارت رود ولی دیگری را مجهز ساخته و به زیارت فرستاده چه می باشد؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر یک درهمی که خرج کرده خداوند متعال به قدر کوه أخذ از حسنات به وی داده و چند برابر هزینه ای را که متحمل شده برایش باقی می گذارد و نیز بلاهائی که نازل شده را از وی دور می گرداند و همچنین مال و دارائی وی را حفظ و نگهداری می فرماید.

﴿الباب السابع والأربعون﴾

﴿ما یکره اتخاذه لزیارة الحسین بن علی علیه السلام﴾

متن:

۱- حدیثی است از ابی و علی بن الحسین؛ و جماعة مشایخی - رحمهم الله - عن سعد بن عبدالله بن ابی خلف، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحكم - عن بعض أصحابنا - «قال: قال أبو عبدالله علیه السلام: بلغنی أنَّ قوماً أرادوا الحسین علیه السلام حملوا معهم الشفر فیها الخلاوی والأخبصة وأشباهها، لوزار واقبور أحبائهم ما حملوا معهم هذا».

﴿ باب چهل و هفتم ﴾

﴿ در بیان آنچه مکروه است اتخاذ و همراه بردنش ﴾

﴿ برای زیارت حضرت حسین بن علی ؑ ﴾

ترجمه:

﴿ حدیث اول ﴾

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمه الله علیهم، از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از برخی اصحاب ما نقل کرد که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله ؑ فرمودند:

به من گزارش شده گروهی به قصد زیارت قبر حضرت حسین بن علی ؑ حرکت کرده و با خود سفره‌هایی را برداشته‌اند که در آنها شیرینی جات و حلواها و امثال اینها را گذاشته‌اند، ایشان اگر به زیارت قبور محبوب‌هایشان روند امثال اینگونه از اشیاء را با خود حمل نمی‌کنند.

متن:

۲- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ؛ وَغَيْرُهُ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرٍو، عَنْ صَالِحِ بْنِ الْبُسَيْنِيِّ الْجَمَّالِ، عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الرِّقَّةِ قَالَ لَهُ: أَبُو الْمُضَا «قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ؑ: تَأْتُونَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ؑ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: أَفَتَسْخَذُونَ لَذْلِكَ سُفْرًا؟ قُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: أَمَا لَوْ أَتَيْتُمْ قُبُورَ آبَائِكُمْ وَأُمَّهَاتِكُمْ لَمْ تَفْعَلُوا ذَلِكَ، قَالَ: قُلْتُ: أَيُّ شَيْءٍ نَأْكُلُ؟ قَالَ: الْخُبْزَ وَاللَّبَنَ، قَالَ: وَقَالَ كَرَامَ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ؑ: جَعَلْتَ فِدَاكَ إِنَّ قَوْمًا يَزُورُونَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ؑ فَيَطْبِئُونَ السَّفَرَ، قَالَ: فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ؑ:

أَمَّا إِيَّاهُمْ لَوْ زَارُوا قُبُورَ آبَائِهِمْ مَا فَعَلُوا ذَلِكَ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و محمد بن الحسن بن احمد و غیرش از سعد بن عبدالله، از موسی بن عمر، از صالح بن سندی جمال، از مردی که اهل رقه بود و به وی ابوالمضا می گفتند نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

آیا به زیارت قبر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می روید؟

عرض کردم: بلی.

فرمودند:



آیا با خود سفره‌ها را برداشته و می برید؟

عرض کردم: بلی.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

فرمودند:

قطعی است که اگر به زیارت قبور پدران و مادران خود بروید چنین کاری نمی کنید.

وی می گوید: عرض کردم:

پس چه چیز بخوریم؟

حضرت فرمودند:

نان و شیر.

وی می گوید: کرام (یعنی: عبدالکریم بن عمرو الخنعمی) به حضرت عرض کرد:

فدایت شوم گروهی به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام می روند و سفره‌هایشان را به انواع اطعمه مطبوع خوش بو و معطر می نمایند؟

حضرت فرمودند:

قطعی و حتمی است که ایشان اگر به زیارت قبور پدرانشان روند چنین نمی کنند.

متن:

۳- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: بَلَّغْنِي أَنْ قَوْمًا إِذَا زَارُوا الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ حَمَلُوا مَعَهُمُ السُّفْرَ فِيهَا الْحَلَاوِيُّ وَالْأَخْبِصَةُ وَأَشْبَاهُهَا، لَوْ زَارُوا قُبُورَ أَحِبَّائِهِمْ مَا حَمَلُوا ذَلِكَ».

ترجمه:

﴿ حدیث سوّم ﴾

حکیم بن داود از سلمه بن الخطاب، از احمد بن محمد، از علی بن الحکم، از برخی اصحاب ما نقل کرده که وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: به من گزارش شده گروهی هرگاه به زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام می روند با خود سفره هائی که در آن شیرینی جات و حلواها و امثال اینها را گذاشته بر می دارند، ایشان اگر به زیارت قبور دوستان و محبوب هایشان روند اینگونه از اشیاء را با خود حمل نمی کنند.

متن:

۴- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ الْمَفْضَلِ بْنِ عَمْرٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: تَزُورُونَ خَيْرَ مَنْ أَنْ لَا تَزُورُونَ، أَحَدُكُمْ لِيَذْهَبَ إِلَى قَبْرِ أَبِيهِ كَثِيبًا حَزِينًا وَتَأْتُونَهُ أَنْتُمْ بِالسُّفْرِ، كَلَّا حَتَّى تَأْتُونَهُ شَعْنًا غُبْرًا».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن احمد بن الحسین می گوید:

حسن بن علی بن مهزیار از پدرش، از حسین بن سعید، از زرعة بن محمد
حضر می، از مفصل بن عمر نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

زیارت بروید بهتر است از اینکه به زیارت نروید و زیارت نروید بهتر است از
اینکه به زیارت بروید.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم:

کمر من را شکستید با این کلام.

حضرت فرمودند:

به خدا قسم یکی از شما وقتی به زیارت قبر پدرش می رود غمگین و اندوهناک
می رود ولی به زیارت قبر مطهر آن حضرت می رود در حالی که با خود سفره ها
می ببرد، نه، این طور نباید به زیارت آن جناب بروید بلکه زیارتش کنید با حالی
افسرده و حزین و گرفته.

﴿ الباب الثامن والأربعون ﴾

﴿ كيف يجب أن يكون زائر الحسين بن علي صلوات الله عليهما ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ
مُحَمَّدَ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ الْبَصْرِيِّ،
عَنْ عَبْدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مَدْلَجٌ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مُسْلِمٍ،
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِذَا خَرَجْنَا إِلَى أَبِيكَ أَفَكُنَّا فِي حَجٍّ؟ قَالَ:

بلی، قلت فیلزمنا ما یلزم الحاج؟ قال: من ماذا؟ قلت: من الأشياء التي یلزم الحاج، قال یلزمك حسن الصحابة لمن یصحبك، و یلزمك قلة الكلام إلا بخیر، و یلزمك كثرة ذكر الله، و یلزمك نظافة الثياب، و یلزمك الغسل قبل أن تأتي الحائر، یلزمك الخشوع و كثرة الصلاة، و الصلاة على محمد و آل محمد، و یلزمك التوقیر لأخذ ما لیس لك، و یلزمك أن تغض بصرک، و یلزمك أن تعود أهل الحاجة من إخوانك إذا رأیت منقطعاً و المؤاساة، و یلزمك التثقیة التي قوام دینک بها، و الورع عما نهیت عنه و المحصومة و كثرة الأیمان و الجدال الذي فیہ الأیمان فإذا فعلت ذلك تم حبك و عمرتك، و استوجبت من الذي طلبت ما عنده بنفقتك، و اغترابك عن أهلك، و رغبتك فيما رغبت: أن تنصرف بالمغفرة و الرحمة و الرضوان».

﴿ باب جهل و هشم ﴾

﴿ در بیان اینکه واجب است زائر حضرت حسین بن علی (ع) ﴾

﴿ چه گونه باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، وی می گوید:

مدلج از محمد بن مسلم برای ما نقل کرد که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) عرض کردم: هرگاه به زیارت پدر بزرگوارتان (حضرت امام حسین (علیه السلام)) می‌رویم آیا بهمان هیئت و کیفیتی که به حج می‌رویم باشیم؟

حضرت فرمودند: بلی.

عرض کردم: پس آنچه بر حاجی لازم است بر ما نیز لازم است؟

حضرت فرمودند: چه چیزهایی را گفتی؟

عرض کردم: اشیائی را که بر حاجی لازم می‌باشد.

حضرت فرمودند:

بر تو لازم است که با همراهانت خوش‌رفتار باشی، سخن اندک بگویی و حتی الامکان تکلم نکنی مگر به خیر.

بر تو لازم است زیاد پیاد خدا باشی.

و بر تو لازم است جامه و لباس‌هایت را نظیف و پاکیزه نگاه داری.

و بر تو لازم است پیش از اینکه به حائز بررسی غسل نمائی.

لازم است بر تو که خاشع بوده و زیاد نماز خوانده و بسیار بر محمد و آل محمد صلوات بفرستی و به آنچه از تو نیست و مال دیگری است احترام گذارده و برنداری.

لازم است به آنچه حلال نیست نگاه نکرده و چشم خود را از آن فرو ببندی.

لازم است وقتی برادر ایمانی خود را نیازمند دیده و ملاحظه کردی که بواسطه نداشتن نفقه از ادامه عمل عاجز است به دیدنش رفته او را کمک کرده و به مواسات با او رفتار نمائی.

بر تو لازم است تقیه که دین تو به آن قائم است را رعایت کنی.

واجب است از آنچه منهی هستی و از خصومت و دشمنی و زیاد قسم خوردن و از جدال کردنی که در اثناء آن به خوردن قسم مبادرت می‌ورزی اجتناب و دوری کنی.

و وقتی به این دستورها عمل کردی البته حج و عمره تو تمام و کامل بوده و به واسطه صرف نفقه و دور شدن از اهل و عیالت و روی یافتن از آنچه به آن مایل هستی از کسی که آنچه نزدش بوده و تو آن را طلب کردی استحقاق پیدا می‌کنی که از سfort مراجعه کرده در حالی که مغفرت و رحمت و رضوانش شامل تو شده باشد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: تَزُورُونَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ لَا تَزُورُونَ، وَلَا تَزُورُونَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَزُورُونَ، قَالَ: قُلْتُ: قَطَعْتَ ظَهْرِي، قَالَ: تَالَهُ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَذْهَبُ إِلَى قَبْرِ أَبِيهِ كَثِيباً حَزِيناً وَ تَأْتُونَهُ أَنْتُمْ بِالسُّقَرِ كُلِّهِ حَتَّى تَأْتُونَهُ شُعْتاً غِيراً».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

مترجم گوید:

این حدیث عیناً با ترجمه‌اش در باب چهل و هفتم «حدیث چهارم» قبلاً گذشت.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي أَبِي وَأَخِي وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَغَيْرُهُمْ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَلِيٍّ

ابن الحکم - عن بعض اصحابنا - عن أبي عبدالله (ع) «قال: إذا أردت زيارة الحسين (ع) فزره و أنت کثیب حزين مکروب شعثاً مغبراً جائعاً عطشاناً، فإن الحسين قتل حزیناً مکروباً شعثاً مغبراً جائعاً عطشاناً، وسله الحوائج وانصرف عنه، ولا تتخذہ وطناً».

﴿ حدیث سقم ﴾

ترجمه:

پدر و برادر و علی بن الحسین و دیگران رحمة الله علیهم از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از احمد بن محمد بن عیسی الاشعری، از علی بن الحکم، از بعض اصحاب ما، از ابی عبدالله (ع) نقل کرده وی گفت: حضرت امام صادق (ع) فرمودند:

هنگامی که اراده زیارت حضرت حسین (ع) را نمودی پس آن حضرت را با حالی غمگین و اندوهناک و ناراحت و زولیده و گرفته و گرسنه و تشنه زیارت نما زیرا حضرتش کشته شدند در حالی که غمگین و ناراحت و زولیده و گرفته و گرسنه و تشنه بودند و از آن جناب حوائج و خواسته های خود را بخواه و سپس از آنجا برگرد و آن مکان شریف را وطن برای خود قرار مده.

متن:

۴- و بهذا الإسناد، عن سعد بن عبدالله، عن موسى بن عمر، عن صالح بن السندی الجمال - عن ذکره - عن کرام بن عمرو «قال: قال ابو عبدالله (ع): الکرام! إذا أردت أنت قبر الحسين (ع) فزره و أنت کثیب حزين، شعث مغبر فإن الحسين قتل و هو کثیب حزن شعث، غبر جائع عطشان».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

و با اسناد حدیث قبل از سعد بن عبدالله، از موسی بن عمر، از صالح بن سندی جمال از کسی که ذکرش نموده از کرام بن عمرو، وی گفت:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای کرام! هرگاه اراده نمودی قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کنی پس آن حضرت را با حالی غمگین و حزین و هینتی ژولیده و گرفته زیارت نما، زیرا حضرتش کشته شد در حالیکه محزون و غمگین و ژولیده و گرفته و گرسنه و تشنه بودند.

﴿ الباب التاسع والأربعون ﴾

﴿ ثواب من زار الحسين علیه السلام را کباً و ماشياً و مناجاة الله لزاره ﴾

ترجمه:

۱- حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، و محمد بن یحیی و عبدالله بن جعفر الحمیری و احمد بن إدريس جميعاً، عن الحسين بن عبيدالله، عن الحسن بن علی بن عثمان، عن عبد الجبار التهاوندي، عن أبي سعيد عن الحسين بن ثوير بن أبي فاخته «قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: يا حسين من خرج من منزله يريد زيارة قبر الحسين ابن علی علیه السلام إن كان ماشياً كتب الله له بكل خطوة حسنة و محي عنه سيئته حتى إذا صار في الحائر كتبه الله من المفلحين المنجحين حتى إذا قضی مناسكه كتبه الله من الفائزين، حتى إذا أراد الانتصراف أتاه ملك فقال: إن رسول الله صلی الله علیه و آله يقول لك: استأنف العمل فقد غفر لك ما مضى».

﴿ باب چهل و نهم ﴾

﴿ ثواب کسی که سواره یا پیاده به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ برود و خواندن و مناجات ﴾

﴿ حق تعالی زائر قبر مطهر را ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبدالله و محمد ابن یحیی و عبدالله بن جعفر حمیری و احمد بن ادریس جملگی از حسین بن عبدالله، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از عبدالجبار نهاوندی از ابو سعید، از حسین بن نویر بن ابی فاخته، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: *نزدت که بزرگوار است*

ای حسین! کسی که از منزلش بیرون آید و قصدش زیارت قبر حضرت حسین ابن علی علیه السلام باشد اگر پیاده رود خداوند منان به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید تا زمانی که به حائر برسد و پس از رسیدن به آن مکان شریف حق تبارک و تعالی او را از رستگاران قرار می دهد تا وقتی که مراسم و اعمال زیارت را به پایان برساند که در این هنگام او را از فائزین محسوب می فرماید تا زمانی که اراده مراجعت نماید در این وقت فرشته ای نزد او آمده و می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام رسانده و به تو می فرماید:

از ابتداء عمل را شروع کن، تمام گناهان گذشته ات آمرزیده شد.

متن:

۲- حدَّثنی أبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، و محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن إسماعیل عن صالح بن عقیبة، عن بشیر الدَّهَّان، عن أبی عبدالله علیه السلام «قال: إنَّ الرَّجُلَ لیُخرج إلى قبر الحسین علیه السلام، فله إذا خرج من أهله بأوَّل خُطوة مغفرة لذنوبه ثمَّ لم یزل یقدِّس بِکُلِّ خُطوة حتَّى یأتیه، فإذا أتاه نجاه الله تعالی فقال: عبدي سلني اعطك؛ أدعنی اُجیک، أطلب مِنی اعطک، سلني حاجةً أقضیها لك! قال: و قال ابو عبدالله علیه السلام : و حقَّ علی الله أن یعطی ما بذل».

«حدیث دوم»

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله و محمد بن یحیی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقیبة، از بشیر دهان، وی می گوید:
حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند:

شخصی که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام می رود، زمانی که از اهلش جدا شد با اولین گامی که برمی دارد تمام گناهانش آمرزیده می شود سپس با هر قدمی که بر می دارد پیوسته تقدیس و تنزیه شده تا به قبر برسد و هنگامی که به آنجا رسید حق تعالی او را خوانده و با وی مناجات نموده و می فرماید:
بنده من! از من بخواه تا به تو اعطاء نمایم، من را بخوان اجابت نمایم، از من طلب کن به تو بدهم، حاجتت را از من بخواه تا برایت روا سازم.
راوی می گوید، امام علیه السلام فرمودند:

و بر خداوند متعال حق و ثابت است آنچه را که بذل نموده اعطاء فرماید.

متن:

۳- وبهسذا الإسناد عن صالح، عن الحارث بن المغيرة، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إنَّ الله ملائكة موكلين بقبر الحسين عليه السلام، فإذا همَّ الرَّجل بزيارته أعطاهم الله ذنوبه، فإذا خطأ محوها، ثمَّ إذا خطأ ضاعفوا له حسناته، تزال حسناته تضاعف حتَّى توجب له الجنة، ثمَّ اكتفوه و قدَّسوه و ينادون ملائكة السماء أن قدَّسوا زوار حبيب حبيب الله، فإذا اغتسلوا ناداهم محمد عليه السلام يا وفد الله أبشروا بمرافقتي في الجنة! ثمَّ ناداهم أمير المؤمنين عليه السلام: أنا ضامن لقضاء حوائجكم و دفع البلاء عنكم في الدنيا والآخرة ثمَّ التقاهم النبي عليه السلام عن إيمانهم و عن شمالكهم حتَّى ينصرفوا إلى أهاليهم».



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی
حدیث سوم

ترجمه:

و با اسناد حدیث قبل از صالح، از حارث بن مغیره، وی می‌گوید:
حضرت ابی عبد الله علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال فرشتگانی دارد که موکل قبر حضرت امام حسین علیه السلام می‌باشند هنگامی که شخص قصد زیارت آن حضرت را می‌نماید حق تعالی گناهان او را در اختیار این فرشتگان قرار می‌دهد و زمانی که وی قدم برداشت فرشتگان تمام گناهانش را محو می‌کنند سپس قدم دوم را که برداشت حسانتش را مضاعف و دو چندان می‌کنند و پیوسته با قدم‌هایی که برمی‌دارد حسانتش مضاعف می‌گردد تا به حدی می‌رسد که بهشت برایش واجب و ثابت می‌گردد، سپس اطرافش را گرفته و تقدیش می‌کنند و فرشتگان آسمان نداء داده و می‌گویند: زوار دوست دوست خدا را تقدیس نمایند.

و وقتی زوار غسل کردند حضرت محمد ﷺ ایشان را مورد نداء قرار داد و می فرماید:

ای مسافران خدا! بشارت باد بر شما که در بهشت با من هستید.

سپس امیرالمؤمنین ﷺ به ایشان نداء نموده و می فرماید: من ضامنم که حوائج شما را بر آورده نموده و بلاه را در دنیا و آخرت از شما دفع کنم، سپس پیامبر اکرم ﷺ با ایشان از طرف راست و چپ ملاقات فرموده تا بالآخره به اهل خود بازگردند.

متن:

۴- و حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ؛ وَجَمَاعَةٌ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنِ جَابِرِ الْمَكْفُوفِ، عَنِ أَبِي الصَّامِتِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ يَقُولُ: مَنْ أَقَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ ﷺ مَا شَاءَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَحَمَّاهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ، فَإِذَا أَتَيْتِ الْفِرَاتَ فَأَغْتَسَلَ وَعَلَّقَ نَعْلَيْكَ وَأَمْشَ خَافِيًا وَأَمْشَ مَشَى الْعَبْدِ الدَّلِيلِ فَإِذَا أَتَيْتَ بَابَ الْخَائِرِ فَكَبَّرْ أَرْبَعًا، ثُمَّ أَمْشَ قَلِيلًا، ثُمَّ كَبَّرْ أَرْبَعًا، ثُمَّ أَتَيْتَ رَأْسَهُ فَقَفْ عَلَيْهِ فَكَبَّرْ أَرْبَعًا وَصَلِّ عِنْدَهُ وَاسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَكَ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه و جماعتی رحمة الله عليهم، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از عباس بن عامر، از جابر مکوف، از ابی الصامت، وی می گوید:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
کسی که پیاده به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند متعال به هر قدمی که برمی دارد هزار حسنه برایش ثبت و هزار گناه از وی محو می فرماید و هزار درجه مرتبه اش را بالا می برد سپس فرمودند:
وقتی به فرات شدی ابتداء غسل کن و کفش هایت را آویزان نما و پای برهنه راه برو و مانند بنده ذلیل راه برو و وقتی به درب حائر رسیدی چهار مرتبه تکبیر بگو سپس اندکی حرکت کن باز چهار بار تکبیر گفته بعد به طرف بالای سر حضرت برو و در آنجا بایست و سپس چهار مرتبه تکبیر بگو و نزد قبر نماز بخوان و از خداوند متعال حاجت خود را بخواه.



متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة، عن عبدالله بن هلال، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: قلت له: جعلت فداك ما أدنى ما لزار قبر الحسين عليه السلام؟ فقال لي: يا عبدالله إن أدنى ما يكون له أن الله يحفظه في نفسه وأهله حتى يردّه إلى أهله فإذا كان يوم القيامة كان الله الحافظ له».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزّیع، از صالح بن عقبه، از عبدالله بن هلال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

محضر امام علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم کمترین ثواب و اجری که برای زائر قبر حضرت امام حسین علیه السلام می باشد چیست؟

حضرت فرمودند:

ای عبدالله! کمترین پاداشی که برای او است اینکه: خداوند متعال خود و اهلس را حفظ کرده تا به خویشتنش باز گردد و وقتی روز قیامت شد خداوند متعال حافظ او خواهد بود.

متن:

۶- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ مِيمُونِ الصَّانِعِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «يَا عَلِيُّ زُرْ الْحُسَيْنَ وَلَا تُدْعِهِ، قَالَ: قُلْتُ: مَا لِمَنْ أَتَاهُ مِنَ الثَّوَابِ؟ قَالَ: مَنْ أَتَاهُ مَا شَاءَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً، وَعَمِيَ عَنْهُ سَيِّئَةٌ، وَرَفَعَ لَهُ دَرَجَةً، فَإِذَا أَتَاهُ وَكُلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكَيْنِ يَكْتُبَانِ مَا خَرَجَ مِنْ فِيهِ مِنْ خَيْرٍ وَلَا يَكْتُبَانِ مَا يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ مِنْ شَرٍّ وَلَا غَيْرَ ذَلِكَ، فَإِذَا أَنْصَرَفَ وَدَّعَاهُ، وَقَالَا: يَا وَلِيَّ اللَّهِ مَغْفُورًا لَكَ أَنْتَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَحِزْبُ رَسُولِهِ وَحِزْبُ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِهِ، وَاللَّهُ لَا تَرَى النَّارَ بَعَيْنِكَ أَبَدًا وَلَا تَرَكَ وَلَا تَطْمَعُكَ أَبَدًا».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمه الله عليه از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه برایش حدیث گفته، از علی بن میمون صانع، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

ای علی! قبر حسین علیه السلام را زیارت کن و ترک مکن.

عرض کردم: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

کسیکه پیاده زیارت کند خداوند بهر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید و یک درجه مرتبه اش را بالا می برد و وقتی به زیارت رفت حق تعالی دو فرشته را موکل او می فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می شود را نوشته و آنچه شر و بد می باشد را ننویسند و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می گویند:

ای ولی خدا گناهانت آمرزیده شد و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بیت رسولش می باشی و خداوند هرگز چشمانت را به آتش جهنم بینا نمی کند و آتش نیز تو را ابداً نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد نمود.



متن:

۷- حدیثیابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، و عبدالله بن جعفر الحمیری، عن احمد بن محمد بن محمد بن خالد البرقی، عن ابيه عن عبدالعظیم بن عبدالله بن الحسن، عن الحسين بن الحكم النخعی، عن أبي حماد الأعرابی عن سدير الصیرفی «قال: كنّا عند أبي جعفر علیه السلام فذكر فتى قبر الحسين علیه السلام فقال له: أبو جعفر ما أتاه عبد فخطا خطوة إلا كتب الله له حسنة، و حطّ عنه سيئة».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد بن محمد بن خالد برقی، از پدرش از عبدالعظیم بن عبدالله بن الحسن، از حسن بن حکم النخعی، از ابی حماد اعرابی، از سدير صیرفی، وی می گوید:
محضر ابی جعفر علیه السلام بودیم پس جوانی قبر حضرت امام حسین علیه السلام را متذکر شد.

حضرت ابو جعفر علیه السلام بوی فرمود:

بنده‌ای به زیارت حضرت نرفته و قدمی برنداشته مگر آنکه حقتعالی برای او یک حسنه نوشته و یک گناه از او پاک می‌کند.

متن:

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَادٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عليه السلام مِنْ شِيعَتِنَا لَمْ يَرْجِعْ حَتَّى يَغْفِرَ لَهُ كُلَّ ذَنْبٍ، وَ يَكْتُبَ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ خَطَاَهَا وَ كُلِّ يَدٍ رَفَعَهَا دَابَّةً أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَ يَحَاطَ عَنْهُ أَلْفُ سَيِّئَةٍ، وَ تَرْفَعُ لَهُ أَلْفُ دَرَجَةٍ».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالرحمن بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن مسکان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

کسی که از شیعیان ما بوده و حسین علیه السلام را زیارت کند از زیارت برگشته مگر آنکه تمام گناهانش آمرزیده می‌شود و برای هر قدمی که برمی‌دارد و هر دستی که بالا می‌رود و اسبش را حرکت داده و می‌راند هزار حسنه ثبت شده و هزار گناه محو گشته و هزار درجه مرتبه‌اش بالا می‌رود.

متن:

۹- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ الرَّزَّازُ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ بَشِيرٍ السَّرَّاجِ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَاضِي «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي غُرْفَةٍ لَهُ وَعِنْدَهُ مُرَازِمٌ فَسَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ وَبِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا وَيَضَعُهَا عَتَقَ رَقَبَةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَمَنْ أَتَاهُ بِسَفِينَةٍ فَكَفَفْتُ بِهِمْ سَفِينَتَهُمْ نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: طِبْتُمْ وَطَابَتْ لَكُمْ الْجَنَّةُ!».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزازی از دانی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از احمد بن بشیر سراج، از ابو سعید قاضی، وی گفت: حضرت ابی عبدالله علیه السلام در غرفه کوچکی که داشتند نزول اجلال داشتند و مرازم نیز در خدمت آن جناب بود من برایشان داخل شدم، شنیدم حضرت می فرمودند:

کسی که پیاده به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند متعال به هر گامی که برداشته و به هر قدمی که از زمین بلند نموده و بر آن نهاده ثواب آزاد کردن بنده ای از اولاد حضرت اسماعیل را می دهد.

و کسی که با کشتی به زیارت آن حضرت رود و در اثناء کشتی چپ شده و سر نشینانش را در آب بریزد منادی از آسمان ندا می کند:

خوشا به حال شما و گوارا باد بر شما بهشت.

متن:

۱۰ - حدثني أبي - رحمه الله - و علي بن الحسين، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن احمد بن حمدان القلاسي، عن محمد بن الحسين المحاربي، عن احمد بن ميثم عن محمد بن عاصم، عن عبدالله بن النجار «قال: قال لي ابو عبدالله عليه السلام: تزورون الحسين عليه السلام و تركبون السفن» فقلت: نعم، قال: أما علمت أنها إذا انكفأت بكم نوديتم: ألا طبتم و طابت لكم الجنة!».

ترجمه:

حدیث دهم ﴿

پدرم رحمه الله عليه و علي بن الحسين، از سعد بن عبدالله، از محمد بن احمد بن حمدان قلانسی، از محمد بن الحسين المحاربی، از احمد بن ميثم، از محمد بن عاصم، از عبدالله بن نجار نقل کرده، می گفت:

حضرت ابو عبدالله عليه السلام به من فرمودند:

آیا به زیارت حضرت امام حسین عليه السلام می روید؟ و آیا بر کشتی سوار می شوید و به زیارت آن حضرت می روید؟

عرض کردم: بلی.

حضرت فرمودند:

آیا می دانی هرگاه کشتی شما را در دریا واژگون کند منادی ندا می کند:

آگاه باشید! خوشا بحال شما، بهشت بر شما گوارا باد.

﴿الباب الخمسون﴾

﴿کرامۃ الله تبارک و تعالیٰ لزوّار الحسین بن علی (علیه السلام)﴾

ترجمه:

۱ - حدّثني محمد بن الحسين بن احمد بن احمد بن الوليد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن اسماعيل بن يزيغ، عن اسماعيل بن زيد، عن عبدالله الطحّان، عن أبي عبدالله (عليه السلام) «قال: سمعته و هو يقول: ما من أحد يوم القيامة إلّا و هو يتمنى أنّه من زوّار الحسين، لما يرى ممّا يصنع بزوّار الحسين (عليه السلام) من كرامتهم على الله تعالى».



﴿باب پنجاهم﴾

﴿کرامت خداوند تبارک و تعالیٰ در حق زوّار حضرت﴾

﴿حسین بن علی صلوات الله علیهما﴾

﴿حدیث اوّل﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل بن یزیغ، از اسماعیل بن زید، از عبدالله طحّان، از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) وی گفت:

شنیدم از امام (علیه السلام) که می فرمودند:

احدی نیست در روز قیامت مگر آنکه آرزو می کند از زوّار امام حسین (علیه السلام) باشد زیرا مشاهده می کند با ایشان چه معامله ای شده و چه کرامتی حق تبارک و تعالیٰ درباره آنها منظور می فرماید.

متن:

۲- وروی صالح الصیرفی عن عمران المیشمی أو صالح بن میثم، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: من سرّه أن یكون علی موائد النور یوم القيامة فلیکن من زوّار الحسین بن علی علیه السلام».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

صالح صیرفی از عمران میثمی و او از صالح بن میثم و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمودند: کسی که دوست دارد بر سفره های نور بنشیند در روز قیامت، پس باید از زوّار حضرت حسین بن علی علیه السلام باشد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۳- حدّثنی الحسین بن محمد بن عامر، عن معلى بن محمد البصری قال: حدّثنی أبو الفضل، عن ابن صدقة، عن المفضل بن عمر «قال: قال أبو عبدالله علیه السلام: کأنی بالملائكة والله قد ازدحموا المؤمنین علی قبر الحسین علیه السلام قال: قلت: فیتراؤن له؟ قال: هیئات هیئات، قد لزموا والله المؤمنین حتّی أنهم یسحون وجوههم بأیدیهم، قال: و ینزل الله علی زوّار الحسین علیه السلام غُدوة وعشیة من طعام الجنة؛ و خدامهم الملائكة لا یسأل الله عبد حاجة من حوائج الدنیا والآخرة إلا أعطاها إیاه، قال: قلت: هذه والله الکرامة، قال لی: یا مفضل أزیدک؟ قلت: نعم سیّدی! قال: کأنی بسریر من نور قد وضع و قد ضربت علیه قبة من یاقوتة حمراء مکلّلة بالجواهر، و کأنی بالحسین علیه السلام جالس علی ذلك التریر

وحوله تسعون ألف قبة خضراء، وكأني بالمؤمنين يزورونه ويسلمون عليه، فيقول الله عز وجل لهم، اوليائي سلوني فطال ما اوديتم وذلتم واضطهدتم، فهذا يوم لا تسألوني حاجة من حوائج الدنيا والآخرة الا قضيتها لكم، فيكون اكلهم وشربهم في الجنة، فهذه والله الكرامة التي لا انتقضاء لها، ولا يدرك منتهاها».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از معلی بن محمد بصری، وی می گوید:
ابوالفضل، از ابن صدقه، از مفضل بن عمر نقل کرده که وی گفت:
حضرت ابو عبدالله (علیه السلام) فرمودند:

گویا می بینم که فرشتگان با مؤمنین بر سر قبر حضرت حسین بن علی (علیه السلام) ازدحام کرده اند.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

راوی می گوید: عرضه داشتم:

آیا مؤمنین فرشته را می بینند؟

حضرت فرمودند:

هرگز، هرگز، آنها به خدا قسم ملازم و همراه مؤمنین بودند حتی با دست هایشان به صورت های آنها مسح می کشند.

سپس امام (علیه السلام) فرمودند:

خداوند مئان هر صبح و شام از طعام بهشت بر زوّار امام حسین (علیه السلام) نازل می فرماید و خدمتکاران ایشان فرشتگانند.

هیچ بنده ای از بندگان خداوند حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خداوند متعال درخواست نمی کنند مگر آنکه خدا به او عطاء می فرماید.

راوی می گوید: عرض کردم: به خدا قسم این کرامت می باشد.

امام علیه السلام به من فرمودند:

ای مفضل: برایت بیشتر بگویم؟

عرضه کردم: بلی سرور من.

حضرت فرمودند:

گویا می بینم تختی از نور را که گذارده اند و بر روی آن قبه ای از یاقوت سرخ زده شده که با جواهرات آن را زینت نموده اند و حضرت امام حسین علیه السلام بر روی آن تخت نشسته اند و اطراف آن حضرت نود هزار قبه سبز زده اند و مؤمنین آن حضرت را زیارت کرده و بر آن جناب سلام می دهند، پس خداوند متعال به ایشان می فرماید:

ای دوستانم از من سؤال کنید و بخواهید، پس زیاد اذیت شدید و خوار و مقهور گردیدید امروز، روزی است که حاجتی از حاجات دنیا و آخرتتان را از من درخواست نکرده مگر آنرا روا می نمایم، پس خوردن و آشامیدنشان در بهشت می باشد، پس به خدا قسم کرامت و احسانی که زوال نداشته و انتهاء آن را نمی توان درک کرد همین است.

﴿ الباب الحادی و الخمسون ﴾

﴿ اِنَّ اَیَّامَ زَاثِرِی الْحُسَیْنِ علیه السلام لَا تُعَدُّ مِنْ اَعْمَارِهِمْ ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِي قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ زَكَرِيَّا الْعَدَوِيُّ الْبَصْرِيُّ، عَنْ هَيْثَمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الرَّمَّانِيِّ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا، عَنْ أَبِيهِ علیه السلام « قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ علیه السلام إِنَّ اَیَّامَ زَاثِرِی الْحُسَیْنِ علیه السلام لَا تُحَسَّبُ مِنْ اَعْمَارِهِمْ وَلَا تُعَدُّ مِنْ اَجَالِهِمْ ».

﴿ باب پنجاه و یکم ﴾

﴿ ایام زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام جزء ﴾

﴿ عمر زائر شمرده نمی شود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری می گوید:

ابو سعید حسن بن علی بن زکریا عدوی بصری، از هیشم بن عبدالله رمانی از حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام نقل نموده و آن جناب از پدر بزرگوارشان حکایت کرده اند که ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام فرمودند:

ایام زیارت حضرت امام حسین علیه السلام جزء عمر زائر شمرده نشده و از اجلشان محسوب نمی گردد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

﴿ الباب الثانی و الخمسون ﴾

﴿ إن زائر الحسین علیه السلام یكونون فی جوار رسول الله صلی الله علیه و آله ﴾﴿ و علی و فاطمه علیهما السلام ﴾

متن:

۱ - حدَّثنی علی بن الحسین، و علی بن محمد بن قولویه، عن محمد بن یحیی العطار، و علی بن ابراهیم بن هاشم، عن محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین الیقظینی - عن حدِّثه - عن أبی خالد ذی الشَّامة قال: حدَّثنی أبو اسامة «قال: سمعت أبا عبدالله علیه السلام یقول: من أراد أن یكون فی جوار نبیّه صلی الله علیه و آله و جوار علی و فاطمة علیهما السلام فلا یدع زیارة الحسین بن علی علیه السلام».

﴿ باب پنجاه و دوم ﴾

﴿ زائرین امام حسین علیه السلام همسایه رسول خدا صلی الله علیه و آله ﴾﴿ و حضرت علی و فاطمه علیهما السلام می باشند ﴾

ترجمه:

﴿ حدیث اول ﴾

علی بن الحسین و علی بن محمد بن قولویه، از محمد بن یحیی عطار و علی بن ابراهیم بن هاشم، از محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین یقطینی، از کسی که برایش نقل نموده از ابو خالد ذی الشامة، وی می گوید:

ابو اسامه برایم حدیث گفت، وی اظهار داشت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

کسی که می خواهد در همسایگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی و فاطمه علیهما السلام باشد زیارت حسین بن علی علیهما السلام را ترک نکند.

متن:

۲- و بإسناده عن أبي بصير «قال: سمعت أبا عبد الله و أبا جعفر علیهما السلام يقول: من أحب أن يكون مسكنه الجنة و مأواه الجنة فلا يدع زيارة المظلوم، قلت: من هو؟ قال: الحسين بن علي صاحب كربلا، من أتاه شوقاً إليه و حباً لرسول الله و حباً لفاطمة و حباً لأئمة المؤمنين صلوات الله عليهم أجمعين، أقعده الله على موائد الجنة يأكل معهم و الناس في الحساب».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

علی بن الحسین باسنادش، از ابی بصیر، وی می گوید:

از حضرت ابا عبد الله علیه السلام یا ابا جعفر علیهما السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که دوست دارد محل سکنا و منزلش بهشت باشد پس زیارت مظلوم (مظلوم کربلاء) را ترک نکند.

عرض کردم: مظلوم کیست؟

حضرت فرمودند:

مظلوم حسین بن علی (ع) که صاحب کربلاء است می باشد، کسی که بخاطر شوق به آن حضرت و محبت به رسول خدا (ص) و فاطمه سلام الله علیها و حب به امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین حضرتش را زیارت کند خداوند او را بر سر سفره های بهشتی نشانده که با آن سروران هم غذا باشد در حالی که مردم در حساب می باشند.



متن:

۳- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ بْنُ سَهِيلٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ اللَّوْثُؤِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ الْحَارِثِ بْنِ الْمَغِيرَةِ النَّصْرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) «قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ مَلَأَكَةَ مَوْكَلِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) فَإِذَا هُمُ الرَّجُلُ بَزِيرَاتِهِ وَاغْتَسَلَ نَادَاهُ مُحَمَّدٌ (ص): يَا وَفَدَ اللَّهُ أَبْشُرُوا بِمِرَافِقَتِي فِي الْجَنَّةِ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن همام بن سهیل، از جعفر بن محمد بن مالک نقل کرده که وی گفت: محمد بن عمران گفت: حسن بن حسین لؤلؤئی از محمد بن اسماعیل، از محمد ابن ایوب، از حارث بن مغیره نصیری برایم نقل کرد که حضرت ابی عبدالله (ع) فرمودند:

خداوند تبارك و تعالى فرشتگانی را موكل قبر مطهر حضرت امام حسين عليه السلام قرار داده، هرگاه شخصی قصد زیارت آن جناب را نموده و غسل می نماید حضرت محمد صلی الله علیه و آله وی را نداء کرده و می فرماید:

ای مسافرین خدا بشارت باد شما را به اینکه در بهشت همراه من هستید ... و حدیث سابق الذکر را نقل کرده.

﴿ الباب الثالث و الخمسون ﴾

﴿ إن زائر الحسين عليه السلام يدخلون الجنة قبل الناس ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَأَخِي؛ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - جَمِيعاً، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْبُوفُكِيِّ، عَنْ صَنْدَلٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكْرِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ لَزَوَّارَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَضْلاً عَلَى النَّاسِ، قُلْتُ: وَمَا فَضْلُهُمْ؟ قَالَ: يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ قَبْلَ النَّاسِ بِأَرْبَعِينَ عَاماً وَ سَائِرَ النَّاسِ فِي الْحِسَابِ وَ الْمَوْقِفِ».

﴿ باب پنجاه و سوم ﴾

﴿ زائرین امام حسین عليه السلام قبل از همه مردم وارد بهشت می شوند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدر و برادر و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمه الله عليهم جملگی از محمد بن یحیی عطّار، از عمرکی بن علی بوفکی، از صندل، از عبدالله بن بکر،

از عبدالله بن زراره، وی می گوید:

از حضرت ابو عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

در روز قیامت برای زوّار حسین بن علی علیه السلام بر سایر مردم فضیلت و برتری می باشد.

عرض کردم: فضیلتشان چیست؟

حضرت فرمودند:

پیش از دیگران و چهل سال قبل از آنها به بهشت داخل می شوند در حالی که مردم در حساب و موقف می باشند.

﴿ الباب الرابع والخمسون ﴾

﴿ ثواب من زار الحسين علیه السلام عارفاً بحقه ﴾

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْقُمِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو الزِّيَّاتِ عَنْ فَائِدِ الْحَنَاطِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي علیه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ».

﴿ باب پنجاه و چهارم ﴾

﴿ ثواب کسیکه زیارت امام حسین علیه السلام را نموده ﴾

﴿ در حالی که عارف به حق آن بزرگوار باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از عبدالله بن جعفر حمیری و محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش عبدالله، از علی بن اسماعیل قمی از محمد بن عمرو زیات، از فائد حنات از حضرت ابی الحسن ماضی (امام کاظم علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کسیکه امام حسین علیه السلام را زیارت نموده و به حقش عارف و آگاه باشد خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.



متن:

۲- حدَّثنی أبو العباس الکوفی قال: حدَّثنی محمد بن الحسین بن أبی الخطاب، عن الحسن بن علی بن فضال، عن محمد بن الحسین بن کثیر، عن هارون بن خارجه «قال: قلت لأبي عبدالله علیه السلام: أتهم یروون أنه من زار الحسین علیه السلام کانت له حجة و عمرة؟ قال لی: من زاره - والله - عارفاً بحقه غفر له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس کوفی می گوید:

محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از حسن بن علی بن فضال، از محمد بن

الحسن بن کثیر، از هارون بن ابی خارجه، وی می گوید:
محضر حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: مردم روایت نقل می کنند که اگر
کسی حسین علیه السلام را زیارت کند ثواب یک حج و یک عمره برای او منظور
می شود، شما در این باره چه می فرمائید؟
حضرت فرمودند:

به خدا قسم کسی که آن حضرت را زیارت کند و عارف به حقش باشد تمام
گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می شود.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ جَمَاعَةٌ مَشَائِخُنَا، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتید، از سعد بن عبدالله، از محمد
ابن الحسین باسناده مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

۳- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ
ابْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنِ الْخَيْبَرِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ الْقَسَمِيِّ «قَالَ: قَالَ
أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام أَدْنَى مَا يَثَابُ بِهِ زَائِرُ الْحُسَيْنِ علیه السلام بِشَطِّ
الْفَرَاتِ إِذَا عَرَفَ بِحَقِّهِ وَ حُرْمَتِهِ، وَلَا يَتَهُ أَنْ يَغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا
تَأَخَّرَ».

ترجمه:

﴿ حدیث سوّم ﴾

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از خیبری، از حسین بن محمد قمی، وی گفت:

حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

کمترین ثوابی که به زائر امام حسین علیه السلام در شطّ فرات می دهند بشرطی که عارف به حقّ و حرمت و ولایت آن جناب باشد این است که گناهان گذشته و آینده اش را حق تعالی می آمرزد.

متن:

۴ - و حدّثنی أبو العباس، عن محمد بن الحسین، عن صفوان بن یحیی، عن ابن مسکان، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: من أتى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه غفر [الله] له ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

ابوالعبّاس، از محمد بن الحسن، از صفوان بن یحیی، از ابن مسکان، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، وی می گوید: حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رود در حالی که به حقّ آن جناب عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد.

متن:

۵ - و عنه، عن محمد بن الحسین، عن أبي داود سليمان بن سفيان المِسْرق - عن بعض أصحابنا - عن مثنى الحنّاط، عن أبي الحسن موسی ابن جعفر علیه السلام «قال: سمعته يقول: من أتى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه غفر

[الله] له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر.

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

از ابوالعباس، از محمد بن الحسین، از ابی داود سلیمان بن سفیان مسترق، از برخی اصحاب ما، از مثنی حنّاط، از حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر (ع)، وی گفت:

از حضرت موسی بن جعفر (ع) شنیدم که می فرمودند:
کسیکه به زیارت قبر حسین (ع) رود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.



متن:

۶- و حدّثنی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن الحكم بن مسكين، عن فائد الحنّاط «قال: سمعت ابا عبد الله (ع) يقول: من زار الحسين (ع) عارفاً بحقه یا تم به غفر الله له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از فائد حنّاط نقل کرده که گفت: محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از هند حنّاط (در بعضی نسخ فائد حنّاط ضبط شده)، وی می گوید:

از حضرت ابا عبدالله (ع) شنیدم که می فرمودند:
کسی که حسین (ع) را زیارت کند در حالی که عارف بحقش بوده و به آن حضرت اقتداء کند خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد.

متن:

۷- حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام، عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ».

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

قاسم بن محمد بن علی از پدرش، از جدش، از عبدالله بن حماد انصاری، از عبدالله بن سنان از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:
امام علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام برود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد.

مرکز تحقیقات کربلا و مدینه

متن:

۸- وَ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي يَوْسُفُ الْأَنْبَارِيُّ، عَنْ فَائِدِ الْحَنْطَاطِ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام : إِنَّهُمْ يَأْتُونَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام بِالنَّوَائِحِ وَالطَّعَامِ؟! قَالَ: قَدْ سَمِعْتُ، قَالَ: فَقَالَ: يَا فَائِدُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن المغیره، از عباس بن عامر، وی می گوید: یوسف انباری از فائد حنطاط به من خبر داد که وی گفت:

محضر حضرت ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: مردم با توجه و گریه به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رفته و طعام و غذای خود را نیز می آورند شما درباره زیارت آن حضرت چه می فرمائید؟

راوی می گوید: شنیدم که حضرت فرمودند:

ای فائد: کسی که به زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام برود در حالی که به حق آن جناب عارف باشد گناهان گذشته و آینده اش را خداوند می بخشد.

متن:

۹- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ فَائِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام «قَالَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ [لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ].»

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از فائد، از حضرت ابی الحسن الاول علیه السلام، آن حضرت فرمودند: کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رود و به حق آن جناب عارف باشد حق تعالی گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد.

متن:

۱۰- و حَدَّثَنِي أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ جَمَاعَةٌ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ يَحْيَى بْنِ عَلِيٍّ الْقَمِّيِّ قَالَ: أَخْبَرَنِي رَجُلٌ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام «قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي

يقول: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه غفر له من ذنبه و ما تأخر».

ترجمه:

﴿ حدیث دهم ﴾

پدرم و محمد بن الحسن و علی بن الحسین و جماعتی از مسعد بن عبدالله و محمد بن یحیی از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از یحیی بن علی القمی، وی می گوید:

مردی از عبيدالله بن عبدالله و علی بن الحسین بن علی سلام الله عليهم به من خبر داد که آن جناب فرمودند: شنیدم از پدرم که می فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین عليه السلام رود و به حق آن جناب عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.



متن:

۱۱- و باسناده عن صالح بن عقبه، عن یحیی بن علی، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه غفر له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

ترجمه:

﴿ حدیث یازدهم ﴾

محمد بن یحیی به اسنادش از صالح بن عقبه، از یحیی بن علی از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین عليه السلام رود و به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

حدثني محمد بن جعفر القرشي، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب،

عن محمد بن إسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن أبي عبد الله علیه السلام بهذین الحدیثین سواء.

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه وی نظیر و مانند دو حدیث گذشته را عیناً از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.

متن:

۱۲ - حدیثی الحسین بن محمد بن عامر، عن معلى بن محمد البصری، عن أبي داود المسترق - عن بعض أصحابنا - عن مثنى الحنّاط، عن أبي الحسن الأول «قال: سمعته يقول: من أتى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه غفر له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از معلى بن محمد بصری، از ابی داود مسترق از برخی اصحاب ما، از مثنی حنّاط از حضرت ابی الحسن الاول علیه السلام وی گفت: شنیدم که امام علیه السلام می فرمودند: کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام رود و به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

۱۳ - حدیثی محمد بن یعقوب، عن احمد بن إدريس، عن محمد بن

عبدالجبار، عن صفوان، عن ابن مسكان، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من أتى قبر الحسين عليه السلام غارفاً بحقه غفر له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب، از احمد بن ادريس، از محمد بن عبد الجبار، از صفوان، از ابن مسكان، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، آن حضرت فرمودند: کسی که به زیارت امام حسین عليه السلام برود و به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

۱۴ - حدثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن هارون ابن مسلم، عن الحسن بن علي، عن احمد بن عائد عن أبي يعقوب الأبرزاري، عن فائد، عن عبد صالح عليه السلام «قال: دخلت عليه فقلت له: جعلت فداك إن الحسين عليه السلام قد زاره الناس؛ من يعرف هذا الأمر و من ينكره و ركبت إليه النساء و وقع حال الشهرة، و قد انقبضت منه لنا رأيت من الشهرة، قال: فمكت ملياً لا يجيبني، ثم أقبل علي فقال: يا عراقى إن شهروا أنفسهم فلا تشهر أنت نفسك، فوالله ما أتى الحسين عليه السلام آت غارفاً بحقه إلا غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از هارون بن مسلم، از حسن بن علی، از احمد بن عائد، از ابی یعقوب ابرزاری، از فائد، از حضرت عبد صالح عليه السلام، وی می گوید:

بر آن حضرت داخل شده و سلام کرده و محضرش عرض کردم:
 فدایت شوم: همه گروه از مردم حضرت حسین علیه السلام را زیارت می‌کنند، چه کسانی
 که به این امر عرفان و شناخت دارند (امر ولایت) و چه آنانکه منکر آن می‌باشند
 و نیز زنان سوار مراکب شده و به زیارت آن حضرت می‌روند و این زیارت‌ها در
 حالی واقع می‌شود که زیارت‌کنندگان مشهور و مشخص شده‌اند که از دوستان
 این خاندان هستند و من چون این شهرت را در خارج حس کرده و لمس نمودم
 از رفتن به زیارت خودداری نمودم، وظیفه در اینجا چیست؟
 راوی می‌گوید:

امام علیه السلام مکث طولانی نموده و جواب من را ندادند سپس روی مبارک به من
 نموده و فرمودند: ای عراقی اگر آنها خود را آشکار و مشهور نمودند تو خود را
 مشهور نساز به خدا قسم هیچ کسی به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نمی‌آید در
 حالی که عارف به حق آن جناب باشد مگر آنکه حق تعالی گناهان گذشته
 و آینده‌اش را می‌آمرزد.

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي
 دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ مِثْقَى الْحَنَاطِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ
 الْأَوَّلِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مِنْ
 ذَنْبِهِ مَا تَقَدَّمَ وَ مَا تَأَخَّرَ».

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از معلى بن محمد، از ابی داود و مسترق، از برخی
 اصحاب، از مثنی حنّاط، از ابی الحسن اول (حضرت موسی بن جعفر علیه السلام)، وی

می گوید:

از آن حضرت شنیدم که می فرمودند:

کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رود و به حق آن جناب عارف باشد حق تعالی گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

۱۶ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُويَه، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ صَالِحِ النَّيْلِيِّ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ كَمَنْ حَجَّ ثَلَاثَ حَجَجٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم».

ترجمه: **حدیث شانزدهم**

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، از عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن سنان، از محمد بن صدقه، از صالح النیلی، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود و به حق آن حضرت عرفان و آگاهی داشته باشد مانند کسی است که سه حج با رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم انجام داده باشد.

متن:

۱۷ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عُبَيْدِ الْجَعْفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي جَرِيرٍ الْقُمِّيُّ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام يَقُولُ لِأَبِي: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ

عَلَى عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانِ مِنْ مَحَدَّثِي اللَّهِ فَوْقَ عَرْشِهِ، ثُمَّ قَرَأَ: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ».

﴿ حدیث هفدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبدالله نقل کرده‌اند که وی گفت: احمد بن علی بن عبید جعفی گفت: محمد بن ابی جریر قمی گفت:

از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام شنیدم که به پدرم می‌فرمودند: کسی که حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد از هم صحبت‌های حق تعالی بالای عرش می‌باشد، سپس این آیه را قرائت فرمودند: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ، فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ.

(همانا اهل تقوی در باغ‌ها و کنار نهرها منزل گزینند، در منزل‌گاه صدق و حقیقت نزد خداوند عزت و سلطنت جاودانی متنعم می‌باشند).

﴿ الباب الخامس و الخمسون ﴾

﴿ من زار الحسين عليه السلام حَبًّا لِرَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ عليها السلام ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ. وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرِّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - عَنْ جَوِيرِيَةَ بْنِ الْعَلَاءِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ: أَيْنَ

زوّار الحسین بن علیّ، فیقوم عنق من الناس لا یحصیهم الا الله تعالی،
 فیقول لهم: ما [ذا] أردتم بزیارة قبر الحسین؟ فیقولون: یا ربّ أتیناه
 حبّاً لرسول الله وحبّاً لعلیّ و فاطمة؛ ورحمة له ممّا ارتکب منه، فیقال
 لهم: هذا محمّد وعلیّ و فاطمة و الحسن و الحسین فالحقوا بهم؛ فأنتم
 معهم فی درجاتهم: الحقوا بلواء رسول الله، فینطلقون إلی لواء رسول الله
 فیكونون فی ظلّه - واللّواء فی ید علیّ علیه السلام - حتّی یدخلون الجنّة فیكونون
 إمام اللّواء و عن یمینه و عن یناره و من خلفه».

﴿ باب بنجاه و پنجم ﴾

﴿ در بیان اجر کسی که بخاطر حبّ به رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه ﴾
 ﴿ سلام الله علیهم أجمعین به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود ﴾

﴿ حدیث اوّل ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطاب،
 و محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطاب، از برخی اصحاب،
 از تجویریة بن العلاء، از بعضی اصحابش، از حضرت ابو عبدالله علیه السلام، حضرت
 فرمودند:

هنگامی که روز قیامت شود منادی نداء می کند:

کجا هستند زوّار حسین بن علی علیه السلام؟

گردن های تعدادی از مردم کشیده می شود که عدد آنها را غیر از خداوند متعال
 کس دیگری نمی داند پس به ایشان گفته می شود قصص شما از زیارت قبر
 حضرت حسین بن علی علیه السلام چه بود؟

می‌گویند: پروردگارا آن حضرت را زیارت کردیم بجهت محبتی که به رسول خدا ﷺ و حضرت علی و فاطمه ﷺ داشته و به منظور طلب رحمت برای صاحب قبر به ازام آنچه از آن حضرت صادر گردید.

پس به آنها گفته می‌شود:

ایشان محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین سلام الله علیهم بوده، ملحق به آنها شوید شما با ایشان و در درجه و مرتبه آنها هستید، به لواء و پرچم رسول خدا ﷺ ملحق گردید پس بطرف لواء آن حضرت رهسپار شده و در سایه آن قرار می‌گیرند در حالی که لواء به دست امیرالمؤمنین علی ﷺ می‌باشد و بدین ترتیب به بهشت وارد می‌شوند ایشان جلو پرچم و سمت راست و جانب چپ و پشت آن بوده و چهار طرف لواء را گرفته‌اند.



مرکز تحقیق و پژوهش

متن:

۲- و باسناده، عن أبي بصير «قال: سمعت أبا عبد الله؛ أو أبا جعفر ﷺ يقول: من أحبّ أن يكون مسكنه الجنة و مأواه الجنة فلا يدع زيارة المظلوم قلت و من هو؟ قال: الحسين بن عليّ ﷺ صاحب كربلا، من أتاه شوقاً إليه و حباً لرسول الله و حباً لأمير المؤمنين و حباً لفاطمة أقدده الله علي موائد الجنة، يأكل معهم و الناس في الحساب».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم به اسنادش از ابی بصیر، وی می‌گوید:

از امام صادق ﷺ یا امام باقر ﷺ شنیدم که می‌فرمود:

کسی که دوست دارد مسکن و جایگاهش در بهشت باشد نباید زیارت مظلوم را ترک کند.

عرض کردم: مظلوم کیست؟

حضرت فرمودند:

مظلوم حضرت حسین بن علی علیه السلام بوده که صاحب کربلاء می باشد، کسی که از روی شوق به آن حضرت و بسجده محبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و به امیرالمؤمنین علیه السلام و به فاطمه زهراء علیها السلام به زیارت آن حضرت برود خداوند متعال او را بر سر سفره های بهشتی می نشاند که با رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه زهراء علیها السلام هم غذا بوده در حالی که مردم در حال حساب می باشند.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ الْقُمِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى الْيَقْطِينِيِّ - عَنْ رَجُلٍ - عَنْ فَضِيلِ بْنِ عُمَانَ الصِّرَفِيِّ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَذَفَ فِي قَلْبِهِ حَبَّ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ حَبَّ زِيَارَتِهِ وَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ السَّوْءَ قَذَفَ فِي قَلْبِهِ بَغْضَ الْحُسَيْنِ وَ بَغْضَ زِيَارَتِهِ».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله بن ابی خلف قمی، از محمد بن عیسی یقطینی، از شخصی، از فضیل بن عثمان صیرفی، از کسی که برای او حدیث گفته، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که خداوند خیر را برای او اراده کرده باشد در قلبش محبت امام حسین علیه السلام را قرار داده و در دلش محبت زیارت آن جناب را می اندازد و کسی که خداوند سوء و بدی را برایش بخواهد در قلبش بغض امام حسین علیه السلام قرار داده و در دلش بغض زیارت آن حضرت را می اندازد.

﴿ الباب السادس والخمسون ﴾
 ﴿ من زار الحسين علیه السلام تشوقاً إليه ﴾

متن:

۱ - حدثني محمد بن جعفر القرشي الرزاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن صفوان بن يحيى، عن أبي أسامة زيد الشحام «قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول: من أتى قبر الحسين علیه السلام تشوقاً إليه كتبه الله من الآمنين يوم القيامة وأعطى كتابه يمينه، وكان تحت لواء الحسين علیه السلام حتى يدخل الجنة فيسكنه في درجته، إن الله عزيز حكيم».

﴿ باب پنجاه و ششم ﴾
 ﴿ ثواب کسیکه از روی شوق به زیارت حضرت ﴾
 ﴿ امام حسین علیه السلام برود ﴾

﴿ حديث أول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزاز، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از صفوان بن یحیی، از ابی اسامه، زید شحام، وی می گوید:
 از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
 کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت قبر حضرت حسین بن علی سلام الله علیهما برود روز قیامت خداوند متعال او را از جمله آمنین می نویسد و محسوب می فرماید و کتابش (نامه اعمال او) را به دست راستش دهد و در زیر پرچم حسین علیه السلام بوده تا داخل بهشت شود پس حق تعالی او را در درجه و مرتبه خودش مکان داده بدرستی که خداوند متعال عزیز و حکیم می باشد.

متن:

۲- وروی عن ابی بصیر عن ابی جعفر علیه السلام «إِنَّ مِنْ أَحَبِّ أَنْ يَكُونَ مَسْكَنُهُ الْجَنَّةُ وَمَأْوَاهُ الْجَنَّةُ فَلَا يَدْعُ زِيَارَةَ الْمَظْلُومِ، قُلْتُ: مَنْ هُوَ؟ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَاحِبُ كَرْبَلَا، مَنْ أَتَاهُ شَوْقاً إِلَيْهِ وَحُبّاً لِرَسُولِ اللَّهِ وَحُبّاً لَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَحُبّاً لِفَاطِمَةَ علیها السلام أَقْعَدَهُ اللَّهُ عَلَى مَوَائِدِ الْجَنَّةِ، يَأْكُلُ مَعَهُمُ وَالنَّاسُ فِي الْحِسَابِ».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

از ابی بصیر روایت شده که وی از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند: کسی که دوست دارد مسکن و مأوایش بهشت باشد نباید زیارت مظلوم را ترک کند.

ابو بصیر می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: مظلوم کیست؟ حضرت فرمودند:

مظلوم حسین بن علی سلام الله علیهما یعنی صاحب کربلاء می باشد، کسی که از روی شوق و محبت به رسول الله صلی الله علیه و آله و به امیرالمؤمنین علیه السلام و به فاطمه علیها السلام به زیارتش رود خداوند متعال او را بر سر سفره های بهشتی می نشاند و وی را با ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام هم غذا فرموده در حالی که مردم در حساب می باشند.

متن:

۳- حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام «قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ

الناس ما في زيارة قبر الحسين عليه السلام من الفضل لماتوا شوقاً و تقطعت
 أنفسهم عليه حشرات، قلت: و ما فيه؟ قال: من أتاه تشوقاً كتب الله له
 ألف حجة متقبلة، و ألف عمرة مبرورة، و أجر ألف شهيد من شهداء
 بدر، و أجر ألف ضائم، و ثواب ألف صدقة مقبولة، و ثواب ألف نسمة
 أريد بها وجه الله، و لم يزل محفوظاً سنة من كل آفة أهونها الشيطان،
 و وُكِّلَ به ملك كريم يحفظه من بين يديه و من خلفه، و عن يمينه و عن
 شماله، و من فوق رأسه و من تحت قدمه، فإن مات سنته حضرته
 ملائكة الرحمة يحضرون غسله و إكفانه و الاستغفار له، و يشيعونه
 إلى قبره بالاستغفار له، و يفسح له في قبره مذبصرة، و يؤمنه الله من
 ضغطة القبر، و من منكر و نكير أن يروِّعانه و يفتح له باب إلى الجنة،
 و يعطى كتابه بيمينه، و يعطى له يوم القيامة نوراً يضيء لنوره ما بين المشرق
 و المغرب، و ينادى مناد: هذا من زار الحسين شوقاً إليه، فلا يبق أحد
 يوم القيامة إلا تَمَّتْ يومئذ أنه كان من زوار الحسين عليه السلام».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از محمد بن
 مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، آن حضرت فرمودند:
 اگر مردم می دانستند که در زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام چه فضل
 و ثوابی است حتماً از شوق و ذوق قالب تهی می کردند و بخاطر حسرت ها
 نفس هایشان به شماره افتاده و قطع خواهد شد.
 راوی می گوید: عرض کردم: در زیارت آن حضرت چه اجر و ثوابی می باشد.
 حضرت فرمودند:

کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت آن حضرت رود خداوند متعال هزار حج و هزار عمره قبول شده برایش می نویسد و اجر و ثواب هزار شهید از شهداء بدر و اجر هزار روزه دار و ثواب هزار صدقه قبول شده و ثواب آزاد نمودن هزار بنده که در راه خدا آزاد شده باشند برایش منظور می شود و پیوسته در طول ایام سال از هر آفتی که کمترین آن شیطان باشد محفوظ مانده و خداوند متعال فرشته کریمی را بر او موکل کرده که وی را از جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و زیر قدم نگهدارش باشد و اگر در اثناء سال فوت کرد فرشتگان رحمت الهی بر سرش حاضر شده و او را غسل داده و کفن نموده و برایش استغفار و طلب آمرزش کرده و تا قبرش مشایعتش نموده و به مقدار طول شعاع چشم در قبرش وسعت و گشایش ایجاد کرده و از فشار قبر در امانش قرار داده و از خوف و ترس دو فرشته منکر و نکیر بر حذرش می دارند و برایش دربی به بهشت می گشایند و کتابش را به دست راستش می دهند و در روز قیامت نوری به وی اعطاء می شود که بین مغرب و مشرق از پرتو آن روشن می گردد و منادی نداء می کند: این کسی است که از روی شوق و ذوق حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و پس از این نداء احدی در قیامت باقی نمی ماند مگر آنکه تمنا و آرزو می کند که کاش از زوآر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می بود.

متن:

۴- و عنه عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن أبي أيوب إبراهيم بن عثمان الخزاز، عن محمد بن مسلم «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما لمن أتى قبر الحسين عليه السلام؟ قال: من أتاه شوقاً إليه كان من عباد الله المكرمين، وكان تحت لواء الحسين بن علي عليه السلام حتى يدخلهما الله [جميعاً] الجنة».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

از حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب، از ابی ایوب ابراهیم بن عثمان خزّاز، از محمد بن مسلم، وی می گوید:
محضر مبارک ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: چه اجر و ثوابی هست برای کسی که حسین علیه السلام را زیارت کند؟
حضرت فرمودند:

کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رود از بندگان مکرم خداوند متّان محسوب می شود و در روز قیامت زیر لواء و پرچم حضرت حسین بن علی علیه السلام بوده تا وقتی که این دو بزرگوار داخل بهشت شوند.



مثنی:

۶- و عنه، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن أبي المغرا، عن ذريح المحاربي «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما ألتى من قومي و من بني إذا أنا أخبرتهم بما في إتيان قبر الحسين عليه السلام من الخير إنهم يكذبوني و يقولون: إنك تكذب علي جعفر بن محمد! قال: يا ذريح دع الناس يذهبون حيث شاؤوا، والله إن الله ليباهی بزار الحسين بن علي، و الوافد يفده الملائكة المقربون و حملة عرشه حتّى أنّه ليقول لهم: أما ترون زوّار قبر الحسين أتوه شوقاً إليه و إلى فاطمة بنت رسول الله [محمد]، أما وعزّي و جلالي و عظمتي لأوجبنّ لهم كرامتي؛ و لأدخلنهم جنّتي ألتى أعددتها لأوليائي و لأتبياني و رسلی، یا ملائكتی! هؤلاء زوّار قبر الحسين حبيب محمد رسولی، و محمد حبيبي، و من أحبّني أحبّ حبيبي، و من أحبّ حبيبي أحبّ من يحبّه، و من أبغض حبيبي أبغضني و من أبغضني كان حقّاً عليّ أن أعذّبه

بأشدّ عذابٍ و احرقه بحرّ ناری، و اجعل جهنّم مسکنه و مأواه، و اعدّه عذاباً لا أعدّه أحدٌ من العالمین».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

از حسن بن عبدالله، از پدرش از حسن بن محبوب، از ابی المغراء، از ذریح محاربی، وی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: از خویشاوندان و فرزندانم کسی را ملاقات نکردم مگر وقتی به آنها خبر دادم به اجر و ثوابی که در زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام هست من را تکذیب نموده و گفتند: تو بر حضرت جعفر بن محمد علیه السلام دروغ بسته و این خبر را از پیش خودت می گویی!



حضرت فرمودند:

ای ذریح مردم را رها کن هر کجا که می خواهند بروند، بخدا قسم حق تعالی به زائرین امام حسین علیه السلام مباحات کرده و افتخار می نماید و مسافر و زائر را فرشتگان مقرب خدا و حاملین عرش رهبری می کنند حتی حق تعالی به فرشتگان می فرماید:

آیا زوّار حسین بن علی علیه السلام را می بینید که از روی شوق و محبت به آن حضرت و علاقه به حضرت فاطمه علیه السلام دخت رسول الله صلی الله علیه و آله به زیارت آمده اند؟ به عزّت و جلال و عظمت خود قسم کرامت خویش را بر ایشان واجب کرده ام و ایشان را حتماً به بهشتی که برای دوستانم و برای انبیاء و رسل و فرستادگانم آماده کرده ام داخل می کنم.

ای فرشتگان من! ایشان زوّار قبر حسین حبیب محمد رسول من بوده و محمد صلی الله علیه و آله حبیب من است و کسی که من را دوست داشته باشد حبیب من را نیز دوست می دارد و کسی که حبیب من را دوست داشته باشد دوست دار حبیبم را

نیز دوست دارد و کسی که نسبت به حبیب من بغض دارد به من نیز بغض می‌ورزد و کسی که به من بغض می‌ورزد بر من واجب است که به اشد عذاب، عذابش نموده و به آتش دوزخم او را بسوزانم و جهنم را مسکن و مکانش قرار داده و وی را چنان عذابی کنم که احدی از اهل عالم را آن طور عذاب نکرده باشم.

متن:

و حَدَّثَنِي مَنْ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي بصير قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبَا جَعْفَرٍ عليهما السلام يَقُولَانِ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ مَسْكَنَهُ وَ مَأْوِيَهُ الْجَنَّةَ - إِلَى آخِرِهِ كَمَا فِي صَدْرِ الْبَابِ - .



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

ترجمه:

کسی که حدیث را مرفوعاً تا ابی بصیر نقل کرده برایم بیان نمود که ابو بصیر گفت: از حضرت ابو عبدالله علیه السلام و حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: کسی که دوست دارد مسکن و منزلش بهشت باشد... تا آخر حدیث بهمان بیانی که در صدر باب گذشت.

مترجم گوید:

منظور حدیث دوم از ابواب پنجاه و دوم و پنجاه و پنجم، و پنجاه و ششم می‌باشد.

﴿ الباب السابع والخمسون ﴾

﴿ من زار الحسين عليه السلام احتساباً ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِيعاً، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ هَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيُّ، عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسَ ابْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ قَدَامَتِهِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ مُحْتَسِباً لَا إِشْرَأَ وَلَا بَطْراً وَلَا رِيَاءَ وَلَا سَمْعَةً مُحَضَّتَ عَنْهُ ذَنْبُهُ كَمَا يَحْضُ الثُّوبُ بِالْمَاءِ فَلَا يَبْقَى عَلَيْهِ دَنْسٌ، وَيَكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَبَّةٌ وَ كَلِمَةً رَفَعَ قَدَمًا عَمْرَةً».

﴿ باب پنجاه هفتم ﴾

﴿ ثواب کسی که به امید اجر از خدا به زیارت ﴾

﴿ حضرت امام حسین عليه السلام برود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و علی بن الحسین و محمد بن الحسین جملگی از محمد بن یحیی عطار از حمدان بن سلیمان نیشابوری وی می گوید: عبدالله بن محمد یمانی از منیع بن حججاج، از یونس بن قدامه بن مالک برای ما از حضرت ابی عبدالله عليه السلام حدیث نقل نمود، وی گفت: حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: کسی که به امید ثواب و اجر به زیارت حضرت

امام حسین علیه السلام برود نه از روی تکبر و نخوت و نه ریا و سمعه گناهانش پاک شده همانطور که جامه با آب پاک و طاهر می گردد، بنابراین هیچ آلودگی و لغزش بر او باقی نمی ماند و بهر قدمی که برداشته ثواب یک حج به او داده و هرگاه گام و قدمش را از روی زمین بلند می کند ثواب یک عمره دارد.

متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِي الْأَحْمَرِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْخُرَّازِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ مَا لِمَنْ أَقْبَرَ الْقَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام زَائِرًا لَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ يَرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى وَالْدارَ الْآخِرَةَ؟ فَقَالَ لَهُ يَا هَارُونَ مِنْ أَقْبَرِ الْقَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام زَائِرًا لَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ يَرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ وَالْدارَ الْآخِرَةَ غُفِرَ اللَّهُ - وَاللَّهِ - لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ، ثُمَّ قَالَ لِي - ثَلَاثًا - أَلَمْ أَحْلِفْ لَكَ؟ أَلَمْ أَحْلِفْ لَكَ الْمَاحِلُفَ لَكَ؟!».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد، از ابان احمری، از محمد بن الحسین خراز از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

محضر مبارکش عرضه داشتم: فدایت شوم ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند در حالی که عارف به حق آن حضرت بوده و زیارتش برای خدا و سرای آخرت باشد چیست؟

حضرت به او فرمودند:

ای هارون کسی که به زیارت آن حضرت رفته در حالی که به حق حضرتش عارف بوده و زیارتش برای خدا و سرای آخرت باشد به خدا سوگند حق تعالی گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد. راوی می‌گوید:

سپس حضرت سه مرتبه به من فرمودند:

آیا برای تو قسم نخوردم، آیا برای تو قسم نخوردم، آیا برای تو قسم نخوردم؟

متن:

۳- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّهِ، غَيْرَ مُسْتَتَكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ؟ قَالَ: يَكْتُبُ لَهُ أَلْفُ حَجَّةٍ مَقْبُولَةٍ، وَأَلْفُ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَأَنْ كَانَ شَقِيئًا كَتَبَ سَعِيدًا، لَمْ يَزَلْ يَخُوضُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش محمد بن عیسی بن عبدالله، از عبدالله بن مغیره، از عبدالله بن میمون قداح، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام وی می‌گوید:

محضر مبارک امام علیه السلام عرض کردم: کسی که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام برود در حالی که عارف به حق آن جناب بوده و زیارتش بدون تکبر و نخوت باشد ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند:

هزار حج مقبول و هزار عمره پذیرفته شده برایش می نویسند و اگر شخص شقی باشد او را سعید قلمداد می نمایند و پیوسته در رحمت خداوند عزوجل غوطه می خورد.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ النِّسَابُورِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيِّ، عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مَهْرَانَ الْجَمَّالِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَهُوَ يَرِيدُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ شَيْعَةَ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ حَتَّى يَرُدَّ إِلَى مَنْزِلِهِ».

﴿تَحْدِيثِ چهارم﴾

ترجمه:

پدرم از محمد بن یحیی عطّار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبدالله بن محمد یمانی، از منیع بن حجّاج، از صفوان بن یحیی، از صفوان بن مهران جمّال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت: حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و قصدش خداوند عزوجل باشد جبرئیل و میکائیل و اسرافیل او را مشایعت نموده تا به منزلش وارد گردد.

متن:

۵- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْكَانٍ «قَالَ: شَهِدْتُ أَبَا

عبدالله علیه السلام و قد أتاه قوم من أهل خراسان فسألوه عن إتيان قبر الحسين بن علي عليه السلام وما فيه من الفضل، قال: حدثني أبي، عن جدي أنه كان يقول: من زاره يريد به وجه الله أخرجه الله من ذنوبه كمولود ولدته أمه و شيعته الملائكة في مسيره فرفرت على رأسه قد صقوا باجنحتهم عليه حتى يرجع إلى أهله، و سألت الملائكة المغفرة له من ربّه و غشيتة الرحمة من [أ] عنان السماء، و نادته الملائكة: طبت و طاب من ذرت! و حفظ في أهله».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن مسکان، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابا عبدالله علیه السلام بودم در حالی که گروهی از اهل خراسان محضرش مشرف بودند، آنان راجع به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام و فضل و ثواب آن از حضرت سؤال کردند؟

حضرت فرمود:

پدرم از جدم نقل فرمود که آن بزرگوار می فرمودند:

کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کند و نیتش فقط خدا باشد حق تعالی گناهانش را محو نموده و او را از ذنوب بیرون آورده همانند مولودی که مادرش او را زائیده باشد و فرشتگان او را در سیر و سفرش مشایعت می کنند یعنی بالای سرش بال زده و گاهی بالهایشان را بر سرش پهن نموده بدون اینکه حرکت دهند و بهمین کیفیت او را مشایعت نموده تا وی به منزل و اهلش برسد.

فرشتگان از پروردگار متعال برای او طلب آمرزش نموده و از اطراف و اکناف

آسمان رحمت او را احاطه کرده و فرشتگان او را نداء داده و می‌گویند: پاک‌ی و پاک است آن کسی که تو زیارتش نمودی (یا: خوشا بر تو و خوشا بر کسی که زیارتش نموده‌ای) و او را در میان اهل و عیالش حفظ و نگهداری می‌کنند.

متن:

۶- و حَدَّثَنِي عبيد الله بن الفضل بن محمد بن هلال قال: حَدَّثَنَا عبد الرحمن قال: حَدَّثَنَا سعيد بن خيثم، عن أخيه معمر «قال: سمعت زید بن علی يقول: من زار قبر الحسين بن علي عليه السلام لا يريد به إلا [وجه] الله تعالى غفر الله له جميع ذنوبه ولو كانت مثل زبد البحر، فاستكثرُوا من زيارته يغفر الله لكم ذنوبكم».

ترجمه: هر کس زیارتش کند...

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

عبيد الله بن فضل بن محمد بن هلال می‌گوید: عبد الرحمن برای ما حدیث گفت، وی نقل نمود: سعید بن خثیم از برادرش معمر برای ما نقل کرد که وی گفت: از زید بن علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:

کسی که قبر حسین بن علی علیه السلام را زیارت کرده و نیتش تنها خداوند باشد حق تعالی تمام گناهانش را می‌آمرزد اگرچه به قدر روی دریاها باشد، پس زیاد به زیارت آن حضرت بروید تا خداوند گناهانتان را ببخشد.

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّد بن عبد الله بن جعفر، عن أبيه، عن أحمد بن أبي عبد الله

البرقی، عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن حذيفة بن منصور «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: من زار قبر الحسين عليه السلام في الله وأعتقه الله من النار وأمنه يوم الفزع الأكبر، ولم يسأل الله تعالى حاجة من حوائج الدنيا والآخرة إلا أعطاه».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر، از پدرش، از احمد بن ابی عبدالله برقی از پدرش، از محمد بن سنان، از حذیفه بن منصور، وی گفت: حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین عليه السلام را قربة الى الله و برای خدا زیارت کند حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد نموده و روز فزع اکبر او را در امان قرار می دهد و حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خداوند نخواسته مگر آنکه باری تعالی به وی اعطاء می فرماید.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

﴿ الباب الثامن و الخمسون ﴾

﴿ ان زیارة الحسين عليه السلام افضل ما يكون من الاعمال ﴾

متن:

حدثني أبي - رحمه الله - و جماعة من أصحابنا، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي الوشاء، عن احمد بن عائذ، عن أبي خديجة، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: سألته عن زیارته قبر الحسين عليه السلام، قال: انه افضل ما يكون من الاعمال».

﴿ باب پنجاه و هشتم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام افضل اعمال می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از اصحاب، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی الوشاء، از احمد بن عائذ، از ابی خدیجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:

از آن حضرت راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام پرسیدم؟
حضرت فرمودند:



زیارت آن جناب افضل اعمال می باشد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

۲- و عنه، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الوشاء، عن احمد بن عائذ
عن ابی خدیجه، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: سألت أبا عبدالله علیه السلام عن زیارة
قبر الحسين علیه السلام، قال: أنه افضل ما یكون من الأعمال».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از وشاء، از احمد بن عائذ، از
ابی خدیجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام راجع به زیارت قبر امام حسین علیه السلام پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

زیارت حضرت افضل اعمال می باشد.

متن:

۳۔ حدَّثنی محمد بن الحسن عن محمد بن الحسن الصفَّار، عن احمد بن محمد، عن الوشاء، عن احمد بن عائذ، عن أبي خديجة، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: سألته عن زيارة قبر الحسين عليه السلام، قال: إنه أفضل ما يكون من الأعمال».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمہ:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفَّار، از احمد بن محمد، از وشاء، از احمد بن عائذ از ابی خدیجہ، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، وی گفت:
از آن حضرت راجع بہ زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

زیارت آن جناب افضل اعمال است۔

متن:

۴۔ حدَّثنی أبو العباس الكوفي، عن محمد بن الحسين، عن الحسن بن محبوب - عن رجل - عن أبان الأرق - عن رجل - عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من أحبَّ الأعمال إلى الله تعالى زيارة قبر الحسين عليه السلام، وأفضل الأعمال عند الله إدخال السرور على المؤمن، وأقرب ما يكون العبد إلى الله تعالى هو ساجد باك».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمہ:

أبو العباس کوفی، از محمد بن الحسین، از حسن بن محبوب، از مردی، از ابان ارق، از مردی، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند:

محبوب ترین اعمال نزد حق تعالی زیارت قبر حضرت حسین علیه السلام بوده و برترین اعمال نزد او جلّ و علّی ادخال سرور و شادی بر مؤمن است و نزدیک ترین بنده به خدا، بنده ای است که در حال سجود بدرگاه الهی گریان باشد.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي الْجَهْمِ، عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا يَبْلُغُ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: أَفْضَلُ مَا يَكُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ».

حدیث پنجم

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از احمد بن ابی عبدالله، از ابی جهم، از ابی خدیجه، وی می گوید: عنه عرض کردم: از زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام چه چیز به ما می رسد و عائدمان می گردد؟ حضرت فرمودند:

افضل و برترین اعمال.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَبْدِ الزَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ الرَّزَّازِ قَالَ: حَدَّثَنَا سَالِمُ بْنُ سُلَيْمَةَ - وَهُوَ أَبُو خَدِيجَةَ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَفْضَلُ مَا يَكُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن جعفر رزاق، از محمد بن الحسین، از عبدالرحمن بن ابی هاشم رزاق، وی گفت:

سالم بن سلعه یعنی ابو خدیجه برای از امام صادق علیه السلام حدیثی به این شرح نقل نمود:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

زیارت امام حسین علیه السلام افضل و برترین اعمال می باشد.

﴿ الباب التاسع والخمسون ﴾

﴿ ان من زار الحسين علیه السلام كان كمن زار الله في ﴾

﴿ عرشه وكتب في أعلى عليتين ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

معن:

۱- حدیثی ابی، و علی بن الحسین؛ و جماعة مشایخی - رحمهم الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد؛ و محمد بن الحسین، عن محمد ابن اسماعیل بن بزیع، عن صالح بن عقبه، عن زید الشحام «قال: قلت لأبي عبدالله علیه السلام: ما لمن زار قبر الحسين علیه السلام؟ قال: كان كمن زار الله في عرشه، قال: قلت: ما لمن احداً منكم؟ قال: كمن زار رسول الله صلی الله علیه و آله».

﴿ باب پنجاه و نهم ﴾

﴿ کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند مثل کسی است که در ﴿
 ﴿ عرش خدا را زیارت کرده و او را در اعلیٰ علیین قرار می دهند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

متن:

پدرم و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمة الله علیهم، از سعد
 ابن عبدالله، از احمد بن محمد و محمد بن الحسین از محمد بن اسماعیل بن
 بزیع، از صالح بن عقبه، از زید شحام، وی گفت:

محضر ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را
 زیارت کند ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند:

مثل کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده.

راوی گفت: عرضه داشتم:

چه اجر و ثوابی است برای کسی که یکی از شما اهل بیت را زیارت کند؟

حضرت فرمودند:

مثل کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت نموده است.

متن:

۲- و حدَّثنی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد
 ابن عیسی، عن محمد بن اسماعیل، عن الخیرری، عن الحسین بن محمد
 القمّی، عن أبی الحسن الرضا علیه السلام «قال: من زار قبر أبی عبدالله علیه السلام بشط
 القرات كان كمن زار الله فوق عرشه».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد ابن اسماعیل، از خیبری، از حسین بن محمد قمی، از حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

کسی که قبر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را در کنار فرات زیارت کند مثل کسی است که خدا را بالای عرش زیارت نموده است.

متن:

۳- و حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ عَيِّنَةَ بَيْتِ الْقَصْبِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَهُ اللَّهُ فِي أَعْلَى عَلَيْنِ».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمه الله علیهم، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از محمد بن عمر، از عیینة بیاع القصب (نی فروش) از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام رود در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد خداوند متعال او را در اَعْلَى عَلَيْنِ قرار دهد.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْكُوفِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْكَانٍ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي

عبدالله علیه السلام «قال: قال: من أتى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه كتبه الله في أعلى عليين».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس کوفی، از محمد بن الحسین، از ابی داود مسترق، از عبدالله بن مسکان، از برخی اصحاب ما از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت: حضرت فرمودند: کسیکه به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود. در حالیکه به حق آن جناب عارف و آگاه باشد خداوند متعال او را در اعلیٰ علیین قرار می دهد.

متن:

۵ - و حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد ابن عيسى، عن علي بن الحكم، عن عبدالله بن مسكان، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: من أتى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه كتبه الله في عليين».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از عبدالله بن مسکان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، آن حضرت فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد حق تعالی او را در اعلیٰ علیین قرار می دهد.

متن:

۶ - و حدثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، و سعد بن عبدالله جميعاً، عن علي بن اسماعيل عن محمد بن عمرو الزيات، عن

هارون بن خارجه «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه كتب الله في أعلى عليين».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن حسن صفار؛ و سعد بن عبدالله جملگی از علی بن اسماعیل از محمد بن عمرو زیات از هارون بن خارجه، وی گفت:
از حضرت ابا عبدالله عليه السلام شنیدم که می فرمودند:
کسی که به زیارت قبر امام حسین عليه السلام برود در حالی که به حق آن جناب عارف و آگاه باشد حق تعالی او را در اعلیٰ علیین قرار می دهد.

متن:

۷- و حدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد ابن اسماعيل بن بزيع، عن الخيري، عن الحسين بن محمد القمي «قال: قال لي الرضا عليه السلام: من زار قبر أبي بغيض كان كمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله و أمير المؤمنين إلا أن لرسول الله و أمير المؤمنين فضلها قال: ثم قال لي: من زار قبر أبي عبد الله بشطّ الفرات كان كمن زار الله فوق كرسيه».

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن حسین، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از خیبری، از حسین بن محمد قمی، وی می گوید:
حضرت رضا عليه السلام به من فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در بغداد زیارت کند، مانند کسی است که رسول خدا صلى الله عليه وآله و امیرالمؤمنین را زیارت نموده منتهی زیارت رسول خدا و امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیهما فضیلت و برتری دارد سپس فرمودند:

کسی که قبر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را در کنار فرات زیارت کند مانند کسی است که خدا را بالای کرسی اش زیارت نموده.

متن:

۸- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنْ ابْنِ مَسْكَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام كَتَبَهُ اللَّهُ فِي عَلَيَّيْنِ».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از عباس بن عامر، از ابان، از ابن مسکان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رود خداوند متعال او را در اعلیٰ علین قرار می دهد.

متن:

۹- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْكَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام كَتَبَهُ اللَّهُ فِي عَلَيَّيْنِ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابن فضال، از عبدالله بن مسکان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام آن حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود خداوند او را در علّیین قرار می دهد.

متن:

۱۰- و حَدَّثَنِي أَبِي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علي الكوفي، عن عباس بن عامر، عن ربيع بن محمد المسلمي عن عبدالله بن مسكان، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من أتى قبر الحسين عليه السلام كتبه الله في علّيين».

ترجمه:

﴿ حدیث دهم ﴾

و پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی الکوفی، از عباس بن عامر، از ربيع بن محمد المسلمی، از عبدالله بن مسكان، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام آن حضرت فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام برود خداوند متعال او را در اعلی علّیین قرار می دهد.

متن:

۱۱- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونِ الْبَصْرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ، عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ «قَالَ: كُنْتُ أَحْيَجُ فِي كُلِّ سَنَةٍ فَأَبْطَأْتُ سَنَةً عَنْ الْحَيِّ فَلَمَّا كَانَ مِنْ قَابِلٍ حَجَجْتُ وَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لِي: يَا بَشِيرُ مَا أَبْطَأَكَ عَنْ الْحَيِّ فِي عَامِنَا الْمَاضِي؟ قَالَ: قُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ مَا كَانَ لِي عَلَى النَّاسِ خَفْتُ ذَهَابَهُ غَيْرَ أَنِّي عَرَفْتُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: فَقَالَ لِي: مَا فَاتَكَ

شئ مما كان فيه اهل الموقف! يا بشير من زار قبر الحسين عليه السلام عارفاً
بحقه كان كمن زار الله في عرشه».

و عنه، عن أبيه، عن محمد بن الحسن بن شمون قال: حدثني جعفر بن
محمد الخزازي - عن بعض أصحابه - عن جابر، عن أبي عبد الله عليه السلام مثله.
حدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن
اسماعيل بن بزيع، عن عمه - عن رجل - عن جابر نحوه.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش نقل کرده که وی گفت:
محمد بن الحسن بن شمون بصری گفت: محمد بن سنان از بشیر دهان برایم نقل
کرد و گفت:

در هر سال به حج مشرف می شدم، یکسال تنبلی کرده و آنرا ترک کردم و سال
بعد که به حج رفته و محضر حضرت ابی عبدالله علیه السلام مشرف شدم به من فرمودند:
ای بشیر بچه چیز تو را در سال گذشته از حج سست و تنبل نمود؟
می گوید: عرض کردم: فدایت شوم مالی داشتم که از مردم می خواستم و خوف
داشتم تلف شود لذا به حج نیامده ولی در عوض روز عرقه به زیارت قبر مطهر
حضرت امام حسین علیه السلام رفتم.

می گوید، حضرت به من فرمودند:

آنچه نصیب اهل موقف (حاجی ها) شد از تو فوت نگردید، ای بشیر کسی که قبر
حسین علیه السلام را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد مانند
کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده.

و از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از محمد بن الحسن بن
شمون نقل شده که گفت: جعفر بن محمد خزازعی، از بعضی اصحابش، از جابر،

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل حدیث مذکور را نقل کرده.
 محمد بن جعفر رزار، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزیم، از
 عمویش، از مردی، از جابر نظیر این حدیث را نقل کرده است.

متن:

۱۲ - و حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ - رَحِمَهُمَا اللَّهُ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
 جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ رَبِيعِ
 ابْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْكَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ أَقَى قَبْرَ
 الْحُسَيْنِ عليه السلام كَتَبَهُ اللَّهُ فِي عِلِّيَّينَ».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن عبدالله عليه الرحمه، از عبدالله بن جعفر
 حمیری، وی گفت:

عبدالله بن محمد بن خالد طایلسی، از ربیع بن محمد، از عبدالله بن مسکان، از
 حضرت ابی عبدالله علیه السلام آن حضرت فرمودند:

کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند خداوند متعال او را در عِلِّيَّین قرار
 می دهد.

﴿ الباب الستون ﴾

﴿ إنَّ زیارة الحسین و الأئمة علیهم السلام تعدل زیارة رسول الله ﷺ ﴾

متن:

۱- حدَّثنی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن أبیه، عن الحسن بن محبوب، عن جويریة بن العلاء - عن بعض أصحابنا - قال: من سرّه أن ينظر إلى الله يوم القيامة و تهوّن علیه سكرة الموت و هول المَطْلَع فليكثر زیارة قبر الحسین علیهم السلام فإنَّ زیارة الحسین علیهم السلام زیارة رسول الله ﷺ.



﴿ باب شصتم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین و ائمه هدی سلام الله علیهم اجمعین ﴾

﴿ معادل با زیارت رسول خدا ﷺ می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از جويریة ابن العلاء، از بعضی اصحاب ما وی گفت: آن حضرت فرمودند: کسی که دوست دارد در روز قیامت به حق تعالی نظر کند و سختی جان دادن (که همان هول مَطْلَع باشد) بر او آسان شود زیاد به زیارت حضرت امام حسین علیهم السلام برود زیرا زیارت حسین علیهم السلام همان زیارت رسول خدا می باشد.

متن:

۳- حدَّثنی محمد بن یعقوب الکلیفی، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین بن أبی الخطاب. و حدَّثنی أبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله،

عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعیل بن بزيع، عن صالح بن عقبة، عن زيد الشحام «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما لمن زار أحداً منكم؟ قال: من زار رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

محمد بن یعقوب کلینی از محمد بن یحیی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و پدرم علیه الرحمه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزيع، از صالح بن عقبة، از زيد شحام، وی می گوید:
محضر مبارک حضرت ابی عبدالله عليه السلام عرض کردم: ثواب کسی که یکی از شما اهل بیت را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند:
مثل این است که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم را زیارت کرده است.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۴ - حدثني أبي - رحمه الله - عن الحسن بن متيل، عن سهل بن زياد الأدمي، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن زيد الشحام، قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما لمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و علياً عليه السلام؟ قال: من زار الله في عرشه، قال: قلت: فما لمن زار أحداً منكم، قال: من زار رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم».

حدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن زيد الشحام عن أبي عبدالله عليه السلام مثله.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از حسن بن متیل، از سهل بن زیاد آدمی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از زید شحام، وی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله ع رض کردم: ثواب کسی که رسول خدا ﷺ و حضرت علی ع را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند:

وی مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده. راوی گفت: محضرش عرضه داشتیم: ثواب کسی که یکی از شما اهل بیت را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند:

وی مثل کسی است که رسول خدا ﷺ را زیارت کرده. محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از زید شحام، از حضرت ابی عبدالله ع مثل این حدیث را نقل نموده است.

﴿ الباب الحادي و الستون ﴾

﴿ ان زیارة الحسین ع تزيد في العمر و الرزق و ان ترکها تنقصهما ﴾

متن:

۱- حدّثنی اُبی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله؛ و محمد بن یحیی الطّار؛ و عبدالله بن جعفر الحمیری جمیعاً، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن اسماعیل بن بزّیع، عن اُبی آیوب، عن محمد بن مسلم، عن اُبی جعفر ع «قال: مروا شیعتنا بزیارة قبر

الحسين عليه السلام. فَإِنْ إِيَّانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَيَمُدُّ فِي الْعُمْرِ، وَيُدْفَعُ مَدَافِعَ السَّوْءِ وَ إِيَّانَهُ مَفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يَقَرُّ لِلْحُسَيْنِ بِالإِمَامَةِ مِنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ».

﴿ باب شصت و یکم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام عمر را طولانی و روزی را فراخ نموده ﴾
﴿ و ترک آن عمر را کوتاه و روزی را تنگ می کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتید من از سعد بن عبدالله و محمد ابن یحیی عطّار و عبدالله بن جعفر حمیری جملگی، از احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن اسماعیل بن بزیج، از ابی ایوب، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام حضرت فرمودند:

امر کنید شیعیان ما را به زیارت قبر حضرت حسن بن علی علیه السلام چه آنکه زیارت آن حضرت رزق و روزی را زیاد و عمر را طولانی کرده و اموری که بدی و شر را جلب می کنند دفع می نماید.

و زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامت حضرتش از طرف حق تعالی دارد واجب و لازم است.

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيرِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الحميد، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ «قَالَ: سَمِعُناه يَقُولُ: مَنْ أَتَى عَلَيْهِ حَوْلَ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَنْقَضَ اللَّهُ مِنْ عَمْرِهِ حَوْلًا، وَلَوْ قُلْتُ: إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَمُوتُ قَبْلَ أَجَلِهِ بِثَلَاثِينَ سَنَةً لَكُنْتُ صَادِقًا،

و ذلك لأنكم تتركون زيارة الحسين عليه السلام، فلا تدعوا زيارته يمد الله في أعماركم و يزيد في أرزاقكم، وإذا تركتم زيارته نقص الله من أعماركم و أرزاقكم فتتأسفوا في زيارته ولا تدعوا ذلك، فإن الحسين شاهد لكم في ذلك عند الله و عند رسوله و عند فاطمة و عند أمير المؤمنين عليه السلام».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمہ:

محمد بن عبدالله حمیری، از پدرش، از محمد بن عبدالحمید، از سیف بن عمیرہ، از منصور بن حازم، وی می گوید: از آن حضرت شنیدم کہ می فرمود: کسی کہ سال بر او بگذرد و بہ زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام نرود خداوند تبارک و تعالی یک سال از عمرش کسر می کند و اگر بگویم بارہای از شماہا سی سال قبل از اجل و عمر طبعی از دنیا می روند ہر آینہ صادق می باشم زیرا زیارت حسین علیه السلام را ترک می کنید، بنابراین زیارت آن حضرت را رہا نکنید تا حق تعالی عمر شما را زیاد نمودہ و روزی تان را فراخ فرماید و بدانید ہر گاہ زیارت آن جناب را ترک کنید زیرا حضرت ابا عبدالله الحسین شاهد شما است در نزد خدا و رسولش و نزد حضرت فاطمہ و امیرالمؤمنین علیہ السلام.

متن:

۳- حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن اسماعيل، - عن حدثه - عن عبدالله بن وضاح، عن داود الحمّار، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من لم يزر قبر الحسن عليه السلام فقد حرم خيراً كثيراً ونقص من عمره سنة».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از محمد بن اسماعیل، از کسی که برایش حدیث گفته، از عبدالله بن وضاح، از داود حمّار، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که قبر حسین علیه السلام را زیارت نکند پس از خیر کثیر محروم مانده و از عمرش یکسال کسر می شود.

متن:

۴- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ محبوب، عَنْ صَبَّاحِ الْحِذَاءِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: سَمِعْتُ يَقُولُ: زُورُوا الْحُسَيْنَ علیه السلام وَ لَوْ كُلَّ سَنَةٍ، فَإِنَّ كُلَّ مَنْ أَتَاهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ جَاهِدٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَوَضٌ غَيْرُ الْجَنَّةِ، وَ رِزْقٌ رِزْقًا وَاسِعًا. وَ أَتَاهُ اللَّهُ مِنْ قَبْلِهِ بِفَرَحٍ - عَاجِلٍ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

حسن بن عبدالله بن محمد، از پدرش، از حسن بن محبوب، از صباح حذاء، از محمد بن مروان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:

از حضرت شنیدم که می فرمود:

حسین علیه السلام را زیارت کنید اگرچه در هر سال باشد؛ زیرا هر کس به زیارتش رود در حالی که به حق آن حضرت عارف بوده و متکبر آن نباشد غیر از بهشت هیچ عوض دیگری ندارد و روزی و رزقش وسعت پیدا می کند و در همین عالم خداوند متعال در ازای زیارتی که کرده به او در دنیا فرح و سرور قابل ملاحظه ای می دهند ... الخ.

متن:

و حَدَّثَنِي جَمَاعَةُ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ
ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلُهُ سِوَاءً.

ترجمه:

جماعتی از اصحاب از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از
حسن بن محبوب به اسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند.

متن:

۵- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ جَمَاعَةُ مَشَائِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ - عَنْ بَعْضِ
أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ
لِي: يَا عَبْدَ الْمَلِكِ لَا تَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَ مُرْ أَصْحَابَكَ
بَذَلِكَ يَمْدُ اللَّهَ فِي عَمْرِكَ، وَ يَزِيدُ اللَّهَ فِي رِزْقِكَ، وَ يَحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيداً، وَ
لَا تَمُوتَ إِلَّا سَعِيداً، وَ يَكْتُبُكَ سَعِيداً».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمه الله علیهم، از سعد بن
عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن محمد بن ابی نصر، از برخی
اصحاب ما از ابان، از عبدالملک خثعمی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:
حضرت به من فرمودند:

ای عبدالملک زیارت حسین بن علی علیه السلام را ترک مکن و یاران و اصحابت را به
آن امر فرما زیرا حق تعالی بواسطه آن عمر تو را طولانی کرده و روزی و رزقت را

واسع می فرماید در حال حیات سعید و سعادت مندت نموده و نخواهی مرد مگر سعید و تو را در زمره سعاداء می نویسد.

﴿ الباب الثاني و الستون ﴾
﴿ ان زیارة الحسین علیه السلام تحطّ الذنوب ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن الحسن بن الولید، عن محمد الحسن الصفار، عن الحسن بن موسی الخشاب - عن بعض رجاله - عن أبي عبد الله علیه السلام قال: إن زائر الحسين جعل ذنوبه جسراً باب داره ثم يعبرها، كما يخلف أحدكم الجسر وراه إذا عبر [ه].

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی قم

﴿ باب شصت و دوم ﴾
﴿ زیارت امام حسین علیه السلام گناهان را محو می کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن الولید، از محمد بن الحسن الصفار، از حسن بن موسی الخشاب، از برخی رجالش، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند: زائر حسین علیه السلام گناهانش را پلی بر درب خانه اش قرار داده که از آن عبور می کند همانطوری که یکی از شما وقتی از پل عبور نمودید آنرا عقب سر می گذارید. یعنی زیارت سید الشهداء سلام الله علیه سبب می شود که گناهان محو و زائل گردند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ بِشِيرِ الدَّهَانِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ يَخْرُجُ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِكُلِّ خُطْوَةٍ مَغْفِرَةٌ مِنْ ذُنُوبِي، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَقْدَسْ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَقٌّ يَأْتِيهِ، فَإِذَا أَتَاهُ نَاجَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: عَبْدِي سَلْنِي أُعْطِكَ، أَدْعُنِي أُجِبْكَ، اطْلُبْ مِنِّي أُعْطِكَ، سَلْنِي حَاجَتَكَ أَقْضِيهَا لَكَ، قَالَ: وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَحَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعْطِيَ مَا بَدَلَ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن الحسین بن الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقیبه، از بشیر دهان، از ابی عبدالله علیه السلام، حضرت درباره کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌رود فرمودند:

وی هنگامی که از اهلش جدا می‌شود به هر قدمی که برمی‌دارد گناهانش آمرزیده می‌شود و سپس پیوسته به هر قدمی تقدیس و تنزیه شده تا به قبر مطهر می‌رسد و وقتی به آنجا رسید خداوند متعال او را خوانده و می‌فرماید:

بنده من از من سؤال کن تا به تو اعطاء کنم، من را بخوان تا اجابت نمایم، از من طلب نما تا به تو بدهم، حاجتت را از من بخواه تا برآورده نمایم.

راوی گفت:

امام علیه السلام فرمودند:

و حق است بر خدا که آنچه بذل نموده را اعطاء فرماید.

متن:

۳- و عنه بهذا الإسناد، عن صالح بن عقبة، عن الحارث بن المغيرة، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: إنَّ لله ملائكة موكلين بقبر الحسين عليه السلام فإذا هم الرّجل بزيارته أعطاهم ذبويه، فإذا خطأ محوها، ثمَّ إذا خطأ ضاعفوا حسناته، فما تزال حسناته تضاعف حتّى توجب له الجنة، ثمَّ اكتفوه وقد سوه، و ينادون ملائكة السماء أن قدسوا زوّار حبيب حبيب الله، فإذا اغتسلوا ناداهم محمد عليه السلام: يا وفدا لله أبشروا بمرافقتي في الجنة، ثمَّ ناداهم أمير المؤمنين عليه السلام: أنا ضامن لقضاء حوائجكم و دفع البلاء عنكم في الدنيا و الآخرة، ثمَّ اكتفوه عن أيمانهم و عن شأنلهم حتّى ينصرفوا إلى أهاليهم».



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی
حدیث سوم

ترجمه:

و از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از صالح بن عقبه، از حارث بن مغیره، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام حضرت فرمودند: خداوند متعال فرشتگانی دارد که موکل قبر مطهر حضرت حسین بن علی عليه السلام می باشند، هنگامی که شخص قصد زیارت آن حضرت را می نماید خداوند گناهان او را به این فرشتگان اعطاء نموده و در اختیار آنها می گذارد و وقتی وی قدم گذارد فرشتگان گناهان را محو می کنند سپس وقتی قدم بعدی را برداشت حسنات او را مضاعف می نمایند و پیوسته حسنات او را مضاعف کرده تا جایی که بهشت را برای وی واجب می گردانند سپس اطرافش را گرفته و تقدیس و تنزیهش می نمایند و سپس فرشتگان آسمان را نداء می دهند که زوّار حبيب حبيب خدا را تقدیس و تنزیه نمایند و وقتی زوّار غسل زیارت نمودند حضرت

محمد صلی الله علیه و آله ایشان را نداء داده و می‌فرماید:
ای مسافرین خدا بشارت باد شما را که با من در بهشت همراه خواهید بود.
سپس امیرالمؤمنین علیه السلام ایشان را نداء داده و می‌فرماید:
من ضامنم که حوائج شما را برآورده و در دنیا و آخرت بلاء و محنت را از شما دور نمایم.
پس از آن فرشتگان دور ایشان حلقه زده و از راست و چپ آنان را دربر گرفته تا به اهل و خویشاوندان خود بازگردند.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِي الرَّازِي، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حمزة، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - فَإِذَا انْقَلَبْتَ مِنْ عِنْدِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام نَادَاكَ مَنْادٍ لَوْ سَمِعْتَ مَقَالَتَهُ لَأَقَمْتَ عَمْرَكَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَهُوَ يَقُولُ: طَوْبِي لَكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ؛ قَدْ غَنِمْتَ وَ سَلِمْتَ، قَدْ غُفِرَ لَكَ مَا سَلَفَ فَاسْتَأْنَفِ الْعَمَلَ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ -».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از ابی عبدالله الجامورانی رازی، از حسن بن علی بن ابی حمزه، از حسن بن محمد بن عبدالکریم، از مفضل بن عمر، از جابر جعفی، وی می‌گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام در ضمن حدیث طولانی فرمود:
هنگامی که از نزد قبر مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام برگشتی منادی تو را

می خواند که اگر صدا و گفتارش را می شنیدی تمام عمر خود را حاضر بودی نزد قبر مطهر صرف و طی نمائی.

منادی می گوید: ای بنده خوشا به حال تو، همانا غنیمت بردی و سالم برگشتی، تمام گناهان گذشته ات پاک گردید پس از ابتدا عمل نما.....

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّازِي قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ الْخَبَرِيِّ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَمِّي «قَالَ: قَالَ: أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَذْنِي مَا يَثَابُ بِهِ زَائِرُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَاطِطِي، الْفَرَاتُ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَحَرَمَتَهُ وَوَلَايَتَهُ أَنْ يَغْفِرَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس رزازی می گوید:

محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از خبیری، از حسین ابن محمد القمی، وی می گوید: حضرت ابوالحسن موسی علیه السلام فرمودند: کمترین ثواب و اجر به کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در کنار فرات زیارت می کند مشروط به اینکه حق و حرمت و ولایت آن جناب را بشناسد می دهند این است که گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزند.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ، عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤَمِّنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهَلِيِّ،

عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من أراد أن يكون في كرامة الله يوم القيامة و في شفاعة محمد صلوات الله عليه و على آله فليكن للحسين زائراً ينال من الله أفضل الكرامة و حسن الثواب، و لا يسأله عن ذنب عمله في حياة الدنيا و لو كانت ذنوبه عدد رمل عالج و جبال تهامة و زبد البحر، إنَّ الحسين [بن علي] عليها السلام قتل مظلوماً مضطهداً نفسه، عطشاناً هو و أهل بيته و أصحابه».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از حسین بن الحسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از زکریا المؤمن ابی عبدالله، از عبدالله بن یحیی الکاهلی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که می‌خواهد روز قیامت در کرامت خداوند متعال باشد و شفاعت حضرت محمد صلوات الله عليه و آله شاملش گردد پس باید حسین علیه السلام را زیارت کند چه آنکه بالاترین کرامت حق تعالی به وی رسیده و ثواب و اجر نیک به او داده می‌شود و از گناهانی که در زندگانی دنیا مرتکب شده وی را مورد سؤال و بازخواست قرار نمی‌دهند اگر چه گناهانش به تعداد ریگ‌های بیابان و به بزرگی کوه‌های تهامة و به مقدار روی دریاها باشد، حسین بن علی سلام الله علیهما در حالی کشته شد که:

اولاً: مظلوم بود.

ثانیاً: نفس و جسمش مقهور و مورد ستم قرار گرفته بود.

ثالثاً: خود و اهل بیت و اصحابش تشنه بودند.

متن:

۷ - حَدَّثَنِي أَبِي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله عن احمد بن محمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد البرقي، عن القاسم بن يحيى بن الحسن بن راشد، عن جده الحسن بن راشد، عن أبي ابراهيم عليه السلام «قال: من خرج من بيته يريد زيارة قبر أبي عبدالله الحسين بن عليّ عليهما السلام وكلّ الله به ملكاً فوضع أصبعه في قفاه فلم يزل يكتب ما يخرج من فيه حتى يبرد الحائر، فإذا خرج من باب الحائر وضع كفه وسط ظهره، ثم قال له: أمّا ما مضى فقد غفر لك فاستأنف العمل».

و بهذا الإسناد، عن الحسن بن راشد، عن ابراهيم بن أبي البلاد بإسناده مثله».



ترجمه: حدیث هفتم

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن خالد برقي، از قاسم بن يحيى بن الحسن بن راشد، از جدش حسن بن راشد، از حضرت ابي ابراهيم عليه السلام، آن حضرت فرمودند:

کسی که از خانه اش خارج شده و قصدش زیارت قبر مطهر حضرت ابا عبدالله الحسين بن عليّ سلام الله عليهما باشد خداوند متعال فرشته ای را بر او می گمارد پس آن فرشته انگشتش را در پشت او قرار داده و پیوسته آنچه از دهان این شخص خارج شود می نویسد تا به حائر وارد گردد و وقتی از درب حائر خارج شد کف دستش را وسط پشتش نهاده سپس به او می گوید:

آنچه گذشت تمام مورد غفران و آمرزش واقع شد اینک از ابتداء به عمل پرداز و با همین اسناد، از حسن بن راشد، از ابراهيم بن ابی البلاد به اسنادش حدیثی مثل همین حدیث را نقل نموده.

متن:

۸ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْكَانٍ «قَالَ: شَهِدْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَقَدْ أَتَاهُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْخُرَاسَانَ فَسَأَلُوهُ عَنْ إِيْتِيَانِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَمَا فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ جَدِّي أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مَنْ زَارَهُ يَرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ ذَنْبِهِ كَمَوْلُودٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، وَشَيْعَتُهُ الْمَلَائِكَةُ فِي مَسِيرِهِ فَرَفَرَتْ عَلَى رَأْسِهِ قَدْ صَفَّوْا بِأَجْنَحَتِهِمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ وَسَأَلْتُ الْمَلَائِكَةَ الْمَغْفِرَةَ لَهُ مِنْ رَبِّهِ، وَغَشِيَتْهُ الرَّحْمَةُ مِنْ [أُ]عْنَانِ السَّمَاءِ، وَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ: طِبْتَ مَطَابٍ مِنْ نَدَتِ وَحَفِظَ فِي أَهْلِهِ».

مرکز تحقیقات کلامی و تفسیری

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد انصاری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن مسکان، وی می‌گوید:
حضور مبارک حضرت ابا عبدالله علیه السلام رسیدم در حالی که گروهی از اهل خراسان خدمت آن جناب مشرف شده بودند، ایشان از آن جناب راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام و ثوابی که در آن است سؤال نمودند؟
حضرت فرمودند:

پدرم از جدم نقل کردند که می‌فرمودند:

کسیکه آن حضرت را صرفاً برای خدا و به قصد قربت زیارت کند خداوند متعال

از گناهان رهایش نموده و او را همچون نوزادی که مادر زائیده قرار می دهد و در طول سفرش فرشتگان مشایعتش کرده و بالای سرش بال های خود را گشوده و با این حال او را همراهی کرده تا به اهلش باز گردد و نیز فرشتگان از خداوند می خواهند که او را بیمارزد و از اطراف و اکناف آسمان رحمت و اسعه الهی او را فرا گرفته و فرشتگان نداء کرده و به وی می گویند:

پاک هستی و آن کس که زیارتش نمودی نیز پاک و مطهر است و پیوسته وی را بین اهل و خویشانش حفظش می نمایند.

﴿ الباب الثالث و الستون ﴾

﴿ إن زیارة الحسین علیه السلام تعدل عمرة ﴾

ترجمه:

۱ - حدیثی ابی و علی بن الحسین؛ و محمد بن یعقوب - رحمهم الله - جمیعاً، عن علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابيه، عن احمد بن محمد بن ابی نصر «قال: سأل بعض أصحابنا أبا الحسن الرضا علیه السلام أتى قبر الحسين علیه السلام قال: تعدل عمرة».

﴿ باب شصت و سوم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک عمره می باشد ﴾

ترجمه:

﴿ حدیث اول ﴾

پدرم و علی بن الحسین و محمد بن یعقوب رحمه الله علیهم جملگی، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از احمد بن محمد بن ابی نصر نقل کرده اند که وی

گفت:

برخی از اصحاب ما، از حضرت ابا الحسن علیه السلام سؤال کرد و پرسید:
کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود ثوابش چه مقدار است؟
حضرت فرمودند:
ثوابش معادل ثواب یک عمره می باشد.

متن:

۲ - و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
ابْنِ أَبِي عَثْمَانَ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ عِتَّادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ
الْمَدَائِنِيِّ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ جَعَلْتَ فِدَاكَ آتِي قَبْرَ
الْحُسَيْنِ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا أَبَا سَعِيدٍ إِنَّ قَبْرَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَطْيَبُ
الطَّيِّبِينَ وَأَطْهَرُ الظَّاهِرِينَ وَأَبْرَزُ الْأَبْرَارِ، فَإِذَا زُرْتَهُ كُتِبَ لَكَ اثْتَنَانِ وَ
عَشْرُونَ عَمْرَةً».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد الحسین، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از اسماعیل
ابن عتاد، از حسن بن علی، از ابی سعید مدائنی وی گفت:
بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام داخل شدم و عرض کردم: فدایت شوم: آیا به زیارت
قبر حضرت حسین علیه السلام بروم؟
حضرت فرمودند:

بلی، ای ابا سعد به زیارت قبر پسر رسول خدا که پاکیزه ترین پاکان
و نیکوکارترین نیکوکاران است برو و بدان هرگاه او را زیارت کردی ثواب
بیست و دو عمره برایت نوشته می شود.

متن:

۳- و عنه، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن سنان «قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: زيارة قبر الحسين عليه السلام تعدل عمرة مبرورة متقبلة».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

و از محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، وی گفت:
از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک عمره مقبول می باشد.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ؛ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ، عَنْ الْحُسَيْنِ ابْنِ الْجَهْمِ «قَالَ: قُلْتُ: لِأَبِي الْحُسَيْنِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ فَقَالَ لِي: مَا تَقُولُ أَنْتَ فِيهِ؟ فَقُلْتُ: بَعْضُنَا يَقُولُ حَبَّةً، وَ بَعْضُنَا يَقُولُ: عَمْرَةٌ فَقَالَ: هُوَ عَمْرَةٌ مَقْبُولَةٌ».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن الحسن، از سعد بن عبدالله، از احمد و عبدالله پسران محمد بن عیسی، از موسی بن قاسم، از حسن بن الجهم، وی گفت:
محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: چه می فرمائید درباره زیارت قبر امام حسین علیه السلام؟
حضرت فرمودند:
تو درباره آن چه می گوئی؟

عرض کردم: بعضی از ما معتقدند که ثواب آن به مقدار ثواب یک حج بوده و برخی دیگر می گویند ثوابش به اندازه ثواب یک عمره می باشد. حضرت فرمودند: ثوابش به مقدار عمره مقبول می باشد.

متن:

۵ - و حدَّثني مُحَمَّد بن الحسن، عن مُحَمَّد بن الحسن الصفَّار، عن أحمد ابن مُحَمَّد بن عیسی، عن مُحَمَّد بن علی قال: حدَّثنا إبراهيم بن یحیی القطَّان، عن أبيه أبي البلاد «قال: سألت أبا الحسن الرضا علیه السلام عن زیارة قبر الحسين علیه السلام، فقال: ما تقولون أنتم؟ قلت: نقول: حجة و عمره، قال: تعدل عمره مبرورة».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمّد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن علی، وی می گوید: ابراهیم بن یحیی قطان از پدرش ابی البلاد برای ما حدیث گفت و اظهار نمود: از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام راجع به زیارت قبر مطهر حضرت حسین بن علی علیه السلام پرسیدم؟ حضرت فرمودند: شما در باره آن چه می گویند؟ عرض کردم: ما می گوئیم: ثواب آن معادل ثواب حج و عمره است. حضرت فرمودند: ثواب آن معادل عمره مقبول می باشد.

متن:

۶- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشِيمٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى «قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَاءَ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ أَتَى شَيْءٌ فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ؟ قَالَ: تَعْدِلُ عُمْرَةٌ».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن احمد بن آشیم، از صفوان بن یحیی، وی می گوید:
از حضرت رضا علیه السلام راجع به زیارت قبر امام حسین علیه السلام پرسیده و عرضه داشتم:
چه ثوابی در آن می باشد؟
حضرت فرمودند:
ثواب آن معادل با یک عمره متقبله است.

متن:

۷- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعاً، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ سَنَانَ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ يَقُولُ: أَنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ تَعْدِلُ عُمْرَةً مَهْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً».

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن عبدالله جميعاً، از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی بن مهزیار، از محمد بن سنان وی گفت:

از حضرت ابا الحسن علیه السلام شنیدم که می فرمود:
زیارت قبر امام حسین علیه السلام معادل عمره قبول شده می باشد.

متن:

۸ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى،
عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَيُّ شَيْءٍ فِيهِ مِنْ
الْفَضْلِ؟ قَالَ: تَعْدِلُ عُمْرَةً».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از صفوان بن یحیی، از حضرت ابی
الحسن علیه السلام وی گفت:
راجع به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام از آن جناب سؤال کرده
و پرسیدم:

ثواب آن چه مقدار می باشد؟

حضرت فرمودند:

ثواب آن معادل یک عمره می باشد.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةُ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
الْعَطَّارِ، عَنْ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - عَنْ بَعْضِهِمْ علیهم السلام «قَالَ:
أَرْبَعُ عُمَرٍ تَعْدِلُ حَجَّةً، وَ زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام تَعْدِلُ عُمْرَةً».

ترجمه:

﴿ حدیث نهم ﴾

جماعتی از اصحاب ما، از احمد بن ادریس و محمد بن یحیی عطار، از عمرکی ابن علی، از برخی اصحابش، از بعضی از ائمه علیهم السلام که فرمودند: چهار تا عمره معادل یک حج است و زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین معادل یک عمره می باشد.

مثنی:

۱۰ - و بهذا الإسناد، عن العمرکی البوفکی - عن حدّثه - عن محمد بن الفضیض، عن ابن رثاب «قل: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن زیارة قبر الحسين علیه السلام، قال: نعم تعدل عمرة، ولا ينبغي أن يتخلف عنه أكثر من أربع سنین».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

ترجمه:

﴿ حدیث دهم ﴾

و با همین اسناد، از عمرکی بوفکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از محمد بن فیض، از ابن رثاب، وی گفت از حضرت ابا عبدالله علیه السلام راجع به زیارت قبر مطهر امام حسین علیه السلام پرسیدم؟ حضرت فرمودند:

بلی، زیارت آن جناب معادل یک عمره است و شایسته و سزاوار نیست که بیشتر از چهار سال از آن تخلف شود.

﴿ الباب الرابع و الستون ﴾
﴿ إن زیارة قبر الحسین علیه السلام تعدل حجة ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَجْزُوبٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ، عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام، وَ زِيَارَةُ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم، وَ زِيَارَةُ قُبُورِ الشَّهَدَاءِ تَعْدِلُ حُجَّةً مَبْرُورَةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم.

﴿ باب شصت و چهارم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک حج می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از جمیل ابن درّاج، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، آن حضرت فرمودند: زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام و قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و قبور شهداء معادل یک حج قبول شده است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بجا آورده شده باشد.

متن:

۲- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام يَقُولُ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حُجَّةً مَبْرُورَةً.

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، وی می گوید:
از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رود خداوند یک حج قبول شده
برایش می نویسد.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْأَنْبَارِيِّ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جَعَلْتَ فِدَاكَ إِنَّهُ لَيْسَ كُلُّ سَنَةٍ يَتَهَيَّأُ لِي مَا أُخْرِجُ بِهِ إِلَى الْحَجِّ؟ فَقَالَ: إِذَا أُرِدْتَ الْحَجَّ وَلَمْ يَتَهَيَّأْ لَكَ فَأَتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَإِنَّهَا تَكْتُبُ لَكَ حَجَّةً، وَإِذَا أُرِدْتَ الْعُمْرَةَ وَلَمْ يَسْتَهَيَّأْ لَكَ فَأَتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَإِنَّهَا تَكْتُبُ لَكَ عُمْرَةً»؟

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از عباس بن عامر، وی می گوید:
عبدالله بن عبید انباری به من خبر داد و گفت:
محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرضه داشتم: فدایت شوم هر سال آمادگی
ندارم برای رفتن به حج چه باید کرد؟
حضرت فرمودند:

هرگاه اراده حج نموده ولی آمادگی برای آن را نداشته باشی به زیارت قبر حضرت
حسین بن علی علیه السلام برو زیرا برای تو یک حج منظور می شود و هر وقت اراده

عمره نمودی و برای انجام آن مهتا نبودی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برو زیرا ثواب یک عمره برایت می نویسند.

متن:

۴- و حدَّثنی مُحَمَّد بن الحَسَن - رَحِمَهُ اللهُ - عَنْ مُحَمَّد بن الحَسَن الصَّفَّار، عَنْ أَحَد بن مُحَمَّد بن عِیْسَى، عَنْ أُبَیهِ، عَنْ ابْن ابی عَمیر، عَنْ هِشام بن الحَکَم، عَنْ عَبْدِکَرِیم بن حَسَّان «قال: قلت لأبی عبد الله علیه السلام: ما یقال إنَّ زیارة قبر الحسین علیه السلام تعدل حجة و عمرة، قال: فقال: إنما الحج و العمرة ههنا و لو أنَّ رجلاً أراد الحج و لم یتَّهِياً له فأتاه كتب الله له حجة، و لو أنَّ رجلاً أراد العمرة و لم یتَّهِياً له فأتاه كتبت له عمرة».

حدیث چهارم

ترجمه:

محمّد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از پدرش، از ابن ابی عمیر، از هشام بن الحکم، از عبدالکریم بن حسان، وی می گوید:

محضر امام علیه السلام عرض کردم:
این گفتار چیست که می گویند: زیارت قبر امام حسین علیه السلام معادل یک حج و عمره است؟

حضرت فرمودند:

معادل بودن زیارت آن حضرت با حج و عمره تنها در وقتی است که شخص اراده حج کند ولی آمادگی برای آنرا نداشته ولی به زیارت آن جناب بشتابد در اینجا حق تعالی ثواب یک حج برای او می نویسد چنانچه اگر اراده عمره نمود ولی برایش میسر نبود ولی به زیارت امام علیه السلام رفت در اینجا نیز ثواب یک عمره برایش منظور می گردد.

متن:

۵- و عنه، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي بن فضال، عن حريز، عن فضيل بن يسار «قال: قال ﷺ: إن زيارة قبر رسول الله ﷺ وزيادة قبور الشهداء وزيارة قبر الحسين ﷺ تعدل حجة مع رسول الله ﷺ».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

و از محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن صفار، از احمد بن محمد بن عيسى، از حسن بن علي بن فضال، از حريز، از فضيل بن يسار، وی گفت:
امام ﷺ فرمودند:

زیارت قبر رسول خدا ﷺ و قبور شهداء و قبر حضرت امام حسين ﷺ معادل حجی است که با پیغمبر خدا ﷺ بجای آورده شود.

متن:

حدَّثني محمد بن جعفر بن الحسين، عن صفوان بن يحيى، عن حريز، عن الفضيل بن يسار، عن أبي عبد الله ﷺ مثله.

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسن، از صفوان بن يحيى، از حريز، از فضيل بن يسار، از حضرت ابی عبد الله ﷺ حدیثی مثل حدیث مذکور را نقل کرده است.

متن:

۶- حدَّثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن جميل بن صالح، عن فضيل بن يسار، عن أبي جعفر ﷺ

«قال: زیارة قبر الحسین علیه السلام تعدل حجة مبرورة مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از جمیل ابن صالح، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، حضرت فرمودند: زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام معادل حج مقبولی است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بجا آورده شود.

متن:

۷- حدیثی محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، عن أبیه، عن علی بن مهزیار، عن الحسن بن سعید، عن صفوان بن یحیی، عن حریر، و الحسن بن محبوب، عن جمیل بن صالح، عن فضیل بن یسار، عنهما علیهما السلام «قالا: زیارة قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و زیارة قبور الشهداء و زیارة قبر الحسین علیه السلام تعدل حجة مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی، از حریر و حسن بن محبوب، از جمیل بن صالح، از فضیل بن یسار، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام این دو امام بزرگوار فرمودند: زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و قبور شهداء و قبر حسین بن علی علیهما السلام معادل حجتی است که با پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بجا آورده شود.

متن:

۸- حدَّثني مُحَمَّد بن الحسن، عن مُحَمَّد بن الحسن الصفَّار، عن مُحَمَّد بن عيسى بن عبيد، عن أبي سعيد القمَّاط، عن ابن أبي يعفور «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: لو أنَّ رجلاً أراد الحجَّ ولم يَتَهَيَّأْ له ذلك فأُتِيَ قبر الحسين عليه السلام فعَرَفَ عنده يَجْزئُه ذلك عن الحجَّ».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

محمّد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفّار، از محمد بن عیسی بن عبید، از ابی سعید قمّاط، از ابن ابی یعفور، وی گفت:
از حضرت ابا عبد الله عليه السلام شنیدم که می فرمودند:
اگر شخصی اراده حجّ کند ولی آماده نباشد و در این حال به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام برود پس در روز عرفة نزد حضور بوده و آن جناب را زیارت کند این عمل مجزی از حجّ می باشد یعنی ثواب حجّ را دریافت نموده بدون اینکه عمل حجّ انجام داده باشد.

متن:

۹- حدَّثني مُحَمَّد بن جعفر، عن مُحَمَّد بن الحسين، عن مُحَمَّد بن سنان، عن ابراهيم بن عتبة «قال: كتبت إلى العبد الصالح عليه السلام إن رأی سَيِّدنا أن يخبرني بأفضل ما جاء به في زيارة الحسين عليه السلام و هل تعدل ثواب الحجَّ لمن فاتَه، فكتب عليه السلام: تعدل الحجَّ لمن فاتَه الحجَّ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، از ابراهیم بن عقیبة، وی گفت:

نامه ای محضر مبارک عبد صالح علیه السلام نوشته و در آن عرض کردم: اگر آقا و سرور ما مصلحت دیدند به ما خبر دهند از افضل و برترین ثوابی که در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام وارد شده است و آیا ثواب آن معادل ثواب حج هست از کسی که نتوانسته عمل حج را بجا آورد؟

امام علیه السلام در جوابش مرقوم فرمودند:

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام معادل ثواب حج است برای کسی که حج از دستش رفته است.



﴿ الباب الخامس و الستون ﴾

﴿ في أن زيارة الحسين علیه السلام تعدل حجة و عمرة ﴾

متن:

۱- حدَّثني جعفر بن محمد بن إبراهيم بن عبيد الله بن موسى بن جعفر، عن عبد الله بن أحمد بن نهيك، عن محمد بن أبي عمير، عن الحسن الأحسي، عن أم سعيد الأحسيّة «قالت: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن زيارة قبر الحسين علیه السلام، فقال: تعدل حجة و عمرة، و من الخير هكذا و هكذا - و اوماً بيده -».

﴿ باب شصت و پنجم ﴾

﴿ در بیان اینکه زیارت حضرت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ معادل یک حج و یک عمره می باشند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد ابراهیم بن عیدالله بن موسی بن جعفر، از عبدالله بن احمد بن نهیک، از محمد بن ابی عمیر، از حسن احمسی، از امّ سعید احمسیه، وی گفت: از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرده و از زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

زیارت آن حضرت معادل با یک حج و یک عمره می باشد و از اعمال خیر و پسندیده معادل و مساوی با چنان و چنان است. سپس با دست اشاره به عدد آن اعمال خیر فرمودند.

متن:

۲- و عنه، عن عبدالله بن نهیک، عن ابن ابی عمیر، عن هشام بن الحكم، عن عبدالکریم بن حسان «قال: قلت لأبي عبدالله علیه السلام: ما يقال: إن زیارة قبر أبي عبدالله الحسين علیه السلام تعدل حجة و عمرة فقال: إنما الحج و العمرة ههنا و لو أن رجلاً أراد الحج و لم يتهيأ له فأتاه كتب الله له جنة، و لو أن رجلاً أراد العمرة و لم يتهيأ له فأتاه كتب الله له عمرة».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و از جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبید الله بن موسی بن جعفر، از عبدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از هشام بن حکم، از عبدالکریم بن حسان، وی گفت: محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: این کلام چیست که می گویند: زیارت قبر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام معادل یک حج و عمره می باشد؟ حضرت فرمودند:

معادل بودن با حج و عمره تنها در اینجا اینست که شخص اراده حج نموده و یرایش میسر نباشد پس بجای آن به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام برود که در این فرض خداوند متعال ثواب یک حج یرایش می نویسد و نیز اگر شخص بخواهد عمره رود ولی یرایش میسر نباشد پس بجای آن به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود حق تعالی ثواب یک عمره یرایش ضبط می کند.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ اسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنِ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ «قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَ أَنَا عَنْهُ - فَقَالَ: زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقَالَ إِنَّ الْحُسَيْنَ وَ كَلَّ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلِكٍ شَعْنًا غَيْرًا يَبْكُونُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَبَا أُمِّي رُوي عَنْ أَبِيكَ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ، قَالَ: نَعَمْ؛ حَجَّةً وَ عُمْرَةً - حَتَّى عَدَّ عَشْرَةً -».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن الحسن، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین

ابن سعید، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، وی گفت:

مردی از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرد و من نیز آنجا حاضر بودم، سائل پرسید:

چه اجر و ثوابی است برای کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند؟
حضرت فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشته را به آن حضرت موکل کرده که جملگی ژولیده و غبارآلود بوده و تا روز قیامت برای آن حضرت گریه می‌کنند.

عرض کردم: پدر و مادرم فدایت شوند، از پدر بزرگوارتان نقل شده که فرموده‌اند:

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام معادل حج و عمره است؟
حضرت فرمودند:

بلی، حج و عمره بعد تعداد حج و عمره را شمرده تا به ده حج و عمره رسید.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَائِلِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ، عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ «عَنْ رَجُلٍ سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَقَالَ إِنَّهُ [أ] تَعْدِلُ حَجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ، وَ قَالَ بَيَّيْنَهُ هَكَذَا مِنَ الْخَيْرِ يَقُولُ بِجَمِيعٍ يَذِيهِ هَكَذَا -».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از

حسن بن علی و شاء، از احمد بن عائذ، از ابی خدیجه، از شخصی که از حضرت ابا جعفر علیه السلام راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام سوال کرده بود: امام علیه السلام فرمودند:

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک حج و عمره است و با دست اشاره کردند که معادل این مقدار از اعمال خیر است (تمام انگشتان دو دست را نشان دادند).

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سَلِيمَانَ النَّيْسَابُورِيِّ أَبِي سَعِيدٍ «قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيُّ، عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام حَجَّةٌ، وَمَنْ بَعْدَ الْحَجَّةِ حَجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ» - مَنْ بَعْدَ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ -.

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از محمد بن یحیی، از حمدان بن سلیمان نیشابوری (ابو سعید) وی گفت:

عبدالله بن محمد یمانی، از منیع بن حججاج، از یونس، از هشام بن سالم، از حضرت ابی عبدالله نقل کرد: حضرت فرمودند:

زیارت قبر امام حسین علیه السلام یک حج بوده و بعد از یک حج یعنی بعد از حجة الاسلام) یک حج و یک عمره می باشد.

متن:

۶- و باسناده عن یونس، عن الرضا علیه السلام «قال: من زار قبر الحسين علیه السلام فقد حج و اعتمر، قال: قلت: يطرح عنه حجة الإسلام؟ قال: لا هي حجة الضعیف حتی یقوی و یحجّ إلى بیت الله الحرام، أما علمت انّ البیت يطوف به کل يوم سبعون ألف ملك حتی إذا أدركهم اللیل صعودوا، و نزل غیرهم فطافوا بالبیت حتی الصّباح، و أنّ الحسين علیه السلام لأکرم علی الله من البیت و أنّه فی وقت کلّ صلاوة لیزل علیه سبعون ألف ملک شعث غیر، لا تقع علیهم التوبة إلى يوم القيامة».



ترجمه:

و باسناد ابو سعید، از یونس، از حضرت رضا علیه السلام، حضرت فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت بکند پس یک حج و یک عمره به جا آورده.

راوی می گوید: عرض کردم یعنی حجة الإسلام از او دیگر ساقط است؟ حضرت فرمودند: خیر مقصود این است که این زیارت حج افراد ضعیف محسوب شده تا قوی گردند و به بیت الله الحرام بروند، آیا نمی دانی که هر روز هفتاد هزار فرشته بیت الله را طواف کرده تا شب فرا برسد و پس از آمدن شب به آسمان رفته و فرشتگان دیگر نازل شده و تا صبح بیت را طواف می کنند و اما حضرت امام حسین علیه السلام نزد خدا عزیزتر از بیت بوده و در هر وقت نماز هفتاد هزار فرشته که جملگی زولیده و غبارآلود و گرفته هستند نازل شده و قبر مطهر را طواف می کنند و تا روز قیامت به ایشان دیگر نوبت نمی رسد.

متن:

۷- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الحمِيدِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ أُمِّ سَعِيدِ الأَحْمَسِيَّةِ «قَالَتْ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَيُّ شَيْءٍ تَذَكَّرُ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام مِنَ الْفَضْلِ؟ قَالَ: تَذَكَّرُ فِيهِ يَا أُمَّ سَعِيدٍ فَضْلَ حِجَّةٍ وَ عَمْرَةٍ، وَ خَيْرَهَا كَذَا - وَ بَسَطَ يَدَيْهِ وَ نَكَسَ أَصَابِعَهُ -».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد و محمد بن عبدالحمید، از یونس بن یعقوب، از ام سَعِيدِ اَحْمَسِيَّةِ وی گفت: محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه فضیلتی را در زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام ذکر می فرمایید؟ حضرت فرمود:

ای ام سَعِيدِ فضیلت یک حج و عمره را در آن ذکر می کنیم و بهتر از آن چنین است و همزمان با گفتن این عبارت اخیر دو دستشان را باز کرده و انگشتانشان را برگرداندند به طوری که کف دست به طرف روی مبارک و روی دست به طرف مخاطب واقع شد.

متن:

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ حَبِيبٍ، عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ وَكُلَّ

الله بقبر الحسين ﷺ أربعة آلاف ملك شعناً غبراً يبيكونه إلى يوم القيامة، وإتيانه يعدل حجة و عمرة و قبور الشهداء».

ترجمہ:

﴿ حدیث ہشتم ﴾

محمد بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسین صفار، از احمد بن محمد بن عیسیٰ، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد، از حبیب، از فضیل بن یسار، وی می گوید:

از حضرت اباعبدالله ﷺ، شنیدم که می فرمود:

خداوند متعال چهار هزار فرشته که جملگی زولیده و غبارآلود و گرفته هستند را بر قبر حضرت امام حسین ﷺ موکل قرار داد و ایشان تا روز قیامت بر آن حضرت گریه می کنند و زیارت آن حضرت معادل یک حج و یک عمره بوده و زیارت قبور شهداء (مقصود شهداء احد می باشد) نیز همین فضیلت را دارد.

متن:

۹- حدیثی أبي - رحمه الله - و جماعة مشايخي عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علي الكوفي عن العباس بن عامر، عن أبان، عن الحسين بن عطية أبي الناب، عن بتياع السابري «قال: سمعت أبا عبدالله ﷺ و هو يقول من أتى قبر الحسين ﷺ كتب الله له حجة و عمرة، أو عمرة و حجة و - ذكر الحديث -».

ترجمہ:

﴿ حدیث نهم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از حسن ابن علی کوفی، از عباس بن عامر، از ابان، از حسین بن عطیة «ابی الناب» بیاع

السابری، وی گفت:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رود خداوند یک حج و عمره یا عمره
و یک حج برایش می نویسد.

متن:

۱۰- و یاسناده، عن العباس بن عامر، عن أبان بن عثمان قال: حدَّثني
أبو خلّان الكنديّ، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: من أتى قبر الحسين علیه السلام كتب
الله له حجّة وعمره».



﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

و سعد بن عبدالله به اسنادش، از عباس بن عامر، از أبان بن عثمان وی می گوید:
ابو خلّان کنندی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
کسی که به زیارت قبر حضرت حسین علیه السلام رود خداوند یک حج و عمره برایش
می نویسد.

متن:

۱۱- و حدَّثني محمد بن الحسن بن علیّ، عن أبيه، عن جدّه علی بن
مهزیار، عن أبي القاسم، عن القاسم بن محمد، عن إسحاق بن إبراهيم،
عن هارون بن خارجه «قال: سألت رجل أبا عبد الله علیه السلام - في حديث له
طويل يقول في آخره: - بأبي أنت وأمي رووا عن أبيك في الحج؟ قال: نعم
حجّة وعمره - حتى عدّ عشرة -».

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن علی، از پدرش، از جدش علی بن مهزیار، از ابی القاسم، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، وی گفت:
مردی در ضمن حدیث طولانی از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرد و در آخر آن محضر مبارک آن جناب عرضه داشت: پدر و مادرم فدایت شوند راویان از پدر بزرگوارتان روایت کرده اند که ثواب زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام معادل یک حج است آیا این مضمون صحیح می باشد؟
حضرت فرمودند:

بلی، بلکه یک حج و عمره و دو حج و دو عمره ... و همین طور بالا رفتند تا ده حج را ذکر نمودند.



متن:

۱۲ - حدّثنی اَبی و جماعة مشایخ - رحمهم الله - عن محمد بن یحیی العطار، عن العمرکی - عن حدّثه - عن محمد بن الحسن، عن محمد بن فضیل، عن محمد بن مصادف قال: حدّثنی مالک الجهنی، عن اَبی جعفر علیه السلام فی زیارة قبر الحسین علیه السلام «قال: من أتاه زائراً له عارفاً بحقه كتب الله له حجة، و لم یزل محفوظاً حتّی یرجع، قال: فأت مالک فی تلك السنة و حجت فدخلت علی اَبی عبدالله علیه السلام فقلت: إنّ مالک حدّثنی بحديث عن اَبی جعفر علیه السلام، فی زیارة قبر الحسین علیه السلام، قال: هاته، فحدّثته فلمّا فرغت، قال: نعم یا محمد حجة و عمره».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمه الله علیهم، از محمد بن یحیی عطار، از عمرکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از محمد بن الحسن، از محمد بن فضیل، از محمد بن مصادف، وی می گوید:

مالک جهنی از حضرت ابی جعفر برایم نقل کرد که آن حضرت راجع به زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رود در حالیکه عارف و آگاه به حق آن جناب باشد خداوند یک حج برای او می نویسد و پیوسته محفوظ و برقرار هست تا به اهلش مراجعت کند.

راوی می گوید: مالک در همان سال فوت کرد و من به حج رفته و بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام وارد شدم و محضر مبارکش عرض کردم:

مالک حدیثی را از حضرت ابی جعفر علیه السلام راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برایم نقل نمود.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

حدیث را بیان کن.

پس حدیث را نقل کرده و هنگامی که فارغ شدم، حضرت فرمودند:

بلی ثواب زیارت آن حضرت معادل یک حج و عمره می باشد.

متن:

۱۳- و حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن محمد بن یحیی العطار؛ و احمد بن إدريس، عن العمرکی - عمن حدّثه - عن حماد بن عیسی، عن الحسین بن المختار «قال: سألت أبا عبدالله علیه السلام عن زیارة قبر الحسین علیه السلام، فقال: فیها حجة و عمره».

ترجمه:

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی، از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی العطّار؛ و احمد بن ادریس، از عمرکی، از کسی که برای او حدیث گفته، از حماد بن عیسی، از حسین بن مختار، وی می‌گوید:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام سؤال کردم؟

حضرت فرمودند:

اجر این زیارت به مقدار ثواب یک حج و عمره می‌باشد.

متن:

۱۴- و حدّثنی ابي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علی الزیتونی، عن هارون بن مسلم، عن عیسی بن راشد «قال: سألت أبا عبدالله علیه السلام فقلت: جعلت فداك ما لمن زار قبر الحسين علیه السلام و صَلَّى عنده ركعتین؟ قال: كتبت له حجّة و عمرة قال: قلت له: جعلت فداك و كذلك كل من أتى قبر إمام مفترض طاعته؟ قال: و كذلك كل من أتى قبر إمام مفترض طاعته».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

و پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی زیتونی، از هارون بن مسلم، از عیسی بن راشد وی می‌گوید:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرده و محضر مبارکش عرضه داشتیم:

فدايت شوم: کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و دو رکعت نماز آنجا بخواند ثواب آن چیست؟

حضرت در جواب فرمودند:

برای او یک حج و عمره نوشته می شود.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم و همچنین است ثواب

هر کسی که به زیارت قبر امام مفترض الطاعة برود؟

حضرت فرمودند:

و همین طور است هر کسی که به زیارت قبر امامی که طاعتش فرض و واجب

است رود.

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ الْكُوفِيُّ الرَّزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ يَزِيدِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ «قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَرَقِمْ عَلَيَّ حِمْرًا، فَقَالَ: أَيْنَ يَرِيدُونَ هَؤُلَاءِ؟ قُلْتُ: قُبُورُ الشَّهَدَاءِ، قَالَ: فَمَا يَمْنَعُهُمْ مِنْ زِيَارَةِ الشَّهِيدِ الْغَرِيبِ؟» قَالَ: فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ: زِيَارَتُهُ وَاجِبَةٌ؟ قَالَ: زِيَارَتُهُ خَيْرٌ مِنْ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ - حَتَّى عَدَّ عَشْرِينَ حَجَّةً وَعُمْرَةً -، ثُمَّ قَالَ: مَبْرُورَاتٌ مُتَقَبَّلَاتٌ، قَالَ: فَوَاللَّهِ مَا قُتْتُ مِنْ عِنْدِهِ حَتَّى أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: إِنِّي قَدْ حَجَجْتُ تِسْعَةَ عَشَرَ حَجَّةً، فَادْعَ اللَّهَ لِي أَنْ يَرْزُقَنِي تِمَامَ الْعَشْرِينَ، قَالَ: فَهَلْ زُرْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قَالَ: لَا، قَالَ: إِنَّ زِيَارَتَهُ خَيْرٌ مِنْ عَشْرِينَ حَجَّةً».

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی کوفی رزازی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل

ابن بزیع، از صالح بن عقبه، از یزید بن عبدالمک و می گوید:

در محضر مبارك حضرت ابی عبدالله علیه السلام بودم در این هنگام گروهی که بر درازگوش‌ها سوار بودند عبور کردند، حضرت فرمودند:

ایشان اراده کجا دارند؟

عرض کردم: زیارت قبور شهداء.

فرمودند:

چه چیز ایشان را بازداشت از زیارت شهید غریب؟!!

راوی می‌گوید: شخصی از اهل عراق به آن حضرت عرض کرد:

آیا زیارت او واجب است؟

حضرت فرمودند:

زیارت آن جناب بهتر از یک حج و یک عمره، از دو حج و دو عمره و پیوسته بر آن می‌افزودند تا فرمودند: بهتر از بیست حج و بیست عمره می‌باشد و سپس افزودند:

از بیست حج و عمره مقبول و پذیرفته شده بهتر است.

راوی می‌گوید: به خدا سوگند از محضر مبارکش برنخاستم تا اینکه شخصی خدمتش مشرف شد و به آن حضرت عرض کرد: من نوزده حج به جا آورده‌ام تقاضا دارم از خدا بخواهید که یک حج دیگر روزی من کرده تا بیست حج برایم کامل باشد.

حضرت به وی فرمودند:

آیا قبر حضرت حسین علیه السلام را زیارت کرده‌ای؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمود:

زیارت آن حضرت از بیست حج بهتر است.

﴿الباب السادس و الستون﴾
 ﴿إن زیارة الحسین علیه السلام تعدل حججاً﴾

متن:

۱- حدّثنی اُبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن سنان، عن الحسین بن مختار، عن زید الشّحام، عن اُبی عبدالله علیه السلام «قال: زیارة الحسین علیه السلام تعدل عشرين حجة، و أفضل من عشرين حجة».

و حدّثنی محمد بن یعقوب، عن عدّة من أصحابه، عن احمد بن محمد باسناده مثله.



﴿باب شصت و ششم﴾

﴿زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل چند حج می باشد﴾

﴿حدیث اوّل﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد ابن سنان، از حسین بن مختار، از زید شحام، از حضرت اُبی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

زیارت امام حسین علیه السلام:

معادل بیست حج بلکه برتر از بیست حج می باشد.

و محمد بن یعقوب، از عدّه ای اصحاب، از احمد بن محمد به اسنادش مثل همین حدیث را نقل نموده.

متن:

۴ - حدَّثني مُحَمَّد بن الحسن، عن مُحَمَّد بن الحسن الصَّفار، عن احمد ابن مُحَمَّد بن عيسى، عن مُحَمَّد بن اسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة، عن أبي سعيد المدائني «قال: دخلت على أبي عبدالله عليه السلام فقلت: جعلت فداك أتى قبر الحسين عليه السلام؟ قل: نعم يا أبا سعيد أنت قبر الحسين ابن رسول الله صلى الله عليه وآله أطيب الأَطيبين، وأطهر الطَّاهرين، وأبرَّ الأبرار، فإنَّك إذا ذرته كتب الله لك به خمسة وعشرين حجَّة».

حدَّثني مُحَمَّد بن يعقوب، عن مُحَمَّد بن يحيى، عن مُحَمَّد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن مُحَمَّد بن اسماعيل بإسناده مثله.



حدیث دوم

ترجمه:

مُحَمَّد بن الحسن، از مُحَمَّد بن الحسن الصَّفار، از احمد بن مُحَمَّد بن عيسى، از مُحَمَّد بن اسماعيل بن بزيع، از صالح بن عقبة، از سعيد مدائني، وی گفت: بر حضرت ابی عبدالله عليه السلام داخل شده عرض کردم: فدایت شوم به زیارت قبر حسین عليه السلام بروم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای ابا سعید به زیارت قبر حضرت حسین بن علی عليه السلام که فرزند رسول خدا صلى الله عليه وآله و پاکیزه ترین پاکان و نیکوکارترین نیکوکاران است برو زیرا وقتی آن حضرت را زیارت کردی خداوند متعال ثواب بیست و پنج حجّ برای تو می نویسد.

مُحَمَّد بن یعقوب، از مُحَمَّد بن یحیی، از مُحَمَّد بن الحسین بن ابی الخطاب، از مُحَمَّد بن اسماعیل باسنادش مثل همین خبر را نقل نموده.

متن:

۳- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ، عَنْ شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ - أَوْ عَنْ رَجُلٍ - عَنْ شَهَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ سَأَلَنِي فَقَالَ: يَا شَهَابُ كَمْ حَجَجْتَ مِنْ حَجَّةٍ؟ فَقُلْتُ: تِسْعَةَ عَشَرَ حَجَّةً، فَقَالَ لِي: تَمَّهَا عَشْرِينَ حَجَّةً، تَحْسِبُ لَكَ بَزِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از احمد بن نصر، از شهاب بن عبد ربّه یا از مردی، از شهاب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، شهاب می گوید: امام علیه السلام از من سؤال نموده و فرمودند:



ای شهاب چند بار به حج رفته ای؟

عرض کردم: نوزده مرتبه.

فرمودند:

آن را به بیست مرتبه تنمیم و تکمیل نما تا برایت آن ها را معادل یک زیارت حضرت امام حسین علیه السلام حساب کنند.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ ابْنِ سَنَانٍ، عَنْ حَذِيفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَمْ حَجَجْتَ؟ قُلْتُ: تِسْعَةَ عَشَرَ، قَالَ: فَقَالَ: أَمَا إِنَّكَ لَوْ أَتَمَمْتَ إِحْدَى وَعَشْرِينَ حَجَّةً لَكُنْتَ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عليه السلام».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

ابوالعبّاس می گوید:

محمد بن الحسین، از ابن سنان، از حذیفه بن منصور نقل کرده، وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

چند مرتبه به حج رفته‌ای؟

عرض کردم: نوزده بار.

فرمودند:

بدان اگر آنرا به بیست و یک بار برسانی مانند کسی هستی که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را نموده است.

متن:



۵ - حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعید بن عبدالله، عن محمد بن الحسین ابن اَبی الخطاب، عن محمد بن سنان، عن محمد بن صدقة، عن صالح الثبلی «قال: قال أبو عبدالله علیه السلام: من أتى قبر الحسین علیه السلام عارفاً بحقه کان کمن حجّ مائة حجّة مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین بن اَبی الخطاب، از محمد بن سنان، از محمد بن صدقه، از صالح نیلی، وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود در حالی که به حقّ آن حضرت آگاه و مطلع باشد مثل کسی است که صد مرتبه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حجّ بجا آورده باشد.

متن:

۶- و عنه، عن سعد، عن محمد بن الحسن، عن محمد بن صدقة، عن مالك بن عطية، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من زار الحسين عليه السلام كتب الله له ثمانين حجة مبرورة».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

از پدرم، از سعد، از محمد بن الحسن، از محمد بن صدقه، از مالك بن عطية، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام حضرت فرمودند:
کسی که حضرت امام حسین عليه السلام را زیارت کند خداوند متعال برایش هشتاد حج مقبول منظور می دارد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۷- حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْكُوفِيُّ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ الْخَيْبَرِيِّ، عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: قَدِمَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي أَوَّلِ وَلَايَةِ أَبِي جَعْفَرٍ فَنَزَلَ النُّجُفَ، فَقَالَ: يَا مُوسَى اذْهَبْ إِلَى الطَّرِيقِ الْأَعْظَمِ فَقِفْ عَلَى الطَّرِيقِ فَانْظُرْ فَإِنَّهُ سَيَأْتِيكَ رَجُلٌ مِنْ نَاحِيَةِ الْقَادِسِيَّةِ، فَإِذَا دَنَا مِنْكَ فَقُلْ لَهُ هُهْنَا رَجُلٌ مِنْ وَلَدِ رَسُولِ اللَّهِ يَدْعُوكَ، فَيَسْجِيءُ مَعَكَ، قَالَ: فَذَهَبْتُ حَتَّى قَمْتُ عَلَى الطَّرِيقِ عَلَى الطَّرِيقِ وَالْحَرَّ شَدِيدٌ، فَلَمْ أَزَلْ قَائِمًا حَتَّى كَدْتُ أُعْصِي وَأَنْصَرِفَ وَأَدْعُهُ، إِذْ نَظَرْتُ إِلَى شَيْءٍ يَقْبَلُ شَبْهَ رَجُلٍ عَلَى بَعِيرٍ فَلَمْ أَزَلْ أَنْظُرْ إِلَيْهِ حَتَّى دَنَا مِنِّي فَقُلْتُ: يَا هَذَا هُهْنَا رَجُلٌ مِنْ وَلَدِ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام يَدْعُوكَ وَقَدْ وَصَفَكَ لِي، قَالَ: اذْهَبْ بِنَا إِلَيْهِ، قَالَ: فَجِئْتُ بِهِ حَتَّى أَنَاخَ بَعِيرَهُ نَاحِيَةَ قَرِيبًا مِنَ الْخِيْمَةِ، فَدَعَا بِهِ

فدخل الأعرابي إليه ودنوت أنا فصرت إلى باب الخيمة أسمع الكلام ولا أراهم، فقال أبو عبد الله عليه السلام: من أين قدمتم؟ قال: من أقصى اليمن، قال: أنت من موضع كذا وكذا؟ قال: نعم أنا من موضع كذا وكذا، قال: فيها جنت ههنا؟ قال: جنت زائراً للحسين عليه السلام، فقال أبو عبد الله عليه السلام: فجئت من غير حاجة ليس إلا للزيارة؟ قال: جئت من غير حاجة إلا أن أصلي عنده وازوره فأسلم عليه وأرجع إلى أهلي، فقال أبو عبد الله عليه السلام: وما ترون في زيارته؟ قال: نرى في زيارته البركة في أنفسنا وأهالينا وأولادنا وأموالنا ومعاشنا وقضاء حوائجنا، قال: فقال أبو عبد الله عليه السلام: أفلا أزيدك من فضله فضلاً يا أخا اليمني؟ قال: زدني يا ابن رسول الله، قال: إن زيارة الحسين عليه السلام تعدل حجة مقبولة زاكية مع رسول الله، فتعجب من ذلك، قال: إي والله وحتيّن مبرورين متقّلين من زاكيتين مع رسول الله عليه السلام، فتعجب! فلم يزل أبو عبد الله عليه السلام يزيد حتى قال ثلاثين حجة مبرورة متقبّلة زاكية مع رسول الله عليه السلام.

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

ابوالعبّاس کوفی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از خبیری، از موسی بن قاسم حضرمی وی می گوید:

حضرت ابو عبد الله عليه السلام در ابتداء حکومت ابوجعفر عباسی (منصور دوانیقی) وارد عراق شده و در نجف نزول اجلال فرمودند، به من فرمودند:

ای موسی، برو کنار جاده بزرگ بایست و منتظر باش که عنقریب مردی از طرف قادسیه خواهد آمد، هرگاه نزدیک تو شد به وی بگو: یکی از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را می خواند، او بزودی با تو خواهد آمد.

موسی می گوید: پس من به طرف جاده مزبور رفته و به آنجا رسیدم و کنار آن ایستاده و هوا بسیار گرم بود، پیوسته در آنجا ایستاده بودم بحدی که نزدیک بود مخالفت کرده و برگشته و ملاقات با او را ترک کنم، در این هنگام چشمم به چیزی خورد که به جلو می آید و شبیه مردی است که روی شتری نشسته، پس چشم به آن درخته تا نزدیک به من شد به او گفتم: ای مرد در اینجا یکی از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، و شما را می خواند ایشان شما را به من معرفی کرده و پیام برایت فرستاده اند.

مرد گفت: با هم به خدمتش برویم.

موسی می گوید: او را بردم تا به نزدیک خیمه رسیدیم، وی شترش را خواباند و درب خیمه آستاد منتظر اذن دخول بود، پس حضرت از درون خیمه او را خواندند، اعرابی داخل خیمه شد و من نیز نزدیک شده تا درب خیمه رسیده و سخن ایشان را می شنیدم ولی آنها را نمی دیدم.

حضرت ابو عبدالله علیه السلام به وی فرمودند: از کجا آمدی؟

او گفت: از دورترین نواحی یمن.

حضرت فرمودند: تو از فلان و فلان مکان هستی؟

او عرض کرد: بلی من از فلان موضع می باشم.

حضرت فرمودند: برای چه به این صوب آمدی؟

عرض کرد: به قصد زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام آمدم.

حضرت فرمودند:

تنها برای زیارت آمده و هیچ حاجت دیگری نداشتی؟

عرض کرد: هیچ حاجتی نداشتم مگر آنکه به سر قبر مطهر آن حضرت رفته

و نماز آنجا خوانده و جنباش را زیارت کرده و سپس از حضرتش خدا حافظی

کرده و به اهل و خویشانم برگردم.

حضرت فرمودند: در زیارت آن حضرت چه می بینید؟

عرض کرد: در زیارتش برکت در عمر خود و اهل و اولاد و اموال و معاشمان بوده و حوائج و خواسته‌هایمان بر آورده شده و برطرف می‌گردد.

موسی می‌گوید: امام علیه السلام به وی فرمودند:

ای برادر یمنی آیا از فضیلت زیارت آن حضرت بیشتر از این برایت نگویم؟
آن مرد عرض کرد: ای پسر رسول خدا زیادتر بفرمائید:

حضرت فرمودند:

زیارت امام حسین علیه السلام معادل یک حج مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام شود.

آن مرد از این گفتار تعجب کرد.

حضرت فرمودند: آری، به خدا سوگند معادل دو حج مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام شود.

آن مرد بر تعجبش افزوده شد پس بدین ترتیب امام علیه السلام بر تعداد حج‌های مقبول می‌افزودند تا اینکه در آخر فرمودند:

زیارت آن حضرت معادل با سی حج مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام گیرد.

متن:

۸- و حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
ابن عيسى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ
عبد الملك «قال: كنت مع أبي عبد الله عليه السلام فَرَقَّ قَوْمٌ عَلَى حُمْرٍ، [فَأَقَالَ لِي:]
أَيْنَ يَرِيدُ هَؤُلَاءِ؟ قلت: قبور الشهداء، قال: فَمَا يَمْنَعُهُمْ مِنْ زِيَارَةِ
الْغَرِيبِ الشَّهِيدِ؟! فقال له رجل من أهل العراق: زيارته واجبه فقال
زيارته خير من حجة وعمره وعمره وحجة - حتى عدَّ عشرين حجة

و عشرين عمرة - ثم قال: مبرورات متقبلات، قال: فوالله ما قت حقّ أتاها رجل فقال: إني حججت تسعة عشر حجة فادع الله أن يرزقني تمام العشرين، قال: فهل زرت قبر الحسين عليه السلام؟ قال: لا، قال: لزيارته خير من عشرين حجة».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از یزید بن عبدالملک وی می گوید:
محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام بودم پس گروهی که بر درازگوش ها سوار بودند بر ما گذشتند.

حضرت به من فرمودند: اینها قصد کجا را دارند؟

عرض کردم: به زیارت قبور شهدای می روند.

فرمودند: چه چیز ایشان را از زیارت غریب شهید باز داشت؟!؟

مردی از اهل عراق محضر مبارکش عرض کرد: آیا زیارت آن حضرت (امام حسین علیه السلام) واجب است؟

حضرت فرمودند: زیارت آن جناب از یک حج و عمره و یک عمره و یک حج بهتر است سپس حضرت تعداد حج و عمره ها را زیاد کرده تا بیست حج و بیست عمره شمردند و بعد فرمودند:

الْبَتَّةَ تمام آنها مقبول و مبرور باشند.

راوی می گوید:

به خدا سوگند از محضرش مرتخص نشده بودم که مردی آمد و حضورش رسید و عرض کرد:

من نوزده حج انجام داده ام، از خداوند بخواهید که یک حج دیگر نصیبم شده

و بدین ترتیب تا عدد بیست کامل گردد.

حضرت فرمودند: آیا قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کرده‌ای؟

آن مرد عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

زیارت آن حضرت از بیست حجّ بهتر می‌باشد.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي أَبِي: وَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ - رَحِمَهُمَا اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ سَعْدَانَ، عَنْ مُسْعِدَةَ بِنِ صَدْقَةَ «قَالَ: قُلْتُ: لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قَالَ: تَكْتُبُ لَهُ حِجَّةٌ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جَعَلْتَ فِذَاكَ حِجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم؟ قَالَ: نَعَمْ وَ حِجَّتَانِ، قَالَ: قُلْتُ: جَعَلْتَ فِذَاكَ حِجَّتَانِ؟ قَالَ: نَعَمْ وَ ثَلَاثَ، فَمَا زَالَ يَعِدُّ حَتَّى بَلَغَ عَشْرًا قُلْتُ: جَعَلْتَ فِذَاكَ عَشْرَ حَجَجٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم؟ قَالَ: نَعَمْ وَ عَشْرُونَ حِجَّةً، قُلْتُ: جَعَلْتَ فِذَاكَ وَ عَشْرُونَ؟ فَمَا زَالَ يَعِدُّ حَتَّى بَلَغَ خَمْسِينَ، فَسَكَتَ».

ترجمه:

﴿ حدیث نهم ﴾

پدرم و علی بن الحسین رحمة الله علیهما، از سعد بن عبدالله، از ابی القاسم هارون بن مسلم بن سعدان، از مسعدة بن صدقه، وی می‌گوید:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: برای کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند چه اجر و ثوابی است؟

حضرت فرمودند:

ثواب یک حجی که با رسول خدا بجا آورند می باشد.
راوی می گوید: محضرش عرضه داشتیم: فدایت شوم، ثواب یک حج با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ۱۱؟

حضرت فرمودند: بلی بلکه ثواب دو حج.
راوی می گوید: عرض کردم: فدایت شوم، ثواب دو حج؟
امام (علیه السلام) فرمودند: بلی بلکه ثواب سه حج و پیوسته تعداد حج ها را حضرت اضافه می کردند تا به ده حج رسیدند.

عرض کردم: فدایت شوم، ثواب ده حج با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) !!
امام (علیه السلام) فرمودند: بلی بلکه ثواب بیست حج.
عرض کردم: فدایت شوم، ثواب بیست حج؟
پس پیوسته عدد حج ها را بالا می بردند تا به پنجاه تا رسید و دیگر سکوت اختیار فرمودند.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

۱۰ - و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَكْفٍ؟ قَالَ: يَكْتُبُ لَهُ أَلْفَ حُجَّةٍ وَأَلْفَ عَمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ، وَإِنْ كَانَ شَقِيئًا كُتِبَ سَعِيدًا، وَلَمْ يَزَلْ يَخُوضُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

و مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ، از مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، از أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، از پدرش، از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَغِيرَةَ، از أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) بن مایمون قَدَّاح، از حضرت

ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید: محضرش عرض کردم:

برای کسی که به زیارت امام حسین علیه السلام رود در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه بوده و هیچ استکبار و استنکافی از زیارتش نداشته باشد چه اجر و ثوابی می باشد؟

حضرت فرمودند:

برای او ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول می نویسند و اگر شقی بوده سعید محسوس می کنند و پیوسته در رحمت خدا غوطه ور است.

﴿الباب السابع والستون﴾

﴿إِنْ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ علیه السلام تَعْدِلَ عَقَقَ الرِّقَابِ﴾

مرزفتی که پیوسته در رحمت خدا غوطه ور است

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْكُوفِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الزِّيَّاتِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدْقَةَ، عَنْ صَالِحِ النَّيْلِيِّ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ مَنْ أَعْتَقَ أَلْفَ نَسَمَةٍ، وَكَمَنْ حَمَلَ عَلَى أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَسْرُجَةً مُلْجَمَةً».

حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

﴿ باب شصت و هفتم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین معادل با آزاد کردن بندگان می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاق کوفی، از محمد بن الحسین زیات، از محمد بن سنان، از محمد بن صدقه، از صالح نبلی، وی می گوید:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت حسین علیه السلام رفته در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد حق تعالی اجر و ثواب کسی که هزار بنده آزاد کرده است را به او داده و وی مانند کسی است که هزار اسب را زین نموده و لجام زده و در راه خدا با آنها جهاد کرده باشد.

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب یاسنادش حدیثی نظیر حدیث گذشته را نقل نموده است.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْقُرَشِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ سَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جَعَلْتَ فِدَاكَ أُمَّ قَبْرِ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، يَا أَبَا سَعِيدٍ إِنَّ قَبْرَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ أَطْيَبُ الطَّيِّبِينَ وَأَطْهَرُ الْأَطْهَرِينَ وَابْرَأُ الْأَبْرَارِ فَإِذَا زَرْتَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ عَقْدَ خَمْسَةِ وَعَشْرِينَ رَقَبَةً».

حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ

احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن
ابی سعید المدائنی قال: قلت: لأبی عبدالله علیه السلام ... و ذکر مثله.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابو العباس قرشی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه،
از ابوسعید مدائنی، وی می گوید:

محضر حضرت ابو عبدالله علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، آیا به زیارت قبر فرزند
رسول خدا صلی الله علیه و آله بروم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای ابوسعید به زیارت قبر فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله که پاکیزه ترین پاکیزه گان
و نیکوکارترین نیکوکاران هست برو و وقتی آن حضرت را زیارت کردی
خداوند متعال برای تو ثواب آزاد کردن بیست و پنج بنده را می نویسد.

پدرم رحمه الله علیه از عده ای اصحاب، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن
عیسی، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابوسعید مدائنی نقل کرده که
وی گفت:

محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم ... و نظیر همین حدیث را نقل کرده.

﴿ الباب الثامن و الستون ﴾

﴿ ان زوار الحسین علیه السلام مشفقون ﴾

متن:

۱ - حدثني محمد بن الحسين بن مَتَّ الجوهري، عن محمد بن احمد بن
يحيى بن عمران الأشعري، عن موسى بن عمر، عن علي بن النعمان، عن

عبدالله بن مسکان «قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: إِنَّ الله تبارك و تعالى يتجلى لزوّار قبر الحسين علیه السلام قبل اهل عرفات و يقضي حوائجهم، و يغفر ذنوبهم، و يشفعهم في مسائلهم، ثم یتقی بأهل عرفات فيفعل بهم ذلك».

﴿ باب شصت و هشتم ﴾

﴿ زوّار حضرت امام حسین علیه السلام شفاعت دیگران را می‌کنند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسین بن مّت جوهری، از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری، از موسی بن عمر، از علی بن نعمان، از عبدالله بن مسکان وی می‌گوید: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: خداوند تبارک و تعالی برای زوّار قبر حضرت امام حسین علیه السلام قبل از اهل عرفات تجلی کرده و حوائج آنها را برآورده و گناهانشان را آمرزیده و در مسائل و خواسته‌هایشان شفاعتشان را کرده و سپس توجّه به اهل عرفات نموده و آنچه در حق زوّار امام حسین علیه السلام منظور نمود برای ایشان نیز ملحوظ می‌دارد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدٍ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى - عَنْ رَجُلٍ - عَنْ سَيْفِ الثَّمَارِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قال: سمعته يقول: زائر الحسين علیه السلام مشقّع يوم القيامة لمائة رجل كلّهم قد وجبت لهم النار ممن كان في الدنيا من المسرّفين».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن الحسن و علي بن الحسين جملگی، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی بن عبید، از صفوان بن یحیی، از مردی از سیف ثمار، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:

شنیدم حضرت امام صادق علیه السلام می فرمودند:

زائر امام حسین علیه السلام در روز قیامت صد نفر که همگی اهل دوزخ بوده و در دنیا از مسرفین بودند را شفاعت می کند.

متن:

۳- حدیثی ابی - رحمه الله - و محمد بن الحسن؛ و علی بن الحسین؛ و علی بن محمد بن قولویه جمیعاً، عن احمد بن إدريس؛ و محمد بن یحیی، عن العمرکی بن علی البوفکی قال: حدَّثنا یحیی - و كان في خدمته أبی جعفر الثاني - عن علي، عن صفوان الجمال، عن أبي عبدالله علیه السلام - في حدیث له طویل - «قلت فما لمن قتل عنده - يعني عند قبر الحسين علیه السلام - جار علیه السلطان فقتله، قال: أول قطرة من دمه يغفر له بها كل خطيئة، و تغسل طينة التي خلق منها الملائكة حتى يخلص كما خصلت الأنبياء المخلصين، و يذهب عنها ما كان خالطها من أدناس طين أهل الكفر و الفساد، و يغسل قلبه و يشرح و يملأ إيماناً، فيلقى الله و هو مخلص من كل ما تخالطه الأبدان و القلوب، و يكتب له شفاعة في أهل بيته و ألف من إخوانه، و تتولى الصلاة عليه الملائكة مع جبرئيل و ملك الموت، و يؤتي بكفنه و حنوطه من الجنة، و يوسع قبره و يوضع له مصابيح في قبره، و يفتح له باب من من الجنة، و تأتيه الملائكة بطرف من الجنة،

و یرفع بعد ثمانية عشر يوماً إلى خطيرة القدس، فلا يزال فيها مع اولياء الله حتى تصيبه النفخة التي لا تبقى شيئاً. فإذا كانت النفخة الثانية وخرج من قبره كان أول من يصفحه رسول الله صلی الله علیه و آله و أمير المؤمنين و الأوصياء علیهم السلام و يشّرونه و يقولون له: أئزمنّا و یقیمونه علی الخوض، فیشرّب منه و یسقی من أحبّ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و محمد بن الحسن و علی بن الحسین و علی بن محمد بن قولویه جملگی، از احمد بن ادریس و محمد بن یحیی، از عمرکی بن علی بوفکی، وی می گوید:

یحیی که در خدمت ابو جعفر ثانی (از خلفاء عباسی) بود، از علی، از صفوان جمال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام در ضمن حدیث طولانی نقل کرده.....

مترجم گوید:

این حدیث بطور تمام و مشروح در باب چهل و چهارم ذیل حدیث شماره (۲) نقل و ترجمه شده لذا از ترجمه مکرر خودداری می نمایم.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي أَبِي - رحمه الله - عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن محمد ابن اورمة، عن أبي عبدالله المؤمن، عن ابن مسكان، عن سليمان بن خالد، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: سمعته يقول: ان الله في كل يوم و ليلة مائة ألف لحظة إلى الأرض يغفر لمن شاء منه و يعذب من يشاء منه و يغفر لزارئي قبر الحسين علیه السلام خاصة و لأهل بيته و لمن يشفع له يوم القيامة

کائناً من کان و [إِنْ كَانَ رَجُلًا قَدْ اسْتَوْجِبَهُ النَّارُ، قَالَ:] قلت: و إِنْ كَانَ رَجُلًا قَدْ اسْتَوْجِبَهُ النَّارُ؟ قَالَ: و إِنْ كَانَ مَا لَمْ يَكُنْ نَاصِبِيًّا».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از حسين بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از ابی عبدالله مؤمن از ابن مسكان، از سليمان بن خالد، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، وی می گوید:

از حضرت امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمودند:

خداوند عزوجل در هر روز و هر شب صد هزار بار نظر به سکنه زمین می فرماید و در هر نظر هر کس را که بخواند آمرزیده و هر کس را که بخواند عذاب نموده و زائرین قبر حضرت امام حسین عليه السلام را بالخصوص و نیز اهل بیت ایشان و کسانی را که زائرین در روز قیامت شفاعت آنها را می کنند خواهد آمرزید. ناگفته نماند اشخاص شفاعت شده هر کس و هر شخصی که باشد مشمول آمرزش حق تعالی قرار خواهد گرفت اگر چه کسی بوده که مستوجب آتش دوزخ باشد. راوی می گوید: عرض کردم: اگر چه کسی بوده که مستحق آتش دوزخ باشد؟ حضرت فرمودند:

اگر چه این طور باشد مشروط به اینکه ناصبی محسوب نگردد.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَجْهُوبٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَصَّاحٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شُعَيْبٍ التِّيمِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: يَنَادِي مَنَادٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَيْنَ شِيعَةُ آلِ مُحَمَّدٍ؟! فَيَقُومُ عُتْقُ مِنَ النَّاسِ - لَا يَحْصِيهِمْ إِلَّا اللَّهُ

تعالی - فيقومون ناحية من الناس، ثم يسنادي مناد: أين زوّار قبر الحسين علیه السلام؟ فيقوم أناس كثير، فقال لهم: خذوا بيد من أحببتم؛ انطلقوا بهم إلى الجنة، فيأخذ الرجل من أحب حتى أن الرجل من الناس يقول لرجل: يا فلان أما تعرفني أنا الذي قت لك يوم كذا وكذا، فيدخله الجنة، لا يدفع ولا يمنع».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش از عبدالله بن محمد بن عیسی، از حسن بن محبوب، از عبدالله بن وضّاح، از عبدالله بن شعیب تیمی، از حضرت ابا عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

روز قیامت منادی ندا می‌کند: شیعیان آل محمد در کجا هستند؟! پس از میان مردم گردنهائی کشیده شده و افرادی بپا می‌خیزند که عدد آنها را غیر از حق تعالی کس دیگر نمی‌داند. ایشان در قسمتی از مردم بپا خاسته‌اند، سپس منادی ندا می‌کند: زوّار قبر حضرت امام حسین علیه السلام در کجا هستند؟! خلق بسیاری به پا می‌خیزند.

پس به ایشان گفته می‌شود: دست هر کسی را که دوست دارید بگیرید و آنها را به بهشت ببرید، پس شخصی که جزء زائرین است هر کسی را که بخواهد گرفته و به بهشت می‌برد حتی بعضی از مردم به برخی دیگر می‌گویند: ای فلانی من را می‌شناسی؟ من کسی هستم که در فلان روز در فلان مجلس برای تو ایستاده و احترام از تو نمودم پس من را نیز دریاب، زائر او را نیز گرفته و به بهشت داخل نموده بدون اینکه دافع و مانعی در بین باشد.

﴿ الباب التاسع و الستون ﴾

﴿ إن الزيارة الحسين عليه السلام ينقّس بها الكرب و تقضى بها الحوائج ﴾

متن:

۱ - حدّثنی أبو القاسم جعفر بن محمد بن ابراهيم بن عبدالله الموسوی العلوی، عن عبيد الله بن نهيك، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن الحكم، عن فضيل بن يسار «قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: انّ إلى جانبكم قبراً ما أتاه مكروب الاّ نفّس الله كربته، و قضی حاجته».

﴿ باب شصت و نهم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین عليه السلام غم و اندوه را برطرف کرده ﴿
و به واسطه اش حوائج برآورده می شود﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

ابو القاسم جعفر بن محمد بن ابراهيم بن عبدالله موسوی علوی از عبيد الله بن نهيك، از ابن ابي عمير از هشام بن حکم، از فضيل بن يسار، وی می گوید: حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند:

در طرف شما قبری است که هیچ حزین و اندوهگینی آن را زیارت نمی کند مگر آنکه حق تعالی حزن و اندوهش را برطرف کرده و حاجتش را روا می سازد.

متن:

۲ - و عنه، عن عبدالله بن نهيك، عن محمد بن أبي عمير، عن سلمة صاحب السابري، عن أبي الصباح الكناني «قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام

يقول: إِنَّ إِلَى جَانِبِكُمْ قَبْرًا مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كَرِيْتَهُ، وَ قَضَى حَاجَتَهُ، وَ أَنَّ عِنْدَهُ أَرْبَعَةُ آلَافٍ مَلِكٍ مِنْذُ [يَوْمٍ] قَبَضَ شَعْتًا غَيْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ زَارَهُ شَيْعُوهُ إِلَى مَأْمَنِهِ، وَ مِنْ مَرَضٍ عَادُوهُ، وَ مِنْ مَاتَ اتَّبَعُوا جَنَازَتَهُ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و از ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبدالله موسوی علوی از عبدالله بن نهیک، از محمد بن ابی عمیر، از سلمة صاحب سابری، از ابی الصباح کنانی، وی می گوید:

از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:
در طرف شما قبری است که هیچ مکروب و اندوهگینی به زیارت آن نمی رود مگر آنکه خداوند متعال اندوهش را برطرف کرده و حاجتش را روا می سازد و از روزی که آن حضرت شهید شدند چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته هستند اطراف قبر مطهرش بوده و تا روز قیامت بر آن جناب می گریند و کسی که او را زیارت کند فرشتگان تا وطن و مأوایش مشایعتش کرده و اگر مریض و بیمار شود عیادتش کنند و اگر بمیرد جنازه اش را تشییع نمایند.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو الزَّيَّاتِ، عَنْ كَرَامٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ الْحُسَيْنَ عليه السلام قَتَلَ مَكْرُوبًا، وَ حَقِيقَ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا رَدَّهَ اللَّهُ مَسْرُورًا».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از محمد ابن عمرو زیات، از کرام، از اسماعیل بن جابر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:

از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

حضرت امام حسین علیه السلام با حالی حزین و اندوه کشته شدند و سزاوار است بر خدا که هیچ حزین و اندوهگینی به زیارت آن جناب نرود مگر آنکه حق تعالی وی را مسرور و شادمان به اهلش برگرداند.

متن:

۴- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ ابْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ مِفْضَلِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَرَضَ وَلَايَتَنَا عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ، فَلَمْ يَقْبَلْهَا إِلَّا أَهْلُ الْكُوفَةِ؛ وَإِنْ إِلَى جَانِبِهَا قَبْرًا لَا يَأْتِيهِ مَكْرُوبٌ فَيُصَلِّيَ عِنْدَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ إِلَّا رَجَعَهُ اللَّهُ مُسْرورًا بِقَضَاءِ حَاجَتِهِ».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

محمد بن حسن، از محمد بن حسن صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی بن فضال، از مفضل بن صالح، از محمد بن علی حلبی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

خداوند متعال ولایت ما اهل بیت را بر شهرها عرضه کرد پس تنها اهل کوفه آنرا پذیرفتند و بر جانب این شهر قبری است که هیچ اندوهگینی به زیارت آن نرود

و چهار رکعت نماز نزد آن بخواند مگر آنکه حق تعالی وی را مسرور و با حاجت روا به اهلش برگرداند.

متن:

۵- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ محبوب، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ: إِنَّ الْحَسِينَ صَاحِبَ كَرْبَلَا قَتَلَ مَظْلُومًا مَكْرُوبًا عَطْشَانًا لَهْفَانًا، وَ حَقَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ لَهْفَانٌ، وَلَا مَكْرُوبٌ وَلَا مَذْنِبٌ وَلَا مَغْمُومٌ وَلَا عَطْشَانٌ وَلَا ذُو عَاهَةٍ ثُمَّ دَعَا عِنْدَهُ وَ تَقَرَّبَ بِالْحَسَنِ (علیه السلام) إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا نَفْسَ اللَّهِ كَرِيْتَهُ، وَ أَعْطَاهُ مَسْأَلَتَهُ، وَ غَفَرَ ذُنُوبَهُ وَ مَدَّ فِي عَمَرِهِ، وَ بَسَطَ فِي رِزْقِهِ، فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ!.

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر (علیه السلام)، آن حضرت فرمودند: حضرت حسین (علیه السلام) که صاحب کربلاء است در حالی که مظلوم و اندوهگین و تشنه و غصه‌دار بود شهید شد و غصه‌دار و اندوهگین و گناه‌کار و غمگین و تشنه و صاحب عیب و آفتی به زیارت آن حضرت نیاید و سپس نزد آن حضرت دعا کند و بواسطه آن جناب به خداوند تقرب جوید مگر آنکه هر خداست که حزن و اندوهش را بر طرف کرده و خواسته‌اش را اعطاء نموده و گناهانش را آمرزیده و عمرش را طولانی نموده و روزی و رزقش را فراخ نماید پس ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید.

متن:

٦- حَدَّثَنِي أَبِي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، و محمد بن الحسن، عن محمد بن يحيى؛ و احمد بن إدریس، عن العمرکی، عن يحيى - و كان في خدمة أبي جعفر - عن بعض أصحابنا، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إِنَّ بظهر الكوفة لقبراً ما أتاه مكروب قطّ إلا فرّج الله كربته - يعني قبر الحسين عليه السلام -».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم و جماعتی از مشایخ و اساتیدم و محمد بن الحسن، از محمد بن یحیی و احمد بن ادریس، از عمرکی، از یحیی (وی در خدمت ابی جعفر عباسی بود) از برخی اصحاب، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند: در پشت کوفه قبری است که هیچ حزین و غمگینی به زیارت آن نمی رود مگر آنکه حق تعالی حزنش را برطرف می فرماید، مقصود از آن قبر، قبر حضرت حسین بن علی عليه السلام می باشد.

متن:

٧- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَاجِيَةَ، عَنْ عَامِرِ بْنِ كَثِيرٍ، عَنْ أَبِي الْثَمِيرِ «قال: قال أبو جعفر عليه السلام: إِنَّ و لايتنا عرضت على أهل الأمصار فلم يقبلها قبول أهل الكوفة، و ذلك لأنّ قبر علي عليه السلام فيها، و إنّ إلى لُزقه لقبراً آخر - يعني قبر الحسين عليه السلام - فاما من آتٍ ياتيه فيصلّي عنده ركعتين أو أربعة ثم يسأل الله حاجته ألاّ قضاها، و إنّ له ليحفّ به كل يوم ألف ملك».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن ناجیه، از عامر بن کثیر، از ابی النمیر، وی گفت:
حضرت ابو جعفر (علیه السلام) فرمودند:

ولایت ما اهل بیت بر اهل شهرها عرضه شد هیچ کس آنرا مانند اهل کوفه نپذیرفت زیرا در آن قبر علی بن ابی طالب (علیه السلام) می باشد و معلوم باشد که در جانب آن، قبر دیگری است (مقصود قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) می باشد) و هیچ زائری آنرا زیارت نکرده و دو پا چهار رکعت نزد آن نماز نخوانده و سپس حاجتش را از خداوند بخواهد مگر آنکه حق تعالی حاجت او را برآورده نموده و باید توجه داشت که در هر روز هزار فرشته بر آن قبر مطهر احاطه داشته و طوافش می کنند.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

۸- حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْكَوْفِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ الْوَلِيدِ بْنِ حَسَّانَ، عَنْ ابْنِ أَبِي يَغْفُورٍ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): دَعَانِي الشُّوقُ إِلَيْكَ إِنْ تَجَشَّمْتُ إِلَيْكَ عَلَى مَشَقَّةٍ، فَقَالَ لِي: لَا تَشْكُ رَبَّكَ؛ فَهَلَّا أَتَيْتَ مَنْ كَانَ أَعْظَمَ حَقًّا عَلَيْكَ مِنِّي؟! فَكَانَ مِنْ قَوْلِهِ: «فَهَلَّا أَتَيْتَ مَنْ كَانَ أَعْظَمَ حَقًّا عَلَيْكَ مِنِّي» أَشَدَّ عَلَيَّ مِنْ قَوْلِهِ: «لَا تَشْكُ رَبَّكَ»، قُلْتُ: وَ مَنْ أَعْظَمَ عَلَيَّ حَقًّا مِنْكَ؟ قَالَ: الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَلَا أَتَيْتَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) فَدَعَوْتَ اللَّهَ عِنْدَهُ وَ شَكَوْتَ إِلَيْهِ حَوَائِجَكَ؟!».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس کوفی، از محمد بن الحسین، از صفوان، از ولید بن حسان، از ابن

ابی یغفور، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: شوق ملاقات شما من را بر آن داشت که مشقت‌ها و مشکلات را تحمل کرده تا محضر شما برسم.

حضرت به من فرمودند:

به پروردگارت شک مکن، آیا به زیارت کسی که حقش بر تواز من بر تو بیشتر است رفته‌ای؟! است

ابن ابی یغفور می‌گوید:

عبارت (آیا به زیارت کسی که حقش بر تواز من بر من گران‌تر آمد از فرموده دیگر امام علیه السلام که فرمودند (به پروردگارت شک مکن)، لذا محضرش عرضه داشتم:

چه کسی حقش بر من از شما بیشتر است؟



حضرت فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام، آیا به زیارت آن حضرت رفته‌ای؟ و خدا را در آنجا خوانده‌ای؟

و حوائج و نیازمندی‌های خود را در آنجا بر خدای متعال عرضه کرده‌ای یا نه؟

متن:

۹ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سُلَيْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ
 إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُعَلَّى، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ زِيَادٍ، «قَالَ: أَتَى
 رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ: إِنِّي قَدْ ضَرَبْتُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ لِي ذَهَبًا وَفِضَّةً؛
 وَبَعْتُ ضِيَاعِي، فَقُلْتُ: أَنْزِلْ مَكَّةَ، فَقَالَ: لَا تَفْعَلْ، فَإِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ يَكْفُرُونَ
 بِاللَّهِ جَهْرَةً، قَالَ: فَنِي حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؟ قَالَ: هُمْ شَرُّهُمْ، قَالَ فَأَيْنَ
 أَنْزِلُ؟ قَالَ: عَلَيْكَ بِالْعِرَاقِ الْكُوفَةِ، فَإِنَّ الْبَرَكَةَ مِنْهَا عَلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِيلًا -
 هَكَذَا وَهَكَذَا - وَإِلَى جَانِبِهَا قَبْرُ مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ قَطٌّ وَلَا مَلْهُوفٌ إِلَّا فَرَجَ
 اللَّهُ عَنْهُ».



«حدیث نهم»
 مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه بن الخطاب، از ابراهیم بن محمد، از علی
 ابن معلی، از اسحاق بن زیاد (اسحاق بن یزداد بدل) وی می‌گوید:
 شخصی نزد حضرت ابا عبد الله علیه السلام مشرف شد عرض کرد: آنچه طلا و نقره
 داشتم معامله کرده و املاک خود را نیز فروخته‌ام و همه را به صورت پول نقد
 درآورده‌ام که از شهر خود به جای دیگر بروم آیا کجا ساکن گردم؟
 اسحاق می‌گوید من به وی گفتم: به مکه وارد شو و در آنجا منزل کن.
 حضرت به آن مرد فرمودند:
 این کار را مکن زیرا اهل مکه کافر به خدا بوده و علناً به وی کفر می‌ورزند.
 آن مرد عرضه داشت: پس به حرم رسول خدا صلى الله عليه وآله (یعنی مدینه) بروم؟
 حضرت فرمودند:

اهل این شهر از اهل مکه شرتتر و بدتر می باشند.

آن مرد عرض کرد: پس کجا منزل کنم؟

حضرت فرمودند:

بر تو باد به عراق و شهر کوفه زیرا برکت از آن شهر ناشی شده و تا شعاع دوازده میلی آن شهر پرتو افکنده و در یک جانب آن شهر قبری است (قبر مطهر حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام) که هیچ اندوهگین و محزونی هرگز به زیارتش نمی رود مگر آنکه حق تعالی حزن و غم او را برطرف می فرماید.

﴿الباب السبعون﴾

﴿ثواب زیارة الحسین علیه السلام يوم عرفة﴾

متن:

۱- حدَّثني محمد بن جعفر القرشي الرزاز الكوفي، عن خاله محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عتبة، عن بشير الدَّهَّان «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: رُبَّما فاتني الحجُّ فأُعْرِفُ عند قبر الحسين عليه السلام، فقال: احسنت يا بشير، أيَّاماً مؤمن أتي قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه في غير يوم عيد كتب الله له عشرين حجة، و عشرين عُمرَةً مبرورات متقبَّلات، و عشرين غَزوة مع نبيٍّ مُرسل أو إمام عدل، و من أتاه في يوم عيد كتب الله له مائة حجة و مائة عُمرَة، و مائة غَزوة مع نبيٍّ مُرسل أو إمام عدل، و من أتاه يوم عرفة عارفاً بحقه كتب الله له ألف حجة و ألف عمرَة متقبَّلات، و ألف غَزوة مع نبيٍّ مُرسل

أو إمام عدل، قال: فقلت له: وكيف لي بمثل الموقف، قال: فنظر إلى شبه المغضب، ثم قال: يا بشير إنَّ المؤمن إذا أتى قبر الحسين عليه السلام يوم عرفه و اغتسل في الفرات، ثم توجه إليه كتب الله له بكل خطوة حجة بمناسكها - ولا أعلمه إلا قال: وغزوة -».

﴿ باب هفتم ﴾

﴿ ثواب زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزّاز کوفی، از دائی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقیقه، از بشیر دهان، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم: بسا زیارت حجّ از من فوت شده پس در روز عرفه به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می‌روم از نظر شما چه طور است؟

حضرت فرمودند:

ای بشیر عمل نیک و پسندیده‌ای انجام داده‌ای، هر مؤمن که در غیر روز عید به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام برود در حالی که به حقّ آن حضرت عارف و آگاه باشد خداوند متعال ثواب بیست حجّ و بیست عمره قبول شده و اجر بیست بار جنگ با دشمنان خدا در معیت نبی مرسل یا امام عادل برایش می‌نویسد. و کسی که در روز عید به زیارت قبر مطهرش برود حقّ تعالی ثواب صد حجّ و صد عمره و صد بار جنگ با دشمنان خدا در رکاب نبی مرسل یا امام عادل برای او منظور می‌فرماید.

و کسی که در روز عرفه با عرفان به حق آن حضرت به زیارت قبر مطهرش برود خداوند ثمان هزار ثواب حج و هزار عمره مقبول و هزار بار جنگ نمودن با دشمنان خدا در رکاب نبی مرسل یا امام عادل به او می دهد.

بشیر می گوید: محضرش عرض کردم: چگونه این اجر و ثوابها برای من باشد در حالی که موقف را ترک کرده ام؟

بشیر می گوید: پس از ایراد این کلام حضرت نگاهی شبیه شخص غضبناک به من نموده سپس فرمودند:

ای بشیر، هنگامی که مؤمن به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام در روز عرفه می رود و در فرات غسل کرده و سپس به طرف آن حضرت متوجه می شود خداوند متعال به هر قدمی که وی برمی دارد ثواب یک حج با تمام مناسک و اعمال آن را برایش منظور می کند.

بشیر می گوید: بعد از این کلام، سخن دیگری نمی دانم امام علیه السلام فرمودند مگر کلمه «و ثواب غزوة» را.

من:

۲- و حدیثی أبی؛ و علی بن الحسین؛ و محمد بن الحسن - رحمهم الله - جميعاً، عن سعد بن عبد الله، عن علی بن إسماعیل بن عیسی، عن محمد ابن عمرو بن سعید الزّیّات، عن داود الرّقّی «قال: سمعت أبا عبد الله؛ و أبا الحسن موسى بن جعفر و أبا الحسن علی بن موسى علیه السلام و هم يقولون: «من أتى قبر الحسين علیه السلام بعرفة قلبه الله تلج الفؤاد».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمة الله عليهم جملگی از سعد ابن عبد الله، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از محمد بن عمرو بن سعید زیّات، از

داود رقی، وی گفت:

از حضرت ابو عبد الله و ابوالحسن موسی بن جعفر و ابوالحسن علی بن موسی علیهم السلام شنیدم که می فرمودند:
کسی که در روز عرفه به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند متعال او را مطمئن القلب می گرداند.

متن:

۳- و عنهم، عن سعد، عن الهیثم بن ابی مسروق النهدی، عن علی بن أسباط - عن بعض أصحابنا - عن ابی عبد الله علیه السلام «قال: إن الله تبارک و تعالی یبیدہ بالنظر إلى زوار قبر الحسین علیه السلام عشیة عرفة، قال: قلت: قبل نظره لأهل الموقف؟ قال: نعم، قلت: کیف ذلك؟ قال: لأن فی اولئک أولاد زنا؛ و لیس فی هؤلاء أولاد زنا».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

و از پدرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمة الله علیهم جملگی از سعد، از هیثم بن ابی مسروق نهدی، از علی بن اسباط، از برخی اصحاب ما از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، آن حضرت فرمودند:
خداوند تبارک و تعالی عصر روز عرفه ابتداء به زوار قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام نظر می کند.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: قبل از نظر نمودن به اهل موقف (حاجی ها)؟ حضرت فرمودند: بلی.

عرض کردم: چرا این طور است؟

حضرت فرمودند: زیرا در بین حاجی ها زنازاده وجود داشته ولی در میان زائرین قبر مطهر آن حضرت ابدأ زنازاده نمی باشد.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْكَانٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَتَجَلَّى لَزُورِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَبْلَ أَهْلِ عِرْفَاتٍ، وَيَقْضَى حَوَائِجُهُمْ، وَيَغْفَرُ ذُنُوبَهُمْ، وَيَشْفَعُهُمْ فِي مَسَائِلِهِمْ، ثُمَّ يَثْنِي أَهْلَ عِرْفَةٍ فَيَفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه‌اش قبلاً در باب شصت و هشت ذیل رقم (۱) با سند دیگر نقل شد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی قم

متن:

۵- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةُ مَشَائِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ النَّيْسَابُورِيِّ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيُّ، عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ ابْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ فَاتَتْهُ عِرْفَةُ بِعِرْفَاتٍ فَأَدْرَكَهَا بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام لَمْ يَفُتْهُ، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَبْدَأُ بِأَهْلِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَبْلَ أَهْلِ عِرْفَاتٍ، ثُمَّ يَخَالِطُهُمْ فِي نَفْسِهِ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و جماعتي از مشايخ و اساتيدم، از محمد بن يحيى عطار، از حمدان بن سليمان نيشابوري ابى سعيد، وى گفت: عبد الله بن محمد

یمانی، از منیع بن حجاج، از یونس بن یعقوب بن عمار، از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام)، حضرت فرمودند:

کسی که در عرفات روز عرفه را درک نکرد ولی آن را کنار قبر مطهر حضرت امام حسین (علیه السلام) درک نماید، عرفه از او فوت نشده است و خداوند متعال ابتداء کسانی را که در کنار قبر آن جناب هستند مورد نظر و التفات قرار داده بعد به اهل عرفات نظر نموده و با ایشان انس می گیرد.

متن:

۶- حدیثی ابی - رحمه الله - و علی بن الحسین، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن خالد البرقی، عن القاسم بن یحیی ابن الحسن بن الراشد، عن جدّه الحسن، عن یونس بن ظبیان «قال: قال أبو عبدالله (علیه السلام): من زار الحسن (علیه السلام) ليلة النصف من شعبان و ليلة الفطر و ليلة عرفة في سنة واحدة كتب الله له ألف حجة مبرورة، و ألف عمرة متقبلة، و قضيت له ألف حاجة من حوائج الدنيا و الآخرة».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی، از قاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد، از جدش حسین، از یونس بن ظبیان، وی می گوید: حضرت ابو عبدالله (علیه السلام) فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین (علیه السلام) را در نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در یکسال زیارت کند خداوند متعال ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول به وی داده و هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرتش را روا می سازد.

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمَ عَرَفَةَ أَطْلَعَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى زَوَارِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقَالَ لَهُمْ: اسْتَأْنِفُوا فَقَدْ غُفِرَتْ لَكُمْ، ثُمَّ يَجْعَلُ إِقَامَتَهُ عَلَى أَهْلِ عَرَفَاتِ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن الولید، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی، از حنان بن سدید، از پدرش، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند: زمانی که روز عرفه فرا برسد خداوند متعال به زوار قبر حضرت ابی عبد الله علیه السلام توجّه نموده پس به ایشان می فرماید: از ابتداء شروع به عمل نمائید زیرا شما را آمرزیدم سپس با اهل عرفات انس می گیرد.

متن:

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ عَمْرِو بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَرَزَمِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِذَا كَانَ يَوْمَ عَرَفَةَ نَظَرَ اللَّهُ إِلَى زَوَارِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَيَقُولُ: ارْجِعُوا مَغْفُوراً لَكُمْ مَا مَضَى؛ وَلَا يَكْتُبُ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ ذَنْبَ سَبْعِينَ يَوْماً مِنْ يَوْمٍ يَنْصَرَفُ».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از کسی که نامش را برده، از عمر بن الحسن العزمری، از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) وی می گوید: از آن حضرت شنیدم که می فرمودند:

هنگامی که روز عرفه می رسد خداوند متعال به زواری قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) نظر نموده و می فرماید: برگردید آنچه از افعال و گناهان گذشته شما است آمرزیدم و از روزی که مراجعت می کنند تا هفتاد روز هیچ گناهی از ایشان ثبت و ضبط نمی شود.

متن:

۹- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَجَمَاعَةُ أَصْحَابِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى؛ وَاحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ جَمِيعاً، عَنِ الْعِمْرَانِيِّ بْنِ عَلِيٍّ، عَنِ يَحْيَى - الْحَادِمِ لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّقَانِيِّ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ - وَهُوَ نَازِلٌ بِالْحَيْرَةِ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنَ الشَّيْعَةِ - فَأَقْبَلَ إِلَيَّ بِوَجْهِهِ فَقَالَ: يَا بَشِيرُ أَحْجَجْتَ الْعَامَ؟ قُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ لَا؛ وَلَكِنْ عَرَفْتُ بِالْقَبْرِ - قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) - فَقَالَ: يَا بَشِيرُ وَاللَّهِ مَا فَاتَكَ شَيْءٌ مِمَّا كَانَ لِأَصْحَابِ مَكَّةَ بِمَكَّةَ، قُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ فِيهِ عَرَفَاتُ؟ فَسَرَّهُ لِي، فَقَالَ: يَا بَشِيرُ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لِيُغْتَسِلَ عَلَى شَاطِئِ الْفَرَاتِ، ثُمَّ يَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَارِفاً بِحَقِّهِ فَيُعْطِيهِ اللَّهُ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا [أ] وَيَضَعُهَا مِائَةَ حَبَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَمِائَةِ عَمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ، وَمِائَةَ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مَرْسَلٍ إِلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِهِ، يَا بَشِيرُ اسْمِعْ وَأَبْلِغْ مَنْ أَحْتَمِلَ قَلْبُهُ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَوْمَ عَرَفَةَ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ».

ترجمه:

﴿ حدیث نهم ﴾

پدرم و جماعتی، از اصحاب و یارانم رحمه الله علیهم، از محمد بن یحیی و احمد بن ادريس جملگی از عمرکی بن علی، از یحیی (یعنی خادم حضرت ابو جعفر ثانی علیه السلام) از محمد بن سنان، از بشیر دهان، وی می گوید:
از حضرت ابو عبدالله علیه السلام (هنگامی که در حیره نزول اجلال فرموده و جماعتی از شیعه محضر مبارکش بودند) گفتاری شنیدم که شرحش چنین است:

حضرت روی مبارکش آن را به من نموده و فرمودند:

ای بشیر امسال به حج رفتی؟

عرض کردم: فدایت شوم، خیر، ولی در روز عرفه به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام رفتم.

حضرت فرمودند:

ای بشیر به خدا قسم آنچه از اجر و ثواب برای اصحاب مکه (حاجی ها) در مکه می باشد از تو فوت نشده.

عرض کردم: یعنی در این زیارت من اجر و ثواب وقوف به عرفات بوده؟
برایم فرموده خود را تفسیر بفرمائید:

حضرت فرمودند:

ای بشیر وقتی یک نفر از شما کنار فرات غسل نمود و سپس به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفت در حالی که به حق آن حضرت عارف و مطلع باشد البته خداوند متعال به هر قدمی که وی از زمین بلند می کند و سپس آنرا بر زمین می نهد اجر صد حج و صد عمره قبول شده می دهد و اجر صد جنگ که وی در معیت نبی مرسل با دشمنان خدا و رسول او نموده را برایش منظور می فرماید.
ای بشیر: بشنو و به کسانی که قلبشان ظرفیت پذیرش آن را دارد برسان و بگو:

کسی که امام حسین علیه السلام را در روز عرفة زیارت کند مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكَوْفِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْعَبْدِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَوْمَ عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَجَّةٍ مَعَ الْقَائِمِ، وَأَلْفَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ عَتَقَ أَلْفَ أَلْفِ نَسَمَةٍ، وَ حَمَلَانَ أَلْفِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ سَمَّاهُ اللَّهُ عَبْدِي الصَّدِيقِ آمَنَ بِوَعْدِي، وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: فَلَانُ صَدِيقٍ؛ زَكَاهُ اللَّهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ، وَ سَمَّى فِي الْأَرْضِ كَرْوَبَاءً».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبد المؤمن رحمه الله علیه، از محمد بن یحیی، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد الكوفي، از محمد بن جعفر بن اسماعیل العبدی، از محمد بن عبدالله بن مهران، از محمد بن سنان، از یونس بن ظبیان، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند:

کسی که در روز عرفة قبر حضرت حسین علیه السلام را زیارت کند خداوند متعال ثواب هزار هزار (یک میلیون) حج که با حضرت قائم علیه السلام بجای آورند را برای وی منظور می فرماید و اجر هزار هزار عمره که با حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

انجام گیرد را به وی داده و همچنین ثواب آزاد نمودن هزار هزار عبد را به او اعطاء کرده و اجر کسی که هزار هزار دو بار اسب را در راه خدا انفاق کرده است را به وی عنایت می فرماید و حق تعالی از وی به این عبارت نام می برد: عبدی الصّدیق آمن بوعدی و فرشتگان در باره اش چنین تعبیر می کنند: فلان صدیق، زکاه الله من فوق عرشه.

و در زمین گروب نامیده می شود.

متن:

۱۱ - حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة، عن بشير الدّهان «قال: قال جعفر بن محمد عليه السلام: من زار قبر الحسين عليه السلام يوم عرفة عارفاً بحقه كتب الله له ثواب ألف حجة، وألف عمرة، وألف غزوة مع نبي مرسل، ومن زار أول يوم من رجب غفر الله له البتة.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن اسماعيل بن بزيع، از صالح بن عقبة، از بشير دهان، وی می گوید: حضرت جعفر بن محمد عليه السلام فرمودند:

کسی که در روز عرفة قبر مطهر حضرت حسين بن علي عليه السلام را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و مطلع باشد خداوند ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جنگی که در معیت نبی مرسلی انجام داده را برایش می نویسد. و کسی که روز اول ماه رجب آن جناب را زیارت کند خداوند منان البته او را می آمرزد.

مثنی:

۱۲- حدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى ابْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَاطِ، عَنْ بَشَّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) «قَالَ: مَنْ كَانَ مَعْسَرًا فَلَمْ يَتَهَيَّأْ لَهُ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ فَلْيَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)، وَلْيَعْرِفْ عِنْدَهُ، فَذَلِكَ يَجْلُوهُ عَنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ، أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ يَجْزِي ذَلِكَ عَنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ إِلَّا لِلْمَعْسَرِ، فَأَمَّا الْمَوْسِرُ إِذَا كَانَ قَدْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ، فَارَادَ أَنْ يَنْتَقِلَ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ وَمَنْعَهُ مِنْ ذَلِكَ شُغْلُ دُنْيَا أَوْ عَائِقُ فَأَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِي يَوْمِ عَرَفَةَ أَجْزَأَهُ ذَلِكَ عَنْ أَدَاءِ الْحَجِّ أَوْ الْعُمْرَةِ وَضَاعَفَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً، قَالَ: قُلْتُ: كَمْ تَعْدِلُ حَجَّةً وَكَمْ تَعْدِلُ عُمْرَةً؟ قَالَ: لَا يَحْصِي ذَلِكَ، قَالَ: قُلْتُ: مَائَةٌ؟ قَالَ: وَ مِنْ يَحْصِي ذَلِكَ؟ قُلْتُ: أَلْفٌ؟ قَالَ: وَ أَكْثَرُ، ثُمَّ قَالَ: وَ إِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا، إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ».

« حدیث دوازدهم »

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی بن عبید، از محمد بن سنان، از ابی سعید قمطاط، از بشار، از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام)، حضرت فرمودند:

کسی که متمکن و توانا نبوده لذا برای رفتن به حج و انجام حجة الاسلام مهیا نباشد باید به زیارت قبر مطهر حضرت حسین بن علی (علیه السلام) برود و روز عرفه را در آنجا باشد، چنین زیارتی از حجة الاسلامش مجزی است.

ناگفته نماند و باید توجه داشت من نمی گویم این زیارت مطلقاً از حجة الاسلام مجزی است بلکه تنها برای شخص غیر متمکن و معسر اجزاء

می باشد اما کسی که موسر و متمکن می باشد:

وی وقتی حجة الاسلام را بجا آورد اگر اراده نمود که حج یا عمره مستحبی انجام دهد و شغل دنیائی یا مانعی دیگر او را از آن باز داشت در صورتی که به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفة برود البته خداوند با این زیارت جزاء وی را از اداء حج یا عمره داده بلکه ثواب آن را چندین برابر می نماید.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم:

ثواب آن معادل چند حج و چند عمره می باشد؟

حضرت فرمودند:

قابل شمارش و احصاء نیست.

راوی عرض کرد: آیا ثواب صد حج و صد عمره را به او می دهند؟

حضرت فرمودند: کیست بتواند ثوابش را احصاء نموده باشد.

راوی می گوید: عرضه داشتم: آیا ثواب هزار حج و هزار عمره را دارد؟

حضرت فرمودند: بیش از این است، سپس فرمودند:

اگر نعمتهای باری تعالی را بشمارید نمی توانید از عهده احصاء آنها برآئید

خداوند متعال واسع بوده و بدون عوض می بخشاید.

﴿ الباب الحادی و السَّبعمون ﴾

﴿ ثواب مَنْ زار الحسين علیه السلام یوم عاشوراء ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَأَخِي؛ وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ: أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدٍ الْبَجَلِيُّ، عَنْ قَبِيصَةَ، عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ فَقَالَ لِي: هَؤُلَاءِ زُوَّارُ اللَّهِ وَحَقٌّ عَلَى الْمَزُورِ أَنْ يَكْرَمَ الزَّائِرُ، مَنْ بَاتَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام لَيْلَةَ عَاشُورَاءَ لَقِيَ اللَّهَ مُلْطَحاً بِسَدَمِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأَنَّمَا قُتِلَ مَعَهُ فِي عَرَصَتِهِ، وَقَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام لِيَوْمِ عَاشُورَاءَ وَبَاتَ عِنْدَهُ كَانَ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ بَيْنَ يَدَيْهِ».

﴿ باب هفتاد و یکم ﴾

﴿ ثواب کسی که در روز عاشوراء امام حسین علیه السلام را زیارت کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و برادرم و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمة الله عليهم، از محمد بن یحیی، از محمد بن علی مدائنی نقل کرده اند که وی گفت: محمد بن سعید بجلي، از قبیصه از جابر جعفی برایم نقل کرد که جابر گفت: در روز عاشوراء محضر مبارک حضرت جعفر بن محمد علیه السلام رسیدم، حضرت به من فرمودند:

این گروه (زائرین ابا عبد الله الحسین علیه السلام) زوَّار خدا بوده و بر مزور واجب

است که زائر را اکرام نماید، کسی که نزد قبر مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در شب عاشوراء بیتوته کند روز قیامت خدا را ملاقات می‌کند در حالی که به خون خودش آلوده بوده گویا در رکاب حضرت ابا عبدالله علیه السلام در عرصه کربلا شهید گشته است.

و نیز فرمودند:

و کسی که قبر امام حسین علیه السلام را روز عاشوراء زیارت کرده و بالای قبر بیتوته نماید مثل کسی است که در مقابل آن حضرت شهید شده باشد.

متن:

۲ - حدَّثني أبو عليُّ محمد بن همام قال: حدَّثني جعفر بن محمد بن مالك الفزاريُّ قال: حدَّثني أحمد بن عليُّ بن عبيد الجعفيُّ قال: حدَّثني حسين بن سليمان، عن الحسين بن راشد، عن حماد بن عيسى، عن حريز، عن أبي عبدالله عليه السلام «من زار الحسين يوم عاشوراء وجبت له الجنة».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابو علی محمد بن همام می‌گوید:

جعفر بن محمد بن مالک فزاری می‌گوید: احمد بن علی بن عبيد جعفی گفت:

حسین بن سلیمان، از حسین بن راشد، از حماد بن عیسی، از حریر، از حضرت ابو عبدالله علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را روز عاشوراء زیارت کند بهشت بر او واجب می‌گردد.

متن:

۳- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدِ الْأَنْبَارِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام يَوْمَ عَاشُورَاءَ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَتْ لَهُ زَارُ اللَّهِ فِي عَرْشِهِ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از یعقوب بن یزید انباری، از محمد بن ابی عمیر، از زید شحام، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام آن حضرت فرمودند:

کسی که قبر مطهر حضرت حسین بن علی علیه السلام را در روز عاشوراء زیارت کند در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد مثل کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده است.

متن:

۴- دَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَمْهُورِ الْعَمِّيِّ - عَنْ ذَكَرَهُ - عَنْهُمْ عليهم السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ [قَبْرَ] الْحُسَيْنِ عليه السلام يَوْمَ عَاشُورَاءَ كَانَتْ لَهُ زَارُ اللَّهِ فِي عَرْشِهِ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از معلی بن محمد، از محمد بن جمهور عمی، از کسی که ذکرش نموده، از ائمه معصومین علیهم السلام فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در روز عاشوراء زیارت کند، مانند

کسی است که در مقابل آن حضرت به خون خودش آلوده شده باشد.

متن:

۵- و روى محمد بن أبى سيار المدائنى بإسناده «قال: من سقى يوم عاشوراء عند قبر الحسين عليه السلام كان كمن سقى عسكر الحسين عليه السلام و شهيد معه».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

و محمد بن ابی سیار مدائنی به اسنادش روایت کرده که گوینده فرمود: کسی که روز عاشوراء نزد قبر مطهر امام حسین عليه السلام را آب دهد مانند کسی است که لشکریان امام حسین عليه السلام را آب داده و در رکاب حضرت شهید شده باشد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی قم

متن:

۶- حدّثنی جعفر بن محمد بن ابراهیم الموسوی، عن عبیدالله بن نهیک، عن ابن أبی عمیر، عن زید الشّحام، عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام «قال: من زار الحسين عليه السلام ليلة النصف من شعبان غفر الله له ما تقدّم من ذنوبه و ما تأخّر، و من زاره يوم عرفة كتب الله له ثواب ألف حجة متقبّلة و ألف عمرة مبرورة، و من زاره يوم عاشوراء فكأنّما زار الله فوق عرشه».

حدّثنی محمد بن عبد الله بن جعفر، عن أبيه عبد الله ابن جعفر الحمیری، عن محمد بن الحسين، عن حمدان بن المعافا، عن ابن أبی

عمیر، عن زید الشَّحَّام، عن أبي عبد الله علیه السلام - و ذکره مثله.

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عبیدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از زید شحّام، از جعفر بن محمد الصادق علیه السلام حضرت فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را شب نیمه شعبان زیارت کند خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد، و کسی که آن حضرت را روز عرفه زیارت نماید خداوند ثمان ثواب هزار حج و هزار عمره قبول شده را برایش می نویسد، و کسی که آن حضرت را روز عاشوراء زیارت نماید مانند کسی است که حق تعالی را بالای عرشش زیارت کرده باشد.

محمد بن عبدالله بن جعفر، از پدرش، از عبدالله بن جعفر حمیری، از محمد ابن الحسین، از حمدان بن معافا، از ابن ابی عمیر، از زید شحّام، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، و حدیثی مثل حدیث مذکور را ذکر نموده است.

متن:

۷- حدَّثني حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ؛ وَ غَيْرُهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْهَمْدَانِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، وَ صَالِحِ بْنِ عَقَبَةَ جَمِيعًا، عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ؛ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقَبَةَ، عَنْ مَالِكِ الْجَهَنِّيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام يَوْمَ عَاشُورَاءَ مِنَ الْمُحَرَّمِ حَتَّى يَظْلَلَ عِنْدَهُ بِأَكْبَا لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِثَوَابِ أَلْفِ [أَلْفِي] حَجَّةٍ وَ أَلْفِ [أَلْفِي] عُمْرَةٍ، وَ أَلْفِ أَلْفِ غَزْوَةٍ، وَ ثَوَابِ كُلِّ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ غَزْوَةٍ كَثُوبٍ مِنْ حَجٍّ وَ اعْتَمَرٍ وَ غَزَا

مع رسول الله ﷺ و مع الأئمة الراشدين صلوات الله عليهم أجمعين.

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم و غیرش، از محمد بن موسی همدانی، از محمد بن خالد طیالسی، از یوسف بن عمره و صالح بن عقبه جملگی، از علقمه بن محمد حضرمی و محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از مالک جهنی، از حضرت ابی جعفر الباقر علیه السلام، حضرت فرمودند: کسی در روز عاشوراء یعنی روز دهم محرم الحرام حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند و روز را تا شب با حالتی گریان نزد آن حضرت بماند و روز قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که خداوند متعال ثواب دو میلیون حج و دو میلیون عمره و دو میلیون مرتبه جهاد را به وی بدهد. شایان توجه است که ثواب هر حج و عمره و جهادی همچون ثواب کسی است که حج و عمره و جهاد را در معیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه راشدین صلوات الله علیهم اجمعین بجا آورده باشد.

متن:

قال: قلت: جعلت فداك فما لمن كان في بعد البلاد وأقاصيها ولم يمكنه المسير إليه في ذلك اليوم؟ قال: إذا كان ذلك اليوم برز إلى الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً في داره، وأومأ إليه بالسَّلام، واجتهد على قاتله بالدَّعاء، وصلى بعده ركعتين يفعل ذلك في صدر النهار قبل الزَّوال، ثمَّ ليندب الحسين عليه السلام و يبيكيه و يأمر من في داره بالبكاء عليه، و يقيم في داره مصيبيته بإظهار الجزع عليه، و يتلاقون بالبكاء بعضهم بعضاً في البيوت، و ليعزَّ بعضهم بعضاً بمصاب الحسين عليه السلام، فأنا ضامن

لهم إذا فعلوا ذلك على الله عز وجل جميع هذا الثواب، فقلت: جعلت فداك و أنت الضامن لهم إذا فعلوا ذلك و الزعيم به؟ قال: أنا الضامن لهم ذلك و الزعيم لمن فعل ذلك.

﴿ دنیاله حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

عقلمه می گوید: محضر مبارک امام پنجم علیه السلام عرضه داشتیم: فدایت شوم، اجر و ثواب کسی که در شهرهای دوردست و بلاد غریب و بعید بوده به طوری که برایش امکان ندارد در چنین روزی (روز عاشوراء) به زیارت حضرت بشتابد؟

امام علیه السلام فرمودند:

وی در چنین روزی به صحراء رفته یا به پشت بام بلندی در خانه اش برآید و با سلام به حضرت اشاره کرده سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.

البته توجه داشته باشد که این زیارت را در روز قبل از ظهر انجام دهد، سپس برای امام حسین علیه السلام ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فرع بر آن جناب در خانه اش اقامه مصیبت نماید و مواظب باشند هرگاه اهل خانه یکدیگر را ملاقات کردند با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام تسلیت دهند و در صورتی که به این دستورهائی که داده شد عمل کنند من ضامن می شوم که حق تعالی تمام ثواب هائی که ذکر شد را به ایشان اعطاء فرماید.

محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم شما برای ایشان ضامن این ثوابها

می شوید؟

حضرت فرمودند:

در صورتی که به دستورهای داده شده عمل کنند البته من ضامن آن می باشم.

متن:

قال: قلت: فكيف يعزى بعضهم بعضاً؟ قال: يقولون: عظم الله أجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام، وجعلنا وإياكم من الطالبين بشاره مع وليه الإمام المهدي من آل محمد؛ فإن استطعت أن لا تنتشر يومك في حاجة فافعل، فإنه يوم نحس لا تقضى فيه حاجة، وإن قضيت لم يبارك له فيها ولم يرشداً، ولا تدخرون لمنزلك شيئاً، فإنه من ادخر لمنزله شيئاً في ذلك اليوم لم يبارك له فيها يدخره ولا يبارك له في أهله، فمن فعل ذلك كتب له ثواب ألف حجة وألف ألف عمرة، وألف ألف غزوة كلها مع رسول الله صلى الله عليه وآله وكان له ثواب مصيبة كل نبي ورسول وصديق وشهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا إلى أن تقوم الساعة.

ترجمه: ﴿ دنبال حدیث هفتم ﴾

علقه می گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرض کردم: اگر بعضی خواهند برخی دیگر را تسلیت بدهند چگونه و چه بگویند:

حضرت فرمودند:

بگویند:

عظم الله أجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام، وجعلنا وإياكم من الطالبين بشاره مع وليه الإمام المهدي من آل محمد صلوات الله عليهم (خداوند متعال اجرها و ثواب های عزادار بودن ما را برای امام حسین علیه السلام زیاد گردانده و ما و شما را در

رکاب ظفر قرین ولی آن حضرت، حضرت امام مهدی قائم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین از طلب کنندگان خون آن جناب قرار دهد).

و اگر قدرت و توانائی این را داشتی که آن روز (روز عاشوراء) را بدنبال نیازمندی‌هایت نروی البته مرو چه آنکه این روز، روز نحسی بوده و حاجت در آن روا نمی‌گردد و اگر هم حاجت برآورده شود برای شخص حاجت‌مند مبارک نبوده و وی خیر نخواهد دید.

توجه داشته باشد در آن روز در منزلت آذوقه‌ای را ذخیره نکنی چه آنکه اگر کسی در آن روز در منزلش چیزی را ذخیره کند برایش میمون و مبارک نبوده و برای اهلش نیز برکت نخواهد داشت.

بنابر این کسی که به این دستورها عمل کند ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که تمامی را در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده باشد برایش نوشته می‌شود و همچنین خداوند متعال ثواب هر مصیبتی که به انبیاء و رسل و صدیقین و شهدائی که فوت کرده یا کشته شده‌اند رسیده است را از بدو خلقت دنیا تا انقراض عالم و قیام قیامت به او اعطاء می‌فرماید.

متن:

قال صالح بن عقبة الجهني و سيف بن عميرة: قال علقمة بن محمد الحضرمي: فقلت لأبي جعفر عليه السلام: علمني دعاء أدعوه به في ذلك اليوم إذا أنا زرت من قريب، و دعاء أدعوه به إذا لم أزره من قريب، و أو مأت إليه من بعد البلاد و من سطح داري بالسَّلام، قال: فقال: يا علقمة إذا أنت صليت ركعتين بعد أن تؤمِّي إليه بالسَّلام و قلت عند الإيماء إليه [و] من بعد الركعتين هذا القول فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ دَعَوْتَ بِمَا يَدْعُو بِهِ مِنْ زَارِهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِهَا أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَى عَنْكَ أَلْفَ

ألف سيئة، ورفع لك مائة ألف درجة، وكنت ممن استشهد مع الحسين بن علي عليه السلام حتى تشاركهم في درجاتهم، ولا تعرف إلا في الشهداء الذين استشهدوا معه، وكتب لك ثواب كل نبي ورسول وزيارة من زار الحسين بن علي عليه السلام منذ يوم قتل،

ترجمه: ﴿دنباله حدیث هفتم﴾

صالح بن عقبه جهنی و سیف بن عمیره می گویند:

علقمه بن محمد حضرمی می گوید:

محضر مبارک ابی جعفر علیه السلام عرض کردم:

دعائی به من تعلیم فرماید که در آن روز وقتی از نزدیک به زیارت آن حضرت رفتم آن را خوانده و دعائی یادم دهید که هرگاه از نزدیک به زیارت آن جناب نرفته بلکه از شهرهای دور و پشت بام به آن حضرت اشاره سلام دادم آن را بخوانم.

حضرت فرمودند:

ای علقمه: بعد از آنکه با اشاره به آن حضرت سلام دادی و پس از آن، دو رکعت نماز خواندی و هنگام اشاره و پس از خواندن دو رکعت اگر این دعاء زیارت را که شرحش را برایت می گویم خواندی پس به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت دعاء کرده اند تو نیز دعاء نموده ای و خداوند متعال برای تو هزار هزار حسنه نوشته و هزار هزار گناه محو می فرماید و صد هزار هزار درجه مقام و مرتبه تو را بالا برده و تو را از کسانی قرار می دهد که با حضرت حسین بن علی علیه السلام شهید شده اند و بدین ترتیب در درجه ایشان قرار می دهد و شناخته نمی شوی مگر در زمره شهدائی که با آن حضرت شهید شده اند و ثواب تمام انبیاء و رسولان و کسانی که زیارت امام حسین علیه السلام را از زمان شهادتش تا به الآن نموده اند را برایت می نویسد.

متن:

[تقول]: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَی رَسُولِ اللَّهِ، [السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَیْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَیْرِتِهِ] السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِیْنَ، وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیَّیْنَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَی قَاطِمَةِ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ وَالْوِثَرَ الْمُتَوَثِّرَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ، عَلَیْكُمْ مِنْی جَمِیعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَدَاً مَا بَقِیْتُ وَبَقِيَ اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ [الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتِ] الْمُصِیْبَةُ بِكَ عَلَیْنَا وَعَلَى جَمِیعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ [وَالْأَرْضِ]، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْمُجَوْرِ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ؛ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُتَهْدِیْنَ هُمْ بِالْأَثْمَنِ مِنَ قِتَالِكُمْ إِبْرَأْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ] وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلَمْتُ لِمَنْ سَالَكُمُ وَحَزَبُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمِّیَّةٍ قَاطِمَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شَمْرًا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَالْجَمْعُ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ.

﴿ دنیاله حدیث ہفتم ﴾

﴿ و کیفیت خواندن زیارت عاشوراء ﴾ ترجمہ:

حضرت سلام اللہ علیہ بہ علقمہ فرمودند:

در زیارت ابا عبد اللہ الحسین روز عاشوراء بگو:

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند سرور جانشینان، سلام بر تو ای پسر فاطمه که سرور بانوان عالم می باشد، سلام بر تو ای خون خدا (یعنی خدا صاحب خون تو و طلب کننده آن است) و فرزند خون خدا و تنها مانده ای که خونخواهی نشده است، سلام بر تو و بر روح های مطهری که در اطراف تو بوده و در مأوی و مکان تو فرود آمده و اقامت نموده اند، بر شما باد جملگی از طرف من سلام و رحمت خدا برای همیشه و تا مادامی که من باقی بوده و شب و روز باقی هستند، ای ابا عبدالله محققاً عزای شما بزرگ بوده و مصیبت وارده بر شما بر ما و تمام اهل آسمانها و زمین گران می باشد، پس خداوند متعال گروهی را که اسباب و پایه های ظلم و ستم بر شما اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله را بنا نهاده لعنت کند و از رحمتش به دورشان دارد، و گروهی را که شما را از مقام و منزلتان بازداشتند لعنت فرماید، و همچنین خدا لعنت کند کسانی را که شما را از مرتبه ای که حق شما است و خداوند متعال برای شما ترتیب داده بر کنار نمودند، و لعنت نماید جماعتی را که شما را کشتند و لعنت نماید آنان را که برای قاتلین شما تمهید اسباب کرده و بدینوسیله ایشان را بر کشتن شما متمکن ساختند، بسوی خدا و شما از این گروه و از پیروان و تابعین ایشان بی زاری می جویم، ای ابا عبدالله من با کسی که با شما در صلح بوده در صلح هستم و با آنکس که با شما در جنگ می باشد تا روز قیامت در جنگ و حرب خواهم بود، پس خدا لعنت کند دودمان زیاد و دودمان مروان را و لعنت کند تمام بنی امیه را و لعنت نماید فرزند مرجانه را و لعنت کند عمر بن سعد را و لعنت نماید شمر را و لعنت کند جماعتی را که اسبها را زین کرده و لجام زده و خود را آماده برای کشتن نمودند.

متن:

يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي
أَكْرَمَ مَقَامَكَ أَنْ يُكْرِمَنِي بِكَ وَيَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ
آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي وَجِهاً عِنْدَكَ بِالْحُسَيْنِ فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا سَيِّدِي يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ إِنِّي اتَّقَرْتُ إِلَى اللَّهِ [تَعَالَى] وَإِلَى
رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ، صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْكَ وَسَلَّمَ، وَعَلَيْهِمْ بِمُؤَلَاتِكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ
وَمَنْ قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ، وَمِنْ جَمِيعِ أَعْدَائِكُمْ، وَبِالْبَرَاءَةِ
مَنْ أَسَسَ الْجَوْرَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَأَجْرَى ظُلْمَهُ وَجَوْرَهُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى
أَشْيَاعِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَأَتَقَرُّ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ
بِمُؤَلَاتِكُمْ وَمُؤَلَاتِهِ وَلِيْلَكُمْ وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَمِنْ التَّائِصِينَ لَكُمْ
الْحَرْبَ وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ، إِنِّي سَلَمْتُ لِمَنْ سَالَكُمُ، وَحَرْبُ
لِمَنْ حَارَبَكُمُ، وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي
أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَانِكُمْ وَرَزَقَنِي الْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ
يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقِي فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمُحْمَدَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْ
يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مُهْدِي نَاطِقٍ لَكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ
وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ مُصَاباً
بِمُصِيبَةٍ أَقُولُ: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، يَا هَا مِنْ مُصِيبَةٍ، مَا أَغْظَمَهَا
وَأَعْظَمَ رَزِيئَتَهَا فِي الْإِسْلَامِ! وَفِي جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

﴿ دنباله حدیث مفتیم ﴾

﴿ و بقیه زیارت عاشوراء ﴾

ترجمه:

ای ابا عبدالله پدر و مادرم فدایت شوند به خدا قسم مصیبت شما بر من گران و بزرگ است، پس از خدائی که مقام کرامت به تو داده درخواست می‌کنم به واسطه شما من را نیز مورد کرامتش قرار دهد و روزی من نماید که همراه امام کمک شده از آل محمد علیهم‌السلام خون تو را طلب نمایم، بار خدایا به واسطه حسین علیه‌السلام در دنیا و آخرت من را نزد خودت آبرومند قرار بده، ای آقای من، ای ابا عبدالله من به خدای تعالی و به رسولش صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و به امیرالمؤمنین علیه‌السلام و به فاطمه سلام الله علیها و به حسن علیه‌السلام به سوی تو بواسطه دوست داشتن و محبت به شما و بی‌زاری جستن از دشمنانت و از کسانی که تو را کشتند و جنگ با تو را به پا کردند و به واسطه تبری و بی‌زاری از کسانی که جور و ستم را پایه نهاده و ساختمان ظلم را بر آن بنا نهادند و بدنیالش بر شما و شیعیان شما ظلم و جور نمودند تقرب می‌جویم، از ایشان بسوی خدا و تو تبری می‌جویم و بواسطه دوست داشتن شما و دوستان شما را به سوی خدا و سپس به سوی شما تقرب می‌جویم و به واسطه بی‌زاری از دشمنان شما و کسانی که جنگ با شما را به پا نمودند و نیز به واسطه بی‌زاری از شیعیان و تابعین اعداء به خدا تقرب می‌جویم، من با کسانی که با شما در صلح هستند در صلح بوده و با آنانکه با شما حرب و جنگ می‌کنند حرب می‌نمایم، کسی که شما را دوست دارد دوستش دارم، و با آنانکه با شما دشمنی دارند دشمن می‌باشم، پس از خدائی که بواسطه معرفت به شما و معرفت به دوست شما من را مورد کرامت قرار داد و بی‌زاری از دشمنانتان را روزی من قرار داد درخواست می‌کنم که در دنیا و آخرت من را همراه شما قرار داده و در هر دو نشسته برای من قدم و گامی صدق نزد شما ثابت نماید، و از او می‌خواهم که من را به مقام محمود و پسندیده‌ای که شما نزد حضرتش دارید برساند و نیز روزی من کند که در رکاب ظفر قرین حضرت امام مهدی (ع) که

ناطق شما است خون شما را مطالبه کنم، و از ذات اقدسش می‌خواهم که به حقانیت شما و به شأن و مرتبه‌ای که نزد او دارید به واسطه عزاداری من برای شما برترین اجری را که به مصیبت دیدگان می‌دهد به من اعطاء بفرماید.

در مقام اظهار مصیبت می‌گوییم: انا لله و انا الیه راجعون، وای از این مصیبت، چه قدر بزرگ است و چه قدر عزای آن در اسلام و بین جمیع اهل آسمانها و زمین گران و سنگین می‌باشد.

متن:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ فِيْ مَقَامِيْ هَذَا يَوْمَ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَرَحْمَةٍ وَمَغْفِرَةٍ،
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ حَيَاتِيْ حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَمَاتِيْ مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَنَزَّلَتْ فِيْهِ اللّٰغَةُ عَلٰى آلِ
زِيَادٍ وَآلِ اُمَيَّةَ وَابْنِ اَكْلَةَ الْاَكْبَادِ، اللّٰعِيْنَ بِنِ اللّٰعِيْنَ، عَلٰى لِسَانِ نَبِيِّكَ،
فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيْهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللّٰهُمَّ الْعَن
اَبَا سُفْيَانَ وَمُعَاوِيَةَ، وَعَلٰى يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ اللّٰغَةَ اَبَدَ الْاَبَدِيْنَ، اَللّٰهُمَّ
فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللّٰغَةَ اَبَدًا لِّقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ [ع]، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ
فِيْ هَذَا الْيَوْمِ فِيْ مَوْقِفِيْ هَذَا وَاَيَّامِ حَيَاتِيْ بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَاللّٰغَةِ عَلَيْهِمْ،
وَبِالْمَوَالَةِ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
اَجْمَعِيْنَ».

﴿ دنیاله حدیث هفتم ﴾

﴿ وبقیه زیارت عاشوراء ﴾

ترجمه:

بار خدایا قرار بده من را در این مقام و مرتبه‌ای که دارم از کسانی که می‌رسد به آنان درودها و رحمت و آمرزشی از توبه ایشان، خداوند زیستن من را همچون زیستن محمد و آل محمد و مردنم را مانند مردن محمد و آل محمد قرار بده، بار خدایا بدرستی که امروز، روزی است که لعنت بر دودمان زیاد و امیه و پسر خورنده جگرها یعنی ملعون بن ملعون بوسيله زبان پیامبرت فرود آمده در هر سرزمین و مکانی که پیامبرت در آن وقوف و درنگ داشته باشد، خداوند ابوسفیان و معاویه و یزید پسر معاویه را برای همیشه مورد لعنت قرار بده، خداوند لعنت خود را بر ایشان برای ابد چند برابر نما زیرا ایشان حسین را کشتند، بار خدایا بدرستی که من در این روز و در این مکان و در طول مدت زندگانیم بواسطه بی‌زاری از ایشان و درخواست لعنت بر ایشان و به واسطه دوست داشتن پیامبرت یعنی حضرت محمد و دوست داشتن اهل بیت پیامبرت صلی الله علیه و علیهم اجمعین به تو تقرب می‌جویم.

متن:

ثُمَّ تَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ:

«اللَّهُمَّ اَنْعِنِ اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَخِرَ تَابِعٍ لَهٗ عَلٰى ذٰلِكَ، اللَّهُمَّ اَنْعِنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتْ الْحُسَيْنَ وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ [اَعْدَاءَهُ] عَلٰى قَتْلِهِ وَقَتْلِ اَنْصَارِهِ، اللَّهُمَّ اَنْعِنَهُمْ جَمِيعًا».

ثُمَّ قُلْ مِائَةَ مَرَّةٍ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَاعَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْاَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ،

وَأَنَاخْتُ بِرَحْلِكَ، عَلَيْكُمْ مَنى سَلامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ
وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمْ، السَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ
وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ».

﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

﴿ وبقیه زیارت عاشوراء ﴾

ترجمه:

سپس صد مرتبه بگو:

بار خدایا لعنت نما اولین ستمگری را که با گرفتن حق محمد و آل محمد به
ایشان ستم و ظلم نمود و آخرین کسی که از این ستمگران در گرفتن حق ایشان
تبعیت کرد، خداوندا لعنت نما گروهی را که حسین علیه السلام را انکار کرده و آن جناب
را نپذیرفته و دشمنان حضرت را تبعیت کرده و با آنان بیعت نموده و بر قتل آن
حضرت و کشتن یارانش با ایشان هم قسم شدند، خداوندا همگی آنان را لعنت
نما و از رحمت دورشان بگردان.

پس از آن صد مرتبه بگو:

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر ارواح طیبه‌ای که اطرافت را گرفته و در مأوای
و مکان تو فرود آمده و اقامت نموده‌اند، از جانب من سلام و تحیت و رحمت
خدا همیشه بر شما باد تا مادامی که من باقی بوده و شب و روز مستمر می‌باشند،
و این زیارت را آخرین زیارت من قرار مده، سلام بر حسین و بر علی بن
الحسین و بر یاران حسین صلوات و رحمت خدا بر ایشان همگی باد.

متن:

ثم تقول مرة واحدة:

«اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِيِّكَ بِاللَّعْنِ، ثُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ وَأَبَاهُ، وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ، وَآلَ مَرْوَانَ وَبَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

ثُمَّ تَسْجُدُ سَجْدَةً تَقُولُ فِيهَا:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مُحَمَّدُ الشَّاكِرِينَ عَلَى مُصَابِهِمْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ مُصَابِي وَرَزِيَّتِي فِيهِمْ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شِفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَتَبَّتْ لِي قَدَمُ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ بَذَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ -».

قال علقمة: قال أبو جعفر الباقر عليه السلام: يا علقمة إن استطعت أن تزوره في كل يوم بهذه الزيارة من دهرك فافعل، فلك ثواب جميع ذلك إن شاء الله تعالى.

﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

﴿ وبقیه زیارت عاشوراء ﴾

ترجمه:

سپس يك مرتبه بگو:

بار خدایا تو اختصاص بده به لعن نمودن اولین کسی را که به اهل بیت پیغمبرت ستم کرده سپس لعن نما دشمنان آل محمد را از اولین و آخرین، خدایا یزید و پدرش را لعن فرما و عیبدالله بن زیاد و دودمان مروان و همه بنی امیه را تا روز قیامت لعن بکن.

سپس به سجده برو و در آن بگو:

بار خدایا تو را ستایش می‌کنیم ستایش سپاس گزاران بر مصیبتی که بر آنان وارد می‌شود، حمد و ستایش خدا برگرانی مصیبت و عزاداری من، خدایا شفاعت امام حسین علیه السلام را در روز ورود به جهان آخرت نصیب نما و قدم راستی را در نزد خودت همراه امام حسین علیه السلام و اصحاب حضرتش برای من ثابت بگردان، آن اصحابی که جانشان را در برابر امام حسین علیه السلام ایثار نمودند، صلوات و رحمت خدا بر همه آنها باد.

علقمه می‌گوید: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمودند: ای علقمه اگر بتوانی هر روز با این زیارت امام حسین علیه السلام را زیارت کنی البته این کار را انجام بده که انشاء الله تمام ثواب‌هایی که ذکر شده برایت منظور گردد.



﴿ الباب الثانی و السبعون ﴾

﴿ ثواب زیارة الحسین علیه السلام فی النصف من شعبان ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - جَمِيعاً، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: إِذَا كَانَ النِّصْفُ مِنْ شَعْبَانَ نَادَى مُنَادٍ مِنَ الْأَفْقِ الْأَعْلَى: زَائِرِي الْحُسَيْنِ ارْجِعُوا مَغْفُوراً لَكُمْ، ثَوَابَكُمْ عَلَى اللَّهِ رَبِّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكُمْ».

﴿ باب هفتاد و دوم ﴾

﴿ ثواب زیارت حضرت امام حسین (ع) در نیمه شعبان ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین و محمد بن یعقوب رحمة الله عليهم جملگی از علی ابن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از برخی اصحابش، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبدالله (ع)، حضرت فرمودند:

هنگامی که نیمه شعبان می شود از افق اعلی منادی نداء می کند: ای زائرین حسین (ع) به اهل خود برگردید در حالی که آمرزیده شده اید، ثواب و اجر شما بر خدا است که پروردگار شما بوده و بر محمد است که پیغمبر شما می باشد.



متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَيْتُونِيِّ، وَغَيْرِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَلَالٍ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَالْحَسَنِ بْنِ محبوبٍ، عَنْ أَبِي حمزة، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) «قَالَا: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَصَافَحَهُ مِائَةُ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةُ وَ عَشْرُونَ أَلْفَ نَبِيٍّ فَلْيَزِرْ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) فِي النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، فَإِنَّ أَرْوَاحَ النَّبِيِّينَ (ع) يَسْتَأْذِنُونَ اللَّهَ فِي زِيَارَتِهِ فَيُؤْذَنُ لَهُمْ مِنْهُمْ خَمْسَةٌ أَوْ لَوْ الْعَزْمُ مِنَ الرَّسْلِ، قُلْنَا: مَنْ هُمْ؟ قَالَ: نُوحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَمُوسَى وَعِيسَى؛ وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، قُلْنَا لَهُ: مَا مَعْنَى أَوْلَى الْعَزْمِ، قَالَ: بَعَثُوا إِلَى شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا؛ جَنَّتْهَا وَ إِنْسَهَا».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی زیتونی و غیرش، از احمد بن هلال، از محمد بن ابی عمیر رحمة الله علیه، از حماد بن عثمان، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام.

و حسن بن محبوب، از ابی حمزة، از حضرت علی بن الحسین علیه السلام.

این دو امام بزرگوار فرمودند:

کسی که دوست دارد صد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کنند باید قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را در نیمه ماه شعبان زیارت کند چه آنکه ارواح انبیاء علیهم السلام از خدا اذن گرفته تا آن جناب را زیارت کنند پس به ایشان اذن داده

می شود، پنج تن از ایشان اولوا العزم هستند.

عرض کردیم: ایشان چه کسانی هستند؟

امام علیه السلام فرمودند: حضرات نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیهم اجمعین.

محضر مبارکش عرضه داشتیم: معنای اولوا العزم چیست؟

حضرت فرمودند:

یعنی مبعوث شده اند به شرق و غرب زمین، به جن و انس.

مترجم گوید:

از ذیل این حدیث این طور استفاده می شود که پیامبر اولوا العزم یعنی پیامبری که رسالتش محدود و منحصر به گروهی دون گروهی دیگر و سرزمینی دون سرزمین دیگر نبوده بلکه عمومی و گسترده می باشد.

من:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ جَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى

الْعَطَّار، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ صَنْدَلٍ، عَنْ

هارون ابن خارجه، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إذا كان النصف من شعبان نادى مناد من الأفق الأعلى: زائري الحسين ارجعوا مغفوراً لكم، ثوابكم على [الله] ربكم و محمد نبيكم».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتید من، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن الحسن، از ابراهیم بن هاشم، از صندل، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند:

هنگامی که نیمه شعبان شود از افق اعلیٰ منادی نداء می کند... تا آخر حدیث بشرحی که در حدیث اول گذشت.



متن:

۴- و رواه صافی البرقی، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من زار أبا عبد الله عليه السلام ثلاث سنين متواليات لا فصل فيها في النصف من شعبان غفر له ذنوبه».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

صافی برقی، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام حضرت فرمودند: کسی که حضرت ابا عبد الله عليه السلام را سه سال پشت سرهم که بینشان فاصله نباشد در نیمه شعبان زیارت کند گناهانش آمرزیده می شود.

متن:

۵- و یاسناده عن داود بن كثير الرقي «قال: قال الباقر عليه السلام: زائر الحسين عليه السلام في النصف من شعبان يغفر له ذنوبه، و لن يكتب عليه سيئة

فی سنته حتی یحول علیه الحول، فإن زار فی السنة المقبلة غفر الله له ذنوبه».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

و پدرم به اسنادش، از داود بن کثیر رقی، وی گفت: حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند:

گناهان کسی که در نیمه شعبان امام حسین علیه السلام را زیارت کند آمرزیده می شود و در آن سال گناه و لغزشی برایش نوشته نمی شود تا سال تمام گردد و اگر در سال آینده حضرت را زیارت کرد گناهانش آمرزیده می گردد.



متن:

۶- حَدَّثَنِي جَمَاعَةُ مُشَافِئِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ الْحُسَيْنِ ابْنِ أَبِي سَارَةَ الْمَدَائِنِيِّ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ابْنِ الْحَجَّاجِ - أَوْ غَيْرِهِ اسْمُهُ الْحُسَيْنِ - قَالَ: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام لَيْلَةً مِنْ ثَلَاثِ لَيَالٍ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، قَالَ: قُلْتُ: أَيُّ اللَّيَالِي جَعَلْتَ فِدَاكَ؟ قَالَ: لَيْلَةُ الْفِطْرِ، وَ لَيْلَةُ الْأَضْحَى، وَ لَيْلَةُ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی عطار، از حسین بن ابی ساره المدائنی، از یعقوب بن یزید، از ابن ابی عمیر، از عبدالرحمن بن حججاج یا غیر او که اسمش حسین می باشد، وی گفت حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در یکی از سه شب زیارت کند

خداوند منان گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.
 راوی گفت: عرض کردم: فدایت شوم آن سه شب کدام می باشد:
 حضرت فرمود: شب عید فطر، شب عید قربان، شب نیمه ماه شعبان.

متن:

۷- و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ جَمَاعَةٌ مَشَائِخِي،
 عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ،
 عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ
 «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عليه السلام لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، وَ
 لَيْلَةَ الْفِطْرِ، وَ لَيْلَةَ عَرَفَةَ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حُجَّةٍ مَبْرُورَةٍ وَ
 أَلْفَ عَمْرَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ، وَ قُضِيَتْ لَهُ أَلْفُ حَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبدالله،
 از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد، از قاسم بن یحیی، از جدش
 حسن بن راشد، از یونس بن ظبیان، وی می گوید:
 حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین عليه السلام را شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب
 عرفه در یکسال زیارت کند خداوند متعال ثواب هزار حج و هزار عمره قبول
 شده برایش می نویسد، و هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرش روا می گردد.

﴿ فصل ما يجب العمل به ليلة النصف من شعبان ﴾

متن:

۸ - سالم بن عبد الرحمن، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من بات ليلة النصف من شعبان بأرض كربلاء فقرأ ألف مرة «قل هو الله أحد» و يستغفر الله ألف مرة و يحمد الله ألف مرة، ثم يقوم فيصلي أربع ركعات يقرأ في كل ركعة ألف مرة آية الكرسي، وكل الله تعالى به ملكين يحفظانه من كل سوء، و من شر كل شيطان و سلطان، و يكتبان له حسناته و لا تكتب عليه سيئة و يستغفران له ما دام معه».

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی
﴿ فصل ﴾

﴿ در بیان اعمال نیمه ماه شعبان ﴾

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

سالم بن عبد الرحمن، از حضرت ابا عبد الله عليه السلام، آن حضرت فرمودند: کسی که شب نیمه شعبان به زمین کربلاء رفته و در آنجا هزار مرتبه قل هو الله احد خوانده و هزار مرتبه استغفار نموده و هزار مرتبه الحمد لله بگوید سپس ایستاده و چهار رکعت نماز خوانده و در هر رکعت هزار مرتبه آیه الكرسي قرائت نماید خداوند متعال دو فرشته را بر او موکل کند که وی را از هر سوء و بدی و از شر هر شیطان و سلطانی حفظ کنند و حسنات او را نوشته ولی گناهانش را نمی‌نویسند و تا زمانی که با وی می‌باشند برای او طلب آموزش می‌نمایند.

متن:

۹- حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن يعقوب ابن يزيد، عن محمد بن أبي عمير، عن زيد الشحام، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من زار قبر الحسين عليه السلام في النصف من شعبان غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمة:

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری از پدرش، از یعقوب بن زید از محمد بن ابا عمیر، از زید شحام، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند: کسی که قبر مطهر حضرت امام حسین عليه السلام را در نیمه شعبان زیارت کند حقتعالی گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

۱۰- حدثني أبو عبد الله محمد بن أحمد بن يعقوب بن اسحق بن عمار، عن علي بن الحسن بن علي بن فضال، عن محمد بن الوليد، عن يونس بن يعقوب «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا يونس ليلة النصف من شعبان يغفر الله لكل من زار الحسين عليه السلام من المؤمنين ما تقدم من ذنوبهم و ما تأخر، و قيل لهم: استقبلو العمل، قال: قلت: هذا كله لمن زار الحسين عليه السلام في النصف من شعبان؟ فقال: يا يونس لو اخبرت الناس بما فيها لمن زار الحسين عليه السلام لقامت ذكور الرجال على الخشب».

﴿ فصل ﴾

﴿ در بیان اعمال نیمه ماه شعبان ﴾

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

ابو عبدالله محمد بن احمد بن یعقوب بن اسحاق بن عمار، از علی بن الحسن ابن علی بن فضال، از محمد بن ولید، از یونس بن یعقوب، وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای یونس، در شب نیمه شعبان خداوند متعال گناهان گذشته و آینده هر مؤمنی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در آن شب زیارت کند می‌آمرزد و به ایشان گفته می‌شود:

شروع به انجام عمل کنید.

راوی می‌گوید: محضر مبارکش عرض کردم: این همه عنایت و لطف برای کسی است که امام حسین علیه السلام را در نیمه شعبان زیارت کند؟ حضرت فرمودند:

ای یونس اگر مردم را خبر دهم به فضیلتی که در زیارت این شب است قطعاً مردان بر چوب سوار شده و خود را به سر قبر مطهرش می‌رسانند.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيَكٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: مَنْ زَارَ [قَبْرَ] الْحُسَيْنِ عليه السلام لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ مَنْ زَارَهُ يَوْمَ عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حُجَّةٍ

متقبلة و ألف عمرة مبرورة، و من زاره يوم عاشوراء فكأنما زار الله فوق عرشه».

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن عبدالله بن موسی، از عیبدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از زید شحام، از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام آن حضرت فرمودند: کسی که در شب نیمه شعبان قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد و کسی که قبر مطهرش را روز عرفه زیارت کند خداوند متان ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول را برایش می نویسد و کسی که در روز عاشوراء آن حضرت را زیارت کند مانند کسی است که حق تعالی را بالای عرشش زیارت کرده است.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

﴿ الباب الثالث و السَّبْعُونَ ﴾

﴿ ثواب من زار الحسين علیه السلام فی رجب ﴾

متن:

۱- حدَّثني أبو علي محمد بن همام بن سهيل، عن أبي عبدالله جعفر ابن محمد بن مالك، عن الحسن بن محمد الأبهزاري، عن الحسن بن محبوب، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي «قال: سألت أبا الحسن الرضا علیه السلام في أي شهر تزور الحسين علیه السلام؟ قال، في النصف من رجب و النصف من شعبان».

و رواه أحمد بن هلال، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن أبي

الحسن الرضا علیه السلام مثله، غیر آنه قال: «أَيُّ الْأَوْقَاتِ أَفْضَلُ أَنْ نَزُورَ فِيهِ الْحُسَيْنَ علیه السلام».

﴿ باب هفتاد و سوم ﴾

﴿ ثواب کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در رجب زیارت کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

ابو علی محمد بن همام بن سهیل، از ابی عبدالله جعفر بن محمد بن مالک، از حسن بن محمد ابزاری، از حسن بن محبوب، از احمد بن محمد بن ابی نصر بزغلی، وی می گوید: از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام پرسیدم: در چه ماهی حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم؟ حضرت فرمودند:

در نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان در روز شنبه و احمد بن هلال، از احمد بن ابی نصر، از ابی الحسن الرضا علیه السلام مثل همین روایت را نقل کرده است با این تفاوت که سائل در سؤال پرسیده است: کدام یک از اوقات افضل است به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برویم؟

متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام يَوْمَ عَرَفَةَ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حَجَّةٍ وَأَلْفِ عُمْرَةٍ وَأَلْفِ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مَرْسَلٍ، وَ مَنْ زَارَهُ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ الْبُيُوتَةُ».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل ابن بزیع، از صالح بن عقبه، از بشیر دهان از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را روز غرغه زیارت کرده در حالی که به حقش عارف باشد خداوند مَنانِ ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهادی که در رکاب نبی مرسل نموده را برایش می نویسد و کسی که آن حضرت را روز اول رجب زیارت کند البته حق تعالی او را می آمرزد.

﴿ الباب الرابع والسبعون ﴾

﴿ ثواب مَنْ زار الحسين علیه السلام فی غیر یوم عید ولا عرفة ﴾

مَن:

۱- حدَّثنی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحُسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن بشیر الدَّهَّان «قال: قال أبو عبدالله علیه السلام: أیما مؤمن زار الحسين علیه السلام عارفاً بحقه فی غیر عید ولا عرفة كتب الله له عشرين حجة، وعشرين عمرة مبرورات متقبَّلات، وعشرين غزوةً مع نبي مرسل أو إمام عدل».

﴿ باب مفتاد و چهارم ﴾

﴿ ثواب کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در غیر روز عید ﴾

﴿ و عرفه زیارت کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از بشیر دهان، وی گفت:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

هر مؤمنی که امام حسین علیه السلام را در غیر روز عید و عرفه زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت آگاه و مطلع باشد خداوند متعال ثواب بیست حج و بیست عمره مقبول و بیست جهاد در رکاب نبی مرسل یا امام عادل برایش می نویسد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

۲ - و عنه، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن صالح، عن عبدالله ابن هلال، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: قلت: جعلت فداك ما أدنی ما لزار الحسين علیه السلام؟ فقال لی: یا عبدالله إن أدنی ما یكون له أن الله یحفظه فی نفسه و ماله حتی یرده إلی أهله، فإذا کان یوم القیامة کان الله الحافظ له».

حدیثی آبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن اسماعیل بن بزیع، عن صالح - مثل حدیثه الأول فی الباب - .

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه اش با سند دیگر در باب چهل و نهم ذیل حدیث شماره پنجم قبلاً ذکر شد.

متن:

۳- حدَّثَنِي أَبِي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد ابن عيسى؛ و عن احمد بن إدريس، عن العمركي بن علي البوفكي، عن صندل، عن داود بن يزيد، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من زار قبر الحسين عليه السلام في كلِّ جمعة غفر الله له البتَّة، ولم يخرج من الدنيا وفي نفسه حسرة منها، و كان مسكنه في الجنة مع الحسين بن علي عليهما السلام، ثم قال: يا داود من لا يُسرُّه أن يكون في الجنة جار الحسين عليه السلام؟ قلت: من لا أفلح».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى و از احمد بن إدريس، از عمرکی بن علی البوفکی، از صندل، از داود بن یزید، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که قبر حضرت امام حسین عليه السلام را در هر جمعه زیارت کند البتّه حق تعالی او را می آمرزد و از دنیا خارج نمی شود در حالی که از دنیا حسرتی در خاطر داشته باشد و مکانش در بهشت با حضرت ابا عبدالله الحسین عليهما السلام می باشد، سپس فرمودند:

ای داود چه کسی است که دوست نداشته باشد در بهشت همسایه حسین عليه السلام

باشد؟

داود می گوید: عرض کردم: کسی که رستگار نباشد.

متن:

۴- و عنه، عن احمد بن إدريس، عن العمرکی، عن صندل، عن داود ابن فرقد «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما لمن زار الحسين عليه السلام في كل شهر من الثواب؟ قال له: [من الثواب] ثواب مائة ألف شهيد مثل شهداء بدر».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

و از پدرم، از احمد بن ادريس، از عمرکی، از صندل، از داود بن فرقد، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم: ثواب کسی که در همراه حسین علیه السلام رازیارت کند چیست؟
حضرت فرمودند:

برای او ثواب صد هزار شهید مانند شهداء بدر می باشد.

متن:

۵- و بإسناده عن صندل، عن أبي الصباح الكناني، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إذا كان ليلة القدر فيها يَفْزِقُ كلُّ أمر حكيمٍ نادى منادٍ تلك الليلة من بطنان العرش: إِنَّ اللَّهَ قد غفر لمن زار قبر الحسين عليه السلام في هذه الليلة».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم به اسنادش از صندل، از ابی الصباح کنانی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند:

هنگامی که شب قدر فرا برسد یعنی شبی که در آن کارهای مصلحت‌آمیز عباد توزیع و تفریق می‌گردد از طرف عرش منادی نداء می‌کند:

خداوند متعال در این شب گناهان کسی را که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفته می‌آمرزد.

متن:

۶- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجِمَا فَاتْنِي الْحَجَّ فَاعْرِفْ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: أَحْسَنْتَ يَا بَشِيرُ، أَيْمًا مَوْمِنٌ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ فِي غَيْرِ يَوْمٍ وَلَا عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرِينَ حَجَّةً، وَ عَشْرِينَ عِمْرَةً مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ، وَ عَشْرِينَ غَزْوَةً مَعَ نَسَبٍ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ، وَ مِنْ أَتَاهُ فِي يَوْمِ عِيدٍ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ -».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه‌اش با سند دیگر در باب هفتادم ذیل حدیث شماره یک قبلاً ذکر شد.

﴿ الباب الخامس و السبعون ﴾

﴿ من اغتسل فی الفرات و زار الحسین علیه السلام ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن محمد بن يحيى العطار، عن حمدان بن سليمان النيسابوري، عن عبد الله بن محمد اليماني، عن منيع بن الحجاج، عن يونس، عن صفوان الجمال، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من اغتسل بماء الفرات و زار قبر الحسين عليه السلام كان كيوم ولدته أمه صَفْرًا من الذنوب ولو اقترفها كبائر [و كانوا] يحبون إذا زار الرجل قبر الحسين عليه السلام اغتسل وإذا ودَّع لم يغتسل و مسح يده على وجهه إذا ودَّع».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی قم

﴿ باب هفتاد و پنجم ﴾

﴿ ثواب کسی که در فرات غسل کرده و به ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود ﴾

﴿ حدیث اوّل ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی عطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبدالله بن محمد یمانی، از منیع بن حجاج، از یونس، از صفوان جمال، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که در آب فرات غسل کند و قبر حسین علیه السلام را زیارت نماید مانند روزی است که مادر او را خالی از گناهان زانیده اگر چه مرثکب گناهان کبیره هم شده

باشد و ما دوست داریم که شخص وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می رود غسل کرده و هنگام وداع غسل نکند بلکه دستش را بر صورتش بکشد.

متن:

۲- حدّثنی محمد بن جعفر القرشی الرّزّاز، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن اسماعیل بن بزّیع، عن صالح بن عقبه، عن بشیر الدّهّان: قال قلت لأبی عبد الله علیه السلام فی حدیث طویل - «قال: ویحک! یا بشیر إنّ المؤمن إذا أتى قبر الحسین علیه السلام عارفاً بحقه فاغتسل فی الفرات ثمّ خرج کتب له بكلّ خطوة حجّة و عمرة مبرورات متقبّلات، و غزوة مع نبي مرسل، أو إمام عدل».



ترجمه دوم

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزّاز، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزّیع، از صالح بن عقبه، از بشیر دهّان، وی گفت:
محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم (در ضمن حدیث طولانی)....

حضرت فرمودند:

وای بر تو، ای بشیر هرگاه مؤمن به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود و به حق آن جناب آگاه باشد پس در فرات غسل کند و از آن خارج گردد حق تعالی در مقابل هر قدمی که بر می دارد یک حج و یک عمره مقبول برایش می نویسد و نیز ثواب یک جهاد در رکاب نبی مرسل، یا امام عادل برای او منظور می فرماید.

متن:

۳- حدَّثني أبي - رحمه الله - عن محمد بن يحيى؛ و احمد بن إدريس، عن العرمكى بن علي، عن يحيى - وكان في خدمة الإمام أبي جعفر الثاني عليه السلام - عن محمد بن سنان، عن بشير الذَّهَّان «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام و هو نازل بالحيرة و عنده جماعة من الشيعة فأقبل إلى بوجهه فقال: يا بشير حججت العام؟ قلت: جعلت فداك لا، ولكن عرَّفت بالقبر - قبر الحسين عليه السلام - فقال: يا بشير و الله ما فاتك شيء مما كان لأصحاب مكة بمكة، قلت: جعلت فداك فيه عرفات فسرلي؟ فقال: يا بشير إنَّ الرِّجل منكم ليغتسل على شاطئ الفرات ثم يأتي قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه فيعطيه الله بكلِّ قدم يرفعها أو يضعها مائة حجة مقبولة و معها مائة عمرة مبرورة، و مائة غزوة مع نبيٍّ مرسلٍ إلى أعداء الله و أعداء الرسول - و ذكر الحديث -».

﴿ حدیث سوّم ﴾

ترجمہ:

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه اش در باب هفتادم ذیل حدیث شماره نه قبلاً ذکر شد.

متن:

۴- و حدَّثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن علي ابن محمد ابن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصري، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم قال: حدَّثنا هشام بن سالم، عن أبي

عبداللہ ﷺ - فی حدیث له طویل - «قال: أتاه رجل فقال له: هل يُزار والدك؟ فقال: نعم، فقال: ما لمن اغتسل بالفرات ثم؟ أتاه؟ قال: إذا اغتسل من ماء الفرات و هو يريده تساقطت عنه خطاياہ كيوم ولدته أمّة - وذكر الحديث بطوله -».

﴿ حدیث چہارم ﴾

ترجمہ:

مترجم می گوید:

این حدیث با ترجمہ اش در باب چہل و چہارم ذیل حدیث شمارہ دو قبلہ ذکر شد.



متن:

۵ - حدّثنی أبو محمد ہارون بن موسیٰ التلعکبری، عن أبي عليّ محمد ابن ہمام بن سہیل، عن احمد بن مابنداد، عن احمد بن المعافا التغلبي، من أهل رأس العين، عن عليّ بن جعفر الهمّانيّ «قال: سمعت عليّ بن محمد العسكريّ ﷺ يقول: من خرج من بيته يريد زيارة الحسين ﷺ فصار إلى الفرات فاغتسل منه كتب [الله] من المفلحين، فإذا سلّم عليّ أبي عبد الله ﷺ كتب من الفائزين، فإذا فرغ من صلاته أتاه ملك فقال [له]: إنّ رسول الله ﷺ يقرؤك السلام و يقول لك: أمّا ذنوبك فقد غفر لك استأنف العمل».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمہ:

ابو محمد ہارون بن موسیٰ تلعکبری، از ابی علی محمد بن ہمام بن سہیل، از احمد ابن مابنداد، از احمد بن معافا تغلبی کہ از اہل شہر رأس العین بود، از علی

بن جعفر هَمَّانِی، وی می گوید:

از حضرت علی بن محمد العسکری علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که از خانه اش بیرون بیاید و قصدش زیارت حضرت امام حسین علیه السلام باشد پس به فرات برسد و از آن غسل کند خداوند متعال او را از رستگاران می نویسد و وقتی بر ابی عبدالله الحسین علیه السلام سلام دهد او را از فائزین قلمداد می کند و وقتی از نمازش فارغ شود فرشته ای نزد او آمده و به او می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به تو سلام می رساند و می فرماید:

اما گناهانت تمام آمرزیده شد پس عمل را از ابتداء شروع کن.

متن:

۶- حَدَّثَنِي حُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلَوِيَّةِ الْإِسْفَهَانِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ - رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام - «أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ غَسْلِ الزِّيَارَةِ إِذَا فَرَغَ:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَ طَهُورًا وَ حِرْزًا، وَ كَافِيًا مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ، وَ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ وَ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَ جَوَارِحِي وَ لَحْمِي، وَ دَمِي وَ شَعْرِي، وَ بَشْرِي وَ نُحْيِي وَ عِظَامِي وَ عَصَبِي، وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي فَاجْعَلْهُ لِي شَهِيدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ يَوْمَ حَاجَتِي وَ قَفْرِي وَ فَاقَتِي».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از احمد بن علویة الاصفهانی، از ابراهیم بن محمد ثقفی بطور مرفوعه از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

حضرت امام صادق علیه السلام هنگام فراغت از غسل زیارت می فرمودند:

بار خدایا این آب را برایم نور و طهور و حرز و تعویذ و پناهگاهم قرار بده، و

آن را کفایت کننده از هر دردی و عیبی گردان، و آن را شفا دهنده از هر آفت و آسیبی تقدیر نما، و به واسطه آن قلب و اعضاء و گوشت و خون و موی و پوست و مغز و استخوان و رگ من را پاکیزه گردان و آنچه را که زمین از من می‌کاهد و در خود پنهان می‌نماید را در روز قیامت یعنی روز حاجت و نیاز و تهی دستی من شاهد من قرار بده.

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ بْنُ سُهَيْلٍ الْإِسْكَافِيُّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ابْنِ - مَالِكِ الْفَزَارِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الرَّوَاسِيِّ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام فَتَوَضَّأَ وَاغْتَسَلَ فِي الْفَرَاتِ لَمْ يَرْفَعْ قَدَمًا وَلَمْ يَضَعْ قَدَمًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَجَّةً وَعُمْرَةً».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن همام بن سهیل اسکافی، از جعفر بن محمد بن مالک فزاری، از حسن بن عبدالرحمن رواسی، از کسی که برایش حدیث گفته، از بشیر دهان، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت حسین بن علی عليه السلام برود و وضوء گرفته و در فرات غسل نماید قدمی از زمین برنداشته و روی آن قدمی نمی‌گذارد مگر آنکه حق تعالی ثواب یک حج و یک عمره برایش منظور می‌فرماید.

متن:

۸- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِيعًا، عَنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ

يوسف الكُنَاسِي، عن أبي - عبد الله عليه السلام «قال: إذا أتيت قبر الحسين عليه السلام فأتت الفُرات و اغتسل بحِمالِ قبره».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن جميعاً، از حسين بن الحسن بن ابان، از حسين بن سعيد، از فضالة بن ايوب، از يوسف كناسي، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمود:

هنگامي كه به زيارت قبر حسين بن علي عليه السلام رفتي پس ابتداء به فرات برو در مقابل قبر آن حضرت غسل نما.



متن:

۹ - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمَوْسَوِي، عَنْ عبيد الله بن نَهِيك، عَنْ مُحَمَّدِ الْفَرَّاشِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ الطَّحَّانِ، عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ، عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى النَّخَّاسِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: إِنَّ مَنْ خَرَجَ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَارِفاً بِحَقِّهِ وَ بَلَغَ الْفُرَاتَ وَ اغْتَسَلَ فِيهِ وَ خَرَجَ مِنَ الْمَاءِ كَمَا كَانَ كَمَثَلِ الَّذِي خَرَجَ مِنَ الذُّنُوبِ، فَإِذَا مَشَى إِلَى الْحَاثِرِ لَمْ يَرْفَعْ قَدَمًا وَ لَمْ يَضَعْ أُخْرَى إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَى عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهيم بن عبدالله موسى، از عبد الله بن نهيك، از محمد الفرّاش، از ابراهيم بن محمد طحّان، از بشير دهّان، از رفاعه بن موسى

نَحَاس، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفته و به حق آن حضرت
عارف و آگاه باشد در صورتی که به فرات رسید و در آن غسل کرد و از آب
خارج شد مثل کسی است که از گناهان خارج و پاک شود، و وقتی به طرف حائر
قدم بردارد قدمی از زمین بر نداشته و قدمی بر روی زمین نمی گذارد مگر آنکه
حق تعالی ده حسنه برایش نوشته و ده گناه از او محو می فرماید.

﴿الباب السادس السبعون﴾

﴿الرخصة في ترك الغسل لزيارة الحسين علیه السلام﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَأَخِي، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتْوِيهِ بْنِ السَّنْدِيِّ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ:
حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ بِالْكُوفَةِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى،
عَنِ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَنْ زَارَ
الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام عَلَيْهِ غُسْلٌ؟ قَالَ: فَقَالَ: لَا».

﴿باب هفتاد و ششم﴾

﴿جواز ترك غسل برای زیارت امام حسین علیه السلام﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدر و برادرم، از حسن بن متویه بن السندی، از پدرش، وی گفت:
محمد بن الحسین بن ابی الخطاب در کوفه برایم حدیث گفت، از صفوان بن
یحیی، از عیص بن القاسم البجلی، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله (ع) عرض کردم: بر کسی که زیارت حسین بن علی (ع) می‌رود غسل واجب است؟
راوی گفت: حضرت فرمودند: خیر.

متن:

وَحَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ الْعَيْصِ بْنِ الْقَاسِمِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مِثْلَهُ.

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از محمد بن الحسین ابن ابی الخطاب، از صفوان، از عیص بن القاسم، از حضرت ابی عبدالله (ع) مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ الْعَيْصِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مِثْلَهُ.

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن عبد الجبار، از صفوان، از عیص، از حضرت ابی عبدالله (ع) مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

۲- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدِ ابْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنْ أَبِي الْيَسَّعِ «قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَأَنَا أَسْمَعُ - عَنْ الْغُسْلِ إِذْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَقَالَ: لَا».

حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ؛ وَغَيْرِهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْيَسَّعِ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ بِنَفْسِهِ -

● حَدِيثِ دَوِّم ●

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عباس بن معروف، از عبدالله بن مغیره، از ابی الیسع، وی گفت: شخصی از حضرت ابو عبدالله عليه السلام سؤال کرد و من نیز می شنیدم، وی پرسید: زائر وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام می رود باید غسل کند؟ حضرت فرمودند: خیر.

جماعتی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین، از ایوب بن نوح و غیرش از عبدالله بن مغیره نقل کرده، وی گفت: ابو الیسع برای ما حدیثی گفت و همین حدیث را عیناً برای ما نقل کرد.

متن:

و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ؛ وَغَيْرِهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنْ أَبِي

الْيَسَعَ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) - وَذَكَرَهُ مِثْلَهُ - .

ترجمه:

محمد بن احمد بن الحسين، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی، از ایوب بن نوح و غیرش، از عبد الله بن مغیره، از ابی الیسع، وی گفت:
شخصی از حضرت ابا عبد الله (ع) سؤال کرد.... و مثل همان سؤال و جواب در حدیث قبل را ذکر نمود.

متن:

۳- حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي زَاهِرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنِ الْعِصَى بْنِ الْقَاسِمِ التَّجَلِّيِّ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (ع) عَلَيْهِ غُسْلٌ؟ قَالَ: لَا».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی عطار، از احمد بن ابی زاهر، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از صفوان بن یحیی، از سیف بن عمیره، از عیص بن قاسم التجلی، وی گفت:
محضر مبارک حضرت ابو عبد الله (ع) عرض کردم: آیا بر کسی که به زیارت حضرت امام حسین (ع) می رود غسل واجب است؟
حضرت فرمودند: خیر.

متن:

۴۔ حدّثنی جعفر بن محمد بن ابراہیم بن عبید اللہ بن موسیٰ الکاظم بن جعفر الصادق علیہ السلام، عن عبید اللہ بن نہیک، عن محمد بن زیاد، عن أبي حنیفۃ السّابق، عن یونس بن عمار، عن أبي عبد اللہ علیہ السلام «قال: إذا كنت منه قريباً۔ یعنی الحسين علیہ السلام۔ فإن أصبت غسلاً فاغتسل، وإلا فتوضّأ ثم ائمتہ».

﴿ حدیث چہارم ﴾

ترجمہ:

جعفر بن محمد بن ابراہیم بن عبید اللہ بن موسیٰ الکاظم بن جعفر الصادق علیہ السلام، از عبید اللہ بن نہیک، از محمد بن زیاد، از ابو حنیفہ سابق (یعنی سعید بن بیان)، از یونس بن عمار، از حضرت ابو عبد اللہ علیہ السلام، حضرت فرمودند: وقتی نزدیک آن حضرت علیہ السلام (یعنی حضرت امام حسین علیہ السلام) شدی اگر بہ آب دست یافتی و خواستی غسل کن و الا وضوء بگیر و سپس بہ زیارت حضرتش برو.

متن:

۵۔ حدّثنی محمد بن أحمد بن یعقوب، عن علی بن الحسن بن فضال، عن العباس بن عامر، عن الحسن بن عطیة أبي ناب «قال: سألت أبا عبد اللہ علیہ السلام عن الغسل إذا أتیت قبر الحسين علیہ السلام، قال: ليس عليك غسل».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن احمد بن یعقوب، از علی بن الحسن بن فضال، از عباس بن عامر، از حسن بن عطیة ابی ناب، وی می گوید:
از حضرت ابا عبدالله علیه السلام پرسیدم
هنگامی که به زیارت قبر حضرت علیه السلام می روم آیا بر من غسل لازم است؟
حضرت فرمودند: بر تو غسل نمی باشد.

متن:

۶- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ الزُّبَيْرَانَ الطَّبْرِيُّ بِإِسْنَادٍ لَهُ - يَرْفَعُهُ إِلَى الصَّادِقِ علیه السلام - «قَالَ: قُلْتُ: رُبَّمَا أَتَيْنَا قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَيَصْعَبُ عَلَيْنَا الْغُسْلَ لِلزِّيَارَةِ مِنَ الْبَرْدِ أَوْ غَيْرِهِ؟ فَقَالَ علیه السلام: مَنْ اغْتَسَلَ فِي الْفُرَاتِ وَزَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام كُتِبَ لَهُ مِنَ الْفَضْلِ مَا لَا يَحْصَى، فَتَى مَا رَجَعَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي اغْتَسَلَ فِيهِ [و] تَوْضَأَ وَزَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام كُتِبَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابُ».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

حسن بن زبیرقان الطبری باسنادش به طور مرفوعة امام صادق علیه السلام، وی می گوید:
محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: بسا به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام می رویم و به جهت سرما یا غیر آن غسل زیارت بر ما مشکل می باشد چه کنیم؟
حضرت فرمودند:
کسی که در فرات غسل کرده و حسین علیه السلام را زیارت نماید برایش به اندازه ای

فضيلت منظور می شود که قابل احصاء و شمارش نیست و زمانی که برگردد به آنجائی که غسل کرده و این بار وضوء گرفته و حضرت را زیارت کند همان ثواب و فضيلت برای او نوشته می شود.

﴿ الباب السابع و السبعون ﴾

﴿ اَنْ زَاثِرَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِ تَشِيْعُهُمُ الْمَلَائِكَةُ ﴾

﴿ وَ تَسْتَقْبِلُهُمْ وَ تَعُوْذُهُمْ إِذَا مَرَضُوا، وَيَشْهَدُوْنَهُمْ إِذَا مَاتُوا ﴾

﴿ وَ يَسْتَغْفِرُوْنَ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴾

متن:



۱- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ، عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنِ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ: وَكَلَّ اللَّهُ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ شُعْثًا غُبْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ شَيَّعُوهُ حَتَّى يَسْلُغُوهُ مَأْمَنَهُ، وَإِنْ مَرَضَ عَادُوهُ عُذُوَّةً وَ عَشِيَّةً، وَإِنْ مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

﴿ باب هفتاد و هفتم ﴾

﴿ در بیان اینکه ﴾

﴿ زائرین حضرت امام حسین علیه السلام که به حق آن حضرت عارف ﴾

﴿ هستند فرشتگان به مشایعت و استقبالشان رفته و هنگام ﴾

﴿ مرض عیادتشان نموده و در هنگام مرگ بر بالین آنها ﴾

﴿ حاضر شده و برای ایشان تا روز قیامت طلب ﴾

﴿ مغفرت می کنند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد جوهری، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، وی گفت:

شنیدم که حضرت می فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشته را موکل قبر حضرت امام حسین علیه السلام فرموده که جملگی ژولیده و غبارآلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن جناب گریه می کنند، پس کسی که حضرت را زیارت کند و به حق آن حضرت عارف باشد این فرشتگان او را مشایعت کرده تا وی را به منزلش برسانند و اگر بیمار شود صبح و شام عیادتش کرده و اگر فوت کند بر جنازه اش حاضر شده و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش می کنند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ، عَنْ يَحْيَى بْنِ مُعَمَّرٍ الْعَطَّارِ،

عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: أربعة آلاف ملكٍ شعثٌ غبر
يكون الحسين عليه السلام إلى يوم القيامة فلا يأتيه أحدٌ إلّا استقبلوه، ولا يرجع
أحدٌ من عنده إلّا شيعوه ولا يمرض أحدٌ إلّا عاده، ولا يموت أحدٌ إلّا
شهوده».

و حدّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله عن احمد بن محمد
ابن عيسى، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع بإسناده مثله.

حدّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن محمد بن الحسين، عن موسى بن
سعدان، عن عبدالله بن القاسم، عن عمر بن أبان، عن أبي عبدالله عليه السلام
مثله.



ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از ابی
اسماعیل السّراج، از یحیی بن معمر عطار، از ابی بصیر، از مولانا ابی جعفر عليه السلام،
حضرت فرمودند:

چهار هزار فرشته زولیده و غبار آلود و گرفته بر حضرت امام حسین عليه السلام تا
روز قیامت می‌گیرند پس احدی به زیارت حضرت نمی‌آید مگر آنکه ایشان
استقبالش می‌کنند و احدی از نزد آن جناب بر نمی‌گردد مگر آنکه این فرشتگان
مشایعتش می‌نمایند، و احدی از زوّار آن حضرت بیمار نمی‌شود مگر آنکه این
فرشتگان عیادتش می‌کنند و احدی از زائرین آن مظلوم فوت نمی‌کند مگر آنکه
این فرشته‌ها بر جنازه‌اش حاضر می‌گردند.

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از
محمد بن اسماعیل بن بزيع مثل همین حدیث را نقل کرده است.

پدرم رحمة الله علیه، از سعد، از محمد بن الحسین، از موسی بن سعدان، از عبدالله بن القاسم، از عمر بن ابان از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيَكٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ سَلْمَةَ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ، عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ إِلَى جَانِبِكُمْ قَبْرًا مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ وَقَضَى حَاجَتَهُ، وَإِنَّ عِنْدَهُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلِكٍ مِنْذُ يَوْمِ قُبُضِ شُعْثَا غُبْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ زَارَهُ شَيْعُوهُ [إِلَى مَا مَنِيهِ]، وَمَنْ مَرَضَ عَادُوهُ، وَمَنْ مَاتَ اتَّبَعُوا جَنَازَتَهُ».

ترجمه: حضرت جعفر بن محمد بن ابراهیم از ابی صبحر، از ابی عمویر، از سلمه صاحب السابری، از ابی الصبحر الکنانی می گویند: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمودند:

﴿ حَدِیْثِ سَوْمِ ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم از عبدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از سلمه صاحب سابری، از ابی الصباح الکنانی وی می گویند: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمودند:

در طرف و حوالی شما قبری است که هیچ غمگینی به زیارتش نرفته مگر خداوند متعال غم او را برطرف کرده و حاجتش را برآورده می کند و در نزد آن قبر چهار هزار فرشته بوده که از زمان شهادت صاحب قبر این فرشتگان به هیتی ژولیده و حالی گرفته و غبارآلود تا روز قیامت بر او می گریند، پس هر کس او را زیارت کند فرشتگان او را مشایعت کرده و اگر مریض شود عیادتش نموده و اگر از دنیا برود جنازه اش را تشییع می کنند.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
 الْعَطَّارِ، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سَلِيمَانَ النَّسِيبُورِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ
 الْيَمَانِيِّ، عَنْ مَنِيْعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ صَفْوَانَ
 الْجَمَّالِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يَرِيدُ
 زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام شَيْقَتَهُ سَبْعُمِائَةٍ مَلَكٍ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ،
 وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ حَتَّى يَبْلُغُوهُ مَأْمَنَهُ،
 فَإِذَا زَارَ الْحُسَيْنِ عليه السلام نَادَاهُ مُنَادٍ: قَدْ غُفِرَ لَكَ فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ، ثُمَّ يَرْجِعُونَ
 مَعَهُ مَشِيعِينَ لَهُ إِلَى مَنْزِلِهِ، فَإِذَا صَارُوا إِلَى مَنْزِلِهِ قَالُوا: «نَسْتُوْدِعُكَ
 اللَّهُ»، فَلَا يَزَالُونَ يَزُورُونَهُ إِلَى يَوْمِ مَحَابَّتِهِ، ثُمَّ يَزُورُونَهُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام
 فِي كُلِّ يَوْمٍ، وَثَوَابُ ذَلِكَ لِلرَّجُلِ» بسم الله الرحمن الرحيم

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی
 العطّار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبدالله بن محمد یمانی، از منیع بن
 حجّاج، از یونس عبدالرحمن، از صفوان جمّال، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام
 حضرت فرمودند:

هنگامی که شخص به قصد زیارت حضرت امام حسین عليه السلام از منزلش بیرون
 می رود هفتصد فرشته از بالای سر و زیر پا و دست راست و طرف چپ و از
 مقابل و از پشت سر او را مشایعت کرده تا وی را به مقصدش برسانند و وقتی
 وی آن حضرت را زیارت کرد متادی نداء می دهند: گناهانت آمرزیده شد اعمال
 را از ابتداء شروع کن، سپس فرشتگان با او مراجعت کرده و وی را همچنان

مشایعت نموده تا او را به منزلش برسانند و وقتی به منزلش رسیدند می‌گویند:
ما تو را به خدا می‌سپاریم.

پس پیوسته او را زیارت کرده تا روز فوتش فرا برسد، و پس از فوت در هر روز قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و ثواب آن برای آن شخص منظور می‌گردد.

متن:

۵- و عنه، عن محمد بن یحیی باسناده إلى منیع، عن زیاد، عن عبد الله بن مسكان، عن محمد الحلبي «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن الله وكل بقبر الحسين عليه السلام أربعة آلاف ملكٍ شُعْناً عبراً إلى أن تقوم الساعة، يشيعون من زارة، يعودونه إذا مرض، و يشهدون جنازته إذا مات».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

از پدرم، از محمد بن یحیی باسنادش تا منیع، از زیاد، از عبد الله بن مسكان، از محمد الحلبي، وی گفت: شنیدم حضرت ابا عبد الله علیه السلام می‌فرمودند:
خداوند متعال چهار هزار فرشته را موکل قبر مطهر حضرت سید الشهداء قرار داده که همگی ژولیده و غبارآلود و گرفته هستند و تا قیامت اطراف آن قبر می‌باشند، وقتی کسی حضرت را زیارت کند این فرشتگان مشایعتش کرده و هنگامی که زائر بیمار شود او را عیادت نموده و زمانی که از دنیا برود بر سر جنازه‌اش حاضر می‌گردند.

متن:

۶- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ وَلِيدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّقَّارِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنْ أَبِي حمزة، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ اللَّهَ وَكُلَّ بَقَرٍ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ شُعْثًا غُبْرًا، فَلَمَّ يَزُلْ يَبْكُونَهُ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ، فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ هَبَطَ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ وَصَعِدَ الْأَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ، فَلَمَّ يَزُلْ يَبْكُونَهُ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ، وَيَشْهَدُونَ لِمَنْ زَارَهُ بِالْوَفَاءِ وَيَشِيعُونَهُ إِلَى أَهْلِهِ، وَيَعُودُونَهُ إِذَا مَرَضَ، وَيُصَلُّونَ عَلَيْهِ إِذَا مَاتَ».



﴿ حَدِيث ششم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه‌اش در باب بیست و هفتم ذیل شماره یازده قبلاً نقل گردید.

متن:

۷- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ جَدِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام «قَالَ: مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَكُلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا فَوَضَعَ إصْبَعَهُ فِي قَفَاهُ، فَلَمَّ يَزُلْ يَكْتُبُ مَا يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ حَتَّى يَرِدَ الْحَاضِرَ، فَإِذَا دَخَلَ مِنْ بَابِ الْحَاضِرِ وَضَعَ كَفَّهُ وَسَطَ ظَهْرِهِ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَمَّا مَا مَضَى فَقَدْ غُفِرَ اللَّهُ لَكَ، فَاسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه‌اش در باب شصت و دوم ذیل شماره هفتم قبل از نقل گردید.

متن:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ جَدِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام - مِثْلَهُ.



ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از قاسم بن یحیی، از جدش حسن بن راشد، از حضرت ابی ابراهیم علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که از خانه‌اش بیرون بیاید و قصدش زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام باشد ... سپس بقیه حدیث را مثل حدیث گذشته ذکر فرموده.

متن:

۸ - حَدَّثَنِي أَبِي، وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ - رَحِمَهُمَا اللَّهُ - جَمِيعًا، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ «قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَ أَنَا عِنْدَ -

فقال: ما لِنَ زَارَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ﷺ؟ قال: إِنَّ الْحُسَيْنِ ﷺ لَمَّا أُصِيبَ بِكَتْفِهِ حَقَّ الْبِلَادُ، فَوَكَّلَ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مُلْكٍ شُغْتاً غُبراً يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ شَيَعُوهُ حَتَّى يُبَلِّغُوهُ مَأْمَنَهُ، وَإِنْ مَرَضَ عَادُوهُ عُذُوَّةً وَعَشِيَّةً، وَإِنْ مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ وَاسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمہ:

پدرم و محمد بن عبدالله رحمة الله عليهما جملگی از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی بن مهزیار، از ابی القاسم، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، وی می گوید:
شخصی از حضرت ابو عبدالله ﷺ سؤال کرد و من نیز در آنجا حاضر بودم، سائل پرسید؟ ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین ﷺ را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت امام حسین ﷺ به مصیبت گرفتار شدند موجودات جملگی بر او گریستند حتی شهرها پس حق تعالی چهار هزار فرشته را بر قبر مظهرش موکل ساخت که جملگی زولیده و غبارآلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن جناب می گریند، پس کسی که آن حضرت را زیارت کند و به حقش آگاه و عارف باشد این فرشتگان مشایعتش کرده تا وی را به مقصدش برسانند و اگر بیمار گردد صبح و شام عیادتش کنند و اگر از دنیا رفت بر جنازه اش حاضر شده و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش می کنند.

متن:

۹- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ، عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ، عَنْ

أبان بن تغلب «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: هبط أربعة آلاف ملك يريدون القتال مع الحسين، لم يؤذن لهم في القتال فرجعوا في الاستيذان، فهبطوا وقد قُتل الحسين عليه السلام فهم عند قبره شعثٌ غبرٌ يكونه إلى يوم القيامة، رئيسهم ملك يقال له: المنصور، فلا يزوره زائرٌ إلا استقبلوه، ولا يُودَّعه مُودِّعٌ إلا شيعوه، ولا يمرض مريضٌ إلا عادوه، ولا يموت إلا صلوا على جنازته واستغفروا له بعد موته، وكلُّ هؤلاء في الأرض ينتظرون قيام القائم عليه السلام».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمہ:

مترجم گوید:

این حدیث در ضمن حدیث طولانی با ترجمه اش قبلاً در باب چهل و یکم ذیل شماره پنجم نقل شد.

متن:

۱۰ - حدثني أبو العباس الرزاز، عن ابن أبي الخطاب قال: حدثني محمد بن الفضيل، عن محمد بن مزارب، عن مالك الجهمي، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: قال: يا مالك إنَّ الله تبارك وتعالى لما قبض الحسين عليه السلام بعث إليه أربعة آلاف ملكٍ شعثاً غبراً يكونه إلى يوم القيامة، فمن زاره عارفاً بحقه غفر الله ما تقدَّم من ذنبه وما تأخر، وكتب له حجة، ولم يزل محفوظاً حتى يرجع إلى أهله؛ قال: فلما مات مالك - وقبض أبو جعفر عليه السلام - دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فأخبرته بالحدیث، فلما انتهيت إلى «حجة» قال: و عمرة يا محمد».

ترجمه:

﴿ حدیث دهم ﴾

ابوالعباس رزازی، از ابن ابی الخطاب، وی می گوید: محمد بن فضیل، از محمد ابن مضارب، از مالک جهنی، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

ای مالک هنگامی که حق تعالی حضرت امام حسین علیه السلام را قبض روح کرد چهار هزار فرشته بر سر قبرش گسیل داشت که جملگی زولیده و غبارآلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر او می گریند، پس کسی که او را زیارت کند و به حقش معرفت داشته باشد خداوند متان گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد و برای او یک حج می نویسد و پیوسته محفوظش داشته تا به اهلش مراجعت کند.



محمد بن مضارب می گوید: وقتی مالک از دنیا رفت و حضرت ابو جعفر علیه السلام نیز قبض روح شدند بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام داخل شده و حدیث مذکور را محضر مبارکش بازگو کردم و وقتی به کلمه «کتب له حجة» متهی شدم، حضرت فرمودند: ای محمد حجة و عمرة.

﴿ الباب الثامن والسبعون ﴾

﴿ فیمن ترک زیارة الحسین علیه السلام ﴾

متن:

۱- حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن أبيه، عن الحسن ابن محبوب، عن عاصم بن حميد الحنّاط، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر علیه السلام «قال: قال: مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ مُسْتَنْتَضِ

الإيمان، مُنتَقِصُ الدِّينِ، وَإِنْ دَخَلَ الْجَنَّةَ كَانَ دُونَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْجَنَّةِ».

﴿ باب هفتاد و هشتم ﴾

﴿ درباره کسانی که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را ترک می کنند ﴾

﴿ حدیث اوّل ﴾

ترجمه:

حسن بن عبد الله، از محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از عاصم بن حمید حنّاط، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، محمد بن مسلم می گوید:



حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

هر کس از شیعیان ما که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نرود ایمان و دینش ناقص بوده و اگر داخل بهشت شود در مقامی پائین تر از مؤمنین باشد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ، عَنْ عَثْبَةَ بْنِ مُضْعَبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام حَتَّى يَمُوتَ كَانَ مُنتَقِصُ الدِّينِ، مُنتَقِصُ الْإِيمَانِ، وَإِنْ أَدْخَلَ الْجَنَّةَ كَانَ دُونَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْجَنَّةِ».

﴿ حدیث دوّم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصّفّار، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از ابی المغراء، از عثبه بن مضعب، از

حضرت ابی عبدالله علیه السلام حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام نرود تا از دنیا برود دین و ایمانش ناقص بوده و اگر به بهشت داخل شود در مرتبه پائین تر از مؤمنین می باشد.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ - عَنْ رَجُلٍ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ هُوَ يَزْعُمُ أَنَّهُ لَنَا شِيعَةٌ حَتَّى يَمُوتَ فَلَيْسَ هُوَ لَنَا بِشِيعَةٍ، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَهُوَ مِنْ ضَيْفَانِ أَهْلِ الْجَنَّةِ».



ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و علی بن الحسین از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد ابن عیسی، از پدرش، از سیف بن عمیره، از شخصی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نرود و گمانش این باشد که از شیعیان ما است و با این حال فوت کند او شیعه ما نیست و اگر از اهل بهشت هم باشد میهمان بهشتیان محسوب می شود.

متن:

۴- وَ يَاسَنَادُهُ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِي بَكْرِ الْخَضْرَمِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ

فليعرض حُبَّنَا على قلبه، فَإِنْ قَبِلَهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَمَنْ كَانَ لَنَا مُحِبًّا فَلْيَرْغَبْ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَمَنْ كَانَ لِلْحُسَيْنِ عليه السلام زُورًا عَرَفْنَاهُ بِالْحُبِّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَكَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحُسَيْنِ زُورًا كَانَ نَاقِصَ الْإِيمَانِ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم به اسنادش از سیف بن عمیره، از ابی بکر حضرمی، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، ابی بکر حضرمی گوید:

شنیدم که حضرت ابو جعفر علیه السلام می فرمودند:

کسی که می خواهد بداند آیا اهل بهشت هست یا نه، پس حبّ و دوستی ما را بر دلش عرضه کند اگر دلش آن را پذیرفت پس او مؤمن است و کسی که محبّ و دوست دار ما است باید در زیارت امام حسین علیه السلام راغب باشد، بنابراین شخصی که زائر امام حسین علیه السلام باشد ما او را محبّ خود می دانیم و از اهل بهشت خواهد بود و کسی که زوار حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام نباشد ناقص الایمان است.

متن:

۵- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنِ الْقَمْزَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْبُوفَكِيِّ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ صَنْدَلٍ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمَّنْ تَرَكَ الزِّيَارَةَ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ؟ قَالَ: هَذَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ النَّارِ».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

از پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از احمد بن ادريس، از عمرکی بن علی بوفکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از صندل، از هارون ابن خارجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، هارون گوید:
از امام علیه السلام راجع به کسی که بدون علت زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام را ترک می‌کند سؤال کردم؟ حضرت فرمودند:
چنین کسی از اهل جهنم می‌باشد.

متن:

۶- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْكُوفِيُّ الْقُرَشِيُّ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ حَجَّ أَلْفَ حَجَّةٍ ثُمَّ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام لَكَانَ قَدْ تَرَكَ حَقًّا مِنْ حَقِّكَ اللَّهُ تَعَالَى، وَ سُئِلَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: حَقُّ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَفْرُوضٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن جعفر رزازی کوفی قرشی، از دانی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از کسی که برایش حدیث گفته، از علی بن میمون وی گفت:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:
اگر یکی از شما هزار مرتبه به حج رود ولی به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام نرود مسلماً حقّی از حقوق خداوند تعالی را ترک کرده و قیامت از آن مورد سؤال و بازخواست واقع می‌شود، سپس حضرت فرمودند: حق امام حسین علیه السلام بر هر مسلمانی واجب و لازم است.

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ: حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - «أَنَّهُ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: هَلْ يُزَارُ وَالِدُكَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَمَا لَمْ تَزَرْهُ؟ قَالَ الْجَنَّةُ إِنْ كَانَ يَأْتِمُّ بِهِ، قَالَ: فَمَا لَمْ تَرْكُهُ رَغْبَةً عَنْهُ؟ قَالَ: الْحَسْرَةُ يَوْمَ الْحَسْرَةِ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ -».



ترجمه:

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه اش در باب چهل و چهارم ذیل شماره دوم نقل شد.

﴿الباب التاسع و السبعون﴾

﴿زیارات الحسین بن علی (علیه السلام)﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الرَّزَّازُ الْكُوفِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعْرٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) «قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ الْحَائِرَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَقَامُ كَرَمَتِي بِهِ وَشَرَفْتِي بِهِ، اللَّهُمَّ فَأَعْظِنِي فِيهِ رَغْبَتِي عَلَى حَقِيقَةِ إِيْمَانِي بِكَ وَبِرُسُلِكَ، سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ فِيمَا تَرُوحُ وَتَعْتَدِي بِهِ الرَّائِحَاتِ الطَّاهِرَاتِ [الطَّيِّبَاتِ] لَكَ وَعَلَيْكَ، وَسَلَامٌ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُسْلِمِينَ لَكَ يَقُولُ بِهِمُ، النَّاطِقِينَ لَكَ بِفَضْلِكَ بِأَلْسِنَتِهِمْ، أَشْهَدُ أَنَّكَ صَادِقُ صَدِّيقٍ، صَدَقْتَ فِيمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ، وَصَدَقْتَ فِيمَا أَتَيْتَ بِهِ، وَأَنَّكَ تَأْرُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ مِنَ الدَّمِ الَّذِي لَا يُدْرِكُ تَأْرُهُ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا بِأُولِيائِكَ، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ مَسَاهِدَهُمْ وَشَهَادَتَهُمْ حَتَّى تُلْحِقَنِي بِهِمْ وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ فَرَطًا وَتَابِعًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»

♦ باب هفتاد و نهم ♦

♦ در نقل زیارات وارده برای حضرت حسین بن علی (علیه السلام) ♦

ترجمه
♦ زیارت اول ♦

محمد بن جعفر رزّاز کوفی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از عبدالرحمن بن ابی نجران، از یزید بن إسحاق شعری، از حسن بن عطیه، از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) حضرت فرمودند:
وقتی داخل حائر شدی، بگو:

بار خدایا این مقام و موقعیتی است که به واسطه‌اش من را مورد کرامت و شرافت قرار دادی، خداوندا ببخشای به من و ایجاد کن در من رغبت و میل به این مقام را در حالی که بر حقیقت ایمان به تو و به فرستادگانت ثابت می‌باشم، سلام و درود خدا بر تو ای فرزند رسول خدا، و سلام و درود فرشتگان خوشبو و پاکیزه‌اش در شامگاه و بامداد برای تو و بر تو باد، و سلام و درود بر فرشتگان مقرب خدا، و درود بر کسانی که با دل تو را پذیرفته و تسلیم شدند، کسانی که

با زبانشان فضل تو را بیان کردند، شهادت می‌دهم که تو راستگو و درست می‌باشی، در آنچه به آن دعوت نمودی راست گفتی، و در آنچه انجام دادی و عمل کردی راست می‌گفتی، تو خون خدا در زمین هستی (یعنی طالب خون تو خدا می‌باشد) خونی که خون‌خواهی و طلب نمی‌شود مگر بوسیله اولیاء و دوستان، خدایا شاهد و شهادت ایشان را محبوب من نما (یعنی من را نیز شهید گردان همان طوری که ایشان را شهید قراردادی) تا من را به آنها ملحق کرده و در دنیا و آخرت تابعشان قرار دهی.

متن:

ثُمَّ تَمَشِي قَلِيلًا وَ تَكْبَرُ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ، وَ ثُمَّ تَقُومُ بِحِیَالِ الْقَبْرِ وَ تَقُولُ:
 «سُبْحَانَ الَّذِي سَبَّحَ لَهُ الْمَلَكُ وَالْمَلَكُوتُ، وَقَدَسَتْ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ
 خَلْقِهِ، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْبَاقِي دَيْتِ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ، اللَّهُمَّ
 اكْتَبْنِي فِي وَفْدِكَ إِلَى خَيْرِ بَقَاعِكَ وَ خَيْرِ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَبِثَ
 وَ الطَّاعُوتَ، وَ الْعَنِ أَشْيَاعَهُمْ وَ اتِّبَاعَهُمْ، اللَّهُمَّ أَشْهِدْنِي مَشَاهِدَ الْخَيْرِ
 كُلِّهَا مَعَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا، وَ اجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ
 الْبَاقِينَ الْوَارِثِينَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ مِنْ عِبَادِكَ
 الصَّالِحِينَ».

﴿ دنباله زیارت اول ﴾

ترجمه:

سپس اندکی راه برو و هفت تکبیر گفته پس از آن در مقابل قبر مطهر بایست و بگو:

منزه است آن کسی که عالم ماده و عقل او را تسبیح می‌گویند، و پاکیزه‌اند تمام

آفریده‌ها بواسطه اسمانش (مقصود از اسماء عالم خلق و ایجاد است)، منزّه است خداوندی که فرمان‌روای عالم هستی است و از کلّ نقائص و شئون ماده مبرا بوده و پروردگار فرشتگان و روح می‌باشد، بار خدایا نام من را در زمره کسانی بنویس که به سوی بهترین اماکن زمین و بالاترین مخلوقات سفر می‌کنند، خداوندا هر جبت (کسی که خیری در او نیست) و طاغوتی (هر معبودی که غیر خدا است) را از رحمتت به دور دار، و نیز دنباله‌رو و تابعین آنها را مورد لعن خود قرار بده، خداوندا من را در تمام مشاهد خیر با اهل بیت پیغمبرت حاضر و شاهد بگردان، بار خدایا من را مسلمان از این دنیا ببر، و قدم راست (شاید مراد اعمال خیر باشد) برابم با آنان که زنده‌اند قرار بده، زنده‌هائی که بنده‌گان صالح تو بوده و وارث بهشت بوده و در آن جاودانه خواهند ماند.



متن:

مَزْمُونَةُ كَبِيرٍ مِنْ رُوحِ بَنِي إِسْرَءِيلَ

ثمّ کبر خمس تکبیرات، ثمّ تمشی قليلاً و تقول:

«اللَّهُمَّ إِنِّي بِكَ مُؤْمِنٌ وَبِعُودِكَ مُوقِنٌ، اللَّهُمَّ اكْتُبْ لِي إِيمَانًا وَبَيِّتَهُ فِي قَلْبِي، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَقُولُ يَلْسَانِي حَقِيقَتَهُ فِي قَلْبِي وَشَرِيعَتَهُ فِي عَمَلِي، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَهُ مَعَ الْحُسَيْنِ ۑ قَدَمٌ ثَابِتٌ، وَأُثْبَتِي فِي مَنِ اسْتَشْهَدَ مَعَهُ».

﴿ دنباله زیارت اول ﴾

ترجمه:

سپس پنج تکبیر گفته و پس از آن اندکی راه برو و بگو:

بارخدایا من به تو ایمان داشته و به آنچه وعده داده‌ای یقین دارم، خدایا برای من ایمان را بنویس و نصیبم گردان و در قلبم ثابتش نما، بارخدایا آنچه را که با زبانم می‌گویم حقیقتش را در قلبم قرار بده و ظاهرش را در عملم جلوه گر نما، خداوندا من را از کسانی قرار بده که با حضرت امام حسین ۑ ثابت قدم بودند،

و من را در عداد آنانکه با آن حضرت شهید شدند ثبت و ضبط بفرما.

متن:

ثُمَّ كَبَّرَ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ وَ تَرَفَعَ يَدَيْكَ حَتَّى تَضَعَهَا عَلَى الْقَبْرِ جَمِيعاً، ثُمَّ

تقول:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهَّرْتَ طَاهِرٍ مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ، طَهَّرْتَ وَطَهَّرْتَ بِكَ الْبِلَادُ، وَطَهَّرْتَ أَرْضَ أَنْتَ بِهَا، وَطَهَّرْتَ حَرَمُكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ، وَدَعَوْتَ إِلَيْهَا، وَأَنَّكَ نَارُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ حَتَّى يَسْتَشِيرُ لَكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ».

ثُمَّ ضَعَّ خَدَّيْكَ جَمِيعاً عَلَى الْقَبْرِ، ثُمَّ تَجَلَّسَ وَ تَذَكَّرَ اللَّهَ بِمَا شِئْتَ وَ تَوَجَّهَ إِلَى اللَّهِ فِيمَا شِئْتَ أَنْ تَتَوَجَّهَ، ثُمَّ تَعَوَّدَ وَ تَضَعَ يَدَيْكَ عِنْدَ رِجْلَيْهِ، ثُمَّ تَقُولُ:

«صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى رُوحِكَ وَعَلَى بَدَنِكَ، صَدَقْتَ وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ، وَقَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ».

ثُمَّ تَقْبَلُ إِلَى عَلِيِّ ابْنِهِ فَتَقُولُ مَا أَحْبَبْتَ،

﴿دنباله زیارت اول﴾

ترجمه:

سپس سه تکبیر بگو و دو دست را بلندکن به طوری که تمام در دست را روی قبر بگذاری، پس از آن بگو:

شهادت می‌دهم که تو نفس پاکیزگی پاک بوده و از نفس پاکیزگی پاک ناشی شده‌ای، پاک هستی و بواسطه تو بلاد و شهرها پاک گشته‌اند، و پاک است سرزمینی که تو در آن می‌باشی، و پاک است حرم تو، شهادت می‌دهم که به میانه

روی و عدالت امر فرمودی، و به سوی ایندو دیگران را خواندی، و شهادت می‌دهم که تو خون خدا در روی زمین می‌باشی حتی حضرت باری تعالی از جمیع خلقتش (یعنی کسانی که در خون تو دست داشته و یا به آن راضی بوده‌اند) خون خواهی می‌کند.

سپس دو طرف صورت را بر قبر بگذار و پس از آن بنشین و هر ذکر و خواستی بگو و متوجه به خدا بشو پس از آن بگرد و دو دست را پائین پا بگذار و بگو:

صلوات و رحمت خدا بر جان و جسمت باد، راست گفתי و تو راست‌گو و مورد تصدیق می‌باشی، و خدا بکشد آنان را که با دست و زبان تو را کشتند.

سپس رو به علی اکبر فرزند آن حضرت کن و آنچه خواستی بگو: (یعنی طالب خون تو خدا می‌باشد) خونی که خونخواهی و طلب نمی‌شود مگر به وسیله اولیاء و دوستان، خدایا محبوب من گردان مشاهد و شهادت ایشان را (یعنی شهادت را محبوب من گردان) تا من را به ایشان ملحق گردانی و نیز من را در دنیا و آخرت تابع ایشان نمائی.

متن:

ثُمَّ تَقُومُ قَائِمًا فَتَسْتَقْبِلُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فَتَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ، أَنْتُمْ لَنَا قَرُطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، أَبَشِّرُوا بِوَعْدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ، اللَّهُ مُدْرِكُكُمْ وَتَرْكُكُمْ وَمُدْرِكُكُمْ فِي الْأَرْضِ عَذْوَةٌ، أَنْتُمْ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

ثُمَّ تَجْعَلُ الْقَبْرَ بَيْنَ يَدَيْكَ، ثُمَّ تَصَلِّيَ مَا بَدَأَ لَكَ ثُمَّ تَقُولُ:

«جَنَّتْ وَافِدًا إِلَيْكَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ بِكَ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، بِكَ يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ فِي حَوَائِجِهِمْ، وَبِكَ

يُذِرْكُ عِنْدَ اللَّهِ أَهْلُ الثَّرَاثِ طَلِبَتُهُمْ».

ثم تكبر إحدى عشر تكبيرة متتابعة ولا تجعل فيها، ثم تمشي قليلاً فتقوم مستقبل القبلة فتقول:

﴿دنباله زیارت اول﴾

ترجمه:

سپس راست بایست و قبور شهداء را قبله خود قرار بده و بگو:

سلام بر شما ای شهداء، شما جلو و ما به دنبال شما می‌باشیم، بشارت باد بر شما به وعده خدا که در آن تخلف نیست، خدا خون‌خواه شما خواهد بود، و بواسطه شما از دشمنانش انتقام خواهد گرفت، شما در دنیا و آخرت سروران شهداء می‌باشید.

سپس قبر را جلو خود قرار بده سپس هر نمازی که خواستی بخوان پس از آن

بگو:

مرکز تحقیقات کربلا

آمدم در حالی که به سوی تو کوچ کردم، در تمام حوائج و خواسته‌هایم از امور دنیائی و اخروی به واسطه تو به خدا متوسل می‌شوم، بواسطه تو تمام متوسلین به خدا در حوائج و نیازمندی‌هایشان توسل می‌جویند، و اهل میراث بواسطه تو نزد خدا حقشان را مطالبه می‌کنند.

سپس یازده تکبیر پشت سر هم بگو بدون اینکه در گفتن آنها عجله و شتاب

کنی و پس از آن اندکی راه برو پس رو به قبله بایست و بگو:

متن:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْمُتَوَحِّدِ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، خَلَقَ الْخَلْقَ فَلَمْ يَغِبْ شَيْءٌ مِنْ أُمُورِهِمْ عَنْ عِلْمِهِ، فَعَلِمَهُ بِقُدْرَتِهِ، ضَمِنَتْ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا دَمَكَ وَتَأْرَكَ، يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، أَشْهَدُ أَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ

مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالْفَتْحِ، وَأَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ الْوَعْدَ الصَّادِقَ فِي هَلَاكِ
أَعْدَائِكَ وَقَامَ مَوْعِدِ اللَّهِ بِتَاكِ، أَشْهَدُ أَنَّ مَنْ تَبِعَكَ الصَّادِقُونَ، الَّذِينَ
قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِمْ: «أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ
رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ».

﴿ دنباله زیارت اول ﴾

ترجمه:

سپاس مختص ذات واحدی است که در تمام امور متفرد و یکتا است،
مخلوقات را آفرید پس هیچ امری از امور آنها مخفی از علم او نیست، پس با
قدرت کامله اش آنرا می داند، زمین و کسانی که بر روی آن هستند خون تو را به
عهده گرفته اند، ای فرزند رسول خدا صلوات و رحمت خدا بر تو باد، شهادت
می دهم نصرت و فیروزی را که حق تعالی به تو وعده داده بود برای منجز و ثابت
است، و برای تو است وعده راستی را که خداوند متعال به تو داده و ملتزم شده
و دشمنانت را هلاک بکند، شهادت می دهم که تابعین تو صادقان و راستگویان
هستند، آنان که حق تبارک و تعالی درباره ایشان فرموده:

اولئك هم الصّديقون و الشّهداء عند ربهم لهم اجرهم و نورهم.

متن:

ثُمَّ كَبَّرَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ ثُمَّ تَمَشَّى قَلِيلًا، ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ الْقَبْرَ وَ تَقُولُ:
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ،
وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ دَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ،
وَوَفَّيْتَ لِلَّهِ بِعَهْدِهِ، وَقُتِلَ لِلَّهِ بِكُلِّيَّاتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أُنَاكَ
الْيَتِيمُ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ [وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ]، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

حَذِّثْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً حَدَّثَتْكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ بِأُولَیْهِ لِمَنْ
وَالَيْتَ، وَوَاللَّهِ رُسُلُكَ، وَأَشْهَدُ بِالْبَرَاءَةِ لِمَنْ بَرِئْتَ مِنْهُ وَبَرِئْتَ مِنْهُ
رُسُلُكَ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ، وَهَدَمُوا كُتُبَكَ، وَحَرَّفُوا
كِتَابَكَ، وَسَفَكُوا دِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَفْسَدُوا فِي بِلَادِكَ وَاسْتَذَلُّوا
عِبَادَكَ، اللَّهُمَّ ضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ فِيمَا جَرَى مِنْ سُلَيْكَ وَبَرِّكَ
وَبَحْرِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي مُنْتَسِرِ السَّرَائِرِ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ فِي أَرْضِكَ
وَسَمَائِكَ».

و کلمات داخل الحاشیه فسلّم و ضعیف یدک علی القبر.



« دنباله زیارت اول »

ترجمه:

سپس هفت تکبیر بگو و پس از آن اندکی جلو برو و بعد رو به قبر کن و بگو:
سپاس مختص ذاتی است که فرزند نگرنت و برایش شریکی در سلطنت
نمی باشد، و آفرید هر چیزی را پس مقدر و معین نمود آنرا، شهادت می دهم که
تو مردم را به سوی خدا و رسولش دعوت نمودی و به عهدهی که با خدا نموده
بودی وفاء کردی، و همراه با کلمات و مخلوقاتش برای خدا قیام نمودی، و در
راه او جهاد کرده تا مرگ تو را دریافت، خدا لعنت کند گروهی که تو را کشتند
و لعنت کند جماعتی را که به تو ستم نمودند، و خدا لعنت کند آنانکه تو را خوار
کردند، و خدا لعنت کند امتی را که با تو حیل نمودند، خدایا تو را شاهد قرار
می دهم که ولی کسی است که تو او را ولی قرار دادی، و رسولانت او را ولی
دانسته اند، و شهادت می دهم که از هر کس که تو و رسولانت بی زار هستی من نیز
بی زارم، بار خدایا کسانی که رسولانت را تکذیب کردند لعن نما، و لعنت کن
آنانکه کعبه تو را منهدم و خراب کردند، و کتابت را سوزاندند، و خونهای اهل
پیغمبرت را ریختند، و در شهرهای تو فساد کرده و بندگان را ذلیل نمودند،

خداوندا عذابیت را بر ایشان در خشکی و دریا چند برابر نما، بارخدا یا ایشان را در خفایا و علن و در زمین و آسمان مورد لعن قرار بده.
و هرگاه در حائر داخل شدی سلام کن و دست را روی قبر قرار بده.

﴿ زیارة أُخری ﴾

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ -
جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ
يَحْيَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوِيرٍ، عَنْ أَبِي فَاخِثَةَ «قَالَ:
كُنْتُ أَنَا وَ يُونُسُ بْنُ ظَبْيَانَ وَ الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ وَ أَبُو سَلَمَةَ الشَّرَاجِ جُلُوساً
عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ كَانَ الْمُتَكَلِّمُ يُونُسُ - وَ كَانَ أَكْبَرَنَا سِتّاً - فَقَالَ لَهُ:
جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَحْضَرْتُ مَجْلِسَ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ - يَعْنِي وَلَدَ الْعَبَّاسِ - فَأَسْأَلُكَ
أَقُولُ؟ فَقَالَ: إِذَا حَضَرْتَهُمْ فَذَكَرْتَنَا فَقُلْ: «اللَّهُمَّ أَرِنَا الرَّخَاءَ وَ الشَّرَّ وَ
فَائِكَ تَأْتِي عَلَى مَا تُرِيدُ»، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي كَثِيراً مَّا أَذْكَرُ
الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَأَيُّ شَيْءٍ أَقُولُ؟ فَقَالَ: قُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» -
تَعْبِدُ ذَلِكَ ثَلَاثاً - فَإِنَّ السَّلَامَ يَصِلُ إِلَيْهِ مِنْ قَرِيبٍ وَ مِنْ بَعِيدٍ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَمَّا قَضَى بَكَثَ عَلَيْهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ السَّبْعَ وَ مَا
فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَ النَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنَا، وَ مَا يُرَى
وَ مَا لَا يُرَى يَكُنْ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِلَّا ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ لَمْ تَبْكُ
عَلَيْهِ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا هَذِهِ الثَّلَاثَةُ الْأَشْيَاءُ؟ قَالَ: لَمْ تَبْكُ عَلَيْهِ

البصرة ولا دمشق ولا آل عثمان فقلت له: جعلت فداك إني أريد أن أزوره فكيف أقول وكيف أصنع؟ قال: إذا أتيت أبا عبد الله عليه السلام فاغتسل على شاطئ الفرات ثم البس ثيابك الطاهرة، ثم امش حافياً، فإنك في حرم من حرم الله وحرم رسوله وعليك بالتكبير والتلليل والتجديد والتعظيم لله كثيراً، والصلاة على محمد وأهل بيته، حتى تصير إلى باب الحائر.

﴿ زیارت دوم ﴾

﴿ بنام خداوند بخشنده مهربان ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین رحمة الله عليهم جملگی از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از قاسم بن یحیی و از حسن بن راشد، از حسین بن ثویر بن ابی فاخته، وی گفت:

من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمر و ابو سلمة سراج محضر حضرت ابو عبدالله عليه السلام نشسته بودیم و متکلم و سخنگو یونس که از همه ما عمر بیشتری داشت بود، یونس محضر مبارک امام عليه السلام عرض کرد: فدایت شوم من در مجلس این جماعت یعنی بنی عباس حاضر می شوم چه بگویم؟
حضرت فرمودند:

وقتی در مجلس ایشان حاضر شدی و آنها ما را یاد کردند تو بگو:
بار خدایا فراخی و سرور و شادی را به ما بنمایان، چه آنکه تو آنچه اراده بکنی را می دهی.

عرض کردم: فدایت شوم: بسیار می شود که من نام حضرت امام حسین عليه السلام را می برم، در ارتباط به آن حضرت چه بگویم؟

حضرت فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله (این درود را سه بار بگو) چه آنکه درود به آن حضرت خواهد رسید چه از نزدیک بوده و چه از راه دور باشد.

سپس حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت ابا عبدالله علیه السلام از این عالم ارتحال نمودند آسمانهای هفت گانه و هفت طبقه زمین و آنچه در آنها و بیانشان بود بر آن حضرت گریستند چنانکه کل موجودات در بهشت و جهنم مرثی‌ها و نامرثی‌ها بر آن جناب گریه کردند مگر سه چیز که گریه نکردند.

عرض کردم: فدایت شوم آن سه چیز کدامند؟

حضرت فرمودند:

بصره و دمشق و آل عثمان بر آن حضرت گریه نکردند.

محضرش عرض کردم: فدایت شوم: قصد دارم آن حضرت را زیارت کنم، در زیارتش چه بگویم و چه کار بکنم؟

حضرت فرمودند: وقتی به زیارت ابا عبدالله الحسین علیه السلام رفتی، اول کنار فرات غسل کن، سپس لباسهای پای خود را بیوش بعد پای برهنه بطرف قبر مطهرش حرکت کن زیرا در آن مسافت داخل در حریمی از حرم‌های خدا و حرم رسولش می‌باشی و بر تو است که تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) و تمجید و تعظیم خدا را زیاد بنمائی و نیز صلوات بر محمد و اهل بیتش بفرستی تا به درب حائر برسی.

متن:

ثمّ تقول:

«السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَأَبْنَ حُجَّتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَرُؤَاةَ قَبْرِ أَهْلِ نَبِيِّ اللَّهِ»؛

ثُمَّ اخْطُ عَشْرَ خُطًى ثُمَّ قَفَّ فَكَبَّرَ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً، ثُمَّ امْسُ إِلَيْهِ حَتَّى تَأْتِيَهُ
مِنْ قِبَلِ وَجْهِهِ، وَاسْتَقْبِلْ بَوَجهَكَ وَجْهَهُ، وَتَجْعَلِ الْقِبْلَةَ بَيْنَ كَتِفِكَ، ثُمَّ
تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ
وَابْنَ قَتِيلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَثْرَ
اللَّهِ الْمَوْثُورِ، فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخَلْدِ،
وَافْشَعْرَتْ لَهُ أَظْلَةُ الْعَرْشِ وَبَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ، وَبَكَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ
السَّبْعُ وَالْأَرْضُ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَمَنْ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ مِنْ
خَلْقِ رَبَّنَا، مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ، أَشْهَدُ
أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَابْنُ قَتِيلِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ نَارُ اللَّهِ وَابْنُ نَارِهِ، وَأَشْهَدُ
أَنَّكَ وَثْرُ اللَّهِ الْمَوْثُورِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ
وَنَصَحْتَ، وَوَقَيْتَ وَوَأْفَيْتَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَمَضَيْتَ لِلَّذِي
كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَمُسْتَشْهِداً وَشَهِيداً وَمَشْهُوداً، وَأَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ
وَفِي طَاعَتِكَ، وَالْوَافِدُ إِلَيْكَ، أَلْتَمِسُ كَمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ، وَثَبَاتَ
الْقَدَمِ فِي الْهَبْغَةِ إِلَيْكَ، وَالسَّبِيلَ الَّذِي لَا يُخْتَلَجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي
كَفَايَتِكَ الَّتِي أُمِرْتُ بِهَا.

﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس بگو:

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام بر شما ای فرشتگان

خدا و زائرین قبر فرزند پیغمبر خدا، سپس ده قدم بردار و پس از آن بایست و سی تکبیر بگو و بعد از آن بطرف قبر حرکت کن تا به آن برسی و آنگاه روبه قبر بایست و قبله را بین دو کتف خود قرار بده و بگو:

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام و درود بر تو ای کشته شده در راه خدا و فرزند کشته شده در راه خدا، سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، سلام بر تو ای کسی که در آسمانها و زمین خدا طلب می کند، شهادت می دهم که خون تو در بهشت ساکن و آرام گشت و موجودات فوق عرش را لرزاند و تمام خلایق بر آن گریستند، و آسمانهای هفت گانه و طبقات هفت گانه زمین و آنچه از موجودات در آنها و بین آنها هستند بر آن گریستند، و تمام مخلوقات پروردگار که در بهشت و جهنم قرار دارند بر آن گریه کردند، آنچه از موجودات دیده شده و آنچه دیده نمی شود بر آن اشک ریختند، شهادت می دهم که تو حجت خدا و فرزند حجتش می باشی، شهادت می دهم که تو کشته شده در راه خدا و فرزند کشته شده در راه خدا می باشی، و شهادت می دهم که تو خون خدا و فرزند خون خدا هستی، و شهادت می دهم که تو در آسمانها و زمین کسی هستی که خدا طلب خون تو را می کند و شهادت می دهم که رسالت خود را ابلاغ کرده و مصلحت بندگان را بیان نموده و به عهد خود وفاء کرده و برای اعلاء کلمه حق در مقابل گروه مخالف و منکر از خود ایستادگی نشان دادی و در راه پروردگارت جهاد نمودی، و شهادت می دهم که تو گذشتی و عبور نمودی در طریق حق در حالی که عاقبت امر تو به شهادت منجر شد و خود به آن آگاه و عالم بودی و نیز شاهد آنچه از این امت صادر شد بوده و خدا و رسولش و فرشتگان و اهل ایمان شهادت می دهند که تو بر حق و طریق مستقیم بودی، و من بنده خدا و عبد تو و در اطاعت بوده و به سوی تو کوچ و سفر نموده ام، و بواسطه این هجرت بسوی تو از خدا التماس دارم که نزد خودش به من کمال منزلت و ثبات

قدم را عنایت فرماید و نیز بواسطه هجرت مزبور از خدا درخواست دارم که
طریقی را که نزد تو اضطراب و لغزش نداشته باشد را به من عنایت کند زیرا من
در کفالت تو داخل شده‌ام آن کفالتی که به آن امر شده‌ای قبولش نمائی.

متن:

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ، [مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ]،
بِكُمْ يُبَيِّنُ اللَّهُ الْكَذِبَ، وَبِكُمْ يُبَاعِدُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ، وَبِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ
يُخَيِّمُ، وَبِكُمْ يَمْنَحُو مَا يَشَاءُ وَبِكُمْ يُثَبِّتُ، وَبِكُمْ يَفْكُ الدُّلَّ مِنْ رِقَابِنَا،
وَبِكُمْ يُدْرِكُ اللَّهُ تَرَةً كُلَّ مُؤْمِنٍ يُطَلِّبُ، وَبِكُمْ تُثَبِّتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا،
وَبِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا، وَبِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَرِزْقَهَا،
وَبِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَوْثَ، وَبِكُمْ يُنْزِلُ اللَّهُ الْغَيْثَ، وَبِكُمْ تُسَيِّغُ الْأَرْضُ
الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ، وَتُسْتَقَرُّ جِبَاهُهَا عَلَى مَوَاسِيهَا، إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ
أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ، وَتَعْزُدُ مِنْ بَيُوتِكُمْ، وَالصَّادِرُ عَمَّا فَضَّلَ مِنْ أَحْكَامِ
الْعِبَادِ، لُعِنَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ، وَأُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ، وَأُمَّةٌ جَحَدَتْ وَلَا يَنْكُرُكُمْ، وَأُمَّةٌ
ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَأُمَّةٌ شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهِدْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ
مَأْوَاهُمْ، وَبَشَسَ وَرْدَ الْوَارِدِينَ وَبَشَسَ الْوَرْدَ الْمَوْزُودَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین ﴾

ترجمه:

کسی که اراده کند خدا را، به شما آغاز می‌کند، کسی که اراده کند خدا را به شما آغاز می‌کند، کسی که اراده کند خدا را به شما آغاز می‌کند، بواسطه شما خداوند غیر واقع‌ها را برطرف می‌کند، و به توسط شما شدائد و سختی‌ها را خدا دور می‌نماید، بواسطه شما خداوند می‌گشاید و افتتاح می‌کند، و ختم و تمام می‌نماید، و بواسطه شما آنچه را که بخواهد محو کرده و ثابت می‌نماید، بواسطه شما ذلت و خواری را از ما برمی‌دارد، بواسطه شما خداوند متعال خون‌خواهی هر خون مؤمنی را می‌کند که استحقاق خون‌خواهی را داشته باشد، بواسطه شما زمین درختانش را می‌رویاند، بواسطه شما درختان میوه می‌دهند، بواسطه شما آسمان باران می‌بارد، بواسطه شما غم و اندوه را خداوند برطرف می‌کند، بواسطه شما خداوند باران رحمتش را می‌بارد، بواسطه شما زمینی که ابدان شما را در خود دارد مستقر می‌باشد، و بواسطه شما کوه‌ها بر پایه‌های خود مستقر و مستحکم هستند، اراده حق تعالی در تقدیر امور بر شما فرود می‌آید، و از بیوت شما صادر می‌گردد، تفصیل احکام عباد از بیوت شما صادر می‌گردد، امت و گروهی که شما را کشتند ملعون هستند، و امتی که با شما مخالفت نمودند از رحمت واسع‌ه الهی به دور هستند، و امتی که ولایت شما را انکار کردند مورد لعن قرار گرفتند، و امتی که علیه شما تظاهر نمودند به لعن الهی گرفتار شدند و امتی که در معرکه قتال شما حاضر شده ولی شما را کمک نکرده و حاضر به شهادت در راه شما نشدند ملعون شدند، حمد سزاوار خداوندی است که آتش را (دوزخ) مأوی و مسکن این امتها قرار داد، و آن بدجایگاهی است برای ایشان، حمد و سپاس مر خداوندی را است که پروردگار عالمیان می‌باشد.

متن:

و تقول ثلاثاً: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَأَنَا إِلَى اللَّهِ بِمَنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ - ثلاثاً -»، ثُمَّ تقوم فتأتي ابنه علياً عليه السلام وهو عند رجله و تقول: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ - ثلاثاً - لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ - ثلاثاً - أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ - ثلاثاً -».

ثُمَّ تقوم فتؤمِّي بيدك إلى الشَّهَدَاءِ و تقول: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ - ثلاثاً - فُزْتُمُ وَاللَّهِ، - ثلاثاً - فَلَيْتَ أَنِّي مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً»، ثُمَّ تدور فتجعل قبر أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، - ثلاثاً - بين يديك و أمامك، فتصلي بِسِتِّ رَكَعَاتٍ، و قد قُمتَ زيارتك فَإِنْ شِئْتَ أَقِمْ و إِنْ شِئْتَ فَانصرف.

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

و سه مرتبه بگو: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَأَنَا إِلَى اللَّهِ بِمَنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ. یعنی درود و رحمت خدا بر تو ای ابا عبدالله و من به سوی خدا بی‌زاری می‌جویم از کسانی که با تو مخالفت کردند. سپس بایست و نزد فرزند حضرت یعنی علی بن الحسین علیه السلام که پائین پای حضرت دفن است برو و بگو: سلام و درود خدا بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند امام حسن و امام حسین، سلام بر تو ای فرزند

خدیجه کبری و فاطمه زهراء، رحمت خدا بر تو باد (سه مرتبه).
 خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت (سه مرتبه) من بسوی خداوند از ایشان
 بی‌زاری می‌جویم (سه مرتبه).

سپس بایست پس با دستت به شهداء اشاره کن و بگو:
 سلام علیکم (سه مرتبه) رستگار شدید بخدا سوگند (سه مرتبه) کاش من نیز
 با شما می‌بودم پس می‌رسیدم به این رستگاری عظیم سپس دور بزن و قبر
 حضرت ابی‌عبدالله الحسین (علیه السلام) را مقابل و جلو خود قرار بده و شش رکعت نماز
 بخوان و زیارت در اینجا به اتمام می‌رسد حال اگر خواستی بایست و اگر
 خواستی برگرد.



متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ،
 عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ نَعِيمِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ
 يَوْسُفَ [بْنِ] الْكُنَاسِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) «قَالَ: إِذَا أُتِيََتْ قَبْرُ الْحُسَيْنِ
 فَائْتِ الثَّرَاتِ وَ اغْتَسِلِ بِحِیَالِ قَبْرِهِ وَ تَوَجَّهْ إِلَيْهِ، وَ عَلَيْكَ الشَّكِيَّةُ
 وَ الْوَقَارُ حَتَّى تَدْخُلَ الْحَاثِرَ مِنْ جَانِبِهِ الشَّرْقِيِّ، وَ قُلْ حِينَ تَدْخُلُهُ:

«السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ
 الْمُتَزَكِّينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُزْدَفِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ
 الْمُسَوِّمِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هَذَا الْحَاثِرِ بِإِذْنِ اللَّهِ

مُتَقِیْمُونَ».

فَإِذَا اسْتَقْبَلْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ فَقُلْ:

«الْسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى رُسُلِهِ،
وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ
كُلِّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

﴿ زیارت سوّم ﴾

﴿ بنام خداوند بخشنده مهربان (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن حسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از
فضالة بن ایوب، از نعیم بن الولید از یوسف بن کناسی، از حضرت ابی
عبدالله (علیه السلام)، حضرت فرمودند:

وقتی به زیارت قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) می روی، ابتداء به فرات برو و در
مقابل قبر آن حضرت غسل کن و سپس متوجه قبر بشو و بر تو لازم است که آرام
و باوقار حرکت کنی تا از جانب شرقی داخل حائر گردی و وقت داخل شدن
بگو:

درود بر فرشتگان مقرب خدا، درود بر فرشتگان خدا که از آسمان به زمین
نازل می گردند، درود بر فرشتگان خدا که در ردیف هم به زمین نزول می کنند،
درود بر فرشتگان زیبا منظر خدا، درود بر فرشتگان خدا که به اذن حق تعالی در
این حائر اقامه کرده اند.

و هنگامی که مقابل قبر حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) قرار گرفتی بگو:
درود بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، رحمت خدا بر محمد که امین خدای رسولان و امور

لازمه او از قبیل احکام واجب و محرمه می باشد خاتمه دهنده انبیاء گذشته و بازکننده و گشاینده اوصیاء بعد از خود می باشند و شاهد و گواه است بر تمام اینها و درود بر او و رحمت و برکات خدا بر آن جناب باد.

مثن:

ثم تقول: «السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْزِلِ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ، ذِيَانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُتَّهِمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ..... - إلى آخر ما صَلَّيْتَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ -. ثُمَّ تَسَلَّمَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ سَائِرِ الْأَئِمَّةِ كَمَا صَلَّيْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، ثُمَّ تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ ؑ فتقول:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا أَمَرَكَ بِهِ، وَلَمْ تَحْشَ أَحَدًا غَيْرَهُ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ، وَعَبَدْتَهُ صَادِقًا مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَبَابُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى مَنْ يَبْقَى، وَمَنْ تَحْتَ النَّرَى، أَشْهَدُ أَنَّ ذَلِكَ لَكُمْ سَابِقٌ فِيمَا مَضَى، وَذَلِكَ لَكُمْ فَاتِحٌ فِيمَا بَقِيَ، أَشْهَدُ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَطَيِّبَتَكُمْ طَيِّبَةٌ طَيِّبَةٌ، طَابَتْ وَطُهِرَتْ هِيَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ مَتَى مِنَ اللَّهِ وَمِنْ رَحْمَتِهِ، فَأُشْهِدُ اللَّهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ

مُوقِنٌ وَلَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي وَشَرَائِعِ دِينِي وَخَاتِمَةِ عَمَلِي وَمُنْقَلَبِي وَ
مُتَوَايَ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يُتِمَّمَ لِي ذَلِكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَغْتُمْ
عَنِ اللَّهِ مَا أَمَرَكُمْ بِهِ حَتَّى لَمْ تَخْشَوْا أَحَدًا غَيْرَهُ، وَجَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ وَ
عَبَدْتُمُوهُ حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَمَرَ بِهِ، وَ
لَعَنَ اللَّهُ مَنْ يَلْعَنُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ أَتَهَكَّوْا حُرْمَتَكَ وَ
سَفَكُوا دَمَكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ».

﴿ دنباله زارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمه:

سپس بگو:

درود بر امیرمؤمنان بنده تو و برادر رسولت، کسی که تو به علم خودت او را
برگزیدی و برای هر کس از مخلوقات که خواستی هادی و راهنما قرار دادی،
و نیز او را دلیل بر کسی که تو او را به رسالات خودت برانگیختی قرارش داده‌ای،
سلام بر کسی که در دین با عدالت تو حکم می‌کند، و سلام بر کسی که از حکم تو
بین خلائق به عنوان فیصله دهنده منازعات و جدا کردن حق از باطل استفاده
می‌کند، و سلام بر کسی که گواه و شاهد بر تمام اینها است، سلام و رحمت و
برکات خدا بر او باد، بار خدایا رحمتت را بر حسین بن علی که بنده تو و فرزند
رسول تو بوده و کسی است که تو با علم خودت او را برگزیدی... تا آخر
مضامینی که در سلام و تحیت بر امیرالمؤمنین (ع) عنقریب گذشت.

سپس بر حضرت امام حسین و سائر ائمه (ع) سلام داده و درود بفرست
همان طوری که بر حسن بن علی (ع) سلام داده و درود فرستادی سپس به نزد
قبر مطهر امام حسین (ع) برو و بگو:

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، ای ابا عبدالله خدا

رحمتش را بر تو بفرستد، ای ابا عبدالله خدا تو را رحمت کند، شهادت می‌دهم که تو آنچه را که از جانب حق تعالی مأمور به ابلاغش بودی ابلاغ نمودی، و از احدی غیر خود وحشت و ترس نداشتی و در راهش مجاهدت نمودی، و او را صادقانه و مخلصانه عبادت کردی تا هنگامی که اجل تو را دریافت، شهادت می‌دهم که کلمه تقوی تو هستی، و باب هدایت مردم تو می‌باشی و دستگیره محکم تویی، و حجت بر تمام موجودات هستی و حجت بر تمام موجودات تحت زمین می‌باشی، شهادت می‌دهم که این صفات و خصوصیات و فضائل برای ائمه قبل نیز حاصل و ثابت بوده، و آن سبب است برای گشودن ابواب در مابین ائمه باقی، شهادت می‌دهم که ارواح و حقیقت شما حقیقتی پاک می‌باشد، حقیقت و خمیره شما پاک و پاکیزه بوده بعضی از برخی ایجاد شده و این متنی است از جانب حق تعالی و ناشی از رحمت و اسعاش می‌باشد، خدا و شما را شاهد می‌گیرم که به شما ایمان داشته و به رجعت شما یقین دارم و پیرو شما می‌باشم در اموری که متعلق به نفسم و شرایع دینم و پایان کارم و بازگشتم به خدا و اقامتم در قبر می‌باشد، پس از خدای نیک رفتار و مهربان می‌خواهم که این امور را برایم حاصل کند، و شهادت می‌دهم که شما آنچه را خدا امرتان نمود به دیگران رساندید و از احدی غیر او خوف و هراس نداشتید، و در راهش مجاهدت کرده و او را پرستیدید تا هنگامی که اجل شما را دریافت، پس خدا لعنت کند کسانی را که شما را کشتند و لعنت کند کسانی را که فرمان به قتل شما را دادند، و خدا لعنت کند کسانی را که وقتی خبر کشتن شما را شنیدند راضی به آن شدند، شهادت می‌دهم آنهایی که هتک حرمت شما نموده و خون شما را ریختند در زبان پیامبر امی صلی الله علیه و آله مورد لعن قرار گرفته‌اند.

متن:

ثُمَّ تَقُولُ: «اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ، وَخَالَفُوا مِلَّتَكَ، وَرَغِبُوا عَنْ أَمْرِكَ، وَاتَّبَعُوا رَسُولَكَ، وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِكَ، اللَّهُمَّ اخْشُ قُبُورَهُمْ نَاراً، وَأَجْوَافَهُمْ نَاراً، وَخَشُرَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقاً، اللَّهُمَّ الْعَنَهُمْ لَعْناً يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ، وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، وَكُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ امْتَحَنَتْ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ، اللَّهُمَّ الْعَنَهُمْ فِي مُسْتَشِيرِ السِّرِّ وَظَاهِرِ الْعِلَاقِيَّةِ، اللَّهُمَّ الْعَنِ جَوَابِيَّتْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَطَوَاعِيَّتِهَا، وَالْعَنِ قَرَاعِيَّتِهَا، وَالْعَنِ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْعَنِ قَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَذَابَهُمْ عَذَاباً أَلِيماً لَا تُعَذِّبُ بِهِ أَحَداً مِنَ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ تَنْصُرُهُ وَتَنْصُرُ بِهِ، وَتَقْنُ عَلَيْهِ بِنَصْرِكَ لِدِينِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی
 ﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله (ع) ﴾

ترجمه:

سپس بگو:

خدایا لعنت کن کسانی را که نعمت تو را تبدیل نمودند، و با ملت و گروه طرفدار تو مخالفت کردند، و از امر و دستور تو روی پناهندگی، و رسول تو را مورد اتهام قرار دادند و راه به سوی تو را بستند، خدایا قبور ایشان را پر از آتش کن، و در بطون و دل‌هایشان آتش بریز، و ایشان و تابعین آنها را محسور کن و به جهنم ببر در حالی که کور و نابینا هستند، خدایا ایشان را لعنت کن آنچنان لعنتی که هر فرشته مقرب تو آنان را لعنت می‌کند، و هر نبی فرستاده شده زبان به لعنتشان می‌گشاید و هر بنده با ایمانی که تو دلش را برای قبول ایمان آزموده‌ای، خداوند ایشان را در پنهان‌ترین پنهانها و ظاهرترین ظاهرها لعنت نما، خداوند!

ستمگران این امت و باطلهای آنرا لعنت کن و فرعونها را از رحمتت به دوردار،
 خدایا کشندگان امیرالمؤمنین و کشندگان حسن و حسین را لعنت نما و آنها را به
 عذاب دردناکی که احدی از عالمیان را تا به حال به آن عذاب نکرده‌ی معذب
 گردان، خدایا ما را از کسانی قرار بده که تو ایشان را یاری کرده و از آنها طلب
 یاری کرده‌ای و بر آنها منت گذارده و برای دینت در دنیا و آخرت آنان را کمک
 کرده‌ای.

متن:

ثم اجلس عند رأسه صلوات الله عليه فقل:
 «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَأَمِينُهُ، بَلَّغْتَ نَاصِحًا، وَأَذَيْتَ
 أَمِينًا، وَقَتَلْتَ صِدِّيقًا، وَمَضَيْتَ عَلَى يَقِينٍ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمِيَّ عَلَى هُدًى، وَلَمْ
 تَمِلْ مِنْ حَقٍّ إِلَى بَاطِلٍ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ،
 وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ، وَتَلَوْتَ
 الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ
 الْحَسَنَةِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلَى بَيْتِنَا
 مِنْ رَبِّكَ، قَدْ بَلَّغْتَ مَا أَمَرْتَ بِهِ، وَقُتِلَ بِحَقِّهِ وَصَدَّقْتَ مَنْ قَبْلَكَ، غَيْرَ
 وَاهِنٍ وَلَا مُوهِنٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا، فَجَزَاكَ اللَّهُ مِنْ
 صِدِّيقٍ خَيْرًا عَنْ رَعِيَّتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ، وَأَنَّ الْحَقَّ
 مَعَكَ وَإِلَيْكَ، وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيرَاثُ الثُّبُوتِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ أَهْلِ
 بَيْتِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ صِدِّيقٌ عِنْدَ اللَّهِ، وَحُجَّتُهُ عَلَى خَلْقِهِ،
 أَشْهَدُ أَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ، وَكُلُّ دَاعٍ مَنصُوبٍ غَيْرِكَ فَهُوَ بَاطِلٌ مَذْهُوضٌ،
 وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبد الله ﴾

ترجمه:

سپس نزد سر مبارک آن حضرت صلوات الله علیه بنشین و بگو:

درود و رحمت خدا بر تو، شهادت می‌دهم که تو بنده خدا و امین او هستی، مأموریت خود را ابلاغ کرده در حالی که ناصح و مصلحت اندیش بودی، و امانتی را که نزد تو بود اداء نمودی، کشته شدی در حالی که بسیار بسیار راستگو بودی و از این دنیا گذشتی در حالی که بریقین بودی، انتخاب نکردی کوری را بر هدایت، از حق به باطل میل ننمودی، شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را اداء نمودی، و به معروف امر کرده و از منکر و زشتی نهی کردی، و از رسول پیروی نمودی، و آن طور که باید و شاید قرآن را تلاوت کردی، و به راه پروردگارت دیگران را از طریق مصلحت و موعظه حسنه دعوت نمودی، درود خدا بر تو و تحیت او بسیار بر تو باد، شهادت می‌دهم که تو حجت آشکار پروردگارت هستی، آنچه را مأمور به ابلاغش بودی ابلاغ نمودی، و به حق پروردگارت قیام نمودی، و تمام حج و بینات پیش از خود را تصدیق کردی، در این مضممار نه سستی از خود نشان داده و نه ایجاد سستی کردی، درود خدا بر تو و تحیت او بسیار بر تو باد، پس خداوند پاداش نیک از طرف رعیتش به تو عطاء فرماید، و شهادت می‌دهم که جهاد در همراه و در رکاب تو جهادی است عظیم و حق با تو و به سوی تو می‌باشد، و تو اهل حق و مرکز آن هستی، میراث نبوت نزد تو و اهل بیت تو (علیهم السلام) می‌باشد، شهادت می‌دهم که تو نزد خدا بسیار بسیار راستگو بوده، و حجتش بر مخلوقات می‌باشی، شهادت می‌دهم که دعوت مردم را حق و صواب بوده، و هر دعوت کننده نصب شده‌ای که غیر از تو باشد باطل و فاسد می‌باشد، و شهادت می‌دهم که خدا حق و آشکار می‌باشد.

متن:

ثُمَّ تَحَوَّلَ عِنْدَ رِجْلَيْهِ وَتَخَيَّرَ مِنَ الدَّعَاءِ وَتَدَعَوَ لِنَفْسِكَ، ثُمَّ تَحَوَّلَ
عِنْدَ رَأْسِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَتَقُولُ:

«سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، عَلَيْكَ
يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ
بَيْتِكَ وَعَلَى عِثْرَةِ آبَائِكَ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرُّجْسَ
وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبد الله عليه السلام ﴾

ترجمه:

سپس به پائین پا برو و هر دعائی را که خواستی بخوان و برای خود نیز دعاء
کن، سپس به بالا سر حضرت علی بن الحسین علیه السلام برو و بگو:
درود خدا و درود فرشتگان مقربین خدا و درود انبیاء فرستاده شده خدا بر تو
ای سرور من و فرزند سرور من و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، تحیت خدا بر
تو و بر اهل بیت تو و بر دودمان نیک و خوب پدرت آن کسانی که خداوند متعال
پلیدی را از آنها به دور داشت و پاک و منزّه داشت ایشان را.

متن:

ثُمَّ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ وَتَسَلِّمُ عَلَيْهِمْ وَتَقُولُ:
«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرِّبَائِيُّونَ، أَنْتُمْ لَنَا قُرْطٌ وَسَلَفٌ، وَنَحْنُ أَتْبَاعُ
وَأَنْصَارُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي كِتَابِهِ:
«وَكَايُنَ مِنْ نَبِيٍّ قَاتِلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا»، فَمَا وَهَنْتُمْ وَمَا ضَعُفْتُمْ وَمَا اسْتَكَنْتُمْ حَتَّى لَقِيتُمُ اللَّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ، وَنُصْرَةِ كَلِمَةِ اللَّهِ التَّامَّةِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَبْدَانِكُمْ وَسَلَّم تَسْلِيمًا، أَبَشِّرُوا بِوَاغِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ إِنَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ، اللَّهُ مُذَرِّكٌ لَكُمْ ثَارَ مَا وَعَدَكُمْ، أَنْتُمْ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَنْتُمْ السَّابِقُونَ وَالْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَقَاتَلْتُمْ عَلَى مَنَاجِ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنِ رَسُولِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَّقَكُمْ وَعَدَهُ، وَأَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ».

ثُمَّ تَقُولُ: «أَتَيْتُكَ يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَ رَسُولِهِ، وَإِنِّي لَكَ عَارِفٌ، وَبِحَقِّكَ مُقَرٌّ، وَبِفَضْلِكَ مُسْتَبْصِرٌ، وَبِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ مُوقِنٌ، عَارِفٌ بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، بِأَنَّ أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصَلِّي عَلَيْكَ كَمَا صَلَّيْتَ أَنْتَ عَلَيْهِ وَرُسُلِكَ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، صَلَاةً مُتَابِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً، يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا، لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا أَمَدَ وَلَا أَبَدَ وَلَا أَجَلَ فِي مُحَضَرِنَا هَذَا وَإِذَا غَبْنَا وَشَهِدْنَا، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ایا عبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمه:

سپس به نزد قبور شهداء برو و سلام بر ایشان بده و بگو:

درود بر شما ای راسخین در علم و دین، شما مقدم و سابق بر ما هستید و ما پیرو و یاور شما می‌باشیم، شهادت می‌دهم که شما یاوران خدا هستید همان طوری که حق تبارک و تعالی در کتابش فرموده:

«وَكَايُنَ مِنْ نَبِيٍّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ...»

یعنی بسا اتفاق افتاده که گروهی از پیروان و یاران پیامبری که از راسخین در علم و دین هستند در جنگ کشته شده و با این حال اهل ایمان سستی از خود نشان نداده و با سختی‌هایی که در راه خدا به آنها رسیده مقاومت کرده و هرگز ضعفی در آنها دیده نشده و در مقابل دشمن سر عجز فروود نیاورده‌اند.

پس شما نیز سست نشده و ضعف و ناتوانی در شما راه نیافت و هرگز در مقابل دشمن زیون و خوار سر تسلیم فروود نیاوردید تا خدا را در راه و هدف حقّی که داشتید ملاقات کردید و در طریق نصرت کلمه تامّه خدا یعنی حجّت کامله باری تعالی (وجود مقدّس حضرت سیّد الشهداء سلام الله تعالی علیه) جان سپردید، درود خدا بر ارواح طاهره و اجسام مطهر شما و تحیت خدا بر شما باد، بشارت باد شما را به وعده‌های پسنجیده حق تعالی که خلافی در آنها نیست چه آنکه خدا وعده‌هایی که داده مخالفت نخواهد نمود، خداوند متعال طلب می‌کند برای شما خونی را که وعده‌اش را داده است، شما سرور شهداء هستید در دنیا و آخرت، شما سابقون و مهاجرون و انصار می‌باشید، شهادت می‌دهم که شما در راه خدا مجاهدت نمودید، و بر طریق رسول خدا و فرزندان آن حضرت مقاتله و منازعه نمودید، حمد و سپاس برای خدائی است که وعده‌اش را در حق شما صادق قرار داد و آنچه شما دوست دارید را به شما نشان داد.

سپس بگو:

به زیارت آدم ای دوست و محبوب رسول خدا و ای فرزند رسول خدا، من عارف هستم به شما، و به حق شما مقرّ می‌باشم، و به فضل شما بینا و مستبصر هستم، و به گمراهی کسی که با شما مخالفت نموده یقین دارم، به هدایت کسی که بر طریق شما است آگاهم، پدر و مادر و خودم فدای تو شویم، بار خدایا من بر او دورد می‌فرستم همان طوری که تو و رسولانت و امیرالمؤمنین علیه السلام بر او درود می‌فرستید، درودهایی پشت سرهم و متصل و ردیف هم، برخی تابع و به دنبال بعضی دیگر می‌باشند، این درودها انقطاع و ابتداء و انتها و زمان نداشته، در

مجلس و محضر ما بوده و زمانی که غائب شویم نیز بوده چنانچه بعد از غیبت ما و حاضر شدنمان هم می‌باشند، سلام و درود بر او و رحمت و برکات حق تعالی بر او باد.

﴿ زیارة أُخری ﴾

متن:

۴ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ فَضْلِ ابْنِ عُمَانَ الصَّائِغِ، عَنْ معاوية بن عمار «قال: قلت لأبي عبد الله (عليه السلام): ما أقول إذا أتيتُ قبر الحسين (عليه السلام)؟ قال: قل: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ بَرِيٌّ»».

﴿ زیارت چهارم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن عبدالله، از عبدالله بن جعفر حمیری، از عبدالله بن محمد ابن خالد طیالسی، از حسن بن علی، از پدرش، از فضل بن عثمان صائغ، از معاویه بن عمار، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابا عبدالله (علیه السلام) عرض کرد: هرگاه به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین (علیه السلام) رفتم در زیارت آن حضرت چه بگویم؟
امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، خدا درود بر تو فرستد ای ابا عبدالله، خدا رحمت فرستد بر تو ای ابا عبدالله، خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند، و لعنت کند آنان را که در خون تو شریک شدند و لعنت کند آنهایی را که خبر قتل تو را شنیدند و به آن راضی شدند، من به سوی خدا از این امر بی زاری می جویم.

﴿ زیارةُ أُخری ﴾

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حمزة، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ أَبِي عَلِيٍّ، عَنِ الْمَفْضَلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ لِلْمَفْضَلِ: كَمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ﷺ؟ قَالَ: قُلْتُ: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَوْمَ وَبَعْضُ يَوْمٍ آخِرٍ، قَالَ: فَتَزُورُهُ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: فَقَالَ: أَلَا أُبَشِّرُكَ؟ أَلَا أَفْرَحُكَ بِبَعْضِ ثَوَابِهِ؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: فَقَالَ لِي: إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لِيَأْخُذُ فِي جِهَازِهِ وَيَتَهَيَّأُ لَزِيَارَتِهِ فَيَتَبَاشَرُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ، فَإِذَا خَرَجَ مِنْ بَابِ مَنْزِلِهِ رَاكِباً أَوْ مَاشِياً وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يُوَافِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ﷺ، يَا مَفْضَلُ إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ابْنَ عَلِيٍّ ﷺ فَفَقْ بِالْبَابِ وَقُلْ هَذِهِ الْكَلِمَاتُ، فَإِنَّ لَكَ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كِفَافاً مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، فَقُلْتُ: مَا هِيَ جَعَلْتُ فِدَاكَ؟ قَالَ: تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيٍّ وَصِيِّ
رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الرُّضِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَارِثَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصَّدِيقُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَارُّ الثَّقِيُّ، [السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ
حُجَّتِهِ]، السَّلَامُ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ،
السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُحْدِقِينَ بِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ
آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ
مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَتِيمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

ثمَّ تسعى فلك بكلِّ قدم رفعتها ووضعتها ككواب المتشخط بدمه في
سبيل الله، فإذا سلَّمت على القبر فالسنة بيدك وقل: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
حُجَّةَ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ»

﴿ زیارت پنجم ﴾

ترجمه: ﴿ بنام خداوند بخشنده مهربان ﴾

پدرم از سعد بن عبدالله، از ابی عبدالله رازی، از حسن بن علی بن ابی حمزه
از حسن بن محمد بن عبدالکریم ابی علی از مفضل بن عمر، از جابر جعفی، وی
گفت:

حضرت ابو عبدالله (ع)، به مفضل فرمودند:

فاصله بین شما تا قبر مطهر امام حسین (ع) چه مقدار است؟

وی عرض کرد: پدر و مادرم فدایت شوند یک روز و مقداری از یک روز.

حضرت فرمودند:

آیا قبر آن حضرت را زیارت می‌کنی؟

عرض کردم: بلی.

فرمودند:

آیا بشارت بدهم تو را؟ آیا شاد و مسرور بنمایم تو را به واسطه پاره‌ای از ثواب‌های آن؟

عرض کردم: بلی فدایت شوم.

مفضل گفت: حضرت به من فرمودند:

هرگاه یک نفر از شما اثاثیه سفرش را بر می‌داد و آماده می‌شود برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام اهل آسمان به او بشارت می‌دهند و وقتی از درب خانه‌اش بیرون رفت چه سواره و چه پیاده خداوند منان چهار هزار فرشته را بر او موکل می‌فرماید که بر وی تحیت و درود فرستند تا به قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام برسد.

ای مفضل: هنگامی که به قبر امام امام حسین علیه السلام رسیدی، درب حرمش بایست و این کلمات را بگو، زیرا در مقابل هر یک کلمه‌ای که می‌گویی نصیب و بهره‌ای از رحمت عائدت می‌شود.

عرض کردم: آن کلمات چیست؟

حضرت فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای وارث آدم که برگزیده خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث نوح که پیامبر خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث ابراهیم که خلیل خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث موسی که کلیم خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث عیسی که روح خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث علی علیه السلام که محمد صلی الله علیه و آله که حبیب خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث حسن علیه السلام که رضی جانشین رسول خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث حسن علیه السلام که رضی و پستندیده است، سلام و درود بر تو ای وارث فاطمه علیه السلام که دختر رسول خدا است، سلام و درود بر تو ای شهیدی که بسیار بسیار راستگو بودی، سلام بر تو

ای وصی و جانشین پیغمبر که نیکوکار و پرهیزکار می باشی، سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام بر ارواحی که گرداگرد تو فرود آمده و در مسکن و مکان تو قرار و آرام گرفته اند، سلام بر فرشتگان خدا که اطراف تو را گرفته اند، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را اداء کردی و به معروف و اعمال پسندیده امر کردی و از افعال زشت و ناپسند نهی نمودی، و خدا را مخلصاً پرستیدی تا اجل تو را دریافت، سلام بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

سپس از درب حرم حرکت کن و به طرف قبر برو که برای هر قدمی که از زمین برداشته و بر روی آن می گذاری ثوابی همچون ثواب کسی که در راه خدا به خون خود آغشته شده می باشد و وقتی بر قبر سلام دادی دست خود را به آن بکش و بگو:

سلام بر تو ای حجت خدا در آسمان و زمین.

متن:

ثُمَّ قَضَى إِلَى صَلَاتِكَ، وَلَكَ بِكُلِّ رَكْعَةٍ رَكْعَتَهَا عِنْدَهُ كَثُوبٌ مِّنْ حِجٍّ وَ اعْتَمَرَ أَلْفَ مَرَّةً وَ أَعْتَقَ أَلْفَ رَقَبَةٍ، وَ كَأَنَّمَا وَقَفَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَلْفَ مَرَّةٍ مَعَ نَبِيِّ مُّرْسَلٍ، فَإِذَا انْقَلَبْتَ مِنْ عِنْدِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام نَادَاكَ مُنَادٍ - لَوْ سَمِعْتَ مَقَالَته لَأَقَمْتَ عُمْرَكَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام - وَ هُوَ يَقُولُ: «طُوبَى لَكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ! قَدْ غَنِمْتَ وَ سَلِمْتَ، قَدْ غُفِرَ لَكَ مَا سَلَفَ، فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ»، فَإِنَّهُ مَاتَ مِنْ عَامِّهِ أَوْ فِي لَيْلَتِهِ أَوْ يَوْمَهُ لَمْ يَلِ قَبْضَ رُوحِهِ إِلَّا اللَّهُ، وَ تَقَبَّلَ الْمَلَائِكَةُ مَعَهُ [و] يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ، وَ يَصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يُوَافِيَ مَنَزَلَهُ، وَ تَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ هَذَا عَبْدُكَ وَ قَدْ وَافَى قَبْرَ ابْنِ

نَبِيَّكَ ﷺ و قد وافى منزله، فأين نذهب؟ فيأتيهم النداء من السماء: يا ملائكتي قفوا بباب عبدي؛ فسبحوا و قدسوا و اكتبوا ذلك في حسناته إلى يوم يتوفى، قال: فلا يزالون ببابه إلى يوم يتوفى يسبحون الله و يقدسونه، و يكتبون ذلك في حسناته، فإذا توفى شهدوا جنازته و كفنه و غُسله و الصَّلَاة عليه، و يقولون: رَبَّنَا و كلتنا بباب عبدك و قد توفى فأين نذهب؟ فيناديهم: يا ملائكتي قفوا بقبر عبدي فسبحوا و قدسوا و اكتبوا ذلك في حسناته إلى يوم القيامة».

حدَّثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب، عن أبي عبدالله الرّازي الجاموراني، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة بإسناده مثله.



مَرْتَبَةُ زِيَارَتِ نَامَةِ حَضْرَتِ
﴿ دُنْبَالِه زِيَارَت نامہ حضرت ﴾
﴿ ابا عبدالله الحسين ﷺ ﴾

ترجمہ:

سپس بہ نماز بایست چہ آنکہ ہر رکعتی از نماز نزد قبر آن حضرت ثواب ہزار حج و عمرہ و ہزار بندہ ای کہ آزاد نمودہ باشند را داشتہ و گویا نماز گذار ہزار مرتبہ با پیغمبر فرستادہ شدہ در راہ خدا جہاد کردہ است، بہ ہر صورت وقتی از زیارت قبر برگشتی منادی تو را نداء می کند بہ طوری کہ اگر مقالہ و سخن او را می شنیدی تمام عمرت را نزد قبر آن حضرت می ماندی، منادی می گوید:

ای بندہ خوشا بہ حال تو! غنیمت بردی و سلام دادی، تمام گناہان گذشتہ ات آمرزیدہ شد، پس عمل را از ابتداء شروع کن، پس اگر وی در همان سال یا همان

شب یا همان روز زیارت فوت کند احدی قبض روحش را به عهده نگرفته مگر خداوند متعال، و فرشتگان با او پیش آمده و طلب آمرزش برایش می کنند و رحمت بر او می کنند تا وی به منزلش برسد، و فرشتگان می گویند:

ای پروردگار این بنده تو است و به زیارت فرزند پیغمبرت صلی الله علیه و آله آمده و اکنون برگشته و به منزلش رسیده حال ما به کجا برویم؟
پس از آسمان نداء آید:

ای فرشتگان من درب منزل بنده من بایستید و تسبیح و تقدیس نموده و آن را در نامه حسنات وی بنویسید تا زمانی که فوت کند.
امام علیه السلام فرمودند:

پیوسته فرشتگان درب منزل او بوده تا روزی که وی فوت کند، طول این مدت ایشان به تسبیح خداوند و تقدیسش مشغول بوده و تمام این تسبیحات و تقدیسات را در زمره حسنات وی قرار می دهند و وقتی وی فوت کند بر جنازه و مراسم تکفین و تغسیل و خواندن نماز بر او حاضر شده و می گویند:
پروردگارا ما را موکل نمودی که بر درب منزل بندهات بایستیم، اکنون او فوت کرده حال کجا برویم؟

حق تعالی نداء داده و می فرماید:

ای فرشتگان من بایستید بر سر قبر بندهام، پس تسبیح و تقدیس نمایند من را و آن را در زمره حسنات او تا روز قیامت ثبت و ضبط کنید.
حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه بن الخطاب، از ابی عبدالله رازی جامورانی از حسن بن علی بن ابی حمزه به اسنادش مثل حدیث مزبور را نقل کرده اند.

﴿ زیارة أخرى ﴾

متن:

۶- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ فَقَالَ لِي: مَا تَقُولُونَ أَنْتُمْ فِيهِ؟ فَقُلْتُ: بَعْضُنَا يَقُولُ حُجَّةً وَبَعْضُنَا يَقُولُ عَمْرَةً، قَالَ: فَأَيُّ شَيْءٍ تَقُولُ إِذَا أَتَيْتَ؟ فَقُلْتُ: أَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ سَفَكُوا دَمَكَ وَاسْتَحَلُّوا حُرْمَتَكَ مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ».

﴿ زیارت ششم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از جدش محمد بن عیسی ابن عبدالله، از ابراهیم بن ابی البلاد، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی الحسن عليه السلام (امام هفتم عليه السلام) عرض کردم: در زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام چه می‌فرمائید؟

حضرت به من فرمودند:

شما درباره زیارت آن حضرت چه می‌گویند؟

عرضه داشتم: برخی از ما معتقدیم که زیارت آن جناب به منزله حج بوده

و بعضی دیگر می گوئیم ثواب عمره را دارد.

حضرت فرمودند:

در وقت زیارت آن حضرت چه می گوئید؟

عرض کردم: می گوئیم:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، سلام و درود بر تو ای پسر رسول خدا، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را اداء نمودی، و به کار خیر امر و از عمل زشت نهی فرمودی، و با بیانی مشتمل بر حکمت و با موعظه ای پسندیده مردم را به راه پروردگارت دعوت نمودی، و شهادت می دهم کسانی که خون تو را ریختند و هتک حرمت تو را حلال دانستند با زبان حضرت داود و عیسی بن مریم (ع) مورد لعن و عذاب الهی واقع شده اند، و این به خاطر عصیان و تجاوز آن ها می باشد.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

۷- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْبَغْدَادِيِّ -عَمَّنْ حَدَّثَهُ- عَنْ إِبْرَاهِيمَ ابْنِ أَبِي الْبَلَادِ «قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ (ع): كَيْفَ السَّلَامُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؟ قَالَ: قُلْتُ: أَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ سَفَكُوا دَمَكَ وَاسْتَحْلَوْا حُرْمَتَكَ مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ»، قَالَ: نَعَمْ هُوَ هَكَذَا».

﴿ زیارت هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم از موسی بن جعفر بغدادی از کسی که برایش حدیث گفته، از ابراهیم این ابی البلاد، وی گفت:

حضرت ابوالحسن علیه السلام (امام هفتم علیه السلام) به من فرمودند:

چگونه بر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام سلام می دهی؟

وی می گوید: عرضه داشتم: می گویم:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا...

مترجم گوید:

فقرات این زیارت عیناً همان زیارت ششم است با این فرق که پس از عرضه

داشتن راوی امام علیه السلام در این زیارت نامه فرموده اند:

بلی سلام بر آن حضرت چنین می باشد.



﴿ زیارة اخرى ﴾

متن:

۸- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ -

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَفْصِ الْمُرُوزِيِّ - عَنْ الرَّجُلِ -

«قَالَ: تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام»: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُتَرْضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ

بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ

الْيَقِينُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَ مَيِّتًا».

ثُمَّ ضَعَّ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَقُلْ: «أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّكَ، حِشْكَ مُقَرَّبًا بِالذُّنُوبِ، اِشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ». ثُمَّ اذْكُرِ الْأَمَّةَ وَاحِدًا وَاحِدًا وَقُلْ: «أَشْهَدُ أَنَّهُمْ حُجَّجُ اللَّهِ». ثُمَّ قُلْ: «أَكْتُبْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا وَمِيثَاقًا بَأَنِّي أَتَيْتُكَ مُجَدِّدًا الْمِيثَاقَ فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ».

﴿ زیارت هشتم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود، از سلمة بن الخطاب، از علی بن محمد، از برخی اصحابش، از سلیمان بن حفص مروزی، از آن مرد بزرگ، آن جناب فرمودند:

در نزد قبر حضرت امام حسین (ع) بگو:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، سلام و درود بر تو ای حجت خدا در زمین، و سلام بر تو ای شاهد خدا بر خلق او، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام و درود بر تو ای فرزند فاطمه زهراء، شهادت می‌دهم که نماز را به پا داشته و زکات را اداء کرده‌ای، و به کار خیر امر و از عمل زشت نهی فرموده‌ای، و در راه خدا جهاد کردی تا مرگ تو را دریافت، و درود و رحمت خدا بر تو باد چه در حال حیات و چه در حال ممات.

سپس طرف راست صورت را بر قبر بگذار و بگو:

شهادت می‌دهم که تو حجت آشکار پروردگارت می‌باشی، به نزد تو آمده‌ام در حالی که به گناهانم اقرار دارم، نزد پروردگارت شفاعت من را بنما ای فرزند رسول خدا.

سپس انتم (ع) را یکی یکی یاد کن و بگو:

شهادت می‌دهم که شما حجت‌های خدا هستید.

سپس بگو:

بنویس برای من که نزد شما میثاق و عهدی داشته و آمدم به محضر در حالی که آن میثاق را تجدید می‌کنم پس شاهد من باش نزد پروردگارت که تو شاهد می‌باشی.

متن:

۹- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ زَكْرِيَّا، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْمُرُوزِيِّ، عَنْ الْمُبَارَكِ «قَالَ: تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَمَيِّتًا». ثُمَّ ضَعَّ خَذَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَقَالَ: «أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، جِشَّكَ مُقَرَّبًا بِالذُّنُوبِ لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ». ثُمَّ أَذَكَرَ الْأَئِمَّةَ بِأَسْمَائِهِمْ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، وَقَالَ: «أَشْهَدُ أَنَّهُمْ خُجَجُ اللَّهِ». ثُمَّ قَالَ: «اكْتُبْ لِي عِنْدَكَ مِثْقَاً وَعَهْداً أَنِّي أَتِيْتُكَ مُجَدِّداً الْمِثْقَا، فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ».

﴿ زیارت نهم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه بن الخطاب، از حسین بن زکریا، از سلیمان ابن حفص مروزی، از مبارک، وی گفت:

در زیارت قبر حضرت امام حسین (ع) می‌گوئی:

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش، و شاهد او بر خلقش، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهراء، شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی، و زکات را اداء نمودی، و به کارهای نیک امر و از اعمال و افعال زشت نهی نمودی، و در راه خدا سخت کوشیدی تا اجل تو را دریافت، پس رحمت خدا بر تو باد در زنده و مرده بودن.

سپس طرف راست صورت را بر قبر بگذار و مضامین در زیارت قبل (زیارت هشتم) را که با ترجمه‌اش گذشت بگو.



متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ عَامِرِ بْنِ جُذَاعَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) «قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ الْحُسَيْنَ (ع) فَقُلْ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَمَنْ شَارَكَ فِي دَمِكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيٌّ ثَلَاثًا.»».

﴿ زیارت دهم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن بن الصَّغَر، از محمد ابن عبد الجبار، از عبد الرحمن بن ابی نجران، از عامر بن جذاعه، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هرگاه به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رفتی بگو:

سپاس و حمد برای خدا است و درود و تحیت خدا بر محمد که نبی او است و بر آل و دودمانش، و سلام بر او و بر آلش و رحمت و برکات الهی بر این ذوات باد، درود خدا بر تو ای ابا عبد الله، خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند، و کسانی را که در خون تو شرکت نمودند، و کسانی را که وقتی خبر کشته شدن تو به ایشان رسید راضی به آن شدند، من از ایشان به سوی خدا بی زاری می جویم، این عبارت را سه بار بگویند:

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ عَامِرِ بْنِ جُذَاعَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ الْحَائِرَ فَقُلْ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ لَقِيَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَمَنْ شَارَكَ فِي دَمِكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيٌّ».

﴿ زیارت یازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از عبدالرحمن
ابن ابی نجران، از محمد بن ابی عمیر، از عامر بن جذاعة از حضرت
ابی عبدالله (علیه السلام)، حضرت فرمودند:
هرگاه به حائر رفتی پس بگو:
حمد و سپاس برای خداست و درود و تحیت خدا بر محمد و اهل بیت او...
تا آخر مضامین زیارت قبل که با ترجمه ذکر شد.

﴿ زیارة آخری ﴾

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ قُضَّالٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ
سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ، عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ، عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: «تَقُولُ إِذَا آتَيْتَ إِلَى قَبْرِهِ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ
شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رِضَاؤهُ مِنْ
رِضَا الرَّحْمَنِ، وَ سَخَطُهُ مِنْ سَخَطِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ
وَ حُجَّتَهُ وَ بَابَ اللَّهِ، وَ الدَّلِيلَ عَلَى اللَّهِ، وَ الدَّاعِيَ إِلَى اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ
خَلَلْتَ خِلَالَ اللَّهِ، وَ حَرَمْتَ حَرَامَ اللَّهِ، وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ،
وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ

بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَمَنْ قُتِلَ مَعَكَ شُهَدَاءُ
أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُزَرَّقُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ قَاتِلِيكَ فِي النَّارِ، أَوْيَنُ اللَّهُ
بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ، وَمِمَّنْ قَتَلَكَ وَشَايَعَ عَلَيْكَ، وَمِمَّنْ جَمَعَ
عَلَيْكَ، وَمِمَّنْ سَمِعَ صَوْتَكَ وَلَمْ يُجِيبْكَ، يَا لَيْسَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ
فَوْزاً عَظِيماً».

۱۳ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ،
عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَا أَحْبَبْتُ».



﴿ زیارت دوازدهم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین عليه السلام ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد
ابن الحسن بن علی بن فضال، از عمرو بن سعید مدائنی، از مصدق بن صدقه، از
عمار بن موسی ساباطی، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند:
هرگاه به زیارت قبر امام حسین عليه السلام رفتی بگو:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین، سلام بر
تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای سرور جوانان اهل بهشت و رحمت خدا
و برکاتش بر تو باد، سلام بر تو ای کسی که رضایت رضایت خدا است،
و غضب و نارضایت غضب و نارضایتی خدا می باشد، سلام بر تو ای امین
و حجت و باب خدا و راهت و نشان دهنده خدا و دعوت کننده بسوی خدا،
شهادت می دهیم که تو حلال خدا را بیان کرده و حرامش را روشن نموده و نماز

را به پا داشتی و زکات را پرداختی و به کارهای نیک امر و از اعمال زشت و قبیح نهی فرمودی، و با بیان مصلحت و پند و اندرز نیک دیگران را به راه خدا دعوت نمودی، و شهادت می‌دهم که تو و آنانکه در رکاب ظفر قرینت شهید شده‌اید شهیدانی بوده که نزد خدا زنده بوده و روزی می‌خورید، و شهادت می‌دهم که کشته تو در آتش جهنم است، به واسطه بی‌زاری از کسانی که با تو محاربه نموده و آنانکه تو را کشته و علیه تو با یکدیگر هم داستان شدند، و بی‌زاری می‌جویم از کسانی که قصد سوء علیه تو نمودند و برائت و بی‌زاری می‌جویم از آنانکه صدای تو را شنیده ولی اجابت نکردند، کاش با تو بودم پس به رستگاری عظیمی نائل می‌شدم.

﴿ زیارت سیزدهم ﴾

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابی نجران، از یزید بن اسحاق، از حسن بن عطیه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

نزد قبر امام حسین علیه السلام هر چه را که دوست داشتی می‌توانی به عنوان زیارت بخوانی.

﴿ زیارة آخری ﴾

متن:

۱۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ آتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام، قَالَ: نَعَمْ يَا أَبَا سَعِيدٍ إِنَّتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَطِيبِ الطَّيِّبِينَ وَأَطْهَرِ الطَّاهِرِينَ وَأَبْرَ

الأبرار، وإذا دُرِّتَه يا أبا سعيد فسبح عند رأسه تسبيح
 أمير المؤمنين ﷺ ألف مرة، و سبِّح عند رجله تسبيح فاطمة الزهراء
 ألف مرة، ثم صلِّ عنده ركعتين تقرأ فيهما: «يس» و «الرحمن»، فإذا
 فعلت ذلك كتب الله لك ثواب ذلك إن شاء الله تعالى، قال: قلت:
 جعلت فداك علمني تسبيح عليٍّ و فاطمة ﷺ، قال: نَعَمْ يا أبا سعيد:
 تسبيح عليٍّ ﷺ: «سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَبِيدُ
 مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَفْنَى مَا عِنْدَهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يُشْرِكُ أَحَدًا فِي
 حُكْمِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِضْمِحْلَالَ لِقَهْرِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَقْطَاعَ لِمُدَّتِهِ،
 سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ»

و تسبيح فاطمة ﷺ: «سُبْحَانَ ذِي الْحَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي
 الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ ذِي
 التَّهَنُّجَةِ وَالْجَمَالِ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَ الْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى
 أَثَرَ الثَّمَلِ فِي الصَّفَا، وَ وَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ».

﴿ زیارت چهاردهم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین ﷺ ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن
 عقبه، از ابی سعید مدائنی، وی می گوید محضر مبارک حضرت ابی عبدالله ﷺ
 مشرف شده عرض کردم: فدایت شوم به زیارت قبر حضرت امام حسین ﷺ
 بروم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای اباسعید به زیارت قبر حسین (ع) برو و به زیارت پاکیزه‌ترین پاکیزه‌ها و پاک‌ترین پاکان و نیک‌ترین نیکان.

ای اباسعید هنگامی که آن حضرت را زیارت کردی بالای سر آن جناب تسبیح امیرالمؤمنین (ع) را هزار مرتبه بگو و پائین‌های آن حضرت تسبیح حضرت زهراء (ع) را هزار مرتبه بگو، سپس نزد قبر مطهرش دو رکعت نماز بخوان و در آن دو رکعت سوره یس و الرحمن را قرائت کن.

و وقتی چنین نمودی خداوند متعال ثواب زیارت حضرت را برای تو خواهد نوشت.

راوی می‌گوید: محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم تسبیح امیرالمؤمنین علی (ع) و تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها را آیا به من تعلیم می‌فرمائید؟

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

حضرت فرمودند:

بلی یا اباسعید، تسبیح امیرالمؤمنین (ع) عبارت است از ذکر این اذکار:
منزه است کسی که خزاننش تمام شدنی نیست، منزه است کسی که نشانه‌هایش کهنه و فرسوده نمی‌شوند،

منزه است کسی که آنچه نزد او است فانی نمی‌گردد، منزه است کسی که احدی در حکم با او شریک نیست،

منزه است کسی که زوالی برای فخر و بزرگی او نمی‌باشد، منزه است کسی که بر انقطاع و فنانی برای زمان سلطتش نمی‌باشد، منزه است کسی که معبودی غیر از او وجود ندارد.

و تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها عبارتست از:
منزه است صاحب جلالی که متکبر و بزرگ می‌باشد، منزه است صاحب عزتی که بلند مرتبه و مرتفع الشأن می‌باشد، منزه است صاحب سلطنتی که دارای

فخر و قدمت می باشد، منزّه است صاحب حسن و جمال، منزّه است کسی که به نور و سنگینی و وقار آراسته است، منزّه است کسی که اثر و نشانه های پای مورچه را روی سنگ صاف و شفاف دیده و افتادن طیور و پرندگان را روی درختان و لانه ها می نگرد.

﴿ زیارة أُخری ﴾

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَغَيْرَ وَاحِدٍ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُوسَى الْوَرَّاقِ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ عَامِرِ بْنِ جَدَاعَةَ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيٌّ».

﴿ زیارت پانزدهم ﴾

ترجمه: ﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین عليه السلام ﴾

پدرم و گروهی دیگر، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عباس بن موسی وراق، از یونس، از عامر بن جداعة، وی می گوید: شنیدم حضرت ابو عبدالله عليه السلام می فرمودند:

وقتی به زیارت قبر امام حسین عليه السلام رفتی بگو:

سلام و درود بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، خدا لعنت کند کسانی که تو را کشتند و خدا لعنت کند کسانی را که وقتی خبر

شهادت تو را شنیدند خشنود و راضی شدند، من به سوی خدا از ایشان بی‌زاری می‌جویم.

﴿ زیارة أخرى ﴾

۱۶ - حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدَانُ بْنُ مُسْلِمٍ، [عَنْ] قَائِدِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا بَعْضُ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) «قَالَ: إِذْ آتَيْتَ الْقَبْرَ بَدَأَتْ فَأَتَيْتَ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَصَلَّيْتَ عَلَى النَّبِيِّ (ص) وَاجْتَهَدْتَ فِي ذَلِكَ [إِنْ شَاءَ اللَّهُ] ثُمَّ تَقُولُ:

«سَلَامٌ اللَّهُ (ع) وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ فِيمَا تَرْوَحُ وَتَعْقُدُو، الرَّكِيَّاتِ الطَّاهِرَاتِ لَكَ وَعَلَيْكَ، وَسَلَامٌ اللَّهُ عَلَى وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْمُسْلِمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ، وَالنَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ وَالشُّهَدَاءِ عَلَى أَنَّكَ صَادِقٌ صَدِيقٌ، صَدَقْتَ وَتَصَعَّحْتَ فِيمَا أَتَيْتَ بِهِ، وَأَنَّكَ تَأْرُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ، وَالذَّمُّ الَّذِي لَا يُذْرِكُ ثَأْرَهُ أَحَدٌ مِنَ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَلَا يُذْرِكُهُ إِلَّا اللَّهُ وَخُدَّةٌ، جَشَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَافِدًا إِلَيْكَ، [و] أَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ بِكَ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَبِكَ يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ فِي حَوَائِجِهِمْ، وَبِكَ يُذْرِكُ أَهْلُ التَّرَاتِ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ طَلِبَتَهُمْ».

﴿ زیارت شانزدهم ﴾

ترجمه: ﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) ﴾

حسین بن محمد بن عامر، از احمد بن اسحاق بن سعد، وی می‌گوید:
سعدان بن مسلم، از قائد ابی بصیر نقل نموده که وی گفت:

برخی از اصحاب ما از حضرت اُبی عبدالله علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفتی ابتداء بر خداوند عزوجل ثناء بگو و سپس بر پیامبر اکرم صلوات الله علیه صلوات و درود بفرست و در فرستادن صلوات بر آن حضرت کوشش و مبالغه نما و پس از آن بگو:

درود خدا و درود فرشتگان در هر شام و بامداد برای تو و بر تو باد آن درودهایی که پاک و پاکیزه می‌باشند، و درود خدا و درود فرشتگان مقرب و ملائکه‌ای که قلباً تسلیم تو هستند بر تو باد، درود فرشتگانی که فضل تو را بازگو می‌کنند بر تو باد، درود آنانکه شهادت می‌دهند بر اینکه تو راستگو و راست هستی بر تو باد، در آنچه خیر داجی و بازگو نمودی راست گفתי و مردم را نصیحت کردی، تو خون خدا در زمین هستی، تو خونی هستی که احدی از اهل زمین نمی‌تواند آنرا تقاضا کند و کسی غیر از خداوند متعال قادر بر خونخواهی آن نیست، ای پسر رسول خدا به نزد تو آمده‌ام در حالی که از سرزمین خود به سوی تو کوچ کرده‌ام، و به واسطه تو در تمام نیازمندی‌هایم چه امور دنیائی و چه امور اخروی به خدا متوسل می‌شوم، و به واسطه تو تمام نیازمندان در نیازهایشان به خداوند متان متوسل می‌شوند، و به توسط تو اولیاء دماء از بندگان خدا طلب خود را می‌گیرند.

متن:

ثُمَّ امْسِ قَلِيلًا ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ الْقَبْرَ - وَ الْقَبْلَةَ بَيْنَ كَتَفَيْكَ - فَقُلْ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ [الْأَحَدِ] الْمُتَوَحِّدِ بِالْأُمُورِ كُلِّهَا، خَالِقِ الْخَلْقِ فَلَمْ يَغْرُبْ عَنْهُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَعَالِمِ كُلِّ شَيْءٍ بِلاَ تَغْلِيهِ؛ ضَمَنَ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا دَمَكَ وَتَأْرَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ مَا وَعَدَكَ

مِنَ النَّصْرِ وَالْفَتْحِ، وَأَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ الْوَعْدُ الْحَقُّ فِي هَلَاكِ عَدُوِّكَ
وَتَمَامِ مَوْعِدِهِ إِيَّاكَ، أَشْهَدُ أَنَّهُ قَاتَلَ مَعَكَ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ كَمَا قَالَ اللَّهُ
تَعَالَى: «وَكَايُنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله (ع) ﴾

ترجمه:

سپس اندکی قدم بردار و پس از آن قبر را مقابل خود و قبله را بین دو کتف
قرار داده و بگو:

حمد و سپاس برای خداوند واحدی است که در تمام امور مستقل می‌باشد،
آفریننده مخلوقات بوده پس هیچ امری از امور خلایق از او مخفی و پنهان
نمی‌باشد، بدون اینکه تعلیم گرفته باشد به تمام اشیاء عالم و دانا است، ای فرزند
رسول الله خداوند مَنّان زمین و تمام موجودات روی آن را تاوان خون تو قرار
داده است، شهادت می‌دهم نصرت و فتحی را که خدا به تو وعده داده برایت
منجّر و فراهم فرموده، و نیز شهادت می‌دهم وعده راست و حقی را که خدا در
ارتباط با هلاک نمودن دشمن تو داده و نیز تمام وعده‌هایش به تو به وقوع
پیوسته است، شهادت می‌دهم که همراه تو جماعت بسیاری مقاتله و کارزار
کردند چنانچه حق تعالی در قرآن فرموده:

و چه بسا پیامبر که گروه زیادی از پیروانش همراه او کارزار کرده و کشته
شدند ولی هیچ سستی و رخنه‌ای از این رهگذر در آنها پیدا نشد.

متن:

ثُمَّ كَبَّرَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ، ثُمَّ امْشَى قَلِيلًا وَاسْتَقْبَلَ الْقَبْرَ، ثُمَّ قُلَ:
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي

الْمَلِكِ، خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا أُمِرْتَ بِهِ وَوَقَّيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَتَمَّتْ بِكَ كَلِمَاتُهُ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأُمَّةً خَذَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَذَلَتْ عَنْكَ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ بِالْوِلَايَةِ لِنُ وَالَيْتِ وَوَالْتِ رُسُلِكَ، وَأَشْهَدُ بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ بَرِئْتَ مِنْهُ وَبَرِئْتَ مِنْهُ رُسُلَكَ، اَللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَبُوا رُسُلَكَ، وَهَدَمُوا كُتُبَكَ، وَخَرَقُوا كِتَابَكَ، وَسَفَكُوا دِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَفْسَدُوا عِبَادَكَ وَاسْتَذَلُّوهُمْ، اَللَّهُمَّ ضَاعِفْ لَهُمُ اللَّعْنَةَ فِيمَا جَزَتْ بِهِ سُنَّتِكَ فِي بَرِّكَ وَبَحْرِكَ، اَللَّهُمَّ الْغَنَّهُمْ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ، اَللَّهُمَّ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ، حَتَّى تُلَحِّقَنِي بِهِمْ، وَتَجْعَلَهُمْ لِي قَرُطًا وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

ترجمه تکبیر بیستم

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ایا عبدالله الحسین ﴾

ترجمه:

سپس هفت تا تکبیر بگو و پس از آن اندکی جلو برو و قبر را روبروی خود قرار داده و بگو:

حمد و سپاس مرخدائی را سزد که همراه و فرزند برای خود نگرفت و در سلطنت و پادشاهی برایش شریکی نمی باشد، تمام اشیاء را آفرید پس آنها را متناسب و معین نمود، شهادت می دهم که تو آنچه را مأمور به ابلاغش بودی ابلاغ نمودی و بعهدی که با خدا نموده بودی وفاء کردی، و به واسطه تو کلمات خدا و نعمت هایش تمامیت و کمال پیدا می کنند، و شهادت می دهم که در راه او مجاهدت و کوشش نموده تا اجل تو را دریافت، خدا لعنت کند جماعتی را که تو را کشتند و گروهی را که یاری تو را نمودند، و خدا لعنت کند آن دسته از مردمی

را که دیگران را به ترک یاری تو واداشتند، خدایا من شهادت می‌دهم آنان را که تو و رسولانت را دوست دارند من دوست دارم، و شهادت می‌دهم که بی‌زارم از کسانی را که تو و رسولانت از آنها بی‌زار می‌باشید، بار خدایا لعنت کن کسانی را که پیغمبرت را تکذیب کرده، و کعبه تو را منهدم و خراب نموده، و کتابت را سوزانده، و خونهای اهل بیت پیغمبرت را ریخته، و بنده گانت را فاسد کرده و خوار نمودند، خداوندا لعنت ایشان را مضاعف و دو چندان نما در آنچه سنت تو بر آن جاری شده در خشکی و دریا، خداوندا ایشان را در آسمان و زمین لعنت نما، بار خدایا قرار بده برای من زبانی راست در دوستانت و محبوب من نما مشاهد ایشان را، تا به آنها ملحقم نمائی، و قرار بده ایشان را رهبران من و من را در دنیا و آخرت تابع ایشان.



متن:

ثُمَّ امْسِ قَلِيلًا، فَكَبِّرْ سَبْعًا، وَهَلِّلْ سَبْعًا، وَاحْمِدِ اللَّهَ سَبْعًا، وَسَبِّحْ اللَّهَ تَعَالَى سَبْعًا، وَأَجِبْهُ سَبْعًا [و] تَقُولُ:

«لَيْتَكَ دَاعِيَ اللَّهِ [لَيْتَكَ دَاعِيَ اللَّهِ]، إِنْ كَانَ لَمْ يَجِبَكَ بَدَنِي فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي وَرَأْيِي وَهَوَايَ عَلَى التَّسْلِيمِ لِحَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ، وَالسُّبُطِ الْمُتَجَبِّ، وَالذَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْأَمِينِ الْمُسْتَحْزَنِ، وَالْمَرْضِيِّ الْبَلِيغِ وَالْمُظْلَمِ الْمُهْتَظَمِ، جِئْتُ انْقِطَاعًا إِلَيْكَ وَإِلَى وَلَدِكَ وَوَلَدِ وَلَدِكَ، ائْتَلَفَ مِنْ بَغْدِكَ عَلَى بَرَكَاتِهِ الْحَقِّ، فَقُلِّي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَأَمْرِي لَكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَخُفَّكُمْ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ لِدِينِي وَيَنْصَحَكُمْ، فَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِرَجْعَتِكُمْ، لَا أُكْذِبُ لَكُمْ مَشِئَةً، وَلَا أَرْعَمُ أَنْ مَا شَاءَ لَا يَكُونُ».

﴿ دنباله زیارت نامه ﴾

﴿ حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس اندکی جلو برو و هفت مرتبه تکبیر و هفت مرتبه لا اله الا الله گفته و هفت بار حمد خدا را نموده و هفت مرتبه حق تعالی را تسبیح کرده و هفت مرتبه حق تعالی را اجابت نموده (یعنی بگو: لیبیک) و بعداً بگو: اجابت می‌کنم تو را ای خواننده خدا، اجابت می‌کنم تو را ای خواننده خدا، اگر بدنم تو را اجابت نکند پس قطعاً قلب و موی و پوست و فکر و خواست نفسم بر تسلیم شدن و اطاعت نمودن از فرزند نبی مرسل اجابت می‌کنند، و نیز اجابت دختر زاده پیامبر که برگزیده و راهنما و آگاه می‌باشد را می‌نمایند، و همچنین اجابت می‌کنند امین و خزینه دار و پسندیده و بلیغ و مظلوم و ستم کشیده را، آمدم به سوی تو و فرزند تو و فرزند فرزندی که بعد از تو جانشین تو می‌باشد، پس دلم تسلیم شما است و امر و کارم نایب شما بوده، و نصرت و یاری من آماده برای شما است، یا خدا حکم کنند در حالی که او بهترین حکم کنندگان برای دین من بوده و شما را بر می‌انگیزد، پس کسی که با شما باشد با شما است نه با دشمن شما، من از کسانی هستم که به رجعت شما ایمان و اعتقاد دارم، نه قدرت خدا و نه مشیت او را انکار می‌کنم، و گمان ندارم که آنچه را خدا بخواهد وجود پیدا نکند.

متن:

ثم امش حتى تنتهي إلى القبر و قل - و أنت قائم - :

«سُبْحَانَ اللَّهِ، يُسَبِّحُ لِلَّهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَيُقَدِّسُ بِأَسْمَائِهِ
جَمِيعُ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، رَبَّنَا وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ،
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي وَفْدِكَ إِلَى خَيْرِ بَقَاعِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ اَلْعَنِ الْجَبْتِ

وَالطَّاعُونَ».

ثُمَّ ارْزُقْ يَدَيْكَ حَتَّى تَضَعَهَا مَمْدُودَتَيْنِ عَلَى الْقَبْرِ، ثُمَّ تَقُولُ:
«أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهُرْتَ طَاهِرًا مِنْ طُحْرٍ طَاهِرٍ، قَدْ طَهَّرْتَ بِكَ السَّيْلَةَ
وَطَهَّرْتَ أَرْضَ أَلْتِ فِيهَا، إِنَّكَ تَأْرَأُ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ حَتَّى تَسْتَشِيرَ لَكَ مِنْ
جَمِيعِ خَلْقِهِ».

ثُمَّ ضَعْ خَدَّيْكَ وَ يَدَيْكَ جَمِيعًا عَلَى الْقَبْرِ، ثُمَّ اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِهِ وَادْكُرْ
اللَّهُ بِمَا أَحْبَبْتَ وَتَوَجَّهْ إِلَيْهِ وَاسْأَلْ حَوَائِجَكَ، ثُمَّ ضَعْ يَدَيْكَ وَخَدَّيْكَ
عِنْدَ رِجْلَيْهِ وَقُلْ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى زَوْجِكَ وَبَدَنِكَ، فَلَقَدْ
صَدَقْتَ وَصَبَرْتَ، وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدِّقُ، قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي
وَالْأَلْسِنِ».

ثُمَّ تَقُومُ إِلَى قَبْرِ وَلَدِهِ وَتُثْنِي عَلَيْهِمْ بِمَا أَحْبَبْتَ وَتَسْأَلُ رَبَّكَ حَوَائِجَكَ
وَمَا بَدَأَ لَكَ، ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ قُبُورَ الشَّهَدَاءِ قَائِمًا فَتَقُولُ:
«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرِّبَانِيُّونَ، أَنْتُمْ لَنَا قُرُطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ وَأَنْصَارُ،
أُبَشِّرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ، وَأَنَّ اللَّهَ مُدْرِكُكُمْ تَارِكُكُمْ، وَأَنْتُمْ
سَادَةُ الشَّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

ثُمَّ اجْعَلِ الْقَبْرَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَصَلِّ مَا بَدَأَ لَكَ، وَكَلِمًا دَخَلَتْ الْحَائِرَ
فَسَلِّمْ ثُمَّ امْشِ حَتَّى تَضَعَ يَدَيْكَ وَخَدَّيْكَ جَمِيعًا عَلَى الْقَبْرِ، فَإِذَا أُرِدْتَ أَنْ
تَخْرُجَ فَاضْنَعْ مِثْلَ ذَلِكَ، وَلَا تَقْصُرْ عِنْدَهُ مِنَ الصَّلَاةِ مَا أَقَمْتَ، وَإِذَا
انْصَرَفْتَ مِنْ عِنْدِهِ فَوَدِّعْهُ وَقُلْ: «سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ
وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادَةِ الصَّالِحِينَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَعَلَى
زَوْجِكَ وَبَدَنِكَ، وَدُرَّتَيْكَ وَمَنْ خَضَرَكَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ».

﴿ دنباله زیارت نامه ﴾

﴿ حضرت اباعبدالله حسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس به جلو برو تا به قبر منتهی شوی و پس از آن در حالی که ایستاده‌ای بگو:

منزه است خدا، تمام مخلوقات و آفریده‌گان تسبیح خدا را می‌گویند آن خدائی که دارای ملک (عالم ماده) ملکوت (عالم معنا) می‌باشد و نیز تمام مخلوقات او را با اسمائش تقدیس می‌نمایند، منزه است خدائی که فرمان فرما و بسیار منزه است، او پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح الامین می‌باشد، خداوند ما را در میان مسافران قرار بده بطرف بهترین سرزمینهایت و به سوی بهترین مخلوقات، خداوند اجیت (باطل) و طاغوت (ستم‌کار) را لعنت نما.

سپس دو دست را بلند کن تا به حالت کشیده آنها را روی قبر بگذاری و سپس بگو:

شهادت می‌دهم که تو عین پاکی و پاک بوده و از عین پاکی و پاک متولد شده‌ای، شهرها و سرزمینها بواسطه تو پاکیزه شده‌اند و شهادت می‌دهم زمینی که تو در آن هستی پاکیزه می‌باشد، شهادت می‌دهم که تو خون خدا در زمین می‌باشی تا حق تعالی برای تو از تمام مخلوقاتش خونخواهی نماید، سپس صورت و دست‌هایت را روی قبر بگذار و پس از آن بالای سر نشسته و هر ذکری که خواستی بگو و به آن حضرت توجه نما و حوائج خود را سؤال نما.

سپس دو دست و صورت را پائین پای قبر بگذار و بگو:

خدا بر تو و بر جان و بدنت درود بفرستد، پس همانا راست گفته و صبر نمودی، و تو راست‌گو و صدیق شده می‌باشی، خدا بکشد کسانی را که تو را با دستها و زبانهایشان کشتند. سپس بالای قبر فرزندان آن حضرت بایست و بر ایشان ثناء گفته و هر چه خواستی بگو و بعد از خداوند حوائج خود و آنچه

می‌خواهی را طلب نما سپس در حالی که ایستاده‌ای رو به قبور شهدا کن و بگو:
سلام بر شما ای اهل الله، شما رهبران ما و ما تابعین و یاران شما هستیم،
بشارت باد شما را به وعده‌هایی که حق تعالی راجع به شما داده و تخلّفی در آنها
نمی‌باشد، و خداوند متعال خون‌خواهی شما را خواهد نمود، شما سروران
شهداء هستید در دنیا و آخرت.

سپس قبر آن حضرت را در مقابل قرار داده و هر دعائی که خواستی بخوان.
و هرگاه داخل حائر شدی ابتداء سلام کن و سپس بطرف قبر به قدری حرکت
کن که دو دست و دو گونه‌های خود را جمیعاً بر روی قبر بتوانی گذارد و وقتی
خواستنی خارج شوی باز همین عمل را انجام بده (یعنی دو دست و دو طرف
صورت خود را روی قبر بگذارد) و از خواندن نماز نزد قبر تا زمانی که آنجا
هستی کوتاهی مکن، و وقتی از محضر امام (علیه السلام) مرخص شدی پس آن جناب را
وداع کرده و بگو:

دروود خدا و درود فرشتگان مقربش و درود انبیاء مرسلش و درود بندگان
صالحش بر تو ای فرزند رسول خدا و بر جان و جسمت و بر اولاد تو و بر تو
و دوستانانت که با تو حاضر گردیدند.

متن:

۱۷ - حَدَّثَنِي هَذِهِ الزِّيَارَةُ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ سَهْلٍ، عَنْ
أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ قَالَ:
حَدَّثَنَا أُمَيَّةُ بْنُ عَلِيٍّ الْقَيْسِيُّ الشَّامِيُّ، عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ - عَنْ رَجُلٍ - عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَثَلَهُ، وَ زَادَ فِي آخِرِهِ مِنْ بَعْدِ «مَنْ حَضَرَكَ مِنْ
أَوْلِيَائِكَ»: فَإِذَا بَلَغْتَ الزَّوْاحَ فَقُلْ هَذَا الْكَلَامُ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ، كَمَا قُلْتَ

حين دخلت الحائر، فإذا دخلت منزلك فقل: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَلَّمَنِي وَ
 سَلَّمَ مِنِّي، الْحَمْدُ لِلَّهِ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا وَعَلَى كُلِّ حَالٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ». ثُمَّ كَبَّرَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ تَكْبِيرَةً مُتَابِعَةً، وَ سَهَّلَ وَلَا تَعْجَلْ
 فِيهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى - وَالْبَاقِي مِثْلُهُ -.

﴿ زیارت هفدهم ﴾

ترجمه: ﴿ زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

احمد بن محمد بن الحسن بن سهل همین زیارت را برای من از پدرش و او
 از جدّ وی و او از موسی بن الحسن بن عامر و او از احمد بن هلال نقل نمود، وی
 گفت:

امیه بن علی قیسی شامی، از سعدان بن مسلم و او از شخصی و او از حضرت
 ابی عبدالله (علیه السلام) مثل همین زیارت نامه را نقل نمود منتهی در آخر آن بعد از «من
 حضرک من اولادک» این عبارت را اضافه کرده:

پس هنگامی که شب فرا رسید این کلام را از ابتداء تا آخر همان طوری که در
 وقت دخول حائر خواندی بخوان و وقتی به منزلت رسیده و وارد آن شدی بگو:
 حمد و سپاس خدائی را که من را از آزار دیگران برحذر داشت و دیگران را
 نیز از شرّ من محفوظ نمود، حمد در تمام امور و در هر حالی برای خدا است،
 حمد برای پروردگار عالمیان است، سپس بیست و یکبار پشت سرهم تکبیر بگو
 و با تائی و آهسته آنها را گفته و ان شاء الله در آن عجله نمی کنی، و باقی الفاظ این
 زیارت مثل همان زیارت مذکور می باشد.

﴿ زیارة أخرى ﴾

متن:

حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنِ الْحَسَنِ ابْنِ عَطِيَّةَ أَبِي نَابٍ، عَنْ يَتَاغِ السَّابِرِيِّ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَهُوَ يَقُولُ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَجَّةً وَ عُمْرَةً - أَوْ عُمْرَةً وَ حَجَّةً - قَالَ: جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا أَقُولُ إِذَا أَتَيْتَهُ؟ قَالَ: تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَوْمَ وَلَدْتَ وَيَوْمَ قُوتُ وَيَوْمَ تُبْعَثُ حَيًّا، أَشْهَدُ أَنَّكَ حَيٌّ شَهِيدٌ، تُرْزَقُ عِنْدَ رَبِّكَ، وَأَتَوَالِي وَلَيْتَكَ، وَأُبْرِئُ مِنْ عَذُوكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوكَ وَانْتَهَكُوا حُرْمَتَكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، أَسْأَلُ اللَّهَ وَلَيْتَكَ وَوَلَيْتَنَا أَنْ يَجْعَلَ ثَمَنَنَا مِنْ زِيَارَتِكَ الصَّلَاةَ عَلَى نَبِيِّنَا، وَالْمَغْفِرَةَ لِدُثُوبِنَا، اشْفَعْ لِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عِنْدَ رَبِّكَ».

متن:

۱۹ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ جَابِرِ الْمَكْفُوفِ، عَنْ أَبِي الصَّامِتِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ أَتَى

الحسین علیه السلام ما شیاً کتب الله له بكلِّ خطوةٍ ألفَ حسنةٍ، ومحيى عنه ألفَ سيئةٍ، ورفع له ألفَ درجةٍ فإذا أتيتَ الفُراتَ فاغتسل وعلّق نبعلیک و امش حافیاً، و امش [یا مشی العبد الذلیل. فإذا أتیت باب الحائر فکبر الله أربعاً و صلّ عنده و اسأل حاجتک».

﴿ زیارت میجدهم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از عباس بن عامر، از ابان، از حسن بن عطیه ابی ناب، از بیاع سابری (عمر ابن یزید)، وی گفت: *من زیارت کبیر پدرم علیه السلام* از حضرت ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند برایش ثواب یک حج و یک عمره (یا ثواب یک عمره و یک حج) منظور می کند. راوی می گوید: محضر مبارکش عرضه داشتم: فدایت شوم وقتی به زیارتش رفتم در زیارت آن حضرت چه بگویم؟ حضرت فرمودند: بگو:

دروود بر تو ای ابا عبدالله، درود بر تو ای فرزند رسول خدا، درود بر تو در روزی که متولد شدی و روزی که از این دنیا رحلت نمودی و روزی که زنده برانگیخته می شوی شهادت می دهم که تو زنده و شهید می باشی، نزد پروردگارت روزی می خوری، من دوستدار شما را دوست دارم، و از دشمنان بی زاری می جویم، و شهادت می دهم آنان که با تو کارزار کرده و حرمت تو را

هتک نمودند به زیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ملعون می‌باشند، و شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را پرداختی، و به کار خیر امر و از عمل زشت و قبیح نهی فرمودی، و در راه خدا با بیان حکمت و دادن پند و موعظه پسندیده مجاهدت نمودی، از خدا که ولی تو و ولی ما است می‌خواهم که حفظ ما را از زیارت تو درود بر پیامبر و آموزش گناهان ما قرار دهد، ای پسر رسول خدا شفاعت من را نزد پروردگارت بنما.

﴿ زیارت نوزدهم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از عباس بن عامر، از جابر مکفوف، از ابی الصّامت، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، راوی گفت: شنیدم امام علیه السلام می‌فرمودند:

کسی که پیاده به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود در مقابل هر قدمی که برمی‌دارد خدا اجر هزار حسنه برایش نوشته و هزار گناه از نامه عملش محو کرده و هزار درجه مقامش را بالا می‌برد.

و هرگاه به فرات رسیدی، غسل کن و کفش‌هایت را بدست گیر و پای برهنه همچون بنده ذلیل و خوار حرکت کن و وقتی به درب حائر رسیدی چهار مرتبه تکبیر بگو و صلوات بفرست و سپس حاجت را از خدا بخواه.

﴿ زیارة خفیه ﴾

متن:

خَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - أَوْ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْهُ - «قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام؟ قَالَ: تَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ عَلَيْكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيٌّ».

﴿ زیارة خفیه ﴾

وِإِسْنَادَهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ، عَنْ عُمَانَ؛ وَ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَرِكَ فِي دِمِّكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، وَأَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيٌّ».

﴿ زیارت مختصر دیگر ﴾

﴿ زیارت نامه نوزدهم حضرت ابا عبدالله الحسین عليه السلام ﴾

ترجمه:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، أَزْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، أَزْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، أَزْ حَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، أَزْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، أَزْ أَبِي الصَّبَّاحِ، أَزْ حَضْرَتِ أَبِي

عبدالله علیه السلام، از ابو بصیر از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، راوی گفت: محضر امام علیه السلام عرض کردم: سلام بر حسین بن علی علیه السلام چگونه است؟
حضرت فرمودند:

بگو:

دروود بر تو ای ابا عبدالله، درود بر تو ای پسر رسول خدا، خدا لعنت کند کسی که تو را کشت، و لعنت کند کسی را که دشمنانت را بر علیه تو کمک کرد، و کسی را که وقتی خبر قتل تو به او رسید راضی گشت، من به سوی خدا از ایشان بی زاری می جویم.

﴿ زیارت مختصر دیگر ﴾

﴿ زیارت نامه بیستم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن به اسنادش، از احمد بن محمد، از محمد بن اسماعیل، از ابان بن عثمان و از ابی همام، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام حضرت فرمودند:
هرگاه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رفتی بگو:
دروود بر تو ای ابا عبدالله، خدا کسی را که تو را کشت لعنت کند، و کسی که در خون تو شریک گردید را لعنت نماید، و کسی که خبر قتل تو به او رسید و راضی گشت را لعنت کند و من بسوی خدا از ایشان بی زاری می جویم.

﴿ زيارۃ اخرى ﴾

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

متن:

حدَّثني أبو عبد الرحمن محمد بن أحمد بن الحسين العسكري؛ و
 محمد بن الحسن جميعاً، عن الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه علي بن
 مهزيار، عن محمد بن أبي عمير، عن محمد بن مروان، عن أبي حمزة
 الثمالي.

«قال: قال الصادق عليه السلام: إذا أردت المسير إلى قبر الحسين عليه السلام فصم
 يوم الأربعاء والخميس والجمعة، فإذا أردت الخروج فاجمع أهلك و
 ولدك، وادع بدعاء السفر و اغتسل قبل خروجك و قل حين تغسل:
 «اللَّهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ قلبي، وَاشْرَحْ لي صَدْرِي، وَأَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي ذِكْرَكَ
 وَمِدْحَتَكَ، وَالنِّسَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِيَامَ دِينِي
 التَّسْلِيمُ لَأَمْرِكَ، وَالْأَتْبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَالشَّهَادَةُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ
 وَرُسُلِكَ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً وَطَهُوراً، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ
 دَاءٍ وَسُقْمٍ وَآفَةٍ وَعَاهِيَةٍ، وَحِزْزاً مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَخْذَرُّ».

فإذا خرجت فقل: «اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ قَوَّضْتُ
 أَمْرِي، وَإِلَيْكَ أَسَلَمْتُ نَفْسِي، وَإِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، لَا
 مُلْجَأَ وَلَا مُتَجَا إِلَّا إِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ».

﴿ زیارت دیگر ﴾

﴿ زیارت نامه بیست و یکم حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد بن الحسین العسکری، و محمد بن الحسن
جمعاً، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار، از محمد بن ابی
عمیر، از محمد بن مروان، از ابی حمزة ثمالی، وی گفت:
امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

هنگامی که خواستی به زیارت قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) بروی روز چهار
شنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر سپس هنگام خروج همسر و فرزندان را
جمع کن و دعاء مفر را بخوان و پیش از خارج شدن غسل کن و در وقت غسل
بگو:

خدا یا من را پاکیزه گردان، قلب و دلم را طاهر نما، سینه‌ام را بگشا، ذکر خود
و ثنات را بر زبانم جاری کن، ثناء و دعاء بر تو باد، زیرا هیچ قوه و نیروئی وجود
ندارد مگر بواسطه تو است، همانا دانستم که استحکام دینم به این است که تسلیم
امر تو بوده، و از سنت پیامبرت پیروی نموده، و شهادت دهم بر پیامبران و
رسولانت بسوی تمام خلایق خداوند اقرار بده آن را (غسل را) نور و ظهور (پاک
و پاک کننده) و شفاء دهنده هر درد و مرض و بلا و عیبی و نگهدارنده از شر
آنچه از آن خوف داشته و بر حذر می‌باشم.

و هرگاه از منزلت خارج شدی بگو:

بار خدایا من روی خود را بطرف تو متوجه ساختم، و کارهایم را به تو
واگذار نمودم، و خود را به تو تسلیم کرده‌ام، و پشت و پناهم را تو قرار داده‌ام، و
بر تو توکل کرده‌ام، هیچ پناهگاه و امید نجاتی نیست مگر توجه به تو، منزّه و بلند
مرتبه‌ای، تضرع و زاری برای تو کم و ثناء و ستودنت بسیار می‌باشد.

متن:

ثم قل: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ، فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ السَّعْيِ وَالْأَرْضِينَ السَّعْيِ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنِي فِي سَفَرِي، وَاخْلُقْنِي فِي أَهْلِي بِأَحْسَنِ الْخَلْقِ، اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَإِلَيْكَ خَرَجْتُ، وَإِلَيْكَ وَقَدْتُ، وَلِخَيْرِكَ تَعَرَّضْتُ، وَبِزِيَارَةِ حَبِيبِ حَبِيبِكَ تَقَرَّرْتُ، اَللّٰهُمَّ لَا تَغْنَقْنِي خَيْرَ مَا عِنْدَكَ بِشَرِّ مَا عِنْدِي، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَكَفِّرْ عَنِّي سَيِّئَاتِي، وَحُطَّ عَنِّي خَطَايَايَ، وَاقْبَلْ مِنِّي حَسَنَاتِي.»

و تقول: «اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دَرَجَةِ الْحَصِينَةِ، الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَبْرُءُ اِلَيْكَ مِنَ الْخَوْلِ وَالْقُوَّةِ - ثلاث مَرَّات -»، و أقراء «فاتحة الكتاب» و «المعوذتين» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ» و «اَنَا اَنْزَلْنَاهُ» و «آية الكرسي» و «يس» و آخر الحشر:

«لَوْ اَنْزَلْنَاهُ هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ، مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.»

و لاتذهن ولا تكمل حتى تأتى الفرات، و أقل الكلام و المزاح، و أكثر من ذكر الله تعالى، و آيتك و المراح و الخصومة، فاذا كنت راكباً أو ماشياً

قُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِ الثَّكَالِ وَعَوَاقِبِ أَوْبَالِ، وَفِتْنَةِ الضَّلَالِ، وَمِنْ أَنْ تَلْقَانِي بِمَكْرُوهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخَبَسِ وَاللَّبْسِ، وَمِنْ وَسْوَسةِ الشَّيْطَانِ، وَطَوَارِقِ السَّوِّءِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَنْصِبُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ الْعُدَاوَةَ، وَمِنْ أَنْ يَفْرُطُوا عَلَيَّ وَأَنْ يَطْعُوا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عَيُّونِ الظُّلَمَةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَمِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَمَنْ يَزِدُّ عَنِ الْخَيْرِ بِاللِّسَانِ وَالْيَدِ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس بگو:

ابتداء می‌کنم به اسم خدا و ذات او، و از او کمک خواسته و به سوی او توجه نموده و در راه او گام بر می‌دارم، و بر سرایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌باشم، بر خدا توکل داشته و بسویش باز می‌گردم، خدائی که آفریننده آسمانهای هفت‌گانه و طبقات هفت‌گانه زمین و پروردگار عرش عظیم می‌باشد، خداوند ادرود بر محمد و آل محمد بفرست، و من را در این سفر حفظ نما، و در بین اهل و فرزندانم بهترین جانشین من باش، خداوند به سوی تو توجه داشته، و بسوی تو از خانه‌ام خارج گشته، و به سوی تو کوچ کرده‌ام و متعرض خیر تو شده‌ام، و به واسطه زیارت حبیب حیبت به تو تقرب می‌جویم، بار خدایا خیری که نزد تو هست را به واسطه بدی آنچه نزد من است از من منع مکن، خداوند اگناهانم را بپارزد و لغزش‌ها و بدی‌هایم را ببخش و جبران نما، و خطاهایم را محو بفرما، و خوبی‌ها و نیکی‌هایم را از من قبول نما.

و بگو:

خداوند من را در آن پوششی که از هر بلا و آفتی حفظ می‌کند و هر کسی را

که بخوای در آن قرار می دهی قرار بده، خداوند بسوی تو بی زاری می جویم از هر حول و قوه ای مگر حول و قوه تو (این فقره را سه مرتبه بخوان)، بعد سوره فاتحه الكتاب و معوذتین (قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق) و سوره قل هو الله احد و سوره انا انزلناه و آیه الكرسي و سوره یس و این چند آیه آخر سوره حشر یعنی:

«لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعاً متصدعاً من خشية الله وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السماوات والأرض وهو العزيز الحكيم را قرائت کن و روغن به خود شمال و سرمه مکش تا به فرات وارد شوی و سخن اندک بگو و مزاح و شوخی کمتر کن و ذکر خدای تعالی زیاد بگو و العذر از جدال و خصومت.

و هنگامی که سواره یا پیاده بودی بگو:

خدایا به تو پناه می برم از قهر و صولت عقوبت هایت، و از عواقب اعمالی که منتهی به وبال و عذاب می شوند، و از فتنه گمراهی، و از اینکه من را ملاقات کنی در حالی ناپسند و زشت، و به تو پناه می برم از حبس و اشتباه، و از وسوسه شیطان، و از اتفاقات سوء و بد، و از شر هر صاحب شری، و از شر شیاطین جنی و انسی و از شر کسی که عداوت و دشمنی با دوستان من ورزند و از شر آنانکه در بدی و بر من اسراف کرده و طغیان و تجاوز می نمایند، و به تو پناه می برم از شر ستمکاران و از شر هر صاحب شری و از وسوسه ابلیس و شر کسی که با زبان و دست دیگران را از کار خیر باز می دارد.

متن:

فَإِذَا خَفْتُ شَيْئًا فَقُلْ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، بِهِ اخْتَجَبْتُ وَبِهِ اغْتَصَصْتُ، اللَّهُمَّ اغْصِنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ فَإِنَّمَا أَنَا بِكَ وَأَنَا عَبْدُكَ».

فَإِذَا آتَيْتَ الْفِرَاتَ فَقُلْ قَبْلَ أَنْ تَعْبُرَهُ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَقَدَ إِلَيْهِ الرِّجَالُ، وَأَنْتَ يَا سَيِّدِي أَكْرَمُ مَا تَنِي وَأَكْرَمُ مَرُورٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً وَلِكُلِّ وَافِدٍ مُثَقَّةً، وَقَدْ آتَيْتَكَ زَائِرًا قَبْرَ ابْنِ نَبِيِّكَ صَلَّوْا ثَبَّكَ عَلَيْهِ، فَمَا جَعَلَ تُحَنِّنَكَ إِلَّا بِأَيِّ فَكَأَكْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي، وَاشْكُرْ سَعْيِي، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ بِغَيْرِ مَنْ مِنِّي، بَلْ لَكَ الْمُنُّ عَلَيَّ إِذْ جَعَلْتَ لِي السَّبِيلَ إِلَى زِيَارَتِهِ، وَعَزَّ ثَقْنِي فَضْلُهُ، وَحَفِظْتَنِي حَتَّى بَلَغْتَنِي قَبْرَ ابْنِ وَلِيِّكَ، وَقَدْ رَجَوْتُكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي، وَقَدْ آتَيْتَكَ فَلَا تُحَيِّبْ أَمَلِي، وَاجْعَلْ هَذَا كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهُ مِنْ ذُنُوبِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

ثُمَّ اعْبُرِ الْفِرَاتَ وَقُلْ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ سَعْيِي مَشْكُورًا وَذَنْبِي مَغْفُورًا، وَعَمَلِي مَقْبُولًا وَاعْصِمْنِي مِنَ الْخَطَايَا وَالذُّنُوبِ، وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمَحُّقُ دِينِي، أَوْ تَبْطِلُ عَمَلِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

ثُمَّ تَأْتِي النِّينَوِي فَتَضَعُ رِحْلَكَ بَهَا، وَلَا تَذْهَنْ وَلَا تَكْتَحِلْ وَلَا تَأْكُلْ اللَّحْمَ مَا دَمَتْ مَقِيمًا بَهَا، ثُمَّ تَأْتِي الشَّطَّ بِحِذَاءِ نَخْلِ الْقَبْرِ فَأَغْتَسِلُ وَعَلَيْكَ الْمَتَرُ وَقُلْ -: «اللَّهُمَّ طَهِّرْ ذَنْبِي وَطَهِّرْ أَلْفَاظِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَأَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي بِحَبِيَّتِكَ وَمِذْحَتِكَ وَالنَّيَّاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِوَامَ دِينِي أَلْتَسْلِيمُ لِأَمْرِكَ،

وَالشَّهَادَةُ عَلَى جَمِيعِ انبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ بِالْأَلْفَةِ بَيْنَهُمْ أَشْهَدُ أَنَّهُمْ
 أَنْبِيَائُكَ وَرُسُلُكَ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً وَطَهُوراً وَحِزْزاً
 وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ سُقْمٍ وَدَاءٍ، وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاهَةٍ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ
 وَاخْذُرْ، اَللّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَجَوَارِحِي، وَعِظَامِي وَلَحْمِي وَدَمِي، وَشَفْرِي
 وَيَسْرِي، وَمُخِّي وَعَصْبِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَاجْعَلْهُ لِي شَاهِداً يَوْمَ
 قُرِّي وَفَاقَتِي».

ثم البس أطهر ثيابك، فاذا لبستها فقل «اللَّهُ أَكْبَرُ» - ثلاثين مرة - و
 تقول: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ قَصَدْتُ فَبَلَّغَنِي، وَإِلَيْهِ أَرَدْتُ فَاقْبَلْنِي وَلَمْ
 يَنْقُطْ بِي، وَرَحْمَتُهُ ابْتِغَيْتُ فَسَلَّمَنِي، اَللّهُمَّ أَنْتَ حِصْنِي وَكَفَنِي، وَحِزْزِي وَ
 رَجَائِي وَأَمَلِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمه:

پس هرگاه از چیزی خوف و هراس داشتی بگو: لا حول ولا قوة الا بالله، به
 واسطه این ذکر خود را مستور و پوشیده نموده و به توسط آن از گناه خود را کناره
 می گیری، خداوندا من را از شر مخلوقات حفظ نما، من به تو متوسل شده و بنده
 تو می باشم.

و وقتی به فرات وارد شدی پیش از آنکه از آن عبور کنی بگو:

خدایا تو بهترین کسی هستی که مردان بسویش کوچ می کنند، و ای سرور من
 تو کریم ترین افرادی هستی که دیگران بر او وارد شده و زیارتش می نمایند، تو
 خود را برای هر زیارت کننده ای کرامتی و برای هر کوچ کننده ای تحفه ای قرار
 داده ای، من به نزد تو آمده ام در حالی که قبر مطهر فرزندان پیغمبرت که رحمت تو

بر او باد را زیارت می‌کنم، خدایا تحفه‌ای که به من می‌دهی این را قرار بده که من را از آتش دوزخ برهان، و عمل من را از من قبول فرما، و سعی و کوشش من را قبول کن و بپذیر، و این سیر و سفرم به سوی خودت را مورد ترحم و تلاف قرار بده بدون اینکه از ناحیه من متنی باشد، بلکه تو بر من منت‌داری زیرا این راه را طریق برای زیارت آن حضرت قرار دادی، و فضیلت آن را به من شناساندی، و من را محفوظ نگاه داشتی تا به قبر فرزند ولی خودت رساندی من را، و من امیدوار به تو هستم پس درود بفرست بر محمد و آل محمد، و امید من را قطع مکن، همانا نزد تو آمده‌ام پس آرزوی من را به ناامیدی مبدل مکن، و این زیارت را کفاره و جبران گناهانی که قبلاً مرتکب شده‌ام قرار بده، و من را از یاران آن حضرت قرار بده ای ارحم الراحمین.



سپس از فرات عبور کن و بگو:

خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست، و سعی و کوشش من را مقبول و گناه من را آمرزیده و عمل من را پذیرفته قرار بده، و پاک کن من را از لغزشها و گناهان، و دل من را از هر آفت و بلائی که دینم را زائل کرده یا عمل را باطل نموده پاک گردان ای ارحم الراحمین.

سپس به نینوی برو و اثاثیه و اسباب را در آنجا بگذار، روغن به خود نمال و سرمه نکش و تا زمانی که در آنجا مقیم هستی گوشت نخور، سپس به شط که در مقابل محل قبر است برو در حالی که لنگی به کمر بسته‌ای در آن غسل کن و در حال غسل بگو:

خدوندا من را پاک گردان و دل و قلبم را پاکیزه نما و سینه‌ام را بگشا، و بر زبانم محبت و مدح و ثناء خود را جاری گردان، هیچ جنبش و نیروئی نمی‌باشد مگر بواسطه تو، همانا می‌دانم که قوام و پابرجائی دینم در سایه تسلیم امر تو و شهادت دادن بر جمیع انبیاء و فرستادگانت به وجود الفت بینشان می‌باشد، شهادت می‌دهم که ایشان انبیاء و فرستادگان تو به سوی تمام مخلوقات

می‌باشند. خدایا این غسل را نور و مطهر و حفظ‌کننده و شفاء از هر مرض و درد و آفت و بلا قرار بده، و نیز آن را حافظ از هر بدی که نسبت به آن خوف داشته و در حذر می‌باشم قرار بده، بار خدایا به واسطه آن قلب و اعضاء و استخوان و گوشت و خون و موی و پوست و مغز و رگ و آنچه که زمین از من حمل می‌کند را پاک و طاهر قرار بده و آنرا شاهد برای من در روز فقر و تهی دستیم قرار بده، سپس پاکیزه‌ترین لباس‌هایت را بپوش و وقتی آنرا پوشیدی بگو:

اللّٰهُ اکبر (سی مرتبه) و بعد بگو:

حمد سزاوار خداوندی است که بسویش قصد نمودم، پس من را رساند، و او را اراده کردم پس من را پذیرفت و درمانده‌ام نگذاشت، در رحمتش را طلب کردم پس به من تسلیم نمود، خداوند! تو قلعه و پناهگاه و حافظ و امید و آرزوی من هستی، نیست معبودی غیر از تو ای پروردگار عالمیان.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

فَإِذَا ارَدْتَ الْمَشْيَ فَقُلْ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَرَدْتُكَ فَأَرِدْني، وَإِنِّي أَقْبَلْتُ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ فَلَا تُغْرِضْ بِوَجْهِكَ عَنِّي، فَإِنْ كُنْتُ عَلَى سَاطِئٍ فَتُبَّ عَلَيَّ، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَى ابْنِ حَبِيبِكَ، أَتُبْغِي بِذَلِكَ رِضَاكَ عَنِّي فَارْضَ عَنِّي، وَلَا تُخَيِّبْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

ثمَّ امش حافياً وعليك السكينة والوقار بالتكبير والتهيل والتجيد والتحميد والتعظيم لله ولرسوله ﷺ، وقل ايضاً:

«الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ التَّوَحُّدِ بِالْأُمُورِ كُلِّهَا، خَالِقِ الْخَلْقِ وَلَمْ يَغْرُبْ عَنْهُ شَيْءٌ مِنْ أُمُورِهِمْ، وَعَالِمِ كُلِّ شَيْءٍ بِغَيْرِ تَغْلِيمٍ، صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَرُسُلِهِ أَجْمَعِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ

بِسْمِهِ الْاَوْصِيَاءَ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَنْعَمَ عَلَيَّ وَعَرَّفَنِي فَضْلَ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ.

ثم امش قليلاً وقصر خطاك، فاذا وقفت على التل فاستقبلت القبر
فقف وقل: «اللَّهُ أَكْبَرُ» ثلاثين مرة - و تقول:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي عِلْمِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ فِي عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ فِي
عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ مَعَ
عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَحَقُّ لَهٗ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَنُورُ الْأَرْضَيْنِ
السَّبْعِ، وَنُورُ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَلَسَلَامٌ عَلَيْكَ
يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، أَلَسَلَامٌ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَرُؤَاةَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ
اللَّهِ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

و وقتی خواستی حرکت کنی بگو:

خدایا من تو را اراده کرده‌ام پس تو نیز من را اراده نما، و من به تو روی
آورده‌ام پس رو از من مگردان، پس اگر بر من غضبناکی توبه‌ام را بپذیر، و این
سیر و سفرم به سوی فرزند حبیبیت را مورد ترحم و تلطّف قرار بده، یا این
زیارت می‌خواهم که از من بخشود شوی پس راضی شو از من و نا امیدم مکن

ای کسی که ارحم الراحمین هستی.

سپس پای برهنه حرکت کن در حالی که باوقار و آرامش می باشی و در اینحال تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) و تمجید (خدا را با مجد و بزرگی یاد کردن نظیر گفتن لاحول ولا قوه الا بالله گفتن) و تحمید (الحمد لله) گفته و نیز عباراتی که بر تعظیم حق تعالی و رسول گرامیش ﷺ دلالت دارند را بکار ببر و نیز بگو: حمد سزاوار خداوند واحدی است که تمام امور مختص به او بوده و او در جمیع آنها مستقل است، آفریننده مخلوقات بوده و هیچ چیزی از او پنهان نیست، به تمام اشیاء آگاه و عالم بوده بدون اینکه تعلیم گرفته باشد، درود و رحمت خدا و درود فرشتگان مقرب و انبیاء مرسلش و تحیت تمام فرستادگانش بر محمد و اهل بیت آن حضرت که جانشینانش می باشند، حمد و سپاس خدائی را که بر من نعمت داد و برتری و فضیلت محمد و اهل بیتش ﷺ را به من شناساند.

سپس اندکی حرکت کن و قدم هایت را کوتاه بردار و وقتی به تل و تپه رسیدی و قبر در مقابلت قرار گرفت بایست و بگو:

الله اکبر (سی مرتبه) و سپس بگو:

نیست معبودی مگر خداوند متعال آن طوری که خودش می داند، و نیست معبودی مگر خداوند متعال و این تهلیل در حالی است که حق تعالی می داند از من صادر شده و نهایت و انتهای ندارد، و نیست معبودی مگر حق تعالی و این تهلیل مقرون با علم او است ازلاً و ابداً و نهایت و انتهای ندارد، و حمد و سپاس مختص به خداوند است آن طوری که خودش می داند و نهایت و انتهای ندارد، و حمد و سپاس مختص به خداوند است و این تحمید در حالی است که حق تعالی می داند از من صادر شده و نهایت و انتهای ندارد، و حمد و سپاس مختص به خداوند است و این تمجید مقرون با علم او است ازلاً و ابداً و نهایت و انتهای ندارد.

و منزّه است خداوند متعال آن طوری که خودش می داند و نهایت و انتهائی ندارد، و منزّه است خداوند متعال و این تنزیه در حالی است که حق تعالی می داند از من صادر شده و انتهائی ندارد، و منزّه است خداوند متعال و این تنزیه مقرون با علم او است ازلاً و ابداً و نهایت و انتهائی ندارد، و حمد و سپاس مختص به حق تعالی است با تمام ستایشها در مقابل جمیع نعمتهایش، و نیست معبودی غیر از حق تعالی و او بزرگتر از هر چیزی است، و این مقام حق او است، نیست معبودی غیر از حق تعالی که صاحب حلم و کرم می باشد، نیست معبودی غیر از حق تعالی که بلند مرتبه و بزرگ می باشد، نیست معبودی غیر از حق تعالی که نور آسمانهای هفت گانه و نور طبقات هفتگانه زمین و نور عرش بزرگ می باشد، و حمد و سپاس مختص به پروردگار عالمیان است، درود بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، درود بر شما ای فرشتگان خدا و زائران قبر مطهر فرزند نبی و پیغمبر خدا،

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

ثُمَّ أَمَشَ عَشْرَ خَطَوَاتٍ، وَكَبَّرَ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً وَقَالَ - وَأَنْتَ تَمُشِي - : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ وَاحِدٍ، وَبَعْدَ كُلِّ وَاحِدٍ وَمَعَ كُلِّ وَاحِدٍ وَعَدَّةُ كُلِّ وَاحِدٍ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ وَاحِدٍ وَبَعْدَ كُلِّ وَاحِدٍ، وَمَعَ كُلِّ وَاحِدٍ، وَعَدَّةُ كُلِّ وَاحِدٍ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ قَبْلَ كُلِّ وَاحِدٍ، وَبَعْدَ كُلِّ وَاحِدٍ، وَمَعَ كُلِّ وَاحِدٍ، وَعَدَّةُ كُلِّ وَاحِدٍ أَبَدًا أَبَدًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا فَأَشْهَدُ لِي إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ حَقٌّ وَأَنَّ رَسُولَكَ حَقٌّ، وَأَنَّ قَوْلَكَ حَقٌّ، وَأَنَّ قَضَاءَكَ حَقٌّ، وَأَنَّ قَدْرَكَ حَقٌّ، وَأَنَّ فِعْلَكَ حَقٌّ، وَأَنَّ جَسَدَكَ

حَقٌّ، وَأَنْتَ مُمِيتُ الْأَحْيَاءِ، وَأَنْتَ وَمُعْيِي الْمَوْتِ، وَأَنْتَ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنْتَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ، وَأَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، أَلْسَلَامٌ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَيَا زُورَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

ثم امش قليلاً و عليك السكينة والوقار بالتكبير والتهليل والتمجيد والتحميد والتعظيم لله ولرسوله صلى الله عليه وآله، وقصر خطاك فاذا، اتيت الباب الذي يلي المشرق فقف على الباب وقل: «أشهد أن لا إله إلا الله وخده لا شريك له، وأشهد أن محمداً صلى الله عليه وآله عبده ورسوله، وأمين الله على خلقه، وأنة سيّد الأولين والآخرين، وأنة سيّد الأنبياء والمرسلين، سلام على رسول الله، الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله، لقد جاءت رسل ربنا بالحق، اللهم إني أشهد أن هذا قبر ابن حبيبك وصفوتك من خلقك، وأنة الفائز بكرامتك، أكرمته بكتابك، وخصصته واتمته على وحيك، وأعطيته مواريث الأنبياء، وجعلته حجة على خلقك، فأغدر في الدعوة، وبذل مهجته فيك، ليستثقب عبادك من الضلالة، والجهالة والعمى، والشك والإتياب إلى باب الهدى من الردى، وأنت ترى ولا ترى، وأنت بالمنظر الأعلى، حتى تار عليه من خلقك من غرته الدنيا وباع الآخرة بالقرن الأوّكس [الأدنى]، وأسخطك وأسخط رسولك، وأطاع من عبيدك من أهل الشقاق [والسفاق]، وحملت الأوزار من استوجب النار، لعن الله قاتلي ولي رسولك وضاعف عليهم العذاب الأليم».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمه:

سپس ده قدم بردار و سی مرتبه تکبیر گفته و در حالی که راه می روی بگو:

نیست معبودی مگر حق تعالی تهلیل می گویم تهلیلی که غیر از او احدی نمی تواند آن را بشمارد، او پیش از هر کسی و بعد از هر کسی و با هر کسی و عدد تمام کسان می باشد، و منزّه است خدا و حمد برای خدا است و نیست معبودی مگر خدا و خدا بزرگتر از هر چیز بوده، پیش از هر کسی و بعد از هر کسی و با هر کسی و عدد تمام کسان است برای همیشه، برای همیشه، خداوندی من تو را شاهد می گیرم و تو برای شاهد بودن کافی هستی پس شهادت بده برای من که شهادت می دهم تو حق بودی و رسالت حق بوده و گفتارت حق، و حکمی که می کنی حق بوده و نقد بر حق و فعلت حق و بهشت حق می باشد، و شهادت می دهم که تو زنده ها را می میرانی و مردگان را زنده می کنی و مرده های در قبور را مبعوث می فرمائی، و شهادت می دهم که تو مردم را در روزی که شکی در آن نیست جمع می نمائی، و شهادت می دهم که وعده ای را که داده ای مخالفت نمی کنی، درود بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، درود بر شما ای فرشتگان خدا و ای زائرین قبر ابی عبدالله (ع).

سپس اندکی حرکت کن، در حالی که با آرامش و سنگینی راه می روی تکبیر و تهلیل گفته و حق تعالی را به مجد و بزرگی یاد نما و به تحمید و تعظیم حق تعالی و رسول اکرم (ص) پرداز و قدم هایت را کوچک بردار و وقتی به درب شرقی حرم رسیدی بایست و بگو:

شهادت می دهم که معبودی غیر از خداوند متعال نبوده در حالی که تنها است و شریکی برای او نمی باشد، و شهادت می دهم که محمد (ص) بنده و فرستاده او و امین خدا بر مخلوقاتش می باشد، و شهادت می دهم که او سرور اولین

و آخرین (گذشتگان و آیندگان) است، و شهادت می‌دهم که آن حضرت آقای انبیاء و فرستادگان حق تعالی است، درود بر رسول خدا، حمد و سپاس خدائی را که ما را به این امر هدایت نمود و اگر او ما را هدایت نمی‌کرد هرگز به آن راه نمی‌یافتیم، همانا فرستادگان پروردگار ما حق را آورده‌اند، خداوند از من شهادت می‌دهم که این قبر فرزند حبیب و فرزند اختیار شده از مخلوقات می‌باشد، و او است که به کرامت تو رسیده، تو او را بواسطه کتابت (قرآن) مورد اکرام خود قرار داده‌ای، و اختصاصش داده و بر وحی خود امینش نموده‌ای، و مواریث انبیاء را به او اعطاء فرموده‌ای و بر خلائق حجّت کرده‌ای، پس در دعوت خلائق به تو مبالغه نمود و جانش را در راه تو بذل و ایثار کرد تا بندگان را از گمراهی و نادانی و تاریکی و شک و شبهه نجات داده و به طرف هدایت و رهائی از هلاکت بکشاند در حالی که تو می‌بینی در عین اینکه دیده نمی‌شوی و در حالی که در دیدگاهی بلند و مرتفع بوده و بر تمام اعمال و حرکات خلائق مشرف هستی بهر صورت آن حضرت برای نجات بشر قیام نمود ولی کسانی که مغرور دنیا واقع شده و آخرت را به بهاء اندکی فروختند بر آن جناب هجوم آورده و بدین ترتیب تو و رسولت را به غضب آورده و بندگان را که اهل شقاق و نفاق و حاملین وزر و وبال و مستوجب و مستحق دوزخ هستند را اطاعت و پیروی کردند، خدا لعنت کند کشتندگان فرزندان رسولت را و عذاب دردناک را بر ایشان مضاعف و دو چندان کند.

معنی:

ثُمَّ تَدْنُو قَلِيلًا وَقُلْ: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

عِيسَى رُوحَ اللَّهِ، أَلَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَأَلِهِ وَسَلَّمَ، أَلَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَصِيِّ
رَسُولِ اللَّهِ، أَلَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزُّكِيِّ، أَلَسْلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ الصَّدِيقَةِ، أَلَسْلَامُ
عَلَيْكَ يَا أَيُّهَا الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ، أَلَسْلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الرَّضِيُّ الْبَارِئُ النَّقِيُّ،
أَلَسْلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَفِيُّ النَّقِيُّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ
الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَغْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى
أَتَاكَ الْيَقِينُ، أَلَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
أَلَسْلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ وَأَنَاخَتْ بِرُحْلِكَ،
أَلَسْلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ أَلَسْلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَرُؤَاةِ
قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللَّهِ».

مَرْتَبَةُ كَبِيرِ مَرْتَبَةٍ

ثم ادخل الحائر وقل حين تدخل: «أَلَسْلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ
الْمُقَرَّبِينَ، أَلَسْلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُتَزَلِّينَ، أَلَسْلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ
الْمُسَوِّمِينَ، أَلَسْلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ مُقِيمُونَ فِي هَذَا الْحَايِرِ
يَاذُنِ رَبِّهِمْ، أَلَسْلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هَذَا الْحَايِرِ يَعْمَلُونَ
وَلِأَمْرِ اللَّهِ مُسَلِّمُونَ، أَلَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَى رَسُولِ اللَّهِ، وَابْنَ أَمِينِ اللَّهِ،
وَابْنَ خَالِصَةِ اللَّهِ، أَلَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ،
مَا أَعْظَمَ مُصِيبَتَكَ عِنْدَ جَدِّكَ، رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا
أَعْظَمَ مُصِيبَتَكَ عِنْدَ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَجَلَ مُصِيبَتَكَ عِنْدَ الْمَلَأِ
الْأَعْلَى، وَعِنْدَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، وَعِنْدَ رُسُلِ اللَّهِ، أَلَسْلَامُ مِنِّي إِلَيْكَ وَالتَّحِيَّةُ مَعَ
عَظِيمِ الرِّزْيَةِ عَلَيْكَ، كُنْتُ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ، وَنُورًا فِي

ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، وَتُوراً فِي الْهَوَاءِ، وَتُوراً فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى، كُنْتَ فِيهَا
تُوراً سَاطِعاً لَا يَطْفُئُ، وَأَنْتَ الثَّاقِبُ بِأَهْدَى.»

﴿ نبأله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس اندکی نزدیک شو و بگو:

درود بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث
حضرت نوح پیغمبر خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم خلیل خدا،
سلام بر تو ای وارث حضرت موسی، کلیم خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت
عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) حبیب خدا، سلام بر
تو ای وارث حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) وصی و جانشین رسول
خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت حسین بن علی پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای
وارث حضرت فاطمه زهرا سرور زنان عالمیان و صدیقه طاهره، سلام بر تو ای
راستگو و ای شهید، سلام بر تو ای جانشین پیامبر که پسندیده و نیکوکار و
پرهیزکار می باشی، درود بر تو ای وفاء کننده به عهد و پاکیزه، شهادت می دهم که
تو نماز را به پا داشته و زکات را پرداخته و به کار نیک امر، از عمل زشت نهی
فرمودی و عبادت خدا را مخلصاً انجام داده تا وقتی که مرگ تو را دریافت، سلام
بر تو ای ابا عبدالله و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، سلام بر تو و ارواحی که در
اطراف فرود آمده، و رحل اقامت افکنده اند، درود بر فرشتگان خدا که اطراف تو
را گرفته اند، درود بر فرشتگان خدا و زائرین قبر مطهر فرزندان پیغمبر خدا.

سپس داخل حائر بشو و در وقت داخل شدن بگو:

درود بر فرشتگان مقرب خدا، درود بر فرشتگان خدا که از آسمان به زمین
نازل می شوند، درود بر فرشتگان معلوم و معین خدا، درود بر فرشتگان خدا،

آنانکه به اذن پروردگارشان در این حائر مقیم شده‌اند، درود بر فرشتگان خدا آنانکه در این حائر به عمل مشغول بوده و تسلیم امر خدا می‌باشند، درود بر تو ای فرزند رسول خدا و ای فرزند امین خدا و فرزند اختیار و برگزیده خدا، درود بر تو ای ابا عبدالله ما از آن خدا بوده و به سویش بر می‌گردیم، چه قدر مصیبت شما نزد جدتان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بزرگ است، و چه قدر مصیبت شما نزد کسی که خدا را می‌شناسند عظیم می‌باشد، و چه قدر مصیبت شما در ملاء اعلیٰ با عظمت است، و چه قدر مصیبت شما نزد انبیاء خدا و فرستادگان او بزرگ می‌باشد، درود من به تو و تحیت و تهنیت من در حالی که مصیبت شما عظیم است بر شما، شما نوری بودی در صلب‌های عالی مقام، و نور بودی در تاریکی‌های زمین و هوا، و نور بودی در آسمانهای مرتفع، شما در آسمانها نور درخشانی بودی که خاموش شدنی نبود و شما به هدایت و رشد مردم سخن می‌گوئید.

مرز توحید و کبریا و ربوبی

متن:

ثُمَّ امش قليلاً وقل: «اللَّهُ أَكْبَرُ» - سَبْعَ مَرَّاتٍ - وَهَلِّلَهُ سَبْعاً، وَاحْمَدَهُ سَبْعاً، وَسَبِّحْهُ سَبْعاً وقل: «أَتَيْتُكَ دَاعِيَ اللَّهِ» سَبْعاً، وقل: «إِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بِدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ، وَلِسَانِي عِنْدَ اسْتِئْصَارِكَ، فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي، وَتَمَنَعِي وَبَصَرِي، وَرَأْيِي وَهَوَايَ عَلَى التَّسْلِيمِ لِحَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ، وَالسُّبُّطِ الْمُسْتَجَبِ، وَالذَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْأَمِينِ الْمُسْتَحْزَنِ، وَالْمُؤَدِّي الْمُبْلَغِ، وَالْمَظْلُومِ الْمُضْطَهَّدِ، جَشَكْ يَامَوْلَايَ انْقِطَاعاً إِلَيْكَ، وَإِلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ، وَوَلَدِكَ الْحَلْفِ مِنْ بَعْدِكَ، فَقُلِّي لَكَ مُسَلِّمٌ، وَرَأْيِي لَكَ مُشَبِّعٌ، وَنُصْرَتِي لَكَ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بِدِينِهِ وَيَبْعَثَكُمْ، وَأَشْهَدُ

اللَّهُ أَنْتَ الْحَقُّ، وَبِكُمْ تُرْجَى الرَّحْمَةُ، فَعَفِّكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي بِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، لَا أَنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَلَا أَكْذِبُ مِنْهُ بِمُسِيئَةٍ».

ثم امش وقصر خطاك حتى تستقبل القبر، واجعل القبلة بين كتفك واستقبل بوجهك وجهة وقل:

«السلام عليك من الله، والسلام على محمد أمين الله على رُسُلِهِ وعِزَائِمِ أُمُورِهِ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ صَاحِبِ مِيثَاقِكَ، وَخَاتَمِ رُسُلِكَ، وَسَيِّدِ عِبَادِكَ، وَآمِينِكَ فِي بِلَادِكَ، وَخَيْرِ بَرِيَّتِكَ كَمَا تَلَا كِتَابَكَ، وَجَاهِدَ عَدُوَّكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ، وَأَخِي رَسُولِكَ الَّذِي اسْتَجَبْتُهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتُهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتُهُ بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَّانَ الَّذِينَ يَغْدِلُكَ وَفَضْلِي قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ ائِمِّ بِهِ كَلِمَاتِكَ، وَأَنْجِزْ بِهِ وَعْدَكَ وَأَهْلِكَ بِهِ عَدُوَّكَ، وَاكْتُبْنَا فِي أَوْلِيَائِهِ وَأَحِبَّائِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا لَهُ شِيعَةً وَأَنْصَارًا وَأَعْوَانًا عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَمَا وَكَّلْتَهُ بِهِ، وَاسْتَخْلَفْتَهُ عَلَيْهِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَسَبِكَ، وَرَوْحَةَ وَلِيِّكَ، وَأُمِّ السَّبْطَيْنِ الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ، الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ، الصَّدِيقَةِ الرَّكِيَّةِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، صَلَوةً لَا يَتَوَى عَلَى إِخْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ، وَابْنِ أَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي اسْتَجَبْتُهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتُهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتُهُ بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَّانَ الَّذِينَ يَغْدِلُكَ، وَفَضْلَ

قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَالْمُتَّهِمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ، وَابْنِ أَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي
 انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْ
 بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ، وَدَيَّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ،
 وَالْمُتَّهِمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، [وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ] وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

سپس اندکی حرکت کن و بعد هر کدام از:

تکبیر و تهلیل و تسبیح و ذکر «لَبَّيْكَ داعی الله»، را هفت مرتبه گفته و بعد بگو:
 اگر در هنگام استغاثه و طلب پناه، بدن و جسم تو را اجابت و زبانم هنگام
 طلب نصرت تو را یاری نکرده است پس همانا قلب و گوش و چشمم تو را
 اجابت می نمایند، و فکر و هوای من فرمان بردار و تسلیم فرزند نبی مرسل
 و سبط پیامبر برگزیده و مطیع زانمای آگاه و امین نگاهدار و اداء کننده رساننده
 و مظلوم مقهور می باشد، ای آقای من به نزد تو آمدم در حالی که از همه قطع و به
 تو و جد و پدر و فرزندانم که جانشینان بعد از تو هستند خود را وصل نموده ام،
 پس قلبم تسلیم تو و رأی و فکرم تابع تو، و کمکم برای تو آماده بوده تا زمانی که
 خدا حکم برای دینش نموده و شما را برانگیزد، و خدا را شاهد می گیرم که شما
 حجت او هستید، و به سبب شما امید رحمت می باشد، پس کسی که با شما است
 یا شما بوده نه با دشمنان، همانا من از کسانی هستم که به شما ایمان دارم،
 قدرت خدا را انکار نداشته و مشیتش را تکذیب نمی کنم، سپس حرکت کن
 و قدم هایت را کوچک بردار، مقابل قبر برسی و قبله را بین دو شانهات قرار بده
 و صورتت را مقابل و روبروی قبر نما و بگو:

درود از طرف خدا بر تو، درود خدا بر حضرت محمد که امین او بر
 فرستادگان و بر احکام شریعتش بوده و پایان بخش انبیاء و گشاینده آیندگان

(اوصیاء) می باشد، فرمان روا است بر تمام، و درود و رحمت خدا و برکاتش بر تو، خدایا درود فرست بر محمد که صاحب پیمان تو بوده و خاتمه بخش فرستادگان و سرور بندگان می باشد، امین تو است در شهرها، و بهترین مردمان بوده زیرا از کتاب تو پیروی نمود، و با دشمنانت مبارزه نمود تا هنگامی که مرگ او را دریافت، بار خدایا درود بفرست بر امیر مؤمنان که بنده تو و برادر رسولت بوده و تو او را به علم خود برگزیدی، و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که به رسالت خود او را برانگیختی قرارش دادی وی را حاکمی قرار دادی که به عدالت حکم می نمود، و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می داد، سیاستمدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد، خداوند! وعده هائی را که در یاری نمودن دینت داده ای بواسطه آن حضرت عملی نما و به دست پرتویش آنها را منجز فرما، و دشمنانت را به وسیله آن حضرت هلاک نما و ما را در زمره دوست دلران او محسوب نما، خدایا ما را شیعه و ناصر و مددکارش قرار بده تا در راه طاعت تو و رسولت و آنچه به او واگذارده ای و کسانی را که جانشینانش نموده ای گام برداریم ای پروردگار عالمیان، خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت، و همسر ولایت، و مادر دو سبط رسول گرامی حضرت امام حسن و امام حسین، او که پاک و پاکیزه، بسیار راستگو و لایق و شایسته، سرور تمام زنان اهل بهشت است، درودی که غیر از تو کسی قادر بر احصاء و شمارش آن نباشد، خدایا درود فرست بر حسن بن علی بنده ات و فرزند برادر رسولت، که به علم خویش انتخابش نمودی، و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که به رسالت خود او را برانگیختی قرار دادی، و او را حاکمی قرار دادی که به عدالت حکم می نمود، و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می داد، سیاستمدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد، خداوند! درود بر حسین بن علی که بنده تو و فرزند برادر رسولت که با علم

خودت او را انتخاب نموده بوده و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که برسالت خود او را برانگیختی قرار دادی و او را حاکمی نصب کردی که به عدالت حکم می نمود و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می داد، و سیاست مدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد.

متن:

و تصلى على الأئمة كلهم كما صليت على الحسن والحسين (ع)

و تقول:

«اللَّهُمَّ أَتِمِّمْ بِهِمْ كَلِمَاتِكَ، وَأَنْجِزْ بِهِمْ وَعْدَكَ، وَأَهْلِكْ بِهِمْ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ اجْزِهِمْ عَنَّا خَيْرَ مَا جَازَيْتَ نَذِيرًا عَنْ قَوْمِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا لَهُمْ شِيعَةً وَأَنْصَارًا وَأَعْوَانًا، عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا يَمْنًا يَبْغُ الثَّوْرَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُمْ، وَأَخِينَا غِيَاهُمْ، وَأَمْنًا مِمَّا تَهُمُّ، وَأَشْهَدُنَا مَشَاهِدَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَقَامُ أَكْرَمَتِي بِهِ، وَشَرَفَتِي بِهِ، وَأَعْظَمَتِي فِيهِ رَغْبَتِي عَلَى حَقِيقَةِ إِيْمَانِي بِكَ وَبِرَسُولِكَ».

ثم تدنو قليلاً و تقول

«أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَسَلَامٌ اللَّهُ وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، كُلُّمَا تَرَوْحُ الزَّائِحَاتُ الطَّاهِرَاتُ لَكَ، وَعَلَيْكَ سَلَامُ الْمُؤْمِنِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ، الثَّاطِقِينَ لَكَ بِفَضْلِكَ، بِأَلْسِنَتِهِمْ، أَشْهَدُ أَنَّكَ صَادِقُ صَدِيقِي، صَدَقْتَ فِيمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ، وَصَدَقْتَ فِيمَا أَتَيْتَ بِهِ، وَأَنَّكَ تَارُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي فِي

﴿ دنیا به زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمه:


و سپس بر تمام آنمه (ع) درود بفرست به همان طوری که بر حضرت امام حسن و امام حسین (ع) درود فرستادی و بعد از آن بگو:

بار خدایا وعده‌هایی را که در یاری نمودن دینت داده‌ای به واسطه این حضرات (ع) عملی نما و به دست پرتویشان آنها را منجز فرما، و دشمنان جَنّی و انسی خود و ایشان را جملگی به واسطه این حضرات هلاک فرما، بار خدایا ایشان را از طرف ما جزاء بده، جزاء و پاداش نیکویی که به ترساننده از طرف قومش می‌دهی، خدایا ما را شیعه و ناصر و مددکار ایشان قرار بده تا در راه طاعت تو و رسولت گام برداریم، خدایا ما را از کسانی قرار بده که از نوری که با ایشان قرار داده‌ای تبعیت کنیم و حیاتی به ما ببخش همچون حیات ایشان، و مماتی نصیبمان گردان مانند ممات ایشان و در دنیا و آخرت ما را در مشاهد ایشان حاضر گردان، خدایا این مقام و مرتبه‌ای است که من را با آن مورد کرامت قرار داده، و شرافتم به آن داده‌ای و بواسطه‌اش در من به حقیقت ایمان به تو و به رسولت میل و رغبت ایجاد نموده‌ای.

سپس اندکی نزدیک به قبر شو و بگو:

سلام و درود بر تو ای فرزند رسول خدا، و درود خدا و درود فرشتگان مقرب و انبیاء مرسلش بر تو باد هر زمانی که نسیم‌های پاک و خوش می‌وزند، و درود قلبی مؤمنان بر تو، آنانکه زبانشان به فضل تو گویا است، شهادت می‌دهم که تو راستگو و بسیار درستکار بوده و در آنچه مردم را به آن دعوت نمودی راست می‌گفتی، و در آنچه انجام داده‌ای درستکار بوده‌ای، و شهادت می‌دهم که تو خون خدا در زمین هستی، بار خدایا من را در زمره دوستان قرار بده، و در دنیا و آخرت شهادت و مشاهدشان را محبوب من گردان، همانا تو بر هر چیز

قادر هستی.

و بگو: 

درود بر تو ای ابا عبدالله، خدا رحمت کند تو را ای ابا عبدالله، درود خدا بر تو ای ابا عبدالله، درود بر تو ای پیشوای هدایت، درود بر تو ای نشانه تقوی و پرهیزکاری، درود بر تو ای حجت خدا بر اهل دنیا، درود بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، درود بر تو ای پیغمبر خدا، درود بر تو ای خون خدا و پسر خون خدا، درود بر تو ای خون تنها مانده خدا و پسر خون تنها مانده خدا، شهادت می‌دهم که تو مظلوم کشته شدی، و قاتل تو در دوزخ خواهد بود، و شهادت می‌دهم که تو در راه خدا آن‌طوری که شایسته است جهاد نمودی، و در راه خدا سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای متوجه تو نگردیده، و محققاً خدا را پرستیدی تا وقتی که مرگ تو را دریافت، شهادت می‌دهم که شما اهل بیت مظهر پرهیزکاری و باب هدایت مردم، و حجت بر مخلوقات می‌باشید، شهادت می‌دهم که این مقام برای شما در گذشته سابقه داشته است، و در آینده گشاینده خواهد بود، و شهادت می‌دهم که ارواح و حقیقت شما پاک می‌باشد، پاک بوده و پاک می‌باشد در حالی که بعضی از برخی دیگر بوده ناشی از ذات اقدس الهی و از رحمت و اسعاهش می‌باشد، شاهد می‌گیرم حق تبارک و تعالی را بر این گفتارم و او برای شاهد بودن کافی است، و شما را شاهد می‌گیرم که ایمان به شما داشته و در حقیقت نفسم و احکام دینم و پایان کارها و حرکات و منزل آخرم تابع و پیرو شما می‌باشم، پس از خداوند نیک رفتار و مهربان درخواست می‌کنم که این معنا را برایم فراهم و میسر فرماید، شهادت می‌دهم که شما تبلیغ رسالت‌های خود را نموده و زبان به خیرخواهی مردم گشوده و در مشکلات صبر نموده و در پایان امر در راه خدا کشته شده‌اید، حقوق شما غضب شد، اذیت‌ها و بدی‌ها متوجه شما گردید ولی تحمل نمودید، خدا لعنت کند گروهی را که با شما مخالفت نمودند و جمعی را که ولایت شما را انکار کردند، و دسته‌ای را که

بر علیه شما تظاهر نمودند، و قومی را که در جنگ با شما حاضر شده و نخواستند که در راه شما شهید شوند، حمد و ستایش خدائی را که جهنم را جایگاه ایشان قرار داد و آن بد جایگاه و بد عطائی است که به ایشان اعطاء می گردد.

متن:

و تقول: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ سَالِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ خَاذِلِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَايَعَ عَلَى قَتْلِكَ، وَمَنْ أَمَرَ بِقَتْلِكَ، وَشَارَكَ فِي دِمِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ أَوْ سَلَّمَ إِلَيْهِ، أَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ وَلَايَتِهِمْ، وَأَتَوَلَّى اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَآلَ رَسُولِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ انْتَهَكُوا حُرْمَتَكَ وَسَفَكُوا دِمَكَ مَلْعُونُونَ، عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَبُوا رُسُلَكَ، وَسَفَكُوا دِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، اللَّهُمَّ الْعَنِ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَضَاعِفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ، اللَّهُمَّ الْعَنِ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَقَتْلَةَ أَثْصَارِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَأَصْلَهُمْ حَرَّ نَارِكَ، وَذُقْهُمْ بِأَسْكَ، وَضَاعِفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ، وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا وَبَيْلًا، اللَّهُمَّ اخْلُلْ بِهِمْ نَقْمَتَكَ، وَآتِهِمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ، وَخُذْهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ، وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا نَكْرًا، وَالْعَنِ أَغْدَاءَ نَبِيِّكَ وَ[أَغْدَاءَ] آلِ نَبِيِّكَ لَعْنًا وَبَيْلًا، اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالْفَرَاعِثَةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و تقول: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِلَيْكَ كَانَتْ رِخْلَتِي مَعَ بُعْدِ شَتَّى، وَلَكَ فَاضَتْ عِبْرَتِي، وَعَلَيْكَ كَانَ أَسْفَى وَنَحْبِي، وَصِرَاحِي وَزَفَرَتِي

وَسَهَقَ، وَإِلَيْكَ كَانَ مَجِئِي وَيَا أَسْتَرُّ مِنْ عَظِيمِ جُزْمِي، أَتَيْتُكَ [زَائِرًا]
وَأَيْدًا قَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، يَا سَيِّدِي بِكَتَيْتُكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ
وَابْنَ خَيْرَتِهِ، وَحَقِّي لِي أَنْ أَبْكِيكَ، وَقَدْ بَكَتِكَ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ
وَالْجِبَالُ وَالْبَحَارُ، فَاغْذُرِي إِنْ لَمْ أَبْكِكَ، وَقَدْ بَكَكَ حَبِيبُ رَبِّي، وَبَكَتَكَ
الْآئِمَّةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، وَبَكَكَ مَنْ دُونَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى إِلَى الثَّرَى
جَزَعًا عَلَيْكَ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

و سه مرتبه بگو:

درد و رحمت فرستد خدا بر تو ای ابا عبدالله.

مرکز تحقیقات کربلا و مدینه

بعد بگو:

و بر جان و بدنت، خدا کشتندگان تو را لعنت کند، خدا لعنت کند آنانکه جامه
از بدنت بیرون آوردند، خدا لعنت کند کوبندگان تو را، خدا لعنت کند کسانی را
که پیگیر کشتن تو بودند، و کسی که فرمان به کشتن تو داد، و در خونت شرکت
کرد، و خدا لعنت کند کسی را که وقتی خبر کشتن تو را شنید راضی به آن شد یا
در مقابلش تسلیم گشت و گردن نهاد، ما به سوی خدا پناه می‌بریم از دوست
داشتن این جماعات و دوست داریم خدا و رسول و آل رسولش را، و شهادت
می‌دهم آنانکه حرمت تو را هتک کرده و خونت را ریختند ملعون و از رحمت
واسعه حق به دور می‌باشند، و این لعنت بر زبان پیامبر امی (علیه السلام) در حق ایشان
جاری شده است، خدایا کشتندگان امیرالمؤمنین (علیه السلام) را لعنت کن، و عذاب دردناک
را بر ایشان چندان نما، خدایا کشتندگان حسین بن علی (علیه السلام) را لعنت کن، و نیز
کشتندگان یاران حسین بن علی (علیه السلام) را مورد لعن خود قرار بده، و حرارت آتش

جهنم خود را به ایشان برسان، و عذابت را به آنها بچشان، و عذاب دردناک را بر آنها چندان نما، و لعنت کن ایشان را لعنتی سخت و شدید، خدایا نعمت و عقوبت را بر ایشان فرود آور، و از جایی که گمان ندارند عقابت را نصیبتان گردان، و از جایی که شعور و درک آن را نمی کنند مورد مآخذ قرارشان بده، و ایشان را عذابی سخت بنما، و لعنت کن دشمنان پیغمبرت را، و دشمنان آل پیغمبرت را لعنتی سخت و شدید، خدایا جبت (باطل) و طاغوت (یاعی و سرکش) و متکبران را لعنت نما، تو بر هر چیزی قدرت داری.

و بگو:

ای ابا عبدالله پدر و مادرم فدایت شوند، با اینکه طی طریق بطرف شما بسیار دور است معذلتک مرکب من به سوی تو در حرکت است، و اشکهایم برای تو ریزان می باشند، و تأسف و گریه شدید من بر تو است، فریاد و جیق و بغض نمودنم بخاطر تو می باشد، آمدنم به سوی تو است، به واسطه تو خواهان پوشیده شدن گناهان بزرگم می باشم، آمدم نزد تو در حالی که زیارت کننده تو بوده و مسافری هستم که از بار گران سفر پشتم خمیده گشته، پدر و مادرم فدای تو، ای آقای من گریستم بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده حق، و بر من است که بر تو بگرم، همانا آسمانها و زمینها و کوهها و دریاها بر تو گریسته اند، پس اگر بر تو گریه نکنم هیچ عذری ندارم، و حبیب پروردگارم بر تو گریه کرده و ائمه هدی که درود خداوند بر ایشان باد نیز بر تو گریسته اند، و تمام موجوداتی که در طبقه بین سدرۃ المنتهی و کره خاک می باشند بر تو گریسته و جزع و ناله نموده اند.

متن:

ثم استلم القبر وقل:

«السلام عليك يا أبا عبد الله، يا حسين بن علي يا ابن رسول الله، السلام عليك يا حجة الله وابن حبيبته، أشهد أنك عبد الله وأمينه بلغت ناصحاً وأدبته أميناً، وقلت صادقاً، وقُبلت صديقاً، ففضيت شهيداً على يقين، لم تؤثر عمى على هدى، ولم تقل من حق إلى باطل، ولم تحب إلا الله وحده، وأشهد أنك كنت على بينة من ربك، بلغت ما أمرت به، وفقت بحقه، وصدقت من كان قبلك غيرواهن ولا مؤهين، فصلّى الله عليك وسلم تسليماً، جزاك الله من صديق خيراً، أشهد أن الجهاد معك جهاده وأن الحق معك وإليك وأنت أهلّه ومعدنه وميراث النبوة عندي وعند أهل بيتك، وأشهد أنك قد بلغت ونصحت، ووفيت وجاهدت في سبيل الله بالحكمة والموعظة الحسنة ومضيت للذي كنت عليه شهيداً ومُستشهداً ومُشهوداً، فصلّى الله عليك وسلم تسليماً، أشهد أنك طهر طاهر مطهر، من طهر طاهر مطهر، طهرت وطهرت أرض أنت بها، وطهر حرمك، أشهد أنك أمرت بالقيسط والعدل، ودعوت إليهما، وأشهد أن أمة قتلتك أشرار خلق الله وكفرته، وإني أستشفع بك إلى الله ربك وربّي من جميع دنوبي، وأتوجه بك إلى الله في جميع حوائجي ورغبتى، في أمر آخرتي ودنياي».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمه:

سپس دست به قبر بکش و بگو:

درود بر تو ای ابا عبدالله، ای حسین بن علی، ای پسر رسول خدا، درود بر تو ای حجت خدا و پسر حجت خدا، شهادت می‌دهم که تو بنده خدا و امین او هستی، تبلیغ کردی در حالی که به دیگران اندرز دادی و اداء کردی در حالی که امین بودی، مطالب را گفتی در حالی که راست گو بودی، و کشته شدی در حالی که بسیار راستگو بودی، پس از این جهان عبور کردی و شهید گشتی، در حالی که صاحب یقین بودی، نابینائی را بر هدایت اختیار نکردی، از حق به باطل میل نکردی، اجابت نکردی مگر خداوند را به تنهایی، و شهادت می‌دهم که تو بر حجتی از پروردگارت بودی، آنچه که مأمور به رساندنش شدی را تبلیغ فرمودی، و به حق آن قیام نمودی، و حجت‌های پیش از خود را تصدیق نمودی در حالی که هیچ سستی از خود نشان نداده و ابدأ آنها را توهین ننمودی، پس رحمت فرستاد خدا بر تو و سلام داد سلام دادنی، پاداش خیر دهد خدا به تو، شهادت می‌دهم که جهاد همراه تو جهاد می‌باشد، و حق با تو و به سوی تو می‌باشد، و تو اهل و مرکز آن می‌باشی، و میراث نبوت نزد تو و اهل بیت تو می‌باشد، و شهادت می‌دهم که تو تبلیغ نموده و نصیحت کردی، و به عهدت و فاء نمودی و در راه خدا با بیان حکمت و موعظه حسنه‌ای که نمودی جهاد کردی، و شهادت می‌دهم که تو گذشته‌ی و عبور نمودی بر آن طریق حقّی که داشتی در حالی که شاهد آنچه از این امت صادر شده بوده و خدا و رسول و فرشتگان شهادت می‌دهند که تو بر حق و طریق مستقیم بودی.

پس رحمت فرستاد خدا بر تو و سلام داد سلام دادنی، شهادت می‌دهم که تو نفس پاکی و پاک و پاکیزه شده‌ای، از نفس پاکی و پاک و پاکیزه شده می‌باشی،

پاک می‌باشی و زمینی که تو در آن هستی نیز پاک می‌باشد، و حرم تو نیز پاک است، شهادت می‌دهم که تو به عدل و میانه‌روی امر نموده و مردم را به این دو دعوت کردی، و شهادت می‌دهم گروهی که تو را کشتند بدترین مخلوقات خدا و از کافرین می‌باشد، و من جهت آمرزش تمام گناهانم تو را نزد خدایت و خدای خودم شفیع قرار می‌دهم، و به واسطه تو در تمام نیازمندی‌ها و خواسته‌هایم در ارتباط به امر دنیا و آخرت به طرف خدا روی می‌نمایم.

متن:

ثُمَّ ضَعَّ حَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَ قُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْقَبْرِ وَمَنْ فِيهِ وَبِحَقِّ هَذِهِ الْقُبُورِ وَمَنْ أَسْكَنْتَهَا، أَنْ تَكْتُبَ إِسْمِي عِنْدَكَ فِي أَهْلَائِهِمْ حَتَّى تُورِدَنِي مَوَارِدَهُمْ، وَتُضَيِّرَنِي مَصَادِرَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

و تقول: «رَبِّ أَفْحَمْتَنِي ذُنُوبِي وَقَطَعْتَ مَقَالَتِي، فَلَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ لِي، فَإِنَّا الْمَقْرُ بِذَنْبِي، الْأَسِيرُ بِسَلْبَتِي، الْمُرْتَهِنُ بِعَمَلِي، الْمَتَجَلِّدُ فِي حَاطِبَتِي، الْمُنْخَبِرُ عَنْ قَضَى، الْمُنْقَطِعُ بِي، قَدْ أَوْقَفْتَ نَفْسِي يَا رَبِّ مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْأَذِلَّةِ الْمَذْنِينَ، الْمُجْتَرِئِينَ عَلَيْكَ الْمُسْتَخْفِينَ بِوَعِيدِكَ، يَا سُبْحَانَكَ! أَيُّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ، وَأَيُّ تَغْرِيرٍ غَرَزْتُ بِنَفْسِي، وَأَيُّ سَكْرَةٍ أَوْ بَقْتَنِي، وَأَيُّ غَفْلَةٍ أَغْطَيْتَنِي، مَا كَانَ أَقْبَحَ سُوءٍ نَظَرِي، وَأَوْحَشَ فِعْلِي، يَا سَيِّدِي فَارْحَمْ كَيْتَوِي لِحُرُوجِي، وَزَلِّهِ قَدَمِي، وَتَغْفِرْ لِي فِي التُّرَابِ حُدًى، وَنَدَامَتِي عَلَى مَا قَرَّطَ مِنِّي، وَأَقْلَنِي عَثَرَتِي، وَارْحَمْ صُرْحَتِي وَعَثَرَتِي، وَاقْبَلْ مَغْذِرَتِي، وَعُذْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَبِإِحْسَانِكَ عَلَيَّ حَطِيئَاتِي، وَبِعَفْوِكَ عَلَيَّ، رَبِّ أَشْكُو إِلَيْكَ قَسَاوَةَ قَلْبِي، وَضَعْفَ عَمَلِي، فَاغْنِنِي بِمَسْئَلَتِي، فَإِنَّا الْمَقْرُ بِذَنْبِي،

الْمَعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي، وَ هَذِهِ يَدِي وَ نَاصِيَتِي، أَسْتَكَينُ لَكَ بِالنُّوْدِ مِنْ نَفْسِي،
فَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَ نَفْسَ كُرْبَتِي، وَ ارْحَمْ خُشُوعِي وَ خُضُوعِي وَ انْقِطَاعِي إِلَيْكَ
سَيِّدِي! وَ أَسْفَى عَلَى مَا كَانَ مِنِّي وَ تَمَرَّغِي وَ تَغْفِيرِي فِي تَرَابِ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّكَ
بَيْنَ يَدَيْكَ، فَأَنْتَ رَجَائِي وَ ظَهْرِي وَ عُدَّتِي وَ مُعْتَمِدِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس گونه راست خود را روی قبر گذار و بگو:

خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق این قبر و کسی که در آن است و به حق
این قبور و کسانی که در آنها ساکنشان کردی، اینکه نام من را نزد خودت در
اسماء ایشان ثبت و ضبط کرده تا وارد من به محل ورودشان و خارج من نمائی از
محل خروجشان، همانا تو بر هر چیز قادر و توانائی
و بگو:

بار خدایا من را در مقابل گناهانم مفحّم و بلاجواب قرار داده و گفتارم را قطع
کرده در نتیجه هیچ حجتی و عذری برای من نبوده و به گناهانم اقرار دارم، به
واسطه بلیّهای که خود فراهم کرده‌ام اسیر بوده و در گرو عمل و کردار خویش
می‌باشم، نهایت سعی و کوشش خود را گناهان و لغزش‌های خود نموده‌ام، از
مقصود و طریق مستقیم و امانده و متحیّر می‌باشم، درمانده و راه به رویم بسته
شده، پروردگارا خود را در جای اشیاء گمراه و خطاکار قرار داده‌ام، آنانکه بر تو
جبرنت کرده و عصیانّت را کرده، و به وعیدهای تو اعتناء نکرده و آنها را سبک
تلقی کرده‌اند، سبحان الله! چه جرئتی بر تو از خود نشان داده، و چه ضرری به
نفس خویش وارد کرده، و چه مستی من را هلاک نمود و چه غفلت و بی‌خبری
من را نابود نمود، چقدر کرب و زشت است بدنظری من و چقدر وحشت ناک

است کردار من، ای آقای من به خاطر رخسارم بر به روی افتادتم، و بر لغزش قدمم، و بر مالیدن صورتم را بر خاک و بر پشیمانیم بر آنچه از من صادر شده، رحم فرما، و از گناهم درگذر، و بر فریاد و اشکهای گردان در چشمم ترحم نما، و عذر من را بپذیر، و در مقابل جهل و نادانی من به حلم و بردباری خود برگرد، و در قبال خطاء و اشتباهاتم به احسانت عمل نما، و به عفو و بخششت با من رفتار کن، پروردگارا از سنگ دلی و ضعف کردارم به تو شکایت می کنم پس در مقابل سؤال و درخواستم عطاء نما، من به گناهم اقرار دارم، به خطاء خویش معترفم، این دست من و پیشانی من است که در اختیار تو گذارده تا از من قصاص نمائی، پس توبه من را بپذیر و حزن و اندوهم را برطرف کن، ای آقای من به خشوع و خضوع و جدا شدنم از غیر و وصل شدنم به تو ترخم نما، ای آسف و افسوس بر آنچه از من صادر شده و در تربت قبر پسر پیغمبرت در مقابل تو خود را غلطانده و به خاک آلوده نموده ام، تو امید و پشت و پناه و تکیه گاه من می باشی، نیست خدائی غیر از تو.

مثن:

ثُمَّ كَبَّرَ خَمْسَةً وَ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً، ثُمَّ تَرَفَعَ يَدَيْكَ وَ تَقُولُ:
 «إِلَيْكَ يَا رَبِّ صَمَدْتُ مِنْ أَرْضِي، وَإِلَى ابْنِ نَبِيِّكَ قَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءً
 لِلْمَغْفِرَةِ، فَكُنْ لِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ سَكَنًا وَ شَفِيعًا، وَ كُنْ لِي رَحِيمًا، وَ كُنْ لِي مُنْجَاً
 يَوْمَ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ [عِنْدَهُ] إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ، يَوْمَ لَا تَنْفَعُ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ،
 وَ يَوْمَ يَقُولُ أَهْلُ الضَّلَالَةِ: «مَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ» * وَ لَا صَدِيقَ حَسِيمٍ»،
 فَكُنْ يَوْمَئِذٍ فِي مَقَامِي بَيْنَ يَدَي رَبِّي لِي مُنْقِذًا، فَقَدْ عَظُمَ جُزْأِي إِذَا ارْتَعَدْتُ
 قَرَائِصِي، وَ أَخِذَ بِسَمْعِي، وَ أَنَا مُتَكَسِّرُ رَأْسِي بِمَا قَدَّمْتُ مِنْ سُوءٍ عَمَلِي، وَ أَنَا

عَارِكَمَا وَلَدْتَنِي أُمِّي، وَرَبِّي يَسْتَلْنِي فَكُنْ لِي يَوْمَئِذٍ شَافِعًا وَمُتَقِدًا، فَقَدْ أَغْدَدُ
تُكَّ لِيَوْمٍ حَاجَتِي وَيَوْمٍ فُقِرِي وَفَاقَتِي».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس سی و پنج مرتبه تکبیر گفته و پس از آن دو دست را بلند کرده و بگو:
ای پروردگارم، از سرزمین خود بسوی تو قصد نمودم، و به سوی پسر
پیغمبرت شهرها را پیمودم به امید اینکه گناهانم را ببامرزی، پس ای ولی خدا
تکیه گاه و شفیع من بوده، و نسبت به من مهربان و در روزی که نزد حق تعالی
شفاعت کنسی غیز از پسندیدگان در دربارش پذیرفته نمی شود همان روزی که
خود در قرآن به آن اشاره کرده و فرمود: یَوْمَ لَا تَنفَعُ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ، و همان
روز که اهل ضلال و گمراهی می گویند: مَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ و لا صَديقَ حَمِيمٍ،
نجات گاه و شفاعت کننده من باش، پس در این روز در مقابل پروردگارم برای
من نجات دهنده باش چه آنکه وقتی گوشت های بدنم بلرزند و گوشتم گرفته
شود و بواسطه اعمال زشت که از من صادر شده سرافکنده باشم و جرم و گناه
خود را بسیار بزرگ ببینم و در آن حال همچون روزی که مادر مرا زائیده لخت
و برهنه باشم و پروردگارم من را طرف سؤال و عتاب قرار دهد تو در آن وقت
شافع و نجات دهنده من باش، من تو را برای روز احتیاج و هنگام تهی دستی
و نیازم برای خود ذخیره کرده ام.

متن:

ثُمَّ ضَعْ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْقَبْرِ وَ تَقُولُ:
«اللَّهُمَّ اِرْحَمْ تَضَرَّعِي فِي تُرَابِ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّكَ، فَإِنِّي فِي مَوْضِعٍ رَحِمَهُ

یا رَبِّ».

و تقول: «بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَاتِلِكَ وَمِنْ سَالِكَ، يَا لَيْسَنِي كُنْتُ مَعَكَ، فَأَقُوزُ فَوْزاً عَظِيماً، وَأَبْذُلُ مُهْجَتِي فِيكَ، وَأَقِيكَ بِنَفْسِي، وَكُنْتُ فِيمَنْ أَقَامَ بَيْنَ يَدَيْكَ حَتَّى يُسْفِكَ دَمِي مَعَكَ فَأَظْفَرُ مَعَكَ، بِالسَّعَادَةِ وَالْقُوزِ بِالْجَنَّةِ».

و تقول: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ رَمَاكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ طَعَنَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ اجْتَرَأَ رَأْسَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَمَلَ رَأْسَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ نَكَتَ بِفَضِيهِ بَيْنَ ثَنَائِيكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَبْكَى نِسَائِكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَيْتَمَ أَوْلَادَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ عَلَيْكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَارَ إِلَيْكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَسَّكَ مَاءَ الثُّرَاتِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَشَّكَ وَخَلَّأَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ صَوْتَكَ فَلَمْ يُجِبْكَ لَعَنَ اللَّهُ ابْنَ أَكَلَةِ الْأَكْبَادِ، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَهُ وَأَعْوَانَهُ وَأَتْبَاعَهُ وَأَنْصَارَهُ ابْنَ سُمَيَّةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ جَمِيعَ قَاتِلِيكَ وَقَاتِلِي أَبِيكَ وَمَنْ أَعَانَ عَلَى قَتْلِكُمْ، وَخَشَا اللَّهُ أَجْوَأَهُمْ وَبَطُونَهُمْ وَقُبُورَهُمْ نَاراً، وَعَذَّبَهُمْ عَذَاباً أَلِيماً».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس گونه چپ را روی قبر گزارده و بگو:

خدایا به تضرع من در خاک قبر پسر پیغمبرت رحم فرما چه آنکه من درجای رحمت تو قرار گرفته‌ام ای پروردگار من.

و بعد بگو:

پدر و مادرم فدای تو ای پسر رسول خدا، من از کشنده تو و کسی که جامه از

بدنت بدر آورده به سوی خدا بی زاری می جویم، کاش با تو می بودم پس به رستگاری عظیمی نائل می شدم و خون قلبم را در راه تو ايثار می کردم و با بذل نفس تو را نگه می داشتم و کاش در میان کسانی بودم که در مقابل تو به جهاد برخاسته و از تو حمایت نمودند تا خونم با تو به زمین می ریخت و بدین ترتیب با تو به سعادت و رسیدن به بهشت دست می یافتم.

و بگو:

خدا لعنت کند کسی که به تو تیرانداخت، خدا لعنت کند کسی را که به تو نیزه زد، خدا لعنت کند کسی را که سر تو را برید، خدا لعنت کند کسی که سر تو را با خود حمل نمود، خدا لعنت کند کسی را که با چوب به وسط دندان های ثنایای تو زد، خدا لعنت کند کسی را که زنان تو را گریاند، خدا لعنت کند کسی را که فرزندان را یتیم نمود، خدا لعنت کند کسی را که دشمنان تو را کمک کرد، خدا لعنت کند کسی را که به منظور جنگ با تو سیر و سفر نمود، خدا لعنت کند کسی را که تو را از آب فرات منع کرد، خدا لعنت کند کسی را که به تو خیانت نمود و تنهایت گذارد، خدا لعنت کند کسی را که صدای تو را شنید و جوابت را نداد، خدا لعنت کند پسر خورنده جگرها را، و خدا لعنت کند فرزند و یاران و تابعین و مددکارانش و فرزند سمیه را، و خدا لعنت کند تمام کشتندگان تو و آنان که بر کشتنت کمک کردند، و خدا درون و دل ها و قبرهای ایشان را پر از آتش کند، و ایشان را عذابی دردناک نماید.

متن:

ثُمَّ تَسْبِيحٌ عِنْدَ رَأْسِهِ الْفَ تَسْبِيحَةٌ مِنْ تَسْبِيحِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ فَإِنْ أَحْبَبْتَ تَحَوَّلَتْ إِلَى عِنْدِ رَجُلِيهِ وَتَدْعُو بِمَا قَدْ فَتَرْتَ لَكَ ثُمَّ تَدُورُ مِنْ عِنْدِ رَجُلِيهِ إِلَى عِنْدِ رَأْسِهِ فَإِذَا أَرَعْتَ مِنَ الصَّلَاةِ سَبَّحْتَ وَالتَّسْبِيحِ

تقول:

«سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمَدَّتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْقُذُ مَا عِنْدَهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلَالَ لِقُفْرِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَاوِرُ أَحَدًا فِي أَمْرِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ».

ثم تحوّل عند رجليه وَضَعَ يَدَكَ عَلَى الْقَبْرِ وَقَالَ:

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، - ثَلَاثًا - وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدِّقُ قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَم بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسِنِ».

وتقول: اَللّهُمَّ رَبَّ الْأَرْبَابِ، صَرِّحْ الْأَخْيَارِ إِنِّي عَذْتُ مَعَاذًا، فَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، جِشْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَافِدًا إِلَيْكَ، أَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ، وَبِكَ يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِهِمْ، وَبِكَ يُدْرِكُ أَهْلُ الثَّوَابِ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ طَلِبَتَهُمْ، أَسْأَلُ وَلِيَّكَ وَوَلِيَّتَنَا أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكَ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي، اَللّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ تَنْصُرُهُ وَتَنْصُرُ بِهِ لِدِينِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

ثم تضع خدك عليه وتقول:

«اَللّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! اِشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ، اَللّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! اَطْلُبْ بِدَمِ الْحُسَيْنِ، اَللّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! اِنْتَقِمْ مِنْ رَضِيَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ! اَللّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! اِنْتَقِمْ مِنْ خَالَفَ الْحُسَيْنِ، اَللّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! اِنْتَقِمْ مِنْ فَرِحَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ»، وتبتهل الى الله في اللعنة على قاتل الحسين و امير المؤمنين (عليه السلام) و تسبح عند رجليه ألف تسبيحة من تسبيح فاطمة الزهراء (عليها السلام) فان لم تقدر فائة تسبيحة

و تقول:

«سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْفَاخِرِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَالْجَمَالُ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى آثَرَ الثَّمَلِ فِي الصَّفا، وَخَفَقَانَ الطَّيْرِ فِي الْمَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس نزدیک سر مبارک آن جناب هزار مرتبه تسبیح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را بگو، و اگر خواستی تسبیح حضرت را نگو تا پائین پاهای مبارک برسی و دعاء کن به آنچه بعداً برایت شرح خواهم داد (و محتمل است مراد دعاهائی باشد که قبلاً حضرت برای ابو حمزه ثمالی بیان فرمودند) بهر صورت پس از رسیدن به پائین پا و خواندن دعا دور بزن و خود را به نزدیک سر مبارک برسان و پس از فراغت از نماز تسبیح بگو و مراد از تسبیح، تسبیح امیرالمؤمنین علیه السلام است که به آن اشاره شد و آن اینست که بگوئی: منزّه است کسی که معالَم و نشانه‌های دالّه بر او کهنه شدنی نیست، منزّه است کسی که خزاننش کم شدنی نیست، منزّه است کسی که دوران سلطنتش منقرض شدنی نیست، منزّه است کسی که آنچه نزدش هست تمام شدنی نیست، منزّه است کسی که فخر و بزرگی او زائل شدنی نیست، منزّه است کسی که در کارهایش با کسی مشورت نمی‌کند، منزّه است کسی که معبودی غیر از او نمی‌باشد.

سپس به پائین پاهای مبارک منتقل شو و دست بر قبر بگذار و بگو:

درود و رحمت فرستد خدا بر تو ای اباعبدالله (سه مرتبه) صبر کردی و تو

راستگو و تصدیق شده‌ای، خدا بکشد کسانی را که تو را با دست‌ها و زبان‌هایشان کشتند.

و بعد بگو:

خداوندا ای صاحب صاحب‌ها، و ای پناه دهنده خوب‌ها، من پناه می‌آورم پناه آوردنی، پس من را از آتش دوزخ برهان، آمدم نزد تو ای فرزند رسول خدا در حالی که به سویت سفر نمودم، در تمام نیازمندی‌هایم چه امور اخروی بوده و چه دنیوی به خدا متوسل می‌شوم، و تمام متوسلین به خدا در جمیع نیازمندی‌هایشان تو را واسطه و وسیله قرار می‌دهند، و به واسطه تو بندگانی که اهل پاداش و اجر هستند مطلوب خود را درک می‌کنند، از ولی تو و ولی خود درخواست می‌کنم که بهره من از زیارت تو را صلوات بر محمد و آل محمد و آموزش گناهان من قرار دهد، خداوندا، ما را از کسانی قرار بده که تو آنها را یاری می‌کنی و بواسطه ایشان دینت را در دنیا و آخرت مدد می‌نمائی.

سپس صورت بر قبر بگذار و بگو:

خداوندا، ای پروردگار حسین، شفا بده سینه حسین را، خدایا، ای پروردگار حسین! خون خواهی خون حسین نما، خداوندا ای پروردگار حسین! از کسی که به قتل حسین راضی شد انتقام بکش، خداوندا ای پروردگار حسین! از کسی که مخالفت حسین را نمود انتقام بگیر، خداوندا، ای پروردگار حسین از کسی که کشته شدن حسین او را شاد و مسرور نمود انتقام بگیر، و در لعن نمودن بر قاتلین امام حسین و امیرالمؤمنین علیه السلام به خدا التماس و تضرع نما و در پائین پا هزار مرتبه تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلی الله علیها را بگو اگر نتوانستی آن را صد مرتبه بگو و آن تسبیح عبارتست از اینکه بگویی:

منزه است خدائی که صاحب عزت بوده و مقامش رفیع و عالی است، و منزه است خداوندی که صاحب جلال و بزرگی عظیم می‌باشد، منزه است خداوندی که صاحب سلطنت عظیم و قدیم می‌باشد، منزه است خداوندی که صاحب

پادشاهی و بزرگ می باشد، منزّه است کسی که لباس عزّت و زیبایی پوشیده، منزّه است کسی که با نور و وقار و بردباری آراسته و مزین گردیده، منزّه است کسی که اثر پای مور روی سنگ صاف را می بیند، منزّه است کسی که بال زدن پرندگان را در هوا می بیند، منزّه است کسی که او اینچنین بوده ولی غیرش چنین نمی باشد.

متن:

ثُمَّ صِرَ إِلَى قَبْرِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ - فَهُوَ عِنْدَ رَجُلٍ الْحُسَيْنِ (ع) - فَاذَا وَقَفْتَ عَلَيْهِ فَقُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَابْنَ خَلِيفَةِ رَسُولِ اللَّهِ، وَابْنَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ مُضَاعَفَةً، كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي مِنْ مَذْبُوحٍ وَمَقْتُولٍ مِنْ غَيْرِ جُزْمٍ، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي دَمُكَ الْمَرْتَقَى بِهِ إِلَى حَبِيبِ اللَّهِ، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي مِنْ مُقَدَّمٍ بَيْنَ يَدَيَّ أَيْبِكَ يَحْتَسِبُكَ وَيَتَكِي عَلَيْكَ، مُخْتَرِقًا عَلَيْكَ قَلْبُهُ، يَرْفَعُ دَمُكَ بِكَفِّهِ إِلَى أَغْنَانِ السَّمَاءِ لَا تَرْجِعُ مِنْهُ قَطْرَةٌ، وَلَا تَسْكُنُ عَلَيْكَ مِنْ أَيْبِكَ رَفْرَفَةٌ، وَدَعَاكَ لِلْفِرَاقِ، فَكَأَنَّكَ عِنْدَ اللَّهِ مَعَ آبَائِكَ الْمَاضِينَ وَمَعَ أُمَّهَاتِكَ فِي الْجَنَانِ مُنْتَعِمِينَ، أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَتْلِكَ وَذَبَحِكَ».

ثم انکب علی القبر و ضَعْ یدیک علیہ و قل:

«سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى عِزَّتِكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ وَأَبَائِكَ وَأُمَّنَاتِكَ وَأُمَّهَاتِكَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا،

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ، وَابْنَ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ، وَابْنَ الْحُسَیْنِ
ابْنِ عَلِیٍّ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ، لَعَنَ اللّٰهُ قَاتِلَكَ، وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ اسْتَخَفَّ
بِحَقِّكَ وَقَتْلِكَ، لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ بَقِيَ مِنْهُمْ وَمَنْ مَضَى نَفْسِ فِدَاؤُكُمْ وَلَضَّجِعُكُمْ،
صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْكُمْ وَسَلَّمَ تَسْلِیْمًا كَثِیْرًا».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس به طرف قبر علی بن الحسین بگرد، آن جناب پائین امام حسین (علیه السلام) می باشد پس وقتی مقابل قبرش ایستادی بگو:

درود بر تو ای فرزند رسول خدا و رحمت و برکات خدا بر تو باد، درود بر تو ای جانشین رسول خدا و پسر دختر رسول خدا، و رحمت و برکات خدا چند برابر بر تو باد، مادامی که خورشید طلوع کرده یا غروب می نماید درود بر تو و بر روان و بدن تو باد، پدر و مادرم فدای سر بریده و کشته ای باد که بدون گناهی او را کشتند، پدر و مادرم فدایت، خون تو بالا رفت و به نظر حبیب خدا رسید، پدر و مادرم فدای تو که در مقابل پدر شهید شده و پدرت تسلیم رضای خدا گشت و بر تو گریست، در حالی که قلب او بر تو آتش گرفت، خونت را به کف گرفت و به آسمان پاشید و قطره ای از آن به زمین برنگشت، و ناله و افغان در سوک تو از پدرت قطع نشد و آن حضرت آتی آرام نگشت، به منظور جدائی با تو وداع نمود، پس جایگاه شما دو نفر نزد خدا با پدران و گذشتگانان می باشد، و نیز همراه مادرانتان در بهشت به خوشگذرانی مشغولید، به سوی خدا بی زاری می جویم از کسی که تو را کشت و سر برید.

سپس تکیه بر قبر داده و دو دست را بر آن بگذار و بگو:

درود خدا و فرشتگان مقرب و انبیاء فرستاده و بندگان صالح بر تو ای سرور

من و فرزند سرور من، و رحمت و برکات ^{خدا} بر تو باد، رحمت فرستد خدا بر تو و بر دودمان و خاندان و پدران و فرزندان و مادران نیک و خوب تو، آنان که خداوند رجس و آلودگی را از ایشان برکنان داشت و پاکشان نمود پاک نمودنی، درود بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند امیرالمؤمنین و فرزند حسین بن علی، و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، خدا لعنت کند کشنده تو را، و خدا لعنت کند کسی که حق شما و کشتن شما را سبک شمرد، خدا لعنت کند باقی مانده و گذشتگان ایشان را، جانم فدای شما و فدای قبر شما باد، رحمت خدا و درود فراوانش بر شما باد.

متن:

ثُمَّ ضَعَّ خَدَّكَ عَلَى الْقَبْرِ وَقُلْ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ - ثَلَاثًا - يَا أَبَايَ أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَقَدْ أَعَانِدُ مَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي وَاخْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي، أَسْأَلُ اللَّهَ وَلِيِّكَ وَوَلِيَّيَ أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكَ عِشَى رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ - وَتَدْعُو بِنَا حَبِيبَتِ -».

ثُمَّ تَدُورُ مِنْ خَلْفِ الْحُسَيْنِ (ع) إِلَى عِنْدِ رَأْسِهِ وَصَلِّ عِنْدَ رَأْسِهِ رَكَعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى «الْحَمْدُ» وَ «تِس» وَ فِي الثَّانِيَةِ «الْحَمْدُ» وَ «الرَّحْمَنُ»، وَ إِنْ شِئْتَ صَلَّيْتَ خَلْفَ الْقَبْرِ، وَ عِنْدَ رَأْسِهِ أَفْضَلَ. فَإِذَا فَرَغْتَ فَصَلِّ مَا أَحْبَبْتَ إِلَّا أَنْ رَكَعَتِي الزِّيَارَةِ لَا بَدَّ مِنْهَا عِنْدَ كُلِّ قَبْرِ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الصَّلَاةِ فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنَّا أَسْتِئْذِنُ مُؤْمِنِينَ بِهِ، مُسْلِمِينَ لَهُ، مُغْتَصِمِينَ بِحَبْلِهِ عَارِفِينَ بِحَقِّهِ، مُقَرَّبِينَ بِفَضْلِهِ، مُسْتَبْصِرِينَ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَهُ، عَارِفِينَ بِالْهُدَى الَّذِي هُوَ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ مَنْ خَضَرَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، أَنِّي بِهِمْ مُؤْمِنٌ، وَأَنِّي بِمَنْ قَتَلْتَهُمْ كَافِرٌ،

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِّمَا اَقُوْلُ يِلْسَانِي حَقِيْقَةً فِي قَلْبِي، وَشَرِيْعَةً فِي عَمَلِي، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَهُ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَدَمٌ ثَابِتٌ، وَاثْبَتْنِي فِيْمَنْ اُسْتَشْهِدَ مَعَهُ، اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الَّذِيْنَ يَبْذُلُوْا نِفْمَتَكَ كُفْرًا، سُبْحَانَكَ يَا حَلِيْمٌ عَمَّا يَفْعَلُ الظَّالِمُوْنَ فِي الْاَرْضِ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ يَا عَظِيْمٌ، تَرَى عَظِيْمَ الْجَزْمِ مِنْ عِبَادِكَ فَلَا تَعْجَلُ عَلَيْهِمْ تَعَالَيْتَ يَا كَرِيْمٌ، اَنْتَ شَاهِدٌ غَيْرُ غَائِبٍ، وَعَالَمٌ بِمَا اُوْقِيْ اِلَى اَهْلِ صَفْوَتِكَ وَاجِبَاتِكَ مِنَ الْاَمْرِ الَّذِي لَا تَحْمِلُهُ سَمَاءٌ وَلَا اَرْضٌ وَلَوْ شِئْتَ لَا تَنْقُصَتْ مِنْهُمْ، وَلَا يَكُنْكَ ذُوْ اَنَاءَةٍ، وَقَدْ اَمْهَلْتَ الَّذِيْنَ اجْتَرَوْا عَلَيْنِكَ وَعَلَى رَسُوْلِكَ وَحَبِيْبِكَ، فَاَسْكَنْتَهُمْ اَرْضَكَ وَغَدَوْتَهُمْ بِنِفْمَتِكَ، اِلَى اَجَلٍ هُمْ بِالسَّغْوَةِ، وَوَقْتُ هُمْ صَارُوْنَ اِلَيْهِ، لِيَسْتَكْمِلُوْا الْعَمَلَ الَّذِي قَدَّرْتَ، وَالْاَجَلَ الَّذِي اَجَّلْتَ، لِتُغْلَدَهُمْ فِي مَحَطٍّ وَوَنَاقٍ وَنَارٍ [جَهَنَّمَ] وَحِمٍّ وَغَسَاقٍ، وَالضَّرِيْعَ وَالْاِخْرَاقِ، وَالْاَغْلَالِ وَالْاَوْتَاقِ، وَغَسْلِيْنٍ وَزَقُوْمٍ وَصَدِيْدٍ، مَعَ طُوْلِ الْمَقَامِ فِي اَيَّامٍ لَطْفٍ وَفِي سَرِّ اَلَّتِي لَا تُبْقَى وَلَا تَذُرُّ، وَفِي الْحَمِيْمِ وَالْمَجْمِيْمِ.

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس صورت بر قبر بگذار و بگو:

خدا تو را رحمت کند ای ابا الحسن (سه مرتبه) پدر و مادرم فدایت، نزد تو آدمم در حالی که زائر و مسافر تو بوده و از جنایات و ستم‌هایی که بر خود کرده‌ام و پشتم را سنگین نموده‌ام به تو پناهنده شده‌ام، از خدا که ولی تو و ولی من است درخواست دارم که بهره من از زیارتت را آزادی من از آتش دوزخ قرار دهد.

بعد هر دعائی که خواستی بکن و سپس از پشت قبر حضرت امام حسین (علیه السلام)

دور بزن و خود را به نزدیک سر مبارک آن حضرت برسان و دو رکعت نماز بالای سر خوانده، در رکعت اول حمد و یس و در رکعت دوم حمد و الرَّحْمَن قرائت کن و اگر خواستی نماز را پشت قبر بجای آور متهی بالای سر افضل و بهتر است و پس از تمام شدن نماز هر نماز دیگری خواستی بخوان متهی دو رکعت نماز زیارت را باید نزد هر قبری بخوانی و وقتی از خواندن نماز فارغ شدی دو دست را بلند کن و بگو:

خداوندا ما به نزد آن حضرت رسیدیم در حالی که به آن جناب ایمان داشته و تسلیمش هستیم، به ریسمان او چنگ زده‌ایم، و به حَقِّش آگاهیم، به فضلش اقرار داریم، به گمراه بودن آنانکه مخالفش را کردند اطلاع داریم، به طریق هدایتی که او بر آن است علم داریم، خداوندا تو و فرشتگان حاضرت را شاهد می‌گیرم که من به ایشان ایمان دارم، و به قاتلین ایشان کفر ورزیده و انکارشان می‌کنم، خداوندا برای آنچه به زبان می‌رانم در دلم حقیقت و واقعیتی، و در عملم شریعتی قرار بده و ضبط کن من را در زمره آنانکه با آن حضرت شهید شدند، خداوندا کسانی را که نعمت ایمان را به کفر تبدیل کردند لعنت کن، منزهی تو ای حلیم و بردبار از آنچه ستمکاران در زمین مرتکب می‌شوند، با برکت و بلند مرتبه‌ای ای بزرگ، بزرگی گناه را از بندگانت می‌بینی ولی در تأدیشان شتاب نمی‌کنی، بلند مرتبه‌ای ای با کرامت، تو شاهدی غیر غائب، و آگاهی به آنچه نسبت به برگزیدگان و دوستان انجام شده اعمال و افعالی که لطمات و صدمات ناشی از آنها را نه آسمان و نه زمین نمی‌توانند تحمل کنند، و اگر بخواهی از ایشان (فاعلین و عاملین ظلم) انتقام خواهی گرفت، ولی تو مهلت دهنده‌ای، به کسانی که بر تو و بر رسول و حبیب جبرئت نموده و ستم کرده‌اند مهلت داده‌ای، ایشان را در زمین خود ساکن گردانیده‌ای و بواسطه نعمت‌های پرورششان داده‌ای، و این مهلت هست تا زمانی که ایشان به آن رسیده، و تا هنگامی که به آن متقل شده، تا بدین وسیله عملی را که تقدیر نموده‌ای کاملاً انجام داده و زمانی

را که معین کرده‌ای فرا برسد، آن گاه ایشان را در طبقات پائین و در زیر زنجیرهای آتشی در آتش دوزخ می‌خند نمائی، و نیز آنها را در آب داغ و مایعی متعفن که از چرک و عرق اهل دوزخ جاری است غرقشان کنی، و نیز آنها در مکانی که ضریح (گیاهی است که دارای تیغ‌های بسیار بلند است) در آن روئیده و همراه آن دائم زبانه آتش شعله‌ور است گرفتار نمائی، و در زیر زنجیرها و ریسمانهای آتش محبوس کرده، و از عرق و زرد آبی که از گوشت بدن اهل دوزخ جریان دارد و نیز از زقوم جهنم به آنها بخورانی، در حالی که اقامتشان در دوزخ طولانی و همراه با شعله‌ور بودن آتش سخت جهنم می‌باشد، در جهنمی که شراره‌های آن از دوزخیان هیچ باقی نگذارده و تمام را سوزانده و محو نماید، و در آبی داغ و جهنمی سوزان جایشان دهی.



متن:

مُتَن تَنَكَّبَ عَلَى الْقَبْرِ وَ تَقُولُ: «يَا سَيِّدِي أَتَيْتُكَ زَائِراً مُؤَقَّراً مِنَ الذُّنُوبِ، أَتَقَرَّبُ إِلَى رَبِّي بِسُوءِ دِي إِلَيْكَ، وَبُكَائِي عَلَيْكَ، وَعَوِيلِي وَحَسْرَتِي وَأَسْفَى وَبُكَائِي وَمَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي رَجَاءُ أَنْ تَكُونَ لِي حِجَاباً وَ سَنْدَأً وَ كَهْفاً وَ حِزْزاً وَ شَافِعاً وَ قَايَةً مِنَ النَّارِ عَذَاباً، وَأَنَا مِنْ مَوَالِيكَمُ الَّذِينَ أَعَادَى عَدُوَّكُمْ وَأَوَالِي وَلِيِّكُمْ، عَلَى ذَلِكَ أَخِيَا وَعَلَيْهِ أُمُوتُ، وَعَلَيْهِ أُبْعَثُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَقَدْ أَشْخَصْتُ بَدَنِي وَوَدَّعْتُ أَهْلِي وَبَعْدْتُ شَقِي، وَأَوْمَلُ فِي قُرْبِكُمْ النَّجَاةَ، وَأَرْجُو فِي إِيَابِكُمْ الْكَرَّةَ، وَأَطْمَعُ فِي السَّظَرِ إِلَيْكُمْ وَإِلَى مَكَانِكُمْ عَذَاباً فِي جَهَنَّمَ رَبِّي مَعَ آبَائِكُمُ الْمَاضِينَ».

و تقول: «یا ابا عبدالله یا حسین، ابن رسول الله، جشک مُشَشَفِعا بِکَ اِلَى الله، اَللهُمَّ اِنِّی اَسْتَشْفِعُ اِلَیْکَ بِوَلَدِ حَبِیبِکَ، وَبِامْلَانِکَ الَّذِینَ

يَضْجُونَ عَلَيْهِ وَيَبْكُونَ وَيَضْرَحُونَ، لَا يَنْقُتُونَ وَلَا يَسْأُمُونَ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِكَ مُشْفِقُونَ، وَمِنْ عَذَابِكَ حَذِرُونَ، لَا تُغَيِّرُهُمُ الْآيَامُ، وَلَا يَنْهَمُونَ مِنْ تَوَاجِيهِ الْحَرِّ يَشْهَتُونَ، وَسَيِّدُهُمْ يَرَى مَا يَصْنَعُونَ، وَمَا فِيهِ يَتَقَلَّبُونَ، قَدِ انْهَمَلَتْ مِنْهُمْ الْعُيُونُ فَلَا تَرَقُّ، وَاشْتَدَّ مِنْهُمْ الْحُزْنُ بِحُرْقَةٍ لَا تُطْفَأُ.

ثم ترفع يديك وتقول:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْئَلَةَ الْمِسْكِينِ، الْمُسْتَكَينِ الْغَلِيلِ الذَّلِيلِ الَّذِي لَمْ يُرِدْ بِمَسْئَلَتِهِ غَيْرَكَ، فَإِنْ لَمْ تُدْرِكْهُ رَحْمَتُكَ عَطِبَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُدَارِكَنِي بِلطْفٍ مِنْكَ وَأَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ سَائِلَكَ، وَتُعْطِي الْمُغْفِرَةَ وَتَغْفِرُ الذُّنُوبَ، فَلَا أَكُونُ أَهْوَنَ خَلْقِكَ، وَلَا أَكُونُ أَهْوَنَ مَنْ وَقَدِ إِلَيْكَ بِابْنِ حَبِيبِكَ، فَإِنِّي أَمَلْتُ وَرَجَوْتُ، وَطَمِعْتُ وَرَزْتُ وَاعْتَرَبْتُ، رَجَاءً لَكَ أَنْ تُكَافِئَنِي إِذَا أَخْرَجْتَنِي مِنْ رَحْطِي، فَأَذِنْتَ لِي بِالسَّيْرِ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ رَحْمَةً مِنْكَ، وَتَفَضُّلاً مِنْكَ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس نکیه بر قبر داده و بگو:

ای سرور من به نزد تو آمدم در حالی که زائر تو هستم و پشته باری از گناه را می کشم، سفر خود به سوی تو را وسیله قرار دادم که به پروردگارم نزدیک شوم، و نیز به واسطه گریستن بر تو و با صدای بلند زاری نمودن و حسرت و تأسف خوردن و گریه کردن بر حال خویش به خدا تقرب می جویم، بر خود خوف و هراسی نداشته زیرا امیدوارم که تو برای من حجاب و نکیه گاه و پناهگاه،

و جایگاه امن و نگاه دارنده از آتش دورخ بوده و در فردای قیامت حافظ من از جهنم باشی، و من از دوستان شما هستم آنان که با دشمنانتان دشمن و با دوستانتان دوست هستند، بر این طریق زنده بوده و بر آن خواهم مُرد، و انشاءالله بر آن مبعوث شده و پس از مردن زنده خواهم شد، همانا بدن و جسم خویش را به تعب انداخته و با اهل خود وداع نموده و سفرم به درازا کشیده، و در قرب وجوار شما آرزوی نجات دارم، و در آمدن به محضر شما امیدوارم که در زمان رجعت باز گردم و در نظر کردن بر شما و به مکانتان طمع دارم که در فردای قیامت با پدران و سلف گذشته شما در بهشت باشم.

و سپس بگو:

ای ابا عبدالله، ای حسین فرزند رسول خدا، نزد تو آمدم در حالی که شما را شفیع بین خود و خدا قرار دادم، بار خدایا من فرزند حبیب را شفیع خود بسوی تو قرار دادم، و فرشتگان را نیز شفیع خویش نمودم، فرشتگانی که: بر آن حضرت ضجه زده و ناله نموده و گریسته و فریاد می کنند، و از زاری و گریستن سستی به آنها راه نیافته و از آن بدحال نشده و از ترس تو بیمناک و هراسان هستند، و از عذاب تو برحذر می باشند، گذشت ایام آنها را تغییر نداده، و در حالی که پیوسته جیق می زنند از اطراف حنجر (حرم سید الشهداء علیه السلام) دور نمی شوند، و سرور و آقای ایشان عمل و حرکت آنها را می بینند، لایق قطع چشمهایشان اشک ریخته و خشک نمی گردد حزن ایشان شدت پیدا کرده و سوزش و گرمی آن افزون شده و هرگز آرام و خاموش نمی شود.

سپس دو دست خود را بلند کن و بگو:

خدایا از تو درخواست می کنم درخواست شخص بی چیز و ذلیل را، درخواست شخص علیل و خواری را که با درخواستش غیر تو را قصد نمی کند، پس اگر رحمت تو شامل حالش نشود هلاک می گردد، از تو درخواست می کنم که لطف خود را شامل حالم بنمائی، تو کسی هستی که سائل را ناامید نمی کنی،

مغفرت را شامل بندگان کرده و از گناهان می‌گذری، ای سرور من نیستم
صبورترین و نرم‌ترین خلق تو بر تو، و نیستم نرم‌ترین کسی که پسر حبیبیت را به
درگاهت واسطه آورده باشم، من آروز و امید دارم، طمع داشته و به زیارت آمده
و وطن را ترک کرده‌ام، امید به تو دارم که در مقابل جبران می‌کنی زیرا من را از
منزل بیرون آورده، پس اذن دادی که به این مکان بیایم و این رحمتی است از تو،
و تفضلی است از جانب تو به من ای بخشنده مهربان.

متن:

وَاجْتَهِدْ فِي الدَّعَاءِ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ، وَ أَكْثَرْ مِنْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ تَخْرُجُ
مِنَ السَّقِيفَةِ وَ تَقِفُ بِحِذَاءِ قُبُورِ الشَّهَدَاءِ وَ تَوَسَّى إِلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ تَقُولُ:
«الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ
مِنْ أَهْلِ دِيَارِ الْمُؤْمِنِينَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ،
الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ
رَسُولِهِ، وَ أَنْصَارَ أُمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَنْصَارَ ابْنِ رَسُولِهِ وَ أَنْصَارَ دِينِهِ،
أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ
رَبِّيُونَ كَثِيرًا وَ هُمَا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا
وَمَا اسْتَكَاثُوا»، فَمَا ضَعُفْتُمْ وَ مَا اسْتَكَاثْتُمْ حَتَّى لَقِيتُمْ اللَّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ،
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَبْدَانِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ، أَبَشِّرُوا بِمَوْعِدِ
اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ وَ لَا تَبْدِيلَ، إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ وَعْدَهُ، وَ اللَّهُ مُدْرِكُ
بِكُمْ تَارَةً وَ عَدَكُمْ، أَنْتُمْ خَاصَّةُ اللَّهِ اخْتَصَّكُمْ اللَّهُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنْتُمْ
الشَّهَدَاءُ، وَأَنْتُمْ السُّعْدَاءُ سُعِدْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَفَزْتُمْ بِالدَّرَجَاتِ مِنْ جَنَاتِ
لَا يَطْفَعُنْ أَهْلُهَا وَ لَا يَهْرُمُونَ، وَ رَضُوا بِالْقَامِ فِي دَارِ السَّلَامِ، مَعَ مَنْ

نَصَرْتُمْ، جَزَاكُمْ اللَّهُ خَيْرًا مِنْ أَغْوَانٍ جَزَاءَ مَنْ صَبَرَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَتَجَزَّ اللَّهُ مَا وَعَدَكُمْ مِنَ الْكَرَامَةِ فِي جَوَارِهِ وَدَارِهِ مَعَ
 النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، أَسْأَلُ اللَّهَ
 الَّذِي حَمَلَنِي إِلَيْكُمْ حَتَّى أَرَانِي مَصَارِعَكُمْ أَنْ يُرِيَنِيكُمْ عَلَى الْخَوْضِ رَوَاءَ
 مَزَوِيَيْنِ، وَيُرِيَنِي أَعْدَائَكُمْ فِي أَشْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، فَإِنَّهُمْ قَتَلُوكُمْ
 ظُلْمًا وَأَرَادُوا إِمَاطَةَ الْحَقِّ، وَسَلَبُوكُمْ لِابْنِ سُمَيَّةَ وَابْنَ آكِسَةَ الْأَكْبَادِ،
 فَاسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِيَنِيهِمْ ظِلَاءَ مُظْمَنِينَ مُسَلْسَلِينَ مُغْلَلِينَ يُسَاقُونَ إِلَى
 الْجَحِيمِ، أَسْلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَأَنْصَارِ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ مِنِّي مَا
 بَقِيََتْ [وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ]، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَائِمًا إِذَا قُيِّتُ وَبُلِيَتْ، هَلْ
 عَلَيْكُمْ أَى مُصِيبَةٍ أَصَابَتْ كُلَّ مَوْلَى يَلْمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، لَقَدْ عَظُمَتْ
 وَخُصَّتْ وَجَلَّتْ وَعَمَتْ مُصِيبَتُكُمْ، أَنَا بِكُمْ لَمَزَعٌ، وَأَنَا بِكُمْ لَمُوجِعٌ
 مَحْزُونٌ، وَأَنَا بِكُمْ لِمَصَابٍ مَلْهُوفٌ، هَنِيئًا لَكُمْ مَا أُعْطِيْتُمْ، وَهَنِيئًا لَكُمْ مَا
 بِهِ حُيِّيتُمْ، فَلَقَدْ بَكَتْكُمْ الْمَلَائِكَةُ وَحَفَّتْكُمْ وَسَكَنَتْ مُعَسَّكَرُكُمْ، وَحَلَّتْ
 مَصَارِعُكُمْ، وَقَدَّسَتْ وَصَفَتْ بِأَجْنَحَتِهَا عَلَيْكُمْ، لَيْسَ لَهَا عَنْكُمْ فِرَاقٌ إِلَى
 يَوْمِ التَّلَاقِ، وَيَوْمَ الْحُشْرِ وَيَوْمَ الْمُنْشَرِ طَافَتْ عَلَيْكُمْ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ،
 وَبَلَّغَتْكُمْ بِهَا شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَتَيْتُكُمْ شَوْقًا، وَزَرْتُكُمْ خَوْفًا، أَسْأَلُ
 اللَّهَ أَنْ يُرِيَنِيَكُمْ عَلَى الْخَوْضِ وَفِي الْجَنَانِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ،
 وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَاكَ زَفِيحًا».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمه:

و در خواندن دعاء بقدری که قدرت داری سعی کن و زیاد بخوان سپس از آن محوطه سر پوشیده بیرون بیا و در مقابل قبور شهداء بایست و در حالی که به تمامشان اشاره می کنی بگو:

درود بر شما و رحمت خدا و برکاتش بر شما، درود بر شما ای اهل گورها که از دیار اهل ایمان می باشید، درود بر شما بواسطه صبر و بردباری که نمودید پس خوشا به پایان زندگی دنیای شما، درود بر شما ای دوستان خدا، درود بر شما ای یاران خدا و یاران رسول خدا و یاران امیر المؤمنین، و یاران فرزند رسول خدا و یاران دین خدا، شهادت می دهم که شما یاران خدا هستید همان طوری که خداوند عزوجل فرمود:

وَكَأَيُّنَ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِثْيُونٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا، پس شما ضعیف و ناتوان نشدید، تا خدا را بطریق حق که داشتید ملاقات نمودید، رحمت فرستد خدا بر شما و بر روان و بر بدن و جسد های شما، بشارت باد شما را به وعده ای که خدا داده و تخلف و تبدیل در آن نمی باشد، چه آنکه حقتعالی خُلف وعده نخواهد نمود، و خدا به سبب شما تقاص خونی را که وعده داده خواهد نمود، شما برگزیده های خدا هستید، که اختصاصتان داد به حضرت ابی عبدالله (ع)، شما شهیدان و سعادتمندانی هستید که نزد خدا به سعادت نائل شدید و رسیدید به درجات عالی بهشت «که اهل آن هرگز از آن کوچ نکرده و پیر و فرسوده نمی شوند، و خشنودند به اقامه نمودن در دار السَّلام» در حالی که با کسی هستید که نصرتش نمودید، خدا به شما یاران و اعوان پاداش خیر دهد پاداش کسانی را که با رسول خدا (ص) صبر نمودند، خداوند وفا کرد به آنچه وعده به شما نمود و کرامت در جوارش و سکونت در

خانه‌اش با انبیاء و مرسلین و امیرالمؤمنین علیه السلام را که رهبر گروه و امتی است که دست و پا و رویشان سفید و درخشان می‌باشد نصیب نمود، درخواست می‌کنم از خدائی که من را بسوی شما واداشت و رهسپار نمود و مصارع و مقتل شما را به من نشان داد اینکه نشان دهد به من شما را بر حوض کوثر در حالی که سیراب می‌باشید، و نشان دهد دشمنان شما را در پائین‌ترین درکات جهنم، زیرا ایشان شما را ظالمانه کشتند و قصدشان از این فعل شنیع از بین بردن حق بود، و جامه‌های شما را از تن درآورده و برای فرزند سمیه و پسر خورنده جگرها بردند، پس از خدا درخواست می‌کنم اینکه ایشان را بمن نشان بدهد در حالی که سخت تشنه بوده و به زنجیر و غل کشیده شده باشند، و بطرف جهنم آنها را بکشانند، درود بر شما دائماً هنگامی که فانی و پوسیده شده باشم، حسرت و افسوس می‌خورم بر شما، چه مصیبتی بر هر یک از نزدیکان و خویشان محمد و آل محمد وارد شد!

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

هرآینه بزرگ و اختصاص و گسترده می‌باشد مصیبت شما، من برای شما جزع و ناله می‌کنم، و بخاطر شما دردمند و محزونم، و بواسطه مصیبت‌های وارده بر شما مصیبت زده و در حیرتم، گوارا باد شما را آنچه داده شده‌اید، و گوارا باد بر شما آنچه به آن تحیت گفته شده‌اید، همانا فرشتگان بر شما گریسته و اطراف شما را گرفته و در لشکرگاه شما سکونت اختیار کرده، و در قتلگاه شما فرود آمده، و تقدیستان نموده و بالهایشان را بر شما گسترده‌اند، ایشان تا روز قیامت از شما جدا نخواهند شد، و در روز حشر و نشر بر گرد شما طواف کرده و دور می‌زنند و این رحمتی است از جانب حق تعالی، و شما به واسطه این رحمت به شرف دنیا و آخرت رسیده‌اید، نزد شما آمدم با شوق و زیارت‌تان کردم با خوف و هراس، از خدا می‌خواهم که شما را در حوض کوثر به من نشان دهد و در بهشت با انبیاء و مرسلین و شهداء و صالحین باشید، و نیک رفیقانی هستند ایشان.

متن:

ثم دُر في الحائر وانت تقول:

«يا من اليه وفدت، وإليه خرجت، وبه استجزت، وإليه قصدت،
 وإليه بابن نبيه تفرغت، صل على آل محمد محمد، ومن على الجنة،
 وفك رقبتي من النار، اللهم ارحم غزيتي وبغدي داري، وارحم مسيري
 إليك وإلى ابن حبيبك وأقربني مطلقاً مطلقاً قبلت مغدري وحضوعي
 وخشوعي عند إمامي وسيدي ومولاي، وارحم صرختي وبكائي وهمتي
 وجزعتي وخشوعي وحزني، وما قد باشر قلبي من الجزع عليه، فينعمتِكَ عليَّ
 وبطفتِكَ لي خرجتُ إليه، وبثقتُ بك إيتاي، وصرفك المحذور عني
 وكلايتك بالليل والنهار لي، وبحفظك وكرامتك إيتاي، وكلُّ بحر قطعته
 وكلُّ وادٍ وفلاةٍ وسلكتها، وكلُّ منزل نزلته، فأنت حملتني في البر والبحر،
 وأنت الذي بلغتني ووقفنتي وكفيتني، وبفضل منك ووقاية بلغت، وكانت
 المنة لك عليَّ في ذلك كله، وأثرى مكنوب عندك واسمي وشخصي،
 فلك الحمد على ما أبليتني واضطنعت عندي، اللهم فارحم فزقي منك،
 ومقامي بين يديك وتلق وأقبل مني تسو لي إليك بابن حبيبك،
 وصفوتك وخيرتك من خلقتك وتوجهي إليك، وأقبلني عنرتي، وأقبل
 عظيم ما سلف مني، ولا يمتنعك ما تعلم مني من العيوب والدنوب
 والإشراف على نفسي، وإن كنت لي ما قبلت فارض عني، وإن كنت عليَّ، ساجداً
 قنيت عليَّ إنك عليَّ كل شيء قدير، اللهم اغفر لي ولوالدي وأزمتها كما
 رباني صغيراً وكبرها عني خيراً، اللهم اجزها بالإحسان إحساناً
 وبالسَّيئات عُفواناً، اللهم أدخلها الجنة برحمتك، وحرم وجوهها عن

عَذَابِكَ، وَبَرِّدْ عَلَيْهِمَا مَضَاجِعَهُمَا، وَأَفْسَحْ لَهَا فِي قَبْرِيهَا، وَعَرِّفْنِيهَا
فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَجَوَارِحِيكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلَّمَ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس به دور حائر بگرد در حالی که می‌گویی:

ای کسی که به سویش سفر کرده‌ام و به جانبش از شهر خود خارج گشته‌ام
و به او پناه آورده‌ام و به طرفش عزم نموده‌ام، و به سویش به واسطه پسر پیامبرش
تقرّب جسته‌ام، درود بفرست بر محمد و آل محمد با داخل نمودن من به بهشت
منت بر من بگذار و از آتش جهنم رهایم نما، بار خدایا به غربت و دور بودن
منزلم ترحم فرما، و به واسطه سیر و سفر کردنم به سوی تو و پسر حبیبیت من را
مورد مهربانی و ترحم خویش قرار بده، من را رستگار و سعادت‌مند بگردان، عذر
من را پذیرفتی و تواضع و فروتنی من نزد امام و سرور و آقایم را مورد قبول قرار
بده، به فریاد و گریه و حزن و افغان و تضرع و اندوهم رحم کن، و نیز به جزع
و بی‌تابی قلبم ترحم فرما، من به واسطه نعمتی که نصیب نموده و لطفی که در
حکم رواداشتی به سوی تو از منزلم خارج شده‌ام، و نیز سفرم به سوی تو مرهون
تقویتی است که تو من را نموده و به من قدرت داده‌ای، و موانع و مشکلات را از
من دور کرده‌ای و در شب و روز حفظم کرده‌ای و مورد کرامت قرارم داده‌ای،
و هر دباری را که طی کرده و هر بیابان و خشکی را که پیمودم و هر منزلی را که
فرود آمده‌ام به واسطه عنایت و لطف تو بوده، تو من را در خشکی و بیابان و آب
و دریا رهبری کردی، و تو من را به مقصد رسانده و توفیق داده و اسباب را در
اختیارم نهادی و کفایت کردی و به واسطه فضل تو و حفاظت از من به مقصد

خود رسیدم و در تمام این عنایات و الطاف منت تو بر من ثابت است و فعل
و اسم و شخص من نزد تو مکتوب و مضبوط می باشد، پس حمد و سپاس تو
را است بر نعمتهائی که به من داده و بدین ترتیب من را آزمودی و مورد احسان
و کرامت قرار دادی، بار خدایا به دوری من از تو و مرتبه ام نزدت و چرب زبانی
رحم فرما، متوسل شدم را به خود به واسطه فرزندان حبیب و اختیار شده
و برگزیده ات از خلق بپذیر، خداوندا روی نمودن و توجهم به خودت را قبول
نما، خدایا لغزش هایم را عفو نما، گناهان بزرگ را که در گذشته از من سرزده
بیخش، و عیوب و گناهان و ستم هائی که به خود کرده ام و تو از آنها آگاهی مانع
آمزش تو نشوند، و اگر از قبايح من در غضب هستی از من راضی شو، و اگر بر
من خشمگین هستی توبه ام را قبول کن و از من درگذر، همانا تو بر هر چیز قادر
هستی، خداوندا من و پدر و مادرم را بیامرز، و به ایشان ترحم فرما همانطوری که
ایشان در طفولیت و کودکی به من ترحم کرده و تربیت نمودند و از طرف من به
ایشان پاداش نیک عطاء فرما، خداوندا بواسطه احسانشان به من، تو نیز به ایشان
پاداش بده و به آنها احسان نما در مقابل بدی هایشان آنها را بیامرز، خداوندا به
واسطه رحمت و اسمعات ایشان را به بهشت داخل کن و صورتشان را از مقابل
شدن با عذابت بر حذر دار و خنک و خوش نما خوابگاهشان را و در قبرشان
وسعت بده و به من نشان بده که ایشان را در رحمت مستقر فرموده ای و در
جوار حبیبیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) قرار داده ای.

﴿الباب الثمانون﴾

﴿كيف الصلاة عند قبر الحسين﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ، وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ نَاجِيَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: صَلَّى عِنْدَ رَأْسِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام».



﴿باب هشادم﴾

﴿كيفيت خواندن نماز نزد يك قبر حضرت امام حسين عليه السلام﴾

ترجمه:

﴿حديث اول﴾

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن خالد برقي و محمد بن عبدالله، از پدرش عبدالله بن جعفر حميري، از ابی عبدالله برقي، از جعفر بن ناجیه، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند:

نزد سر قبر حضرت امام حسين عليه السلام نماز بگذار.

متن:

۲- وَحَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَعَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ؛ وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرٍ؛ وَآيُوبَ بْنِ نُوحٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

المغيرة، عن ابي اليسع «قال: سأل رجل ابا عبدالله عليه السلام - وأنا أسمع - قال: إذا أتيت قبر الحسين عليه السلام أجعله قبلة إذا صليت؟ قال: تَنَحَّ هَكَذَا ناحية».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و على بن الحسن، و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از موسی بن عمر و ایوب بن نوح از عبدالله بن مغیره، از ابی الیسع، وی می گوید:

شخصی از حضرت ابا عبدالله عليه السلام سؤال کرد و من می شنیدم، وی عرض کرد: هرگاه به زیارت قبر امام حسین عليه السلام رفتم هنگام نماز آیا قبر را قبله و مقابل خود قرار بدهم؟

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

حضرت فرمودند:

از قبر فاصله بگیر و دور شو.

متن:

۳- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: إذا فرغت من التسليم على الشهداء انت قبر الحسين عليه السلام، ثم تجعله بين يديك ثم تصلي ما بدالك».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین رحمه الله عليه، از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن ابی نجران، از یزید بن اسحاق، از حسن بن عطیة، از ابی عبدالله عليه السلام، حضرت

فرمودند:

هرگاه از سلام دادن به شهداء فارغ شدی به نزد قبر حضرت امام حسین علیه السلام برو و آن را در مقابل خود قرار بده سپس هرچه خواستی نماز بخوان.

متن:

۴- و عنه، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن فضال، عن علی بن عقبه، عن عبیدالله بن علی الحلّی، عن أبی عبد الله علیه السلام، «قال: قلت: أُنَا نزور قبر الحسين علیه السلام فكيف نُصلّي عنده؟ قال: تقوم خلفه عنه كتفيه، ثمّ تصلّي على التّبی علیه السلام و تصلّي على الحسين علیه السلام».

حدیث چهارم

ترجمه:

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن فضال، از علی بن عقبه، از عبیدالله بن علی حلّی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، و می گوید: محضر امام علیه السلام عرض کردم:

ما به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می رویم چگونه در آنجا نماز بخوانیم؟

حضرت فرمودند:

پشت قبر نزد دو کتف و شانه های آن حضرت بایست سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسین علیه السلام نماز بگذار.

متن:

۵- حدّثنی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحُسین، عن ایوب بن نوح و غیره، عن عبد الله بن المغیره قال: حدّثنا أبو الیسع «قال: سنل رجل

أبا عبد الله علیه السلام - وَأَنَا أَسْمَعُ - عَنِ الْفُضْلِ إِذَا أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام، قَالَ: اجْعَلْهُ قَبْلَةً إِذَا صَلَّيْتَ؟ قَالَ: تَنْعَ هَكَذَا نَاحِيَةً، قَالَ: أَخَذَ مِنْ طِينِ قَبْرِهِ وَيَكُونُ عِنْدِي أَطْلُبُ بَرَكَتَهُ؟ قَالَ: نَعَمْ - أَوْ قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ -».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از ایوب بن نوح، و غیرش از عبدالله بن مغیره، وی گفت:

ابوالسع برای ما نقل نمود و گفت:

من می شنیدم که شخصی از حضرت ابا عبدالله علیه السلام راجع به غسل زیارت

حضرت ابا عبدالله علیه السلام پرسید و بعد عرضه داشت:

وقتی نماز می گذارم آیا قبر آن حضرت را قبله قرار بدهم؟

حضرت فرمودند:

از قبر دور شو و در ناحیه دیگر نماز بخوان.

عرض کرد: از گلی قبر بردارم و به عنوان برکت نگه دارم؟

حضرت فرمودند:

بلی یا فرمودند: اشکالی ندارد.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ يَا أَبْنُ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ يُزَارُ وَالِدُكَ؟ قَالَ: فَقَالَ:

نعم، و یصلی عنده، و قال: یصلی خلفه و لا یتقدم».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم وی گفت: هشام بن سالم برایم نقل کرد که شخصی محضر مبارک امام صادق علیه السلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد:

ای پسر رسول خدا آیا پدر شما زیارت شود؟

حضرت فرمودند:

بلی و نزد قبرش نماز نیز خوانده شود.

و حضرت افزودند:

نماز پشت قبر خوانده شود و نباید بر آن تقدم جویند.

مترجم گوید:

مقصود اینست که جلو قبر و مقدم بر امام علیه السلام نباید نماز خواند.

﴿ الباب الحادی و الثمانون ﴾

﴿ التَّصْمِيمُ فِي الْفَرِيضَةِ وَالرَّخْصَةِ وَالتَّطَوُّعِ ﴾

﴿ عِنْدَهُ وَجَمِيعِ الْمَشَاهِدِ ﴾

متن:

۱ - حدیثی ابی؛ و محمد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن ابان، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد الجوهري، عن علي بن ابي حمزة «قال: سألت العبد الصالح، عن زيارة قبر الحسين بن علي عليه السلام،

فقال: ما أحب لك تركه، قلت: ما ترى في الصلاة عنده و أنا مقصر؟ قال: صل في المسجد الحرام ما شئت تطوعاً، و في مسجد الرسول ما شئت تطوعاً، و عند قبر الحسين عليه السلام، فأني أحب ذلك، قال: و سألته عن الصلاة بالنهار عند قبر الحسين عليه السلام تطوعاً، فقال: نعم».

﴿ باب هشاد و یکم ﴾

﴿ قصر شدن نماز واجب و رخصت در خواندن نماز مستحبی ﴾

﴿ در حائر و تمام مشاهد مشرفه ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد جوهری، از علی بن ابی حمزة نقل کرده که وی گفت: راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام از عبد صالح رضی الله عنه پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

دوست ندارم آن را ترک کنی.

عرض کردم: چه می فرمائید راجع به نماز خواندنم در آنجا و حال آنکه نمازم

شکسته و قصر می باشد؟

حضرت فرمودند:

در مسجد الحرام و در مسجد الرسول و نزد قبر حضرت امام حسین علیه السلام آنچه

نماز مستحبی خواستی بخوان و من آن را دوست می دارم.

وی می گوید: از آن حضرت پرسیدم: آیا نزد قبر حضرت امام حسین علیه السلام در

روز نماز مستحبی بخوانم؟

حضرت فرمودند: بلی.

متن:

۲- حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْمَوْسَوِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيَكٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَبِمَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ وَأَنَا مُقَصِّرٌ، قَالَ: تَطَوُّعٌ عِنْدَهُ وَأَنْتَ مُقَصِّرٌ مَا شِئْتَ، وَفِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَفِي الْمَسْجِدِ الرَّسُولِ وَفِي مَشَاهِدِ النَّبِيِّ عليه السلام فَإِنَّهُ خَيْرٌ».

﴿ حَدِيث دَوَم ﴾

متن:

جعفر بن محمد بن ابراهيم موسوی، از عبدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از حضرت ابی الحسن عليه السلام وی می گویند: از آن جناب پرسیدم: در وقتی که مسافر بوده و نمازهایم را شکسته می خوانم آیا در جوار قبر امام حسین عليه السلام و مکه و مدینه می توانم نماز مستحبی بخوانم؟
حضرت فرمودند:

در جوار قبر امام حسین عليه السلام و در مسجد الحرام و مسجد الرسول و در مشاهد النبی عليه السلام آنچه نماز مستحبی خواستی بخوان زیرا آن عمل خیر و پسندیده ای می باشد.

متن:

حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ابْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ؛ وَابْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ جَمِيعاً، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام مِثْلَهُ.
حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ -، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ حَكِيمِ الْخَثْعَمِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ

عبد الحمید، عن ابی الحسن علیه السلام مثله.

ترجمه:

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابن ابی عمیر و ابراهیم بن عبد الحمید جملگی از حضرت ابی الحسن علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده اند.

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از حسن بن موسی النخشب، از جعفر بن محمد بن حکیم خثعمی، از ابراهیم بن عبد الحمید، از حضرت ابی الحسن علیه السلام مثل همین حدیث را روایت کرده اند.



متن:

۳ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَسَائِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مَصْدُقِّ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْحَائِزِ، قَالَ: لَيْسَ الصَّلَاةُ إِلَّا الْفَرَضُ بِالتَّقْصِيرِ، وَلَا تَصَلِّيَ التَّوَافِلَ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

علی بن محمد بن یعقوب کسائی می گوید:

علی بن الحسن بن فضال، از عمرو بن سعید، از مصدق بن صدقه، از عمار بن موسی ساباطی نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابا عبدالله علیه السلام راجع به خواندن نماز در حائز سؤال کردم؟

حضرت فرمودند:

نماز نریضه را باید صرفاً در آنجا شکسته بخوانی و نوافل را هم بجا نیاوری.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَمَشَاهِدِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله، وَالْحَرَمَيْنِ، وَالتَّطَوُّعِ فِيهِنَّ بِالصَّلَاةِ وَنَحْنُ مُقْصِرُونَ، قَالَ نَعَمْ تَطَوُّعٌ مَا قَدَّرْتَ عَلَيْهِ، هُوَ خَيْرٌ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، از علی بن اسماعیل، از صفوان بن یحیی، از اسحاق بن عمار، از حضرت ابی الحسن عليه السلام، نقل کرده، وی گفت:

از امام عليه السلام راجع به خواندن نماز مستحبی کنار قبر حضرت امام حسین و مشاهد نبی صلى الله عليه وآله و حرمین در حالی که مسافر بوده و نمازهای واجب را شکسته می خوانیم! سؤال کردم؟

حضرت فرمودند:

بلی، نماز مستحبی آنچه قدرت داری بخوان زیرا آن عمل نیک و پسندیده می باشد.

متن:

۵- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام جُعِلَتْ فِدَاكَ

أَتَنْفَلُ فِي الْحَرَمَيْنِ وَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا أَقْصَرُ؟ قَالَ: نَعَمْ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ».

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از صفوان بن یحیی، از اسحاق بن عمار نقل کرده که گفت:

محضر ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم در وقتی که مسافر بوده و نماز را شکسته می‌خوانم آیا می‌توانم در حرمین (مسجد الحرام و مسجد النبی) و در کنار قبر حضرت امام حسین علیه السلام نماز نافله بخوانم؟ حضرت فرمودند:

بلی، تا آنجا که قدرت داری نافله بخوان.

متن:

۶- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ التَّطَوُّعِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَشَاهِدِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْحَرَمَيْنِ فِي الصَّلَاةِ وَ نَحْنُ نَقْصِرُهُ. قَالَ: نَعَمْ تَطَوُّعٌ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن الحسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد جوهری، از علی بن ابی حمزه از حضرت

ابی ابراهیم علیه السلام نقل کرده، وی می گوید:

از حضرت پرسیدم: در وقتی که مسافر بوده و نمازهایمان را شکسته می خوانیم آیا می توانیم در کنار قبر امام حسین و مشاهد النبی علیه السلام و حرمین (مسجد الحرام و مسجد النبی علیه السلام) نماز مستحبی بخوانیم؟
حضرت فرمودند:

بلی، نماز مستحبی بخوان تا آنجا که قدرت داری.

متن:

۷- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ عَنْ تَقْصِيرِ الصَّلَاةِ فِي هَذِهِ الْمَشَاهِدِ: مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ وَالْكُوفَةَ وَقَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام الْأَرْبَعَةَ، وَالَّذِي رَوَى فِيهَا، فَقَالَ: أَنَا أَقْصِرُ، وَكَانَ صَفْوَانُ يَقْصِرُ، وَابْنُ أَبِي عَمِيرٍ وَجَمِيعُ أَصْحَابِنَا يَقْصِرُونَ.

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله نقل کرده که وی گفت:

از ایوب بن نوح پرسیدم، آیا در این مشاهد چهار گانه: مکه و مدینه و کوفه و قبر حضرت امام حسین علیه السلام نماز قصر می شود؟ و روایتی که در آن وارد شده چیست؟

وی گفت: من و صفوان و ابن ابی عمیر و تمام اصحاب نمازهایمان را قصر می خوانیم.

﴿الباب الثانی وَالثمانون﴾

﴿التمام عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَجَمِيعِ الْمَشَاهِدِ﴾

معنی:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُتَيْلٍ، عَنْ سَهْلٍ
ابْنِ زِيَادٍ الْأَدَمِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ أَبِي شَيْبَلٍ،
«قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قَالَ: زُرْ الطُّيِّبَ، وَ
أَتِمَّ الصَّلَاةَ عِنْدَهُ، قَالَ: أَتِمَّ الصَّلَاةَ عِنْدَهُ؟ قَالَ، أَمَّ، قُلْتُ: فَإِنَّ بَعْضَ
أَصْحَابِنَا يَرَوِي التَّقْصِيرَ، قَالَ: إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ الضَّعْفَةَ».



﴿بَابُ هِشْتَادِ وَدَوْمِ﴾

﴿تمام خواندن نماز کنار قبر حضرت امام حسین علیه السلام﴾

﴿و تمام مشاهد مشرفه﴾

﴿حديث اول﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن، از حسن بن متیل، از سهل بن زیاد آدمی، از محمد
ابن عبدالله، از صالح بن عقیبه، از ابی شیبلی، وی گفت:
محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا به زیارت قبر مطهر حضرت
امام حسین علیه السلام بروم؟
حضرت فرمودند:

زیارت کن قبر پاک و طیب را و نمازت را آنجا تمام بخوان.

وی عرض کرد: آیا نمازم را آنجا تمام بخوانم؟

حضرت فرمودند: تمام بخوان.

وی می‌گوید: عرضه داشتم: برخی از اصحاب ما روایت کرده‌اند که نماز را باید شکسته خواند؟

حضرت فرمودند:

ضعفاء نمازشان را شکسته می‌خوانند.

مترجم گوید:

مقصود از «ضعفاء» شاید کسانی باشند که قادر بر تمام خواندن نبوده یا این فعل بر آنها مشقت داشته باشد و محتمل است مقصود از آنان، جاهلین به احکام شرع باشد.



متن:

حدَّثني مُحَمَّد بن يَعْقوب - رحمه الله - عن جماعة مشايخه، عن سهل بن زياد بأسناده مثله سواء.

ترجمه:

محمد بن یعقوب رحمه الله علیه از جماعتی از اساتیدش، از سهل بن زیاد باسنادش مثل همین روایت را نقل کرده است.

متن:

۲- حَدَّثني أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّد بن أَحْمَد العسْكَرِيُّ، عن الحسن بن عليّ ابن مهزيار، عن أبيه عليّ، عن الحسن بن سعيد، عن إبراهيم بن أبي البلاد، عن رجل من أصحابنا يقال له: الحسين، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «تَمَّ الصَّلَاةُ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ: فِي مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ

الرَّسُولُ ﷺ و عند قبر الحسين ﷺ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد عسکری، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی، از حسین بن سعید، از ابراهیم بن ابی البلاد، از شخصی از اصحابمان که به او حسین گفته می‌شد، از حضرت ابی عبدالله ﷺ، حضرت فرمودند:

در سه مکان نماز تمام خوانده می‌شود:

مسجد الحرام، مسجد الرسول ﷺ و کنار قبر حضرت امام حسین ﷺ.



متن:

۳- حدَّثني أبي - رحمه الله - وأخي؛ و عليُّ بن الحسين، عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن عبد الملك القمي، عن اسماعيل بن جابر، عن عبد الحميد - خادم اسماعيل بن جعفر - عن أبي عبدالله ﷺ «قال: تَمَّ الصَّلَاةُ في أربعة مواطن: في المسجد الحرام و مسجد الرسول ﷺ و مسجد الكوفة و حرم الحسين ﷺ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و برادرم و علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد ابن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از عبدالمکمل قمی از اسماعیل بن جابر، از عبدالحمید خادم اسماعیل بن جعفر، از حضرت ابی عبدالله ﷺ، حضرت فرمودند:

در چهار مکان نماز تمام خوانده می شود:
مسجد الحرام، مسجد الرسول ﷺ، مسجد الکوفة و حرم حضرت امام
حسین علیهما السلام.

متن:

۴ - حدثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي، عن أبيه، عن حماد بن عيسى، عن بعض أصحابنا - عن أبي عبدالله عليه السلام - «قال: من الأمر المذخور اتمام الصلاة في أربعة مواطن: بمكة والمدينة ومسجد الكوفة والحائر».

قال ابن قولويه: وزاده الحسين بن أحمد بن المغيرة عقب هذا الحديث في هذا الباب بما أخبره به حيدر بن محمد بن نعيم السمرقندي بإجازته بخطه باجتيازه للحج.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش از احمد بن ابی عبدالله برقی، از پدرش از حماد بن عیسی، از برخی از اصحاب ما، از حضرت ابی عبدالله علیهما السلام، حضرت فرمودند:

این امر از اسرار و امور نهانی است که، نماز را در چهار مکان تمام بخوانند:
در مکه، مدینه، مسجد کوفه، و حائر حسینی علیهما السلام.
ابن قولویه گوید:

حسین بن احمد بن مغیره بدنبال این حدیث در این باب مضمونی را افزوده که حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی از طریق اجازه به خط خودش به وی خبر داده و گفته:

در مکه زمانی نماز را تمام می‌توان خواند که عبور از آن برای حج باشد.

متن:

۵ - عن أبي النضر محمد بن مسعود العياشي، عن علي بن محمد قال: حدثني محمد بن أحمد، عن الحسين بن علي بن النعمان، عن أبي عبد الله البرقي؛ وعلي بن مهزيار وأبي علي بن راشد جميعاً، عن حماد بن عيسى، عن أبي عبد الله عليه السلام «أنه قال: من محزون علم الله الأتمام في أربعة مواطن: حرم الله وحرم رسوله وحرم أمير المؤمنين وحرم الحسين صلوات الله عليهم أجمعين».



حدیث پنجم

ترجمه:

از ابی النضر محمد بن مسعود عیاشی، از علی بن محمد، وی گفت: محمد بن احمد از حسین بن علی بن النعمان، از ابی عبد الله برقی؛ و علی بن مهزیار؛ و ابی علی بن راشد، جملگی، از حماد بن عیسی، از ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

از علوم نهانی حق تعالی و اسرار مخفی است که در چهار مکان نماز را تمام می‌خوانند:

حرم خدا (مسجد الحرام) حرم رسول خدا (مسجد النبی صلی الله علیه و آله) و حرم امیرالمؤمنین علیه السلام و حرم حضرت امام حسین صلوات الله علیهم اجمعین.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ هَامٍ بْنُ سُهَيْلٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ

الفزاری، قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَمْدَانَ الْمَدَائِنِيُّ، عَنْ زِيَادِ الْقَنْدِيِّ،
«قال: قال: أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام أَحَبَّ لَكَ مَا أَحَبَّ لِنَفْسِي، وَأَكْرَهُ لَكَ مَا أَكْرَهُ
لِنَفْسِي، أَمَّ الصَّلَاةَ فِي الْحَرَمَيْنِ وَبِالْكُوفَةِ وَعِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن همام بن سهیل، از جعفر بن محمد بن مالک فزاری، وی گفت:
محمد بن حمدان مدائنی، از زیاد قندی نقل کرد که وی گفت:
دوست دارم برای تو آنچه را که برای خودم دوست دارم و کراهت دارم برای
تو آنچه را که برای خودم کراهت دارم نمازت را در حرمین (حرم خدا و حرم
رسول خدا صلی الله علیه و آله) و کوفه و کنار قبر امام حسین علیه السلام تمام بخوان.

متن:

۷- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ الْقَزْوِينِيُّ قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الْأَسَدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافُ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عَثْمَانَ،
عَنْ عَمْرِو بْنِ مَرْزُوقٍ «قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي
الْحَرَمَيْنِ وَفِي الْكُوفَةِ وَعِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قال: أَمَّ الصَّلَاةَ فِيهِمْ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

علی بن حاتم قزوینی گفت:

محمد بن ابی عبدالله اسدی به ما خبر داد و گفت: قاسم بن ربیع صحاف از
عمرو بن عثمان، از عمرو بن مرزوق نقل نمود که وی گفت: از حضرت
ابا الحسن علیه السلام راجع به خواندن نماز در حرمین (حرم الله و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله)
و در کوفه کنار قبر حضرت امام حسین علیه السلام پرسیدم؟ حضرت فرمودند:
نماز را در این اماکن تمام بخوان.

متن:

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ؛ وَجَمَاعَةُ مَشَائِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
الْعَطَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ حَذِيفَةَ بْنِ
مَنْصُورٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «تَمَّ الصَّلَاةُ فِي
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِ الرَّسُولِ وَمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَحَرَمِ الْحُسَيْنِ عليه السلام».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب و جماعتی از اساتیدم رحمة الله عليهم، از محمد بن یحیی
عطّار، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان از حذیفه بن منصور، وی گفت:
کسی که حدیث را از حضرت ابا عبدالله عليه السلام شنیده برایم نقل کرد که آن
حضرت فرمودند: نماز را در مسجد الحرام و مسجد الرسول صلی الله علیه و آله و مسجد کوفه
و حرم حضرت امام حسین عليه السلام تمام بخوان.

متن:

۹- وَ مِنْ زِيَادَةِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْمَغِيرَةِ مَا فِي حَدِيثِ أَحْمَدَ بْنِ
ادْرِيسَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ زَكَرِيَّا الْقُمِّيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنْ
عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ فَائِدِ الْخَطَّاطِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ
الْمَاضِي عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ، عَنْ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ، فَقَالَ: تَمَّ وَلَوْ مَرَّزَتْ بِهِ
مَارًّا».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

مضمونی را حسین بن احمد بن مغیر در حدیث احمد بن ادريس بن احمد
بن زکریا القمی اضافه کرده و گفته است: محمد بن عبد الجبار، از علی بن

اسماعیل، از محمد بن عمرو، از قائد حنابل، از حضرت ابی الحسن ماضی علیه السلام (حضرت امام موسی کاظم علیه السلام)، وی می گوید:

از آن حضرت پرسیدم: نماز را در حرمین (حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) چگونه بخوانم؟

حضرت فرمودند:

نماز را تمام بخوان اگرچه از حرم مرور و عبور کرده و در آن اقامت نکنی.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي زَاهِرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الزَّيَّاتِ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عِمْرَانَ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: أَقْصَرَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ أَمَّ؟ قَالَ: إِنْ قَصُرْتَ فَلَكَ، وَإِنْ أَمَّمْ فَهُوَ خَيْرٌ، وَزِيَادَةُ فِي الْخَيْرِ خَيْرٌ».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

احمد بن ادريس می گوید:

احمد بن ابی زاهر، از محمد بن حسین زیات، از حسین بن عمران، از عمران نقل کرده وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: در مسجد الحرام نماز را قصر خوانده یا تمام بجا آورم؟

حضرت فرمودند:

اگر قصر خواندی می توانی و اگر تمام هم به جا آوردی خیر است و زیاد نمودن در خیر، خیر می باشد.

مترجم گوید:

مقصود آن است که نماز خیر بوده و نماز قصر را تمام خواندن زیاد نمودن

خیر محسوب شده از اینرو نفس این زیادی نیز عملی نیک و کاری پسندیده به حساب می آید.

﴿ الباب الثالث و الثمانون ﴾

﴿ أَنَّ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ عِنْدَهُ تَعْدِلُ حَجَّةً، وَ النَّافِلَةَ عُمْرَةً ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمَوْسَوِيُّ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ نَهَيْكٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ - عَنْ رَجُلٍ - عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام « قَالَ: قَالَ لِرَجُلٍ: يَا فُلَانُ مَا يَمْنَعُكَ إِذَا عَرَضْتَ لَكَ حَاجَةٌ أَنْ تَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَتُصَلِّيَ عِنْدَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ تَسْأَلَ حَاجَتَكَ فَإِنَّ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ عِنْدَهُ تَعْدِلُ حَجَّةً، وَ النَّافِلَةَ تَعْدِلُ عُمْرَةً ». شرح موسوی

﴿ باب هشتاد و سوم ﴾

﴿ نماز فریضه در حرم امام حسین علیه السلام معادل حج و نماز نافله ﴾

﴿ معادل عمره محسوب می شود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عبید الله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از شخصی از حضرت ابی الحسن علیه السلام، راوی گفت: حضرت به مردی فرمودند: فلانی چه تو را باز می دارد از اینکه وقتی حاجتی داری به سر قبر مبارک حضرت حسین علیه السلام بروی و چهار رکعت نماز بجا آورده سپس حاجت خود را از خدا بخواهی؟ نماز فریضه در کنار قبر آن حضرت معادل حج و نافله مساوی با عمره می باشد.

متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِي الرَّازِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي هَمْزَةَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ أَبِي عَلِيٍّ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ الْمُفَضَّلُ - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ﷺ: ثُمَّ قَضَى إِلَى صَلَاتِكَ وَلَكَ بِكُلِّ رُكْعَةٍ رُكْعَتَاهَا عِنْدَهُ كَثُوبٌ مَن حَجَّ أَلْفَ حُجَّةٍ وَاعْتَمَرَ أَلْفَ عُمْرَةٍ وَاعْتَقَ أَلْفَ رَقَبَةٍ، وَكَأَنَّمَا وَقَفَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَلْفَ مَرَّةٍ مَعَ نَبِيِّ مَرْسَلٍ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

﴿ حَدِيثِ دَوْمِ ﴾

ترجمه:

پدرم و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از ابی عبدالله جامورانی رازی، از حسن بن علی بن ابی حمزه از حسن بن محمد بن عبدالکریم ابی علی، از مفصل بن عمر، از جابر جعفری، وی می گوید:
حضرت ابو عبدالله ﷺ به مفصل در ضمن حدیث طولانی راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین ﷺ فرمودند:

سپس به سراغ نماز برو آن را بخوان که در مقابل هر رکعتی که کنار قبر آن حضرت بجا آوردی گویا ثواب کسی را که هزار حج و هزار عمره انجام داده و هزار بنده آزاد کرده برده ای و مانند کسی هستی که هزار مرتبه با نبی مرسَل در راه خدا قیام کرده ای ...

متن:

۳- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

احمد؛ و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
احمد، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْحَرَّانِيِّ «قَالَ: قُلْتُ: لِأَبِي
عَبْدِ اللَّهِ ﷺ مَا لِي زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ﷺ؟ قَالَ: مَنْ آتَاهُ وَ زَارَهُ وَ صَلَّى عَنْهُ
رَكْعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكْعَاتٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً وَ عَمْرَةً، قَالَ: قُلْتُ: جُعِلَتْ
فِدَاكَ وَ كَذَلِكَ لِكُلِّ مَنْ أَتَى قَبْرَ إِمَامٍ مُفْتَرَضَ طَاعَتِهِ؟ قَالَ: وَ كَذَلِكَ لِكُلِّ مَنْ
أَتَى قَبْرَ إِمَامٍ مُفْتَرَضَ طَاعَتِهِ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمہ:

علی بن الحسین، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن احمد، و محمد بن
حسین بن متی الجوهری، از محمد بن احمد، از هارون بن مسلم، از ابی علی
حرّانی، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله ﷺ عرض کردم:
ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین را زیارت کند چیست؟
حضرت فرمودند:

کسی که به نزد قبر آن حضرت رفته و زیارتش کرده و دو یا چهار رکعت نماز
آنجا بخواند خداوند متعال برای او یک حج و عمره می نویسد.
راوی می گوید: عرضه داشتیم: فدایت شوم: هر کسی که به زیارت قبر هر امام
مفترض الطاعة برود این اجر و ثواب را دارد؟
حضرت فرمودند:

همچنین است هر کسی که به زیارت قبر هر امام که اطاعتش واجب است
برود.

متن:

حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ، عَنْ أَبِي

علی الخزاعی «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام - وذكر مثله -.

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از ابی القاسم، از ابی علی خزاعی نقل کرده که وی گفت: محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرضه داشتم و مثل همین حدیث را ذکر نموده.

متن:

۴- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ، عَنْ شُعَيْبِ الْعَقَرِ قُوفِيٍّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: قلت له: من أتى قبر الحسين عليه السلام ماله من الثَّوَابِ والأجر جعلت فداك؟ قال: يا شُعَيْبُ ما صَلَّى عنده أحدُ الصَّلَاةِ إلَّا قبلها الله منه، ولا دعا عنده أحدُ دعوةٍ إلَّا استجيب له عاجلةً و آجلةً، فقلتُ: جعلت فداك زدني فيه، قال: يا شُعَيْبُ أيسرُ ما يقال لِزائِرِ الحسين بن علي عليه السلام: قد غفر [الله] لك يا عبدالله فاستأنف [اليوم] عملاً جديداً».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از شعیب عقر قوفی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت: محضر مبارک آن حضرت عرضه داشتم: فدایت شوم ثواب و اجر کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود چیست؟ حضرت فرمودند:

ای شعیب احدی کنار قبر آن حضرت نمازی نمی خواند مگر آنکه حق تعالی

از او می‌پذیرد، و احدی در آنجا دعاء نمی‌کند مگر آنکه خداوند متعال
خواسته‌اش را در دنیا و آخرت برآورده می‌نماید.
عرض کردم: فدایت شوم: بیشتر بفرمائید.
حضرت فرمودند:

ای شعیب کمترین چیزی که در باره زائر حسین بن علی علیه السلام گفته می‌شود این
است که به وی خطاب کرده و می‌گویند:
ای بنده خدا، حق تعالی تو را آمرزیده، پس امروز عمل جدید تازه‌ای را آغاز
نما.

﴿الباب الرابع والثمانون﴾

﴿وداع قبر الحسين بن علی علیه السلام﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ،
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ. وَحَدَّثَنِي أَبِي؛ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَمُحَمَّدُ بْنُ
الْحَسَنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ
بْنِ سَعِيدٍ. وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ
نُعَيْمِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ يُونُسَ الْكُتَّاسِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «قَالَ: إِذَا أُرِدْتَ
أَنْ تُودَعَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام فَقُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ. أَشْتَوِدُّعُكَ اللَّهُ وَأَقْرُءُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ
وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهِ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ، فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ

لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا وَمِنْهُ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَنْفَعَنَا بِحُبِّهِ، اللَّهُمَّ
ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْصُرُ بِهِ دِينَكَ وَتَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ، وَتَبِيرُ بِهِ مَنْ
نَصَبَ حَزْباً لَالٍ مُحَمَّدٍ فَإِنَّكَ وَعْدُهُ ذَلِكَ وَأَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِعَادَ،
وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ شَهِدَاءُ نُجَبَاءَ،
جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَاتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلِمَ تَسْلِيماً، أَنْتُمُ السَّابِقُونَ وَالْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ
اللَّهِ وَأَنْصَارُ رَسُولِهِ، فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَّقَكُمْ وَعْدَهُ وَأَرَاكُمْ مَا
تُحِبُّونَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ لَا
تَسْغَلْنِي فِي الدُّنْيَا عَنْ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ، لَا يَكْثُرُ تُلْهِينِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهَا،
وَتَقْتَنِي زَهْرَاتُ زِينَتِهَا، وَلَا يَافِلَالُ يَضُرُّ بِعَمَلِي كَدُّهُ، وَيَقْلُ صَدْرِي هَمُّهُ،
أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ غِنًى عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَتِلَاغاً أُنَالُ بِهِ رِضَاكَ، يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ
الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

﴿ باب هشتاد و چهارم ﴾

﴿ وداع با قبر حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهما ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمہ:

پدرم و محمد بن الحسن، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید
و پدرم و علی بن الحسن و محمد بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن
محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، و محمد بن الحسین، از محمد بن الحسن
الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از فضالة بن ایوب، از

نعمین بن ولید، از یوسف گناسی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
هرگاه خواستی با حضرت حسین بن علی علیه السلام وداع کنی بگو:

درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو، تو را به خدا می سپارم، و می گویم:
خدا حافظ، به خدا و رسولش و به آنچه تو آورده و بر آن دلالت کردی ایمان
آوردیم، و از رسول تبعیت و پیروی کردم، پس ما را با شاهدین بنویس، خدایا
قرار بده این زیارت را آخرین عهد و پیمان، با او، خدایا از تو می خواهیم که
بواسطه حب و دوستی او به ما نفع دهی، خدایا او را به مقام پسندیده گسیل دار
و بواسطه اش دین خود را یاری فرما، و به سبب او دشمنی را نابود نما، و به
سبب کسانی را که طرح جنگ با آل محمد را طراحى کردند هلاک فرما، زیرا
خودت چنین وعده‌ای داده‌ای و هرگز خلف وعده نمی کنی، درود بر تو
و رحمت و برکات خدا بر تو، شهادت می دهم که شما شهداء و نیک نژادان
می باشید، در راه خدا جهاد کرده و بر طریق رسول خدا صلی الله علیه و آله مقاتله نمودید، شما
پیشی گیرندگان و هجرت کنندگان و یاری نمایندگان هستید، شهادت می دهم که
شما یاران خدا و یاران رسولش می باشید، پس حمد و سپاس خدائی را که به
شما وعده راست داد و نشان داد به شما آنچه را که دوست می دارید و درود
و رحمت و برکات خدا بر محمد و آل محمد، خداوند من را در دنیا از پیام
نعمت‌های غافل منعم البتة نه آنکه مشغولم کنی به نعمتهای زیادی که
شگفتی‌های خوبی و زیبایی آنها من را از تو باز داشته و جلای و درخشندگی
زیبای آنها مفتونم نماید، و نه اینکه مبتلایم کنی به قلت و کمی نعمتها که رنج
و تعب کم بود آنها مضر به عملم بوده و حزن ناشی از آن سینه‌ام را پر نماید، از
نعمتهای آن قدر به من اعطاء فرما که از مخلوقات بی نیاز و از بدی آنها در امان
باشم، خداوند به مقدار کفاف به من اعطاء نما تا بواسطه آن به رضایت
و خشنودی تو دست یابم، ای مهربان‌تر از هر مهربانی، و خدا درود و رحمت

فرستد بر رسولش حضرت محمد بن عبدالله و بر اهل بیت پاکش که جملمگی
نیکان و خوبان می باشند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيُّ -
«بِشُكْرٍ مُكْرَمٍ» - عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ الْوَدَاعَ بَعْدَ فِرَاقِكَ مِنَ الزِّيَارَاتِ فَأَكْثَرِ مِنْهَا
مَا اسْتَطَعْتَ، وَلْيَكُنْ مَقَامُكَ بِالنَّبِيِّ أَوْ الْغَاضِيَّةِ، وَمَتَى أَرَدْتَ الزِّيَارَةَ
فَاغْتَسِلْ وَزُرْ رَزْوَةَ الْوَدَاعِ، فَإِذَا فَرَعْتَ مِنْ زِيَارَتِكَ فَاسْتَقْبِلْ بِوَجْهِكَ
وَجْهَهُ وَالتَّمَسَّ الْقَبْرَ وَقُلْ: **«الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَنْتَ لِي جُنَّةٌ
مِنَ الْغَدَابِ، وَهَذَا أَوْ أَنْ أَنْصِرَا فِي غَتِّكَ؛ غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا مُسْتَبْدِلٍ
بِكَ سِوَاكَ، وَلَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكَ غَيْرَكَ وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكَ، جُدْتُ بِنَفْسِي
لِلْحَدَثَانِ، وَتَرَكْتُ الْأَهْلَ وَالْأَوْطَانَ، فَكُنْ لِي يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي،
يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنِّي وَالِدِي وَلَا وَلَدِي، وَلَا حَمِيمِي وَلَا قَرِيبِي، أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي
قَدَّرَ وَخَلَقَ أَنْ يَنْفُسَ بِكَ كَرْبِي وَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي قَدَّرَ عَلَيَّ فِرَاقَ مَكَانِكَ
أَنْ لَا يَجْعَلَ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي وَمِنْ رَجْعَتِي وَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَبْكَى عَلَيْكَ عَيْنِي
أَنْ يَجْعَلَ سُدًّا لِي، وَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي ثَقَّلَنِي إِلَيْكَ مِنْ رَحْلِي وَأَهْلِي أَنْ
يَجْعَلَ دُخْرًا لِي، وَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَرَانِي مَكَانَكَ وَهَدَانِي لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ
وَلِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَنْ يُورِدَنِي حَوْضَكُمْ، وَيَرْزُقَنِي مُرَافَقَتَكُمْ فِي الْجَنَانِ مَعَ**

أَبَايَكَ الصَّالِحِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ
[وَابْنِ صَفْوَتِهِ] أَسْلَامُ عَلَيْكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، حَبِيبِ
اللَّهِ وَصَفْوَتِهِ، وَأَمِينِهِ وَرَسُولِهِ، وَسَيِّدِ النَّبِيِّينَ، أَسْلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَقَائِدِ الْقُرَى الْمُحَجَّلِينَ، أَسْلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ
الرَّاشِدِينَ الْمُهْدِيِّينَ، أَسْلَامُ عَلَى مَنْ فِي الْحَاوِثِ مِنْكُمْ، إِنْ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ
بَرَكَاتُهُ] أَسْلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْبَاقِينَ الْمُقِيمِينَ، الَّذِينَ هُمْ بِأَمْرِ رَبِّهِمْ
قَائِمُونَ، أَسْلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ».



« حدیث دوم »

ترجمه:

أبو عبد الرحمن محمد بن أحمد بن الحسين العسكري در شهر عسکر مکرّم
از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از محمد بن ابی عیمیر، از محمد بن
مروان، از ابی حمزة الثمالی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند:
هرگاه خواستی بعد از فراغت از زیارات وداع نمائی آنچه در قدرت تو است
از زیارات را بجا آور، البته مقام و مکانست در نینوی و غاصریه باشد و از آنجا به
زیارت برو، وقتی قصد زیارت کردی غسل کن و سپس زیارت وداع نما و وقتی
از زیارت فارغ شدی رو به صورت قبر کن و از قبر خواهش نموده و بگو:

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای ابا عبدالله، تو برای من سپری از عذاب
می باشی، این زمان هنگام وداع من با شما و مراجعت من از خدمت شما بوده، در
حالی که روگردان از شما نبوده، و بجای شما به دیگری رو نمی نمایم، و غیر شما
را بر شما اختیار نخواهم نمود، و بی رغبت نیستم از قرب و در جوار شما بودن،
نفس و جانم را در معرض خطر حوادث قرار داده، و اهل و وطن خود را ترک
نمودم، پس در روز حاجت و نیاز و احتیاجم کمک می باشی، در آن روزی که پدر

و فرزند و خورشاونندان و نزدیکانم نفی به حالم ندارند، از خدائی که تقدیر و خلق نموده می‌خواهم که بواسطه شما حزن و اندوه من را برطرف کند، و از خدائی که فراق و جدا شدن از مکان تو را مقدر من ساخته درخواست می‌نمایم که این را زیارت آخر من قرار ندهد، و از خدائی که چشم من را بر تو گریاند می‌خواهم که این اشک را سند و تکیه گاه من قرار دهد و از خدائی که من را از خانه و اهل به سوی تو آورد می‌خواهم که این زیارت را ذخیره آخرتم قرار دهد، و از خدائی که مکان تو را به من نشان داد و هدایت نمود که تسلیم و فرمانبردار تو بوده و زیارت کنم تو را درخواست می‌کنم که من را بر حوض شما وارد نماید، و رفاقت با شما در بهشت را همراه با آباء و پدران صالح و نیکوکار شما صلی الله علیهم اجمعین روزی من فرماید، درود بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش، درود بر رسول خدا حضرت محمد بن عبدالله، حبیب و برگزیده خدا، و امین و فرستاده او، و سرور انبیاء، درود بر امیرالمؤمنان و وصی رسول پروردگار عالمیان، و رهبر دست و روی سفیدان، درود بر ائمه راشدین و مهدیین، درود بر کسی که از شما در حائر می‌باشد، درود بر فرشتگان خدا که کنار قبر باقی مانده و اقامه گزیده‌اند، آنان که به امر پروردگارشان قیام کرده‌اند، درود بر ما و بر بندگان نیکوکار خدا، و حمد و سپاس مرخدائی را که پروردگار عالمیان می‌باشد.

متن:

وَتَقُولُ:

«سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَسْبَابِهِ الْمُرْسَلِينَ؛ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولٍ لِلَّهِ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَى

ذُرِّيَّتِكَ وَمَنْ حَضَرَكَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، أَسْتَودِعُكَ اللَّهُ وَاسْتَرْعِيكَ
وَأَقْرَهُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ،
اللَّهُمَّ اكْتُبْ مَعَ الشَّاهِدِينَ».

وَتَقُولُ:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي
ابْنِ رَسُولِكَ، وَارْزُقْ زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، اللَّهُمَّ وَانْقَضَى بِحَبِّهِ يَارَبِّ
الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ لَا
تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ يَارَبِّ فَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ
آبَائِهِ وَأَوْلِيَائِهِ، وَإِنْ أَبْقَيْتَنِي يَارَبِّ فَارْزُقْني الْعَوْدَ إِلَيْهِ ثُمَّ الْعَوْدَ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ
مَشَاهِدَهُمْ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ ذِكْرِكَ
يَا كَثِيرَ عَلَى مِنَ الدُّنْيَا ثُلُثِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهَا وَتُفَّتِي زَهْرَاتُ زِينَتِهَا، وَلَا
يَا قَلِيلَ يَضُرُّنِي بِعَمَلِي كَدُّهُ، وَيَمْلَأُ صُدْرِي هَمُّهُ، وَأُعْطِنِي بِذَلِكَ غِنًى عَنْ
شِرَارِ خَلْقِكَ، وَيَلَاغَا أَنَالَ بِهِ رِضَاكَ يَا رَحْمَنُ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا
مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَرُؤُوسَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ».

ثُمَّ صَغَّ حَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ مَرَّةً ثُمَّ الْأَيْسَرَ مَرَّةً، وَانْحَ فِي الدَّعَاءِ وَ
الْمَسْأَلَةِ، فَإِذَا خَرَجْتَ فَلَا تَوَلَّ وَجْهَكَ عَلَى الْقَبْرِ حَتَّى تَخْرُجَ».

« دنباله زیارت وداع حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) »

ترجمه:

و می گوئی:

دروود خدا و فرشتگان مقرب و انبیاء مرسل، و بندگان نیکوکارش بر تو ای پسر رسول خدا و بر جان و جسم تو و بر فرزندان و بر کسانی که از اولیاء تو بوده و نزدت حاضر شدند، با تو وداع کرده و تو را به خدا می سپارم و درود و خدا حافظی با تو می گویم، به خدا و به رسولش به آنچه از نزد خدا رسولش آورده ایمان دارم، خداوندا ما را شاهدین و کسانی که در رکاب فرزند رسول خدا حاضر شدند بنویس و نام ما را در طومار ایشان ثبت و ضبط بفرما.

و بگو:

خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست و این زیارت را آخرین زیارت من از پسر رسول خودت قرار مده، خداوندا زیارت او را برای همیشه تا مادامی که من زنده هستم نصیبم فرما، خداوندا بواسطه حب و دوستی او من را مستفیع گردان ای پروردگار عالمیان، خداوندا او را به مقامی پسندیده مبعوث گردان، تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی، خداوندا من بعد از نماز و سلام از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد رحمت را فرستاده و آن را شامل ایشان گردانی و نیز این زیارت را آخرین زیارت من نسبت به فرزند رسول قرار ندهی و اگر آخرین زیارتم مقدر کرده ای پس ای پروردگار من را به او و آباء و دوستانش محشور فرما و اگر من را باقی گذارده و عمرم را طولانی نمودی پس روزی کن دوباره به زیارتش عود کرده و بعد از آن دوباره به زیارتش برگردم به رحمت و اسعادت ای مهربان تر از هر مهربانی امیدوار می باشم، خداوندا برای من زبانی راست را میان دوستانت قرار بده و مشاهد و اماکنی که ایشان حیاً و میتاً حضور دارند را محسوب من نما، خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت

بفرست، خداوند! بواسطه نعمتهای زیادی دنیا که شگفتی‌های خوبی و زیبایی آنها من را از تو باز داشته و جلاء و درخشندگی زینت آنها مفتونم می‌نماید من را از یاد خود غافل مکن و نیز من را به قلت و کمی امکانات دنیوی که رنج و تعب کم بود آنها مضرّ به عملم بوده و حزن ناشی از آن سینه‌ام را پر می‌نماید مبتلا نفرما از دنیا آن قدر به من اعطاء فرما که از مخلوقات بی‌نیاز و از بدی آنها در امان باشم، خداوند! به مقدار کفاف از دنیا به من اعطاء نما تا بواسطه آن به رضایت و خشنودی تو دست یابم ای خالق مهربان، و درود بر شما ای فرشتگان خدا و ای زائرین قبر حضرت ابی عبدالله علیه السلام. سپس طرف راست صورت خود را یک‌بار و جانب چپ را بار دیگر بر قبر مطهرش بگذار و در دعاء و درخواست حاجت مبالغه کن و هنگامی که از حرم خارج می‌شوی روی خود را از قبر برمگردان بلکه همچنان مواجه با آن باش تا از آنجا بیرون روی.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی

﴿ الباب الخامس و الثمانون ﴾
 ﴿ زيارة قبر العباس بن علي عليه السلام ﴾

متن:

١ - حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيُّ
 بِالْعَسْكَرِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ أَبِي حمزة الثمالي «قال:
 قال الصادق عليه السلام: إذا أردت زيارة قبر العباس بن علي عليه السلام - وهو على
 شطף الفرات بحذاء الحائر - فقف على باب السقيفة و قل:

«سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأُسْبِيَانِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِهِ
 الصَّالِحِينَ وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَالزُّكَايَا الطُّيَّاتِ فِيمَا
 تَعْدِي وَتَرُوحُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ - أمير المؤمنين، أَشْهَدُكَ بِاللَّسْلِيمِ
 وَالْتَّضَدِيقِ وَالْوَفَاءِ وَالنَّصِيحَةِ لِحَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ، وَالسَّبْطِ الْمُنْتَجَبِ،
 وَالذَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ، وَالْمَظْلُومِ الْمَهْتَضِمِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ
 رَسُولِهِ وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
 أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَاخْتَسَبْتَ، وَأَعْتَتْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ
 مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ، وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ
 مَنْ حَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَاءِ الْفِرَاتِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا، وَأَنَّ اللَّهَ
 مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ، جِشَّكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَافِدًا إِلَيْكُمْ، وَقَلْبِي
 مُسَلِّمٌ لَكُمْ، وَأَنَا لَكُمْ تَابِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَخُفَّكُمْ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ
 الْحَاكِمِينَ، فَعَمَّكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي بِكُمْ وَبِأَيَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ،
 وَبَيْنَ خَالَفِكُمْ وَقَتْلِكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ، قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالْأَيْدِي
 وَالْأَلْسُنِ».

﴿ باب هشتاد و پنجم ﴾

﴿ زیارت قبر حضرت عباس بن علی (علیه السلام) ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسکری در عکر از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار از محمد بن ابی عمیر از محمد بن مروان، از ابی حمزه ثمالی، وی می گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هرگاه خواستی زیارت کنی قبر حضرت عباس بن علی (علیه السلام) را که در کنار شط فرات و در مقابل جابر قرار دارد پس بر در سقیفه بایست و بگو: درود خدا و درود فرشتگان مقرب و انبیاء مرسلش و درود بندگان صالح و نیکوکارش و درود تمام شهداء و صدیقین و پاکان و پاکیزگان در صبح و شام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین، شهادت می دهم که تو تسلیم فرزند نبی (صلی الله علیه و آله) و سبط برگزیده پیامبر و راهنما و عالم و جانشین مبلّغ و مظلوم ستم دیده بوده و او را تصدیق داشته و در مقام وفاء و خیر خواهی او بودی پس خدا از طرف رسولش و امیرالمؤمنین و حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین بالاترین پاداش ها را به تو داده و به واسطه صبر و بردباری که در این راه نمودی و آزمایش و امتحانی که دادی و رنج و مشقتی را که متحمل شدی عالی ترین اجرها را نصیب تو نماید پس خوشا به زندگانی آخرت تو، خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت، و لعنت کند کسی را که به حق تو جاهل و ناآگاه بود و لعنت نماید کسی را که حرمت تو را نگاه نداشت و در مقام استخفاف تو بر آمد و خدا لعنت کند کسی را که بین تو و بین آب فرات فاصله شد، شهادت می دهم که تو مظلوم کشته شدی و شهادت می دهم که خدا آنچه به شما وعده کرده است را عملی می سازد ای پسر امیرالمؤمنین به نزد آمدن در حالی که از سفر آمده ام، دلم تسلیم شما است، و خودم تابع و پیرو شما

بوده، آماده‌ام برای یاری شما تا خدا حکم کند و او بهترین حکم کنندگان است، پس آن کس که با شما است حتماً با شما بوده نه با دشمنان، من به شما و رجعت شما ایمان دارم و به کسی که مخالفتتان را می‌نماید و شما را کشته است کافر هستم، خدا بکشد گروهی را که با دست‌ها، و زبان هایشان شما را کشتند.

معن:

ثم ادخل وانكب على القبر و قل:

«السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، السَّطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ، وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، وَأَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ الْبَذَرِيُّونَ، الْمَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمَنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ، الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ، الَّذِينَ عَنِ اجْتِبَائِهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَأَكْثَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَى جَزَاءِ أَحَدٍ مَنَّمَنَ وَفِي بَيْعَتِهِ، وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَأَطَاعَ وَلاةَ أَمْرِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالَعْتَ فِي النَّصِيحَةِ، وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ، فَبَقِيَكَ اللَّهُ فِي الشُّهَدَاءِ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ الشُّهَدَاءِ، وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ أَفْسَحَهَا مَنَزَلاً، وَأَفْضَلَهَا عُرْفاً، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عِلِّيِّينَ، وَخَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ، وَالصُّدُوقِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسُنَ أَوْلِيَاكَ رَفِيقاً، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ، وَأَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، مُتَّعِداً بِالصَّالِحِينَ وَمُتَّبِعاً لِلنَّبِيِّينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ، وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَأَوْلِيَائِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُخْتَبِينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ».

ترجمه: ﴿دنباله زیارت نامه حضرت عباس بن علی (ع)﴾

سپس داخل شو و بر قبر تکیه داده و بگو:

درود بر تو ای بنده نیکوکار، بنده‌ای که فرمان بردار خدا و رسولش و امیرالمؤمنین و حسن و حسین (ع) بودی، درود و رحمت و برکات و بهشت خدا برای تو باد، و بر جان و جسد تو باشد، و خدا را شاهد می‌گیرم که تو همان راهی را رفتی که اصحاب بدر رفتند همان کسانی که در راه خدا جهاد کرده و در جهاد با دشمنان خدا زیان به پند و نصیحت گشوده و خالص آنرا بجا آوردند، در نصرت دوستان خدا سعی بلیغ نموده، و از دوستان و محبین حق تعالی دشمنان را دفع کردند، پس خدا برترین و با فضیلت‌ترین و بیشترین جزاءها و پاداش‌ها را به تو عطاء فرماید، و نیز وافر و وافرترین پاداش کسی که به بیعتش وفاء نموده و خدا دعایش را مستجاب کرده و همچنین نیک‌ترین پاداش کسی که از والیان امر اطاعت نموده است را به تو عنایت فرماید، شهادت می‌دهم که تو در نصیحت و خیر خواهی مبالغه کرده و نهایت کوشش و جهد خود را نمودی، پس خدا تو را در شهداء بر انگیزد، و روح را با ارواح شهداء قرین گرداند، و از بهشتش وسیع‌ترین منزل و با فضیلت‌ترین غرفه را اعطاء نماید، و ذکر تو را در علین بالا ببرد، و با انبیاء و صدیقین و شهداء و صلحاء محشور کند، و ایشان نیکو رفتاری هستند، شهادت می‌دهم که تو از خود مستی نشان نداده و عقب گرد نکردی، و نیز شهادت می‌دهم که تو بر بصیرت مشی نموده و به صالحین اقتداء کرده و از انبیاء پیروی نمودی، پس حق تعالی بین ما و بین شما و بین رسول و اولیانش در منازل اشخاص متواضع و فروتن جمع کند زیرا او ارحم‌الرحمین می‌باشد.

﴿ الباب السادس و الثمانون ﴾
 ﴿ وداع قبر العباس بن علي عليه السلام ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيُّ
 بِالْعَسْكَرِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ
 مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا دُعِيتَ الْعَبَّاسَ فَأَتِهِ وَقُلْ: «أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ
 وَأَسْتَزِعُكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِكِتَابِهِ وَبِمَا
 جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، اَللَّهُمَّ اكْتِنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ
 الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ ابْنِ أَخِي نَبِيِّكَ، وَارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي،
 وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبَائِهِ فِي الْجَنَّةِ، وَعَرَّفْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ رَسُولِكَ
 وَأَوْلِيائِكَ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَقَّفْ عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ
 وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَالْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْأُتَمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ،
 وَالْبَرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ، فَإِنِّي رَضِيْتُ بِذَلِكَ يَا رَبَّ».

و تدعو لنفسك ولوالديك والمؤمنين والمسلمين و تخیر من
 الدعاء».

﴿ باب هشتاد و ششم ﴾
 ﴿ وداع با قبر حضرت عباس بن علي عليه السلام ﴾

﴿ حديث أول ﴾

ترجمه:

ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسكري در عسکر از حسن بن
 علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار، از محمد بن ابی عمیر، از محمد بن

مروان، از ابی حمزه الثمالی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند: هر گاه خواستی با حضرت عباس علیه السلام وداع کنی پس به نزدش برو و بگو:

تو را به خدا می سپارم و از او می خواهم که از تو نگاهبانی نماید و سلام خدا حافظی به تو می دهم، به خدا و رسول و کتابش و به آنچه رسولش از جانب خدا آورده ایمان آورده ایم، خدایا ما را با شاهدین بنویس، خدایا این زیارت را آخرین زیارت ما نسبت به قبر پسر برادر پیغمبرت قرار مده، و تا مادامی که من زنده هستم زیارتش را نصیب نما، و من را با او و با آباء گرامش در بهشت محشور نما و بین من و بین او و رسول و دوستان آشنائی بیانداز، خدایا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و من را در حالی که به تو ایمان داشته و رسالت را تصدیق کرده، و علی بن ابی طالب و ائمه بعد از آن حضرت که جملگی فرزندان او هستند را دوست داشته و از دشمنانشان بی زاری می جویم بمیران و از این دنیا ببر، زیرا پروردگار، من به این معنا راضی و خشنود می باشم. و سپس برای خود و پدر و مادر و مؤمنین و مسلمین دعاء کن و هر دعائی را که خواستی اختیار نما.

﴿الباب السابع و الثمانون﴾

﴿وداع قبور الشهداء﴾

متن:

تقول: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُمْ، وَأَشْرِكْنِي مَعَهُمْ فِي صَلَاحِ مَا أُعْطِيتَهُمْ عَلَى نَصْرِهِمْ إِنْ بَنَيْتَ بَيْتَكَ، وَحُجَّجْتَ عَلَى خَلْقِكَ، وَجِهَادِهِمْ مَعَهُ فِي سَبِيلِكَ، اللَّهُمَّ اجْمَعْنَا وَإِيَّاهُمْ فِي جَنَّتِكَ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا، أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْقَوْدَ إِلَيْهِمْ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

﴿ باب هشتاد و هفتم ﴾
 ﴿ وداع با قبور شهداء عجله ﴾

ترجمه:

بگو:

خدایا این زیارت را آخرین زیارت من نسبت به شهداء قرار مده، و من را با ایشان در آنچه به آنها در قبال یاری پسر دختر پیغمبرت و جهادشان با حجت تو بر خلق اعطاء فرموده‌ای شریک گردان، خدایا، ما و ایشان را در بهشت خود با شهداء و صالحین جمع فرما، ایشان نیکو رفقانی هستند، شما را به خدا می سپارم و سلام خدا حافظی به شما می دهم، خدایا روزی من کن که دوباره به ایشان برگردم و من را با ایشان محشور فرمای مهربان تر از هر مهربانی.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

﴿ الباب الثامن والثمانون ﴾
 ﴿ فضل كربلاء و زیارة الحسین عجله ﴾

متن:

۱ - [للحسین بن أحمد بن المغيرة فيه حديث رواه شيخه أبو القاسم - رحمه الله - مصنف هذا الكتاب نقل عنه وهو عن زائدة، عن مولانا علي بن الحسين عجله، ذهب علي شيخنا - رحمه الله - أن يضمّن كتابه هذا وهو مما يليق بهذا الباب ويشتمل أيضاً على معانٍ شتى حسن تأمل الألفاظ، أحبت إدخاله وجعلته أول الباب، وجميع أحاديث هذا الباب وغيرها مما يجري مجراها يستدل بها على صحة قبر مولانا الحسين عجله بكربلاء، لأن كثيراً من المخالفين ينكرون أن قبره بكربلاء كما ينكرون أن قبر

مولانا امیر المؤمنین علیه السلام بالغری بظهر نجف الکوفة و قد کنت استندت
 هذا الحديث بمصر عن شيخي أبي القاسم علي بن محمد بن - عبّادوس
 الكوفي - رحمه الله - مما نقله عن مُزاجم بن عبد الوارث البصري
 بإسناده عن قدامة بن زائدة، عن أبيه زائدة، عن علي بن الحسين علیه السلام، و
 قد ذكرتُ شيخنا ابن قولويه بهذا الحديث بعد قراغِهِ مِنْ تصنيف هذا
 الكتاب ليدخله فيه فما قضى ذلك و عاجلته منيته - رضي الله عنه - و
 ألحقه بمواليه علیهم السلام

﴿ باب هشتاد و هشتم ﴾

﴿ فضیلت کربلاء و زیارت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسین بن احمد بن مغیره درباره فضل کربلاء و زیارت امام حسین علیه السلام
 حدیثی دارد، این حدیث را استادش ابوالقاسم علیه الرحمه مصنف این کتاب
 روایت کرده و حسین بن احمد از او و وی از زائده و او از مولانا علی بن
 الحسین علیه السلام نقل نموده.

استاد ما رحمه الله علیه فراموش کرد که این حدیث را به کتابش ضمیمه کند
 در حالی که سزاوار بود در این باب نقل شود، حدیث مزبور چون بر معانی
 پسندیده و بسیاری مشتمل بوده و الفاظش تام و زیباست دوست داشتم آن را در
 این باب بگنجانم.

قابل ذکر است که تمام احادیث این باب و احادیث دیگر که با اینها در
 مضمون مشترک هستند به آنها بر بودن قبر امام حسین علیه السلام در کربلا استدلال

شده است زیرا بسیاری از مخالفین انکار دارند که قبر آن حضرت در کربلاء است چنانچه وجود قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را در نجف منکر می‌باشند.

این حدیث را در مصر از استاد ابی القاسم علی بن محمد بن عبدوسی کوفی رحمة الله علیه استفاده کرده‌ام، و وی آن را از مزاحم بن عبدالوراث بصری، به اسنادش از قدامة بن زائده، از پدرش زائده، از علی بن الحسین علیه السلام نقل کرده. پس از آنکه استاد ما ابن قولویه از تصنیف این کتاب (کامل الزیارة) فارغ گردید باوی راجع به این حدیث مذاکره کرده و به ایشان پیشنهاد نمودم آنرا در این کتاب داخل نماید ولی پیش از آنکه ایشان به این کار مبادرت ورزند اجل او را دریافت و او را به موالی او علیه السلام ملحق کرد خدا از او خوشنود و راضی باشد.

متن:

وهذا الحديث داخل فيما أجاز لي شيخي - رحمه الله - وقد جمعت بين الروايتين بالألفاظ الزائدة والنقصان والتقديم والتأخير فيها حتى صحَّ بجميعه عَمَّنْ حَدَّثَنِي بِهِ أَوْلَاؤُنَا الْآنَ، وَذَلِكَ أَنِّي مَا قَرَأْتُهُ عَلَى شَيْخِي - رحمه الله - وَلَا قَرَأَهُ عَلَيَّ، غَيْرَ أَنِّي أَرَوِيهِ عَمَّنْ حَدَّثَنِي بِهِ عَنْهُ، وَهُوَ:

أبو عبد الله أحمد بن محمد بن عتيَّاش، قال: حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بَنَ قَوْلُوئِهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عِيسَى عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ بْنُ مُحَمَّدٍ بَنَ هِلَالِ الطَّائِي الْبَصْرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَثَانَ سَعِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَامٍ بَنَ يَسَارٍ، الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَاسِطِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي عِيسَى بْنُ أَبِي شَيْبَةَ الْقَاضِي قَالَ: حَدَّثَنِي نُوحُ بْنُ دُرَّاجٍ قَالَ: حَدَّثَنِي قُدَامَةُ بْنُ زَائِدَةَ، عَنْ أَبِيهِ «قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام: بَلِّغْنِي يَا زَائِدَةُ أَنَّكَ تَزُورُ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَحْيَانًا؟ فَقُلْتُ: إِنَّ

ذَلِكَ لَكَا بَلَاغُكَ، فَقَالَ لِي: فُلَيْهَا مَا تَحْفَلُ ذَلِكَ وَلَكَ مَكَانٌ عِنْدَ
سُلْطَانِكَ الَّذِي لَا يَحْتَمِلُ أَحَدًا عَلَى عَجَبَتِنَا وَتَفْضِيلِنَا وَذِكْرِ فَضَائِلِنَا
وَالْوَاجِبِ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ حَقِّنَا؟ فَقُلْتُ: وَاللَّهِ مَا أُرِيدُ بِذَلِكَ إِلَّا اللَّهَ وَ
رَسُولَهُ، وَلَا أَخْفِلُ بِسَخَطِ مَنْ سَخَطَ، وَلَا يَكْبُرُ فِي صَدْرِي مَكْرُوهُ يَنَالُنِي
بِسَبَبِهِ، فَقَالَ: وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ، فَقُلْتُ: وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ،
يَقُولُهَا - ثَلَاثًا - وَأَقُولُهَا - ثَلَاثًا - فَقَالَ: أَبْشِرْ ثُمَّ أَبْشِرْ ثُمَّ أَبْشِرْ
فَلَا تُخْبِرَنَّكَ بَخِيرٌ كَانَ عِنْدِي فِي الثَّخْبِ الْمَخْزُونَةِ، فَإِنَّهُ لَمَّا أَصَابَنَا
بِالطَّفِّ مَا أَصَابَنَا وَقُتِلَ أَبِي ﷺ وَقُتِلَ مَنْ كَانَ مَعَهُ مِنْ وَلَدِهِ وَإِخْوَتِهِ وَ
سَائِرِ أَهْلِهِ وَحَمَلَتْ خُرْمُهُ وَنَسَاوُهُ عَلَى الْأَقْتَابِ يَرَادُّ بِنَا الْكَوْفَةَ، فَجَعَلَتْ
أَنْظُرَ إِلَيْهِمْ صَرَعَى وَلَمْ يُوَارُوا فَعَظُمَ ذَلِكَ فِي صَدْرِي وَاشْتَدَّ لَمَّا أَرَى
مِنْهُمْ قَلْقًا، فَكَادَتْ نَفْسِي تَخْرُجُ وَتَبَيَّنَتْ ذَلِكَ مِنِّي عَمَّتِي زَيْنَبُ الْكُبْرَى بِنْتُ
عَلِيٍّ ﷺ فَقَالَتْ: مَا لِي أَرَاكَ تَجُودُ بِنَفْسِكَ يَا بَقِيَّةَ جَدِّي وَأَبِي وَإِخْوَتِي؟!
فَقُلْتُ: وَكَيْفَ لَا أَجْزَعُ وَأَهْلَعُ وَقَدْ أَرَى سَيِّدِي وَإِخْوَتِي وَعُمُومَتِي وَوَلَدَ
عَمَّتِي وَأَهْلِي مُضْرَعِينَ بِدِمَائِهِمْ، مُرْتَمِلِينَ بِالْعَرَى، مُسْلَبِينَ، لَا يُكْفُّونَ وَلَا
يُوَارُونَ، وَلَا يُعْرَجُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ، وَلَا يُقْرَبُهُمْ بَشَرٌ، كَأَنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ
الدَّيْلَمِ وَالْخَزَرِ؟! فَقَالَتْ: لَا يُجْزَعُ عَنْكَ مَا تَرَى، فَوَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَعَهْدٌ
مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ وَعَمِّكَ، وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ
أَنَاسٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا تَعْرِفُهُمْ قَرَاعِنَةُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهُمْ مَعْرُوفُونَ فِي أَهْلِ
السَّمَاوَاتِ أَنَّهُمْ يَجْمَعُونَ هَذِهِ الْأَعْضَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ فَيُوَارُونَهَا وَهَذِهِ
الْجُسُومَ الْمُضْرَجَةَ، وَيَنْصُبُونَ لِهَذَا الطَّفِّ عَلَمًا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ
لَا يَدْرُسُ أَثَرُهُ وَلَا يَغْفُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَلِيَجْتَهِدَنَّ

أثمة الكفر و أشياع الضلالة في تحوّه و تطميسه فلا يزداد أثره إلا ظهوراً و أمره إلا علواً، فقلت: وما هذا العهد و ما هذا الخبر؟!

﴿ دنباله حدیث اول ﴾

﴿ مشتمل بر فضیلت کربلاء و زیارت امام حسین (ع) ﴾

ترجمه:

این حدیث در آنچه استادم رحمة الله عليه به من اجازه آن‌ها را داده است داخل بوده منتهی در مقام نقل بین دو روایت را جمع کرده، برخی الفاظ را اضافه و بعضی را حذف نموده، پاره‌ای را مقدم و شطری را مؤخر کرده‌ام و بدین ترتیب صحیح است بگویم:

این حدیث را باتمام الفاظ و عباراتش از کسی نقل می‌کنم که وی آن را برایم اولاً و سپس الان حدیث نموده چه آنکه نه من آن را بر استادم رحمة الله عليه قرائت کرده و نه او بر من قرائت نموده است فقط من آن را از کسی که برایم نقل کرده حکایت می‌کنم و آن حدیث چنین است: ابو عبدالله احمد بن محمد بن عیاش می‌گوید:

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه برایم نقل کرد و گفت: ابو عیسی عبیدالله بن فضل بن محمد بن هلال الطائی البصری برایم نقل نمود و گفت: ابو عثمان سعید بن محمد برایم نقل کرد و گفت: محمد بن سلام بن یسار کوفی برای ما نقل کرد و گفت: احمد بن محمد واسطی برایم نقل نمود و گفت: عیسی بن ابی شبیة القاضی برایم نقل کرد و گفت: نوح بن دراج برایم نقل کرد و گفت: قدامة بن زائده برایم حدیث کرد و از پدرش نقل کرد، پدرش گفت:

حضرت علی بن الحسین (ع) فرمودند:

ای زائده خبر به من رسیده که گاهی به زیارت قبر ابی عبدالله الحسین (ع)

می‌روی؟

عرض کردم: همان طور است که خبر به سمع شما رسیده.
حضرت فرمودند:

برای چه مبادرت به چنین فعلی می‌ورزی در حالی که تو نزد سلطان مکانت و منزلتی داشته و وی کسی است که توان این را ندارد ببیند شخصی به ما محبت داشته و ما را بر دیگران برتری می‌دهد و فضائل ما را ذکر می‌کند و حقّی که از ما بر این امت واجب است را رعایت می‌نماید؟

محضر مبارکش عرض کردم: به خدا سوگند قصدم از این فعل فقط رضایت خدا و رسول خدا بوده و از غضب و سخط کسی که بر من غضب نماید ترس و وحشتی ندارم و امر مکروهی که از ناحیه این فعل به من برسد هرگز در سینه‌ام گران و سنگین نیست و بر من قابل تحمل می‌باشد.
حضرت فرمودند:

تو را به خدا سوگند امر چنینی است؟
عرض کردم: به خدا سوگند امر چنینی است.

حضرت سؤالشان را سه بار تکرار فرموده و من نیز جوابم را سه بار بازگو نمودم.

سپس حضرت فرمودند:

بشارت باد تراء بشارت باد تراء، بشارت باد تو را، لازم شد خبر دهم تو را به حدیثی که نزد من بوده و از احادیث نخبه و برگزیده‌ای است که جزء اسرار مخزونه می‌باشد و آن این است: زمانی که در طف (کربلا) آن مصیبت به ما وارد گشت و پدرم علیه السلام و تمام فرزندان و برادران و جمیع اهلس که با او بودند کشته شدند و حرم و زنان آن حضرت را بر روی شتران بی جهاز نشانده و ما را به کوفه برگرداندند پس به قتلگاه ایشان چشم دوختم و ابدان طاهره ایشان را برهنه و عریان دیدم که روی خاک افتاده و دفن نشده‌اند، این معنا بر من گران آمد و در سینه‌ام اثرش را یافته و هنگامی که از ایشان چنین منظره‌ای را مشاهده کردم

اضطراب و بی آرامی در من شدت یافت به حدی که نزدیک بود روح از کالبدم خارج شود، این هتیت و حالت را وقتی عمام زینب کبری دختر علی بن ابی طالب علیه السلام از من مشاهده نمود فرمود:

این چه حالی است از تو می بینم، ای یادگار جد و پدر و برادرم چرا با جان خود بازی می کنی؟!؟

من گفتم:

چگونه جزع و بی تابی نکنم در حالی که می بینم سرور و برادران و عموها و پسر عموها و اهل خود را در خون خویش طپیده، عریان و برهنه بوده، جامه هایشان را از بدن بیرون آورده اند، بدون اینکه کفن شده یا دفن گردیده باشند، احدی بالای سرشان نبوده و بشیری نزدیکشان نمی شود گویا ایشان از خاندان دیلم و خزر می باشند؟!؟

عمام فرمود:

آنچه می بینی تو را به جزع نیاورد، به خدا سوگند این عهد و پیمانی بوده که رسول خدا صلی الله علیه و آله با جد (امیرالمؤمنین علیه السلام) و پدر (سیدالشهداء علیه السلام) و عمویت (حضرت مجتبی علیه السلام) نموده و خداوند متعال نیز از گروهی از این امت که در عداد ستمکاران و سرکشان نمی باشند پیمان گرفته است ایشان در بین اهل آسمان ها معروف و مشهورند که این اعضاء قلم شده را جمع کرده و دفن نموده و این ابدان و اجسام خون آلود را به خاک سپرده و در این سرزمین برای قبر پدرت سیدالشهداء نشانه ای نصب کرده که اثرش هیچ گاه کهنه و مندرس نشود و گذشت شب و روز آن را محو نمی کند، و بسیاری از رهبران کفر و الحاد و ابناء ضلالت و گمراهی سعی در نابود کردن آن می نمایند ولی به جای اینکه رسم و نشانه آن از بین رود ظاهرتر و آشکارتر می گردد.

من پرسیدم:

این چه عهد و میثاقی بوده و این چه حدیث و خبری می باشد؟

متن:

فَقَالَتْ: نَعَمْ، حَدَّثَنِي أُمُّ أَيْمَنُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ زَارَ مَنْزِلَ فَاطِمَةَ ؓ فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ فَعَمَلَتْ لَهُ خَرِيرَةً، وَأَتَاهُ عَلِيُّؓ بِسَطْبِقٍ فِيهِ تَمْرٌ، ثُمَّ قَالَتْ أُمُّ أَيْمَنَ: فَأَتَيْتَهُمْ بِخُسٍّ فِيهِ لَبَنٌ وَزُبْدٌ، فَأَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَعَلِيُّؓ وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُؓ مِنْ تِلْكَ الْخَرِيرَةِ، وَشَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَشَرَبُوا مِنْ ذَلِكَ اللَّبَنِ، ثُمَّ أَكَلَ وَأَكَلُوا مِنْ ذَلِكَ التَّمْرِ وَ الزُّبْدِ، ثُمَّ غَسَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَدَهُ وَعَلِيٌّ يَصَبُّ عَلَيْهِ الْمَاءَ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ غَسْلِ يَدِهِ مَسَحَ وَجْهَهُ، ثُمَّ نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ نَظْرًا عَرَفْنَا بِهِ التَّوَرُّدَ فِي وَجْهِهِ ثُمَّ رَمَقَ بِطَرْفِهِ نَحْوَ السَّمَاءِ مَلِيًّا، ثُمَّ [أَنَّهُ] وَجَّهَ وَجْهَهُ نَحْوَ الْقِبْلَةِ وَبَسَطَ يَدَيْهِ وَدَعَا ثُمَّ خَرَّ سَاجِدًا وَهُوَ يَنْشِجُ فَاطِمَالَ النَّشْوَاجِ (كَذَا) وَعَلَانَحِيهِ وَجَرَتْ دُمُوعُهُ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ أَطْرَقَ إِلَى الْأَرْضِ وَ دُمُوعُهُ تَقَطَّرُ كَأَنَّهَا صُوبُ الْمَطَرِ، فَحَزَنَتْ فَاطِمَةُ وَعَلِيُّؓ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُؓ وَحَزَنَتْ مَعَهُمْ لِمَا رَأَيْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَهَبْتَاهُ أَنْ نَسْأَلَهُ حَتَّى إِذَا طَالَ ذَلِكَ قَالَ لَهُ عَلِيُّؓ: وَقَالَتْ لَهُ فَاطِمَةُ: مَا يُبْكِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَا أَبْكِي اللَّهُ عَيْنَيْكَ فَقَدْ أَقْرَحَ قُلُوبُنَا مَا نَرَى مِنْ حَالِكَ؟!

فَقَالَ: يَا أَخِي سَرَرْتُ بِكُمْ - وَ قَالَ مُزَاجِمُ بْنُ عَبْدِ الْوَارِثِ فِي حَدِيثِهِ هُنَا: - فَقَالَ: يَا حَبِيبِي إِنِّي سَرَرْتُ بِكُمْ سُرُورًا مَا سَرَرْتُ مِثْلَهُ قَطُّ وَإِنِّي لَأَنْظُرُ إِلَيْكُمْ وَ أَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى نِعْمَتِهِ عَلَيَّ فَيُكْمِ إِذْهَبْتُ عَلَيَّ جَبْرِثِيلُؓ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَطْلَعَ عَلَى مَا فِي نَفْسِكَ وَ عَرَفَ سُرُورَكَ بِأَخِيكَ وَابْتَكَى وَبَسَطِيكَ فَأَكْمَلَ لَكَ الثَّعْمَةَ وَهَتَاكَ الْعَطِيَّةَ

بأن جعلهم وذرياتهم ومحبيهم وشيعتهم معك في الجنة لا يفرق بينك وبينهم يحبون كما نحبي ويعطون كما تعطى حتى ترضى وفوق الرضا على بلوى كثيرة تنالهم في الدنيا ومكاره تصيبهم بأيدي أناس يتحلون ملكك ويزعمون أنهم من أمك برآء من الله ومنك خبطاً خبطاً وقتلاً قتلاً، شقي مصارعهم، نائية قبورهم، خيرة من الله لهم ولك فيهم، فاحمد الله عز وجل على خيرته وارض بقضائه، فحمدت الله ورضيت بقضائه بما اختاره لكم،

﴿ نقل حدیث ام ایمن به روایت علیا مخدّره ﴾

﴿ حضرت زینب کبری بنت امیرالمؤمنین ﴾

مرکز تحقیقات کربلا

ترجمه:

پس عمامه فرمود:

بلی، ام ایمن برایم نقل نمود که رسول خدا ﷺ روزی از روزها به منزل حضرت فاطمهؑ نزول اجلال فرمود و حضرت فاطمهؑ برای آن جناب حریره درست کردند و حضرت علیؑ طبقی نزد حضرت آوردند که در آن خرما بود، سپس ام ایمن گفت:

من نیز قدحی که در آن شیر و سر شیر بود را خدمتشان آوردم، رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسنینؑ از آن حریره میل کرده و سپس همگی آن شیر را آشامیدند و پس از آن رسول خدا ﷺ و به دنبال آن حضرت ایشان از آن خرما و سرشیر تناول نمودند و بعد رسول خدا ﷺ دست‌های مبارکشان را شستند در حالی که امیرالمؤمنینؑ آب به روی دست‌های آن حضرت می‌ریختند و پس از آنکه آن جناب از شستن دست‌ها فارغ شدند دست

به پیشانی کشیده آنگاه به طرف علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نظری که حاکی از سرور و نشاط بود نموده سپس با گوشه چشم به جانب آسمان نگریست بعد صورت مبارک به طرف قبله کرده و دست‌ها را گشاد و دعا نمود و پس از آن به حال گریه به سجده رفته و با صدای بلند می‌گریستند و اشک‌هایشان جاری بود.

سپس سر از سجده برداشته و به راه افتادند در حالی که اشک‌های آن حضرت قطره قطره می‌ریخت گویا باران در حال باریدن بود، از این صحنه حضرت فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام محزون شده و من نیز متأثر گشته و اندوهگین شدم ولی همگی از سؤال نمودن پرهیز کرده و از آن حضرت نه پرسیدیم که سبب این گریه چیست تا گریستن آن جناب به درازا کشید در این هنگام علی و فاطمه علیهم السلام پرسیدند:

چه چیز شما را گریانده یا رسول الله خدا هرگز چشمان شما را نگریاند قلب ما از این حال شما جریحه دار گردیده؟

حضرت فرمودند:

ای برادر من، بواسطه شما سرور گشتم...

مزامح بن عبدالوارث در حدیث خود به اینجا که می‌رسد می‌گوید:

نقل است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

ای حبیب من به واسطه شما چنان سرور و شادمان شدم که تاکنون این طور خوشحال نشده بودم و به شما نگریستم و خدا را بر نعمت شما که به من داده حمد و سپاس نمودم، در این هنگام جبرئیل علیه السلام بر من فرود آمد و گفت:

ای محمد صلی الله علیه و آله خداوند متعال بر آنچه در نهان تو است اطلاع داشته و می‌داند که سرور و شادی تو به واسطه برادر و دختر و دو سبط تو می‌باشد پس نعمتش را بر تو کامل کرده و عطیه‌اش را بر تو گوارا نمود یعنی ایشان و ذریه آنها و دوستان و شیعیان‌شان را در بهشت با تو همسایه نمود، بین تو و ایشان تفرقه

و جدائی نمی اندازد، ایشان از عطاء بدون منت او منتفع شده همان طوری که تو از آن بهره مند می شوی و به آنها اعطاء می شود همان طوری که به تو اعطاء می گردد تا آنجائی که راضی و خشنود شده بلکه فوق رضایت ایشان و تو حق تعالی عنایت می فرماید و این لطف و عنایت در مقابل آزمایش و ابتلائات بسیاری است که در دنیا متوجه ایشان شده و ناملایماتی که وسیله مردم و آنهایی که از ملت و کیش تو می باشند و خود را از امت تو پنداشته در حالی که از خدا واز تو بسیار دور هستند به ایشان می رسد، گاهی ضربه های شدید و غیر قابل تحمل از ناحیه این گروه متوجه ایشان شده و زمانی با قتل و کشتار ایشان مواجه می گردند.

قتلگاه ها ایشان مختلف و پراکنده و قبورشان از یکدیگر دور می باشد، خیر جوئی نما از خدا برای ایشان و برای خودت، حمد و سپاس خدای عزوجل و آنها بر خیرش و راضی شوی به قضای او پس حمد خدای بجا آورده و راضی شدم به قضایش به آنچه برای شما اختیار فرموده.

متن:

ثُمَّ قَالَ لِي جَبْرِئِيلُ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ أَخَاكَ مُضْطَهَّدٌ بَعْدَكَ مَغْلُوبٌ عَلَى أُمَّتِكَ مَتَعُوبٌ مِنْ أَعْدَائِكَ، ثُمَّ مَقْتُولٌ بَعْدَكَ يَقْتُلُهُ أَشَرُّ الْخَلْقِ وَ الْخَلِيقَةِ، وَ أَشَقُّ الْبَرِيَّةِ، يَكُنْ نَظِيرَ عَاقِرِ النَّاقَةِ بِلَدٍ تَكُونُ إِلَيْهِ هِجْرَتُهُ وَ هُوَ مَغْرُسٌ شِيعَتُهُ وَ شِيعَةُ وَلَدِهِ، وَ فِيهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ يَكْثُرُ بَلَوَاهُمْ وَ يَعْظُمُ مُصَابِهِمْ، وَ إِنَّ سَبْطَكَ هَذَا - وَ أَوْ مَأْيِدَةَ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - مَقْتُولٌ فِي عِصَابَةٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَ أَهْلِ بَيْتِكَ وَ أَخْيَارِ مَنْ أُمَّتِكَ بِضِفَّةِ الْفِرَاتِ بِأَرْضٍ يُقَالُ لَهَا: كَرْبَلَاءُ، مِنْ أَجْلِهَا يَكْثُرُ الْكَوْبُ وَ الْبَلَاءُ عَلَى أَعْدَائِكَ وَ

أعداء ذرّيتك في اليوم الذي لا ينقضي كربّه، ولا تنفخ حسرته، وهي أطيب
 بقاع الأرض، وأعظمها حرمةً، يُقتل فيها سبطك وأهلّه، وأنّها من
 بطحاء الجنّة، فإذا كان ذلك اليوم الذي يُقتل فيه سبطك وأهلّه، و
 أحاطت به كتائب أهل الكفر واللّعنّة، تزعزعت الأرض من أقطارها و
 مادّت الجبال وكثرت اضطرابها واضطّقت البحار بأمواجها، وماجت
 السماوات بأهلها غضباً لك يا محمّد ولذرّيتك، واستعظماً لما
 يُنتهك من حرمتك، ولشّر ما تكافى به في ذرّيتك وعترتك، ولا يبقى شيء
 من ذلك إلا استأذن الله عزّ وجلّ في نصرة أهلك المستضعفين
 المظلومين الذين هم حُجّة الله على خلقه بعدك فيوحي الله إلى
 السماوات والأرض والجبال والبحار ومن فيهنّ: أيّ أنا الله؛ الملك
 القادر الذي لا يفوته هاربة ولا يعجزه ممّتنع وأنا أقدر فيه على
 الانتصار والانتقام، وعزّي وجلالي لأعذّب من وتورسولي وصفيّتي؛ و
 انتهك حرّمته وقتل عترته ونبذ عهده وظلم أهل بيته عذاباً لا أعذّبه
 أحداً من العالمين، فعند ذلك يضيح كل شيء في السماوات والأرضين
 بلعن من ظلم عترتك واستحلّ حرمتك، فإذا برزت تلك العصابة إلى
 مضاجعها تولى الله عزّ وجلّ قبض أرواحها بيده وهبط إلى الأرض
 ملائكة من السماء السابعة معهم آنية من الياقوت والزمرّد مملوءة من
 ماء الحياة وحلّل من حلّل الجنّة وطيب من طيب الجنّة، فغسلوا جنتهم
 بذلك الماء وألبسوها الحلل وحنطوها بذلك الطيب، وصلّت
 الملائكة صفّاً صفّاً عليهم، ثمّ يبعث الله قوماً من أمّتك لا يعرفهم
 الكفّار لم يشركوا في تلك الدماء بقول ولا فعل ولا نيّة، فيؤاؤن

أجسامهم و یقیمون رَشْماً لِقَبْرِ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ بِتِلْكَ الْبَطْحَاءِ يَكُونُ عِلْماً
 لِأَهْلِ الْحَقِّ، وَ سَبَباً لِلْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْفَوْزِ وَ تَحْفَهِ مَلَائِكَةٌ مِنْ كُلِّ سَمَاءٍ مَائَةٌ
 أَلْفَ مَلَكٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ، وَ يَصَلُّونَ عَلَيْهِ وَ يَطُوفُونَ عَلَيْهِ وَ يَسْتَبْحُونَ
 اللَّهَ عِنْدَهُ وَ يَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لِمَنْ زَارَهُ وَ يَكْتُبُونَ أَسْمَاءَ مَنْ يَأْتِيهِ زَائِراً
 مِنْ أُمَّتِكَ مُتَقَرِّباً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِلَيْكَ بِذَلِكَ، وَ أَسْمَاءُ آبَائِهِمْ وَ
 عَشَائِرِهِمْ وَ بُلْدَانِهِمْ، وَ يُوسِّمُونَ فِي وَجُوهِهِمْ بِمِيسَمِ نَوْرِ عَرْشِ اللَّهِ:
 «هَذَا زَائِرُ قَبْرِ خَيْرِ الشَّهَدَاءِ وَ ابْنِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ»، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ
 سَطَعَ فِي وَجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ ذَلِكَ الْمِيسَمِ نَوْرٌ تَغْشَى مِنْهُ الْأَبْصَارُ يَدُلُّ عَلَيْهِمْ
 وَ يَعْرِفُونَ بِهِ، وَ كَأَنِّي بِكَ يَا مُحَمَّدُ بَيْنِي وَ بَيْنَ مِيكَائِيلَ، وَ عَلَيَّ أَمَامَنَا
 وَ مَعَنَا مِنْ مَلَائِكَةِ اللَّهِ مَا لَا يُحْصَى عَدْدُهُمْ، وَ نَحْنُ نَلْتَقِطُ مِنْ ذَلِكَ
 الْمِيسَمِ فِي وَجْهِهِ مِنْ بَيْنِ الْخَلَائِقِ حَتَّى يَنْجِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ هَوْلِ ذَلِكَ الْيَوْمِ
 وَ شِدَائِهِ، وَ ذَلِكَ حَكَمَ اللَّهُ وَ عَطَاؤُهُ لِمَنْ زَارَ قَبْرَكَ يَا مُحَمَّدُ أَوْ قَبْرَ
 أَخِيكَ أَوْ قَبْرَ سَبْطِيكَ لَا يَرِيدُ بِهِ غَيْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ سَيَجْتَهِدُ أَنْسَاسُ
 تَمَنِّ حَقَّتْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَةُ مِنَ اللَّهِ وَ السَّخَطُ أَنْ يَسْعَوْا رَشْمَ ذَلِكَ الْقَبْرِ
 وَ يَمَحُوا أَثَرَهُ فَلَا يَجْعَلُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ سَبِيلاً، ثُمَّ قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «فَهَذَا أَبْكَافِي وَ أَخْرَزَنِي».

﴿ دُنْبَالَهُ حَدِيثِ شَرِيفِ اِمَامِ اِيْمَنِ ﴾

ترجمه:

سپس جبرئیل به من گفت:

ای محمد برادرت پس از تو منکوب و مغلوب امتت قرار گرفته و از دشمنانت در تعب و رنج واقع می‌شود، و بعد از تو او رابدترین مخلوقات

و شقی ترین مردم می کشد، قاتل آن حضرت نظیر پی کننده ناقه صالح است، وی به منظور انجام این کار به شهری هجرت می کند که آن شهر محلّ نشو و نمای تبعه و پیروان آن حضرت و فرزندش می باشد، در آن شهر ابتلائات ایشان (اهل بیت علیهم السلام) بسیار مصیبت به ایشان عظیم می باشد، و این سبط شما (جبرئیل با دست اشاره به حضرت حسین علیه السلام نمود) با جماعتی از فرزندان و اهل بیت شما و نیکانی از امت در کنار فرات واقع در سرزمینی که به آن «کربلا» می گویند کشته می شود.

کربلاء را از این جهت کربلاء گویند که حزن و بلاهاتی که از دشمنان شما و دشمنان فرزندان شما در روزی که حزن و اندوهش تمام شدنی نبوده و حسرت آن زوال پذیر نیست به عمل می آید بسیار زیاد می باشد.

این زمین پاکیزه ترین اماکن واقع روی زمین بوده و احترامش از تمام بقاع بیشتر است، در آن سبط تو و اهل بیتش کشته می شوند.

کربلاء از زمین های بهشت است، هرگاه روزی که در آن سبط تو و اهل بیتش کشته می شوند فرا برسد و لشکر اهل کفر و لعنت او را احاطه نمایند به جهت غضب به خاطر تو و فرزندان ای محمد و به منظور بزرگ شمردن هتک حرمت و تقبیح نمودن کرداری که نسبت به ذریه و عترت انجام شده زمین بلرزد و گوهها کشیده و اضطراب و جنبششان زیاد شود و امواج دریاها متلاطم گردد و آسمانها اهلشان را به هم بریزند، و از زمین و گوهها و دریاها و آسمانها چیزی باقی نمی ماند مگر آنکه از حق تعالی اذن می خواهند که اهل تو را که مستضعفین و مظلومین بوده و حجت های خدا بعد از تو بر خلائق هستند را نصرت و یاری کنند پس خداوند به آنها و موجودات در آنها وحی کرده و می گوید:

منم خداوند متعال، سلطانی که قادر است و کسی نتواند از او بگریزد در توان هیچ خصم و دشمنی نیست که او را عاجز و ناتوان کند، من بر یاری کردن

دوستانم قادر و بر انتقام گرفتن از دشمنان متمکن هستم، به عزّت و جلال خود قسم آنان را که رسولم را تنها گذارده و برگزیده‌ام را رها کرده و حرمتش را هتک نموده و فرزندانش را کشته و عهدش را نقض و زیر پای نهاده و به اهل بیتش ستم کرده‌اند عذابی کنم که احدی از عالمیان را چنین عذابی نکرده باشم.

در این هنگام تمام موجودات سماوی و ارضی به ضجّه در آمده و آنانکه به عترت ستم کرده و هتک حرمت را روا داشته‌اند را لعن و نفرین می‌کنند.

و هنگامی که آن جماعت (فرزندان و اهل بیت و نیکان از امت) به طرف گورها و قبرهایشان نمایان می‌شوند حق تعالی خودش متولی قبض ارواح آنها به ید قدرتش شده و فرشتگان را از آسمان هفتم به زمین فرو فرستاده در حالی که با ایشان:

۱- ظروفی از یاقوت و زمرد بوده که مملوّ از آب حیات می‌باشند.

۲- حله‌هایی از حله‌های بهشتی.

۳- عطری از عطرهاي بهشتی.

می‌باشد، پس فرشتگان بدن‌های ایشان را با آن آبها شستشو داده و حله‌ها را به تن آنها کرده و با آن عطرها جنوطشان نموده و دسته‌دسته بر ایشان نماز می‌خواند و پس از اتمام نماز حق تعالی گروهی از امت را که کفار ایشان را نمی‌شناسند و در خون شهداء نه با گفتار و نه با کردار و نه با قصد شرکت کرده‌اند را گسیل داشته تا اجسام و ابدان آنها را دفن کنند و برای قبر سیدالشهداء در آن سرزمین اثری نصب کرده تا برای اهل حق نشانه‌ای بوده و برای اهل ایمان سببی برای رستگاری باشد و در هر روز و شب از هر آسمانی صد هزار فرشته گرداگرد آن طواف کرده و بر آن حضرت صلوات فرستاده و نزد قبرش تسبیح خدا گفته و برای زائرین آن جناب طلب آمرزش کرده و اسامی زائرین از امت را که قریه‌الی الله آن حضرت را زیارت می‌کنند و نیز اسماء پدران و خویشان وندان و شهرهای ایشان را می‌نویسند و در صورتهای ایشان بامدادی که از نور عرش

الهی است این عبارت را نقش می‌بندند:

این شخصی زائر قبر بهترین شهداء و زائر قبر فرزند بهترین انبیاء می‌باشد.
در روز قیامت از اثر این مداد نوری ساطع شده که از پرتویش چشم‌ها تار
می‌گردد و با این نور ایشان شناخته می‌شوند، و گویا تو ای محمد بین من
و میکائیل قراز گرفته و علی جلو ما بوده و همراهان فرشتگانی حرکت می‌کند
که از کثرت عدد ایشان معلوم نیست و بوسیله همین نوری که در صورت‌های
ایشان هست، آنها را از بین خلایق دریافته و جدا می‌کنیم و بدین ترتیب حق
تعالی ایشان را از هول و وحشت آن روز و سختی‌های آن نجات می‌دهد و این
حکم خدا است در حق کسانی که قبر تو را ای محمد یا قبر برادرت یا قبر دو
سبط تو را زیارت کرده و قصدی غیر از خدای عزوجل را نداشته باشند و البته
گروهی از مردم که مستحق لعنت و سخط و غضب الهی هستند خواهند آمد که
در محو کردن رسم و نشانه این قبر سعی کرده و می‌کوشند آن را از بین ببرند ولی
خداوند قادر به ایشان چنین توانی را نخواهد داد.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

این خبر من را گریانند و اندوهگین نمود.

متن:

قالت زينب: فلما ضرب ابن ملجم - لعنه الله - أبي عليه السلام و
 رأيت عليه أثر الموت منه قلت له: يا أبة حدثني أم أئمن بكذا وكذا، و
 قد أحببت أن أسمعه منك، فقال: يا بنيّة الحديث كما حدثتك أم أئمن،
 وكأني بك وبنات أهلك سبايا بهذا البلد إذ لاء خاشعين تخافون أن
 يتخطّفكم الناس؛ فصبراً صبراً، فوالذي فلّق الحبة وبرء النّسمة ما ليّله
 على ظهر الأرض يومئذٍ وليّ غيركم وغير محبّيتكم وشيعتكم، ولقد قال
 لنا رسول الله ﷺ حين أخبرنا بهذا الخبر: أن إبليس - لعنه الله - في
 ذلك اليوم يطيرُ فرحاً فيجول الأرض كلّها بشياطينه و عفاريتِه فيقول:
 يا معاشر الشّياطين قد أدركنا من ذريّة آدم الطّلبة وبلغنا في هلاكهم
 الغاية و أورتناهم النار إلاّ من اعتصم بهذه العصاة، فاجعلوا شغلكم
 بتشكيك الناس فيهم و حملهم على عداوتهم، و إغرائهم بهم و
 أوليائهم حتّى تستحكم [وا] ضلالة الخلق و كفرهم، ولا ينجو منهم ناج،
 ولقد صدق عليهم إبليس وهو كذّوب، أنّه لا ينفع مع عداوتكم عمل
 صالح ولا يضرّ مع محبّكم و موالاتكم ذنب غير الكبائر؛
 قال زائدة: ثمّ قال عليّ بن الحسين عليه السلام بعد أن حدّثني بهذا الحديث:
 خذهِ إليك، أما لو ضربت في طلبه إباط الإبل حولاً لكان قليلاً]

﴿ دنباله حدیث به نقل علیا مخدّره حضرت ﴾

﴿ زینب کبری بنت امیرالمؤمنین علیه السلام ﴾

ترجمه:

حضرت زینب سلام الله علیها فرمود:

زمانی که ابن ملجم لعنه الله علیه پدرم را ضربت زد و من اثر مرگ را در آن حضرت مشاهده کردم محضرش عرضه داشتم:

ای پدر امّ ایمن برایم حدیثی چنین و چنان نقل نمود، دوست دارم حدیث را از شما بشنوم.

پدرم فرمودند:

دخترم، حدیث همان طوری است که امّ ایمن نقل کرده، گویا می بینم که تو و دختران اهل تو در این شهر به صورت اسیران در آمده، خوار و منکوب می گردید، هر لحظه هراس دارید که شما را مردم بربایند، بر شما باد به صبر و شکیبائی، سوگند به کسی که حبه را شکافته و انسان را آفریده روی زمین کسی غیر از شما و غیر از دوستان و پیروانتان نیست که وکی خدا باشد و هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله این خبر را برای ما نقل می نمودند و فرمودند.

ابلیس لعنه الله علیه در آن روز از خوشحالی به پرواز درمی آید پس در تمام نقاط دستیاران و عفریت هایش را فرا خوانده و به آنها می گوید:

ای جماعت شیاطین، طلب و تقاص خود را از فرزند آدم گرفته و در هلاکت ایشان به نهایت آرزوی خود رسیده و آتش دوزخ را نصیب ایشان نمودیم مگر کسانی که به این جماعت مقصود اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله پیوندند از این رو سعی کنید نسبت به ایشان در مردم تشکیک ایجاد کرده و آنها را بر دشمنی ایشان و دارید تا بدین وسیله گمراهی مردم و کفرشان مسلم و محقق شده و نجات دهنده ای بر ایشان بهم نرسد، ابلیس با اینکه بسیار دروغ گو و کاذب است این

کلام را به ایشان راست گفت، وی به آنها اطلاع داد.

اگر کسی با این جماعت (اهل بیت علیهم السلام) عداوت داشته باشد هیچ عمل صالحی برایش نافع نیست چنانچه اگر با ایشان محبت داشته باشد هیچ گناهی غیر از معاصی کبیره ضرری به او نمی رساند.

زائده می گوید: سپس حضرت علی بن الحسین علیه السلام پس از نقل این حدیث برایم فرمودند:

این حدیث را بگیر و ضبط کن، اگر در طلب آن یک سال شتر می دواندی و در کوه و کمر به دنبال آن تفحص می کردی محققاً کم و اندک بود.

متن:

[رَجَعْنَا إِلَى الْأَصْلِ]

۱- أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْزِيهِ الْقَمِّيُّ الْفَقِيه - رَحِمَهُ اللَّهُ - قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لِرَجُلٍ مِنْ مَوَالِيهِ: يَا فُلَانُ أَتَزُورُ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام؟ قَالَ: نَعَمْ إِنِّي أَزُورُهُ بَيْنَ ثَلَاثِ سَنِينَ أَوْ سَنَتَيْنِ مَرَّةً، قَالَ لَهُ - وَهُوَ مُصَفِّرُ الْوَجْهِ -: أَمَا وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَوْ زُرْتَهُ لَكَانَ أَفْضَلَ لَكَ مِمَّا أَنْتَ فِيهِ! فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَكُلُّ هَذَا الْفَضْلِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ وَاللَّهِ، لَوْ إِنِّي حَدَّثْتُكُمْ بِفَضْلِ زِيَارَتِهِ وَبِفَضْلِ قَبْرِهِ لَتَرَكْتُمْ الْحَيَّ رَأْسًا وَمَا حَجَّ مِنْكُمْ أَحَدٌ، وَيَحْكُ أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ اتَّخَذَ [بِفَضْلِ قَبْرِهِ] كَرِبْلَاءَ حَرَمًا آمِنًا مَبَارَكًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَ مَكَّةَ حَرَمًا؟ قَالَ ابْنُ

أبي - يعفور: فقلت له: قد فرض الله على الناس حج البيت ولم يذكر زيارة قبر الحسين (ع) فقال وإن كان كذلك فإن هذا شيء جعله الله هكذا، أما سمعت قول أبي أمير المؤمنين (ع) حيث يقول: إن باطن القدم أحق بالمسح من ظاهر القدم ولكن الله فرض هذا على العباد؟! أو ما علمت أن الموقف لو كان في الحرم كان أفضل لأجل الحرم ولكن الله صنع ذلك في غير الحرم؟!».

ترجمه:

مترجم گوید:

روایتی که قبلاً نقل شد از اصل این کتاب نبوده و آنرا برخی از شاگردان مصنف در آن گنجانده‌اند لذا پس از نقل این حدیث به اصل کتاب رجوع می‌کنیم

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

﴿ رجوع به اصل کتاب ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه القمی رحمه الله علیه به ما خبر داد و گفت:

پدرم، و علی بن الحسین و جماعتی از اساتیدم رحمة الله علیهم از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن سنان، از ابی سعید قماط، وی می‌گوید:

عبدالله ابی یعفور گفت: از حضرت اباعبدالله (ع) شنیدم که به شخصی از دوستانش فرمودند.

فلانی به زیارت قبر ابی عبدالله الحسین (ع) می‌روی؟

آن شخص گفت: بلی من هر سه سال یا دو سال یک مرتبه به زیارتش می‌روم. حضرت در حالی که صورتشان زرد شده بود فرمودند:

به خدائی که معبودی غیر از او نیست، اگر او را زیارت کنی برتر است برای تو از آنچه در آن هستی!

آن شخص عرض کرد: فدایت شوم آیا تمام این فضل برای من هست؟ حضرت فرمودند:

بلی به خدا سوگند، اگر من فضیلت زیارت آن حضرت و فضیلت قبرش را برای شما بازگو کنم به طوری کلی حج را ترک کرده و احدی از شما دیگر به حج نمی‌رود، وای بر تو آیا نمی‌دانی خداوند متعال بواسطه فضیلت قبر آن حضرت کربلا را حرم امن و مبارک قرار داد پیش از آنکه مکه را حرم امن نماید؟

ابن ابی الیغور می‌گوید: محضرش عرضه داشتم: خداوند متعال حج و زیارت بیت الله را بر مردم واجب کرده ولی زیارت قبر امام حسین علیه السلام را بر مردم واجب نکرده است پس چگونه شما چنین می‌فرمائید؟ حضرت فرمودند:

اگرچه همین طور است ولی در عین حال خداوند متعال فضیلت زیارت آن حضرت را این گونه قرار داده است.

مگر نشنیده‌ای کلام امیرالمؤمنین علیه السلام را که فرمودند:

کف پا سزاوارتر است به مسح نمودن از ظاهر و روی پا ولی در عین حال حق تعالی مسح روی پا را بر بندگان واجب کرده است؟!

و نیز مگر نمی‌دانی اگر حق تعالی موقف (محل محرم شدن) به خاطر شرافتی که در حرم هست افضل و برتر بود ولی خداوند متعال آن را در غیر حرم قرار داده است.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ الرَّزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَاطِ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ بَيَّاعِ السَّابَرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ أَرْضَ كَعْبَةَ قَالَتْ: مَنْ مِثْلِي؛ وَقَدْ بَنَى اللَّهُ بَيْتَهُ عَلَى ظَهْرِي وَيَأْتِينِي النَّاسُ مِنْ كُلِّ فِجٍّ عَمِيقٍ، وَجُعِلَتْ حَرَمُ اللَّهِ وَأَمْنُهُ؟!! فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا أَنْ كُفِّي وَقَرِّي؛ فَوَعَزَّتِي وَجَلَّالِي مَا فَضَّلَ مَا فَضَّلْتَ بِهِ فِيمَا أُعْطِيتَ بِهِ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْإِبْرَةِ غَمَسَتْ فِي الْبَحْرِ فَحَمَلَتْ مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ، وَلَوْ لَا تُرْبَةُ كَرْبَلَاءَ مَا فَضَّلْتَكَ؛ وَلَوْ لَا مَا تَضَمَّنَتْهُ أَرْضُ كَرْبَلَاءَ لَمَا خَلَقْتُكَ وَلَا خَلَقْتُ الْبَيْتَ الَّذِي افْتَخَرْتَ بِهِ؛ فَقَرِّي وَاسْتَقَرِّي وَكُونِي دَرِيَّةً مُتَوَاضِعاً ذَلِيلاً مُهِيناً غَيْرَ مُسْتَكْبِحٍ وَلَا مُسْتَكْبَرٍ لَأَرْضِ كَرْبَلَاءَ وَالْأُسْحُتُ بِكَ وَهُوَئِنْ بِكَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزاز، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، از ابی سعید قماط، از عمر بن یزید بیاع سابری از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

زمین کعبه در مقام مفاخرت گفت: کدام زمین مثل من است، و حال آنکه خداوند خانه‌اش را بر پشت من بنا کرده و مردم از هر راه دوری متوجه من می‌شوند، و حرم خدا و مأمن قرار داده شده‌ام؟!!!

خداوند متعال به سوبش وحی کرد و فرمود:

بس کن و آرام بگیر، به عزت و جلال خودم قسم آنچه را که تو برای خود فضیلت می‌دانی در قیاس با فضیلتی که به زمین کربلاء اعطاء نموده‌ام همچون

قطره‌ای است نسبت به آب دریا که سوزنی را در آن فرو برند و آن قطره را با خود بر دارد، و اساساً اگر خاک کربلاء نبود این فضیلت برای تو نبود و نیز اگر نبود آنچه که این خاک آن را در بر دارد تو را نمی‌آفریدم و بیتی را که تو به آن افتخار می‌کنی خلق نمی‌کردم بنابراین آرام بگیر و ساکت باش و متواضع و خوار و نرم باش و نسبت به زمین کربلا استنکاف و استکبار و طغیانی از خود نشان مده و الا تو را فرو برده و در آتش جهنم قرار می‌دهم.

متن:

و حدثني أبي و علي بن الحسين عن علي بن ابراهيم بن هاشم عن أبيه
عن محمد بن علي قال:

حدثنا عباد أبو سعيد العصفري، عن عمر بن يزيد بن عبيد السابري عن
جعفر ابن محمد عليه السلام و ذكر مثله في غيره من الروايات

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از محمد بن علی نقل کرده‌اند که وی گفت: عباد ابو سعید عصفری، از عمر بن یزید که فروشنده جامه‌های سابری بود از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام نقل کرده و حدیثی مثل حدیث مذکور را روایت نموده است.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْكُوفِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ،
عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْعَصْفَرِيِّ، عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
«قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَرْضَ كَرْبَلَاءَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْكَعْبَةَ بِأَرْبَعَةِ

و عشرين ألف عام، وقدّسها وبارک علیها، فما زالت قبل خلق الله الخلق مقدّسة مباركة، ولا تزال كذلك حتى يجعلها الله أفضل أرض في الجنة و أفضل منزل و مسكن يسكن الله فيه أولیاءه في الجنة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمہ:

ابوالعباس کوفی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از ابی سعید عصفری، از عمرو بن ثابت، از پدرش، از حضرت ابو جعفر (ع)، حضرت فرمودند:
خداوند تبارک و تعالی بیست و چهار هزار سال پیش از خلقت کعبه زمین کربلاء را آفرید و آنرا مقدس و مبارک قرار داد و پیوسته قبل از خلقت مخلوقات مقدس و مبارک بود تا آن را برترین زمین در بهشت نمود و برترین منزل و مسکنی قرارش داد که اولیاء و دوستانش در بهشت در آن سکنا می‌گزینند.

مرکز تحقیقات کربلا و بیروت

متن:

۴ - حدثني محمد بن جعفر القرشي الزاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن أبي سعيد - عن بعض رجاله - عن أبي الجارود «قال: قال علي بن الحسين (ع): اتخذ الله أرض كربلاء حَرَمًا آمناً مباركاً قبل أن يخلق الله أرض الكعبة ويتخذها حَرَمًا بأربعة وعشرين ألف عام، و أنه إذا زلزل الله تبارك و تعالى الأرض و سيرها رفعت كما هي بتربتها نورانية صافية، فجعلت في أفضل روضة من رياض الجنة، و أفضل مسكن في الجنة، لا يسكنها إلا النبيون و المرسلون - أو قال أولوا العزم من الرسل - و أنها لتزهر بين رياض الجنة كما يزهر الكوكب الدرّي بين الكواكب لأهل الأرض يغشي نورها أبصار أهل الجنة جميعاً، و هي

تنادی: أنا أرض الله المقدسة الطيبة المباركة التي تضمّنت سيّد الشهداء و سيّد شباب أهل الجنة».

حدّثني أبي - رحمه الله - و عليّ بن الحسين؛ و جماعة مشايخي، عن عليّ ابن - إبراهيم، عن أبيه، عن محمد بن عليّ، عن عبّاد أبي سعيد الغصّريّ - عن رجل - عن أبي الجارود قال: قال عليّ بن الحسين عليه السلام - و ذكر مثله ...

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزّاز، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از ابو سعید، از برخی رجالش، از ابی الجارود وی می گوید: حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال بیست و چهار هزار سال قبل از اینکه زمین کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد زمین کربلا را آفرید و آن را حرم امن و مبارک گرداند، و هر گاه حق تعالی بخواهد کره زمین را لرزانده و حرکتش دهد (شاید کنایه از قیامت باشد) زمین کربلا را همراه تربتش در حالی که نورانی و شفاف هست بالا برده و آن را در برترین باغ های بهشت قرار داده و بهترین مسکن در آنجا می گردانش و ساکن نمی شود در آن مگر انبیاء و مرسلین (یا بجای این فقره فرمودند: و ساکن نمی شود در آن مگر رسولان اولوالعزم) این زمین بین باغ های بهشت می درخشد همان طوری که ستاره درخشنده بین ستارگان نورفشانی می نماید، نور این زمین چشم های اهل بهشت را تار می کند و با صدائی بلند می گوید:

من زمین مقدّس و طیب و پاکیزه و مبارکی هستم که سیدالشهداء و سرور جوانان اهل بهشت را در خود دارم.

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از علی

بن ابراهیم، از پدرش، از محمد بن علی از عباد ابی سعید عصفری، از شخصی از ابی الجارود نقل کرده که وی گفت: علی بن الحسین علیه السلام فرمودند: و حدیثی مثل حدیث مذکور را ذکر نمودند.

من:

۵- و روی «قال أبو جعفر علیه السلام: الغاضرية هي البقعة التي كلم الله فيها موسى بن عمران علیه السلام، وناجى نوحاً فيها، وهي أكرم أرض الله عليه، ولولا ذلك ما استودع الله فيها أوليائه وأنبياءه، فزوروا قبورنا بالغاضرية».

۶- وقال أبو عبد الله علیه السلام: «الغاضرية تربة من بيت المقدس».

۷- وعنهما بهذا الإسناد عن أبي سعيد العصفري، عن حماد بن أيوب، عن أبي عبد الله، عن آبائه، عن أمير المؤمنين علیه السلام «قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: يقبر ابني بأرض يقال لها: كربلاء، هي البقعة التي كانت فيها قبة الإسلام، التي نجا الله عليها المؤمنين الذين آمنوا مع نوح في الطوفان».

۸- و بإسناده عن ابن ميثم التمار، عن الباقر علیه السلام «قال: من بات ليلة عرفة في كربلاء وأقام بها حتى يعيد وينصرف وقاه الله شر سنته».

۹- و بهذا الإسناد عن علي بن حرب، عن الفضل بن يحيى، عن أبيه، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: زوروا كربلاء ولا تقطعوه، فإن خير أولاد الأنبياء ضمته، ألا وإن الملائكة زارت كربلاء ألف عام من قبل أن يسكنه جدِّي الحسين علیه السلام، وما من ليلة تمضي إلا وجبرئيل وميكائيل يزورانها، فاجتهد يا يحيى أن لا تفقد من ذلك الموطن».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

در روایتی آمده است که حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:
 غاصریه مکانی است که خداوند متعال در آنجا با موسی بن عمران علیه السلام تکلم نمود و با حضرت نوح مناجات کرد، این زمین کریم ترین و شریف ترین بقاع روی زمین بوده و اگر این معنا نبود هرگز خداوند متعال اولیاء و انبیائش را در آن به ودیعه نمی گذارد، پس بر شما است که قبور ما را در غاصریه زیارت کنید.

﴿ حدیث ششم ﴾

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

غاصریه تربتی است از بیت المقدس



﴿ حدیث هفتم ﴾

از پدرم و علی بن الحسین بن بابویه با همان اسناد (اسناد حدیث قبل از شماره (۵)، از ابی سعید عصفری از حماد بن ایوب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، از پدران گرامش، از امیرالمؤمنین علیه السلام،

حضرت فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

فرزندم در زمینی دفن می شود که به آن «کربلاء» می گویند:

کربلاء بقعه و مکانی است که در آن قبة الاسلام (مراد بصره است) بوده و این همان مکانی است که حق تعالی در طوفان نوح مؤمنینی را که به آن حضرت ایمان داشتند همراه، آن جناب نجات داد و از آن مهلکه رها نمود.

﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم به اسنادش از ابن میثم تمّار، از حضرت باقر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمود:

کسی که شب عرفه در کربلاء بیتوته کرده و آن شب را به عبادت بپا دارد تا وقتی که مراجعت کند خداوند مَنّان او را از شرّ آن سال حفظ می نماید.

حدیث نهم

پدرم با همین سند از علی بن حرب از فضل بن یحیی از پدرش از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

کربلاء را زیارت کنید و آن را ترک نکنید زیرا این سرزمین بهترین فرزندان آدم علیه السلام را در خود گرفته، بدانید و آگاه باشید هزار سال قبل از اینکه جدّم حسین علیه السلام در آن ساکن گردد فرشتگان این سرزمین را زیارت کرده اند و شیئی منقضی نمی شود مگر آنکه جبرئیل و میکائیل این مکان را زیارت می کنند، بنابراین این ای یحیی (مقصود «یحیی» پدر «فضل» می باشد)

سعی کن این مکان از تو فوت نشود و از دستت نرود.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ - مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام بِكَرْبَلَاءَ فِي أَنْاسٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَلَمَّا مَرَّ بِهَا اعْرَوْزَ رَقَّتْ عَيْنَاهُ بِالْبِكَاءِ، ثُمَّ قَالَ: هَذَا مَنَاحُ رِكَابِهِمْ وَهَذَا مُلْقَى رِحَالِهِمْ، وَهَذَا تُهْرَقُ دِمَاؤُهُمْ، طَوْبَى لَكَ مِنْ تَرَبَةٍ عَلَيْكَ تُهْرَقُ دِمَاءُ الْأَحِبَّةِ».

ترجمه:

﴿ حدیث دهم ﴾

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمة الله عليهم، از سعید بن عبدالله، از احمد ابن محمد بن عیسی، از جعفر بن محمد بن عییدالله، از عبدالله ميمون قدآج، از حضرت ابی عبدالله ؑ آن حضرت فرمودند:

وقتی امیرالمؤمنین ؑ در بین گروهی از اصحابشان به کربلاء عبور نمودند چشمهای مبارکشان غرق در اشک شد و سخت گریستند سپس فرمودند: اینجا محل خواباندن مرکب‌هایشان بوده، و اینجا محل گذاردن اثاثشان می‌باشد و اینجا خون‌هایشان می‌ریزد، سپس به زمین خطاب کرده و فرمودند: خوشا به حالت ای زمین که بر روی تو خون‌های دوستان خدا می‌ریزد.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَثِيلٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ - عَنْ حَدَّثِهِ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ؑ «قَالَ: خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ؑ يَسِيرُ بِالنَّاسِ حَتَّى إِذَا كَانَ مِنْ كَرْبَلَاءَ عَلَى مَسِيرَةِ مِيلٍ أَوْ مِيلَيْنِ تَقَدَّمَ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ حَتَّى صَارَ بِمَصَارِعِ الشُّهَدَاءِ، ثُمَّ قَالَ: قَبِضْ فِيهَا مَائَتًا نَبِيًّا وَ مَائَتًا وَصِيًّا وَ مَائَتًا سَبِطًا، كُلُّهُمْ شُهَدَاءُ بِاتِّبَاعِهِمْ. فَطَافَ بِهَا عَلَى بَغْلَتِهِ خَارِجًا رِجْلَهُ مِنَ الرِّكَابِ فَأَنشَأَ يَقُولُ: مَنَاخَ رِكَابٍ وَ مَصَارِعَ الشُّهَدَاءِ، لَا يَسْبِقُهُمْ مِنْ كَانَ قَبْلَهُمْ وَلَا يَلْحَقُهُمْ مِنْ أَتَى بَعْدَهُمْ».

ترجمه:

﴿ حدیث یازدهم ﴾

پدرم و محمد بن الحسن، از حسن بن مثیل، از سهیل بن زیاد، از علی بن اسباط، از محمد بن سنان از کسی که برایش نقل نموده، از حضرت ابی عبدالله ؑ،

آن حضرت فرمودند:

امیرالمؤمنین علی علیه السلام با جماعتی از مردم از شهر خارج شده تا به یک یا دو میلی کربلاء و به محل افتادن شهداء رسیدند سپس فرمودند:

در این مکان دویست پیغمبر و دویست وصی پیغمبر و دویست سبط پیغمبر قبض روح شده که تمام آنها شهید هستند، پس از این کلام پای مبارک از رکاب بیرون آورده و در حالی که روی قاطر بودند آن مکان را طواف کرده و در حین طواف می فرمودند:

محل خواباندن مرکبها، و محل افتادن شهداء، شهداء قبل از ایشان بر آنها سبقت نگرفته اند و کسانی هم که بعد از آنها خواهند آمد به ایشان ملحق نخواهند شد.



مترجم گوید:

این عبارت کنایه است از اینکه از بد و خلقت تا انقراض عالم هیچ یک از شهداء مقام و منزلت شهداء کربلاء را ندارند.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبِي وَجَمَاعَةُ مَشَائِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام «قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى كَرْبَلَاءَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْكَعْبَةَ بِأَرْبَعَةِ وَعَشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ، وَقَدَّسَهَا وَبَارَكَ عَلَيْهَا، فَازَالَتْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ الْخَلْقَ مَقْدَسَةً مَبَارَكَةً، وَلَا تَزَالُ كَذَلِكَ، وَيَجْعَلُهَا أَفْضَلَ أَرْضٍ فِي الْجَنَّةِ».

۱۳ - وَرَوَى هَذَا الْحَدِيثَ جَمَاعَةُ مَشَائِخِنَا - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - : أَبِي؛ وَ

أخي؛ وغيرهم، عن أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن علي، عن أبي سعيد الغضفري، عن عمرو بن ثابت أبي المقدام، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام مثله، و زاد فيه: «و أفضل منزل و مسكن يسكن الله فيه أولياءه في الجنة».

حدَّثني أبي؛ و أخي؛ و عليُّ بن الحسين، عن عليِّ بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن محمد بن عليٍّ قال، حدَّثنا عبَّاد أبو سعيد الغضفري، عن عمرو بن - ثابت أبي المقدام، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام - و ذكر مثله مع الزِّيادة -.

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمہ:

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمۃ اللہ علیہم، از محمد بن یحیی العطار، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، از عمرو بن ثابت از پدرش از حضرت ابی جعفر عليه السلام، آن حضرت فرمودند:

خداوند متعال کربلاء را بیست و چهار هزار سال قبل از کعبه آفرید و آن را مقدس و مبارک قرار داد و پیوسته قبل از خلقت مخلوقات مقدس و مبارک بود و بعد از آفرینش آنها نیز چنین می باشد.

حق تبارک و تعالی آن را با فضیلت ترین زمین های در بهشت قرار داده است.

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

این حدیث را گروهی از اساتید ما رحمۃ اللہ علیہم نقل کرده اند، ایشان پدرم و برادرم و غیر آنها بوده که از احمد بن ادريس و او از محمد بن احمد و او از محمد بن الحسین و او از محمد بن علی و او از ابوسعید عصفری و او از عمرو بن ثابت ابی المقدام و او از پدرش و او از حضرت ابی جعفر عليه السلام مثل آن را نقل

کرده متهمی فقره ذیل را به آن افزوده است:

و برترین منزل و مسکنی است که خداوند متعال دوستانش را در بهشت در آن اسکان می‌دهد.

پدرم و برادرم و علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش محمد بن علی، وی می‌گوید: عباد ابو سعید عصفری برایم از عمرو بن ثابت ابی المقداد و او از پدرش و او از حضرت ابو جعفر علیه السلام نقل کرده و مثل حدیث گذشته (حدیث دوازدهم) را با زیادی (یعنی همان فقره زائد که بعداً نقل کردیم) ذکر نموده است.

متن:

۱۴ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبَادُ أَبُو سَعِيدٍ الْعَصْفَرِيُّ، عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ الْأَرْضِينَ وَالْمِيَاهَ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ، فَمِنْهَا مَا تَفَاخَرَتْ وَمِنْهَا مَا بَغَتْ، فَمِنْ مَاءٍ وَلَا أَرْضٍ إِلَّا عَوَّيْتُ لَتَرْكُهَا التَّوَاضِعَ لِلَّهِ حَتَّى سَلَطَ اللَّهُ الْمُشْرِكِينَ عَلَى الْكَعْبَةِ، وَأَرْسَلَ إِلَى زَمْزَمَ مَاءً مَالِحاً حَتَّى أَفْسَدَ طَعْمَهُ، وَإِنَّ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ وَمَاءَ الْفُرَاتِ أَوَّلُ أَرْضٍ وَأَوَّلُ مَاءٍ قَدَّسَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، فَبَارَكَ اللَّهُ عَلَيْهَا فَقَالَ لَهَا: تَكَلَّمِي بِمَا فَضَّلَكَ اللَّهُ تَعَالَى فَسَقَدَ تَفَاخَرَتِ الْأَرْضُونَ وَالْمِيَاهُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ؟! قَالَتْ: أَنَا أَرْضُ اللَّهِ الْمُقَدَّسَةِ الْمُبَارَكَةِ؛ الشِّفَاءُ فِي تُرْبَتِي وَمَانِي، وَلَا فَخْرَ، بَلْ خَاضِعَةٌ ذَلِيلَةٌ لِمَنْ فَعَلَ بِي ذَلِكَ، وَلَا فَخْرَ عَلَيَّ مَنْ دُونِي، بَلْ شُكْرُ اللَّهِ. فَأَكْرَمَهَا وَزَادَ فِي تَوَاضِعِهَا وَشَكَرَهَا اللَّهُ بِالْحُسَيْنِ عليه السلام وَأَصْحَابِهِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى».

ترجمه:

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

پدرم رحمه الله عليه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش از محمد بن علی، وی می گوید: عباد ابوسعید عصفری از صفوان جمال برای ما نقل کرد که او گفت:

شنیدم حضرت اباعبدالله علیه السلام می فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی برخی از زمین، و آب ها را بر بعضی دیگر تفضیل و برتری داد، پاره ای تفاخر و تکبر نموده و تعدادی از آنها ستم و تعدی نمودند از اینرو آب و زمین نماند مگر آنکه مورد عقاب الهی قرار گرفت زیرا تواضع و فروتنی در مقابل خدا را ترک کردند حتی خداوند متعال مشرکین را بر کعبه مسلط کرد و به زمزم آبی شور وارد نمود تا طعمش فاسد گردید.

ولی زمین کربلاء و آب فرات اولین زمین و اولین آبی هستند که خداوند متعال مقدس و پاکیزه شان نمود و برکت به آنها داد و سپس به آن زمین فرمود: سخن گو به آنچه خدا تو را به آن فضیلت داده مگر نبوده که زمین ها و آب ها بعضی بر برخی دیگر تفاخر و تکبر نمودند؟!

زمین کربلاء عرضه داشت: من زمین خدا بوده که من را مقدس و مبارک آفرید، شفاء را در تربت و آب من قرار داد، هیچ فخری نکرده بلکه در مقابل آن کس که این فضیلت را به من داده فروتن و ذلیل می باشم، چنانچه بر زمین های دون خود نیز فخر نمی کنم بلکه خدا را شکر و سپاس می کنم پس خداوند متعال بواسطه حسین علیه السلام و اصحابش آن سرزمین را مورد اکرام قرار داد و در تواضع و فروتنی و شکرش افزود سپس حضرت ابوعبدالله علیه السلام فرمودند:

کسی که برای خدا تواضع و فروتنی کند حق تعالی او را بلند کند و کسی که تکبر نماید وی را پست و ذلیل خواهد نمود.

﴿ الباب التاسع والثمانون ﴾

﴿ فضل الحائر و حرّمته ﴾

متن:

۱- حدّثني الحسن بن عبدالله بن محمد بن عيسى، عن أبيه عبدالله بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن إسحاق بن عمار «قال: سمعت أبا عبدالله ﷺ يقول: موضع قبر الحسين بن عليّ ﷺ منذ يوم دفن فيه روضة من رياض الجنة، وقال: موضع قبر الحسين ﷺ ثرعة من ثرع الجنة».

۲- حدّثني أبي؛ و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن عيسى بن عبيد الیقطيني، عن محمد بن إسماعيل البصري - عن رواه - عن أبي عبدالله ﷺ «قال: حُرمة قبر الحسين فرسخ في فرسخ من أربعة جوانبه».

۳- حدّثني حكيم بن داود بن حكيم - رحمه الله - عن سلمة بن الخطاب، عن منصور بن العباس - يرفعه إلى أبي عبدالله ﷺ - «قال: حريم قبر الحسين ﷺ خمس فراسخ من أربعة جوانب القبر».

﴿ باب هشتاد و نهم ﴾

﴿ فضیلت حائر حسینی ﷺ و حرمت آن ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عيسى، از پدرش عبدالله بن محمد بن عيسى، از حسن بن محبوب، از اسحاق بن عمار وی گفت: شنیدم حضرت ابو عبدالله ﷺ

می فرمودند:

محل قبر حسین بن علی علیه السلام روزی که در آن دفن شدند باغی بود از باغ های بهشت و فرمود:

موضع قبر حسین علیه السلام باغی مرتفع بود از باغهای مرتفع بهشت.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی بن عبید یقطینی، از محمد بن اسماعیل بصری، از کسی که برایش روایت نموده، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

حرم قبر حسین علیه السلام یک فرسخ در یک فرسخ از چهار طرف می باشد.

﴿ حدیث سوم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم رحمه الله علیه، از سلمه بن خطاب، از منصور بن عبّاس حدیث را تا حضرت ابی عبدالله علیه السلام مرفوعه نقل کرده و گفته است: حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند:

حرم قبر حسین علیه السلام پنج فرسخ از چهار جانب قبر می باشد.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ لِمَوْضِعِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام حَرَمَةً مَعْلُومَةً، مِنْ عَرَفْهَا وَاسْتَجَارَ بِهَا أُجِيرَ، قُلْتُ: فَصِفْ لِي مَوْضِعَهَا جُعِلَتْ فِدَاكَ، قَالَ: امْسَحْ مِنْ مَوْضِعِ قَبْرِهِ الْيَوْمَ، فَاَمْسَحْ خَمْسَةً وَ عَشْرِينَ ذِرَاعاً مِنْ

ناحیه رِجَلیّه و خمسة و عشرين ذراعاً ممّا يلي وَجْهَهُ، و خمسة و عشرين ذراعاً مِنْ خَلْفِهِ، و خمسة و عشرين ذراعاً مِنْ ناحیه رَأْسِهِ، و موضع قبره مُنْذُ يَوْمِ دُفِنَ رَوْضَةً مِنْ رِياضِ الجَنَّةِ، و مِنْهُ مِعْراج يعرج فيه بأعمال زوّاره إلى السّماء، فليس ملكٌ ولا نبيٌّ في السّماوات إِلَّا وَهُمْ يَسْأَلُونَ - اللَّهُ أَنْ يَأْذَنَ لَهُمْ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ﷺ، فَفَوْجٌ يَنْزِلُ وَفَوْجٌ يَعْرَجُ».

۵- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَشْعَثِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: قَبْرُ الْحُسَيْنِ ﷺ عِشْرُونَ ذِرَاعاً فِي عِشْرِينَ ذِرَاعاً مُكْتَسِراً رَوْضَةً مِنْ رِياضِ الْجَنَّةِ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ -»
و عنه، عن سعد، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن عليّ الوشاء، عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبد الله ﷺ - مثله.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن الحسین بن الخطّاب، از حسن بن محبوب، از اسحق بن عمار، وی می گوید:
از حضرت اباعبدالله ﷺ شنیدم که می فرمودند:
برای جای قبر حسین بن علی ﷺ حریم معلومی می باشد، کسی که آن را بداند و پناهنده به آن شود پناه داده می شود.
محضرش عرضه داشتم: فدایت شوم مکان حریم قبر را برای من بیان فرمائید:
حضرت فرمودند:

از مکانی که امروز قبر آن است این طور ارزیابی کن:
 از هر یک جوانب چهارگانه یعنی: جانب پا و جلو و پشت و سر بیست و پنج
 ذراع اندازه بگیر و مساحتی که از ملاحظه آن بدست می آید حرم قبر می باشد.
 و مکان قبر روزی که حضرت در آن دفن شدند باغی از باغهای بهشت بوده،
 و در همان جا نردبانی نصب شده و اعمال زوار آن جناب را بوسیله آن به آسمان
 می برند و هیچ فرشته و پیامبری در آسمان نیست مگر از خدا در خواست می کند
 که به او اذن زیارت قبر حسین علیه السلام داده شود پس دسته ای برای زیارت به پائین
 آمده و گروهی پس از زیارت به بالا می روند.

﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمه الله علیهم، از سعد بن عبدالله، از هارون بن
 مسلم، از عبدالرحمن اشعث از عبدالله بن حماد انصاری، از عبدالله بن سنان، از
 حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت: شنیدم که حضرت می فرمودند:
 قبر حسین علیه السلام به مساحت بیست ذراع در بیست ذراع باغی است از باغهای
 بهشت و به دنبال آن همان حدیث گذشته را ذکر فرمودند.
 و از پدرم، از سعد، از احمد بن محمد، از حسن بن علی و شاء از اسحق بن
 عمار، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل همان حدیث مذکور نقل شده است.

﴿ الباب التسعون ﴾

﴿ إِنَّ الْحَائِثَ مِنَ الْمَوَاضِعِ الَّتِي يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُدْعَى فِيهَا ﴾

متن:

۱- حدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مَيْمُونٍ، عَنْ سَهْلٍ
 بْنِ زِيَادٍ، عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ «قَالَ: بَعَثَ إِلَى أَبِي الْحُسَيْنِ علیه السلام فِي

مرضه؛ و إلى محمد بن حمزة، فسبقني إليه محمد بن حمزة فأخبرني أنه ما زال يقول: ابعثوا إلى الحائر [ابعثوا إلى الحائر]، فقلت لمحمد: ألا قلت: أنا أذهب إلى الحائر؟!.

ثم دخلت عليه فقلت له: جعلت فداك أنا أذهب إلى الحائر، فقال: انظروا في ذلك، ثم قال: إنَّ محمدًا ليس له سرٌّ من زيد بن عليٍّ، وأنا أكره أن يسمع ذلك، قال: فذكرت ذلك لِعليِّ بن بلال، فقال: ما كان يصنع بالحائر وهو الحائر!

فقدمت العسكری فدخلت عليه، فقال لي: اجلس - حين أردت القيام - فلما رأيته أنس بي ذكرت قول علي بن بلال، فقال لي: ألا قلت له: إنَّ رسول الله صلی الله علیه و آله كان يطوف بالبيت ويقتل الحجر، وحرمة النبي صلی الله علیه و آله و المؤمن أعظم من حرمة البيت، وأمره الله أن يقف بعرفة، إنما هي مواطن يحبُّ الله أن يذكر فيها، فأنا أحبُّ أن يدعى لي حيث يحبُّ الله أن يدعى فيها، والحائر من تلك المواضع».

﴿ باب نود ﴾

﴿ حائِرِ حَسینی علیه السلام از مواضعی است که ﴾

﴿ دعاء در آن محبوب خدا می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن، از حسن بن متیل، از سهل بن زیاد، از ابی هاشم جعفری، وی می گوید: حضرت ابوالحسن علیه السلام در حال بیماری، من و محمد بن حمزه را فرا خواندند، محمد بن حمزه بر من سبقت گرفت و زودتر از من به

خدمتش شتافت و بعداً به من خبر داد که آن جناب پیوسته می فرمودند:

شخصی را به حائر حسینی بفرستید تا برای من دعاء کند.

من به محمد گفتم: آیا محضرش عرض نکردی، من به حائر می روم؟

سپس بر آن حضرت وارد شده و عرضه داشتم: فدایت شوم من به حائر

می روم.

حضرت فرمودند:

در این عمل دقت و احتیاط کنید کسی مطلع نشود، سپس فرمودند:

محمد (ابن حمزه) سرزید بن علی را نگاه نداشت بلکه فاش کرد در حالی که

من کراهت داشتم به سمع دیگران برسد.

ابوهاشم جعفری می گوید: این فرموده امام علیه السلام را به علی بن بلال گفتم و به

وی رساندم که حضرت می فرمودند کسی را به حائر فرستاده تا برای من دعاء

کند.

مرکز تحقیقات کربلا و مدینه

علی بن بلال گفت: حضرت چه کاری با حائر داشتند، خودشان حائر هستند!

من به عسکر رفته و بر آن جناب داخل گشته و مقداری که خدمتش بودم

خواستم بلند شده و بروم. حضرت به من فرمودند:

بنشین، پس چون عنایت و لطف حضرت را به خود دیدم نشسته و کلام علی

بن بلال را محضرش باز گو نمودم

حضرت فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در اطراف خانه خدا طواف می کردند و حجرالاسود را

می بوسیدند در حالیکه حرمت پیامبر و مؤمن بالاتر از حرمت بیت الله می باشد نیز

خداوند متعال به حضرتش امر فرمود در عرفه وقوف کنند با اینکه حرمت پیامبر

از عرفه بیشتر و بالاتر است و سر آن این است که:

این گونه مواضع، مواطن و اماکنی هستند که خدا دوست دارد در آنها یاد

شود، پس من نیز دوست دارم برای من در جایی دعا شود که خدا دعا در آنجا را

دوست دارد و حائِرِ حَسَنِی ﷺ نیز از همین گونه مواضع می باشد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَجَاعَةً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ - عَيْسَى، عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ «قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ مُحَمَّدُ بْنُ حَمْزَةَ عَلَيْهِ نَعُودُهُ وَ هُوَ عَلِيلٌ، فَقَالَ لَنَا: وَ جَهَّوْا قَوْمًا إِلَى الْحَائِرِ مِنْ مَالِي، فَلَمَّا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِهِ قَالَ لِي مُحَمَّدُ بْنُ حَمْزَةَ: الْمَشِيرُ يُوَجِّهُنَا إِلَى الْحَائِرِ وَ هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ فِي الْحَائِرِ، قَالَ: فَعَدْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتَهُ، فَقَالَ لِي: لَيْسَ هُوَ هَكَذَا، إِنَّ لِلَّهِ مَوَاضِعَ يُحِبُّ أَنْ يَعْبُدَ فِيهَا، وَ حَائِرُ الْحُسَيْنِ ﷺ مِنْ تِلْكَ الْمَوَاضِعِ».

۳ - قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمَغِيرَةِ: وَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ ابْنِ - عَلِيٍّ الرَّازِيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْوُهْرَدِيِّ بَنِيْسَابُورٍ بِهَذَا الْحَدِيثِ، وَ ذَكَرَ فِي آخِرِهِ غَيْرَ مَا مَضَى فِي الْحَدِيثَيْنِ الْأَوَّلَيْنِ، أَحَبَبْتُ شَرْحَهُ فِي هَذَا الْبَابِ لِأَنَّهُ مِنْهُ:

قال أبو محمد الوهردي: حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هِشَامٍ - رَحِمَهُ اللَّهُ - قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ الْحَمِيرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيُّ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي - الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ هُوَ مَحْمُومٌ عَلِيلٌ، فَقَالَ لِي: يَا أَبَا هَاشِمٍ ابْعَثْ رَجُلًا مِنْ مَوَالِينَا إِلَى الْحَائِرِ يَدْعُوا لِلَّهِ لِي، فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ فَاسْتَقْبَلَنِي عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ فَأَعْلَمْتُهُ مَا قَالَ لِي، وَ سَأَلْتُهُ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ الَّذِي يَخْرُجُ، فَقَالَ: السَّمْعُ وَ الطَّاعَةُ وَ لَكِنِّي أَقُولُ: أَنَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الْحَائِرِ إِذْ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ فِي الْحَائِرِ، وَ دَعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ أَفْضَلُ مِنْ دَعَائِي لَهُ بِالْحَائِرِ!

فَأَعْلَمْتَهُ ﷺ مَا قَالَ: فَقَالَ لِي: قُلْ لَهُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَفْضَلَ مِنَ الْبَيْتِ وَالْحَجَرِ، وَكَانَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَيَسْتَلِمُ الْحَجَرَ، وَإِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى بِقَاعًا يُحِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا فَيَسْتَجِيبَ لِمَنْ دَعَاهُ، وَالْحَائِثُ مِنْهَا».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین و جماعتی از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی، از ابی هاشم جعفری، وی می گوید:

من و محمد بن حمزه بر حضرت عسکری علیه السلام وارد شده و عیادتش کردیم در حالی که آن حضرت بیمار بودند، حضرت به ما فرمودند:

از مال من گروهی را به حائر گسیل دارید.

ما وقتی از خدمتش مرخص شده و بیرون آمدیم، محمد بن حمزه به من گفت:

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

حضرت ما را به حائر سوق دادند در حالی که خود ایشان به منزله همان کسی است که در حائر می باشد (یعنی حضرت سیدالشهداء).

ابوهاشم می گوید: دوباره نزد حضرتش رفته مقاله محمد بن حمزه را محضرش گفتم، حضرت فرمودند.

این طور نیست که او می گوید، خداوند متعال مواضعی دارد که می خواهد در آنها عبادت شود و حائر حسینی از آنها است.

﴿ حدیث سوم ﴾

حسین بن احمد بن مغیره می گوید:

ابو محمد حسن بن احمد بن علی رازی معروف به «او هوردی» در نیشابور این حدیث را برایم نقل کرد و در پایان آن فقره ای غیر از آنچه در دو حدیث اول

و دوّم گذشت را ذکر نموده که دوست داشتم در این باب شرحش دهم زیرا جزء این باب و توضیح آن چنین است:

ابو محمد و هور دی می گوید:

ابو علی محمد بن همام رحمه الله علیه گفت: محمد حمیری برایم نقل کرد که ابوهاشم جعفری گفت: بر حضرت ابی الحسن علی بن محمد سلام الله علیهما وارد شدم در حال که حضرت تب دار و بیمار بودند به من فرمودند:

ای اباهاشم شخصی از دوستان ما را به حائِرِ بفرست تا برایم دعاء کند، از نزد آن حضرت بیرون آمدم در این هنگام با علی بن بلال مواجه شدم فرموده حضرت را برایش باز گو نموده و از وی راجع به شخصی که حضرت فرموده اند درخواست کرده و جو یا شدم.

علی بن بلال گفت: شنیدم و اطاعت می کنم ولی می گویم: حضرت خودشان از حائِرِ افضل و برتر هستند زیرا ایشان به منزله کسی است که در حائِرِ می باشد (یعنی حضرت سیدالشهداء) و دعاء آن جناب برای خودشان افضل و برتر است از دعاء من برای ایشان در حائِرِ.

من محضر امام علیه السلام مشرف شده و مقاله علی بن بلال را خدمتش عرض کردم، حضرت به من فرمودند: به او بگو: رسول خدا از بیت و حجر الاسود افضل بودند ولی در عین حال دور بیت طواف می کرده و حجر را استلام می فرمودند، خداوند متعال بقاع و مواضعی دارد که می خواهد در آن جاها خوانده شود تا دعاء، دعا کننده را مستجاب فرماید و حائِرِ از جمله این مواضع می باشد.

﴿ الباب الحادي و التسعون ﴾

﴿ ما يستحب من طين قبر الحسين عليه السلام و الله شفاء ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ - مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ كِرَامٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي يَغْفُورٍ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَأْخُذُ الْإِنْسَانُ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَيَنْتَفِعُ بِهِ وَيَأْخُذُ غَيْرَهُ فَلَا يَنْتَفِعُ بِهِ؟ فَقَالَ: لَا؛ وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا يَأْخُذُهُ أَحَدٌ وَهُوَ يَرَى أَنَّ اللَّهَ يَنْفَعُهُ بِهِ إِلَّا نَفَعَهُ اللَّهُ بِهِ».



﴿ باب ثود و يكم ﴾

﴿ شفاء بودن تربت قبر حضرت امام حسين عليه السلام ﴾

﴿ و مقدار مستحب بودن آن ﴾

ترجمه:

﴿ حديث أول ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصَّقَّار، از احمد بن محمد بن عيسى، از حسن بن علي بن فضال، از كرام، از ابن ابی یعفور، وی می گوید: محضر حضرت ابی عبدالله عليه السلام عرضه داشتم:

آیا این طور است که شخص تربت قبر امام حسین عليه السلام را وقتی اخذ نمود از آن انتفاع برده ولی تربت غیر آن حضرت را وقتی اخذ کرد نمی تواند از آن نفع ببرد؟

حضرت فرمودند:

نه این طور نیست که مجرد اخذ نمودن تربت این اثر را داشته باشد، به خدائی که معبودی غیر از او وجود ندارد اخذ نمی کند احدی تربت قبر آن حضرت را در حالی که معتقد است خداوند با آن نفع به او می رساند مگر آنکه حتماً از آن منتفع می شود.

مترجم گوید:

آنچه از این حدیث استفاده می شود آن است که اثر تربت زمانی است که شخص معتقد به آن باشد و الاً صرف اخذ تربت بدون اعتقاد تاثیر البسته مؤثر نمی باشد.



متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - «قَالَ: دَفَعْتُ إِلَى امْرَأَةٍ غَزْلاً فَقَالَتْ: أَدْفَعُهُ إِلَى الْحُجَّبةِ مَكَّةَ لِيُخَاطَ بِهِ كِسْوَةُ الْكَعْبَةِ، قَالَ: فَكُرِهْتُ أَنْ أَدْفَعُهُ إِلَى الْحُجَّبةِ وَأَنَا أَعْرِفُهُمْ، فَلَمَّا أَنْ صِرْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ امْرَأَةً أُعْطِيتِي غَزْلاً فَقَالَتْ: أَدْفَعُهُ بِمَكَّةَ لِيُخَاطَ بِهِ كِسْوَةُ الْكَعْبَةِ؛ فَكُرِهْتُ أَنْ أَدْفَعُهُ إِلَى الْحُجَّبةِ، فَقَالَ: اشْتَرِ بِهِ عَسْلاً وَزُعْفَرَانًا وَخُذْ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَاعْجِنْهُ بِمَاءِ السَّمَاءِ وَاجْعَلْ فِيهِ مِنَ الْعَسَلِ وَالزُّعْفَرَانِ وَفَرِّقْهُ عَلَى الشَّيْعةِ لِيَدَاوُوا بِهِ مَرْضَاهُمْ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله، از پدرش از ابی عبدالله برقی، از برخی اصحاب، وی

گفت:

زنی پشم ریسیده‌ای را به من داد و گفت آن را به پرده داران کعبه بده تا با آن برای کعبه پرده درست نمایند، وی گفت: چون پرده داران را می‌شناختم کراهت داشتم آن را به ایشان بدهم پس وقتی به مدینه رسیدم محضر مبارک حضرت ابی جعفر علیه السلام رسیده به ایشان عرض کردم: فدایت شوم زنی پشمی ریسیده به من داده و گفته که آن را به پرده داران کعبه دهم تا پرده‌ای از آن برای کعبه درست کنند، من از دادن پشم به ایشان کراهت دارم تکلیف چیست؟ حضرت فرمودند:

با آن غسل و زعفران خریده و از قبر حسین علیه السلام مقداری تربت بردار و آن را با آب باران عجین نما و در آن غسل و زعفران را بریز و سپس معجون بدست آمده را بین شیعیان تقسیم نما تا با آن مریض‌های خود را مداوا کنند.



متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَصْرِيِّ، وَ ثِقَبَةَ فَهْدٍ - عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ».

۴- وَ عَنْهُ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ الْبَصْرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: فِي طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام الشِّفَاءُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَهُوَ الدَّوَاءُ الْأَكْبَرُ».

۵- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ - عَنْ شَيْخٍ مِنْ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِيهِ شِفَاءٌ وَإِنْ أَخَذَ عَلَى رَأْسِ مِيلٍ».

۶- وَ رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ أَصَابَتْهُ عِلَّةٌ فَبَدَأَ بِطِينِ قَبْرِ

الحسین (علیه السلام) شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ تِلْكَ الْعِلَّةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ عِلَّةَ السَّامِ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل بصری که لقبش فهد می باشد از برخی رجالش از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

تربت قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) شفاء هر دردی می باشد.

﴿ حدیث چهارم ﴾

و از پدرم، سعد بن عبدالله، از احمد بن الحسین بن سعید، از پدرش، از محمد بن سلیمان بصری، از پدرش، از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) نقل شده که آن حضرت فرمودند: در تربت قبر امام حسین (علیه السلام) شفاء هر دردی بوده و آن دواء اکبر می باشد.

﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از بزرگی از اصحاب ما، از ابی الصباح کنائی، از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

تربت قبر امام حسین (علیه السلام) در آن شفاء بوده اگر چه به قدر سر میل (میلی) که با آن سرمه می کشند) باشد.

﴿ حدیث ششم ﴾

از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) مروی است که فرمودند:

کسی که مرض و بیماری بر او عارض شده اگر قبل از خوردن هر داروئی تربت قبر امام حسین (علیه السلام) را بخورد خداوند مَنان او را از آن مرضی شفا می دهد مگر از مرگ.

متن:

٧- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُذَلِّجٌ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مُسْلِمٍ «قَالَ: خَرَجْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ وَأَنَا وَجِعٌ، فَقِيلَ لَهُ: مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَجِعٌ فَأَرْسَلَ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام شَرِبًا مَعَ غُلَامٍ مَغْطًى بِمَنْدِيلٍ، فَتَنَاوَلْنِيهِ الْغُلَامُ وَقَالَ لِي: اشْرِبْهُ فَإِنَّهُ قَدْ أَمَرَنِي أَنْ لَا أَبْرَحَ حَتَّى تَشْرِبَهُ، فَتَنَاوَلْتُهُ فَإِذَا رَائِحَةُ الْمَسْكِ مِنْهُ، وَإِذَا بِشَرَابٍ طَيِّبٍ الطَّعْمُ بَارِدٍ، فَلَمَّا شَرِبْتُهُ قَالَ لِي الْغُلَامُ: يَقُولُ لَكَ مَوْلَاكَ: إِذَا شَرِبْتَهُ فَتَعَالَ.

فَفَكَّرْتُ فِيهَا قَالَ لِي وَ مَا أَقْدَرُ عَلَى التَّهَوُّضِ قَبْلَ ذَلِكَ عَلَى رَجُلِي، فَلَمَّا اسْتَقَرَّ الشَّرَابُ فِي جَوْفِي فَكَأَنَّمَا نَشِطْتُ مِنْ عِقَالٍ، فَأَتَيْتُ بَابَهُ فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَصَوَّتَ بِي: صَحَّ الْجِسْمُ أَدْخُلْ! فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ وَأَنَا بَاكِ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَقَبَلْتُ يَدَهُ وَرَأْسَهُ؛

فَقَالَ لِي: وَمَا يُبْكِيكَ يَا مُحَمَّدٌ؟! قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَبْكِي عَلَى اغْتِرَابِي وَبُعْدِ الشُّقَّةِ وَقِلَّةِ الْقُدْرَةِ عَلَى الْمَقَامِ عِنْدَكَ أَنْظِرْ إِلَيْكَ؛

فَقَالَ لِي: أَمَّا قِلَّةُ الْقُدْرَةِ فَكَذَلِكَ جَعَلَ اللَّهُ أَوْلِيَاءَنَا وَأَهْلَ مَوَدَّتِنَا، وَ جَعَلَ الْبَلَاءَ إِلَيْهِمْ سَرِيعاً، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنَ الْغُرْبَةِ، وَ فَإِنَّ الْمُسْلِمِينَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غَرِيبٌ وَ فِي هَذَا الْخَلْقِ الْمُنْكَوسُ، حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ هَذِهِ الدَّارِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ بُعْدِ الشُّقَّةِ فَلَكَ بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أُسْوَةٌ بِأَرْضٍ نَائِيَةٍ عَنَّا بِالْفُرَاتِ، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ حُبِّكَ قُرْبَانَا وَ النَّظَرِ إِلَيْنَا؛ وَ أَنْكَ لَا تَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ، فَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قَلْبِكَ وَ جَزَاؤُكَ عَلَيْهِ؛

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن الاصم، وی گفت:

مدلیج برای ما از محمد بن مسلم حدیثی نقل کرد که وی گفت: من به مدینه رفتم در حالی که دردمند بودم محضر امام رساندند که محمد بن مسلم دردمند است، حضرت ابو جعفر علیه السلام شربتی برایم فرستادند آورنده غلامی بود که دستاری به سر بسته بود، بهر صورت غلام شربت را به من داد و گفت:

این را بباشم زیرا حضرت به من امر فرموده‌اند تا تو این را نیاشامیده‌ای من از نزدت بروم، پس شربت را گرفتم، بوی مشک از آن می‌آمد، شربتی پاکیزه، طعمی خنک داشت وقتی آن را نوشیدم، غلام به من گفت:

آقایتم فرموده: وقتی شربت را خوردی به نزدش حاضر شو.

من در این گفتار می‌اندیشدم که پیش از نوشیدن شربت قادر نبودم روی پاهایم بایستم حال چطور حرکت کرده و به محضرش بروم، بهر صورت وقتی شربت در جوف من قرار گرفت گویا از بند رها شدم پس درب منزل حضرت آمده از آن جناب اذن خواستم، حضرت با صدای بلند فرمودند:

جسمت بهبودی یافت داخل شوا

پس داخل شده در حالی که می‌گریستم، سلام بر آن حضرت کرده و دست و سر آن سرور را می‌بوسیدم.

حضرت به من فرمودند:

ای محمد، چرا گریه می‌کنی؟

عرض کردم: فدایت شوم

گریه‌ام بخاطر این چند چیز است:

الف: غریبم.

ب: از شما دور هستم.

ج: قدرتم کم و ضعیف می‌باشم

د: قادر نیستم نزد شما رحل اقامت انداخته و به شما بنگرم.

حضرت فرمودند:

اما کم بودن قدرت، البته همین طور است، خداوند دوستان ما را این چنین قرار داده و سریعاً بلاء را بر ایشان نازل می‌کند.

و اما اینکه گفتی: غریب هستی، مؤمن در دنیا و بین این خلق نکون سار غریب می‌باشد تا از این داز فانی به رحمت باری منتقل شود.

و اما اینکه گفتی مکانت دور است و از ما فاصله داری، بر تو باد به پیروی نمودن از ابی عبدالله علیه السلام (منظور از ابی عبدالله خود آن حضرت می‌باشد) زیرا ما نیز از زمینی که محبوب و مطلوبمان است (مراد کربلاء می‌باشد) دور بوده و بواسطه فرات بین ما و آن زمین فاصله افتاده است.

و اما اینکه گفتی دوست داری نزدیک ما بوده و بما نظر افکنی و بر این معنا قادر نیستی، خداوند متعال بر آنچه در قلب تو است آگاه بوده و تو را بر همان پاداش و جزا می‌دهد.

متن:

ثمَّ قال لي: هل تأتي قبر الحسين عليه السلام؟ قلت: نعم؛ على خوف و وجل، فقال: ما كان في هذا أشدَّ فائتوبَ فيه على قذَرِ الخوف، و من خاف في إتيانه أَمِنَ اللهَ رَوْعته يومَ يَقومُ الناسُ لِرَبِّ العالمين، و انصرف بالمغفرة، و سَلَمَت عليه الملائكةُ و رآه النبي صلى الله عليه وآله و ما يصنع، و دعا له: و انقلب بنعمةٍ من الله و فضل لم يَمْسسه سوءٌ و اتبع رِضوانَ الله؛ ثمَّ قال لي: كيف وَجَدَت الشَّراب؟ فقلت: أشهد أنكم أهل بيت

الرَّحْمَةِ وَأَنْتَ وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ، وَلَقَدْ أَتَانِي الْغَلَامُ بِمَا بَعَثْتَهُ وَمَا أَقْدَرُ عَلَى أَنْ أُسْتَقَلَّ عَلَى قَدَمِي، وَلَقَدْ كُنْتُ آيساً مِنْ نَفْسِي، فَنَالَنِي الشَّرَابُ فَشَرِبْتُهُ فَاوَجَدْتُ مِثْلَ رِيحِهِ وَلَا أَطِيبَ مِنْ ذَوْقِهِ وَلَا طَعْمِهِ وَلَا أَبْرَدَ مِنْهُ، فَلَمَّا شَرِبْتُهُ قَالَ لِي الْغَلَامُ: إِنَّهُ أَمَرَنِي أَنْ أَقُولَ لَكَ: إِذَا شَرِبْتَهُ فَاقْبَلْ إِلَيَّ؛ وَقَدْ عَلِمْتُ شِدَّةَ مَا بِي، فَقُلْتُ: لَا ذَهَبَ إِلَيْهِ وَلَوْ ذَهَبَتْ نَفْسِي، فَأَقْبَلْتُ إِلَيْكَ فَكَأَنِّي أَنْشَطْتُ مِنْ عَقَالٍ، فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ رَحْمَةً لِشَيْعَتِكُمْ [وَرَحْمَةً عَلَيَّ]؛

فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ الشَّرَابَ الَّذِي شَرِبْتَهُ فِيهِ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام)، وَهُوَ أَفْضَلُ مَا اسْتَشْنِي بِهِ، فَلَا تُعْدِلْ بِهِ، فَإِنَّا نَسْقِيهِ صَبِيَانَا وَنِسَاءَنَا فَتَرَى فِيهِ كُلَّ خَيْرٍ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّا لَنَأْخُذُ مِنْهُ وَنَسْتَشْنِي بِهِ؟ فَقَالَ: يَأْخُذُهُ الرَّجُلُ فَيُخْرِجُهُ مِنَ الْحَاظِرِ وَقَدْ أَظْهَرَهُ فَلَا يَمُرُّ بِأَحَدٍ مِنَ الْجَنِّ بِهِ عَاهَةً، وَلَا دَابَّةٍ وَلَا شَيْءٍ فِيهِ آفَةٌ إِلَّا شَمَمَهُ فَتَذْهَبَ بَرَكَتُهُ فَيَصِيرُ بَرَكَتُهُ لغيره، وَهَذَا الَّذِي تَعَالَجُ بِهِ لَيْسَ هَكَذَا، وَلَوْ لَا مَا ذَكَرْتُ لَكَ مَا يَمْسَحُ بِهِ شَيْءٌ وَلَا شُرِبَ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا أَفَاقَ مِنْ سَاعَتِهِ، وَمَا هُوَ إِلَّا كَحَجَرِ الْأَسْوَدِ أَتَاهُ صَاحِبُ الْعَاهَاتِ وَالْكَفْرِ وَالْجَاهِلِيَّةِ، وَكَانَ يَتَمَسَّحُ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا أَفَاقَ، وَكَانَ كَأَبْيَضِ يَاقُوَةِ فَأَسْوَدَ حَتَّى صَارَ إِلَى مَا رَأَيْتَ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَكَيْفَ أَصْنَعُ بِهِ؟ فَقَالَ: تَصْنَعُ بِهِ مَعَ إِظْهَارِكَ إِتْيَاهُ مَا يَصْنَعُ غَيْرُكَ تَسْتَخَفُّ بِهِ فَتَطْرَحُهُ فِي خُرْجِكَ وَفِي أَشْيَاءَ دَنَسَةٍ فَيَذْهَبُ مَا فِيهِ مِمَّا تَرِيدُهُ لَهُ، فَقُلْتُ: صَدَقْتَ جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: لَيْسَ يَأْخُذُهُ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ جَاهِلٌ يَأْخُذُهُ وَلَا يَكَادُ يَسْلَمُ بِالنَّاسِ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَكَيْفَ لِي أَنْ آخُذَهُ كَمَا تَأْخُذُ [ه]؟ فَقَالَ لِي: أُعْطِيكَ مِنْهُ شَيْئاً؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ:

إذا أخذته فكيف تصنع به؟ فقلت: أذهب به معي، فقال: في أي شيء تجعله؟ فقلت: في ثيابي قال: فقد رجعت إلى ما كنت تصنع، اشرب عندنا منه حاجتك ولا تحمله، فإنه لا يسلم لك، فسقاني منه مرتين، فما أعلم أنني وجدت شيئاً مما كنت أجد حتى انصرفت».

ترجمه: ﴿ذنباله حدیث هفتم﴾

سپس حضرت به من فرمودند:

آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می روی؟

عرض کردم: بلی، منتهی با خوف و هراس.

حضرت فرمودند:

هر چه در این زیارت شدت و سختی به بینی و خوف و هراس تو بیشتر باشد، ثواب و اجرت بهمان قدر افزون می گردد، و کسی که در زیارت آن حضرت خوف داشته و با این حال آن جناب را زیارت کند حق تعالی او را از وحشت روزی که مردم برای حساب در مقابل پروردگار عالمیان می ایستند (یعنی روز قیامت) در امان نگه می دارد و این شخص از زیارت بر می گردد در حالی که حق تعالی گناهانش را آمرزیده و فرشتگان بر او درود و سلام می دهند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او و آنچه را بجا آورده دیده و برایش دعاء می فرمایند، و وی به نعمت و فضل خدا روی آورده و هیچ رنج و تعب به او متوجه نشده و رضایت و خشنودی خدا را پی گیری می نماید.

سپس حضرت به من فرمودند:

شربت را چگونه یافتی؟

عرض کردم: شهادت می دهم شما اهل بیت رحمت بوده و شما جانشین جانشینان پیامبر هستید غلامی نزد من آمد و آنچه عنایت کرده بودید به من

رساند، قبل از آن قادر نبودم مستقلاً روی پا خود بایستم و از خود مایوس شده بودم، وی شربت را که به من داد و من آن را نوشیدم بونی به آن خوشی تا بحال استشمام نکرده و مزه‌ای تا بحال به آن پاکیزگی نجشیده و طعمی به آن مطبوعی تاکنون حس ننموده و بگواراتر از آن هرگز بر نخورده‌بودم، و هنگامی که آن را نوشیدم، غلام به من گفت:

حضرت به من امر فرموده‌اند به تو بگویم: وقتی نوشیدی نزد من بیا. من به وخامت حال و شدت درد خود واقف بودم، لذا حدیث نفس نموده و به خود گفتم.

حتماً خدمتش مشرف خواهم شد اگر چه جانم را از دست بدهم، پس به سوی شما روی آوردم ولی گویا از بند رها گشتم، پس حمد و سپاس خدائی را که شما را رحمت برای شیعیانتان و رحمت برای من نیز قرار داده است.

مرکز تحقیقات کربلا

حضرت فرمودند:

ای محمد، شربتی که نوشیدی در آن تربت قبر حسین علیهما السلام بود و آن بهترین داروئی است که به منظور استشفاء مصرف می‌کنند و با آن هیچ دوائی را برابر و مساوی ندان، ما به اطفال و زنان خود آن را می‌خورانیم و در آن هر خیر و خوبی را دیده‌ایم.

خدمتش عرضه داشتیم: فدایت شوم از آن برداشته و استشفاء به آن بجوئیم؟

حضرت فرمودند:

بسا شخصی آنها را اخذ کرده و با خود از حائر بیرون می‌برد و بر دیگران اظهار نموده و مخفی نمی‌کند پس مرور به جانی می‌کند که در او مرض و بیماری بوده یا به حیوان و موجودی که دارای آفت است می‌گذرد پس آن را می‌بویند و برکنش زائل گشته و بدین ترتیب برکت آن برای غیر مصرف می‌شود اما تربتی را که ما با آن دردها را معالجه می‌کنیم این طور نیست، و اگر دیگران نیز رعایت کنند و آنچه را که برای گفتم منظور داشته و تربت مأخوذ را از مرآی و منظر دیگران بر حذر

داشته و در معرض قرار ندهند مسلماً با هیچ شیئی تماس پیدا نکرده و هیچ کسی از آن تناول ننموده مگر در همان ساعت از مرض و بیماری که دارد آفاقه پیدا می کند، و سرگذشت این تربت نظیر سرگذشت حجرالاسود است که صاحب آفات و امراض و کفر و جاهلیت با آن تماس پیدا می کردند و پس از تماس مرض و عیب و نقصی که داشتند برطرف می شد.

این سنگ در بدو امر همچون یاقوت سفید و شفاف بود که پس از این تماس ها و اصابت این اشیاء آلوده با آن رفته رفته رنگش تیره و سیاه شد و به این صورتی که اکنون می بینی درآمد.

این تربت نیز به واسطه تماس با اشیاء آلوده و افراد ناصالح خاصیت و اثرش زائل گردیده و آن تاثیری را که باید داشته باشد ندارد لذا تو نمی توانی اثر مطلوب را از آن بهره برداری کنی.

محضر مبارکش عرض کردم: مگر بان چه می کنم؟
حضرت فرمودند:

وقتی آن را اظهار کرده و در معرض قرار دادی با آن همان عملی را کرده که دیگران می کنند، یعنی آن را مورد استخفاف قرار داده و سبک می شماری از این رو بسا آن را در خورجین انداخته و در بین اشیاء آلوده می گذاری در نتیجه اثری را که از آن انتظار داری نخواهی دید و آن از تربت زائل گردیده. خدمتش عرضه داشتیم: فدایت شوم واقع امر همین است و صحیح می فرمائید.

سپس حضرت فرمودند: احدی آن را اخذ نکرده مگر آنکه جاهل است به کیفیت اخذ و رعایت آداب آن لذا بر ایشان سالم نمی ماند.

محضرش عرض کردم: فدایت شوم چگونه آن را بردارم تا اخذ من نظیر اخذ شما باشد؟

حضرت فرمودند:

آیا مقداری از آن را به تو بدهم؟

عرض کردم: بلی.

فرمودند:

وقتی از من گرفتی با آن چه می‌کنی؟


عرض کردم: با خود می‌برم.

فرمودند:

در چه چیز آن را قرار می‌دهی؟

عرض کردم: در لباس‌های خود آن را می‌گذارم.

حضرت فرمودند:

باز این عمل مثل عمل سابق شد و به آنچه قبلاً رفتاری کردی برگشتی، این کار را مکن بلکه، وقتی آن را از من گرفتی تا نزد من هستی تناولش کن که حاجت روا می‌شود و هرگز با خودت حمل مکن زیرا در این صورت اثری نداشته و برایت سالم نمی‌ماند.  سپس محمد بن مسلم می‌گوید:

حضرت از آن دوبار به من خوراندند و پس از آن درد و الم و بیماری که داشتم در خود نیافت و به کلی برایم بهبودی حاصل شد و پس از آن به وطن خویش برگشتم.

من:

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنِ الْحَافِي، عَنْ أَبِي وَلَادٍ، عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: لَوْ أَنَّ مَرِيضًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ يَعْرِفُ حَقَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَحُرْمَتَهُ وَوَلَايَتَهُ أَخَذَ مِنْ طِينِ قَبْرِهِ مِثْلَ رَأْسِ أَثْمَلَةٍ كَانَ لَهُ دَوَاءٌ».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن الحسین بن مثنی الجوهري از محمد بن احمد بن یحیی، از محمد ابن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از خیبری، از ابی ولاد از ابی بکر حضرمی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

اگر مریضی از اهل ایمان که به حق حضرت ابی عبدالله علیه السلام (حضرت سید الشهداء علیه السلام) سلام الله علیه آگاه و عارف است و به حرمت و ولایت آن جناب آشنا است از تربت قبرش به مقدار سر بند انگشت بردارد همان برای او دواء می باشد.

﴿ الباب الثاني و التسعون ﴾

﴿ إِنَّ طَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام شِفَاءٌ وَأَمَانٌ ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَجَمَاعَةٌ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى - عَنْ رَجُلٍ - «قَالَ: بَعَثَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام مِنْ خُرَاسَانَ ثِيَابَ رِزْمٍ وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ طَيْنٌ، فَقُلْتُ لِلرَّسُولِ: مَا هَذَا؟ قَالَ: طَيْنٌ قَبْرِ - الْحُسَيْنِ علیه السلام؛ مَا كَانَ يُوَجِّهُ شَيْئاً مِنَ الثِّيَابِ وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا وَجَعَلَ فِيهِ الطَّيْنُ، وَكَانَ يَقُولُ: هُوَ أَمَانٌ بِإِذْنِ اللَّهِ».

۲- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْقَلَاءِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: حَنَكُوا أَوْلَادَكُمْ بِقَرْبَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَإِنَّهُ أَمَانٌ».

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْيَمَانِ «قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَ أَنَا أَسْمَعُ - قَالَ: أَخَذُ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَ يَكُونُ عِنْدِي أَطْلَبُ بَرَكَتِهِ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ».

﴿ باب نود و دوم ﴾

﴿ تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام شفاء و امان می باشند ﴾

ترجمه: ﴿ حدیث اول ﴾

پدرم و جماعتی رحمة الله عليهم، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی، از شخصی نقل کرده اند که وی گفت: حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام از خراسان بقچه ای برایم فرستادند که در بین آن تربتی بود، به آورنده بقچه گفتم این تربت چیست؟

گفت: تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام است، حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام جامه یا غیر آن را وقتی به جانی می فرستند حتماً همراه آن تربت سید الشهداء علیه السلام را قرار داده و می فرمایند: این تربت به اذن خدا امان و موجب حفظ مال می باشد.

﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن جعفر رزاق، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدان، از عبدالله بن القاسم، از حسین بن ابی العلاء، وی می گوید:
از حضرت ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
فرزندانتان را با تربت حسین علیه السلام تحفیک کنید (یعنی تربت را به سقف دهانشان بمالید) زیرا تربت موجب امان و حفظ آنها است.

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از ایوب بن نوح، از عبدالله بن مغیره نقل کرده که وی گفت: ابوالسبع برای ما، حدیثی نقل کرد و گفت:
شخصی از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرد و من می شنیدم، وی پرسید: آیا از تربت قبر امام حسین علیه السلام بردارم و با آن طلب برکت کنم؟
حضرت فرمودند: هیچ باکی نیست.

متن:

۴- وعنه، عن سعد، عن أحمد بن عيسى، عن العباس بن موسى الزرقاء، عن يونس، عن عيسى بن سليمان، عن محمد بن زياد، عن عمته «قالت: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: إن في طين الحائر الذي فيه الحسين عليه السلام شفاءً من كل داء، وأماناً من كل خوف».

۵- حدثني أبي - رحمه الله - عن أحمد بن إدريس؛ ومحمد بن يحيى، عن القمركي بن علي البوفكي، عن يحيى - وكان في خدمة أبي جعفر الثاني - عن عيسى بن سليمان، عن محمد بن مارد، عن عمته «قالت: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: إن في طين الحائر الذي فيه الحسين عليه السلام شفاءً من كل داء، وأماناً من كل خوف».

۶- حدثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن الحيري، عن أبي ولاد، عن أبي بكر الحضرمي، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: لو أن مريضاً من المؤمنين يعرف حق أبي عبدالله عليه السلام وحرمة و ولايته أخذ له من طين قبره على رأس ميل كان له دواء و شفاء».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

از پدرم، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از عباس بن موسی و راق، از یونس، از عیسی بن سلیمان از محمد بن زیاد، از عمه اش مستقول است که وی گفت:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند: ترتیب حائری که حضرت امام حسین علیه السلام در آن هستند شفاء از هر دردی بوده و امان است از هر خوف و هراسی.

﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از احمد بن ادریس، و محمد بن یحیی، از عمرکی بن علی بوفکی، از یحیی که در خدمت ابی جعفر ثانی بود، از عیسی بن سلیمان، از محمد بن مارد، از عمه اش وی گفت: از حضرت ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند: بطور قطع و حتم در ترتیب حائری که در آن حضرت امام حسین علیه السلام می باشد شفاء است از هر دردی و امان است از هر خوف و هراسی.

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از خیبری، از ابی ولاد، از ابی بکر حضرمی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند: اگر مریضی از اهل ایمان که به حق حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام عارف و آگاه بوده و با حرمت و ولایتش آشنا است. از ترتیب قبر حضرتش به مقدار سرمیل (میل کحالی یا میل جراحی) بردارد و همان برایش دواء و شفاء می باشد.

﴿ الباب الثالث و التسعون ﴾

﴿ من أين يؤخذ طين قبر الحسين عليه السلام وكيف يؤخذ ﴾

متن:

١ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ يُونُسَ بْنِ رَبِيعٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «قَالَ: إِنَّ عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام لَتَرْبَةِ حَمْرَاءَ فِيهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ، قَالَ: فَاتَيْنِ الْقَبْرَ بَعْدَ مَا سَمِعْنَا هَذَا الْحَدِيثَ فَاحْتَفَرْنَا عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ، فَلَمَّا حَفَرْنَا قَدَرَ ذِرَاعٍ انْحَدَرَتْ عَلَيْنَا مِنْ رَأْسِ الْقَبْرِ مِثْلُ الشَّهْلَةِ حَمْرَاءَ قَدَرِ دِرْهَمٍ فَحَمَلْنَاهُ إِلَى الْكُوفَةِ فَزَجَّاهُ وَحَبَّبْنَاهُ، فَأَقْبَلْنَا نَعْطِي النَّاسَ يَتَدَاوُونَ بِهِ».

٢ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ عَنْ سَعْدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ رِزْقِ اللَّهِ بْنِ الْقَلَاءِ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرٍ وَ الشَّرَّاجِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «قَالَ: يَأْخُذُ طِينَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام مِنْ عِنْدِ الْقَبْرِ عَلَى قَدَرِ سَبْعِينَ بَاعًا».

٣ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ النَّهْأَوَنْدِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «قَالَ: إِذَا تَنَاوَلَ أَحَدُكُمْ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ فَلْيَقِلْ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي تَنَاوَلَهُ، وَ الرَّسُولِ الَّذِي بَوَّأَهُ، وَ الْوَصِيِّ الَّذِي ضَمَّنَ فِيهِ، أَنْ تَجْعَلَهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ (كَذَا وَ كَذَا)» وَ يَسْمَى ذَلِكَ الدَّاءُ.

﴿ باب نود و سوم ﴾

﴿ مکان و کیفیت اخذ تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید، از حسن بن علی، از یونس بن ربیع، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

نزد سر مبارک حسین بن علی علیه السلام تربت قرمزی است که در آن شفاء هر دردی غیر از مرگ می باشد یونس بن ربیع می گوید: بعد از اینکه، این حدیث را شنیدم نزد قبر حاضر شده و طرف سر قبر را خفر کردیم و چون به قدر یک ذراع کندیدم از راس قبر خاک هائی مثل ریگ های ریزی که آب آنها را با خود می آورد بر ما ریخت، رنگ آنها قرمز و اندازه شان قدر یک درهم بود، آنها را با خود به کوفه آورده پس ممزوج و عجینشان کرده و پنهانشان نمودیم و بعد به تدریج از آن به مردم می داده تا با آن مریض های خود را مداوا کنند.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم و محمد بن الحسن و علی بن الحسین، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از رزق الله بن علاء، از سلیمان بن عمرو سراج، از برخی اصحابمان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

تربت قبر حسین علیه السلام را از نزدیک قبر تا فاصله هفتاد باع اخذ می کنند.

مترجم گوید:

«باع» عبارت است از فاصله بین سر انگشت دست راست و سر انگشت دست چپ زمانی که دو دست را افقی به طرفین باز کنند.

﴿ حدیث سوم ﴾

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم، از ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، از عبدالله بن حماد انصاری، از عبدالله بن سنان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

هر گاه کسی از شما تربت قبر حسین علیه السلام را تناول کرد بگوید:
بار خدایا از تو سؤال می‌کنم به حق فرشته‌ای که آن را اخذ نموده و رسولی که
آن را جای داده و وصی که در آن پنهان شده آن را شفاء از هر دردی قرار بده (نام
دردهای مورد نظر را ببرند).

متن:

— حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلَمَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ،
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَسَدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُصْقَلَةَ، عَنْ عَمِّهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ
الْمَوْصِلِيِّ «أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِذَا أَخَذْتَ طِينَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ فَقُلْ:
«اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الْمُوَكَّلِ بِهَا، وَالْمَلِكِ الَّذِي
كَرَّبَهَا، وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ
هَذَا الطِّينَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ».

فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ حَتْمًا شِفَاءً [لَهُ] مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ
خَوْفٍ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود، از سلمه، از علی بن ریّان بن صلت، از حسین بن اسد، از
احمد بن مصقله، از عمویش، از ابی جعفر موصلی، وی گفت:

حضرت ابو جعفر (علیه السلام) فرمودند:

هرگاه تربت قبر حسین (علیه السلام) را اخذ کردی بگو:

خدایا به حق این تربت و بحق فرشته‌ای که موکل بر آن است، و به حق فرشته‌ای که آن را حفر نموده و به حق وصی که در درون آن است، درود بفرست بر محمد و آل محمد و قرار بده این تربت را شفاء از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی.

سپس حضرت فرمودند:

اگر شخصی چنین کند جتماً تربت شفاء از هر دردی خواهد بود و از هر خوفی امان برایش می‌باشد.



متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو شَيْخٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) «قَالَ: كُنْتُ بِمَكَّةَ - وَذَكَرَ فِي حَدِيثِهِ - قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي رَأَيْتُ أَصْحَابَنَا يَأْخُذُونَ مِنْ طِينِ الْحَاثِرِ لِيَسْتَشْفَوْا بِهِ؛ هَلْ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مِمَّا يَقُولُونَ مِنَ الشِّفَاءِ؟ قَالَ: قَالَ: يُسْتَشْفَى بِمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْقَبْرِ عَلَى رَأْسِ أَرْبَعَةِ أَمْيَالٍ، وَكَذَلِكَ قَبْرُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)، وَكَذَلِكَ طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ، فَخُذْ مِنْهَا فَإِنَّهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ، وَجُنَّةٌ مِمَّا يُخَافُ، وَلَا يَعْدِلُهَا شَيْءٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ الَّتِي يَسْتَشْفَى بِهَا إِلَّا الدُّعَاءُ، وَإِنَّمَا يَفْسِدُهَا مَا يَخَالِطُهَا مِنْ أَوْعِيَّتِهَا وَ قَلَّةِ الْيَقِينِ لِمَنْ يُعَالِجُ بِهَا، فَأَمَّا مَنْ أَيْقَنَ أَنَّهَا لَهُ شِفَاءٌ إِذَا يِعَالِجُ بِهَا كَفَّتْهُ بِإِذْنِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِهَا مِمَّا يَتَعَالَجُ بِهِ، وَ

یفسدها الشیاطین و الجنُّ من أهل الکفر من هم يتمسحون بها، و ما قرء بشئٍ إلا شتمها، و أما الشیاطین و کفار الجنِّ فإنهم یحسدون بنی آدم علیها فیتمسحون بها فیذهب عامّة طیبها، و لا یُخرجُ الطّین من الحائر إلا و قد استعدّ له ما لا یحصى منهم و أنه لفي ید صاحبها، و هم يتمسحون بها، و لا یقدرون مع الملائکة أن یدخلوا الحائر و لو کان من التّربة شئٌ یسلم ما عولج به أحدٌ إلا برئ من ساعته، فإذا أخذتها فاکتُمها، و أكثر علیها من ذکر الله تعالی، و قد بلغنی أن بعض من یأخذ من التّربة شیئاً یتخفّ به حتّی أن بعضهم لیطرحها فی مَخلاة الإبل و البغل و الحمار أو فی وعاء الطّعام و ما یمسح به الأیدی من الطّعام، و الخُرج و الجوّالِق! فکیف یتشبه به من هذا حاله عنده؟! و لکنّ القلب الَّذی لیس فیهِ [الایقین] من المُستخفّ بما فیهِ صلاحه یفسد علیه عمله».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدّش علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از عبدالله بن عبدالرحمن اضم، وی می گوید:
ابوعمر و که شیخی از اهل کوفه بود برای ما حدیث گفت، وی از ابوجمره ثمالی و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت: من در مکه بودم (... در اثناء حدیثش گفت):

فدایت شوم می بینم اصحابمان را که تربت حائر را برای استشفاء اخذ می کنند، آیا اینکه می گویند در این تربت شفاء هست درست است؟
وی گفت: امام علیه السلام فرمودند:

استشفاء می جویند به تربتی که از قبر تارأس چهار میلی قرار گرفته و شفاء

حاصل می شود و همچنین است قبر جدّم رسول خدا (ص) و نیز همینطور است تربت قبر حضرات امام حسن و علی بن الحسین و محمد بن علی (ع)، پس از تربت این قبور مطهره اخذ کن که شفاء است برای هر دردی و حافظ است از آنچه خوف و هراسی داری و هیچ داروئی معادل آن نبوده مگر دعاء و باید توجه داشت اگر فسادى در این تربت دیده می شود و احياناً تاثيری ندارد این فساد ناشی از سه چیز است:

الف: آنچه با آنها مخلوط می گردد (مراد ظروفي است که تربت ها را در آنها می ریزند)

ب: کسانی که با این تربت استشفاء می جویند اعتقاد و یقینشان به حصول شفاء اندک می باشد.

ولی آنانکه یقین کامل دارند که در صورت معالجه با آن شفاء بر ایشان حاصل می شود و آنها بکار بردند به اذن خدا معالجه شده و این تربت آنها را از داروهای دیگر مستغنی می نماید.

ج: شیاطین و جن هائی هستند از اهل کفر که تربت را مسح نموده و بدین ترتیب آن را فاسد می کنند این موجودات به چیزی مرور نکرده مگر آنکه آن را می بویند و بواسطه استشمام اثر تربت را می برند.

شیاطین و جن های اهل کفر بر بنی آدم حسد برده و این تربت را مسح نموده و بوی آن را از بین می برند و اساساً تربت از حائر خارج نمی شود مگر آنکه جماعتی از این شیاطین و جن ها که تعدادشان قابل احصاء نیست آماده اند برای اینکه تربت را اگر چه در دست صاحبش هست مسح نموده و اثرش را زائل کنند و اینکه بیرون حائر هستند و نمی توانند به درون آن نفوذ کنند بخاطر وجود فرشتگان در حائر می باشد.

و اگر تربتی سالم بوده و از تماس شیاطین و جن ها در امان مانده باشد مسلماً احدی با آن معالجه نکرده مگر آنکه در ساعت بهبودی برایش حاصل می شود.

بنابر این اگر می‌خواهی تربت سالم بماند وقتی اخذش نمودی پنهانش کن و زیاد اسم خداوند متعال را بر آن بخوان و بدم.

خبر رسیده که برخی از کسانی که تربت را اخذ نموده‌اند آنرا مورد استحفاف قرار داده حتی پاره‌ای از ایشان آنرا در توبره و علف دان شتر و قاطر و دراز گوش یا در ظرف طعام انداخته و یا با دست‌های آلوده به طعام و غذا آنرا مسح نموده و یا آن را در خورجین می‌نهند و با این حال چگونه با آن شفاء حاصل شود؟

چنانچه قلبی که در آن یقین و اعتقاد به تاثیر تربت نیست و صاحبش به آنچه مصلحت و صلاح خودش در آن است استحفاف می‌ورزد اثر و عمل تربت را قطعاً فاسد می‌نماید.



متن:

۶- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ - مُحَمَّدَ بْنَ عِيسَى، عَنْ رِزْقِ اللَّهِ بْنِ الْقَلَاءِ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرٍ وَ الشَّرَّاجِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يُوْخَذُ طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام مِنْ عِنْدِ الْقَبْرِ عَلَى سَبْعِينَ بَاعًا فِي سَبْعِينَ بَاعًا.

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ - رَفَعَهُ - قَالَ: قَالَ: الْحَقَمُ عَلَى طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَنْ يَقْرَأَ عَلَيْهِ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ».

۸- وَ رَوِيَ إِذَا أَخَذْتَهُ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الطَّاهِرَةِ، وَ بِحَقِّ الْبُقْعَةِ الطَّيِّبَةِ، وَ بِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي تُوَارِيهِ، وَ بِحَقِّ جَدِّهِ وَأَبِيهِ، وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ، وَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ يَحْفُظُونَ بِهِ، وَ الْمَلَائِكَةِ الْعُكُوفِ عَلَى قَبْرِ وَلِيِّكَ، يَسْتَظْهِرُونَ نَصْرَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَجْعَلْ لِي فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَ

أَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَغِنًى مِنْ كُلِّ فَقْرٍ، وَعِزًّا مِنْ كُلِّ ذُلٍّ، وَأَوْسَعَ بِهِ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، وَأَصَحَّ بِهِ جِسْمِي».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، از رزق الله بن العلاء، از سلیمان بن عمرو سراج از برخی اصحابمان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
تربت قبر حسین علیه السلام را از اطراف قبر به مساحت هفتاد باع در هفتاد باع می توان اخذ نمود.

﴿ حدیث هفتم ﴾

محمد بن یعقوب، از علی بن محمد، وی حدیث را بطور مرفوعه نقل کرده و گفته است:
ختم بر تربت قبر حسین علیه السلام و متمم فائده آن این است که سوره اناالزلزلاء فی لیلۃ القدر را بر آن خوانده و به آن بدمند.

﴿ حدیث هشتم ﴾

مروی است هرگاه تربت را اخذ نمودید بگوئید:
خدایا، بحق این تربت پاک و به حق این بقعه پاکیزه و به حق وصی که این تربت پنهانش نموده و به حق جد و پدرش، و مادر و برادرش، و فرشتگانی که دورش طواف می کنند و به حق فرشتگانی که بر سر قبر ولی تو درنگ و توقف نموده و انتظار کمکش را می کشند صلوات الله علیهم اجمعین.
برای من در این تربت شفاء از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی و بی نیازی از هر فقری و عزت از هر ذلتی را قرار بده و به واسطه اش روزی را بر من فراخ و واسع نما، و جسمم را به سببش صحیح و سالم گردان.

متن:

۹- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ - عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ - «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: حَرِّمَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَرَسَخٌ فِي فَرَسَخٍ فِي فَرَسَخٍ فِي فَرَسَخٍ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از مردی از اهل کوفه، وی گفت: حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند: حریم قبر حسین عليه السلام از چهار جانب محوطه ای است که به مساحت یک فرسخ در یک فرسخ یعنی مربعی که هر ضلعش یک فرسخ می باشد.

متن:

۱۰- حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْمَوْسَوِيِّ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيَكٍ، عَنْ سَعْدِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي الْمَغِيرَةِ، - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي رَجُلٌ كَثِيرُ الْعِلَلِ وَالْأَمْرَاضِ، وَمَا تَرَكَ دَوَاءً إِلَّا وَقَدْ تَدَاوَيْتُ بِهِ؟ فَقَالَ لِي: فَأَيْنَ أَنْتَ عَنْ تُرْبَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَإِنَّ فِيهَا الشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَالْأَمْنُ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَقُلْ إِذَا أَخَذْتَهُ -

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الطِّينَةِ، وَبِحَقِّ الْمَلَكِ الَّذِي أَخَذَهَا،

وَبِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي قَبَضَهَا، وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حُلَّ فِيهَا، صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَاجْعَلْ لِي فِيهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ».

قال: ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْمَلِكَ الَّذِي أَخَذَهَا جَبْرِئِيلُ وَأَرَاهَا النَّبِيُّ (ص) فَقَالَ: هَذِهِ تَرْبَةُ ابْنِكَ هَذَا، تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ، وَالنَّبِيُّ الَّذِي قَبَضَهَا فَهُوَ مُحَمَّدٌ (ص)، وَأَمَّا الْوَصِيُّ الَّذِي حُلَّ فِيهَا فَهُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ، قُلْتُ: قَدْ عَرَفْتُ الشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، فَكَيْفَ الْأَمَانُ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ؟ قَالَ: إِذَا خِفْتَ سُلْطَاناً أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا تَخْرُجْ مِنْ مَنَزَلِكَ إِلَّا وَمَعَكَ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع)، وَقُلْ إِذَا أَخَذَتْهُ: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ طِينَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، اتَّخَذْتُهَا جِزْزاً لِمَا أَخَافُ وَلِمَا لَا أَخَافُ» فَإِنَّهُ قَدْ يَرُدُّ عَلَيْكَ مَا لَا تَخَافُ؛

قال الرَّجُلُ: فَأَخَذْتُهَا مَا قَالَ فَصَبَّحْتُ وَاللَّهِ تَدْنِي، وَكَانَ لِي أَمَاناً مِنْ كُلِّ مَا خِفْتُ وَمَا لَمْ أَخَفْ كَمَا قَالَ، فَمَا رَأَيْتُ بِمُحَمَّدٍ (ص) اللَّهُ بَعْدَهَا مَكْرُوهاً».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عیبدالله بن نهیک، از سعد بن صالح، از حسن بن علی بن ابی المغیره، از برخی اصحابمان، وی گفت: محضر مبارک ابی عبدالله (ع) عرضه داشتم:

من مردی هستم مبتلا به بیماری های فراوان و هیچ دوائی نیست مگر آن را مصرف کرده و به منظور مداوا خورده ام ولی بهبودی برایم حاصل نشده چه باید بکنم؟

حضرت به من فرمودند:

کجائی، و چرا از تربت حسین (ع) غافل هستی، در آن شفاء از هر دردی بوده

و امن است از هر خوف و هراسی، البته وقتی آنرا اخذ می کنی بگو:
 خدایا از تو می خواهم به حق این تربت و به حق فرشته ای که آنرا اخذ نموده
 و به حق پیامبری که آن را قبض کرده و به حق وصیی که در آن حلول نموده، درود
 فرست بر محمد و اهل بیثش و قرار بده برای من در آن شفاء از هر دردی و امان
 از هر خوف و هراسی.

راوی می گوید: سپس حضرت فرمودند:

فرشته ای که تربت را اخذ کرد جبرئیل علیه السلام بود و آن را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 نشان داده و گفت:

این تربت فرزندان حسین است، بعد از تو امتت او را می کشند.

و پیامبری که آن را قبض نمود وجود مبارک حضرت محمد صلی الله علیه و آله می باشد.
 و اما وصیی که در آن حلول کرده عبارت است از حضرت حسین بن علی
علیه السلام که سرور و آقای شهداء است.

محضر مبارکش عرض کردم: شفاء از هر درد را دانستم اما چگونه امان از هر
 خوف و هراسی است؟
 حضرت فرمودند:

هرگاه از سلطانی خوف داشتی یا خوفی دیگر در تو پیدا شد از منزلت بیرون
 میا مگر آنکه با تو از تربت قبر حسین علیه السلام باشد و هنگامی که می خواهی آن را
 اخذ کرده و برداری بگو:

خدایا این تربت قبر حسین ولی و فرزند ولی تو است، آن را به منظور حفظ از
 آنچه خوف و از آنچه خوف ندارم برداشته ام.

البته این فقره یعنی «از آنچه خوف ندارم» را نیز بگو زیرا گاهی ابتلائات و
 حوادثی برای تو پیش می آید که از آنها خوف و هراسی نداشتی و احتمال پیش
 آمدنش را نمی دادی.

راوی می گوید: پس تربت را به همان طوری که حضرت دستور فرموده بودند

برداشتیم، بخدا سوگند بدنم صحت و بهبودی یافت و برایم امان شد از تمام خوفها و هراسها به او از آنچه خوف و هراسش را نداشتیم عیناً همان طوری که حضرت فرمودند و پس از آن به حمدلله هیچ امر مکروه و ناگواری برایم پیش نیامد.

متن:

۱۱- أَخْبَرَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْقَزْوِينِيِّ، عَنْ أَبِي بَكَّارٍ «قَالَ: أَخَذْتُ مِنَ التُّرْبَةِ الَّتِي عِنْدَ رَأْسِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ - عَلِيٍّ عليه السلام، فَإِنْتَهَا طِبْنَةُ حَمْرَاءَ، فَدَخَلْتُ عَلَى الرَّضَاءِ عليه السلام فَعَرَضْتُهَا عَلَيْهِ فَأَخَذَهَا فِي كَفِّهِ، ثُمَّ شَمَّهَا ثُمَّ بَكَى حَتَّى جَرَتْ دُمُوعُهُ، ثُمَّ قَالَ: هَذِهِ تَرَبَّةٌ جَدِّي».

۱۲- حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيُّ بِالْعَسْكَرِ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ «قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: إِذَا أُرِدْتَ حَمْلَ الطِّينِ مِنْ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَاقْرَأْ «فَاتِحَةَ الْكِتَابِ» وَ «الْمُعَوِّذَتَيْنِ» وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ «إِنَّا أُنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» وَ «يَسْ» وَ «آيَةَ الْكُرْسِيِّ» وَ تَقُولُ:

«اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَآمِينِكَ، وَبِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِكَ أَخِي رَسُولِكَ، وَبِحَقِّ فاطمة بنتِ نَبِيِّكَ وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَبِحَقِّ الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ، وَبِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الْمُؤَكَّلِ بِهَا، وَبِحَقِّ

الْوَصِيِّ الَّذِي حُلَّ فِيهَا، وَبِحَقِّ الْجَسَدِ الَّذِي تَضَمَّنَتْ وَبِحَقِّ السَّبْطِ الَّذِي ضَمَّنَتْ، وَبِحَقِّ جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي هَذَا الطِّينَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَلِمَنْ يَسْتَشْفِي بِهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَمَرَضٍ، وَأَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اجْعَلْهُ عَلَماً نَافِعاً وَرِزْقاً وَاسِعاً، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَأَفَةٍ وَعَاهَةِ وَجَمِيعِ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و تقول: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمَيُتُونَةِ، وَالْمَلِكِ الَّذِي هَبَطَ بِهَا، وَالْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ، وَانْقُضْ بِهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».



﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه، از احمد بن اسحق قزوینی، از ابی یکار، وی گفت:

از تربتی که بالای سر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام بود مقداری برداشتم، این تربت سرخ رنگ بود، پس بر حضرت رضا علیه السلام وارد شده و آن را به حضرت عرضه داشتم.

آن جناب تربت را در کف دستشان نهاده و بوئیدند، سپس چنان گریستند که اشک‌های مبارک‌شان جاری شد، سپس فرمودند: این تربت جدم می‌باشد.

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسکری در عسکر گفت:

حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از محمد بن ابی عمیر، از محمد بن مروان، از ابی حمزه ثمالی نقل کرده که وی گفت: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه خواستی تربت از قبر حسین علیه السلام برداری و با خود ببری ابتداء فاتحه الکتاب و معوذتین (قل اعوذ برب الفلق، و قل اعوذ برب الناس) و قل هو الله احد و انا انزلناه فی لیلة القدر و یس و آیه الکرسی را بخوان و سپس بگو: بار خدایا به حق محمد که بنده و رسول و حبیب و نبی و امین توست و به حق امیرالمومنین علی بن ابی طالب که بنده و برادر رسول تو است و به حق فاطمه که دختر نبی و همسر ولی تو است و به حق حسن و حسین و به حق پیشوایان که هادیان و راهنمایان هستند و به حق این تربت و به حق فرشته‌ای که موکل بر آن است و به حق وصی که در آن حلول کرده و به حق جسم و کالبدی که این تربت آن را در خود گرفته و به حق سبط پیامبر که درون این تربت است و به حق تمام فرشتگان و انبیاء و فرستادگانش، درود فرست بر محمد و آل محمد، و این تربت را برای من و برای هر کس که با آن استشفاء می‌جوید شفاء از هر درد و مرض و امان از هر خوف و هراسی قرار بده، خدایا، به حق محمد و اهل بیتش آنرا شاخصی نافع و رزقی واسع و شفاء از هر درد و مرض و آفت و عیب و سبب بهبودی تمام دردها قرار بده، به درستی که تو بر هر چیزی قادر و توانا می‌باشی. و بعد بگو:

خدایا ای پروردگار این تربت مبارک و میمون و ای پروردگار فرشته‌ای که آن را فرود آورده و ای پروردگار وصی که در آن می‌باشد، درود فرست بر محمد و آل محمد و من را بوسیله آن منتفع گردان، تو بر هر چیزی قادر و توانا می‌باشی.

﴿ الباب الرابع و التسعون ﴾

﴿ ما يقول الرَّجُل إذا أكل من تربة قبر الحسين عليه السلام ﴾

متن:

١- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى
ابن - عبيد، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَصْرِيِّ - عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ - عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «قَالَ: طِبَنَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَإِذَا أَكَلْتَهُ فَقُلْ:
«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً وَاسِعاً، وَعِلْماً نَافِعاً وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ
دَاءٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»».

٢- قَالَ وَرَوَى لِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا - يَعْنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى - قَالَ: نَسِيتُ
إِسْنَادَهُ «قَالَ: إِذَا أَكَلْتَهُ تَقُولُ: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ، وَرَبِّ
هَذَا الْوَصِيِّ الَّذِي وَارَثَهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً،
وَرِزْقاً وَاسِعاً، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ»».

٣- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ
ابن - محبوب، عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «قَالَ:
إِذَا أَخَذْتَ مِنْ تُرْبَةِ الْمَظْلُومِ وَوَضَعْتَهَا فِي فَيْكِ فَقُلْ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي قَبَضَهَا،
وَالنَّبِيِّ الَّذِي حَصَّنَهَا، وَالْإِمَامِ الَّذِي حُلَّ فِيهَا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي فِيهَا شِفَاءً نَافِعاً، وَرِزْقاً وَاسِعاً، وَأَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ
وَدَاءٍ».

فإنه إذا قال ذلك وهب الله له العافية وشفاه».

﴿ باب نود و چهارم ﴾

﴿ آنچه شخص هنگام تناول نمودن تربت می‌گوید ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله از محمد بن عیسی بن عبید، از محمد بن اسماعیل بصری، از برخی رجالش، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

تربت قبر حسین علیه السلام شفاء هر دردی است و هرگاه آن را تناول می‌کنی بگو: به نام خدا و به کمک او، خدایا آن را روزی فراخ و شاخصی نافع و شفاء هر دردی قرار بده همانا تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی.

﴿ حدیث دوم ﴾

سعد بن عبدالله می‌گوید: برخی از اصحاب، که مراد محمد بن عیسی است برایم روایت نمود و گفت:

اسناد این حدیث را فراموش نموده‌ام، حضرت فرمودند:

هرگاه تربت را تناول می‌کنی بگو:

خدایا ای پروردگار این تربت مبارک، و ای پروردگار این وصی که تربت او را پنهان نموده، درود فرست بر محمد و آل محمد، و قرار بده این تربت را شاخصی نافع و روزی فراخ و شفاء از هر دردی.

﴿ حدیث سوم ﴾

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از مالک بن عطیه، از پدرش، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هرگاه از تربت آن مظلوم برداشتی و در دهانت نهادهی بگو:
 خدایا از تو سوال می‌کنم به حق این تربت، و به حق فرشته‌ای که آن را قبض
 نموده، و به حق پیامبری که آنرا حفظ و محکم کرده و به حق امامی که در آن
 حلول نموده، درود فرست بر محمد و آل محمد و قراب بده برای من در آن
 شفائی نافع و روزی فراخ و امان از هر خوف و هراس و درد.
 هرگاه شخص این فقرات را بگوید خداوند متعال عافیت و شفا را به وی
 ارزانی می‌دارد.

﴿الباب الخامس و التسعون﴾

﴿إِنَّ الطَّيْنَ كُلَّهُ حَرَامٌ إِلَّا طَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ؛ وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى،
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ - عَنْ رَجُلٍ - عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: الطَّيْنُ كُلُّهُ حَرَامٌ، وَلَحْمُ الْخَنَزِيرِ، وَمَنْ أَكَلَهُ ثُمَّ مَاتَ
 مِنْهُ لَمْ أُصَلِّ عَلَيْهِ، إِلَّا طَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَ
 مَنْ أَكَلَهُ بِشَهْوَةٍ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شِفَاءٌ».

۲- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ عَبَّادِ
 بْنِ - سَلْيَانَ، عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ الطَّيْنِ،
 قَالَ: فَقَالَ: أَكَلَ الطَّيْنِ حَرَامٌ مِثْلُ الْمَيْتَةِ وَالدَّمِّ وَلَحْمِ الْخَنَزِيرِ إِلَّا طَيْنَ قَبْرِ
 الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَّا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ».

۳- حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ

الحسن بن - عَلِيُّ بْنُ فَضَّالٍ، عَنْ أَبِيهِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام «قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ آدَمَ عليه السلام مِنْ طِينٍ، فَحَرَّمَ الطِّينَ عَلَى وَلَدِهِ، قَالَ: فَقُلْتُ: مَا تَقُولُ فِي طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ: يَحْرُمُ عَلَى النَّاسِ أَكْلُ لَحْمِهِمْ، وَيَحِلُّ عَلَيْهِمْ أَكْلُ لَحْمِنَا، وَلَكِنَّ الشَّيْءَ الْيَسِيرَ مِنْهُ مِثْلُ الْحِصَّةِ».

۴ - و روى سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: كُلُّ طِينٍ حَرَامٌ عَلَى بَنِي آدَمَ مَا خَلَّاطِينَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، مَنْ أَكَلَهُ مِنْ وَجَعِ شَفَاةِ اللَّهِ تَعَالَى».

۵ - و وجدت في حديث الحسين بن مهران الفارسي، عن محمد بن سَيَّار، عن يعقوب بن يزيد - يرفع الحديث إلى الصادق عليه السلام - «قَالَ: مَنْ بَاعَ طِينَ قَبْرِ - الْحُسَيْنِ عليه السلام فَإِنَّهُ يَبِيعُ لَحْمَ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ يَشْتَرِيهِ».

﴿ باب نود و پنجم ﴾

﴿ حرمت خوردن تمام تربت‌ها مگر تربت قبر امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ زیرا شفاء هر دردی می‌باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب، و جماعتی از اساتیدم، از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابی یحیی واسطی از مردی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

خوردن تمام تربت‌ها حرام است همچون خوردن گوشت خوک و کسی که آن را بخورد و سپس از ناحیه آن بمیرد من بر او نماز نمی‌خوانم مگر تربت قبر

حسین علیه السلام چه آنکه در آن شفاء از هر دردی است و کسی که آنرا با میل بخورد نه به عنوان استشفاء البتّه در آن شفاء نمی‌باشد.

﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصّفّار، از عباد بن سلیمان، از سعد ابن سعد، وی گفت: از حضرت ابی الحسن علیه السلام راجع به خوردن تربت پرسیدم؟ حضرت فرمودند:

خوردن تربت حرام است همان طوری که خوردن میته و خون و گوشت خوک حرام است مگر تربت قبر امام حسین علیه السلام زیرا در آن شفاء از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی است.



﴿ حدیث سوم ﴾

ابو عبدالله محمد بن احمد بن یعقوب، از علی بن الحسن بن علی بن فضال، از پدرش، از برخی اصحاب، از احمد الصادقین علیهم السلام، حضرت فرمودند: خداوند تبارک و تعالی آدم علیه السلام از تربت آفریده پس خوردن تربت را بر فرزندان آدم حرام فرمود.

راوی می‌گوید: محضر مبارکش عرض کردم: چه می‌فرمائید راجع به تربت قبر امام حسین علیه السلام؟ حضرت فرمودند:

بر مردم خوردن گوشت‌های خودشان حرام است ولی خوردن گوشت ما بر ایشان حلال است منتهی قدر کمی اندازه نخود.

﴿ حدیث چهارم ﴾

سماعه بن مهران روایت کرده از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که آن جناب

فرمودند:

خوردن تمام تربت‌ها بر بنی آدم حرام است مگر تربت قبر امام حسین علیه السلام، زیرا کسی که درد دارد اگر آن را بخورد خداوند متعال او را شفاء می‌دهد.

﴿ حدیث پنجم ﴾

در حدیث حسین بن مهران فارسی یافتیم از محمد بن سیار، از یعقوب بن یزید که حدیث را بطور مرفوعه از حضرت صادق نقل کرده، حضرت فرمودند: کسی که تربت قبر امام حسین علیه السلام را بفروشد پس گوشت آن حضرت را فروخته و خریده است.



﴿ الباب السادس و التسعون ﴾

﴿ مَنْ نَأَتْ دَاوَةَ وَبَعْدَتْ شَقَّةَ كَيْفَ يَزُورُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدٍ؛ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ - عَمَّنْ رَوَاهُ - « قَالَ : قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : إِذَا بَعْدَتْ بِأَحَدِكُمُ الشَّقَّةُ وَ نَأَتْ بِهِ الدَّارُ فَلْيَعْلِ أَعْلَى مَنْزِلٍ لَهُ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ وَ لِيُؤَمَّ بِالسَّلَامِ إِلَى قَبْرِنَا، فَإِنَّ ذَلِكَ يَصِيرُ إِلَيْنَا ».

۲- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلُوهُ جَمِيعاً، عَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ - يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ الثَّيْسَابُورِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيِّ، عَنْ مَنِيْعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ حَنَانَ ابْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - « قَالَ :

قال أبو عبد الله عليه السلام: يا سَدِيرُ وما عليك أن تزور قبر الحسين عليه السلام في كلَّ
 جُمُعَةٍ خمسَ مرَّاتٍ؛ وفي كلَّ يومٍ مرَّةً؟ قلت: جُعِلْتُ فِدَاكَ إنَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ
 فَرَاخٌ كَثِيرَةٌ، فقال: تصعد فوق سَطْحِكَ، ثُمَّ تَلْتَمِثُ يُسْنَةً وَيُسْرَةً، ثُمَّ
 تَرْفَعُ رَأْسَكَ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ تَتَحَوَّلُ نَحْوَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ تَقُولُ:
 «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»،
 يَكْتُبُ لَكَ زُورَةً، وَالزُّورَةُ حَبَّةٌ وَغُمْرَةٌ، قَالَ سَدِيرٌ: فَرَجًا فَعَلْتَهُ فِي
 النَّهَارِ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرِينَ مَرَّةً».



﴿ باب نود و ششم ﴾
 ﴿ کیفیت زیارت نمودن کسی که منزل و وطنش از ﴾
 ﴿ قبر حضرت سیدالشهداء دور می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد، و محمد بن یحیی، از احمد بن محمد بن عیسی،
 از محمد بن ابی عمیر، از کسی که روایت نموده، وی می گوید:
 حضرت ابو عبد الله عليه السلام فرمودند:

هر گاه منزل و وطن یکی از شما به ما دور بود بالاترین مکان منزل را انتخاب
 کند و در آنجا دو رکعت نماز خوانده و با اشاره به قبور ما سلام دهد، سلام وی
 حتماً به ما خواهد رسید.

﴿ حدیث دوم ﴾

علی بن الحسین و علی بن محمد بن قولویه جمیعاً، از محمد بن یحیی عطار،

از حمران بن سلیمان نیشابوری، از عبدالله بن محمدیمانی از منیع ابن حجاج، از یونس بن عبدالرحمن از حنان بن سدید، از پدرش در ضمن حدیث طویل می‌گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای سدید، این حق بر تو نیست که قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه پنج مرتبه و در هر روز یک بار زیارت کنی عرض کردم: فدایت شوم بین ما و بین آن حضرت فرسخ‌های بسیار فاصله است.

حضرت فرمودند:

بر بام منزل برو سپس بطرف راست و جانب چپ خود توجه کن بعد سر به آسمان بلند کن، سپس سر را بطرف قبر امام حسین علیه السلام برگردان و بعد بگو:
درود بر تو ای ابا عبدالله، درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو.
هر گاه چنین نمودی ثواب یک زوره برای تو منظور می‌شود.
زوره یعنی یک حج و یک عمره.

سدیر می‌گوید: بسی روزها بیش از بیست مرتبه حضرت را این طور زیارت می‌کردم

متن:

۳- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ [عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ]، عَنْ مَنِيْعٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: يَا سَدِيرُ تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فِي كُلِّ يَوْمٍ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا، قَالَ: مَا أَجْفَاكُم! أَفْتَزُورُهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ، قُلْتُ: يَكُونُ ذَلِكَ، قَالَ: يَا سَدِيرُ مَا أَجْفَاكُم بِالْحُسَيْنِ علیه السلام أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ أَلْفَ

ألف مَلِك شَغْنًا غُبْرًا يَبْكُون وَيُزَوْرُونَ لَا يَفْتَرُونَ؟ وَمَا عَلَيْكَ يَا سَدِيرُ أَنْ تَزُورَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (ع) فِي كُلِّ جُمُعَةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ؟ - وَذَكَرَ مِثْلَ الْحَدِيثِ الْأَوَّلِ -».

۴- وروی سلیمان بن عیسی، عن أبیه «قال: قلت لأبي عبد الله (ع): کیف أزورك إذا لم أقدر علی ذلك؟ قال: قال لي: یا عیسی إذا لم تقدر علی المجيء، فإذا كان یوم الجمعة فاغتسل أو توضأ وأضعد إلی سَطْحِک، وَصَلَّ رکعتین وَ تَوَجَّهْ نَحْوِي، فَإِنَّهُ مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي فَقَدْ زَارَنِي فِي مَمَاتِي، وَ مَنْ زَارَنِي فِي مَمَاتِي فَقَدْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي».

﴿ حدیث سوّم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود، از سلمه بن خطاب، از عبدالله بن محمد سنان، از منیع، از یونس بن عبدالرحمن از حنان بن سدید، از پدرش، وی گفت:

حضرت ابو عبدالله (ع) فرمودند:

ای سدید آیا در هر روز قبر امام حسین (ع) را زیارت می کنی:

عرض کردم: فدایت شوم، خیر

حضرت فرمودند:

چقدر جفا می کنی! آیا در هر ماه زیارت می کنی:

عرض کردم: خیر.

فرمودند:

آیا در هر سال زیارت می کنی:

عرض کردم: این طور است.

حضرت فرمودند:

ای سدید چقدر به حسین (ع) جفا می کنید، آیا نمی دانی خداوند متعال یک

میلیون فرشته دارد که جملگی زولیده و غبار آلود و گریان هستند و با این حال و هئیت حضرت سیدالشهداء را زیارت کرده و از آن خسته و سست نمی شوند: ای سدید این حق بر تو نیست که قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه پنج بار زیارت کنی. و مانند فقرات حدیث اول را ذکر فرمودند.

﴿ حدیث چهارم ﴾

سلیمان بن عیسی از پدرش روایت کرده، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: وقتی قادر بر زیارت شما نباشم چگونه زیارتتان کنم:
حضرت به من فرمودند:

ای عیسی، وقتی بر آمدن نزد ما قادر نبودی صبر کن تا روز جمعه شود پس غسل کن یا وضوء بگیر و سپس به پشت بام برو و دو رکعت نماز بخوان و سپس به طرف من توجه کن، کسی که من را در حیاتم زیارت کند محققاً در معات من نیز زیارت کرده و کسی که در معاتم زیارت کند محققاً در حیاتم من را زیارت کرده.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الدَّهْقَانِ، عَنْ مَنِيْعِ بْنِ الْحُجَّاجِ، عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ «قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: يَا سَدِيرُ تَكْثُرُ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ؟ قُلْتُ: إِنَّهُ مِنَ الشَّغْلِ، فَقَالَ: أَلَا أَعْلَمُكَ شَيْئاً إِذَا أَنْتَ فَعَلْتَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِذَلِكَ الزِّيَارَةَ؟ فَقُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَقَالَ لِي: اغْتَسِلْ فِي مَنْزِلِكَ وَاصْعَدْ إِلَى سَطْحِ دَارِكَ وَأَشِرْ إِلَيْهِ

بالسَّلام، تكتب لك بذلك الزيارة».

۶- حدَّثني مُحَمَّد بن الحسن، عن مُحَمَّد بن الحسن الصَّقَّار، عن أَحْمَد بن - مُحَمَّد بن عيسى، عن إِسْمَاعِيل بن سَهْل، عن أَبِي أَحْمَد - عَمَّن رواه - «قال: قال لي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا بَعُدْتَ عَلَيْكَ الشُّقَّةُ وَتَأْتِيكَ الدَّارُ فَلْتَعْلِ عَلَى أَعْلَى مَنْزِلِكَ وَلْتُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، فَلْتَوَمَّ بِالسَّلامِ إِلَى قَبْرِ نَا فَإِنَّ ذَلِكَ يَصِلُ إِلَيْنَا».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاق، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از عبدالله بن محمد الدهقان، از منیع بن الحجاج، از حنان بن سدید، از پدرش، وی گفت:
حضرت ابو عبدالله عليه السلام به من فرمودند:

ای سدید، آیا زیاد به زیارت قبر ابی عبدالله الحسین عليه السلام می روی؟

مراد این است که چرا زیاد به زیارت آن حضرت نمی روی؟

محضر مبارکش عرض کردم: این زیاد به زیارت نرفتن ناشی از اشتغالات و گرفتاری هایم می باشد.

حضرت فرمودند:

آیا چیزی به تو تعلیم بکنم که وقتی انجامش دادی خدا بواسطه آن ثواب زیارت را به تو بدهد؟

عرض کردم: فدایت شوم آری.

حضرت فرمودند:

در منزلت غسل کن و به پشت بام برو و با اشاره به آن حضرت سلام کن، با

همین عمل خداوند متعال ثواب زیارت به تو خواهد داد.

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن حسن الصفار، از احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، از اسماعیل بن سهل، از ابو احمد (محمد بن ابی عمیر) از کسی که این حدیث را نقل نموده می گوید:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی که خانه و منزلت دور بود بر بالای بام منزل برو دو رکعت نماز بگذار و با اشاره به قبور و مزار ما سلام بده که سلام تو به ما خواهد رسید.

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ - رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام - قَالَ: دَخَلَ حَتَّانُ بْنُ سَدِيرٍ الصَّرِيفِيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام - وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ - فَقَالَ: يَا حَتَّانُ بْنُ سَدِيرٍ تَزُورُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي كُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فِي كُلِّ شَهْرَيْنِ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: مَا أَجْفَاكُمْ لِسَيِّدِكُمْ! فَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ قَلَّةُ الزَّادِ وَبُعْدُ الْمَسَافَةِ، قَالَ: أَلَا أَدْلُكُمْ عَلَى زِيَارَةِ مَقْبُولَةٍ وَإِنْ بَعْدَ النَّأْيِ؟ قَالَ: فَكَيْفَ أَزُورُهُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: اغْتَسِلْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوْ أَيَّ يَوْمٍ شِئْتَ، وَابْسِ اطَّهَّرْ ثِيَابَكَ وَاضْعِدْ إِلَى أَعْلَى مَوْضِعٍ فِي دَارِكَ أَوِ الصَّحْرَاءِ، فَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ بَوَجْهِكَ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ أَنَّ الْقَبْرَ هُنَا لَكَ، يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «أَيْنَمَا تُوَلُّوْا فَوَجْهُ اللَّهِ». ثُمَّ قُلْ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَسَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ الشَّهِيدَ بْنَ الشَّهِيدِ، وَالْقَتِيلَ بْنَ الْقَتِيلِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَنَا زَائِرُكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِقَلْبِي وَلِسَانِي
وَجَوَارِحِي، وَإِنْ لَمْ أَزُورْكَ بِنَفْسِي مُشَاهِدَةً لِقَيْتِكَ، فَقَلْبِكَ السَّلَامُ يَا
وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، وَوَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، وَوَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ،
وَوَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، وَوَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، وَوَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ
اللَّهِ وَنَبِيِّهِ وَرَسُولِهِ، وَوَارِثَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ،
وَوَارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَيْكَ، وَجَدَّدَ
عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، أَنَا يَا سَيِّدِي مُتَقَرِّبٌ إِلَى
اللَّهِ جَلًّا وَعَزًّا، وَإِلَى جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ، وَإِلَى أَبِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِلَى
أَخِيكَ الْحَسَنِ، وَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، فَقَلْبِكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ، بِزِيَارَتِي لَكَ بِقَلْبِي وَلِسَانِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي، فَكُنْ لِي يَا سَيِّدِي
شَفِيعِي لِقَبُولِ ذَلِكَ مِنِّي، وَأَنَا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَانِكَ وَاللَّغْنَةِ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ
أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ، فَقَلْبِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَرِضْوَانُهُ
وَرَحْمَتُهُ».

ثمَّ تتحوَّل على يسارك قليلاً وتحوَّل وجهك إلى قبر علي بن
الحسين عليه السلام، وهو عند رجل أبيه، وتسلم عليه مثل ذلك، ثم ادعُ الله
بما أحببت من أمر دينك ودنياك، ثم تصلي أربع ركعات فإن صلاة
الزيارة ثمان أو ست أو أربع أو ركعتان، وأفضلها ثمان، ثم تستقبل
نحو قبر أبي عبد الله عليه السلام وتقول:

«أَنَا مُودِعُكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَيَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي،

وَمُودَعُكَ يَا سَيِّدِي وَبَنَ سَيِّدِي يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَمُودَعُكُمْ يَا
 سَادَاتِي، يَا مَعَاشِرَ الشُّهَدَاءِ، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَرِضْوَانُهُ
 وَبَرَكَاتُهُ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش حدیث را مرفوعاً از حضرت
 ابی عبدالله (ع) نقل کرده، وی گفت:
 حنان بن سدیر صیرفی بر ابی عبدالله (ع) داخل شد در حالی که گروهی از
 اصحاب آن حضرت محضرش بودند، حضرت فرمودند:
 ای حنان بن سدیر، آیا ماهی یک مرتبه به زیارت اباعبدالله الحسین (ع)
 می‌روی؟

وی عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

آیا در هر دو ماه یک بار آن حضرت را زیارت می‌کنی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

آیا در هر سال یک بار به زیارت آن جناب می‌روی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند: چقدر به سرور خود جفا می‌کنید.

عرض کرد: ای پسر رسول خدا! هم توشه‌ام کم و اندک است و هم مسافت

دور می‌باشد.

حضرت فرمودند:

آیا شما را راهنمایی بکنم بر زیارت مقبولی اگر چه فاصله شما با آن حضرت

خیلی زیاد باشد؟

✦ عرض کرد: ای پسر رسول خدا چگونه آن حضرت را زیارت کنم؟
حضرت فرمودند:

روز جمعه یا هر روزی که خواستی غسل کن و پاکیزه ترین لباسهایت را بپوش و به مرتفع ترین مواضع خانهات یا به صحراء برو، پس رو به قبله کن به شرطی احراز کنی قبر مطهر، آن طرف می باشد، خداوند تبارک در قرآن می فرماید: **إِنَّمَا تَوَلَّوْا فِئْجَهَ اللَّهِ**. سپس بگو:

درود بر تو ای آقای من و ای فرزند آقایم و ای سید و سرور من و فرزند سرورم، درود بر تو ای مولای من که شهید و فرزند شهید می باشی، مقتول و فرزند مقتول می باشی، درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد، ای فرزند رسول خدا من با قلب و زبان و جوارحم تو را زیارت می کنم اگر چه خودم نزدت نبوده تا قبر و بارگاہت را مشاهده کنم، پس درود بر تو ای وارث حضرت آدم که برگزیده خداست، و ای وارث حضرت نوح که پیامبر خداست، و ای وارث ابراهیم که خلیل خداست، و ای وارث حضرت موسی که کلیم خداست، و ای وارث حضرت عیسی که روح خدا است، و ای وارث حضرت محمد ﷺ که حبیب و پیامبر و فرستاده خداست، و ای وارث حضرت علی علیه السلام که امیر مؤمنان و جانشین رسول و خلیفه خدا است و ای وارث حضرت حسن بن علی علیه السلام که جانشین امیرالمؤمنین است، خدا قاتلین تو را لعنت کرده و عذاب را بر ایشان در این ساعت، و در هر ساعتی تجدید کرده و نوبه نو نماید، ای سرورم من به سوی خداوند عزوجل، و به جدت رسول خدا و به پدرت امیرمؤمنان و به برادرت حضرت امام حسن و به سوی تو ای آقای من با این زیارت که با قلب و زبان و جمیع جوارحم انجام می دهم تقرب می جویم پس بر تو باد درود و رحمت و برکات، خدا و ای مولای من شفیعم باش تا حق تعالی زیارت را از

من قبول کند، من از دشمنان تو بی‌زاری هسته و با این بی‌زاری و درخواست لعنت بر ایشان به خدا و شما جملگی تقرب می‌جویم، پس بر تو باد صلوات خدا و رضوان و رحمتش.

پس اندکی به طرف چپ برگرد و صورت را به جانب قبر علی بن الحسین علیه السلام که پائین پای مبارک واقع شده بگردان و بر او سلام بده بهمان نحوی که بر پدر بزرگوارش سلام دادی سپس برای آنچه از امر دنیا و آخرت که محبوب و مطلوبت هست دعا کن و از خدا درخواست نما، پس از آن چهار رکعت نماز بخوان چه آنکه نماز زیارت یا هشت و یا شش و یا چهار و یا دو رکعت است متهمی افضل آنها هشت رکعت می‌باشد و پس از فارغ شدن از نماز رو به جانب قبر ابی عبدالله علیه السلام کن و بگو:

من با تو وداع می‌کنم ای مولای من و پسر مولایم، و ای سید و سرور من و پسر سید و سرورم، و با تو نیز ای سرور من و فرزند سرورم ای علی بن الحسین، وداع می‌نمایم، و با شما نیز ای سادات و سرورانم ای گروه شهداء وداع مینمایم، پس بر شما باد درود خدا و رحمت و رضوان و برکاتش.

﴿ الباب السابع والتسعون ﴾

﴿ ما یکره من الجفاء لزیارة قبر الحسین علیه السلام ﴾

متن:

۱- حدَّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم - عن بعض أصحابه - عن اَبی جعفر علیه السلام «قال: کم بینکم و بین قبر الحسین؟ قلت: سیّئة عشر فرسخاً، قال: أو ما تأتونه؟ قلت: لا، قال: ما أجفاکم!»،

۲- و عنه، عن سعد، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن موسى بن -
 الفضل، [عن علي بن الحكم] - عن حدثه - عن حنان بن سدير، عن أبي
 - عبد الله عليه السلام «قال: قلت له: ما تقول في زيارة قبر الحسين عليه السلام؟ فقال: رُزّه
 ولا تحفه، فإنه سيّد الشهداء و سيّد شباب أهل الجنة، و شبيهه يحيى بن
 زكريّا، و عليهما بكتّ السماء و الأرض».

۳- و حدّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن
 أحمد بن - محمد بن عيسى، عن أحمد بن أبي داود، عن سعد بن أبي عمر
 [و الجلاب، عن الحارث الأعور] «قال: قال علي عليه السلام : بأبي و أمي
 الحسين المقتول بظهر الكوفة، و الله لكانّي أنظر إلى الوحش مائة أعناقها
 على قبره من أنواع الوحش يكونه و يزوّنه ليلاً حتّى الصّباح، فإذا كان
 ذلك فإيتاكم و الجفاء». *مرزوقية كبرى بن محمد*

﴿ باب نود و هفتم ﴾

﴿ مكروه بودن جفاء نسبت به زیارت قبر حضرت ﴾

﴿ امام حسین عليه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از علي
 بن الحكم، از برخی اصحابش از حضرت ابی جعفر عليه السلام، نقل کرده که آن حضرت
 فرمودند:

بين شما و بين قبر حضرت امام حسين عليه السلام چه قدر مسافت است؟
 راوی می گوید: عرض کردم: شانزده فرسخ.

حضرت فرمودند:

آیا به زیارت آن حضرت نمی‌روی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

چه قدر جفا می‌کنید!

﴿ حدیث دوم ﴾

از پدرم، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از موسی بن فضل، از علی بن الحکم، از کسی که برایش حدیث گفته، از حنان بن سدید، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام راوی می‌گوید:

محضر مبارکش عرض کردم: دو باره زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام چه

می‌فرمائید؟

حضرت فرمودند:

زیارتش کن و به آن حضرت جفا مکن، زیرا آن وجود مبارک سرور شهداء و سید جوانان اهل بهشت و شبیه حضرت یحیی بن زکریا بوده و بر این دو (امام حسین و حضرت یحیی علیه السلام) آسمان و زمین گریسته‌اند.

﴿ حدیث سوم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن ابی داود، از سعد بن ابی عمرو الجلاب، از حارث اعور نقل کرده که وی گفت:

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

پدر و مادرم فدای حسین که در پشت کوفه کشته می‌شود، به خدا سوگند گویا می‌بینم حیوانات وحشی را که گردن به طرف قبرش کشیده و گریه می‌کنند و شب

تا صبح برایش مرثیہ می خوانند و وقتی حال چنین است پس از جفا حذر کنید
و زیارت آن حضرت را ترک نکنید۔

متن:

۴ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَأَخِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ
مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى الْعِطَّارِ، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سَلْيَانَ التَّيْسَابُورِيِّ، عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيِّ، عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ
عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ حَنَانَ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ سَدِيرٍ «قَالَ: قَالَ: أَبُو
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا سَدِيرُ تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي كُلِّ يَوْمٍ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: مَا
أَجْفَاكَ، قَالَ: أَتَزُورُهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ، قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ؟
قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قُلْتُ: قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ، قَالَ: يَا سَدِيرُ مَا
أَجْفَاكَ بِالْحُسَيْنِ عليه السلام أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ أَلْفَ مَلِكٍ شُعْنًا غَيْرًا يَبْكُونَهُ وَ
يَزُوتُونَهُ، لَا يَفْتَرُونَ زُورًا لِقَبْرِ الْحُسَيْنِ، وَ ثَوَابُهُمْ لِمَنْ زَارَهُ - وَ ذَكَرَ
الْحَدِيثَ -».

۵ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى، [عَنْ أَبِيهِ] عَنْ
الْحَسَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ حَنَانَ بْنِ سَدِيرٍ «قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَ جَلَسَ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: مِنْ أَيِّ الْبُلْدَانِ
أَنْتَ؟ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: أَنَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، وَ أَنَا مُحِبٌّ لَكَ، مُوَالٍ،
فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: أَتَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي كُلِّ جُمُعَةٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ:
فِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قَالَ: لَا، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
إِنَّكَ لَمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

۶- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بِشِيرٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى، عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا أَجْفَاكُمْ يَا فَضِيلُ؛ لَا تَزُورُونَ الْحُسَيْنَ عليه السلام، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مُلْكٍ شَعْتًا غُيِّرَ بِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؟!».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدر و برادرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن، از ابن یحیی العطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبدالله بن محمد یمانی، از منیع بن حجاج، از یونس بن عبدالرحمن، از حنان بن سدر، از پدرش سدر، نقل کرده‌اند که وی گفت:



حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای سدر آیا قبر حسین علیه السلام را هر روز زیارت می‌کنی؟

عرض کردم: خیر.

فرمودند: چه قدر جفا می‌کنید!

حضرت فرمودند:

آیا در هر جمعه زیارتش می‌کنی؟

عرض کردم: نخیر.

حضرت فرمودند:

پس در هر ماه زیارتش می‌کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

پس در هر سال زیارتش می‌کنی؟

عرض کردم: گاهی این طور است.

حضرت فرمودند:

ای سدید چه قدر به حسین علیه السلام جفا می کنید! آیا نمی دانی که هزار فرشته برای خداست که جملگی زولیده و غبارآلود هستند و برای آن حضرت گریه کرده و مرثیه می خوانند و از زیارت قبر امام حسین علیه السلام خسته و سست نمی شوند و ثواب زیارتشان برای زائرین می باشد...

﴿ حدیث پنجم ﴾

حسن بن عبدالرحمن بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از حنان بن سدید، وی می گوید:

خدمت حضرت ابی جعفر علیه السلام بودم که شخصی وارد شد و سلام کرد و نشست، حضرت ابوجعفر فرمودند از کدام شهر هستی؟

عرض کرد: مردی از اهل کوفه بوده، دوست دار شما می باشم.

حضرت فرمودند:

آیا قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه زیارت می کنی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر ماه چطور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر سال چطور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

تو از خیر محروم هستی، و حدیث را ذکر فرمود (مقصود حدیث شماره ۱۲

از باب هشتم می باشد.)

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن جعفر می گوید:

محمد بن الحسین، از جعفر بن بشیر، از حماد بن عیسی، از ربیع بن عبدالله، از فضل بن یسار وی می گوید: حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند: ای فضیل چه قدر جفاکار هستید، حسین علیه السلام را زیارت نمی کنید، آیا نمی دانی چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبارآلود هستند تا روز قیامت بر آن حضرت گریه می کنند؟!

متن:

۷- و عنه، عن محمد بن الحسین، عن جعفر بن بشیر، عن حماد، عن محمد ابن مسلم، عن زُرارة، عن أبي جعفر علیه السلام «قال: کم بینکم و بین قبر الحسین علیه السلام؟ قال: قلت: سِتَّةَ عَشَرَ فَرَسَخاً، أَوْ سَبْعَةَ عَشَرَ فَرَسَخاً، قال: أما تأتونه؟ قلت: لا، قال: ما أجفاکم».

۸- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْزَمَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ، عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ، عَنْ سَلِيحَانَ بْنِ خَالِدٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: عَجَباً لَأَقْوَامٍ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ شِيعَةُ لَنَا وَيُقَالُ: إِنَّ أَحَدَهُمْ يَمُرُّ بِهِ ذَهْرُهُ وَلَا يَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام، جَفَاءً مِنْهُ وَتَهَاوَنًا وَعَجْزًا وَكَسَلًا، أَمَا وَاللَّهِ لَوْ يَعْلَمُ مَا فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ مَا تَهَاوَنَ وَلَا كَسَلَ، قُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ وَمَا فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ؟ قَالَ: فَضْلٌ وَخَيْرٌ كَثِيرٌ، أَمَّا أَوَّلُ مَا يُصِيبُهُ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ، وَيُقَالُ لَهُ: اسْتَأْنَفِ الْعَمَلَ».

۹- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ

عبداللہ ابن الخطاب، عن عبداللہ بن محمد بن سنان، عن منیع بن الحجاج، عن یونس بن عبدالرحمن، عن حنان، عن اُبیہ «قال: قال أبو عبداللہ ﷺ یا سدید تزور، قبر الحسین ﷺ فی کلّ یوم؟ قلت: جعلت فداک لا، قال: ما أجفاکم! فتزوره فی کلّ جمعة؟ قلت: لا قال: فتزوره فی کلّ شهر؟ قلت: لا، قال: فتزوره فی کلّ سنّة، قال: قد یكون ذلك، قال: یا سدید ما أجفاکم بالحسین ﷺ - و ذکر الحدیث -».

﴿ حدیث ہفتم ﴾

ترجمہ:

از محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از جعفر بن بشیر، از حماد، از محمد بن مسلم، از زرارہ، از حضرت ابی جعفر ﷺ.

حضرت فرمودند:

بین شما و بین قبر حسین ﷺ چہ قدر مسافت است؟

راوی می گوید: عرض کردم: شانزدہ یا ہفدہ فرسخ.

حضرت فرمودند:

آیا بہ زیارتش می روی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

چہ قدر جفا کار هستی.

﴿ حدیث ہشتم ﴾

پدرم رحمۃ اللہ علیہ، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمہ، از ابی عبداللہ مؤمن، از ابن مسکان، از سلیمان بن خالد، وی می گوید:

از حضرت اباعبداللہ ﷺ شنیدم کہ می فرمودند:

تعجب است از گروهی که می‌پندارند شیعه هستند ولی گفته می‌شود روزگار بر ایشان می‌گذرد و احدی از ایشان به زیارت قبر حسین علیه السلام نمی‌روند، چه از روی جفا بوده و چه تنبلی و سستی کرده و چه عاجز و ناتوان باشند و چه کسلی و بی‌حالی منشأ آن باشند، به خدا سوگند اگر می‌دانستند در زیارت آن حضرت چیست هرگز تنبلی و کسلی را به خود راه نمی‌دادند.

عرض کردم: فدایت شوم: چه فضیلتی در آن می‌باشد؟
حضرت فرمودند:

فضل و خیر بسیاری در آن می‌باشد، اولین خیری که به زائر می‌رسد آن است که گناهان گذشته‌اش را خداوند آمرزیده و به او خطاب می‌شود: از ابتداء شروع به عمل بکن.



حدیث نهم

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمة بن خطاب، از عبدالله بن خطاب، از عبدالله بن محمد بن سنان، از منیع بن حجاج، از یونس بن عبدالرحمن، از حنان، از پدرش، وی می‌گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای سدید، در هر روز قبر حسین علیه السلام را زیارت می‌کنی؟

عرض کردم: فدایت شوم: خیر.

حضرت فرمودند:

چه قدر جفاکار هستی! پس در هر جمعه زیارتش می‌کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر ماه آیا زیارتش می‌کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر سال آیا به زیارتش می‌روی؟
عرض کردم: گاهی این‌طور است.

حضرت فرمودند:

ای سدید چه قدر به حسین علیه السلام جفا کرده‌اید و حدیث را ذکر فرمودند
(مقصود حدیث شماره (۳) از باب نود و ششم می‌باشد).

متن:

۱۰- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةُ مَشَائِخِي، عَنْ سَعْدٍ، عَنْ مُحَمَّدٍ
ابن - عِيسَى بن عُبَيْدٍ، عَنْ مُحَمَّدٍ بن نَاجِيَةَ، عَنْ مُحَمَّدٍ بن عَلِيٍّ، عَنْ عَامِرِ بن
كَثِيرٍ السَّرَّاجِ النَّهْدِيِّ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: قَالَ لِي:
كَمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قُلْتُ: يَوْمَ لِلرَّاكِبِ وَ يَوْمَ وَبَعْضُ يَوْمٍ
لِلْمَاشِي، قَالَ: أَفْتَأْتِيهِ كُلَّ جُمُعَةٍ؟ قُلْتُ: لَا مَا آتِيهِ إِلَّا فِي حِينٍ، قَالَ: مَا
أَجْفَاكُمْ! أَمَا لَوْ كَانَ قَرِيبًا مِمَّا لَا تُخَذِّنَاهُ هَجْرَةً - أَيِ نَهَاجِرٍ إِلَيْهِ -».

حَدَّثَنِي جَمَاعَةُ مَشَائِخِي، عَنْ أَحْمَدَ بن إِدْرِيسَ، عَنْ مُحَمَّدَ بن أَحْمَدَ،
عَنْ مُحَمَّدَ بن نَاجِيَةَ، عَنْ مُحَمَّدَ بن عَلِيٍّ، عَنْ عَامِرِ بن كَثِيرٍ النَّهْدِيِّ
السَّرَّاجِ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام - مِثْلَهُ.

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از اساتیدم، از سعد، از محمد بن عیسی بن
عبید، از محمد بن ناجیه، از محمد بن علی، از عامر بن کثیر النهدی، از
ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر عليه السلام، وی می‌گوید:

حضرت به من فرمودند:

بین شما و قبر حضرت امام حسین علیه السلام چه قدر مسافت است؟
عرض کردم: اگر کسی سواره رود یک روز و در صورتی که پیاده رود یک روز و مقداری از روز.

فرمودند:

آیا هر جمعه به زیارتش می روی؟
عرض کردم: خیر، به زیارتش گاهی می روم.

حضرت فرمودند:

چه قدر جفاء کرده اید! اگر قبر آن حضرت نزدیک ما می بود حتماً به سویش هجرت می کردیم.

جماعتی از اساتیدم، از احمد بن ادریس، از محمد بن احمد، از محمد بن ناجیه، از محمد بن علی، از عامر بن کثیر النهدی السراج، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده اند.

﴿الباب الثامن و التسعون﴾

﴿أقل ما يزار فيه الحسين عليه السلام﴾

﴿و أكثر ما يجوز تأخير زيارته للفقير﴾

متن:

۱- حدَّثني جعفر بن محمد بن إبراهيم بن عبد الله الموسوي، عن عبيد الله ابن نهيك، عن محمد بن أبي عمير، عن أبي أيوب، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: حقُّ على الغني أن يأتي قبر الحسين عليه السلام في السنة مرتين، و حقُّ على الفقير أن يأتيه في السنة مرَّةً».

۲- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عَامِرِ بْنِ عُمَيْرٍ؛ وَ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: اسْتَوَا قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً».

۳- حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بِشِيرٍ، عَنْ مُسْلِمٍ، عَنْ عَامِرِ بْنِ عُمَيْرٍ؛ وَ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ جَمِيعاً، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: اسْتَوَا قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً».

۴- حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمَوْسَوِيُّ، عَنْ عبيدالله بن نهيك، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمَّادٍ، عَنْ الْحَلْبِيِّ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، قَالَ: فِي السَّنَةِ مَرَّةً، لِأَنِّي أَكْرَهُ الشُّهُرَةَ».



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

﴿ باب نود و هشتم ﴾

﴿ کمترین مدتی که در آن حضرت امام حسین عليه السلام را می باید ﴾

﴿ زیارت کرد و حد اکثری که زیارت آن جناب را غنی ﴾

﴿ و فقیر می توانند تاخیر بیاندازند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبدالله الموسوی، از عبيدالله بن نهيك، از محمد بن ابی عمیر، از ابو ایوب از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، آن حضرت فرمودند: بر عهده غنی است که در سال دو مرتبه و بر فقیر است که در سال یک مرتبه به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام بروند.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از عامر بن عمیر، و سعید اعرج، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام: حضرت فرمودند:

در هر سال یک مرتبه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروید.

﴿ حدیث سوم ﴾

ابوالعباس، از محمد بن الحسین، از جعفر بن بشیر، از مسلم، از عامر بن عمیر، و سعید اعرج، جملگی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:

در هر سال یک مرتبه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروید.

﴿ حدیث چهارم ﴾

جعفر بن محمد بن عبدالله الموسوی، از عیدالله نهیک، از ابن ابی عمیر، از حماد، از حلبی، وی می گوید: از حضرت ابی عبدالله علیه السلام راجع به زیارت قبر حسین صلوات الله علیه پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

در سال یک مرتبه، زیرا از مشهور شدن کراهت دارم.

مترجم گوید:

شاید مراد این باشد که اگر بیش از یک مرتبه در سال به زیارت آن حضرت روند این امر موجب اشتهار شخص به این عمل می شود و آن مکروه است.

من:

٥ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ ابْنِ رِثَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: حَقٌّ عَلَى الْفَقِيرِ أَنْ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ فِي السَّنَةِ مَرَّةً، وَحَقٌّ عَلَى الْغَنِيِّ أَنْ يَأْتِيَهُ فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ».

٦ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ ابْنِ - أَبَانَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنِ الْحَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: فِي السَّنَةِ مَرَّةً، إِنِّي أَكْرَهُ الشُّهُرَةَ».

٧ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ - عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حمزة، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام «قَالَ: لَا تَجْفُوهُ، يَأْتِيهِ الْمَوْسِرُ فِي كُلِّ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ، وَالْمَعِيرُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا، قَالَ الْعَبَّاسُ: لَا أَدْرِي قَالَ هَذَا عليه السلام أَوْ لَا عليه السلام أَبِي نَابٍ».

٨ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ - مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنِ الْحَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: فِي السَّنَةِ مَرَّةً، إِنِّي أَخَافُ الشُّهُرَةَ».

٩ - حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ، عَنِ الزِّيَّاتِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بِشِيرٍ، عَنْ حَمَّادٍ، عَنْ ابْنِ مُسْلَمٍ، عَنْ عَامِرِ بْنِ عُمَيْرٍ؛ وَ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: آتُوا قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً».

۱۰- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنِ الْعِصَى بْنِ الْقَاسِمِ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ لَزِيَارَةِ الْقَبْرِ صَلَاةٌ مَفْرُوضَةٌ؟ قَالَ: لَيْسَ لَهُ صَلَاةٌ مَفْرُوضَةٌ، قَالَ: وَسَأَلْتُهُ فِي كَمْ يَوْمٍ يَزَارُ؟ قَالَ: مَا شِئْتُ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید، از ابن ابی عمیر، از برخی اصحاب، از ابن رثاب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

این حق بر عهده فقیر است که سالی یک مرتبه و بر غنی است که سالی دو مرتبه به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بروند.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن الحسن، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از ابن ابی عمیر، از حماد بن عثمان، از حلبی، نقل کرده اند، که وی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام راجع به زیارت قبر امام حسین علیه السلام روایت کرده که آن جناب فرمودند:

در سال یک مرتبه قبر آن حضرت زیارت شود زیرا از شهرت کراهت دارم.

﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله مغیره، از عباس بن عامر نقل کرده که وی گفت:

علی بن حمزه گفت: حضرت ابوالحسن علیه السلام فرمودند:

جفاء به آن حضرت نکنید، شخص موسر و غنی هر چهار ماه یک بار به زیارتش رود و فقیر را حق تعالی مکلف نکرده مگر به قدر توان و قدرتش. عباس می گوید: نمی دانم حضرت این کلام و مقاله را برای علی (علی بن ابی حمزه) فرمودند یا ابی ناب (حسن بن عطیه).

﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از ابن ابی عمیر، از حماد بن عثمان، از حلبی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:

راجع به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام از آن حضرت پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

سالی یک مرتبه به زیارتش روند زیرا، در بیشتر از آن خوف شهرت دارم.

﴿ حدیث نهم ﴾

ابوالعباس، از زیات، از جعفر بن بشیر، از حماد، از ابن مسلم، از عامر بن عمیر، و سعید الاعرج از حضرت ابی عبدالله علیه السلام آن حضرت فرمودند:
در سال یک مرتبه به زیارت قبر حسین علیه السلام بروید.

﴿ حدیث دهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از صفوان بن یحیی، از عیص بن قاسم، وی می گوید: از حضرت ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم:
آیا برای زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نماز واجبی هست؟
حضرت فرمودند:

برای آن نماز واجب و معینی نمی باشد.

راوی می گوید: پرسیدم: در هر چند روز باید به زیارتش رفت؟
حضرت فرمودند: هر چه خواستی.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ بِإِسْنَادِهِ -
رَفَعَهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ مِيمُونٍ الصَّائِغِ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) «قَالَ: يَا عَلِيُّ بَلِّغْنِي
أَنْ قَوْمًا مِنْ شِيعَتِنَا يَمُرُّ بِأَحَدِهِمُ السَّنَةُ وَالسَّنَتَانِ لَا يَزُورُونَ الْحُسَيْنَ (ع)،
قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي أَغْرَفُ أَنَاكَ كَثِيرَةً بِهَذِهِ الصَّفَةِ، قَالَ: أَمَّا وَاللَّهِ
لَظَنَّهُمْ أَخْطَلُوا، وَعَنْ ثَوَابِ اللَّهِ زَاغُوا، وَعَنْ جِوَارِ مُحَمَّدٍ (ص) تَبَاعَدُوا،
قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ فِي كَمْ الزَّيَارَةِ؟ قَالَ: يَا عَلِيُّ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ
تُزَوِّرَهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ فَافْعَلْ، قُلْتُ: لَا أَصِلُ إِلَى ذَلِكَ، لِأَنِّي أَعْمَلُ بِيَدِي وَ
أُمُورِ النَّاسِ بِيَدِي، وَلَا أَقْدِرُ أَنْ أُغَيِّبَ وَجْهِي عَنْ مَكَانِي يَوْمًا وَاحِدًا، قَالَ:
أَنْتَ فِي عُذْرٍ وَمَنْ كَانَ يَعْمَلُ بِيَدِهِ، وَإِنَّمَا عَنَيْتُ مَنْ لَا يَعْمَلُ بِيَدِهِ مُكِّنَ
إِنْ خَرَجَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ هَآنُ ذَلِكَ عَلَيْهِ، أَمَّا إِنَّهُ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عُذْرٍ وَلَا
عِنْدَ رَسُولِهِ مِنْ عُذْرٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، قُلْتُ: فَإِنْ أَخْرَجَ عَنْهُ رَجُلًا فَيَجُوزُ
ذَلِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ وَخُرُوجُهُ بِنَفْسِهِ أَعْظَمُ أَجْرًا وَخَيْرًا لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ، يَرَاهُ
رَبُّهُ سَاهِرَ اللَّيْلِ، لَهُ تَعَبُ النَّهَارِ، يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ نَظْرَةً تُوجِبُ لَهُ الْفَرْدُوسَ
الْأَعْلَى مَعَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، فَتَنَافَسُوا فِي ذَلِكَ وَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ».

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از عبدالله بن جعفر حمیری به اسنادش که تا علی بن
میمون الصائغ مرفوعه است از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت

فرمودند:

ای علی خبر به من رسیده که یکسال یا دو سال هر جماعتی از شیعیان ما می‌گذرد و ایشان به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نمی‌روند؟

عرض کردم: فدایت شوم: مردم زیادی را سراغ دارم که این صفت دارند.
حضرت فرمودند:

به خدا سوگند از حظ و بهره‌شان بر کنار و از ثواب و اجر خدا محروم و از جوار حضرت محمد صلی الله علیه و آله به دور مانده‌اند.

محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم: در چه فاصله‌ای از مدت به زیارت آن حضرت برویم؟

حضرت فرمودند:

ای علی اگر قدرت داری که آن جناب را در هر ماه زیارت کنی، پس این کار را بکن.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

عرض کردم: نمی‌توانم به این امر دست یابم زیرا با دست‌هایم کار کرده‌ام و امور مردم نیز در دست من است و اساساً قادر نیستم یک روز از محل کارم غیبت نمایم.

حضرت فرمودند:

تو معذور هستی و کسانی هم که مثل تو کار دستی دارند در عذر می‌باشند و مراد من کسانی هستند که این‌گونه اشتغال نداشته بطوری که اگر در هر جمعه از منزل خارج شده و به زیارت بروند بر ایشان سهل و آسان باشد چه آنکه ایشان در روز قیامت نزد خدا و رسولش عذری ندارند.

محضرش عرض کردم: حال اگر این شخص خود به زیارت نرود ولی کسی را از طرف خود به آنجا بفرستد آیا جایز است؟

حضرت فرمودند:

بلی، جائز است ولی اگر خودش برود اجرش عظیم‌تر بوده و نزد

پروردگارش بهتر و مطلوب تر است چه آنکه وقتی حق تعالی ببیند که او شبها را به بیداری و روزها را به تعب و رنج بسر می برد به او نظر نموده آنچنان نظری که برایش فردوس اعلی و بهشت جاودان را نصیبت کرده و او را با محمد و اهل بیتش صلوات الله علیهم اجمعین همراه و هم جوار و قرین می گرداند پس تمایل نشان دهید در این امر و از اهل آن گردید.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ ابْنِ محبوب، عَنْ صَبَّاحِ الْحِذَاءِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: زُورُوا قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام، وَ لَوْ كُلَّ سَنَةٍ مَرَّةً - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

۱۳ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنِ الْعَمْرِكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْبُفُكِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى - وَ كَانَ فِي خِدْمَةِ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي - عَنْ عَلِيٍّ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجُمَّالِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - «قُلْتُ لَهُ: مَنْ يَأْتِيهِ زَائِرٌ ثُمَّ يَنْصَرِفُ مَتَى يَعُودُ إِلَيْهِ؟ وَ فِي كَمْ [يَوْم] يَوْتِي؟ وَ كَمْ يَسْعُ النَّاسُ تَرْكُهُ؟ قَالَ: لَا يَسْعُ أَكْثَرُ مِنْ شَهْرٍ وَ أَمَّا بَعِيدُ الدَّارِ فِي كُلِّ ثَلَاثِ سِنِينَ، فَمَا جاز ثَلَاثَ سِنِينَ فَلَمْ يَأْتِهِ فَقَدْ عَقَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ قَطَعَ حَرَمَتَهُ، إِلَّا مَنْ عَلَّةَ».

۱۴ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ابْنِ - هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الْحُلَبِيِّ، عَنْ أَبِي عُبَيْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ: إِنَّا نَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي السَّنَةِ مَرَّةً، قُلْتُ: كَيْفَ أَصْلِي عَلَيْهِ؟ قَالَ: تَقُومُ خَلْفَهُ عِنْدَ كَتِفَيْهِ، ثُمَّ

تصلي على النبي ﷺ و تصلي على الحسين ﷺ».

ترجمه:

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از صباح الحداد، از محمد بن مروان، از حضرت ابی عبدالله ﷺ، وی گفت: از آن حضرت شنیدم که می فرمودند:
قبر حضرت امام حسین ﷺ را زیارت کنید اگر چه سالی یک بار باشد

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از احمد بن ادریس و محمد بن یحیی، از عمرکی بن علی بوفکی، وی گفت: یحیی که از خادمین ابوجعفر ثانی بود برای ما نقل کرد از علی و او از صفوان بن مهران جمال و او از حضرت ابی عبدالله ﷺ در ضمن حدیثی طولانی چنین نقل کرده:

محضر مبارکش عرض کردم: کسی که به زیارت حضرت سیدالشهداء برود و سپس برگردد چند وقت بعد دو مرتبه به زیارت عود کند؟ و در چند روز دیگر به زیارت رود و مردم تا چه مدت می توانند زیارت حضرت را ترک کنند؟
حضرت فرمودند:

بیش از یک ماه نمی توانند آن را ترک کنند و اما کسانی که منزلشان دور است در هر سه سال یک مرتبه باید به زیارتش بروند و اگر سه سال تجاوز نمود و به زیارت آن حضرت نروند عاق رسول خدا ﷺ واقع شده و حرمت آن جناب را قطع و هتک نموده مگر علت و سببی داشته باشد.

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

علی بن الحسین بن موسی رحمه الله علیه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از

پدرش، از ابن فضال، از علی بن عقبه از عبیدالله الحلبی، از ابی عبدالله (ع) وی می گوید:

محضرش عرض کردم: مادر سال دو یا سه مرتبه قبر حضرت امام حسین (ع) را زیارت می کنیم آیا این عمل چطور است؟
حضرت فرمودند:

من کراهت دارم زیاد آن قبر مطهر را قصد کنید، در سال یک مرتبه به زیارت آن بروید.

عرض کردم: چگونه صلوات بر آن حضرت بفرستم؟
حضرت فرمودند:

پشت قبر در جنب کتفین و شانه های آن حضرت بایست، سپس صلوات بر پیامبر اکرم (ص) بفرست و بعد از آن بر حسین (ع) صلوات و رحمت بفرست.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

۱۵- و قال العَمَرُکي بإسناده «قال: قال أبو عبد الله (ع): إِنَّهُ يَصَلِّي عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ، ثُمَّ يَصْدُونَ، وَيَنْزِلُ مِثْلَهُمْ فَيَصَلُّونَ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ، فَلَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَتَخَلَّفَ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِهِ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِ سَنِينَ».

۱۶- و بإسناده عن محمد بن الفضل، عن أبي ناب، عن أبي عبد الله (ع) «قال: سألت عن زيارة قبر الحسين صلوات الله عليه، قال نَعَمْ تَعْدِلْ عُمرَةً، وَ لَا يَنْبَغِي التَّخَلُّفُ عَنْهُ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِ سَنِينَ».

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

عمرکی به اسنادش نقل کرده و می گوید: حضرت ابو عبدالله (ع) فرمودند:

چهار هزار فرشته از طلوع صبح تا غروب آفتاب نزدیک قبر حضرت امام حسین علیه السلام دعاء و طلب رحمت کرده و سپس بالا رفته و چهار هزار فرشته دیگر بجای ایشان قرار گرفته و تا طلوع صبح دعاء و طلب رحمت می کنند.

پس بر مسلمان سزاوار نیست که بیش از چهار سال به زیارت قبر آن حضرت نرفته و از آن تخلف کند.

﴿ حدیث شانزدهم ﴾

عمرکی به اسنادش از محمد بن فضل، از ابی نایب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید: راجع به زیارت قبر امام حسین صلوات الله علیه از آن حضرت پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

بلی، زیارت آن جناب معادل و مساوی با یک عمره است و شایسته نیست بیش از چهار سال به زیارت قبر آن حضرت نرفته و از آن تخلف کنند.

متن:

۱۷ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَنَحْنُ فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ نُرِيدُ مَكَّةَ - فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لِي أَرَاكَ كَثِيئاً حَزِيناً مُتَكَبِّراً؟ فَقَالَ لِي: لَوْ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ لَشَغَلَكَ عَنْ مَسَائِلِي، قُلْتُ: فَمَا الَّذِي تَسْمَعُ؟ قَالَ: ابْتِهَالُ الْمَلَائِكَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى قَتْلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، وَ نَوْحِ الْجَنِّ وَ

يُكَاةُ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ حَوْلَهُ: وَشِدَّةُ حُزْنِهِمْ فَمَنْ يَتَهَنَّأُ هَذَا بِطَعَامٍ أَوْ بِشَرَابٍ أَوْ نَوْمٍ؟! قُلْتُ لَهُ: فَمَنْ يَأْتِيهِ زَائِرًا ثُمَّ يَنْصَرِفُ فَقَدْ يَعُودُ إِلَيْهِ؛ وَ فِي كَمْ [يَوْم] يَوْتِي وَ فِي كَمْ يَسْعُ النَّاسُ تَرْكُهُ؟ قَالَ: أَمَّا الْقَرِيبُ فَلَا أَقْلَ مِنْ شَهْرٍ، وَ أَمَّا بَعِيدُ الدَّارِ فِي كُلِّ ثَلَاثِ سَنِينَ، فَمَا جازَ الثَّلَاثِ سَنِينَ فَقَدْ عَقَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ قَطَعَ رَحِمَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ، وَ لَوْ يَعْلَمُ زَائِرُ الْحُسَيْنِ ﷺ مَا يَدْخُلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ مَا يَصِلُ إِلَيْهِ مِنَ الْفَرَحِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ الْأَنْثَمَةَ وَ الشَّهَدَاءِ مَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ مِنْ دَعَائِهِمْ لَهُ؛ وَ مَا لَهُ فِي ذَلِكَ مِنَ الثَّوَابِ فِي الْعَاجِلِ وَ الْآجِلِ وَ الْمَذْخُورِ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ لِأَحَبِّ أَنْ يَكُونَ مَا تَمَّ دَارُهُ مَا بَقِيَ.

وَ إِنْ زَائِرُهُ لِيُخْرِجُ مِنْ رَحْلِهِ فَمَا يَقَعُ فِيهِ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا دَعَا لَهُ، فَبِإِذَا وَقَعَتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ أَكَلَتْ ذَنْبَهُ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ، وَ مَا تُبْقِي الشَّمْسُ عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبِهِ شَيْئًا، فَيَنْصَرِفُ وَ مَا عَلَيْهِ ذَنْبٌ وَ قَدْ رَفَعَ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مَا لَا يَنَالُهُ الْمُتَشَحَّطُ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ يُوَكَّلُ بِهِ مَلِكٌ يَقُومُ مَقَامَهُ وَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى الزِّيَارَةِ أَوْ يَمُوتَ ثَلَاثَ سَنِينَ أَوْ يَمُوتَ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ - .

حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ؛ وَ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى جَمِيعًا، عَنْ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْبُوفَكِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى - وَ كَانَ فِي خِدْمَةِ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي - عَنْ عَلِيٍّ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَسَّالِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: سَأَلْتُهُ فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ - .

﴿ حدیث هفدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن الاصم، از صفوان جمال، وی گفت: در راه مدینه قصد مکه داشتیم.

از حضرت اباعبدالله علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا چیست که شما را اندوهگین و محزون و شکسته خاطر می بینم؟

حضرت فرمودند:

آنچه را من می شنوم اگر تو می شنیدی این سؤال را از من نمی کردی.

عرض کردم: چه چیز می شنوید؟

حضرت فرمودند:

زاری کردن فرشتگان به درگاه خداوند عزوجل و اظهار بغض نمودن از کشتگان امیرالمؤمنین و حضرت امام حسین علیهما السلام و توجه نمودن جن و گریستن فرشتگانی که در اطراف قبر آن حضرت هستند و شدت حزن ایشان، پس بر چه کسی با این حال طعام یا شراب یا خواب گوارا خواهد بود؟!۱۱

عرضه داشتم: کسی که به زیارت آن حضرت بپاید و بعد برگردد چه زمانی باز برای زیارت برگردد؟ و ظرف چند روز بعد دوباره محضر امام علیه السلام برگردد و اساساً مردم تا چند وقت می توانند زیارت حضرتش را ترک کنند؟

حضرت فرمودند:

اما کسانی که قریب و نزدیک قبر مطهر هستند لااقل ماهی یک بار به زیارت روند و آنانکه دور می باشند در هر سه سال یک مرتبه و اگر سه سال گذشت و به زیارت آن جناب نرفتند عاق رسول خدا صلی الله علیه و آله شده و قطع رحم آن حضرت را نموده اند مگر علت و سببی داشته باشد.

و اساساً زائر حسین علیه السلام اگر بداند که با زیارتش چه سرور و فرحی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیهما السلام و فاطمه سلام الله علیها و ائمه علیهم السلام و شهداء از ما

اهل بیت وارد شده و او نیز مطلع باشد که از ناحیه دعاء ایشان برایش چه حاصل شده و همچنین واقف باشد از اجر و ثواب دنیوی و اخروی و آنچه برای وی نزد خدا ذخیره گشته هرآینه دوست می دارد که منزلش نزد آنجناب بوده و از آنجا هیچ گاه مفارقت نکرده و پیوسته در حال زیارت حضرتش باشد.

و زائر حسین علیه السلام وقتی به قصد زیارت از خانه اش خارج شد سایه اش به چیزی نمی افتد مگر آن چیز برایش دعا می نماید، و هنگامی که آفتاب بر او تابید گناهانش را می خورد همانطوریکه آتش هیزم را می خورد، و آفتاب هیچ گناهی را بر او باقی نمی گذارد، بنابراین از زیارت بر می گردد در حالی که هیچ گناهی بر او نیست و حق تعالی درجه اش را آن قدر مرتفع و عالی می گرداند که آنان که در راه خدا به خون خویش آغشته شده اند به آن دسترسی نداشته و مقام و منزلتشان در حد او نمی باشد و خداوند متان فرشته ای را قائم مقام وی نموده که تا بار دیگر وی به زیارت حضرت می آید برایش طلب آمرزش کند یا سه سال از این زیارت بگذرد یا فوت شود.

پدرم رحمه الله علیه، از احمد بن ادریس و محمد بن یحیی جمیعاً از عمرکی بن علی یوفکی، وی می گوید:

یحیی که در خدمت ابی جعفر ثانی بود از علی و او از صفوان بن مهران جمال و او از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

در طریق مدینه از حضرت سؤال کردم ... و حدیث را با طول و تفصیل نقل نموده.

﴿ الباب التاسع و التسعون ﴾

﴿ ثواب زيارة قبر أبي الحسن موسى بن جعفر ﴾

﴿ و محمد بن علي الجواد عليه السلام ببغداد ﴾

متن:

١ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُويه - رحمه الله - عن سعد بن - عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي الوشاء «قال: سألت الرضا عليه السلام عن زيارة قبر أبي الحسن عليه السلام أمثل زيارة قبر الحسين عليه السلام؟ قال: نعم».

و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن محمد بن - عيسى، بِأَسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

٢ - حَدَّثَنِي أَبِي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن - عيسى، عن أبي علي، عن الحسين بن بشَّار الواسطي «قال: قلت للرضا عليه السلام: أزور قبر أبي الحسن عليه السلام ببغداد؟ فقال: إن كان لا بدَّ منه فمن وراء الحجاب».

٣ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن الحسن بن علي الوشاء «قال: قلت للرضا عليه السلام: ما لِمَن زارَ قبر أبيك أبي الحسن عليه السلام؟ فقال: زُرَّه، قال: فقلت: فأَيُّ شَيْءٍ فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ؟ قال: لَهُ مِثْلُ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام».

٤ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ، عن أبيه، عن هارون بن مسلم، عن علي بن حسان الواسطي - عن بعض أصحابنا - عن الرضا عليه السلام

«فی اِتیان قبر اَبی الحسن علیه السلام قال: صَلُّوا فی المساجد حَوْلَهُ».

﴿ باب نود و نهم ﴾

﴿ ثواب زیارت قبر حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر ﴾

﴿ و محمد بن علی الجواد علیه السلام در بغداد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی الوشاء وی گفت: از حضرت رضا علیه السلام راجع به زیارت قبر ابا الحسن (موسی بن جعفر) علیه السلام سؤال کرده و عرض کردم: آیا مثل زیارت قبر حسین علیه السلام است؟

حضرت فرمودند: بلی.

و محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد بن عیسی به اسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده است.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابی علی، از حسین بن بشیر واسطی نقل کرده وی گفت: محضر مبارک حضرت رضا علیه السلام، عرض کردم: آیا قبر حضرت ابی الحسن در بغداد را زیارت بکنم؟

حضرت فرمودند:

اگر چاره‌ای از آن نداشتی پس از پشت حجاب زیارتش بکن.

مترجم گوید:

مرحوم مجلسی در بحار فرموده: امر به زیارت از پشت حجاب بخاطر تقیه از مخالفین می باشد.

﴿ حدیث سوم ﴾

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن ابی عبدالله البرقی، از حسن بن علی الوشاء نقل کرده، وی گفت: محضر مبارک حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: ثواب کسی که قبر پدر بزرگوارتان حضرت ابی الحسن علیه السلام را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند:

آن را زیارت کن.

عرض کردم: فضیلت آن چه قدر است؟

حضرت فرمودند:

ثواب و فضیلت کسی که او را زیارت کند مثل ثواب کسی است که قبر حسین علیه السلام را زیارت نماید.

﴿ حدیث چهارم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر، از پدرش، از هارون بن مسلم، از علی بن حسان واسطی، از برخی اصحاب ما، از حضرت رضا علیه السلام راجع به رفتن و زیارت کردن قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

در مساجدی که اطراف آن قبر مطهر است نماز بگذارید.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارَ

الواسطی «قال: سألت أبا الحسن الرضا عليه السلام ما لمن زار قبر أبيك صلوات الله عليه؟ قال: فقال: زوروه، قال: قلت: فأني شيء فيه من الفضل؟ قال: فقال: فيه من الفضل كفضل من زار والده - يعني رسول الله صلى الله عليه وآله - قلت: فإن خفت ولم يمكن لي الدخول داخلًا؟ قال: سلم من وراء الجدار».

٦ - حدثني أبو العباس محمد بن جعفر القرشي، عن محمد بن الحسين بن - أبي الخطاب، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن الحبيرى، عن الحسين بن محمد الأشعري القمي «قال: قال لي الرضا عليه السلام: من زار قبر أبي ببغداد كان كمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله وقبر أمير المؤمنين عليه السلام إلا أن لرسول الله وأمر المؤمنين فضلها».

وحدثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين بإسناده مثله.

٧ - حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن عبد الرحمن بن أبي نجران «قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن زار رسول الله صلى الله عليه وآله قاصداً، قال: له الجنة، ومن زار قبر أبي الحسن عليه السلام فله الجنة».

٨ - حدثني محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن علي الوشاء، عن الرضا عليه السلام «قال: زيارة قبر أبي مثل زيارة قبر الحسين عليه السلام».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین، و محمد بن الحسن رحمه الله علیهم جملگی از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید، از حسین بن شاذان واسطی، نقل کرده‌اند که وی گفت:

از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام پرسیدند: ثواب کسی که قبر پدر بزرگوارتان را زیارت کند چیست؟

راوی گفت: حضرت فرمودند:

به زیارت ایشان بروید.

عرض کردم: چه فضیلتی در آن می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

فضیلت زیارت او همچون فضیلت زیارت پدرش یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد.

عرض کردم: اگر خوف و هراسی داشته و برایم ممکن نبود که داخل شوم چه کار بکنم؟

حضرت فرمودند:

از پشت حجاب سلام بده.

﴿ حدیث ششم ﴾

ابوالعباس محمد بن جعفر قرشی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از خیبری، از حسین بن محمد اشعری قمی نقل کرده که وی گفت:

حضرت رضا علیه السلام به من فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در بغداد زیارت کند مثل کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کرده منتهی زیارت رسول خدا و امیرالمؤمنین

سلام الله علیهما افضل می باشد. ...
 محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از محمد بن الحسین به استنادش متن
 همین حدیث را نقل کرده اند.

﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از
 عبدالرحمن بن ابی نجران نقل کرده که وی گفت:
 از حضرت ابو جعفر علیه السلام راجع به کسی که رسول خدا را زیارت کند پرسیدم؟
 حضرت فرمودند:
 بهشت برای او است و کسی که قبر ابی الحسن علیه السلام (امام کاظم علیه السلام) را زیارت
 کند بهشت برای او می باشد.



﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن الحسن بن احمد ولید، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از
 حسن بن علی الوشاء، از حضرت رضا علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:
 زیارت قبر پدرم مثل زیارت قبر حسین علیه السلام می باشد.

متن:

۹ - و عنه، عن سعد، عن أحمد بن محمد، عن أحمد بن عبدوس
 الحننجي، عن أبيه رحيم «قال: قلت للرضا علیه السلام: جعلت فداك إن زیارة قبر
 أبي الحسن علیه السلام ببغداد علينا فيها مشقة، وإنما نأته فنسلم علیه
 من وراء الحيطان، فما لئن زاره من الثواب؟ قال: فقال له: والله مثل
 ما لئن أتى قبر رسول الله صلی الله علیه و آله».

۱۰۔ و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ ابْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ رَحِيمٍ «قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَاءِ: جَعَلْتَ فِذَاكَ إِنْ زِيَارَةَ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ ۖ بِيغْدَادَ عَلَيْنَا فِيهَا مَشَقَّةٌ، فَمَا لَمْ نَزَرْهَ؟ فَقَالَ: لَهُ مِثْلُ مَا لَمْ نَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ۖ مِنْ الثَّوَابِ، قَالَ: وَدَخَلَ رَجُلٌ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَجَلَسَ وَذَكَرَ بَغْدَادَ وَرَدَاءَ أَهْلِهَا وَ مَا يَتَوَقَّعُ أَنْ يَنْزَلَ بِهِمْ مِنَ الْخُسْفِ وَالصَّحِيَّةِ وَالصَّوَاعِقِ - وَ عَدَّةٌ مِنْ ذَلِكَ أَشْيَاءٌ - قَالَ: فَقُمْتُ لِأُخْرِجَ فَسَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ۖ وَهُوَ يَقُولُ: أَمَّا أَبُو الْحَسَنِ فَلَا».

۱۱۔ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدَانَ الْقَلَانِسِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْخُصْنِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ ابْنِ - عُبَيْةٍ «قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ ۖ أَسْأَلُهُ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، وَ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ وَ أَبِي جَعْفَرٍ ۖ فَكَتَبَ إِلَيَّ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْمَقْدَمُ، وَ هَذَا أَجْمَعُ وَ أَعْظَمُ أَجْرًا».

۱۲۔ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ ابْنِ - عَيْسَى، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ۖ عَنْ زَارِ النَّبِيِّ ۖ قَاصِدًا؟ قَالَ: لَهُ الْجَنَّةُ، وَ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي الْحَسَنِ ۖ فَلَهُ الْجَنَّةُ».

﴿ حدیث نہم ﴾

ترجمہ:

از محمد بن الحسن، از سعد، از احمد بن محمد، از احمد بن عدوس خلنجی، از پدرش رحیم، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت رضا علیه السلام عرض کردم:

فدایت شوم زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام در بغداد، بر ما مشقت دارد
لذا خدمتش رفته و از پشت دیوارها به او سلام می دهیم، ثواب کسی که او را
زیارت کند چیست؟

حضرت به او فرمودند:

به خدا سوگند ثواب او مثل ثواب کسی است که رسول خدا را زیارت کرده
است.

﴿ حدیث دهم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی،
از علی بن الحکم از رحیم، وی گفت: محضر امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت
شوم زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام در بغداد بر ما مشقت دارد، ثواب کسی
که ایشان را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

ثوابش مثل ثواب کسی است که قبر حسین علیه السلام را زیارت کند.

راوی می گوید:

شخصی داخل شد و به آن حضرت سلام داد و نشست و متذکر بغداد و پست
بودن مردم آن شد و خاطر نشان کرد که امید می رود عذاب خسف (فرو رفتن در
زمین) و صیحه آسمانی و صاعقه ... و نام چند عذاب دیگر را برد ...، ایشان را
بگیرد.

سپس می گوید: وقتی بلند شدم از محضرش مرخص شوم شنید که آن جناب

فرمودند:

أما أبو الحسن این طور نیست.

مترجم گوید:

طبق فرموده مرحوم مجلسی مقصود این است که: اَمَّا ابوالحسن علیه السلام: دعاء ممکن به اهل بغداد این عذاب‌ها، نازل شود زیرا ایشان بواسطه وجود قبر مظهر حضرت ابوالحسن علیه السلام از آن محفوظ و مصون می‌باشند.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از حمدان قلاتسی، از علی بن محمد الحاضینی، از علی بن عبدالله بن مروان از ابراهیم بن عقبه، وی گفت:
محضر ابی الحسن الثالث علیه السلام نامه‌ای نوشته و در آن از زیارت قبر ابی عبدالله و قبر ابی الحسن و قبر ابی جعفر علیهم السلام پرسیدم؟
حضرت در جواب فرمودند:
زیارت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را مقدم بجا آور و بعد زیارت این دو امام همام علیهم السلام را به آن ضمیمه کن که زیارتت جامع تر و اجرت عظیم تر خواهد بود.

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبدالرحمن بن ابی نجران، وی گفت:
از حضرت ابی جعفر علیه السلام راجع به زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدم؟
حضرت فرمودند:
بهشت برای او می‌باشد و کسی که قبر ابی الحسن علیه السلام را نیز زیارت کند بهشت برای او خواهد بود.

﴿ الباب المائة ﴾

﴿ زیارة ابی الحسن موسی بن جعفر و ابی ﴾

﴿ جعفر محمد بن علی الجواد علیّه السلام ﴾

متن:

١- حدّثنی محمد بن جعفر الرّزّاز الکوفی، عن محمد بن عیسی بن عبید
- عن ذکره - عن ابی الحسن علیّه السلام: «قال: تقول ببغداد:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ یا وَلِیَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ
عَلَیْكَ یا نُورَ اللَّهِ فی ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ بَدَأَ اللَّهُ فی
شَأْنِهِ، أَتَيْتُكَ عَارِفاً بِحَقِّكَ، مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لی عِنْدَ رَبِّكَ
یا مَوْلایَ»، قال: وَادْعُ اللَّهَ وَاسْأَلْ حاجتَكَ، قال: و سَلِّمْ بهذا علی ابی
جعفر محمد بن علی علیّه السلام. *مرکز تحقیق کتب و اسناد موسی بن جعفر*

و قال: إذا أردت زیارة موسی بن جعفر؛ و محمد بن علی علیّه السلام فاغتسل و
تنظّف و البس ثوبیک الطّاهَرین، و زُرْ قبر ابی الحسن موسی بن جعفر و
محمد بن علی بن موسی الرضا علیهما السلام، و قل حین تصیر عند قبر موسی بن
جعفر علیّه السلام:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ یا وَلِیَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ
عَلَیْكَ یا نُورَ اللَّهِ فی ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ بَدَأَ اللَّهُ فی
شَأْنِهِ، أَتَيْتُكَ زائِراً، عَارِفاً بِحَقِّكَ، مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِياً لِأَوْلِیائِكَ،
فَاشْفَعْ لی عِنْدَ رَبِّكَ یا مَوْلایَ».

﴿ باب صدم ﴾

﴿ در بیان زیارت نامه حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر ﴾

﴿ و ابی جعفر حضرت محمد بن علی الجواد علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاق کوفی، از محمد بن عیسی بن عبید از کسی که ذکرش نموده، از حضرت ابی الحسن علیه السلام، حضرت فرمودند:

در زیارت نامه حضرت ابی الحسن علیه السلام در بغداد می‌گوئی:

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، سلام بر تو ای کسی که در شأنش بدا برای حق تعالی حاصل شده، به زیارت آمده‌ام در حالی که عارف به حقت بوده، دشمن دشمنانت هستم، پس ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش سپس حضرت فرمودند:

خدا را بخوان و از او حاجت را در خواست نما.

حضرت فرمودند:

و با همین عبارات بر حضرت ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام، سلام بده.

و فرمودند:

هر گاه اراده زیارت حضرت موسی بن جعفر و محمد بن علی علیه السلام را نمودی، غسل کن و خود را نظیف و پاکیزه کن و دو جامه طاهر و پاک خود را بپوش و قبر ابی الحسن موسی بن جعفر و محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام را زیارت کرده و هنگامی که نزدیک قبر موسی بن جعفر علیه السلام رسیدی بگو:

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام و درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای

نور خدا در تاریکی های زمین، سلام بر تو ای کسی که در شأنش بدا برای حق تعالی حاصل شده، آمدم به زودت در حالی که زائر تو هستم عارف به حق تو و دشمن دشمنانت و دوست دار دوستانت می باشم، ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش.

متن:

ثُمَّ سَلِّ حَاجَتَكَ، ثُمَّ سَلِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهَذِهِ الْأَحْرَفِ، وَابْدِءْ بِالْغَسَلِ وَقُلْ:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ الْإِمَامِ الْبَرِّ الْبَاقِي الرَّضِيِّ، وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضَيْنِ، وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، صَلَاةً كَثِيرَةً نَامَةً زَاكِئَةً مُبَارَكَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَانِكَ، أَلَسَلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَلَسَلَامُ عَلَيْكَ يَا نَوَّارَ اللَّهِ، أَلَسَلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، أَلَسَلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ، أَلَسَلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّينَ وَسَلَاةَ الْوَصِيِّينَ، أَلَسَلَامُ عَلَيْكَ يَا نَوَّارَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَانِكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَانِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا مُوَلَايَ».

ثُمَّ سَلِّ حَاجَتَكَ فَإِنَّهَا تَقْضَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

قال: و تقول عند قبر أبي الحسن علیّه السلام ببغداد، و یجزیء فی المواطن کلها.

أن تقول: «أَلَسَلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَائِهِ، أَلَسَلَامُ عَلَى أُمَنَاءِ اللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ، أَلَسَلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ، أَلَسَلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ،

الْسَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَى مَظَاهِرِ أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَى الْمُشْتَغَرِّينَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، الْأَدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ، وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ. وَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ، أَشْهَدُ اللَّهَ أَنِّي مُسْلِمٌ لَكُمْ، سَلَامٌ لَكُمْ، وَخَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

و هذا یجزء فی المشاهد کلها، و تكثر من الصلوة علی محمد و آله، و تسمی واحداً واحداً بأسمائهم، و تبرء من أعدائهم، و تخیر لنفسک من الدعاء و للمؤمنین و للمؤمنات.

﴿ ذنباله زیارت نامه حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر ﴾

﴿ و ابی جعفر حضرت محمد بن علی الجواد علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس حاجت را از خدا بخواه و بعد بر حضرت ابی جعفر محمد بن علی الجواد علیه السلام سلام بده و با همین عبارات به محضرش درود و تهنیت بفرست، و ابتداء کن به غسل و بعد بگو:

خدایا درود و رحمت بفرست بر محمد بن علی که پیشوایی است پر هیزار، پاکیزه، راضی و خشنود، پسندیده، حجت تو است بر آنچه روی و زیر زمین می باشند، درود و رحمت هائی فراوان و تمام و پاک و مبارک و متصل و ذنبال

و ردیف هم، همچون برترین رحمت‌هایی که بر یکی از اولیاء و دوستان
فرستادی، سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای نور خدا، سلام بر تو ای
حجت خدا، سلام بر تو ای پیشوای اهل ایمان، سلام بر تو ای جانشین انبیاء
و فرزندان اوصیاء، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، آمدم نزد تو در
حالی که زائر تو و عارف به حقت و دشمن دشمنانت و دوست دار دوستان
می‌باشم، پس ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش.

پس از آن حاجت را از خدا بخواه که ان شاء الله بر آورده خواهد شد.

حضرت فرمودند:

و در مقابل قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام در بغداد و همچنین در تمام مواطن

بگو:

درود بر اولیاء خدا و برگزیدگان، درود بر امین‌های خدا و محبوبانش، درود
بر یاران خدا و جانشینانش درود بر محل‌ها و مراکز خداشناسی، درود بر
مسکن‌های ذکر و یاد خدا، درود بر مظاهر و نمونه‌های امر و نهی خدا، درود بر
داعیان و دعوت کنندگان به سوی خدا، درود بر آرام گیرندگان در امور پسندیده
شده خدا، درود بر کسانی که اخلاص دارند در مقام طاعت خدا، درود بر دلالت
کنندگان بر خدا، درود بر آنانکه هر کس ایشان را دوست بدارد خدا را دوست
دارد و آنکس که ایشان را دشمن بدارد خدا را دشمن دارد، و هر کس ایشان را
بشناسد خدا را شناخته و کسی که ایشان را نشناسد خدا را شناخته و هر کس
چنگ به ایشان زده و متوسل به آنان شود به خدا چنگ زده و به او متوسل گردیده
و هر کس از ایشان کناره گیرد از خدا کناره گرفته است، خدا را شاهد می‌گیرم که
من تسلیم شما هستم، صلح دارم با کسی که با شما صلح دارد و ستیز می‌کنم با
کسی که با شما ستیز می‌کند، به سر و امر نهانی و آشکار شما ایمان و اعتقاد دارم،
تمام امور را به شما تفویض و واگذار می‌کنم، خدا لعنت کند دشمنان دودمان آل
محمد را چه از جن و چه از انس، و به سوی خدا بی زاری از ایشان می‌جویم

و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل محمد.

این فقره از زیارت را در تمام مشاهد مشرفه می‌توان خواند و سعی کنند صلوات بر محمد و آل محمد زیاد بفرستند.

و نام یک یک از ذوات مقدسه ائمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين را ببرند و از دشمنانشان تبری و بی‌زاری بجویند و برای خود و مؤمنین و مؤمنات دعاء خیر کنند.



مرکز تحقیقات کتاب و اطلاع‌رسانی

﴿ الباب الحادی و المائة ﴾

﴿ ثواب زیارة ابي الحسن علي بن موسى الرضا ؑ بطوس ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ دَاوُدَ الصُّرَمِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ؑ «قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي فَلَهُ الْجَنَّةُ».

۲- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ دَاوُدَ الصُّرَمِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ؑ «قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي فَلَهُ الْجَنَّةُ».

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ - إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ، عَنْ حَمْدَانَ الدِّيَوَانِيِّ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ؑ فَقُلْتُ: مَا لِمَنْ زَارَ أَبَاكَ بِطُوسٍ؟ فَقَالَ: ؑ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بِطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، قَالَ حَمْدَانُ: فَلَقِيتُ بَعْدَ ذَلِكَ أَيُّوبَ ابْنَ نُوحِ بْنِ دُرَّاجٍ فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَبَا الْحُسَيْنِ إِنِّي سَمِعْتُ مَوْلَايَ أَبَا جَعْفَرٍ ؑ يَقُولُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بِطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، فَقَالَ أَيُّوبُ: وَ أَزِيدُكَ فِيهِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ: ذَلِكَ - يَعْنِي أَبَا جَعْفَرٍ - وَ أَنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَصَبَ لَهُ مِسْبَرٌ بِحِذَاءِ مِسْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَتَّى يَفْرَغَ النَّاسُ مِنَ الْحِسَابِ».

۴- وَ قَالَ أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ -: قَالَ سَعْدٌ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ النَّيْسَابُورِيُّ الدِّقَاقِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو صَالِحٍ شُعَيْبُ بْنُ عِيسَى قَالَ: حَدَّثَنِي

صالح بن محمد الهمدانی قال: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّهْأَوْنَدِيُّ
 «قال: أبو الحسن الرضا عليه السلام مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي وَشَطُونِ مَزَارِي،
 أَتَيْتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخْلَصَ مِنْ أَهْوَالِهَا؛ إِذَا تَطَايَرَتِ
 الْكُتُبُ يَمِينًا وَشِمَالًا، وَعِنْدَ الصُّرَاطِ، وَعِنْدَ الْمِيزَانِ». قال سعد: وَ
 سَمِعْتُهُ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْ صَالِحِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيِّ.

﴿ باب صد و یکم ﴾

﴿ ثواب زیارت حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام ﴾

﴿ در طوس ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و اصحاب ما، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از داود
 الصرمی، از حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلام، وی گفت:
 از آن حضرت شنیدم که می فرمود:
 کسی که قبر پدرم را زیارت کند بهشت مال او است.

﴿ حدیث دوم ﴾

حسن بن عبدالله، از پدرش عبدالله بن محمد بن عیسی، از داود الصرمی، از
 حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلام، وی گفت:
 از آن حضرت شنیدم که می فرمود:
 کسی که قبر پدرم را زیارت کند بهشت از آن او است.

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله نقل کرده که وی گفت:
 علی بن ابراهیم الجعفری، از حمدان دیوانی نقل نموده که وی گفت:
 داخل شدم بر حضرت ابو جعفر ثانی علیه السلام و محضرش عرض کردم: اجر کسی
 که پدر شما را در طوس زیارت کند چیست؟
 حضرت فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند گناهان سابق و لاحقش را
 ببامرزد.

حمدان می گوید: پس از آن با ایوب بن نوح بن دراج ملاقات کردم و به او
 گفتم:

ای ابا حسین من از مولای خود حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود:
 کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند گناهان سابق و لاحقش را
 می آمرزد.

ایوب گفت: می خواهی اضافه تر از این را برایت بگویم؟
 گفتم: آری.

ایوب گفت: شنیدم از آن حضرت که این فقره را می فرمودند و اضافه کرده
 و می گفتند: هنگامی که روز قیامت شود منبری برای او (زائر پدرم) در مقابل منبر
 رسول الله صلی الله علیه و آله نصب می شود تا مردم از حساب فارغ شوند.

﴿ حدیث چهارم ﴾

پدرم رحمة الله علیه گفت:
 سعد گفت: علی بن الحسین النیشابوری دقاق گفت:
 ابوصالح شعیب بن عیسی برام حدیث گفت و نقل کرد که صالح بن محمد
 همدانی گفت:

ابراهیم بن اسحق نهاوندی گفت که حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام فرمودند: کسی که من را زیارت کند در حالی که خانه‌ام دور و مزارم بعید است من روز قیامت در سه موطن به نزدش آمده تا او را از ترس‌ها و هوله‌ای قیامت بپرهانم. الف: هنگامی که کتاب‌ها (نامه‌های اعمال) به دست‌های راست و چپ داده می‌شوند.

ب: در هنگام عبور از صراط.

ج: در وقت نهادن اعمال را در میزان.

سعد می‌گوید: این حدیث را بعداً از صالح بن محمد همدانی شنیدم.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ رَيَّانٍ قَالَ: حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قُطْرُبٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام «قَالَ: مَرَّ بِهِ ابْنُهُ وَهُوَ شَابٌّ حَدَّثَ، وَبَنُوهُ يَجْتَمِعُونَ عِنْدَهُ، فَقَالَ: إِنَّ ابْنِي هَذَا يَمُوتُ فِي أَرْضٍ غُرْبَةٍ، فَمَنْ زَارَهُ مُسْلِمًا لَأَمْرِهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ، كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَشَهِدًا بَدْرًا».

۶ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ إِسْحَاقَ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام؛ أَوْ حَكَمِي لِي عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - الشَّكُّ مِنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ - «قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، فَحَاجَّجَتْ بَعْدَ الزِّيَارَةِ، فَلَقِيتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ، فَقَالَ لِي: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام [الثَّانِي] عليه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ بَنِي لَهُ مِنْبَرًا بِحِذَاءِ مَنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا حَتَّى يَفْرَغَ اللَّهُ مِنْ

حساب الخلائق. فرأیت آیوب بن نوح بعد ذلك و قد زار، فقال: جئت أطلب المنبر!».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد، از ابراهیم بن ریان، وی گفت:
یحیی بن حسن حسینی گفت: علی بن عبدالله بن قطرب برایم حدیث گفت
از حضرت ابی الحسن موسی علیه السلام وی گفت: فرزند آن حضرت در حالی که جوان
و کم سن بود به آن جناب مرور کرد و تمام فرزندان نزدش جمع بودند، آن
حضرت فرمودند:

این پسر (یعنی حضرت رضا علیه السلام) در سرزمینی به حالت غربت از دنیا
می رود پس کسی که او را زیارت کند و تسلیم امرش بوده و به حقش عارف
و آگاه باشد نزد خدا مقامش همچون مقام شهداء بدر باشد.

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، و محمد بن یعقوب، از علی بن ابراهیم، از حمدان بن
اسحاق، وی گفت:

از حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم یا برایم از شخصی و او از حضرت ابی
جعفر علیه السلام نقل نمود (تردید از علی بن ابراهیم می باشد) به هر صورت وی گفت:
حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند متعال گناهان سابق
و لاحقش را می آمرزد، پس بعد از زیارت به حج رفتم و ایوب بن نوع را ملاقات
کردم و به من گفت: حضرت ابو جعفر ثانی فرمودند: کسی که قبر پدرم را در
طوس زیارت کند، خداوند گناهان سابق و لاحقش را ببامرزد و برایش منبری در

مقابل منبر رسول خدا و حضرت علی (ع) بنا می شود تا خلایق از حساب فارغ شوند.

بعد از آن ایوب بن نوح را دیدم که آن حضرت را زیارت می کرد و می گفت:
آمده ام به طلب منبر!

متن:

٧- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمِ الْجَبَلِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيْمَانَ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ رَجُلٍ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ فَدَخَلَ مَتَمَتْعاً بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، فَأَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى حَبْثِهِ وَ عَلَى عُمْرَتِهِ، ثُمَّ أَتَى الْمَدِينَةَ فَسَلَّمَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) ثُمَّ أَتَاكَ عَارِفاً بِحَقِّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ حَجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ بَابُهُ الَّذِي يُوْتِي مِنْهُ فَسَلَّمَ عَلَيْكَ، ثُمَّ أَتَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (ع) فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، ثُمَّ أَتَى بَغْدَادَ فَسَلَّمَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع)، ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَى بِلَادِهِ، فَلَمَّا كَانَ وَقْتُ الْحَجِّ رَزَقَهُ اللَّهُ مَا يَحْجُجُ بِهِ فَأَتَيْهَمَا أَفْضَلُ؟ هَذَا الَّذِي قَدْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ يَرْجِعُ وَ يَحْجُجُ أَيْضاً أَوْ يَخْرُجُ إِلَى خُرَاسَانَ إِلَى أَبِيكَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى (ع) فَلَيْسَلَّمَ عَلَيْهِ؟ قَالَ: بَلْ يَأْتِي خُرَاسَانَ فَلَيْسَلَّمَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ أَفْضَلُ، وَ لِيَكُنْ ذَلِكَ فِي رَجَبٍ، وَلَكِنْ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَفْعَلُوا هَذَا الْيَوْمَ، فَإِنَّ عَلَيْنَا وَ عَلَيْكُمْ خَوْفاً مِنَ السَّلْطَانِ وَ شُنْئَةٍ».

٨- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ،

عن العباس بن معروف، عن علي بن هزيار «قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: ما لمن زار قبر الرضا عليه السلام؟ قال: [فله] الجنة والله».

ترجمه: ﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن الحسن و علی بن الحسین جملگی از سعد ابن عبدالله بن ابی خلف، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از حسین بن سیف بن عمیره، از محمد بن اسلم الجبلی، از محمد بن سلیمان، وی می گوید: از حضرت ابا جعفر علیه السلام راجع به مردی که حجة الاسلام بجا می آورد پرسیدم: وی برای انجام حج تمتع داخل مکه شد و خداوند بر انجام حج و عمره کمکش کرد، سپس به مدینه رفت و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام داد و آن جناب را زیارت کرد پس از آن به زیارت شما آمد در حالی که به حق شما عارف بوده و می داند که شما حجت خدا بر خلائق هستید.

و توجه دارد که شما همان بابی هستید که شخص برای توجه الی الله باید از آن باب وارد شود و به شما سلام داده و زیارتتان می کند، سپس به زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین سلام الله علیه رفته و به آن حضرت سلام می دهد آن گاه به بغداد رفته و بر حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام سلام می دهد و بعد به شهر خودش مراجعت می کند، و پس از رسیدن موسم حج خداوند متعال حج را روزی او می کند حال بفرمائید کدامیک از این دو افضل و برتر هستند؟

حجة الاسلامی که بجا آورد و برگشت و دوباره حج روزی او شده یا به خراسان رود و پذیرگواران حضرت علی بن موسی علیه السلام را سلام داده و زیارت کند؟

حضرت در جواب فرمودند:

بلکه افضل آن است که به خراسان رود و بر پدرم حضرت ابی الحسن سلام داده و آن جناب را زیارت کند و شایسته است که این زیارت را در رجب انجام دهد ولی در این روز به آن مبادرت نکند زیرا هم بر ما و هم بر شما از ناحیه سلطان خوف بوده و ممکن است در معرض تشنیع و بدگونی واقع شویم.

﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن الحسن بن احمد، از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف، از علی بن مهزیار، وی گفت:

محضر حضرت ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: اجر کسی که قبر حضرت رضا را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:



به خدا سوگند بهشت برای او است.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَزَنْطِيِّ «قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام: أُبْلِغَ شِيعَتِي أَنَّ زِيَارَتِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حَجَّةٍ، قَالَ: فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: أَلْفَ حَجَّةٍ؟ قَالَ: إِي وَاللَّهِ، وَ أَلْفَ أَلْفَ حَجَّةٍ لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ».

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَوْلُوبِهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ زَيْدِ النَّزَّاسِيِّ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ ابْنِي هَذَا أَوْ

ما إلى الحسن الرضا - فله الجنة».

۱۱ - حدّثني محمد بن يعقوب؛ و علي بن الحسين؛ و غيرهما، عن علي بن ابراهيم، عن أبيه، عن علي بن مهزيار «قال: قلت لأبي جعفر: جعلتُ فداك زيارة الرضا أفضل أم زيارة أبي عبد الله حسين بن علي؟ قال: زيارة أبي أفضل، وذلك أنّ أبا عبد الله يزوره كلُّ النَّاسِ، و أبي لا يزوره إلا الخوَص من الشيعة».

و عنهم - رحمهم الله - عن علي بن ابراهيم، عن حمدان بن إسحاق «قال: سمعت أبا جعفر: أو حكى لي رجل عن أبي جعفر - الشك من علي يقول: و ذكر مثل حديث أيوب بن نوح، حديث المنبر.

ترجمه:

﴿ حدیث نهم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی وی گفت:
در کتاب حضرت ابی الحسن الرضا خواندم که آن حضرت مرقوم فرموده بودند: برسان به شیعیانم که زیارت من نزد خدا معادل با هزار حج است.
می گوید: به حضرت ابی جعفر عرض کردم: معادل با هزار حج است؟
حضرت فرمودند:

بلی به خدا قسم بلکه کسی که ایشان را زیارت کند در حالی که عارف به حقش باشد ثواب یک میلیون حج به او داده می شود.

﴿ حدیث دهم ﴾

پدرم رحمة الله علیه و علی بن الحسین و علی بن محمد بن قولویه، از علی

ابن ابراهیم بن هاشم، از پدرش از ابن ابی عمیر، از زید النرسی، از حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام آن حضرت فرمودند: کسی که این فرزندان (اشاره به حضرت رضا کردند) علیهم السلام را زیارت کند بهشت از آن او است.

« حدیث یازدهم »

محمد بن یعقوب و علی بن الحسین، و غیر این دو از علی بن ابراهیم، از پدرش، از علی بن مهزیار وی گفت: محضر ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: قداست شوم زیارت حضرت رضا علیه السلام افضل است یا زیارت ابی عبدالله حسنین بن علی علیه السلام؟

حضرت فرمودند:

زیارت پدرم افضل است زیرا حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را هر گروهی از مردم زیارت می کنند ولی پدرم را زیارت نمی کند مگر شیعیان خاص و خالص ما.

و از محمد بن یعقوب و علی بن الحسین و غیر این دو رحمة الله علیهم از علی بن ابراهیم، از حمدان بن اسحق نقل شده که وی گفت: از حضرت ابو جعفر علیه السلام شنیدم یا شخصی از حضرت ابی جعفر علیه السلام برایم نقل کرد (شک و تردید از علی بن ابراهیم است) که آن حضرت فرمودند:

.... و حدیثی مانند حدیث ایوب بن نوح که به حدیث منبر مشهور است را ذکر فرمود.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ عَلِيٍّ
ابن الحسين التيسابوري، عن إبراهيم بن محمد، عن عبد الرحمن بن
سعيد المكي، عن يحيى بن سليمان المازني، عن أبي الحسن موسى بن
جعفر عليه السلام «قال: مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِي كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ سَبْعُونَ حَبَّةَ
مَبْرُورَةٍ، قال: قلت: سبعين حَبَّةً؟ قال: نَعَمْ؛ و سَبْعُمِائَةَ حَبَّةٍ، قلت:
سَبْعُمِائَةَ حَبَّةٍ؟ قال: نَعَمْ؛ و سَبْعِينَ أَلْفَ حَبَّةٍ، قلت: و سَبْعِينَ أَلْفَ حَبَّةٍ،
قال: نَعَمْ؛ و رُبَّ حَبَّةٍ لَا تُقْبَلُ، مَنْ زَارَهُ وَ بَاتَ عِنْدَهُ لَيْلَةً كَانَ كَمَنْ زَارَ
اللَّهَ فِي عَرْشِهِ، قلت: كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ؟ قال: نَعَمْ إِذَا كَانَ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ كَانَ عَلَى عَرْشِ اللَّهِ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ و أَرْبَعَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ، أَمَّا
الأربعة الَّذِينَ هُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ فَنُوحٌ و إِبْرَاهِيمُ و مُوسَى و عِيسَى عليه السلام، و أَمَّا
الأربعة الَّذِينَ هُمْ مِنَ الْآخِرِينَ فَحَمَدٌ و عَلِيٌّ و الْحَسَنُ و الْحُسَيْنُ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، ثُمَّ يَمُتُّ الْمِضَارُ فَيَقْعُدُ مَعَنَا مَنْ زَارَ قُبُورَ
الْأَنْمَةِ؛ أَلَا إِنَّ أَعْلَاهُمْ دَرَجَةً و أَقْرَبَهُمْ حَبْسَةً مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِي
عَلِيٍّ عليه السلام».

حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ
الحسين التيسابوري [قال: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ رِثَابٍ] بِهَذَا الْإِسْنَادِ مِثْلَهُ.

ترجمه: ﴿ حدیث دوازدهم ﴾

محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی العطار، از علی بن حسین نیشابوری، از ابراهیم بن محمد، از عبدالرحمن بن سعید المکی، از یحیی بن سلیمان مازنی، از ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که قبر فرزندان را زیارت کند برای او نزد خدا ثواب هفتاد حج مقبول می‌باشد.

راوی می‌گوید: محضرش عرضه داشتیم: ثواب هفتاد حج؟
حضرت فرمودند:

بلی، بلکه ثواب هفتصد حج؟

عرض کردم: هفتصد حج؟
فرمودند: بلی، بلکه ثواب هفتاد هزار حج.

عرض کردم: هفتاد هزار حج؟

فرمودند: بلی، از این گذشته پسا حج مقبول واقع نمی‌شود، کسی که آن حضرت را زیارت کند و شب را نزد آن جناب بیتوته کند مثل کسی که است که خدا را در عرش زیارت کرده.

عرض کردم: مثل کسی که خدا را در عرش زیارت کرده؟
حضرت فرمودند:

بلی، هنگامی که قیامت به پا شود چهار تن از اولین و چهار تن از آخرین روی عرش خدا هستند.

اما چهار تن از اولین عبارتند از:

حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام.

و اما چهار تن از متأخرین عبارتند از:

حضرت محمد و علی و حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین.

سپس مجلس کشیده شده و در آن توسعه داده می شود و کسانی که قبور ائمه را زیارت کرده اند با ما روی عرش می نشینند.

توجه داشته باش کسی که قبر فرزندان علی علیه السلام را زیارت کرده باشد درجه اش از دیگران اعلی و عطیه اهدائی او بهتر از سایرین می باشد.

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله نقل کرده که وی گفت:

علی بن الحسین النیشابوری گفت: ابراهیم بن رثاب حدیثی مثل این حدیث را با همین اسناد نقل نموده است.



مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

﴿ الباب الثاني و المائة ﴾

﴿ زيارة قبر أبي الحسن الرضا عليه السلام ﴾

متن:

١ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ هِشَامٍ - عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا - «قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ الرُّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عليه السلام فَقُلْ:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا الْمُتَّقِي، الْإِمَامِ الثَّقِيِّ النَّقِيِّ، وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، الصَّدِّيقِ الشَّهِيدِ، صَلَاةً كَثِيرَةً نَامِيَةً زَاكِئَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ».

و روي عن بعضهم قال: إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا بطوس فاغتسل عند خروجك من منزلك و قل حين تغتسل:

«اللَّهُمَّ طَهِّرْني، وَ طَهِّرْ قَلْبِي، وَ اشْرَحْ لي صَدْرِي، وَ اجْعَلْ عَلَى لِسَانِي مَذْحِكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لِقُوَّةُ الْإِبْكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لي طَهُوراً وَ شِفَاءً [و نوراً]».

و تقول حين تخرج:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ، وَ إِلَى ابْنِ رَسُولِهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَ إِلَيْكَ قَصَدْتُ، وَ مَا عِنْدَكَ أَرَدْتُ».

فإذا خرجت فقف على باب دارك و قل:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَ عَلَيْكَ خَلَّفْتُ أَهْلِي وَ مَالِي وَ مَا حَوَّلْتَنِي،

وَبِكَ، وَثِقْتُ فَلَا تَحْبِثْنِي يَا مَنْ لَا يَخِيبُ مَنْ أَرَادَهُ، وَلَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظَهُ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ، فَإِنَّهُ لَا يَضِيعُ مَنْ
حَفِظْتَ».

فاذا وافيت سالماً ان شاء الله فاغتسل و قل حين تغتسل:
«اللَّهُمَّ طَهِّرْني، وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَاشْرَحْ لي صَدْرِي، وَأَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي
مِذْحَكَ وَعَجَبَكَ، وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ
قُوَّةَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ وَالْإِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَالشَّهَادَةُ عَلَى جَمِيعِ
خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَنُوراً، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».



﴿ باب صد و دوم ﴾

﴿ زیارت قبر حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمہ:

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه بن خطاب، از عبدالله بن احمد، از یکر بن
صالح، از عمرو بن هاشم، از شخصی از اصحاب ما، وی گفت: هر گاه به زیارت
علی بن موسی الرضا علیه السلام رفتی بگو:

خدایا درود و رحمت فرست بر علی بن موسی الرضا که:

پسندیده و پیشوائی پرهیزکار و پاک بوده، حجت تو است بر آنچه فوق و
تحت زمین هستند، بسیار راستگو و شهید می باشد، درود و رحمت های بسیار و
عظیم و پاکیزه و متصل و دنبال و ردیف هم همچون برترین رحمت هایی که بر
یکی از اولیاء و دوستان فرستادی.

و از بعضی روایت شده که فرموده:

هر گاه به زیارت قبر علی بن موسی الرضا در طوس رفتی هنگام خروج از منزلت غسل کن و در وقت غسل بگو: خدایا من را پاک و دلم را پاکیزه نما، سینه‌ام را فراخ کن، و مدح و ستایش خودت را بر زبانم جاری کن، زیرا هیچ قوه و نیروئی وجود ندارد مگر به واسطه تو، خدایا این غسل را برای من پاک کننده و شفاء و نور قرار بده.

و در هنگام خروج از منزل بگو:

به کمک اسم «الله» و به کمک «الله» و به سوی «الله» و به سوی فرزندان رسول خدا، کفایت می‌کند من را خدا، توکل می‌کنم بر خدا، خدایا به سوی تو توجه نمودم و تو را قصد کرده‌ام و آنچه را نزد تو است اراده نمودم. و هنگامی که از منزل خارج شدی جناب درب بایست و بگو:

خدایا صورتم را به سوی تو متوجه نمودم، و اهل و مال و آنچه را که به من عطاء کردی پیش تو گذاردم و به تو اطمینان کرده پس من را ناامید مکن ای کسی که هر که را تو اراده کنی او ناامید نمی‌شود و آنکس را که حفظ کنی ضایع نمی‌گردد، درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد، حفظ کن من را به حفظ خودت زیرا شخصی را که تو حفظ کردی ضایع نمی‌شود.

و هنگامی که به مقصود سالماً رسیدی غسل کن و در وقت غسل بگو:

خدایا من را پاک نما، و دلم را پاکیزه کن، سینه‌ام را فراخ کرده و مدح و محبت خودت را بر زبانم جاری گردان، زیرا هیچ نیروئی وجود ندارد مگر به واسطه تو، و محققاً دانسته‌ام که قوت دینم به این است که تسلیم امر تو بوده و از سنت و شریعت پیغمبرت پیروی کنم و بر جمیع خلق تو شاهد و ناظر باشم، خدایا این غسل را برایم شفاء و نور قرار بده، تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی.

متن:

ثُمَّ الْبَسْ ثِيَابَكَ، وَ امْسَحْ بِرَأْسِكَ، وَ عَلَيكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ، بِالتَّكْبِيرِ

و التَّهْلِيلُ وَ التَّسْبِيحُ وَ التَّحْمِيدُ وَ التَّمْجِيدُ، وَ قَصْرُ خُطَاكَ وَ قِلَ حَيْنِ
تَدْخُلُ:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَأَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ». ثُمَّ أَشِيرُ إِلَى قَبْرِهِ، وَ اسْتَقْبِلُ وَجْهَهُ بِوَجْهِكَ، وَ اجْعَلِ الْقَبْلَةَ بَيْنَ كَتِفِكَ وَ
قَلِّ:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَ رَسُولُهُ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ،
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ سَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ،
صَلَاةً لَا يَفْوِي عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ».



ترجمه: ﴿ دُنْبَالَهُ زِيَارَتِ نَامَه حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام ﴾

سپس جامه‌ات را بپوش و پای برهنه در حالی که با وقار و آرامش حرکت
می‌کنی گام بردار و در حال حرکت تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) و
تسبیح (سبحان الله) و تحمید (الحمد لله) گفته و خدا را به مجد و بزرگی یاد کن.
سعی کن قدم‌هایت را کوتاه برداری و در موقع داخل شدن به روضه منوره آن
حضرت بگو:

کمک می‌جویم به نام خدا و ذات اقدسش و شهادت می‌دهم که بر شریعت و
ملت رسول خدا، هستیم، شهادت می‌دهم که معبودی غیر از خدا نبوده، تنها است
و شریک و انبازی ندارد، و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌اش می‌باشد
و شهادت می‌دهم که علی ولی خدا است.

سپس به طرف قبر مظهرش اشاره کن و رو به صورت قبر کن و قبله را پشت

سر بگير و بگو:

شهادت می‌دهم که معبودی غیر از خدا نبوده و او تنها است و انبازی ندارد، و شهادت می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده‌اش بوده و سرور اولین و آخرین است، شهادت می‌دهم که او آقای انبیاء و فرستاده شدگان است، خدایا رحمت را بر محمد که بنده و رسول و نبی تو و سرور تمام خلایق می‌باشد بفرست، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین اندازه‌اش قادر نیست.

متن:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ طَالِبٍ عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ
الَّذِي انْتَجَبْتَهُ لِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَ عَلَى
مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَّانٍ يَوْمَ الدِّينِ بِعَذْلِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ
خَلْقِكَ، وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلَامَ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ؛ وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ، وَأُمِّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الطُّهْرَةَ الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ، الثَّقِيَّةَ
الرَّضِيَّةَ الزَّكِيَّةَ، سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَسَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ
أَجْمَعِينَ، صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ سِبْطَيِ نَبِيِّكَ وَسَيِّدَيِّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْقَائِمِينَ فِي خَلْقِكَ،
وَالدَّالِّينَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَّانِي الدِّينِ بِعَذْلِكَ وَفَضْلِي
قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ [سَيِّدِ الْعَابِدِينَ]
عَبْدِكَ، الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ
بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَّانِي الدِّينِ بِعَذْلِكَ، وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، بِأَقْرَبِ

عِلْمِ النَّبِيِّينَ، الْقَائِمِ بِعَذْلِكَ وَالِدَّاعِي إِلَى دِينِكَ وَدِينِ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ،
صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِخْصَانِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَفَّو بْنِ مُحَمَّدٍ
الصَّادِقِ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ الصَّادِقِ
الْبَارِّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَفَّوِ الْكَاطِمِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ، وَلِسَانِكَ فِي
خَلْقِكَ، النَّاطِقِ بِعِلْمِكَ، وَالْجَبَّةِ عَلَى بَرِيئِكَ، صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى
إِخْصَانِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا الرُّضِيِّ الْمُزْتَضَى،
عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، الْقَائِمِ بِعَذْلِكَ، وَالِدَّاعِي إِلَى دِينِكَ، وَدِينِ آبَائِهِ
الصَّادِقِينَ، صَلَاةً لَا يَقْدِرُ عَلَى إِخْصَانِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، الْقَائِمَيْنِ بِأَمْرِكَ وَالْمُؤَدِّيَيْنِ عَنْكَ وَشَاهِدَيْكَ عَلَى
خَلْقِكَ وَدَعَائِمِ دِينِكَ وَالْقَوَامِ عَلَى ذَلِكَ، صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِخْصَانِهَا
غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، الْعَامِلِ بِأَمْرِكَ، وَالْقَائِمِ فِي
خَلْقِكَ، وَحُجَّتِكَ الْمُؤَدِّي عَنْ نَبِيِّكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى خَلْقِكَ، الْمَخْصُوصِ
بِكِرَامَتِكَ، الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ، صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِخْصَانِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ،
وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، صَلَاةً نَامِيَةً بَاقِيَةً، تُعْجَلُ بِهَا فَرَجُهُ وَتَنْصُرُهُ
[بِهَا]، وَتَجْعَلُنَا مَعَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِزِيَارَتِهِمْ
وَمَحَبَّتِهِمْ، وَأُولَائِهِمْ وَلَهُمْ، وَأَعَادِي عَدُوَّهُمْ، فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ، وَاصْرِفْ عَنِّي هَمَّ نَفْسِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَهْوَالَ يَوْمِ
الْقِيَامَةِ».

ترجمه:

خدایا رحمتت را بر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب که بنده و برادر رسولت بوده و کسی است که او را برگزیدی و راهنما برای هر کس از مخلوقات که بخواهی و دلیل و نشانه بر کسی که او را به رسالت برانگیخته‌ای قرارش دادی بفرست، او در روز قیامت به عدل تو حکم کرده و منازعات بین مخلوقات را فیصله می‌دهد، نگاهبان بر تمام امور است، و درود و رحمت و برکات خدا بر او باد.

خدایا رحمتت را بر فاطمه که دختر پیغمبر و همسر ولی تو و مادر دو سبط پیامبرت یعنی حسن و حسین که دو سرور جوانان اهل بهشت هستند می‌باشد بفرست، خدایا رحمتت را بر فاطمه که نفس پاکی و پاک و پاکیزه و غیر آلوده به آلودگیها است، پسندیده خدا و تزکیه شده و بانوی بانوان عالم و سرور زنان اهل بهشت است بفرست، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نیست.

ترجمه: ﴿ذنباله زیارت نامه حضرت ابو الحسن الرضا﴾

خدایا رحمتت را بر حسن و حسین که دو سبط پیغمبرت بوده و دو سرور جوانان اهل بهشت هستند بفرست ایشان به پا خاسته‌اند بین خلق تو، نشانه و دلیل هستند بر کسی که او را به رسالت و پیغمبری برانگیخته‌ای به عدل تو در روز قیامت حکم می‌کنند، و منازعات بین مردم را فیصله می‌دهند.

خدایا رحمتت را بر علی بن الحسین که سرور عابدین و بنده تو بوده بفرست، بین خلق تو به پا خاسته و جانشین تو بر خلق است، نشانه و دلیل است بر کسی که او را به رسالت و پیغمبری برانگیخته‌ای به عدل تو در روز قیامت حکم می‌کند، و منازعات بین مردم را فیصله می‌دهد.

خدایا رحمتت را بر محمد بن علی که بنده و ولی دینت و جانشین تو در

زمین هست بفرست، شکافنده و تشریع کننده علم انبیاء است، عدل تو را به پا نموده، و به دینت و دین پدران صادق و راستگوش مردم را دعوت کرده است، خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر جعفر بن محمد که صادق و عبد و ولی دین و حجت تو بر تمام خلایق است بفرست، راستگو و نیکوکار می باشد.

خدایا رحمتت را بر موسی بن جعفر که کاظم (مسلط بر خشم) و بنده نیکوکار تو است بفرست زبان تو در بین مخلوقات بوده، به علم تو سخن گفته و حجت تو بر مردمان است خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر علی بن موسی که رضا و خشنود و پسندیده تو است بفرست، بنده تو و ولی دینت می باشد، عدل تو را به پا کرده و مردم را به دین تو و دین پدران صادق و راستگوش دعوت کرده خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر محمد بن علی و علی بن محمد که به امر تو به پا خاسته و از طرف تو اداء وظیفه نمودند بفرست، آن دو شاهد و ناظر بر خلق بوده و ستونهای دین و قوام بخش آن هستند خدایا رحمتی بر آنها بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر حسن بن علی که به امر تو عمل نمود و در بین خلق تو به پا خاست بفرست حجت تو است و از طرف پیغمبرت اداء وظیفه نمود و شاهد و ناظر تو است بر خلایق، به کرامت تو اختصاص داده شده و به طاعت تو و طاعت رسالت مردم را دعوت نموده.

خدایا رحمت خود را بر تمام ایشان شامل گردان، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر حجت و ولی خود که قائم در بین مردم است بفرست،
رحمتی فراوان و غیر قابل زوال، خدایا در فرج حجت شتاب کن و او را یاری
فرما، خدایا در دنیا و آخرت ما را با او قرار بده.

خدایا به واسطه زیارت و محبت ایشان به تو تقرب می جویم، دوستانشان
را دوست و دشمنانشان را دشمن دارم، خیر دنیا و آخرت را بواسطه ایشان
نصیب من گردان، در دنیا و آخرت غم و اندوهم را به واسطه ایشان برطرف فرما،
به واسطه ایشان هول و وحشت های قیامت را از من برکنار بدار.

متن:

ثُمَّ تَجْلِسُ عِنْدَ رَأْسِهِ وَ تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، «السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ،
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ نُوحٍ
نَبِيِّ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَاثِرَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، «السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَلِيِّ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بِأَقْرَبِ
عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
الصَّادِقِ الْبَارِئِ النَّقِيِّ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ،
«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَارِئُ

الثَّقِي، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،
وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَقَّ أَتَاكَ الْيَقِينُ، «السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

ترجمه: ﴿دنباله زیارت نامه حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام﴾

سپس بالای سر مبارک بنشین و بگو:

درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای ولی خدا، درود بر تو ای نور خدا
در تاریکی های زمین، درود بر تو ای ستون دین، درود بر تو ای وارث آدم
برگزیده، درود بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا، درود بر تو ای وارث ابراهیم
خلیل خدا، درود بر تو ای وارث موسی کلیم و سخن گوی با خدا درود بر تو ای
وارث عیسی خدا، درود بر تو ای وارث حضرت محمد ﷺ محبوب خدا، درود
بر تو ای وارث حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ولی خدا، درود بر تو
ای وارث حضرت امام حسن و امام حسین علیه السلام دو سرور جوانان اهل بهشت،
درود بر تو ای وارث حضرت علی بن الحسین علیه السلام سرور عابدین، درود بر تو ای
وارث حضرت محمد بن علی علیه السلام شکافنده و تشریح کننده علوم اولین و آخرین،
درود بر تو ای وارث حضرت جعفر بن محمد علیه السلام صادق و نیکوکار و پرهیزکار و
پاکیزه، درود بر تو ای وارث حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مسلط بر خشم و
غضب خود، درود بر تو ای راستگو و ای شهید، درود بر تو ای وصی و نیکوکار
و پرهیزکار، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را داده و به
معروف امر و از منکر و قبیح نهی فرمودی و خدا را مخلصاً پرستیدی تا وقتی که
اجل تو را دریافت.

درود بر تو ای ابا الحسن و رحمت و برکات خدا نیز بر تو باد، خدا پسندیده
و بزرگ می باشد.

متن:

ثم تَنكَبُ على القبر وتقول:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَدَدْتُ مِنْ أَرْضِي، وَقَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبْنِي وَلَا تُؤَدِّدْنِي بِغَيْرِ قَضَاءٍ خَوَانِجِي، وَارْحَمْ ثَقَلْبِي عَلَى قَبْرِ ابْنِ أَخِي نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ زَائِراً وَافِداً عَائِداً مِمَّا جَنَيْتُ بِهِ عَلَى نَفْسِي، وَاخْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي، فَكُنْ لِي شَفِيعاً إِلَى رَبِّكَ يَوْمَ فُقِّرِي وَفَاقَتِي، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَحْمُوداً، وَأَنْتَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛

ثم ترفع يديك اليمنى وتبسط المرى على القبر وتقول: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَبِمَوَالِيهِمْ، وَأَتَوَلَّى آخِرَهُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَهُمْ، وَأُبْرِءُ مِنْ كُلِّ وَلِيَّةٍ دُونَهُمْ، اللَّهُمَّ الْعَيْنَ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ، وَاتَّهَمُوا نَبِيَّكَ، وَجَعَدُوا آيَاتِكَ، وَسَخَرُوا بِإِمَامِكَ، وَحَمَلُوا النَّاسَ عَلَى اكْتِنَافِ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ»؛

ثم تحوّل عند رجليه وتقول:

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أبا الْحَسَنِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، صَبَرْتَ وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ، قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَاللُّسُنِ».

ثم ابتهل باللّعنة على قاتل أمير المؤمنين، وباللّعنة على قتلة الحسين وعلى جميع قتلة أهل بيت رسول الله صلى الله عليه وآله، ثم تحوّل نحو رأسه من خلفه وصل ركعتين، تقرأ في إحداهما «يس»، وفي

الْأُخْرَى «الزَّحْمَن»، وَتَجْتَهِدُ فِي الدُّعَاءِ لِنَفْسِكَ وَالتَّضَرُّعِ، وَأَكْثَرُ مِنَ الدُّعَاءِ لِوَالِدَيْكَ وَلِإِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَقِمَّ عِنْدَهُ مَا شِئْتَ، وَلِيَكُنْ صَلَاتُكَ عِنْدَ الْقَبْرِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

﴿ دُنْیَا لِه زِیَارَت نَامِه حَضْرَت اَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا ﴾

﴿ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ ﴾

سپس تکیه بر قبر کن و بگو:

خدایا از سرزمین خود که حرکت کردم تو را قصد نموده و شهرها را که طی کرده و پشت سر نهاده‌ام به نیت تو حرکت کرده‌ام به امید اینکه رحمتت شامل حالم شود پس من را ناامید مکن و بدون اینکه حاجتم را روا کنی به وطنم بر مگردان، خدایا به غلطیدن و آمدنم بر قبر پسر برادر پیامبر و رسولت صلی الله علیه و آله رحم نما و من را مورد عنایت قرار بده، ای علی بن موسی الرضا پدر و مادرم فدایت به نزدت آمده در حالی که زائر و مسافر بوده و از جنایت‌هایی که بر نفس خویش کرده و بار سنگینی که به پشت گرفته‌ام به تو پناهنده شده‌ام پس در روز حاجت و نیازمندیم شفیع من نزد پروردگار باش چه آنکه تو نزد خدا مقامی پسندیده داشته و در دنیا و آخرت پیش حق تعالی وجیه و آبرومند می‌باشی.

سپس دست راست را بلند و دست چپ را بر روی قبر پهن کن و بگو:

بار خدایا من بواسطه حبّ و دوستی ایشان به تو تقرب می‌جویم، خدایا من آخرین نفر ایشان را دوست دارم همان طوری که اولین نفرشان را دوست دار هستم، و بی زاری می‌جویم از هر بیگانه‌ای نسبت به آنها، خدایا آنانکه نعمت تو را تبدیل کرده و پیامبرت را مورد اِثْهَام قرار داده و آیات تو را انکار نموده و امام و پیشوایت را مورد استهزاء و سخریه قرار داده و مردم را بر شانه‌های آل محمّد سوار کرده و آنها را بر این ذوات مقدسه مسلط کرده‌اند لعنت نما، خدایا من به

واسطه لعنت بر ایشان و بی‌زاری از آنها در دنیا و آخرت به تو تقرب می‌جویم
ای مهربان و ای صاحب رحم.

سپس به پائین پای مبارک برو و بگو:

یا اباالحسن رحمت خدا بر تو، رحمت خدا بر تو و بر روح و بر جسم تو،
صبر نموده و در مشکلات و ناامیلات شکیبایی بودی، تو راستگو و مورد تصدیق
می‌باشی، خدا بکشد کسانی را که تو را با دست‌ها و زبان‌ها کشتند.

سپس در لعنت بر قاتلان امیرالمؤمنین و امام حسین سلام الله علیهما و تمام
قاتلین اهل بیت رسول خدا ﷺ مبالغه نما.

سپس از پشت قبر به بالا سر برگرد و در آنجا دو رکعت نماز به این کیفیت
بخوان:

در رکعت اول سوره حمد و پس و در رکعت دوم بعد از حمد سوره الرحمن
را قرائت کن.

و پس از فراغت از آن برای خود بسیار دعاء کن و در تضرع و زاری مبالغه نما
و برای پدر و مادر و برادران ایمانی خود تا می‌توانی دعاء کن و هر مقداری که
خواستی در آنجا اقامت کن.

قابل توجه آنکه دو رکعت نماز را نزدیک قبر مطهر بجا بیاور.

﴿ الباب الثالث و المائة ﴾

﴿ زیارة ابي الحسن علي بن محمد الهادي ﴾

﴿ و ابي محمد الحسن بن علي العسكري ﴾ «سُرَّ مَنْ رَأَى» ﴿

متن:

۱- روي عن بعضهم عليهم السلام أنه قال: «إذا أردت زيارة أبي الحسن الثالث علي بن محمد و أبي محمد الحسن بن علي ؑ تقول بعد الغسل إن وصلت إلى قبريهما؛ وإلا أو مات بالسَّلام من عند الباب الذي على الشارع الشباك تقول:

«السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا حُجَّتِي اللَّه، السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا نُورِي اللَّه فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْض، السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا مَنْ بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَأْنِكُمَا، السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا حَبِيبِي اللَّه، السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا إِمَامِي الْهُدَى، أَتَيْتُكُمَا عَارِفًا بِحَقِّكُمَا، مُغَادِيًا لِأَعْدَانِكُمَا، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَانِكُمَا، مُؤْمِنًا بِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُحَقِّقًا لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلًا لِمَا أَبْطَلْتُمْ، أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمَا أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكُمَا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي مُرَافَقَتِكُمَا فِي الْجَنَانِ مَعَ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُغْفِرَ رَجَبِي مِنَ النَّارِ، وَيَرْزُقَنِي شِفَاعَتِكُمَا وَمُصَاحِبَتِكُمَا، وَيُعَرِّفَ بَيْنِي وَبَيْنَتِكُمَا، وَيَخْشَرَنِي مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمَا وَتَوْفَّقْنِي عَلَى مِلَّتِهِمَا، اللَّهُمَّ ائْتِنِ ظِلْمِي آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ وَانْتِمْ مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الْأَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ، وَضَاعِفِ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ، وَأَبْلِغْ بِهِمُ

وَبِأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَمُحِبِّهِمْ وَمُتَّبِعِيهِمْ، أَشْفَلَ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَحَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

و تَجْتَهِدُ فِي الدُّعَاءِ لِنَفْسِكَ وَلِوَالِدَيْكَ وَتُخَيِّرُ مِنَ الدُّعَاءِ، فَإِنْ وَصَلْتَ إِلَيْهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا فَصَلِّ عِنْدَ قَبْرِهِمَا رَكَعَتَيْنِ، وَإِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَصَلَّيْتَ دَعْوَتَ اللَّهِ بِمَا أَحْبَبْتَ، إِنَّهُ قَرِيبٌ مَجِيبٌ، وَهَذَا الْمَسْجِدَ إِلَى جَانِبِ الدَّارِ وَفِيهِ كَانَ يَصَلِّيَانِ - عَلَيْهِمَا الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ -



﴿ باب صد و سوم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ابی الحسن علی بن محمد الهادی ﴾

﴿ و حضرت ابی محمد الحسن بن علی العسکری ﴾

﴿ در سامعراء ﴾

ترجمه:

از بعضی ائمه علیهم السلام مروی است که فرمودند:

هرگاه خواستی حضرت ابی الحسن الثالث علی بن محمد الحسن بن علی علیهم السلام را زیارت کنی ابتداء غسل کن و بعد اگر توانستی به نزدیک قبر ایشان رفته و به آن دو برسی ^(۱) و در غیر این صورت مقابل پنجره‌ای که باز می‌شود بسوی قبر با اشاره سلام بده و بگو:

درود بر شما ای دو ولی خدا، درود بر شما ای دو حجت خدا، درود بر شما

۱ - مترجم گوید: این دو امام همام و بزرگوار در خانه خود دفن شدند و آن دربی داشت که گاهی باز می‌کرده و دوستانشان داخل می‌شدند و در نزد قبر و نزدیک آن زیارت می‌کردند و گاهی که بسته بود از بیرون مقابل پنجره‌ای که در دیوار مقابل قبر مطهر بود زیارت می‌کردند.

ای دو نور خدا در تاریکی های زمین، درود بر شما ای کسانی که خدا در باره شما اراده اش را ظاهر ساخت، درود بر شما ای دو محبوب خدا، درود بر شما ای دو پیشوای هدایت، به زیارتان آمده ام در حالی که به حق شما عارف بوده و دشمن دشمنانتان و دوست دار دوستانتان می باشم، ایمان دارم به آنچه شما ایمان به آن داشته و منکر هستم آنچه را که شما آن را انکار دارید حق می دانم آنچه را که شما حق می دانید، و باطل می دانم آنچه را که شما باطل می دانید، از خدا که پروردگار من و پروردگار شما است می خواهم که بهره من از زیارت شما را رحمت پر محمد و آل محمد و نیز رفاقت با شما در بهشت همراه آباء نیکوکاران قرار دهد، و از او می خواهم که من را از آتش دوزخ برهاند و شفاعت شما و مصاحبتان را نصیب نماید و نیز از حضرتش می خواهم که بین من و شما آشنائی برقرار کند، و از من نگیرد دوستی شما و دوستی پدران نیکوکار شما را و همچنین از حضرتش می خواهم که این عهد و آشنائی را آخرین بار زیارت شما برایم قرار ندهد، و نیز از او می خواهم که به واسطه رحمت و اسعاهش من را با شما در بهشت محصور گرداند.

خداوندا، حب این دو امام همام را روزی من گردان و من را بر کیش و آئین ایشان از دنیا ببر، خداوندا، ستم کنندگان به آل محمد و آنانکه حق ایشان را ندادند لعنت فرما و از آنها انتقام بگیر، خداوندا، اولین و آخرین این گروه ستمگر را لعنت نما و عذابشان را مضاعف کن و برسان ایشان و شیعیان و پیروان و دوستان و تبعیت کنندگانشان را به پائین ترین درک (نه) از آتش دوزخ، تو بر هر چیز قادر و توانائی، خداوندا، در فرج و بر پا کردن حکومت ولی خود و فرزند ولی خویش شتاب نما، و قرار بده فرج و توسعه ما را با فرج و فراخی ایشان ای با رحم تر از هر صاحب رحمی.

و پس از آن در دعاء برای خود و پدر و مادر خویش جدّ و جهد نما و هر دعائی که خواستی بکن.

و در صورتی که توانستی به نزد قبر ایشان روی و دست‌رسی به آن پیدا کردی نزد قبر ایشان دو رکعت نماز بخوان.

و هر گاه داخل مسجد شدی (مسجد مزبور پهلوی خانه ایشان بوده و این دو امام همام در آن نماز می‌خواندند) و نماز گذاردی هر دعائی که دوست داشتی بکن که انشاءالله خداوند متعال عنقریب اجابت فرماید.



مرکز تحقیقات کتاب و اطلاع‌رسانی

﴿ الباب الرابع والمائة ﴾
 ﴿ زيارة لجميع الأئمة ﴾
 ﴿ صلوات الله عليهم أجمعين ﴾

متن:

حدثني محمد بن الحسين بن مَتَّ الجوهري، عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران، عن هارون بن مسلم، عن علي بن حنَّان «قال: سئل الرضا عليه السلام في إتيان قبر أبي الحسن عليه السلام فقال: صَلُّوا في المساجد حوله و يجزئ في المواضع كلها أن تقول:

«السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَأَصْفِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَى أُمَنَاءِ اللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَظَاهِرِ أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقَرِّينَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْصَصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهُ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَ مَنْ تَحَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَحَلَّى مِنَ اللَّهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَزَبْتُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، مَقْوُصٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

هذا يجزئ في الزيارات كلها، و تكثر من الصلاة على محمد وآله، و تسمي واحداً واحداً بأسمائهم، و تبراء من أعدائهم و تختار لنفسك من الدُّعاء و للمؤمنين و المؤمنات».

﴿ باب صدور چهارم ﴾
 ﴿ زیارت نامه جمیع ائمه علیهم السلام ﴾
 ﴿ زیارت جامعه ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسین بن مثنی الجوهری، از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران، از هارون بن مسلم از علی بن حسان، وی گفت:
 از حضرت امام رضا علیه السلام راجع به زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام (حضرت موسی بن جعفر سلام الله علیها) سؤال شد:
 حضرت فرمودند:

ابتداء در مساجد نزدیک آن نماز خوانده و در تمام اماکن مجزی است بگویند
 (یعنی در زیارت تمام حضرات ائمه معصومین علیهم السلام می توان این زیارت را خواند):

درود بر اولیاء خدا و برگزیدگانش، درود بر امین های او و محبوبانش، درود بر یاران خدا و جانشینانش، درود بر محل های شناخت خدا و مراکز آن، درود بر مواضع ذکر و یاد خدا، درود بر نمونه های امر و نهی خدا، درود بر دعوت کنندگان بسوی خدا، درود بر قرار گیرندگان در مواضع و امور مورد رضای خدا، درود بر کسانی که اطاعت خدا را خالصانه انجام می دهند، درود بر آنان که هر کس ایشان را دوست داشته باشد خدا را دوست داشته و کسی که با آنان دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است، درود بر آنان که هر کس ایشان را شناخت خدا را شناخته و کسی که ایشان را نشناسد پس خدا را نشناخته، درود بر کسانی که هر کس به دامن ایشان چنگ زند به خدا چنگ زده و به او متوسل شده و هر کس از ایشان کناره گیرد از خدا کناره گیری کرده است، خدا را شاهد می گیرم که من در

صلح هستیم با هر کس که با شما صلح کرده و نزاع و حربه دلم با هر کس که با شما حربه دارد، خطا را شاهد می گیرم که من به باطن و ظاهر شما ایمان و اعتقاد دارم تمام امور را به شما واگذار می کنم، خدا لعنت کند دشمنان آل محمد را چه از جن و چه از انس، و به سوی خدا بی زاری می جویم از تمام دشمنان ایشان، و خطا رحمت فرستد بر محمد و دودمان محمد صلوات الله علیهم اجمعین.

این زیارت نامه را در تمام زیارات حضرات معصومین علیهم السلام می توان خواند.

و حتی الامکان صلوات بر محمد و آل محمد زیاد بفرست و نام هر یک از ائمه علیهم السلام را یک یک برده و از دشمنانشان بی زاری بجوی و برای خود و مؤمنین و مؤمنات هر دعائی را که خواستی بکن.



متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَلَّةُ مَشَايِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
الطَّائِرِ. وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ
ابْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُسَيْنَ، عَنْ عَزْرَةَ بْنِ إِسْحَاقَ
ابْنِ أَخِي شُعَيْبِ الْقُرْقُوفِيِّ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: تَقُولُ
إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَ يَجُزُّكَ عِنْدَ قَبْرِ كُلِّ إِمَامٍ عليه السلام.
«السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ اللَّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عِنْدَ اللَّهِ أَمِينَ اللَّهُ
عَلَى وَحْيِهِ وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتَمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَبَقَلَ، اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ الَّذِي اتَّجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ
شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ وَ كُتِبَكَ، وَ دَلِيلَانَ
الدِّينِ بِقُدْرَتِكَ وَ فَضْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَ الْمُتَمِيمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَ
السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

و تقول في زيارة أمير المؤمنين عليه السلام: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ - إِلَى آخِرِهِ -».

و في زيارة فاطمة عليها السلام: «أَمِّكَ وَبَنَتِ رَسُولِكَ - إِلَى آخِرِهِ -».

ترجمه: ﴿ زیارت جامعه دوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از محمد بن یحیی العطار.
و محمد بن الحسین بن متّ الجوهري جمیعاً، از محمد بن احمد بن یحیی بن
عمران، از علی بن حسان از عروة بن اسحق (پسر برادر شعیب عرقوفی) از
کسی که ذکرش نموده، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
هرگاه به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام رفتی این زیارت را بخوان، البته در
زیارت قبر هر امامی می توان آن را خواند:

درود از خدا بر تو، درود بر محمد بن عبدالله که امین خدا بر وحی او و وسیله
حتمی امر او است خاتم انبیاء گذشته و گشاینده سرفصل اوصیاء آینده می باشد،
خدایا درود فرست بر محمد که بنده و رسولت هست او را با علم خودت نجیب
و راهنمای هر کسی که بخواهی قرار دادی، دلیل و نشان بر کسی قرارش دادی که
با پیامها و کتابهای او را برانگیختی، او را سیاستمدار دین و حکم کننده به
عدلت نمودی، فیصله دهنده منازعات بین مخلوقات می باشد، او را مسلط بر
تمام امور نمودی درود و رحمت و برکات خدا بر او باد.

و در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام بگو:

خدایا رحمتت را بر امیرالمؤمنین که بنده و برادر رسولت هست بفرست...

سپس بقیه زیارت را بهمان نحوی که ذکر شد بخوان.

و اگر حضرت فاطمه علیها السلام را زیارت می کنی در زیارت آنحضرت نیز همان

فقرات مذکور را بخوان منتهی بجای «عبدک و رسولک» بگو:

اللهم صل على فاطمة امك و بنت رسولك الى آخره.

متن:

و في زيارة سائر الأئمة: أبناء رسولك، على ما قلت في النبي أول مرة حتى تنتهي إلى صاحبك، ثم تقول:

«أشهد أنكُم كلمة الثقوى، وباب الهدى، والعروة الوثقى، والمحجة البالغة على من فيها ومن تحت الثرى، وأشهد أن أزواجكم وطيباتكم من طينة واحدة، طابت وطهرت من نور الله ومن رحمته، وأشهد الله وأشهدكم أني لكم تبع بذات نفسي وشرايع ديني وخواتيم عملي، اللهم فأنقم لي ذلك برحمتك يا أرحم الراحمين، السلام عليك يا أبا عبد الله، أشهد أنك قد بلغت عن الله ما أمرت به، وقئت بحقه غير وأهين ولا مؤهين، فجزاك الله من صديق خيراً عن رعييتك، أشهد أن الجهاد معك جهاد، وأن الحق معك ولك، وأنت مغيث، وميراث النبوة عندك وعند أهل بيتك، أشهد أنك قد أقم الصلاة، وآتيت الزكاة، وأمرت بالمعروف، ونهيت عن المنكر، ودعوت إلى سبيل ربك بالمحكمة والموعظة الحسنة، وعبدت ربك حتى أتاك اليقين».

ثم تقول: «السلام على ملائكة الله المؤمنين، السلام على ملائكة الله المنزلين، السلام على ملائكة الله المُرِدِّين، السلام على ملائكة الله الذين هم في هذا الحرم بإذن الله مقيمون».

ثم تقول: «اللهم ألحق الذين بدلا نعمتك، وخالفوا كتابك، وجحدوا آياتك، وأتهم رسولك، أخش قبورها وأجوافها نارا وأعد لها

عَذَاباً أَلِيماً، وَآخِشُ رُحْمَا وَأَشْيَاعُهُمَا وَأَتْبَاعُهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ رُزْقاً،
وَآخِشُ رُحْمَا وَأَشْيَاعُهُمَا وَأَتْبَاعُهُمَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وُجُوهِهِمْ غُشياً وَبُخْماً
وَصُخْراً، مَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ كُلُّهَا حَبَّتْ زِدْنَاهُمْ سَعيراً، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ
الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ ابْنِ نُسَيْكٍ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ
وَتَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ، فَإِنَّكَ وَعَدْتَهُ ذَلِكَ وَأَنْتَ الرَّبُّ الَّذِي لَا تُخْلِفُ
الْمِيعَادَ.

و كذلك تقول عند قبور كل الأئمة عليهم السلام.

«دنباله زیارت جامعه دوم»

ترجمه:

و در زیارت سائر ائمه علیهم السلام بجای «رسولک» که در زیارت پیامبر اکرم
می گفתי و به جای «اخی رسولک» که در زیارت امیرالمؤمنین و عوض «بنت
رسولک» که در زیارت حضرت فاطمه علیها السلام می آوردی بگو: ابناء رسولک.
مترجم گوید:

یعنی در زیارت هر یک از ائمه علیهم السلام عین همان زیارت پیغمبر اکرم را بخوان
منتهی بجای: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، بگو اللهم صَلِّ عَلَى ... نام امام مورد
زیارت را بگو و بعد بجای عبدک و رسولک بگو عبدک و ابن رسولک.
پس در زیارت یک یک ائمه علیهم السلام بهمین کیفیت زیارت کن تا در آخر منتهی
شوی به وجود حضرت صاحب العصر عجّل الله تعالی فرجه الشریف و آن
حضرت را نیز بهمین کیفیت زیارت کن و پس از اتمام زیارت جامعه به کیفیتی
که ذکر شد بگو:

شهادت می دهم که شما کلمه و نمونه تقوی و باب هدایت و ریسمان محکم
خدا و حجت بالغه او بر آنچه روی و زیر زمین قرار گرفته می باشید، و خدا و شما
را شاهد می گیرم که به ذات خود و در عمل به شرایع دین و فرجام کار پیرو و تابع

شما هستیم، خدایا بواسطه رحمتت برآیم آن را حاصل گردان ای مهربان تر از هر مهربانی، درود بر تو ای ابا عبد الله، شهادت می دهیم که تو آنچه را که مأمور بوده از طرف خدا تبلیغش کردی و حقش را اقامه کردی بدون اینکه خسته شده یا اظهار خستگی نمائی، پس خدا از طرف رعیت جزاء خیر به تو دهد، شهادت می دهیم که جهاد در معیت شما جهادی است عظیم و حق با تو و برای تو است و تو معدن و مرکز آن هستی، و شهادت می دهیم که میراث نبوت نزد تو و نزد اهل بیت تو است، شهادت می دهیم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را اداء کرده و به معروف امر و از منکر نهی کرده ای، و با حکمت و پسند دادن نیکو، مردم را به راه پروردگارت دعوت نموده ای، و پروردگارت را پرستیدی تا وقتی که مرگ تو را دریافت.

سپس بگو:

درود بر فرشتگان معین و مشخص حق تعالی، درود بر فرشتگانی که بر زمین نازل شدند درود بر ملائکه و فرشتگان خدا که ردیف هم قرار دارند، درود بر فرشتگان خدا که در این حرم به اذن خدا اقامت کرده اند.

سپس بگو:

خدایا لعنت کن آن دو نفری را که نعمت را تبدیل و با کتابت مخالفت و آیات را انکار نموده و رسالت را متهم ساختند، خدایا گور ایشان و باطنشان را از آتش پر نما و آماده کن برای ایشان عذابی دردناک و ایشان و دوستان و پیروانشان را در دوزخ محشور نما و ایشان و دوستان و پیروانشان را روز قیامت کور و کر و لال محشور کن.

مسکشان را دوزخ قرار بده دوزخی که هرگاه آتشش خاموش شود باز آن را شدیدتر سوزان و شعله ور می نمائی، خدایا این زیارت را آخرین عهد و زیارت من نسبت به قبر پسر پیغمبرت قرار مده، خدایا او را مقامی محمود و شایسته عنایت بفرما که به واسطه اش دینت را یاری کرده و به توسطش دشمنانت را نابود

نمائی چه آنکه خودت این وعده را داده‌ای و تو خدائی هستی که خلف وعده نمی‌نمائی.

و در زیارت قبور هر یک از ائمه علیهم‌السلام همین زیارت نامه را می‌توانی بخوانی.

متن:

و تقول عند كل إمام رزته إن شاء الله تعالى:

«السلامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَسُلَالَةَ الْوَصِيِّينَ، وَالشَّهِيدَ يَوْمَ الدِّينِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ وَأَبَاءَكَ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِكَ، وَأَنْبَاءَكَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِكَ مَوَالِيٌّ وَأَوْلِيَانِي وَأَيْمَتِي، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَصْفِيَاءُ اللَّهِ وَخَزَنَتُهُ وَحُجَّتُهُ، الْبَالِغَةُ، اسْتَجَبْتُكُمْ بِعِلْمِهِ أَنْصَاراً لِدِينِهِ، وَقَوَاماً بِأَمْرِهِ، وَخُزَّاناً لِعِلْمِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَتَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ، وَمَعْقِداتٍ لِكَلِمَاتِهِ، وَأَرْكَاناً لِتَوْجِيدِهِ، وَشُهُوداً عَلَى عِبَادِهِ، وَاسْتَوْدَعْتُكُمْ خَلْقَهُ، وَأَوْرَثْتُكُمْ كِتَابَهُ، وَخَصَّمْتُكُمْ بِكَرَامِ التَّنْزِيلِ، وَأَعْطَاكُمْ التَّأْوِيلَ، جَعَلْتُكُمْ تَابُوتَ حِكْمَتِهِ وَمَنَاراً فِي بِلَادِهِ، وَضَرَبَ لَكُمْ مَثَلاً مِنْ نُورِهِ، وَأَجْرَى فِيكُمْ مِنْ عِلْمِهِ، وَعَصَمْتُكُمْ مِنَ الرُّذْلِ، وَطَهَّرْتُكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرُّجْسَ، وَبِكُمْ مَتَّتِ السَّعْمَةَ، وَاجْتَمَعَتِ الْفِرْقَةُ، وَتَثَلَّفَتِ الْكَلِمَةُ، وَلَزِمَتِ الطَّاعَةُ الْمُقَرَّرَةُ، وَالْمُودَّةُ الْوَاجِبَةُ، فَأَنْتُمْ أَوْلِيَاؤُهُ الثَّجَبَاءُ، وَعِبَادُهُ الْمَكْرُمُونَ، أَتَيْتُكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ عَارِفاً بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ، مُعَاذِياً لِأَعْدَائِكَ، مَوَالِياً لِأَوْلِيَانِكَ، يَا بَنِي أَنتَ وَأُمِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمْ تَسْلِيماً، أَتَيْتُ، وَإِذَا زَائِراً عَائِداً

مُسْتَجِيراً مِمَّا جَنِّتُ عَلَى نَفْسِي، وَ اخْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي، فَكُنْ لِي شَفِيعاً، إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً، وَأَنْتَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهٌ، آمَنْتُ بِاللهِ وَبِمَا أُنْزِلَ عَلَيْكُمْ وَ أَتَوَلَّى آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ، وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَلِيَّةٍ دُونَكُمْ، وَكَفَرْتُ بِالْجَبَّتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى».

﴿ دنیاله زیارت جامعه دوم ﴾

ترجمه:

و به زیارت هر یک از انجمنه علیه السلام که رفته باشی بخوان:

درود بر تو ای ولی خدا، درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای نور خدا در تاریکی های زمین، درود بر تو ای امام اهل ایمان و وارث علم انبیاء و فرزندان اوصیاء و شهید و حاضر روز قیامت، شهادت می دهم که تو و پدرانت که پیش از تو بوده و فرزندان که بعد از تو هستند سروران و اولیاء و پیشوایان من هستید، شهادت می دهم که شما برگزیدگان خدا و نگهبانان او و حجت های بالغه او بوده که با علمش شما را یاوران دین خود قرار داد، به امر او قائم هستید و نگهبانان علم او می باشید و حافظ اسرارش بوده و بازگو کننده وحی او و معدن و مرکز کلمات و ارکان و ستون های توحیدش و شاهدا بر بندگان می باشید، خداوند مخلوقاتش را به شما سپرده و کتابش را به میراث به شما داده، و اختصاص داد شما را به آیات کریمه و تأویل آنها را به شما اعطاء فرمود، قرار داد شما را صندوق حکمتش و علامت هدایت در شهرهای خودش، برای نورش مثل به شما زده، از علمش در شما جاری نموده، شما را از هر لغزشی باز داشت و از هر آلودگی پاک نمود، رجس و پلیدی را از شما برکنار داشت، بواسطه شما نعمت های خود را تحقق داد، بواسطه شما جدائی ها را به صورت اجتماع در آورده و به توسط شما بین کلمات تألیف و جمع نمود، و به وساطت شما طاعت واجب لازم شده و مودت و محبت لازم تحقیق یافته، پس شما اولیاء و

برگزیدگان او و بندگان با کرمش می‌باشید، ای پسر رسول خدا به زیارت آمده‌ام در حالی که به حَقّت عارف و به شَان و مقامت مستبصر هستم، دشمنانتان را دشمن داشته و دوستانتان را دوست می‌دارم، پدر و مادرم قداًیت باد، رحمت خدا و درودش بر تو باد، به نزدت آمده‌ام در حالی که مسافر و زائریم. از جنایت‌هایی که بخود کرده و کوله‌بار سنگینی که برای خویش فراهم نموده‌ام به تو پناه آورده‌ام پس شافع من باش زیرا تو نزد خدا مقامی معلوم و مشخص داری و تو نزد خدا وجیه و آبرومند هستی، به خدا و به آنچه نازل بر شما شده ایمان دارم، آخرین نفر شما را دوست دارم همان طوری که اولین نفرتان را دوست می‌دارم و بی‌زاری می‌جویم از هر برگزیده‌ای که غیر شما باشد و به هر باطل و بیهوده و لات و عزّی کفر ورزیده و آنها را انکار دارم.



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد

﴿ الباب الخامس و المائة ﴾

﴿ فضل زيارة المؤمنين وكيف يزورون ﴾

متن:

١- حَدَّثَنِي أَبُو الْعِثَاسِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْقُرَشِيُّ الْكُوفِيُّ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عَثْمَانَ الرَّازِيِّ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَزُورَنَا فَلْيَزُرْ صَاحِبِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا، وَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى صَلَاتِنَا فَلْيَصِلْ صَاحِبِينَ مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ صَلَاتِنَا».

٢- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَثِيلٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عَثْمَانَ «قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ: مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى صَلَاتِنَا فَلْيَصِلْ عَلَى صَاحِبِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ صَلَاتِنَا، وَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا فَلْيَزُرْ صَاحِبِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا».

٣- حَدَّثَنِي أَبِي، وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ؛ وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى «قَالَ: كُنْتُ بِفَيْدٍ فَشِيتُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ قَالَ: فَقَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ: قَالَ لِي صَاحِبُ هَذَا الْقَبْرِ عَنْ الرِّضَا عليه السلام: مَنْ أَتَى قَبْرَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى الْقَبْرِ وَقَرَأَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» سَبْعَ مَرَّاتٍ، أَمِنَ يَوْمَ الْفُرْعِ الْأَكْبَرِ».

﴿ باب صد و پنجم ﴾
﴿ فضیلت زیارت مؤمنین و کیفیت آن ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

ابوالعباس بن محمد بن جعفر رزّاز قرشی کوفی، از دائی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از عمرو بن عثمان الرّازی وی گفت: از ابوالحسن الاول علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که نمی تواند ما را زیارت کند پس دوستان صالح و شایسته ما را زیارت کند که ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود و کسی که بر احسان به ما قادر نباشد پس به دوستان شایسته و صالح ما احسان کند که ثواب احسان به ما برایش نوشته می شود

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن الحسن بن احمد بن الولید، از حسن بن متیل، از محمد بن عبدالله بن مهران، از عمرو بن عثمان، وی می گوید: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که بر احسان به ما قادر نیست پس به دوستان شایسته و صالح ما احسان کند که ثواب احسان به ما برایش نوشته می شود و کسی که بر زیارت ما قادر نیست، دوستان صالح و شایسته ما را زیارت کند که ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود.

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم، و محمد بن یعقوب، و جماعتی از اساتیدم رحمه الله علیهم از محمد بن

یحیی، از محمد بن احمد بن یحیی نقل کرده‌اند که وی گفت: من در «فَیْد» (شهرکی است بین کوفه و مکه) بودم پس با علی بن بلال به طرف قبر محمد بن اسماعیل بن بزیع می‌رفتیم، علی بن بلال به من گفت: صاحب این قبر از حضرت رضا علیه السلام برایم نقل کرد که آن جناب فرمودند: کسی که بالای قبر برادر مؤمنش رفته و دست روی آن گذارده و سوره «اَنَا أَنْزَلْنَاهُ» را هفت مرتبه بخواند از روز فزع اکبر در امان می‌باشد.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ ابْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ «قَالَ: كُنْتُ بِفَيْدٍ فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بِلَالٍ: مُرَّ بِنَا إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ، فَذَهَبْنَا إِلَى عِنْدِ قَبْرِهِ فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ: حَدَّثَنِي صَاحِبُ هَذَا الْقَبْرِ عَنْ الرَّضَا عليه السلام أَنَّهُ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى الْقَبْرِ وَقَرَأَ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ أَمِنَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ».

۵ - وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ أَبَانَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَيْفَ أَضَعُ يَدِي عَلَى قُبُورِ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَرْضِ فَوَضَعَهَا عَلَيْهَا وَهُوَ مُقَابِلَ الْقِبْلَةِ».

۶ - وَعَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرِو [أَن]، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَجَّالِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يُخْرِجُ فِي مَلَأٍ مِنَ النَّاسِ مِنْ أَصْحَابِهِ كُلِّ عَشِيَّةٍ خَمِيسٍ إِلَى بَقِيعِ

الْمَدَنِيِّينَ فَيَقُولُ - ثَلَاثًا -: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ» - وَثَلَاثًا - «رَحِمَكُمُ اللَّهُ»، ثُمَّ يَلْتَفِتُ إِلَى أَصْحَابِهِ وَيَقُولُ: هَؤُلَاءِ خَيْرٌ مِنْكُمْ، فَيَقُولُونَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلِمَ؟ آمَنُوا وَآمَنَّا، وَجَاهَدُوا وَجَاهَدْنَا؟ فَيَقُولُ: إِنَّ هَؤُلَاءِ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبَسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ، وَمَضَوْا عَلَى ذَلِكَ وَ أَنَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ شَهِيدٌ، وَأَنْتُمْ تَبْقَوْنَ بَعْدِي، وَلَا أَدْرِي مَا تُحْدِثُونَ بَعْدِي».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسین بن مَتَّ الجوهری، از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران، وی گفت:

من در «قَبْد» بودم، محمد بن علی بن بلال گفت: ما را به طرف قبر محمد بن اسماعیل بن بزیع مرور دادند پس به قبر رسیدیم، محمد بن علی گفت: صاحب این قبر از حضرت رضا علیه السلام برایم نقل کرده که آن جناب فرمودند:

کسی که قبر برادر مؤمنش را زیارت کند پس روزه قبله کرده و دستش را روی قبر گذارد و سوره «انا انزلناه فی لیلۃ القدر» را هفت مرتبه بخواند از فرع اکبر سالم بماند.

﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن الحسین بن مَتَّ الجوهری، از محمد بن احمد، از علی بن اسماعیل، از محمد بن عمرو، از ابان، از عبدالرحمن بن ابی عبدالله، وی می گوید: از حضرت ابی عبدالله پرسیدم:

چگونه دستم را بر قبور مؤمنین بگذارم؟

حضرت با دست مبارکشان به زمین اشاره کرده پس آن را بر زمین نهادند در حالی که مقابل قبله قرار داشتند.

﴿ حدیث ششم ﴾

از محمد بن الحسین، از محمد بن احمد، از موسی بن عمران، از عبدالله الحجاج، از صفوان الجمال، وی می گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر شب جمعه با گروهی از اصحابشان به قبرستان بقیع در مدینه تشریف می بردند و در آنجا سه مرتبه می فرمودند:

السَّلامَ عَلَیْکُمْ یا اهل الدِّیَارِ (سلام و درود بر شما ای اهل شهرها).

و سه مرتبه می فرمودند: رَحِمَکُمُ اللهُ (خدا شما را رحمت کند).

سپس به اصحابشان توجّه نموده و می فرمودند:

این اهل قبور از شما بهتر هستند.

اصحاب عرض می کردند: ای رسول خدا برای چه؟ ایشان ایمان آورده، ما نیز

ایمان آورده ایم، ایشان جهاد کرده اند، ما نیز جهاد کرده ایم؟

حضرت می فرمودند:

ایشان ایمان آورده ولی ایمانشان را به ظلم و ستم آلوده نکردند و با همین

حال از دنیا رفتند و من بر این امر شهادت می دهم و شما پس از من در این دنیا

باقی می مانید و نمی دانم پس از من چه خواهید کرد.

مترجم گوید:

این کلام حضرت اشاره است به ارتداد و ستم های اصحاب پس از رحلت آن

وجود مبارک پس کلمه «لا ادری» نه به معنای نفی علم باشد بلکه کنایه است از

حوادث واقعه بعد از آن جناب چنانچه در عرف این نحو تعبیر معمول می باشد.

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ هَارُونَ

ابن مسلم، عن مسعدة بن زياد، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام «قال: دخل على أمير المؤمنين مقبرة - ومعه أصحابه - فنادى: «يا أهل التربة يا أهل التربة، ويا أهل الحمود، ويا أهل الحمد، أما أخبار ما عندنا: فأما أمركم قد قُسمت، ونساؤكم قد نُكِحت، ودُوركم قد سُكِت، فما خبر ما عندكم؟!»، ثم التفت إلى أصحابه وقال: أما والله لو يؤذن لهم في الكلام لقالوا: لم يُزَوَّد مثل الثقوى زاد [خير الزاد الثقوى]».

٨ - حدثني أبي - رحمه الله - ومحمد بن الحسن، عن الحسن بن متيل، عن سهل بن زياد، عن محمد بن سنان، عن إسحاق بن عمار، عن أبي الحسن عليه السلام «قال: قلت له: المؤمن يعلم من يزور قبره؟ قال: نعم؛ ولا يزال مستأنساً به ما زال عنده، فإذا قام وانصرف من قبره دخله من انصرافه عن قبره وخشعة».

٩ - حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن أبيه عن جده، عن عبد الله بن المغيرة، عن عبد الله بن سنان «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: كيف أسلم على أهل القبور؟ قال: نعم؛ «السلام على أهل الديار من المؤمنين والمسلمين، أنتم لنا قرط ونحن إن شاء الله بكم لأحقون»».

حدثني أبي - رحمه الله - عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن محمد ابن أورمة، عن عبد الله بن سنان قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام - وذكره مثله -

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش از هارون بن مسلم از مسعدة بن زیاد از حضرت جعفر بن محمد از پدران بزرگوارشان علیه السلام حضرت فرمودند: حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حالی که اصحابشان همراه بودند وارد قبرستانی شده و با صدای بلند فرمودند: ای اهل خاک، و ای اهل غربت و ای اهل خموشی، و ای مردگان، اما خبرهایی که نزد ما است عبارتند از: اموال شما قسمت شد، زنانان ازدواج کردند، خانه‌هایتان را دیگران ساکن شدند.



حال بگوئید اخبار نزد شما چیست؟! سپس به اصحابشان توجه نموده و فرمودند: به خدا سوگند اگر اذن به ایشان داده شود که سخن بگویند خواهند گفت: هیچ توشه‌ای برای این جا مثل تقوی و پرهیزکاری نیست (بهترین توشه تقوا است).

﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن الحسن، از حسن بن مثیل، از سهل بن زیاد، از محمد بن سنان، از اسحق بن عمار، از حضرت ابی الحسن علیه السلام، اسحق می‌گوید: محضر مبارکش عرضه داشتم. آیا مؤمن آگاه است از کسی که قبر او را زیارت می‌کند؟ حضرت فرمودند:

بلی، پیوسته تا مادامی که زائر بر سر قبرش هست با او مانوس می‌باشد و وقتی زائر بلند شده و از سر قبر او برمی‌گردد از برگشتن وی وحشتی در مؤمن نیست پیدا می‌شود.

﴿ حدیث نهم ﴾

حسن بن عبداللہ بن محمد بن عیسیٰ، از پدرش، از جدش، از عبداللہ بن مغیرہ، از عبداللہ بن سنان، وی می گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبداللہ علیہ السلام عرض کردم: بر اهل قبور چگونه سلام دهم؟

حضرت فرمودند:

آری، بگو:

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ (درود بر مؤمنین و مسلمین که اهل شهرها می باشند).

انتم لنا فرط (شما بر ما سبقت گرفتید)

و نحن ان شاء الله بكم لاحقون (ما نیز ان شاء الله پشت سر شما خواهیم آمد).

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

پدرم رحمة الله عليه، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از عبداللہ بن سنان نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبداللہ علیہ السلام عرض کردم... عین حدیث گذشته را ذکر نموده است.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ، عَنْ أَبِيهِ «قَالَ: مَرَرْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ علیہ السلام: بِالْبَتِيعِ فَرَرْنَا بِقَبْرِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ مِنَ الشَّيْعَةِ، فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیہ السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا قَبْرُ رَجُلٍ مِنَ الشَّيْعَةِ، قَالَ: تَوَقَّفْ عَلَيْهِ وَقَالَ: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرَبَاءَهُ، وَصِلْ وَحَدَّثَهُ، وَأَنْسَ وَخَشَنَهُ، آمِنْ رَوْعَتَهُ، وَأَشْكِنْ إِلَيْهِ

مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَعْفِي بِهَا عَنْ رَحْمَةٍ مِنْ سِوَاكَ، وَالْحَقُّهُ يَمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ».

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنِ جَرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَيْفَ التَّسْلِيمُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ؟ قَالَ: تَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، رَحِمَ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَالْمُسْتَأْخِرِينَ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاجِقُونَ»».

ورواه البرقي، عن أبيه عن النضر بن سويد، عن القاسم بن سليمان، عن جرّاح المدائني قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام - وذكره مثله -

۱۲ - وَجَدْتُ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ: مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ، عَنِ الْمَفْضَلِ «قَالَ: قَالَ: مَنْ قَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» عِنْدَ قَبْرِ مُؤْمِنٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا يَعْبُدُ اللَّهَ عِنْدَ قَبْرِهِ، وَيَكْتُبُ [لَهُ وَ] لِلْمَيِّتِ ثَوَابَ مَا يَعْمَلُ ذَلِكَ الْمَلِكُ، فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ مِنَ قَبْرِهُ لَمْ يَمِرَّ عَلَى هَوْلٍ إِلَّا صَرَفَهُ اللَّهُ عَنْهُ بِذَلِكَ الْمَلِكِ [الْمَوْكَلِ] حَتَّى يَدْخُلَهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَتَقْرَأُ بَعْدَ «الْحَمْدِ»، «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» سَبْعًا، وَ«الْمَعْوَذَتَيْنِ»، وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ«آيَةُ الْكُرْسِيِّ» ثَلَاثًا ثَلَاثًا.

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب، از عمرو بن ابی المقدام، از پدرش، وی گفت: در خدمت حضرت ابی جعفر علیه السلام به قبرستان بقیع عبور کردیم،

به قبر مردی از شیعیان که اهل کوفه بود رسیدیم، به حضرت عرض کردم: این قبر یکی از شیعیان است فدایت شوم.

راوی می‌گوید: حضرت درنگ نمود و فرمودند:

بار خدایا به غربتش رحم فرما، وحدت و تنهائیش را به پیوند مبدل کن، در حال وحشتش انس برقرار فرما، هراس او را برطرف کن، از رحمت آن قدر نصیبش نما که از رحمت غیر تو بی‌نیاز گردد، و ملحقش کن به آنانکه وی ایشان را دوست دارد.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از حسین بن حسین بن ابان، از حسین بن سعید، از نصر بن سوید، از قاسم بن سلیمان، از جراح مدائنی، وی می‌گوید:
از حضرت ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم: سلام دادن به اهل قبور چگونه است؟
حضرت فرمودند: بگو:

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ (درود بر اهل شهرها که عبارتند از مؤمنین و مسلمین) رَحِمَ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَالْمُسْتَأَخِرِينَ (خدا رحمت کند سابقین و لاحقین ایشان را).

وَأَنَا أَنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ (اِنْ شَاءَ اللَّهُ ما نیز به شما ملحق خواهیم شد).
برقی از پدرش، از نصر بن سوید، از قاسم بن سلیمان، از جراح مدائنی نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم.... و مثل همان حدیث قبلی را ذکر نموده است.

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

در برخی از کتب چنین یافتیم:

محمد بن سنان، از مفضل نقل کرده، وی گفت: فرمود:

کسی که «انا انزلناه» را هفت مرتبه نزد قبر مؤمنی بخواند خداوند متعال فرشته‌ای را به آنجا فرستاده تا خدا را در همان مکان عبادت کند و برای خواننده و میت ثواب عبادت آن فرشته منظور می‌شود.

و وقتی خداوند میت را از قبر بیرون آورد بواسطه آن فرشته موکل هول و هراس را از او بر طرف می‌کند تا داخل بهشتش نماید.

بعد از حمد سوره «انا انزلناه» را هفت بار بخوان سپس «معوذتین» یعنی قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و «قل هو الله احد» و «آیه الکرسی» هر کدام را سه بار قرائت نما.

متن:

۱۳ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَرْمَةَ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ مُسْلَمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا مَرَّ بِقَبْرِ قَوْمٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ مِنْ دِيَارِ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ»».

۱۴ - و [أبي]، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَرْمَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ ابْنِ جَلَانَ «قَالَ: قَامَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام عَلَى قَبْرِ رَجُلٍ فَقَالَ: «اللَّهُمَّ صَلِّ وَخَدِّتْهُ، وَآنَسْ وَخَشَّتْهُ، وَأَسْكِنِ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَعْنِي بِهِ عَنْ رَحْمَةٍ مَنْ سِوَاكَ»».

۱۵ - و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَاءِ، عَنْ عَلِيِّ ابْنِ أَبِي حمزة «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَيْفَ نَسَلَمَ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ؟

قال: نَعَمْ؛ تقول: «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،
وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، أَنتُمْ لَنَا قَرِطٌ وَإِنَّا بِكُمْ إِنِ شَاءَ اللَّهُ لَا
جُفُونَ».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از نصر
بن سوید، از عاصم بن حمید، از محمد بن مسلم از حضرت ابی جعفر علیه السلام، وی
گفت: شنیدم آن حضرت می فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه به قبور دسته ای از مؤمنین عبور می کردند می فرمودند:
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ مِنْ دِيَارِ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ (سلام بر شما که از شهرهای قوم
اهل ایمان هستید).

و انا ان شاء الله بكم لا حقوقی (ما نیز ان شاء الله به شما ملحق خواهیم شد).

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

و پدرم از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از علی بن الحکم، از ابن عجلان نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو جعفر علیه السلام بر سر قبر مردی ایستاده و فرمودند:

اللّٰهُمَّ صَلِّ وَحْدَتَهُ (خدایا وحدت و تنهایی او را به پیوند مبدل کن).

و آنس و حشته (در حال وحشتش انس بر قرار کن).

و اسکن الیه من رحمتک، یستغنی به عن رحمة من سواک (از

رحمتت آن قدر نصیبش نما که از رحمت و عنایت غیر تو بی نیاز گردد).

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

و محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از احمد بن محمد ابی عبدالله برقی، از حسن بن علی الوشاء از علی بن ابی حمزه، وی گفت: از حضرت ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم: بر اهل قبور چگونه سلام دهیم؟

حضرت فرمودند:

آری، بگو:

السَّلَامُ عَلٰی اَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ

الْمُسْلِمَاتِ، انْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ اَنَا بَكُمْ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ لَاحِقٌ.

(درود بر اهل شهرها که مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات باشند، شما

بر ما سبقت گرفتید و ما نیز به شما ان شاء الله ملحق خواهیم شد).

متن:

۱۶- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللّٰهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ: وَ غَيْرُهُمَا، عَنْ سَعْدِ

ابن عبدالله، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ

الجَهْم، عن الفضل بن صالح، عن سعد بن طريف، عن الأصبغ بن ثباتة «قال: مرَّ على أمير المؤمنين عليه السلام على القبور فأخذ في الجادة، ثم قال عن يمينه:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ مِنْ أَهْلِ الْقُصُورِ، أَنْتُمْ لَنَا قَرُطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَا حِقُونَ»؛ ثم التفت عن يساره فقال: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ» - إلى آخره -.

١٧ - حدثني محمد بن الحسن بن الوليد - عمَّن ذكره - عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن أبيه، عن سعدان بن مسلم، عن علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال يخرج أحدكم إلى القبور فيسلم و يقول:

«السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، أَنْتُمْ لَنَا قَرُطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ وَإِنَّا بِكُمْ لَا حِقُونَ، وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، يَا أَهْلَ الْقُبُورِ بَعْدَ سُكْنَى الْقُصُورِ، يَا أَهْلَ الْقُبُورِ بَعْدَ النِّعْمَةِ وَالسُّرُورِ، صِرْتُمْ إِلَى الْقُبُورِ، يَا أَهْلَ الْقُبُورِ كَيْفَ وَجَدْتُمْ طَعْمَ الْمَوْتِ؟!» ثم يقول: «وَيَلِّ لِمَنْ صَارَ إِلَى النَّارِ»، ثم يهرق دمعته و ينصرف».

١٨ - و عنه بإسناده، عن البرقي قال: حدثنا بعض أصحابنا، عن عباس بن عامر القصباني، عن يقطين قال: أخبرنا ربيع بن محمد المسلي «قال: كان أبو عبد الله عليه السلام إذا دخل الجنة تقول: السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ».

ترجمه:

﴿ حدیث شانزدهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین و غیر این دو، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن خالد، از پدرش، از هارون بن جهم، از مفصل بن صالح، از سعد بن طریف، از اصیغ بن نباته، وی گفت:

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر قبور عبور کردند، پس در وسط راه ایستاده سپس به طرف راست توجّه کرده و فرمودند:

السلام علیکم یا اهل القبور من اهل القصور (درود بر شما ای کسانی که در قصرها بوده و اکنون در قبرها خفته‌اید).

انتم لنا فرط و نحن لکم تبع و انا ان شاء الله بکم لاحقون (شما بر ما سبقت گرفتید و ما بدنبال شما بوده و انشاء الله به شما ملحق خواهیم شد).

سپس به طرف چپ توجّه نموده و فرمودند:

السلام علی اهل القبور.... تا آخر کلمات زیارت.

﴿ حدیث هفدهم ﴾

محمد بن الحسن بن الولید از کسی که ذکرش نموده، از احمد بن ابی عبدالله برقی، از پدرش، از سعد بن مسلم، از علی بن ابی حمزه از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هرگاه یکی از شما به قبرستان رفتید، و ابتداء به اهل قبور سلام کرده و سپس بگوئید:

درود بر اهل قبور، درود بر مؤمنین و مسلمین که در قبور می‌باشند، شما بر ما سبقت گرفتید و ما تابع شما بوده و ان شاء الله به شما ملحق خواهیم شد، ما برای خدا بوده و به سوی او برمی‌گردیم، ای کسانی که در قبرها خفته‌اید بعد از آنکه در قصرها بودید، ای کسانی که در قبرها خوابیده‌اید بعد از آنکه اهل نعمت و سرور و شادی بودید، به قبور داخل شدید، ای اهل قبور: مزه مرگ را چگونه

یافتید؟

سپس بگوئید:

وای بر کسی که پس از این وادی به دوزخ داخل شود.
سپس اشکهای آن حضرت ریخت و از قبرستان باز گشتند.

﴿ حدیث هیجدهم ﴾

محمد بن الحسن الولید باسنادش از برقی، وی گفت:
برخی اصحاب از عباس بن عامر قصبانی، از یقطین، گفت:
ربیع بن محمد مسلّی به ما خبر داد و گفت:
حضرت ابی عبدالله علیه السلام هرگاه به قبرستان داخل می شدند می فرمودند:
درود بر اهل بهشت.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

﴿ الباب السادس و المائة ﴾

﴿ فضل زیارة فاطمة بنت موسی بن جعفر علیه السلام بقم ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْه، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى علیه السلام، قَالَ: مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ».

۲- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَأَخِي وَالْجَمَاعَةُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ وَغَيْرِهِ، عَنْ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْبُؤْفَكِيِّ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ ابْنِ الرِّضَا علیه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بَقَمَ فَلَهُ الْجَنَّةُ».



مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

﴿ باب صد و ششم ﴾

﴿ فضیلت زیارت حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر ﴾

﴿ صلوات الله علیه در شهر قم ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

علی بن الحسن بن بابویه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش از سعد بن سعد، از حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام، وی گفت: از آن حضرت راجع به زیارت حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر سلام الله علیه پرسیدم؟ حضرت فرمودند:

کسی که او را زیارت کند بهشت برایش خواهد بود.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمة الله علیه و برادرم و جماعتی، از احمد بن ادريس، و غیر او، از
 عمرکی بن علی البوفکی، از کسی که ذکرش نموده از حضرت ابن الرضا سلام
 الله علیهما، حضرت فرمودند:

کسی که قبر عمه‌ام را در قم زیارت کند بهشت برایش می‌باشد.



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد ملی

﴿ الباب السابع و المائة ﴾

﴿ فضل زیارة قبر عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی بالری ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ يَابُوِيَه، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
الْعَطَّار - عَنْ بَعْضِ أَهْلِ الرِّيِّ - «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ
الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام فَقَالَ: أَيْنَ كُنْتَ؟ فَقُلْتُ: زُرْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام، فَقَالَ:
أَمَا إِنَّكَ لَوْ زُرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِيمِ عِنْدَكُمْ لَكُنْتُ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عليه السلام».



﴿ باب صد و هفتم ﴾

﴿ فضیلت زیارت قبر حضرت عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی در ری ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی بن یابویه، از محمد بن یحیی العطّار، از بعضی اهل
ری، وی گفت:

بر حضرت ابی الحسن العسکری علیه السلام داخل شدم، حضرت فرمودند:
کجا بودی؟

عرض کردم: به زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام رفته بودم.
حضرت فرمودند:

آیا نمی دانی، اگر قبر عبدالعظیم را که نزدتان هست زیارت کنی مثل آن است
که حسین علیه السلام را زیارت کرده ای.

﴿ الباب الثامن و المائة ﴾

﴿ نوادر الزيارات ﴾

متن:

١ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: قال لي: إِنََّّ عندكم - أَوْ قال: في قُرْبِكُمْ - تفضيلة ما أوتي أحدٌ مثلها، و ما أحسبكم تعرفونها كنه معرفتها، ولا تحافظون عليها و لا على القيام بها، و إِنََّّ لها لأهلاً خاصة قد سَمَّوا لها، و أعطوها بلا حول منهم و لا قُوَّة إلا ما كان من صنع اللَّهِ لهم و سعادة جباهم [اللَّهُ] بها و رحمة و رأفة و تقدِّم.

قلت: جُعِلَتْ فِدَاكَ و ما هذا الَّذِي و صِفْتَ لنا و لم تُسمِّه؟ قال: زيارة جدِّي الحسين [بن علي] عليه السلام فَإِنَّهُ غَرِيبٌ بِأَرْضِ غُرْبَةٍ، يَبْكِيهِ مَنْ زَارَهُ، وَ يَحْزَنُ لَهُ مَنْ لَمْ يَزُرْهُ، وَ يَحْرِقُ لَهُ مَنْ لَمْ يَشْهَدْهُ وَ يَرْحَمُهُ مَنْ نَظَرَ إِلَى قَبْرِ ابْنِهِ عِنْدَ رِجْلِهِ فِي أَرْضِ فَلَاةٍ لِأَحْمِيْمٍ قَرِيبَةٍ وَ لَا قَرِيبٍ، ثُمَّ مَنَعَ الْحَسَقَ وَ تَوَارَرَ عَلَيْهِ أَهْلُ الرَّدَّةِ حَتَّى قَتَلُوهُ وَ ضَيَّعُوهُ وَ عَرَضُوهُ لِلسَّبَاعِ، وَ مَنَعُوهُ شُرْبَ مَاءِ الْفُرَاتِ الَّذِي يَشْرِبُهُ الْكِلَابُ، وَ ضَيَّعُوا حَقَّ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ وَصِيَّتِهِ بِهِ وَ بِأَهْلِ بَيْتِهِ، فَأَمْسَى مَجْفُوراً فِي حَفْرَتِهِ، صَرِيعاً بَيْنَ قَرَابَتِهِ، وَ شِيعَتِهِ بَيْنَ أَطْبَاقِ التُّرَابِ، قَدْ أَوْحَشَ قَرِيبَهُ فِي الْوَحْدَةِ وَ الْبُعْدَ عَنْ جَدِّهِ، وَ الْمَنْزِلَ الَّذِي لَا يَأْتِيهِ إِلَّا مَنْ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيْمَانِ وَ عَرَّفَهُ حَقَّنَا. فقلت له: جُعِلَتْ فِدَاكَ قَدْ كُنْتُ آتِيَهُ حَتَّى بُلِيتُ بِالسُّلْطَانِ وَ فِي حِفْظِ

أموالهم و أنا عندهم مشهورٌ فتركتُ للتَّيَّةِ إتيانه و أنا أعرف ما في أتيانه من الخير، فقال: هل تدري ما فضل من أتاه و ما له عندنا مِن جَزِيلِ الخير؟ فقلت: لا، فقال: أَمَّا الفضلُ فيباهيه ملائكةُ السَّماءِ، و أَمَّا ماله عندنا فَالترَّحُّمُ عليه كُلِّ صباحٍ و مساءً.

و لقد حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّهُ لَمْ يَخْلُ مَكَانَهُ مِنْذُ قُتِلَ مِنْ مُصَلٍّ يَصَلِّي عَلَيْهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، أَوْ مِنَ الْجِنِّ، أَوْ مِنَ الْإِنْسِ، أَوْ مِنَ الْوَحْشِ، و ما مِن شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ يَغْبِطُ زَائِرَهُ وَ يَتَمَسَّحُ بِهِ وَ يَرْجُو فِي النَّظَرِ إِلَيْهِ الْخَيْرَ لِنَظَرِهِ إِلَى قَبْرِهِ ﷺ. ثُمَّ قَالَ: بَلَّغْنِي أَنَّ قَوْمًا يَأْتُونَهُ مِنْ نَوَاحِي الْكُوفَةِ وَ [أ] نَاسًا مِنْ غَيْرِهِمْ وَ نِسَاءً يَنْدُبُنَّهُ، وَ ذَلِكَ فِي النُّصَفِ مِنْ شِعْبَانَ، بَيْنَ قَارِيٍّ يَقْرَأُ، وَ قَاصٍّ يَقْصُ، وَ نَادِبٍ يَنْدُبُ، وَ قَائِلٍ يَقُولُ الْمَرَاثِي.

فقلت: نَعَمْ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَدْ شَهِدْتُ بَعْضَ مَا تَصِفُ، فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفِدُ الْبِنَا وَ يَمْدَحُنَا وَ يَرْتِي لَنَا، وَ جَعَلَ عَدُوَّنَا مِنْ يَطْعَنَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَرَابَتِنَا وَ غَيْرِهِمْ يَهْذُونَهُمْ وَ يَقْبَحُونَ مَا يَصْنَعُونَ».

﴿ باب صد و هشتم ﴾

﴿ زیارت نادره ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سلیمان، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد البصری، از حضرت ابی عبدالله ﷺ می‌گوید: حضرت به من فرمودند: بدرستی که نزد شما است یا فرمودند: بدرستی که در نزدیکی شما است

فضیلتی که به احدی مثل آن اعطاء نشده و گمان نمی‌کنم که به حقیقت آن پی برده باشید، شما نگهدار آن نبوده و بر آن قیام نمی‌کنید برای آن افراد خاصی بوده که اهلش هستند و این فضیلت به آنها اعطاء شده بدون اینکه از ایشان حرکت و فعالیتی سرزده باشد بلکه صرفاً از ناحیه حق تعالی ایشان مورد رحمت و رأفت قرار گرفته و این عطیه الهی به آنها عنایت شده است.

عرض کردم: فدایت شوم این فضیلتی که توصیف فرموده و نامش را نبردید چیست؟

حضرت فرمودند:

زیارت جدّم حسین بن علی علیه السلام، چه آنکه او در سرزمین دوردست غریب می‌باشد هر کس به زیارتش رود بر او می‌گریزد و اندوهگین می‌شود و آن کس که بر سر مزارش حاضر نشود می‌سوزد و آن کس که به پائین پای آن حضرت به قبر فرزندش بنگرد و ملاحظه کند که در آن زمین فلات دفن شده است بر آن حضرت ترحم می‌کند، نه خویشی در نزدیکی آن جناب بوده و نه اقربایش آن جا می‌باشند، او را از حقّ مسلّمش منع نموده و اهل ظلم و ستم و گروه مرتد با هم توافق کرده و بر علیه آن حضرت قیام کرده تا جایی که او را کشته و بدن مبارکش را در آن بیابان انداخته و در معرض درندگان گذاردند، از نوشیدن آب فرات که سگ‌ها از آن می‌آشامیدند او را منع کردند و بدین ترتیب حق رسول خدا صلی الله علیه و آله را ضایع نموده و عمل به وصیت و سفارشی که آن وجود مبارک راجع به حضرتش به سایر افراد اهل بیتش نموده بود را ترک نمودند، عصر آن روزی که حضرت شهید شدند در حالی که ستم‌ها به آن جناب شده بود در بین اقرباء و پیروانش در گودال روی خاک‌ها افتاده بودند، اهل بیتش در آن بیابان تنها و دور از جدّ و منزل و کاشانه‌شان به حالتی غمگین و اندوه بودند، این آزمایش برای احدی اتفاق نمی‌افتد مگر آنانکه خداوند امتحانشان کرده و قلبی مالمال از ایمان داشته و به حقّ ما عارف و آگاه می‌باشند.

محضرش عرض کردم: فدایت شوم قبلاً من به زیارت آن حضرت می‌رفتم تا وقتی که مبتلا به سلطان شده و من را مستحفظ اموالشان قرار دادند و چون من نزد ایشان مشهور و معروف بودم از اینرو زیارت آن جناب را تقیۀ ترک کردم در حالی که به ثواب و اجر زیارت آن حضرت کاملاً واقف و آگاه هستم.

حضرت فرمودند:


آیا فضل و برتری کسی که به زیارت آن حضرت رود را می‌دانی؟ و آیا خیر عظیم و جزیلی که برای او نزد ما هست را آگاهی؟

عرضه داشتیم: خیر.

حضرت فرمودند:

اما فضل او: تمام فرشتگان آسمان به او مباہات می‌کنند.

و اما خیر عظیمی که برای او نزد ما است: هر صبح و شام بر او رحمت می‌شود.

سپس مصنف کتاب  می‌فرماید:

پدرم برایم نقل نمود که از زمان شهادت آن حضرت آن مکان یک آن از نمازگذار خالی نمانده بلکه از آن تاریخ تا حال یا فرشتگان و یا جن و یا انس و یا وحوش در آن مکان مقدس به عبادت و نماز اشتغال داشته‌اند، و هیچ موجودی نیست مگر آنکه به حال زائر آن حضرت غبطه می‌خورد و او را مسح کرده و به او نظر کرده و در این نظر امید خیر دارد زیرا شخصی که وی به او نگریسته به قبر آن حضرت نظر افکنده است.

سپس حضرت فرمودند:

خبر به من داده‌اند که از نواحی کوفه گروهی از غیر اهل کوفه و زمائی به زیارتش رفته و بر آن حضرت ندبه و زاری نموده‌اند و این زیارت در نیمه شعبان صورت گرفته، از این گروه بعضی به قرائت قرآن مشغول بوده و برخی قضایا و حوادث واقعه کربلاء را برای دیگران بازگو کرده و جماعتی به ندبه و زاری

سرگم شده و پاره‌ای به خواندن مرثی مبادرت نموده‌اند.

عرض کردم: بلی فدایت شوم من شاهد برخی از این توصیفات که می‌فرمائید بوده‌ام.

حضرت فرمودند:

حمد و سپاس خدائی را که در میان مردم کسانی را گذارده که بطرف ما کوچ و سفر کرده و مدح و مرثی ما را می‌گویند و در مقابل دشمن ما را کسانی قرار داده که از اقرباء ما بوده و آن گروه اول را مورد طعن قرار می‌دهند ولی دیگران ایشان را هلاک کرده و کار و عملشان را تقبیح می‌نمایند.

متن:

۲- و بهذا الإسناد، عن عبد الله الأصم، عن عبد الله بن بكير الأزجاني «قال: صحبت أبا عبد الله عليه السلام في طريق مكة من المدينة فزلنا منزلاً يقال له: عُشْفَان ثم مررنا بجبل أسود عن يسار الطريق موحش، فقلت له: يا بن رسول الله ما أوحش هذا الجبل! ما رأيت الطرى مثل هذا، فقال لي يا ابن بكير أتدري أئى جبل هذا؟ قلت: لا، قال: هذا جبل يقال له: «الكمد» وهو على وادٍ من أودية جهنم، وفيه قَتْلَةُ أبي الحسين عليه السلام، استودعهم، فيه تجري من تحتهم مياه جهنم من الغسلين و الصديد والحميم و ما يخرج من جبّ الجوّي و ما يخرج من الفلق من آثام و ما يخرج من الخبال و ما يخرج من جهنم و ما يخرج من لظى و من الحطمة، و ما يخرج من سقر و ما يخرج من الحميم، و ما يخرج من الهاوية، و ما يخرج من السعير، و ما مرّت بهذا الجبل في سفري فوقفت به إلّا رأيتهما يستغيثان إني و إني لانظر إلى قَتْلَةِ أبي و أقول لهما: إنّما

هؤلاء فعلوا ما استسما لم ترحمونا إذ وليتم و قتلتمونا و حرمتونا و
 وثبتتم على قتلنا و استبددتم بالأمر دوننا، فلا رحمة الله من يرحمكم،
 ذوقا و بال ما قدمتم، و ما الله بظلام للعبيد، و أشدها تضرعاً و
 استكانة الثاني، فرجما و قفت عليهما ليستلني عني بعض ما في قلبي، و ربما
 طويت الجبل الذي هما فيه و هو جبل الكحد، قال: قلت له: جُعِلْتُ
 فذلك فإذا طويت الجبل فما تسمع؟ قال: أسمع أصواتهما يناديان:
 عرج علينا نكلمك فإننا نتوب، و أسمع من الجبل صارخاً يصرخ بي
 أجهما و قل لهما: اخسؤا فيها و لا تكلمون! قال: قلت له: جُعِلْتُ فذاك
 و من معهم؟ قال: كل فرعون عتاً على الله و حكى الله عنه فعاله، و كل من
 عل العباد الكفر، فقلت: من هم؟ قال: نحو «يولس» الذي علم اليهود أن
 يد الله مغلولة، و نحو «نسطور» الذي علم النصارى أن عيسى المسيح ابن
 الله، و قال لهم: هم ثلاثة،

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمہ:

و با همین اسناد از عبدالله اصم، از عبدالله بن بکیر ارجانی نقل شده، وی
 گفت:

با حضرت اباعبدالله علیه السلام در راه مکه از مدینه همراه بودم، پس به جایی که
 «عُسفان» نامیده می شد فرود آمدیم و سپس از کنار کوهی سیاه که در سمت چپ
 جاده بود و کوهی وحشتناک به نظر می آمد عبور کردیم، محضر آن حضرت
 عرض کردم:

ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، چقدر این کوه و وحشتناک است! در این راه کوهی

مثل این ندیده‌ام.

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر، می‌دانی این چه کوهی است؟

عرض کردم: خیر.

فرمودند:

این کوهی است بنام «کمد» و آن در وادی از وادی‌های دوزخ بوده و در آن قاتلین پدرم امام حسین علیه السلام نگه داشته شده‌اند، در این کوه از زیر قاتلین آب‌های جهنمی جاری می‌باشند، این آب‌ها عبارتند از:

غسلین (آبی که از پوست و گوشت دوزخیان جاری است)، صدید (آبی که ناشی از چرک و زردآب باشد) حمیم (عرق دوزخیان را گویند) آبی که از چاه جوئی خارج می‌شود و آن آبی است گندیده و متعفن، آبی که از چاه فلق در دوزخ خارج می‌شود و آن آبی است حاصل از چرک و خون مجرمین، آبی که از خبال یعنی چرک بدن دوزخیان جاری است، آبی که از جهنم روان است، آبی که از لظی (وادی از وادی‌های جهنم) بیرون می‌آید، آبی از حطمه (وادی از وادی‌های جهنم) خارج می‌شود، آبی که از سقر (وادی از وادی‌های جهنم) بیرون می‌آید، آبی که از حمیم (وادی از وادی‌های دوزخ) خارج می‌شود، آبی که از هاویه (وادی از وادی‌های دوزخ) بیرون می‌آید، آبی که از سعیر (وادی از وادی‌های دوزخ) خارج می‌شود.

و من در هیچ‌یک از سفرهایم به این کوه مرور نکرده و نه ایستادم مگر آنکه آن دو را دیدم که به من استغاثه و التماس می‌کردند و نیز قاتلین پدرم را مشاهده نمودم، به آن دو گفته و می‌گویم:

این قاتلین آنچه را که شما تأسیس کرده‌اید انجام داده‌اند، چرا وقتی زمام امور به دستتان بود به ما رحم نکرده و ما را کشتید و از حقوق خود محروممان نمودید و بر قتل و کشتن ما اقدام کرده و استبداد محض و کامل را به اجراء گذاردید خدا رحم نکند به کسی که به شما دو نفر رحم کند بپشید و زور و وبالی را که خود


فراهمش نموده‌اید، و خدا نسبت به بندگان ظالم و ستمکار نیست.

البته دومی تضرع و اضطرابش شدیدتر از اولی است و بسا ایستاده و حالشان را مشاهده کرده تا اندکی از بغض و کینه و ناراحتی که از ایشان در قلب دارم کاهش یافته و کمی تسلی و آرامش خاطر پیدا کنم، و بسا کوهی که آن دو در آن محبوس هستند را طی کرده و از آن بالا رفته‌ام و آن کوه «کمد» می‌باشد.

راوی گفت: محضرش عرض کردم: فدایت شوم وقتی از کوه بالا رفتید و آن را طی نمودید چه صدائی شنیدید:

حضرت فرمودند:

صدای آن دو را شنیدم که فریاد می‌زدند: ما را بالا بیاور تا با تو صحبت کنیم، ما توبه کرده‌ایم و می‌شنیدم از کوه که فریاد می‌زد و به من می‌گفت: جواب این دو را بده و به ایشان بگو:

پائین روید و صحبت نکنید!  پائین روید و صحبت نکنید! راوی می‌گوید: عرضه داشتم: فدایت شوم چه کسانی با این دو می‌باشند؟ حضرت فرمودند:

هر فرعون و متکبری که بر خدا طغیان کرده و خداوند کردارش را بازگو فرموده است و نیز هر کسی که به بندگان کفر تعلیم کرده است. عرض کردم: ایشان چه کسانی هستند.

حضرت فرمودند:

نظیر «بولس» که به یهود یاد داد که دست خدا بسته است و مثل «نسطور» که به نصاری یاد داد که حضرت عیسی مسیح فرزند خدا است و ایشان سه تا هستند (یعنی معبود سه تا است: اب، ابن و روح القدس).

متن:

و نحو فرعون موسى الذي قال: أَنَا رَبِّكُمْ الْأَعْلَى، و نحو غرود الذي قال: قَهَرْتُ أَهْل الْأَرْضِ وَ قَتَلْتُ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَ قَاتَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قَاتَلَ فَاطِمَةَ وَ مُحَسَّنَ، وَ قَاتَلَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، فَأَمَّا مُعَاوِيَةُ وَ عَمْرُو فَمَا يَطْمَئِنُّ فِي الْخِلَاصِ، وَ مَعَهُمْ كُلُّ مَنْ نَصَبَ لَنَا الْعَدَاوَةَ، وَ أَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَ يَدِهِ وَ مَالِهِ، قُلْتُ لَهُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ فَأَنْتَ تَسْمَعُ ذَاكُلَهُ لَا تَفْزَعُ؟ قَالَ: يَا ابْنَ بُكَيْرٍ إِنَّ قُلُوبِنَا غَيْرُ قُلُوبِ النَّاسِ، إِنَّمَا مَطْيَعُونَ مَصْطَفُونَ، نَرَى مَا لَا يَرَى النَّاسُ، وَ نَسْمَعُ مَا لَا يَسْمَعُ النَّاسُ، وَ أَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَنْزِلُ عَلَيْنَا فِي رَحَالِنَا، وَ تَتَقَلَّبُ فِي قُرُونِنَا، وَ تَشْهَدُ طَعَامِنَا، وَ تَحْضُرُ مَوْتَانَا، وَ تَأْتِينَا بِأَخْبَارِ مَا يَحْدُثُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ، وَ تَصَلِّيَ مَعَنَا، وَ تَدْعُو لَنَا وَ تَلْقَى عَلَيْنَا أَجْنَحَتَهَا، وَ تَتَقَلَّبُ عَلَى أَجْنَحَتِهَا صَيَّانَنَا وَ يَمْتَنِعُ الدَّوَابُّ أَنْ تَصَلِّيَ إِلَيْنَا، وَ تَأْتِينَا مِمَّا فِي الْأَرْضِ مِنْ كُلِّ نَبَاتٍ زَمَانِهِ وَ تَسْقِينَا مِنْ مَاءِ كُلِّ أَرْضٍ نَجِدُ ذَلِكَ فِي آيَتِنَا وَ مَا مِنْ يَوْمٍ وَ لَا سَاعَةٍ وَ لَا وَقْتٍ صَلَاةٍ إِلَّا وَ هِيَ تَنْتَهِي أَلْفَا، وَ مَا مِنْ لَيْلَةٍ تَأْتِي عَلَيْنَا إِلَّا وَ أَخْبَارُ كُلِّ أَرْضٍ عِنْدَنَا، وَ مَا يَحْدُثُ فِيهَا وَ أَخْبَارُ الْجَنِّ وَ أَخْبَارُ أَهْلِ الْهَوَى مِنْ الْمَلَائِكَةِ، وَ مَا مِنْ مَلِكٍ يَمُوتُ فِي الْأَرْضِ وَ يَقُومُ غَيْرُهُ إِلَّا أَتَانَا خَبْرَهُ، وَ كَيْفَ سِيرَتِهِ فِي الَّذِينَ قَبْلَهُ، وَ مَا مِنْ أَرْضٍ مِنْ سِتَّةِ أَرْضِينَ إِلَى السَّابِعَةِ إِلَّا وَ نَحْنُ نُوْتِي بِخَبَرِهِمْ، فَقُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ فَأَيْنَ مَنْتَهَى هَذَا الْجَبَلِ؟ قَالَ: إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ، وَ فِيهَا جَهَنَّمُ عَلَى وَادٍ مِنْ أَوْدِيَتِهِ، عَلَيْهِ حَفْظَةٌ أَكْثَرُ مِنْ نُجُومِ السَّمَاءِ وَ قَطَرِ الْمَطَرِ وَ عَدَدُ مَا فِي الْبَحَارِ وَ عَدَدُ الثَّرَى، قَدْ وَكَّلْتُ كُلَّ مَلِكٍ مِنْهُمْ بِشَيْءٍ وَ هُوَ مُقِيمٌ عَلَيْهِ لَا يَفَارِقُهُ، قُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً

یلقون الأخبار؟ قال: لا إنا يلقى ذلك إلى صاحب الأمر، إنا لنحمل ما لا يقدر العباد على الحكومة فيه فنحكم فيه فمن لم يقبل حكومتنا جبرته الملائكة على قولنا وأمرت الذين يحفظون ناحيته أن يفسروه على قولنا، وإن كان من الجن من أهل الخلاف والكفر أو ثقته وعذبه حتى يصير إلى ما حكمنا به.

﴿ دنباله حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و مانند: فرعون معاصر با حضرت موسی علیه السلام که گفت: انا ربکم الاعلی و بدین ترتیب ادعای خدائی کرد و همچون: نمرودی که گفت: اهل زمین را مورد قهر خود داده و آنچه در آسمان هست را کشتیم و نیز نظیر: قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام و قاتل فاطمه علیه السلام و محسن و قاتل امام حسن و امام حسین علیه السلام و اما معاویه و عمرو بن عاص ابدًا طمع و درخواست خلاص شدن از عذاب را نمی کنند. و نیز تمام کسانی که نصب عداوت ما اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله را نموده اند با ایشان هستند و همچنین کسانی که با زبان و دست و مالشان بر علیه ما اقدام کردند، با ایشان می باشند.

عرض کردم: فدایت شوم شما تمام این صداها را می شنوید و به فرع نمی آئید؟

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر، قلوب و دل های ما غیر از دلهای مردم است، ما مطیع کامل حق تعالی و خالص از هر آلودگی بوده و برگزیده باری تعالی می باشیم، می بینیم آنچه را که مردم نمی بینند، می شنویم آنچه را که دیگران نمی شنوند فرشتگان در منازل ما فرود می آیند و در روی فرش های ما حرکت کرده در کنار سفره ما حاضر و شاهد هستند بر مردگان ما حاضر می شوند، اخبار حوادثی که هنوز واقع نشده اند

را به ما می‌رسانند، با ما نماز خوانده و برای ما دعاء می‌کنند، پرها و بالهایشان را برای ما پهن می‌کنند، کودکان و اطفال ما روی بال‌های ایشان حرکت می‌کنند، مانع می‌شوند از اینکه جنبنندگان به ما دست یافته و ایذاء و آزارمان کنند، از تمام گیاهان و نباتاتی که در زمین می‌رویند در فصل و زمانشان برای ما می‌آورند، از آب‌های مختلف روی زمین به ما می‌آشامانند و ما آنها را در ظروف خود می‌یابیم، و هیچ روز و ساعت و وقت نمازی نیست مگر آنکه فرشتگان برای آنها آماده می‌باشند، و هیچ شبی فرا نمی‌رسد مگر آنکه اخبار تمام نقاط زمین را برای ما می‌آورند و نیز آنچه در زمین واقع می‌شود و اخبار جن و ملائکه را برای ما بازگو می‌کنند، و هیچ فرشته‌ای در زمین نمی‌میرد و دیگری جای آن قرار نمی‌گیرد مگر آنکه ما را اطلاع داده و رویه و سیره آن فرشته را با کسانی که قبلش بوده‌اند را برای ما بیان می‌کنند، و هیچ زمینی از شش طبقه زمین تا طبقه هفتم نیست مگر آنکه جز آنها را به ما می‌دهند.

عرض کردم: فدایت شوم انتهای این کوه کجا است؟

حضرت فرمودند:

تا طبقه هفتم زمین ادامه داشته و در آنجا دوزخی است که وادی از وادی‌های جهنم می‌باشد و نگهبانانی که مستحفظ آن هستند از ستارگان آسمان و دانه‌های باران و قطره‌های آب در دریاها و از عدد خاک‌های در کره زمین بیشتر می‌باشند، هر کدام از این فرشتگان موکل بر امری بوده که مراقب آن بوده و از آن تخلف نمی‌کنند.

عرض کردم: فدایت شوم به همه شما اهل بیت این اخبار را می‌دهند؟

حضرت فرمودند:

خیر، تنها به کسی که صاحب امر ولایت است، ما حامل چیزی هستیم که بندگان قدرت حکومت در آن را ندارند، پس ما در آن حکومت می‌نمائیم و کسی که حکومت ما را نپذیرد فرشتگان او را بر آن مجبور می‌کنند و امر می‌کنند به

کسانی که حافظ آن ناحیه هستند که بندگان را بر قول و حکومت ما ملزم و مجبور کنند و اگر جنی از اهل خلاف و کفر باشد او را به بند کشیده و آن قدر عذابش می کنند تا بر حکم ما گردن نهد.

متن:

قلت: جُعِلَتْ فِدَاكَ فِهْل يَرَى الْإِمَامَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ؟ فَقَالَ:
يَا ابْنَ بُكَيْرٍ يَكُونُ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَا بَيْنَ قَطْرِيهَا وَهُوَ لَا يَرَاهُمْ وَلَا يَحْكُمُ
فِيهِمْ؟! وَكَيْفَ يَكُونُ حُجَّةً عَلَى قَوْمٍ غَيْبٌ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِمْ وَلَا يَقْدِرُونَ
عَلَيْهِ؟ وَكَيْفَ يَكُونُ مُؤَدِّياً عَنِ اللَّهِ وَشَاهِداً عَلَى الْخَلْقِ وَهُوَ لَا يَرَاهُمْ؟ وَ
كَيْفَ يَكُونُ حُجَّةً عَلَيْهِمْ وَهُوَ مُحْجُوبٌ عَنْهُمْ؟ وَقَدْ جَعَلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ أَنْ
يَقُومَ بِأَمْرِ رَبِّهِ فِيهِمْ، وَاللَّهُ يَقُولُ: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ» يَعْنِي
بِهِ مِنْ عَلَى الْأَرْضِ وَالْحُجَّةَ مِنَ بَعْدِ النَّبِيِّ ﷺ يَقُومُ مَقَامَ النَّبِيِّ مِنْ بَعْدِهِ وَ
هُوَ الدَّلِيلُ عَلَى مَا تَشَاجَرَتْ فِيهِ الْأُمَّةُ، وَالْأَخْذُ بِحَقِّ النَّاسِ، وَالْقِيَامُ
بِأَمْرِ اللَّهِ، وَالْمَنْصَفُ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ، فَإِذَا لَمْ يَكُنْ مَعَهُمْ مَنْ يَنْفِذُ قَوْلَهُ
وَهُوَ يَقُولُ: «سَتُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ»، فَأَيُّ آيَةٍ فِي الْآفَاقِ
غَيْرِنَا أَرَاهَا أَهْلُ الْآفَاقِ وَقَالَ: «مَا تُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا»،
فَأَيُّ آيَةٍ أَكْبَرُ مِنَّا، وَاللَّهُ إِنَّ بَنِي هَاشِمٍ وَقُرَيْشاً لَتَعْرِفَ مَا أَعْطَانَا اللَّهُ وَ
لَكِنَّ الْحَسَدَ أَهْلَكَهُمْ كَمَا أَهْلَكَ إِبْلِيسَ، وَإِنَّهُمْ لَيَأْتُونَنَا إِذَا اضْطَرُّوا وَ
خَافُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ فَيَسْأَلُونَا فَنُوضِعُ لَهُمْ فَيَقُولُونَ: نَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَهْلُ
الْعِلْمِ، ثُمَّ يَخْرُجُونَ فَيَقُولُونَ: مَا رَأَيْنَا أَضْلَّ مَخْنٍ أَتَّبِعَ هَؤُلَاءِ وَ يَقْبَلُ
مَقَالَتَهُمْ!

قلت: جُعِلَتْ فِداكَ أَخْبَرَنِي عَنْ الْحُسَيْنِ عليه السلام لَوْ نُبِشَ كَانُوا يَجِدُونَ فِي قَبْرِهِ شَيْئاً؟ قَالَ: يَابَنَ بَكِيرٍ مَا أَعْظَمَ مَسَائِلُكَ! الْحُسَيْنِ عليه السلام مَعَ أَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ الْحَسَنِ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، يُحِبُّونَ كَمَا يُحِبِّي، وَيَرْزُقُونَ كَمَا يَرْزُقِي، فَلَوْ نُبِشَ فِي أَيَّامِهِ لَوُجِدَ؛ وَأَمَّا الْيَوْمَ فَهُوَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّهِ يَرْزُقُ وَيَنْظُرُ إِلَى مُعَشَّكَرِهِ وَيَنْظُرُ إِلَى الْعَرْشِ مَتَى يُؤْمَرُ أَنْ يَحْمِلَهُ وَأَنَّهُ لَقَلْبٌ يَمِينُ الْعَرْشِ مُتَعَلِّقٌ يَقُولُ: يَا رَبَّ انْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَإِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى رُؤُوسِهِ وَهُوَ أَعْرَفُ بِهِمْ وَبِأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَبِدَرَجَاتِهِمْ وَبِمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ أَحَدِكُمْ بَوْلَدِهِ وَمَا فِي رَحْلِهِ وَأَنَّهُ لَيَرَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ رَحْمَةً لَهُ، وَيسألُ أَبَاهُ الْاسْتِغْفَارَ لَهُ وَيَقُولُ: لَوْ تَعْلَمُ أَنِّي الْبَاكِي مَا أَعَدَّ لَكَ لَفَرَحَتْ أَكْثَرُ مِمَّا جَزَعْتَ، فَلَيَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ مَنْ سَمِعَ بُكَاءَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فِي السَّمَاءِ وَفِي الْخَائِرِ، وَيَنْقَلِبُ وَمَا عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبٍ»

﴿ دُنْبَالَهُ حَدِيثِ دَوِّم ﴾

ترجمه:

عرض کردم: فدایت شوم: آیا امام بین مشرق و مغرب را می بیند؟
حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر چگونه امام حجت خدا باشد بر آنچه بین دو نقطه مقابل هم در کره زمین واقع شده اند و حال آنکه آنها را ندیده و در میانشان حکم نکند؟! و چگونه بتوان گفت امام حجت است بر قوم و جماعتی که در نظرش غائب هستند و بر آنها قدرت نداشته و آنها نیز بر دسترسی داشتن به وی جهت رفع نیازمندی های خویش قدرت ندارند؟

و چگونه امام احکام و حقائق را از طرف خدا اداء کند و شاهد بر خلق باشد در حالی که آنها را نمی بیند؟!

و چگونه حجت بر ایشان باشد در حالی که آنها از وی محجوب و مستور می‌باشند؟! در حالی که امام علیه السلام به امر خدا بین مردم نصب شده تا واسطه بین خدا و مخلوق باشد، خدا در قرآن خطاب به پیغمبرش می‌فرماید: و **ما ارسلناک الا کافه للناس** (ما تو را نفرستادیم مگر برای همه مردم).

مقصود از «کافه للناس» تمام کسانی هستند که روی کره زمین می‌باشند و حجت بعد از نبی صلی الله علیه و آله بعد از آن وجود مبارک قائم مقام او باید باشد پس همانطوری که نبی حجت است برای تمام مردم روی زمین و باید بر همه تسلط داشته باشد حجت بعد از او و قائم مقامش نیز باید چنین باشد و اساساً مناصب امام بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اموری است که لازمه آن اینست که وی باید به تمام امت و به کافه مردم مسلط بوده و آنها را ببیند، این مناسب عبارتند از:

الف: راهنما برای حل مشاجراتی که بین امت واقع می‌شود.

ب: حقوق مردم را احقاق کردن و گرفتن.

ج: قیام نمودن به امر خدا و فرمانش را بین مردم اجراء کردن.

د: انصاف گرفتن از بعضی برای بعضی دیگر.

در نتیجه باید امام قولش نافذ بین کل مردم باشد تا بدین ترتیب نظم عالم محفوظ ماند، و هرج و مرج پیش نیاید، حال اگر با مردم امام و رهبری نباشد که قولش بین آنها نافذ باشد کلام خدا در قرآن کریم بی مصداق می‌ماند، حقتعالی در قرآن می‌فرماید:

سنرهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم (محققاً به ایشان نشان می‌دهیم

آیات خود را که در آفاق و انفس می‌باشند)، با توجه به این آیه می‌پرسم:

چه آیه‌ای در آفاق غیر از ما وجود دارد که خداوند متعال به آن اهل آفاق را نشان داده است؟ و نیز در جای دیگر فرموده:

ما نرهم من آیه الا هی اکبر من اختها (ما به ایشان هیچ آیه‌ای را نشان ندادیم مگر آنکه آن آیه از آیه دیگر بزرگتر بود).

چه آیه‌ای را شما بزرگ‌تر از ما سراغ دارید، به خدا سوگند بنی‌هاشم و قریش به آنچه خدا به ما اعطاء فرموده آگاه و عارف هستند ولی حسد ایشان را هلاک کرده همان‌طوری که حسد ابلیس را هلاک نمود.

ایشان در موارد اضطرار نزد ما می‌آیند و از ما مشکلشان را سؤال می‌کنند و ما برای ایشان توضیح داده و مشکلشان را حل می‌کنیم بعد از آن می‌گویند: شهادت می‌دهیم که شما اهل علم هستید و از نزد ما که خارج شدند پیش دیگران می‌گویند:

ما ندیدیم کسی را گمراه‌تر از آنانکه از ایشان تبعیت کرده و گفتار آنها را بپذیرند!

عرض کردم: فدایت شوم به من خبر دهید از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام: اگر قبر آن حضرت را نبش کنند در آن چیزی می‌یابند؟

حضرت فرمود: *مرزقی که بزرگوارتر از من است*

ای پسر بکیر، سؤال بسیار بزرگی نمودی، حسین علیه السلام با پدر و مادر و برادرش حسن علیه السلام در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده به ایشان اعطاء می‌شود همان‌طوری که به آن جناب اعطاء می‌گردد، روزی می‌خورند همان‌طوریکه آن حضرت روزی می‌خورد، اگر در همان ایام قبر را نبش می‌کردند، البته آن حضرت را در آن می‌یافتند، اما امروز آن حضرت زنده بوده و نزد پروردگارش روزی می‌خورد و به لشکرش و به عرش می‌نگرد تا چه کسی و در چه وقت امر شود که آن را حمل کند، آن حضرت در سمت راست عرش ایستاده می‌گوید:

پروردگارا، وعده‌ای که به من داده‌ای عملی کن، به زواریش نگرسته و او به ایشان و اسماء پدرانشان و به درجات و مراتب آنها نزد خدا از شما نسبت به فرزندان و آنچه در منزل دارید اعرف و آگاه‌تر است آن حضرت می‌بیند کسانی را که بر او می‌گیرند پس از خدا طلب آمرزش برای ایشان می‌کند و از پدر بزرگوارش نیز طلب آمرزش برای ایشان می‌کند و می‌گوید:

ای گریه کننده اگر بدانی برای تو چه آماده شده فرح و شادی تو بیش از جزع و ناراحتی تو خواهد بود پس تمام فرشتگانی که در آسمان و حائر بوده و صدای گریه او را می شنوند برایش استغفار می کنند و وی حرکت می کند در حالی که هیچ گناهی بر او نمی باشد.

متن:

۳- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَالِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَا مِنْ نَبِيٍّ وَلَا وَصِيٍّ نَبِيٍّ يَبْقَى فِي الْأَرْضِ بِأَكْثَرِ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ثُمَّ تَرْفَعُ رُوحُهُ وَعَظْمُهُ وَلَحْمُهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَإِنَّمَا تَوَقَّى مَوَاضِعَ آثَارِهِمْ وَيُلْفَوْنَهُمْ مِنْ بَعِيدِ السَّلَامِ وَيَسْمَعُونَهُمْ فِي مَوَاضِعَ آثَارِهِمْ مِنْ قَرِيبٍ».

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى؛ وَ غَيْرِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ زِيَادِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - مثله.

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب، از عده ای اصحاب، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از زیاد بن ابی الحلال، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند: هیچ پیغمبر و هیچ جانشین پیغمبری بیش از سه روز روی زمین باقی نمی ماند سپس روح و استخوان و گوشت او را به آسمان می برند، و مردم به اماکن و مواضعی که آثار ایشان هست (یعنی قبورشان) رفته و از دور به ایشان

ابلاغ سلام می‌کنند و از نزدیک در مواضع آثارشان سلامشان را به ایشان می‌شنوایند.

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی و غیرش از احمد بن محمد، از علی بن الحکم، از زیاد، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده.

متن:

۴- و حَدَّثَنِي أَبِي - رحمه الله - عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع - عن بعض أصحابه - رفعه إلى أبي عبدالله عليه السلام «قال: قلت: تكون عكة أو بالمدينة أو بالحائر أو الموضع التي يرجى فيها الفضل فرمما يخرج الرجل يتوضأ فيجني الآخر فيصير مكانه، قال: مَنْ سَبَقَ إِلَى مَوْضِعٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ يَوْمَهُ وَلَيْلَتِهِ».

۵- حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مَنِيعٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: أهون ما يكسب زائر الحسين عليه السلام في كلِّ حسنة ألف حسنة، والسَّيِّئَةُ واحدة، وأين الواحدة من ألف ألف؟! ثم قال: يا صفوانُ أبشِرْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً مَعَهَا قُضبانٌ من نور فإذا أراد الحَفْظَةَ أَنْ تَكْتُبَ عَلَى زَائِرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام سَيِّئَةً، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لِلْحَفْظَةِ، كَفَى فَتَكْفَى، فإذا عمل حسنة قالت لها: اكتبِي أولئك الَّذِينَ يَسْبُدُّنَ لِلَّهِ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از برخی اصحابش بطور مرفوعه از ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده وی گفت: محضر مبارک حضرت عرض کردم: ما در مکه یا در مدینه یا در حائر و یا در جاهایی که امید فضل در آن می رود می باشیم، بسا یکی از ما برای وضوء از مکانش خارج شده دیگری جایش را اتخاذ می کند حکم آن چیست؟
حضرت فرمودند:

در آن روز و شب وی احق و اولی به آن مکان می باشد.

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از منیع، از صفوان بن یحیی، از صفوان بن مهران الجمال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کمترین چیزی که زائر امام حسین علیه السلام بدست می آورد این است که در مقابل هر یک حسنه ای که از او صادر شود.

حق تعالی هزار هزار حسنه به او پاداش دهد و در قبال هر یک سینه ای که مرتکب شود تنها یک سینه برایش منظور می کند و یکی کجا و هزار هزار تا کجا؟!

سپس حضرت فرمودند:

ای صفوان، بشارت باد تو را، خداوند متعال فرشتگانی دارد که با آنها تازیانه ای از نور بود و هرگاه فرشتگان حافظ و نگهبان بخواهند بر زائر امام حسین علیه السلام سینه ای بنویسند، فرشتگان به حافظین می گویند:

از این کار خودداری کنید، آنها خود را از آن باز می دارند و وقتی زائر عمل حسنه ای انجام دهد فرشتگان به حافظین می گویند:

بنويسيد، ایشان کسانی هستند که حق تعالی سیئاتشان را به حسنه تبديل فرموده است.

متن:

٦- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ ابْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْحَدَّاءِ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ إِلَى جَانِبِكُمْ مَقْبَرَةٌ يُقَالُ لَهَا: «بَرَاءُ» يَحْشَرُ مِنْهَا عَشْرُونَ وَمِائَةً أَلْفَ شَهِيدٍ كَشَهِدَاءِ بَدْرٍ».

٧- وَ رَوَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ «قَالَ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَاتَ فِي الطَّرِيقِ لَمْ يُعْرَضْ وَلَمْ يَحْصَبْ، وَيُقَالُ لَهُ: ادْخُلِ الْجَنَّةَ آمِنًا».

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

٨- حَدَّثَنِي أَبِي ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمَا اللَّهُ - جَمِيعًا، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ السَّحْتِ الْخَزَّازُ قَالَ: حَدَّثَنَا حَفْصُ الْمَزْنِيُّ، عَنْ عُمَرَ بْنِ بِيَّاضٍ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ «قَالَ: قَالَ لِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام: يَا أَبَانَ مَتَى عَهْدُكَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قُلْتُ: لَا وَاللَّهِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؛ مَا لِي بِهِ عَهْدٌ مِذْ حِينَ، فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَأَنْتَ مِنْ رُؤَسَاءِ الشَّيْعَةِ تَتْرَكُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام، لَا تَزُورُهُ؟! مَنْ زَارَ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً، وَحُمِيَ عَنْهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَيِّئَةً، وَغُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، يَا أَبَانَ لَقَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَهَبْطْ عَلَى قَبْرِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ شُعْثَ غُبَرٍ يَبْكُونَ عَلَيْهِ وَ يَنْوَحُونَ عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابی یحیی واسطی، از ابی الحسن الحذاء وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: در طرف شما مقبره‌ای است که به آن «برائا» گویند از آن صد و بیست هزار شهید محشور شده همچون شهداء بدر.

﴿ حدیث هفتم ﴾

و از محمد بن مروان روایت شده که گفت: محمد بن الفضل می‌گوید: از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:

کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان زیارت کند و در راه فوت شود در معرض عتاب و خطاب او را نیاورده و نسبت به اعمالش محاسبه صورت نگرفته بلکه، به او گفته می‌شود: داخل بهشت شو در حالی که در امان هستی.

﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم و محمد بن الحسن رحمه الله علیهما جمیعاً از حسین بن سعید، وی گفت: علی بن سحمت خزاز برایم نقل نمود و گفت: حفص مزنی، از عمر بن بیاض، از ابان بن تغلب نقل کرد که وی گفت: حضرت جعفر بن محمد علیه السلام به من فرمودند:

ای ابان چه وقت قبر حسین علیه السلام را زیارت کردی؟
عرض کردم: به خدا سوگند ای پسر رسول خدا تا بحال به زیارت آن حضرت نرفته‌ام.

حضرت فرمودند:

سبحان الله، تو از رؤسای شیعه هستی و زیارت امام حسین علیه السلام را ترک می‌کنی، به زیارتش نمی‌روی!؟

کسی که حسین علیه السلام را زیارت کند خداوند به هر قدمی که برمی‌دارد یک حسنه برایش می‌نویسد و از او در مقابل هر قدمش یک گناه محو می‌فرماید و تمام گناهان سابق و لاحقش را می‌آمرزد، ای ابان وقتی حسین علیه السلام کشته شد هفتاد هزار فرشته ژولیده و غبار آلود بر قبرش از آسمان هبوط کرده و از آن تاریخ تا ظهور قیامت بر او گریه و نوحه سرائی می‌نماید.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَنَمِ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام: أَيُّهُمَا أَفْضَلُ: رَجُلٌ يَأْتِي مَكَّةَ وَلَا يَأْتِي الْمَدِينَةَ، أَوْ رَجُلٌ يَأْتِي النَّبِيَّ وَلَا يَأْتِي مَكَّةَ؟ قَالَ: فَقَالَ لِي أَيُّ شَيْءٍ تَقُولُونَ أَنْتُمْ؟ فَقُلْتُ: نَحْنُ نَقُولُ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَكَيْفَ فِي النَّبِيِّ؟ قَالَ: أَمَّا لَنْ قُلْتُ ذَلِكَ لَقَدْ شَهِدَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عِيداً بِالْمَدِينَةِ فَانصَرَفَ فَدَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ لِمَنْ حَضَرَهُ: أَمَّا لَقَدْ فَضَّلْنَا أَهْلَ الْبِلْدَانِ كُلَّهُمْ مَكَّةَ فَيَمْنُ دُونَهَا لِسَلَامِنَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم».

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ: نَكُونُ بِمَكَّةَ أَوْ بِالْمَدِينَةِ أَوْ بِالْحَائِرِ أَوْ الْمَوَاضِعِ الَّتِي يَرْجَى فِيهَا الْفَضْلُ، فَرَجَاءُ يَخْرُجُ الرَّجُلُ لِيَتَوَضَّأَ فَيَجِيَّ آخِرَ

فیصیر مکانه، قال: من سبق إلى موضع فهو أحقُّ به يومه و ليلته».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از معلى بن محمد البصرى، از على بن اسباط، از حسن بن جهم، وی گفت: محضر ابی الحسن الرضا علیه السلام عرض کردم: کدام یک از این دو عمل افضل است:

اینکه شخصی به مکه رفته و مدینه نرود یا به زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه رفته و به مکه نرود؟

راوی گفت: حضرت به من فرمودند:

شما کدام را افضل می دانید؟

عرض کردم: ما درباره زیارت امام حسین علیه السلام زیارت آن جناب را از مکه رفتن افضل می دانیم چه رسد به زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله.

حضرت فرمودند: آگاه باش اگر این کلام را بگوئی صحیح و درست است چه آنکه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در یکی از اعیاد در مدینه حضور بهم رسانده و سپس مراجعت نموده داخل بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله شدند و بر آن حضرت سلام کرده و سپس به کسانی که برای زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله حاضر شده بودند فرمودند:

بدانید ما بر تمام اهل شهرها، مکه و غیر آن تفضیل داده شده ایم زیرا بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام کرده ایم.

﴿ حدیث دهم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن اسماعيل بن بزيع...

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه اش تحت رقم شماره (۴) از همین باب قبلاً نقل شد.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَلِيْمَانَ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام « قَالَ: لَمَّا أُسِرِيَ بِالنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله إِلَى السَّمَاءِ قِيلَ لَهُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَخْتَبِرُكَ فِي ثَلَاثَ لَيَظْرُكَ كَيْفَ صَبْرُكَ، قَالَ: أَسْلَمَ لِأَمْرِكَ يَا رَبِّ وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الصَّبْرِ إِلَّا بِكَ فَا هُنَّ؟ قِيلَ لَهُ: أَوْ هُنَّ بِالْجُوعِ وَالْأَثَرَةِ عَلَى نَفْسِكَ وَعَلَى أَهْلِكَ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ، قَالَ: قَبِلْتُ يَا رَبِّ وَرَضِيْتُ وَسَلَّمْتُ وَمَنْكَ التَّوْفِيقَ وَالصَّبْرَ، وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَالْتَّكْذِيبَ وَالْخَوْفَ الشَّدِيدَ وَبَذْلَكَ مُهْجَتَكَ فِي مُحَارَبَةِ أَهْلِ الْكُفْرِ بِمَا لَكَ وَنَفْسِكَ، وَالصَّبْرَ عَلَى مَا يَصِيبُكَ مِنْهُمْ مِنَ الْأَذَى وَمِنْ أَهْلِ النِّفَاقِ، وَالْأَلَمَ فِي الْحَرْبِ وَالْجِرَاحِ، قَالَ: قَبِلْتُ يَا رَبِّ وَرَضِيْتُ وَسَلَّمْتُ وَمَنْكَ التَّوْفِيقَ وَالصَّبْرَ، وَأَمَّا الثَّالِثَةُ فَمَا يَلْقَى أَهْلَ بَيْتِكَ مِنْ بَعْدِكَ مِنَ الْقَتْلِ، أَمَّا أَخُوكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَمِنْ أُمَّتِكَ الشُّتْمَ وَالتَّعْنِيفَ وَالتَّوْبِيخَ وَالْجِرْمَانَ وَالْمُحَدَّ وَالظُّلْمَ وَآخِرُ ذَلِكَ الْقَتْلُ، فَقَالَ: يَا رَبِّ قَبِلْتُ وَرَضِيْتُ وَمَنْكَ التَّوْفِيقَ وَالصَّبْرَ، وَأَمَّا ابْنَتُكَ فَتَظْلَمَ وَتَحْرَمَ وَيُؤْخَذُ

حَقُّهَا غَضَباً الَّذِي تَجْعَلُهُ لَهَا وَتُضْرَبُ وَهِيَ حَامِلٌ وَيدخل عليها وعلى
 حريمها و منزلها بغير اذن ثمَّ يمسها هوان و ذلٌّ، ثمَّ لا تجد مانعاً
 و تطرح ما في بطنها من الضرب و تموت من ذلك الضرب، قال: إنا لله
 و إنا إليه راجعون، قَبِلْتُ يَا رَبُّ و سَلِمْتُ و منك التَّوْفِيقُ و الصَّبْرُ،
 و يكون لها مِن أَخِيكَ ابْنَانِ يَقْتُلُ أَحَدُهُمَا عَدْرًا و يُسَلِّبُ و يطعن، تفعل
 به ذلك أَمَّتَكَ، قلت: يَا رَبُّ قَبِلْتُ و سَلِمْتُ إنا لله و إنا إليه راجعون، و
 منك التَّوْفِيقُ لِلصَّبْرِ.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سلیمان،
 از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از
 حماد بن عثمان، از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) حضرت فرمودند:

زمانی که نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) را به آسمان سیر دادند به حضرتش عرض شد:
 خداوند تبارک و تعالی می خواهد شما را در سه چیز بیازماید تا صبر شما را
 ببیند، حضرت عرض کرد: پروردگارا من تسلیم امر تو هستم، من توان صبر را
 ندارم مگر به کمک تو، آن سه چیز کدامند؟
 به حضرتش گفته شد:

اول آنها جوع و گرسنگی و ضیق بر خودت و بر اهلت.

حضرت عرض کرد: پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و از
 تو توفیق و صبر می خواهم.

و اما دوم: آنکه تکذیب شده و خوف شدید بر تو عارض گشته و در محاربه با
 اهل کفر مال و نفس خویش را بذل کرده و بر اذیت و آزاری که از ناحیه ایشان و
 اهل نفاق به تو می رسد صبر کرده و درد و جراحاتی که در حرب بر تو وارد

می شود را تحمل کنی.

حضرت عرض کرد:

پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و از تو توفیق و صبر می خواهم.

و اما سؤم: عبارت است از آنچه بعد از تو به اهل بیت متوجه می شود و آن قتل و کشته شدن ایشان است.

اما برادرت علی: از ناحیه امتت، فحش و درشتی و سرزنش و حرمان از حق و انکار و ظلم به او متوجه شده و در آخر او را خواهند کشت.
عرض کرد:

پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و از تو توفیق و صبر می خواهم.

و اما دخترت: مورد ستم قرار گرفته، حقش را غصب می کنند، او را می زنند در حالی که حامل و باردار است به حریم و منزلش بدون اذن وی داخل شده و افراد پست و فرومایه او را رنجور می نمایند و وی مانع و دافعی نیافته و بدنبال ضرب و کتبی که می خورد حملش سقط شده و از ناحیه آن فوت و رحلت می کند.
حضرت عرض کرد:

انا لله و انا الیه راجعون، پذیرفتم و راضی شده و تسلیم آن بوده و از تو توفیق و صبر می خواهم سپس به حضرتش گفته شد:

برای دخترت از برادرت دو پسر می باشد که یکی از آن دو را امتت با حيله و نیرنگ می کشند، لباسش را از او سلب نموده و مورد طعن و سرزنش ها قرار می دهند.

حضرت عرض کرد:

پروردگارا پذیرفتم و تسلیم آن شده و انا لله و انا الیه راجعون و از تو توفیق برای صبر می خواهم.

متن:

و أمّا ابنها الآخر فتدعوهُ أُمَّتَكَ لِلجِهَادِ ثُمَّ يَقْتُلُونَهُ صَبْرًا، وَيَقْتُلُونَ
وُلْدَهُ وَمَنْ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، ثُمَّ يَسْلُبُونَ خَرَمَهُ، فَيَسْتَعِينُ بِي وَ قَدْ مَضَى
القَضَاءُ مَتَى فِيهِ بِالشَّهَادَةِ لَهُ وَلِمَنْ مَعَهُ، وَيَكُونُ قَتْلُهُ حُجَّةً عَلَى مَنْ بَيْنَ
قَطْرِيهَا، فَيُكَيِّدُهُ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلُ الْأَرْضِينَ جَزَعًا عَلَيْهِ، وَتَبْكِيهِ
مَلَائِكَةُ لَمْ يَدْرِكُوا نَصْرَتَهُ، ثُمَّ أُخْرِجَ مِنْ صُلْبِهِ ذِكْرًا بِهِ أَنْصَرَكِ وَأَنَّ
شَبِيحَهُ عِنْدِي تَحْتَ الْعَرْشِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ بِالْعَدْلِ وَيَطْبِقُهَا بِالْقِسْطِ، يَسِيرُ
مَعَهُ الرُّعْبُ، يَقْتُلُ حَتَّى يَشْكَّ فِيهِ، قُلْتُ: إِنَّا لِلَّهِ!

فَقِيلَ: ارْفَعْ رَأْسَكَ، فَنَظَرْتُ إِلَى رَجُلٍ أَحْسَنَ النَّاسِ صُورَةً وَأَطْيَبَهُمْ
رِيحًا، وَالتُّورُ يَسْطِعُ مِنْ بَيْنِ عَيْنَيْهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، فَدَعَا نِي
فَأَقْبَلَ إِلَيَّ وَعَلَيْهِ ثِيَابُ التُّورِ وَسَيَاكُلُ خَيْرَ حَقٍّ قَبْلَ بَيْنِ عَيْنِي، وَنَظَرْتُ
إِلَى الْمَلَائِكَةِ قَدْ حَقَّوْا بِهِ، لَا يَحْصِيهِمْ إِلَّا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فَقُلْتُ: يَا رَبُّ لِمَنْ
يَغْضَبُ هَذَا وَلِمَنْ أَعْدَدْتَ هَؤُلَاءِ؟ وَقَدْ وَعَدْتَنِي النَّصْرَ فِيهِمْ فَأَنَا أَنْتَظِرُهُ
مِنْكَ؟ وَهَؤُلَاءِ أَهْلِي وَأَهْلُ بَيْتِي وَقَدْ أَخْبَرْتَنِي مِمَّا يَلْقَوْنَ مِنْ بَعْدِي وَلَنْ
شَنْتَ لِأَعْطَيْتَنِي الْبَصَرَ فِيهِمْ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْهِمْ، وَقَدْ سَلَّمْتُ وَقَبَلْتُ وَ
رَضِيتُ وَمِنْكَ التَّوْفِيقُ وَالرِّضَا وَالْعَوْنُ عَلَى الصَّبْرِ، فَقِيلَ لِي أَمَّا أَخُوكَ
فَجَزَاؤُهُ عِنْدِي جَنَّةُ الْمَأْوَى نَزْلًا بِصَبْرِهِ، أَفْلَحَ حُجَّتُهُ عَلَى الْخَلَائِقِ يَوْمَ
الْبَعْثِ، وَأُولِيهِ خَوْضُكَ يَسْقِي مِنْهُ أَوْلِيَاءُكُمْ وَيَمْنَعُ مِنْهُ أَعْدَاءُكُمْ، وَ
أَجْعَلُ جَهَنَّمَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا، يَدْخُلُهَا فَيُخْرِجُ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ
ذَرَّةٍ مِنَ الْمَوَدَّةِ، وَأَجْعَلُ مَنَازِلَكُمْ فِي دَرَجَةٍ وَاحِدَةٍ فِي الْجَنَّةِ، وَأَمَّا ابْنُكَ
الْمُخْذُولُ الْمَقْتُولُ، وَابْنُكَ الْمَعْذُورُ الْمَقْتُولُ صَبْرًا، فَإِنَّهُمَا مِمَّا أَرْزَيْنِ

بهما عرشي، ولهما من الكرامة سوى ذلك مما لا يخطر على قلب بشر
لما أصابهما من البلاء فعلي فتوكل، ولكل من أتى قبره من الخلق من
الكرامة لأن زواره زوّارك و زوّارك زوّاري، و عليّ كرامة زوّاري و
أنا أعطيه ما سأل و أجزيه جزاء يغبطه من نظر إلى عظمي إتياء، و ما
أعددت له من كرامتي.

ترجمه: ﴿دنباله حدیث یازدهم﴾

و اما فرزند دیگرش را امتّ برای جهاد دعوت کرده سپس او را با طرز بد
و ناهنجاری می‌کشند، فرزندانش و آنچه از اهل بیتش با او باشند را می‌کشند
و سپس حرمش را اسیر می‌کنند، پس از من کمک و استعانت می‌جوید ولی حکم
از من صادر شده که وی و تمام آنانکه با او هستند شهید شوند، قتل او حجت
است بر کسانی که بین دو طرف زمین می‌باشند، اهل آسمان‌ها و سکنه زمین بر او
گریسته و جزع و بی‌تابی می‌کنند، و فرشتگانی که نتوانستند او را یاری کنند بر
این امر می‌گیرند، سپس از صلب و پشت او فرزندی خارج می‌کنم که بواسطه‌اش
تو را نصرت و یاری می‌نمایم، شیخ و تمثال آن فرزند نزد من بوده و تحت عرش
می‌باشد، به واسطه او زمین را پر از عدل و داد کرده و رعب و وحشت با او سیر و
حرکت می‌کند، آن قدر از مردم بکشد که در او شک کنند که آیا حجت خدا است
یا نه عرض کردم: انالله!

به آن حضرت گفته شد:

سرت را بالا کن، پس نظر کردم به مردی که زیباترین مردم از حیث صورت
و خوش‌ترین آنها از جهت بو، بود، نور از بین دو دیدگان و بالای سر و پائین
پاهایش ساطع و درخشان بود، پس او را خواندم، به سویم آمد در حالی که بر او
جامه‌هایی از نور بود به من رسید تا بین دو چشمم را برسید نگریستم به

فرشتگانی که دور او را حلقه زده بودند و عدد آنها را غیر از خداوند عز و جل دیگر نمی دانست عرض کردم:

پروردگارا، این شخص برای چه کسی غضب کرده و این گروه فرشتگان را برای چه شخصی آماده کرده‌ای؟

به من وعده نصرت در ایشان داده‌ای پس انتظار آن را از تو دارم، ایشان اهل و اهل بیت من بوده، تو خودت از ایداء و آزادی که بعد از من به ایشان می‌رسد به من خبر دادی و اگر بخواهی حتماً می‌توانی بواسطه ایشان آنان را که ظلم و ستم به اهل بیت من کرده‌اند منکوب و ذلیل کرده و بدین وسیله من را نصرت نمائی و من تسلیم تو بوده و پذیرفته و راضی بوده و از تو می‌خواهم که به من توفیق و رضا و بخشودی را اعطاء کرده و بر صبر نمودن کمک نمائی.

به من گفته شد:

اما برادرت، پاداش او نزد من محفوظ بوده و آن این است که منزلگاهش را بواسطه صبری که نموده بهشت برین قرار می‌دهم، در روز بعث و قیامت حجتش بر خلائق ظهور می‌یابد، او را بر حوض کوثر متولی گردانده تا دوستان شما را سیراب و دشمنانتان را از نوشیدن آب باز دارد، جهنم را بر او خنک و آرام قرار می‌دهم، هر کس که در قلبش به قدر مثقالی از محبت و مودت او باشد در جهنم داخل شده و بدون اینکه آسیبی به او وارد شود از آن خارج می‌گردد و قرار می‌دهم منزل شما را در یک درجه و یک مرتبه از بهشت.

و اما فرزندان که منکوب و مقتول واقع شد (مقصود حضرت مجتبی علیه السلام است) و آن فرزندان که با طرزی فجیع و ناهنجاری کشته شده (منظور حضرت امام حسین علیه السلام است) عرش خود را با این دو زینت خواهم نمود و چنان کرامتی غیر از این به آن دو دهم که بر قلب هیچ بشری خطور نکرده باشد و آن بخاطر بلا و مصیبت‌هایی است که به ایشان رسیده، پس بر من اعتماد و توکل کن.

و نیز به کسانی که به زیارتش روند نیز این کرامت را اعطاء می‌کنم چه آنکه زوَّار او زوَّار تو بوده و زوَّار تو زوَّار من هستند و هر من حتم و لازم است که به زوَّارم این کرامت را عنایت نمایم و نیز آنچه را از من سؤال کنند به آنها خواهم داد و جزا و پاداشی به ایشان دهم که دیگران به آن غبطه برند.

معن:

و أما ابتك فإني أوقفها عند عرشي فيقال لها: إنَّ الله قد حكَمَ في خلقه فمن ظلمك و ظلم و لَدِكِ فاحكي فيه بما أَحَبَّتْ فإني أُجِيزُ حكومتك فيهم، فتشهد العرصة فإذا وقف من ظلمها أمرتُ به إلى الثَّار، فيقول الظَّالم: و احسرتا! على ما فرطتُ في جنب الله، و يميتي الكَرَّة، و يعضُّ الظَّالم على يديه و يقول: ياليتني اتَّخَذْتُ مع الرَّسول سَبِيلاً، و يا ويلتي ليتني لم أَعِجِدْ فلاناً خليلاً، و قال: حقٌّ إذا جاءنا قال: يا ليت بيني و بينك بُعْدُ المَشْرِقَيْنِ فَبُشِّ القَرَيْنِ، و لَسْتُ يَنْفَعَكُم اليَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْكُم في العذاب مُشْرَكُونَ، فيقول الظَّالم: أنتَ تُحَكِّمُ بين عبادك فيما كانوا فيه يَخْتَلِفُونَ، أو الحكم لغيرك، فيقال لهم: ألا لعنة الله عَلَى الظَّالِمِينَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عن سَبِيلِ الله و يَبْغُونَهَا عِوَجاً و هم بِالآخِرَةِ كَافِرُونَ، و أَوَّلُ من يَحْكُمُ فيه - حسن بن عليٍّ ؑ في قاتله، ثُمَّ في قَنَفِذَ قِيوْتِيانِ هو و صاحبه فيضربان بسياط من نار، لو وقع سوط منها على البحار لغلَّت من مشرقها إلى مغربها، و لو وضعت على جبال الدُّنيا لذابَتْ حَتَّى تَصِيرَ رَمَاداً فيضربان بها، ثُمَّ يَجْثُو أُمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ؑ بين يدي الله للخصومة مع فلان في جَبِّ فيطبق عليهم، لا يراهم أحد ولا

یرون أحداً فيقول الذين كانوا في ولا يهتم: ربنا أرنا الذين أضلنا من الجنّ و الأنس، نجعلها تحت أقدامنا ليكونا من الأسفلين، قال الله عزوجل: «وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْكُمُ فِي الْقَذَابِ مُشْتَرِكُونَ» فعند ذلك ينادون بالويل و الثبور، و يأتيان المحوض فيسألان عن أمير المؤمنين (ع) و معهم حفظة فيقولان: اعف عنا و اسقنا و تخلصنا، فيقال لهم: فلما رأوه زلفة سيئت و جوه الذين كفروا، و قيل: هذا الذي كنتم به تدعون بإمرة المؤمنين، ارجعوا ظماء مظمئين إلى النار فاشربكم إلا الحميم و الغسلين و ما تنفعكم شفاعة الشافعين».

﴿ دنباله حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

و اما دخترت:

او را نزد عرش نگه داشته، پس به او گفته می شود: خداوند تو را در میان خلقتش حاکم قرار داد، پس کسی که به تو و به فرزندان ظلم نموده در او حکم نما به آنچه خواهی و من حکم تو را بر ایشان اجراء خواهم نمود، آن حضرت در عرصه قیامت حاضر شده و وقتی اشخاصی که به او ظلم و ستم کرده اند در آنجا ایستادند، امر می کند که ایشان را در آتش بیاندازند.
پس ظالم می گوید: واحسرتا علی ما فرطت فی جنب الله (فریاد و احسرتا بر آورد و گوید:

ای وای بر من که جانب خدا را فرو گذاشته و در حق خود ظلم و تفریط کردم) و به دنبال آن آرزوی بازگشت به دنیا را می کند و دو دست خود را از ناراحتی و شدت عذاب می گرد و می گوید: یالیتنی اتخذت مع الرسول سبیلاً (ای کاش من در دنیا با رسول حق راه دوستی و طاعت پیش می گرفتم).
یا ویلتا لیتی لم اتخذ فلاناً خلیلاً (وای بر من کاش فلان کافر و فلان فاسق را

دوست خود قرار نمی‌دادم) نیز می‌گوید:

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِين (تا وقتی که از دنیا به سوی ما باز آید آن گاه با نهایت حسرت می‌گوید: ای کاش میان من و آن شیطان فاصله‌ای به دوری مشرق و مغرب بود که او همنشین بسیار بدی برای من بود).

و نیز می‌گوید:

وَلِي يَنْفَعَكُم الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْتُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (وای ستم کاران هرگز در آن روز پشیمانی به حال شما سودی ندارد زیرا در دنیا ظلم کردید و امروز با شیاطین در عذاب دوزخ شریک هستید)

و نیز می‌گوید:

أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (تو خود میان بندگان در آنچه خلاف و نزاع می‌کنند حکم فرما)

پس به ایشان گفته می‌شود:

آگاه باشید: لعنت خدا بر ستمکاران باد آنانکه بندگان خدا را از راه خدا باز می‌دارند و راه کج را می‌طلبند و به عالم آخرت اعتقاد ندارند.

و اولین نفری که در ظالمین حکم نموده و ایشان را محاکمه می‌فرماید حضرت حسن بن علی علیه السلام است که در قاتل خویش به حکومت می‌پردازد و سپس قنفذ (قاتل حضرت زهرا سلام الله علیها) را مورد محاکمه قرار می‌دهد پس قاتل آن حضرت و قنفذ و صاحب قنفذ را آورده سپس با تازیانه‌ئی از آتش ایشان را می‌زنند، اگر یکی از این تازیانه‌ها در دریا بیفتد از شرق تا غرب دریا به غلیان و جوش آمده چنانچه اگر آن را روی کوه‌های دنیا بیاندازند آنها را ذوب کرده تا خاکستر شوند پس با این تازیانه‌ها ایشان را می‌زنند.

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام روی انگشت پاها در مقابل حق تعالی برای خصومت و دادخواهی با فلانی که در چاه عذاب است می‌ایستد، پس چاه را بر ایشان

می‌بندد به طوری که کسی ایشان را ندیده و آنان نیز کسی را نبینند، پس آنانکه در ولایت و دوستی این ظالمین بودند می‌گویند:

پروردگارا به ما نشان بده جن و انسی که ما را گمراه کردند، تا ایشان را زیر قدم های خود گذاشته تا از اسفلین باشند.

خداوند عزوجل می‌فرماید:

«وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْتُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ»

در این وقت ایشان با صدای بلند می‌گویند: وای بر ما هلاک شدیم.

آن دو نفر بر سر حوض کوثر حاضر شده و از امیرالمؤمنین علیه السلام درخواست آب می‌کنند در حالی که با ایشان نگهبانانی همراه هستند، پس آن دو نفر می‌گویند: ما را عفو کنید و سیرابمان نموده و رهایمان بنمائید.

به ایشان گفته می‌شود:

چون کافران آن عذاب سخت را به چشم خود نزدیک دیدند رخسارشان سیاه و زشت شود و به آنها گویند این همان عذابی است که بواسطه ظلمی که به امیرمؤمنان نمودید مستحقش می‌باشید، با حالت تشنگی به جهنم برگردید آب شما تنها حمیم (آب سوزان و گرم جهنم که از عرق دوزخیان جاری است) و غسلین (آبی متعفن که از پوست و گوشت اهل دوزخ جریان دارد) می‌باشد و امروز شفاعت شافعین نفعی برای شما ندارد.

متن:

۱۲- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ جَدِّهِ، «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّمَا أَفْضَلِ: الْحَجُّ أَوَالِصَّدَقَةُ؟ قَالَ: هَذِهِ مَسْأَلَةٌ فِيهَا مَسْأَلَتَانِ، قَالَ: كَمْ الْمَالُ؟ يَكُونُ مَا

يَحْمِلُ صَاحِبَهُ إِلَى الْحَجِّ؟ قَالَ: قُلْتُ: لَا، قَالَ: إِذَا كَانَ مَالاً يَحْمِلُ إِلَى الْحَجِّ فَالْصَّدَقَةُ لَا تَعْدِلُ الْحَجَّ، الْحَجُّ أَفْضَلُ، وَإِنْ كَانَتْ لَا يَكُونُ إِلَّا الْقَلِيلُ فَالْصَّدَقَةُ، قُلْتُ: فَالْجِهَادُ؟ قَالَ: الْجِهَادُ أَفْضَلُ الْأَشْيَاءِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ فِي وَقْتِ الْجِهَادِ، وَقَالَ: وَلَا جِهَادَ إِلَّا مَعَ الْإِمَامِ، قُلْتُ: فَالزِّيَارَةُ؟ قَالَ: زِيَارَةُ النَّبِيِّ ﷺ وَزِيَارَةُ الْأَوْصِيَاءِ وَزِيَارَةُ حَمَزَةَ، وَبِالْعِرَاقِ زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ ﷺ، قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ زَارَ الْحُسَيْنِ ﷺ؟ قَالَ: يَخْوُضُ فِي الرَّحْمَةِ، وَ يَسْتَوْجِبُ الرِّضَا، وَ يَصْرِفُ عَنْهُ السَّوْءَ وَ يَدْرُ عَلَيْهِ الرِّزْقَ، وَ تَشِيَّعُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَ يَلْبَسُ نُوراً تَعْرِفُهُ بِهِ الْحَفِظَةُ، فَلَا يَمُرُّ بِأَحَدٍ مِنَ الْحَفِظَةِ إِلَّا دَعَا لَهُ».



◆ حدیث دوازدهم ◆

ترجمه:

محمد بن الحسن بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از جدش، وی گفت: محضر حضرت ابی عبدالله ﷺ عرض کردم: فدایت شوم حج افضل است یا دادن صدقه؟ حضرت در جواب فرمودند:

این سؤال مشتمل بر دو سؤال است:

الف: مالی که آن را صدقه می دهند چقدر است؟

ب: آیا به مقداری که صاحبش را به حج برساند می باشد یا نه؟

راوی می گوید: عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

اگر مال صاحبش را به حج برساند، صدقه معادل حج نیست یعنی این مال را اگر صرف حج کند افضل است و اگر به این مقدار نباشد، پس صدقه دادن افضل

می باشد.

عرض کردم: جهاد چه طور است؟

حضرت فرمودند:

پس از فرائض جهاد در وقتش افضل اشیاء است و باید توجه داشت که جهاد مشروع نیست مگر با دستور امام علیه السلام.

عرض کردم: زیارت چه طور است؟

حضرت فرمودند:

زیارات عبارتند از زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و زیارت اوصیاء و زیارت حمزه و زیارت حسین علیه السلام در عراق، کدام منظور تو است؟

عرضه داشتم: چه ثوابی برای زیارت حسین علیه السلام است؟

حضرت فرمودند:

زائر حسین علیه السلام در رحمت الهی فرو می رود و زیارتش سبب خشنودی و رضایت حق می باشد، بدی ها از او دفع گشته، روزی به دنبالش بوده، فرشتگان مشایعتش نموده، نوری او را پوشانده که فرشتگان حافظ و نگهبان بدین وسیله او را می شناسند از اینرو به هیچیک فرشته نگهبان و حافظی عبور نمی کند مگر آنکه او برایش دعاء می نماید.

متن:

۱۳- و روی أحمد بن جعفر البلدی، عن محمد بن یزید البکری، عن منصور بن نصر المدائنی، عن عبدالرحمن بن مسلم «قال: دخلت علی کاظم علیه السلام فقلت له: أیما أفضل: زیارة الحسین بن علی أو أمير المؤمنين علیه السلام؟ أو الفلان و فلان، و سمیت الأئمة واحداً واحداً، فقال لی: یا عبدالرحمن من زار أولنا فقد زار آخرنا و من زار آخرنا فقد

زَارَ أَوْلَنَا، و من تَوَلَّى أَوْلَنَا فَقَدْ تَوَلَّى آخِرَنَا، و مَنْ تَوَلَّى آخِرَنَا فَقَدْ تَوَلَّى أَوْلَنَا، و من قَضَى حَاجَةً لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَانَا فَكَأَنَّمَا قَضَاهَا لِأَجْمَعِنَا، يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ أَحِبَّنَا وَ حُبِّ مَنْ يُحِبُّنَا وَ أَحِبِّ فِينَا، وَ احْبِبْ لَنَا وَ تَوَلَّنَا وَ تَوَلَّ مَنْ يَتَوَلَّنَا، وَ أَبْغُضْ مَنْ يَبْغُضُنَا، أَلَا وَ إِنَّ الرَّادَّ عَلَيْنَا كَالرَّادِّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ جَدَّنَا، وَ مَنْ رَدَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ، أَلَا يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ وَ مَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا وَ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَ مَنْ أَبْغَضَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَصْلِيَهُ النَّارُ وَ مَا لَهُ مِنْ نَصِيرٍ».

« حدیث سیزدهم »

ترجمه:

احمد بن جعفر بلدی روایت کرد از محمد بن یزید بکری، از منصور بن مدائنی، از عبدالرحمن بن مسلم وی گفت: بر حضرت کاظم علیه السلام داخل شده و محضرش عرض کردم:

زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام افضل است یا زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام یا فلان و فلان و یک یک اسامی ائمه علیهم السلام را بردم؟ حضرت به من فرمودند:

ای عبدالرحمن، کسی که اول نفر ما را زیارت کند پس محققاً آخرین ما را نیز زیارت کرده و بالعکس اگر آخرین نفر ما را زیارت کند اولین نفر از ما را نیز زیارت کرده، و کسی که اولین نفر ما را دوست بدارد قطعاً آخرین ما را نیز دوست داشته و بالعکس اگر آخرین نفر ما را دوست بدارد اولین نفر ما را نیز دوست دارد و کسی که حاجتی از دوستان ما را روا کند گویا برای جمیع ما حاجتی را بر آورده است، ای عبدالرحمن ما را دوست بدار و کسی که محب ما هست را نیز دوست بدار و دوستیت در راه ما باشد، دوست بدار برای ما و بخواه

ما را و بخواه کسی را که ما را بخواهد و بپسندد بهادر کنی که دشمن ماهست، آگاه باش کسی که ما را رد و انکار کند گویا دشمن خدا که جد ما است را انکار کرده و کسی که رسول خدا ﷺ را انکار کند خدا را انکار کرده، آگاه باش ای عبدالرحمن کسی که نسبت به ما بغض و کینه داشته باشد پس نسبت به حضرت محمد بغض دارد و کسی که نسبت به حضرت محمد بغض داشت نسبت به خدا بغض دارد و کسی که خدا را مبعوض داشت بر خدا است که او را به جهنم داخل کرده و برایش یآوری نمی باشد.

متن:

۱۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَكْبِيِّ «قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: لَمَّا قَتَلَ الْحُسَيْنِ ﷺ مَعَ أَهْلِنَا قَائِلًا بِالْمَدِينَةِ يَقُولُ: الْيَوْمَ نَزَلَ الْبَلَاءُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ فَلَا تَرَوْنَ فَرْحًا حَتَّى يَقُومَ قَائِمُكُمْ فَيُشْنِي صُدُورَكُمْ وَيَقْتُلُ عِدْوَكُمْ، وَيُنَالُ بِالْوَتَرِ أَوْتَارًا، فَفَزِعُوا مِنْهُ وَقَالُوا: إِنَّ هَذَا الْقَوْلَ لِحَادِثًا قَدْ حَدَّثَ مَا لَا نَعْرِفُهُ، فَأَتَاهُمْ خَبَرُ قَتْلِ الْحُسَيْنِ ﷺ بَعْدَ ذَلِكَ فَحَسِبُوا ذَلِكَ، فَإِذَا هِيَ تِلْكَ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَكَلَّمُ فِيهَا الْمُتَكَلِّمُ، فَقُلْتُ لَهُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ إِلَى مَتَى أَنْتُمْ وَنَحْنُ فِي هَذَا الْقَتْلِ وَالْخَوْفِ وَالشُّدَّةِ؟ فَقَالَ: حَتَّى يَأْتِيَ سَبْعُونَ فَرَجًا أَجْوَابَ وَيَدْخُلُ وَقْتُ السَّبْعِينَ، فَإِذَا دَخَلَ وَقْتُ السَّبْعِينَ أَقْبَلَتِ الرَّاياتُ تَرَى كَأَنَّهَا نِظَامٌ، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الْوَقْتَ قَرَّتْ عَيْنُهُ.

إِنَّ الْحُسَيْنِ ﷺ لَمَّا قَتَلَ أَتَاهُمْ آتٍ وَهُمْ فِي الْمُعْشَرِ فَصَرَخَ فَزَبَرُ، فَقَالَ لَهُمْ: وَكَيْفَ لَا أَصْرُخُ وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَائِمٌ يَنْظُرُ إِلَى الْأَرْضِ مَرَّةً، وَإِلَى

حزبكم مرة، و أنا أخاف أن يدعوا لله على أهل الأرض فأهلك فيهم، فقال بعضهم لبعض: هذا إنسان مجنون.

فقال التَّوَابُونَ: تالله ما صَنَعْنَا لأنفُسِنَا، قَتَلْنَا لَا بْنَ سُمَيَّةَ سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فخرجوا على عبيد الله بن زياد، فكان مِنْ أَمْرِهِمْ مَا كَانَ.

قال: فقلت له: جعلت فداك مَنْ هذا الصَّارِخُ؟ قال: ما نراه إِلَّا جَبْرِئِيلَ، أَمَّا إِنَّهُ لَوْ أَدْنَى لَهُ فِيهِمْ لَصَاحَ بِهِمْ صِيحَةً يُخْطَفُ بِهِ أَرْوَاحُهُمْ مِنْ أَبْدَانِهِمْ إِلَى النَّارِ، وَلَكِنْ أَهْمَلُ لِيَزِدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ، قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِيمَنْ يَتْرَكَ زِيَارَتَهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ؟ قال: إِنَّهُ قَدْ عَقَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَعَقَّنَا وَاسْتَخَفَّ بِأَمْرِ هَوْلِهِ، وَمَنْ زَارَهُ كَانَ اللَّهُ لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حَوَائِجُهُ، وَكَفَّاهُ مَا أَهْنَهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ، وَإِنَّهُ لِيَجْلِبُ الرِّزْقَ عَلَى الْعَبْدِ وَيُخْلِفُ عَلَيْهِ مَا أَنْفَقَ وَيَغْفِرَ لَهُ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَةً، وَيَرْجِعُ إِلَى أَهْلِهِ وَمَا عَلَيْهِ ذَنْبٌ وَلَا خَطِيئَةٌ إِلَّا وَقَدْ مَحِيَتْ مِنْ صَحِيفَتِهِ، فَإِنْ هَلَكَ فِي سَفَرِهِ نَزَلَتْ الْمَلَائِكَةُ ففَغَسَلْنَاهُ، وَفَتَحَ لَهُ بَابٌ إِلَى الْجَنَّةِ حَتَّى يَدْخُلَ عَلَيْهِ رُوحُهَا حَتَّى يَنْشُرَ، إِنْ سَلَّمَ فَتَحَ الْبَابَ الَّذِي يَنْزِلُ مِنْهُ رِزْقُهُ فَيَجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ دَرَاهِمٍ ائْفَقَهُ عَشْرَةُ آلَافٍ دَرَاهِمٍ وَذَخَرَ لَهُ ذَلِكَ فَإِذَا حُشِرَ قِيلَ لَهُ: بِكُلِّ دَرَاهِمٍ عَشْرَةُ آلَافٍ دَرَاهِمٍ، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ ذَخَّرَهَا لَكَ عِنْدَهُ».

الحمد لله ربِّ العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين.

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصغار، از عباس بن معروف، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از حسین، از حلبی، وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

هنگامی که حسین علیه السلام کشته شد اهل ما شنیدند قائلی در مدینه می گفت: امروز بلاء بر این امت نازل شد دیگر سرور و شادی نخواهند دید تا وقتی که قائم شما قیام کند و سینه ها را با قیامش شفاء داده و دشمنان را بکشد، و در مقابل آن تنها مانده ای که خونس قصاص نشد و به انتقام آن تنها مانده هائی را بکشد.

اهل ما از شنیدن این صدا به فرح آمده و گفتند: گوینده این صدا را ما نمی شناسیم کیست، پس بعداً که خبر شهادت حسین علیه السلام به ایشان رسید حساب کردند دقیقاً سخن و تکلم آن متکلم همان شبی بود که روزش حضرت امام حسین علیه السلام شهید شدند.

عرض کردم: فدایت شوم: تا کی شما و ما در سوز این کشتار و وقوع آن سوخته و در خوف و سختی بسر بریم؟

حضرت فرمودند: تا زمانی که هفتاد مرتبه رخنه و شکاف و فرجه پیدا شده بطوریکه بین هر فرجه و فرجه دیگر فاصله بوده و بهم متصل نباشند و وقت فرجه هفتادمین که رسید پرچم ها پیدا شده که بترتیب می آیند و سپس ایستاده و درنگ می کنند گویا مروارید هائی بوده که برشته کشیده شده اند پس کسی که آن وقت را درک کند چشمش روشن باد.

زمانی که حسین علیه السلام کشته شد شخصی در میدان حاضر شد در حالی که لشکریان اهل کفر در جایگاهشان بودند، پس آن شخص فریادی برآورد به طوری که تمام را از هر گونه حرکتی باز داشت، پس به آنها گفت:

چگونه فریاد نکنم و حال آنکه رسول خدا ﷺ ایستاده گاهی به زمین و گاهی به حرب و جنگ شما نظر می‌کنند و من خوف دارم که خدا را خوانده و اهل زمین را نفرین کرده پس حق تعالی ایشان را هلاک کند.

بعضی از لشکریان به برخی دیگر گفتند: این انسانی دیوانه است. توبه کنندگان در بین لشکر گفتند: به خدا سوگند ما برای خود این کار را نکرده بلکه بخاطر رضایت و خشنودی پسر سمیه سرور جوانان اهل بهشت را کشتیم. پس بر عیدالله بن زیاد خروج کرده و کارشان به آنجائی رسید که رسید. عرض کردم: فدایت شوم: این فریاد کننده چه کسی بود؟ حضرت فرمودند:

ما نمی‌بینیم او را مگر جبرئیل علیه السلام و همین قدر بدان اگر از خداوند اذن می‌داشت چنان صبحه می‌زد که جملگی قالب تهی کرده و روحشان به جهنم روانه می‌شد ولی مهلتشان داد تا به گناهان خویش افزوده و عذاب الیم و دردناک را برای خود فراهم کنند.

عرض کردم: فدایت شوم، چه می‌فرمائید راجع به کسی که بر زیارت آن حضرت قدرت دارد ولی معذک آن را ترک می‌کند؟ حضرت فرمودند:

وی عاق رسول خدا ﷺ و عاق ما بوده و به امری که باید به آن توجه می‌کرد استخفاف نموده و کسی که آن حضرت را زیارت کند خداوند متعال ماوراء حوائجش می‌باشد یعنی نیازمندی‌هایش را برآورده می‌کند و آنچه خواسته‌اش می‌باشد را کفایت می‌کند و نیز زیارت آن حضرت رزق را به بنده جلب کرده و آنچه را که باید وی خرج کند برایش باقی می‌گذارد و گناهان پتجاه سال او را خدا می‌آمرزد و پس از زیارت شخص به اهل خودش باز می‌گردد در حالی که هیچ گناه و لغزشی بر او نیست مگر آنکه تمام از نامه عملش محو می‌شود و اگر

در راه فوت کند فرشتگان بر او نازل شده و غسلش می دهند و دربی برایش به طرف بهشت گشوده می شود و روحش از آن داخل بهشت می گردد و اگر سالم ماند دربی که از آن روزی وی فرود می آید باز می شود و به هر یک درهمی که در این سفر و زیارت صرف کرده ده هزار درهم برایش منظور شده و آنها را برای او ذخیره می کنند و وقتی پس از مرگ محشور شد به او گفته می شود:

در مقابل هر یک درهم، ده هزار درهم داری که حق تعالی برای تو آنها را ذخیره کرده است.

پایان کتاب ترجمه کامل الزیارات تصنیف ابی القاسم جعفر بن
 محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه القمی رحمته الله بدست ناتوان
 سید محمد جواد ذهنی تهرانی در روز یکشنبه هفتم
 ماه ذیحجه الحرام سنه یک هزار و چهار صد و هیجده
 هجری قمری نزیل قم المشرفه و از خلاوند متعال
 تقاضا دارم که آن را خالصاً لوجه قبول
 فرماید بحق محمد و آله
 الطاهرین آمین یا
 رب العالمین.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

(۹)

.....

.....

فهرست مطالب

| | |
|-----|---|
| ۳ | مقدمه |
| ۶ | «باب ۱» ثواب زیارت پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین و حسنین صلوات الله علیهم اجمعین |
| ۱۰ | «باب ۲» ثواب زیارت رسول خدا (ص)..... |
| ۲۵ | «باب ۳» زیارت قبر رسول خدا (ص) و خواندن دهاء نیز بر آن..... |
| ۳۸ | کیفیت سلام حضرت موسی بن جعفر (ع) بر حضرت رسول اکرم (ص)..... |
| ۴۲ | آنچه واجب است در نزد قبر مطهر رسول خدا (ص) خوانده شود..... |
| ۴۶ | «باب ۴» فضیلت خواندن نماز در مسجد رسول خدا (ص) و ثواب و اجر آن..... |
| ۵۳ | «باب ۵» زیارت حضرت حمزه عموی گرامی رسول خدا (ص) و قیور شهداء..... |
| ۶۰ | «باب ۶» فضیلت و ثواب زیارت مشاهد مشرفه در مدینه..... |
| ۶۷ | «باب ۷» وداع قبر رسول خدا (ص)..... |
| ۷۱ | «باب ۸» فضیلت نماز خواندن در مسجد کوفه و مسجد سهله و ثواب آن..... |
| ۹۳ | «باب ۹» روشن نمودن و تعیین کردن مکان قبر امیرالمؤمنین (ص)..... |
| ۱۱۰ | «باب ۱۰» ثواب زیارت امیرالمؤمنین (ع)..... |
| ۱۱۷ | «باب ۱۱» زیارت قبر امیرالمؤمنین (ع) و کیفیت زیارت و خواندن دهاء در آنجا..... |

- ﴿باب ۱۲﴾ وداع قبر امیرالمؤمنین (ع) ۱۳۴
- ﴿باب ۱۳﴾ فضیلت آب فرات و نوشیدن و غسل نمودن در آن ۱۳۵
- ﴿باب ۱۴﴾ محبت حضرت رسول (ص) به حسین (ع) ۱۴۸
- ﴿باب ۱۵﴾ زیارت حضرت حسن بن علی (ع) و قبور ائمه معصومین (ع) ۱۵۸
- ﴿باب ۱۶﴾ در بیان خبر دادن جبرئیل (ع) از شهادت حضرت حسین بن علی (ع) ۱۶۴
- ﴿باب ۱۷﴾ سخن جبرئیل با رسول (ص) ... بعد از شهادت حسین (ع) را می‌کشند ۱۷۸
- ﴿باب ۱۸﴾ آیاتی که در باره شهادت امام حسین (ع) نازل شده است ۱۹۰
- ﴿باب ۱۹﴾ آگاه بودن انبیاء از شهادت حضرت حسین بن علی (ع) ۱۹۶
- ﴿باب ۲۰﴾ آگاهی فرشتگان از شهادت حضرت حسین بن علی (ع) ۲۰۳
- ﴿باب ۲۱﴾ لعنت نمودن حق متعال و انبیاء در حق قاتلین امام حسین (ع) ۲۰۵
- ﴿باب ۲۲﴾ کلام رسول الله (ص): بعد از من امت، حسین (ع) را می‌کشند ۲۱۰
- ﴿باب ۲۳﴾ گفتار امیرالمؤمنین (ع) راجع به شهادت امام حسین (ع) ۲۲۰
- ﴿باب ۲۴﴾ نشانه‌هایی که به آنها بر شهادت امام حسین (ع) استدلال شده ۲۳۸
- ﴿باب ۲۵﴾ آنچه در باره کشته شدن امام حسین و یحیی بن زکریا (ع) وارد شده ۲۴۳
- ﴿باب ۲۶﴾ گریستن تمام مخلوقات بر حضرت حسین بن علی (ع) ۲۵۱
- ﴿باب ۲۷﴾ گریستن فرشتگان بر حضرت حسین بن علی (ع) ۲۶۴
- ﴿باب ۲۸﴾ گریستن آسمان و زمین بر شهادت حسین (ع) و یحیی بن زکریا (ع) ۲۸۳
- ﴿باب ۲۹﴾ نوحه سرائی طائفه جن بر حسین بن علی (ع) ۳۰۱
- ﴿باب ۳۰﴾ نفرین و لعنت نمودن کبوتران در حق قاتلین حضرت امام حسین (ع) ۳۱۵

- «باب ۳۱» نوحه سرائی و ذکر مصیبت نمودن جعفر بن محمد حضرت امام حسین (ع) ۳۱۸
- «باب ۳۲» ثواب کسی که بر حضرت حسین بن علی (ع) گریه کند ۳۲۲
- «باب ۳۳» ثواب کسی که بواسطه گفتن شعر در مصیبت امام حسین (ع) گریه کند و ... ۳۳۸
- «باب ۳۴» ثواب کسی که آب نوشیده و یاد امام حسین (ع) نموده و ... ۳۴۷
- «باب ۳۵» گریستن حضرت علی بن حسین بر حسین بن علی سلام الله علیهم ۳۴۸
- «باب ۳۶» امام حسین (ع) کشته اشک بوده و ... ۳۵۱
- «باب ۳۷» روایاتی که دلالت دارند بر اینکه امام حسین (ع) می‌تواند شهادت می‌باشد ۳۵۶
- «باب ۳۸» زیارت انبیاء (ع) حضرت حسین بن علی (ع) را ۳۶۵
- «باب ۳۹» زیارت فرشتگان حسین بن علی (ع) را ۳۷۱
- «باب ۴۰» دعاء نمودن رسول خدا (ص) و ... در حق زائرین امام حسین (ع) ۳۷۸
- «باب ۴۱» دعاء فرشتگان در حق زائرین قبر امام حسین (ع) ۳۸۷
- «باب ۴۲» فضیلت و اجر نماز فرشتگان برای زائرین قبر حضرت امام حسین (ع) ۳۹۳
- «باب ۴۳» وجوب زیارت حضرت امام حسین (ع) بر هر مرد و زن و ... ۳۹۵
- «باب ۴۴» ثواب کسی که به زیارت حضرت امام حسین (ع) رفته و ... ۳۹۹
- «باب ۴۵» ثواب کسی که با ترس و هراس به زیارت حضرت امام حسین (ع) برود ۴۰۸
- «باب ۴۶» اجر و ثواب آنچه شخص در زیارت حضرت امام حسین (ع) اتفاق می‌کند ۴۱۴
- «باب ۴۷» آنچه مکروه است همراه بردنش برای زیارت حضرت حسین (ع) ۴۲۲
- «باب ۴۸» در بیان اینکه واجب است زائر حضرت حسین (ع) چه گونه باشد ۴۲۶
- «باب ۴۹» ثواب کسی که سواره یا پیاده به زیارت حضرت امام حسین (ع) برود و ... ۴۳۱

- ﴿باب ۵۰﴾ کرامت خداوند متعال در حق زوار حضرت حسین بن علی (ع) ۲۴۱
- ﴿باب ۵۱﴾ ایام زیارت حضرت حسین بن علی (ع) جزء عمر زائر شمرده نمی شود ۲۴۵
- ﴿باب ۵۲﴾ زائرین امام حسین (ع) همسایه رسول خدا (ص) و ... می باشند ۲۴۶
- ﴿باب ۵۳﴾ زائرین امام حسین (ع) قبل از همه مردم وارد بهشت می شوند ۲۴۸
- ﴿باب ۵۴﴾ ثواب کسی که زیارت امام حسین (ع) را نموده در حالی که عارف ۲۵۰
- ﴿باب ۵۵﴾ کسی که بخاطر حب رسول خدا (ص) و ... به زیارت امام حسین (ع) برود ۲۶۲
- ﴿باب ۵۶﴾ ثواب کسی که از روی شوق به زیارت حضرت امام حسین (ع) برود ۲۶۵
- ﴿باب ۵۷﴾ ثواب کسی که به امید اجر از خدا به زیارت حضرت امام حسین (ع) برود ۲۷۲
- ﴿باب ۵۸﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) افضل اعمال می باشد ۲۷۹
- ﴿باب ۵۹﴾ کسی که حضرت امام حسین (ع) را زیارت کند مثل کسی است که ۲۸۳
- ﴿باب ۶۰﴾ زیارت حضرت امام حسین و آئمه (ع) معادل با ۲۹۱
- ﴿باب ۶۱﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) عمر و اطولانی و روزی را فراخ و ۲۹۴
- ﴿باب ۶۲﴾ زیارت امام حسین (ع) گناهان را محو می کند ۲۹۸
- ﴿باب ۶۳﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) معادل یک عمره می باشد ۵۰۶
- ﴿باب ۶۴﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) معادل یک حج می باشد ۵۱۳
- ﴿باب ۶۵﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) معادل یک حج و یک عمره می باشد ۵۲۰
- ﴿باب ۶۶﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) معادل چند حج می باشد ۵۳۳
- ﴿باب ۶۷﴾ زیارت حضرت امام حسین معادل با آزاد کردن بندگان می باشد ۵۴۵
- ﴿باب ۶۸﴾ زوار حضرت امام حسین (ع) شفاعت دیگران را می کنند ۵۴۷

- «باب ۶۹» زیارت حضرت امام حسین (ع) نجم و الخلیفه را برطرف کرده و ۵۵۲
- «باب ۷۰» (ثواب زیارت امام حسین (ع) در روز هوفه ۵۶۱
- «باب ۷۱» ثواب کسی که در روز عاشورا امام حسین (ع) را زیارت کند ۵۷۳
- کیفیت خواندن زیارت عاشورا ۵۸۳
- «باب ۷۲» ثواب زیارت حضرت امام حسین (ع) در نیمه شعبان ۵۹۲
- «فصل» در بیان اهمال نیمه ماه شعبان ۵۹۷
- «باب ۷۳» ثواب کسی که حضرت امام حسین (ع) را در رجب زیارت کند ۶۰۱
- «باب ۷۴» ثواب زیارت امام حسین (ع) در غیر روز عید و هوفه ۶۰۳
- «باب ۷۵» ثواب کسی که در قرات غسل کرده و به زیارت امام حسین (ع) برود ۶۰۷
- «باب ۷۶» جواز ترک غسل برای زیارت امام حسین (ع) ۶۱۴
- «باب ۷۷» زائرین حضرت امام حسین (ع) که به حق آن حضرت عارف هستند ۶۲۱
- «باب ۷۸» در پاره کسانی که زیارت حضرت امام حسین (ع) را ترک می کنند ۶۳۱
- «باب ۷۹» در نقل زیارات وارده برای حضرت حسین بن علی (ع) ۶۳۶
- زیارت نامه نوزدهم حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ۶۹۶
- زیارت نامه بیستم حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ۶۹۷
- زیارت نامه بیست و یکم حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ۶۹۹
- «باب ۸۰» کیفیت خواندن نماز نزدیک قبر حضرت امام حسین (ع) ۷۵۲
- «باب ۸۱» قصر نماز واجب و رخصت در نماز مستحبی در حائر و ۷۵۷
- «باب ۸۲» تمام خواندن نماز کنار قبر حضرت امام حسین (ع) و تمام مشاهد مشرفه ۷۶۳

- ﴿باب ۸۳﴾ نماز فریضه در حرم امام حسین (ع) معادل حج و ۷۷۱
- ﴿باب ۸۴﴾ وداع با قبر حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهما ۷۷۶
- ﴿باب ۸۵﴾ زیارت قبر حضرت عباس بن علی (ع) ۷۸۵
- ﴿باب ۸۶﴾ وداع با قبر حضرت عباس بن علی (ع) ۷۸۸
- ﴿باب ۸۷﴾ وداع با قبور شهداء (ع) ۷۹۰
- ﴿باب ۸۸﴾ فضیلت کربلاء و زیارت امام حسین (ع) ۷۹۱
- نقل حدیث امّ ایمن به روایت علیا مخذره حضرت زینب (س) ۷۹۸
- فضیلت کربلاء و زیارت امام حسین (ع) ۸۰۹
- ﴿باب ۸۹﴾ فضیلت حائر حسینی (ع) و حرمت آن ۸۲۳
- ﴿باب ۹۰﴾ حائر حسینی (ع) از مواضعی است که دعاء در آن محبوب خدا می باشد ۸۲۷
- ﴿باب ۹۱﴾ شفاء بودن تربت قبر حضرت امام حسین (ع) و مقدار مستحب بودن آن ۸۳۲
- ﴿باب ۹۲﴾ تربت قبر حضرت امام حسین (ع) شفاء و امان می باشند ۸۴۵
- ﴿باب ۹۳﴾ مکان و کیفیت اخذ تربت قبر حضرت امام حسین (ع) ۸۴۹
- ﴿باب ۹۴﴾ آنچه شخص هنگام تناول نمودن تربت می گوید ۸۶۳
- ﴿باب ۹۵﴾ حرمت خوردن تمام تربت ها مگر تربت قبر امام حسین (ع) ۸۶۵
- ﴿باب ۹۶﴾ کیفیت زیارت نمودن کسی که منزل و وطنش از قبر حضرت سیدالشهداء (ع) دور می باشد ۸۶۸
- ﴿باب ۹۷﴾ مکروه بودن جفاء نسبت به زیارت قبر حضرت امام حسین (ع) ۸۷۸
- ﴿باب ۹۸﴾ کمترین مدتی که در آن حضرت امام حسین (ع) را می باید زیارت کرد و ... ۸۸۸

- «باب ۹۹» ثواب زیارت قبر موسی بن جعفر و محمد بن علی الجواد (ع) در بغداد ۹۰۳
- «باب ۱۰۰» در بیان زیارت نامه حضرت موسی بن جعفر (ع) و امام جواد (ع) ۹۱۲
- «باب ۱۰۰» در بیان زیارت نامه موسی بن جعفر (ع) و امام جواد (ع) ۹۱۲
- «باب ۱۰۱» ثواب زیارت حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا (ع) در طوس ۹۱۸
- «باب ۱۰۲» زیارت قبر حضرت ابی الحسن الرضا (ع) ۹۳۱
- «باب ۱۰۳» زیارت نامه حضرت ابی الحسن علی بن محمد الهادی و حضرت ابی محمد الحسن بن علی المکری (ع) ۹۴۴
- «باب ۱۰۴» زیارت نامه جمیع ائمه (ع) زیارت جامعه ۹۴۸
- «باب ۱۰۵» فضیلت زیارت مؤمنین و کیفیت آن ۹۵۸
- «باب ۱۰۶» فضیلت زیارت حضرت فاطمه (س) دختر موسی بن جعفر صلوات الله علیه در شهر قم ۹۷۳
- «باب ۱۰۷» فضیلت زیارت قبر حضرت عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی در ری ۹۷۵
- «باب ۱۰۸» زیارت نادره ۹۷۷

﴿ کتاب منتشر شده پیام حق ﴾

- تفسیر قرآن (المقام شرح فارسی جوامع الجامع) مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی
ترجمه کامل الزیارات
کلیات مفاتیح الجنان (رحلی - وزیری - جیبی)
متن منتخب مفاتیح
درشت خط
ادعیه مناجات با خدا
داروری های شگفت (قضاوت های حضرت علی علیه السلام)
فرهنگ جیبی واژه های قرآن
انسیه الحوراء (فاطمة الزهراء علیها السلام)
سارعوا (سرعت به سوی مغفرت)
سوره مبارکه انعام با دعای توسل و زیارت عاشورا
گوهر نفیس (دویست حدیث با ترجمه)
یادگیری و مهارت کودک
دفتر آمادگی کودک ۴ جلدی
دوست دارم بدانم که (نوجوانان علمی) ۴ جلدی
سفر به سرزمین های ناشناخته (نوجوانان علمی) ۴ جلدی
رازهای یک جنگل ۳ جلد (علمی)
مترجم: سید شمس الدین جواهریان
مترجم: رضا شیرازی
مترجم: فرزاد سجودی
مترجم: سید شمس الدین جواهریان

